مجموعه

قوانین موضوعه و مسائل مصوبه
دوره یازدهم قانونگذاری

۲۷ شهریورماه ۱۳۱۶ تا ۲۷ شهریورماه ۱۳۱۸

مقدمه

چون نسخ چاپی مجموعه قوانین دوره یازدهم قانونگذاری باتمام رسیده تا گزیر ازچاپ دوم آن بودیم اینك چاپ دوم آن برای تقدیم بمراجعین محترم که عیناً همان مجموعه سابق است شروع میشود ونکاتی که درموقع چاپ قوانین دوره قبل مراعات میشده کماکان دراین مجموعه مراعات گردیده است .

اول

مجموعهٔ مصوبات دوره یازدهم قانونگزاری بر هفت قسمت بشرح زیر تقسیم شده است:

قسمت اول ـ قوانین (مصوباتی که جنبه عمومی داشته وعامه مشمول مقررات آن میباشند منجمله قوانین قضائی مصوب کمیسیون قوانین عدلیه)

قسمت دوم ـ امتیازات .

قسمت سوم ـ عهدنامه ها و مقاوله نامه ها (عهدنامه هائی که با دول بیگانـه منعقد شده ویا اینکه بین سایر دول منعقد و دولت شاهنشاهی نیز درآن شرکت نموده است) .

قسمت چهارم ـ کنتراتها (اجازه استخدام مستخدمین بیگانه) .

قسمت پنجم ـ مصوبات مالی (بودجه‌ها ـ اعتبارات) .

قسمت ششم ـ تصمیمات متفرقه .

قسمت هفتم ـ آئین‌نامه های مصوب کمیسیونهای مجلس (آئین‌نامه هائی که

بموجب اختیارات حاصله از قوانین مربوطه بتصویب کمیسیونهای پارلمانی رسیده است).

دوم

قسمتی که در این مجموعه نیز رعایت شده است نسخ و اصلاحاتی است که بعد از تصویب قانون درطی دوره یازدهم و یا دوازدهم (تاموقع چاپ این مجموعه) درهمان قوانین بعمل آمده است ـ اصلاحات مزبور را در جای خود یاد آور و خوانندگان بماده اصلاحیه راهنمائی شده‌اند ـ آن قسمت ازقوانین منسوخه برای اینکه جالب نظر باشد با حروف ریز چاپ وزیر صفحه تاریخ نسخ آن یادآوری شده‌است .

سوم

برای سهولت مراجعه وپیدا کردن محل هرقانونی درهر قسمت و درفهرست خاص آن قسمت این نکته در نظر گرفته شده است که قوانین راجعه بیك موضوع (مثلاقوانین قضائی یا قوانین‌مالی) یا بیك وزارتخانه (قوانین مربوطه بوزارت‌کشور یا وزارت فرهنگ) اگرچه ازحیث تاریخ تصویب مقدم و مؤخر باشد پشت سرهم چاپ گردد مخصوصاً این نکته درقسمت اعتبارات رعایت شده است که بودجه کل هر سال درابتداء واصلاحات واضافاتی که بموجب قوانین‌مخصوص درهریك ازموادبودجه شده‌است پشت سرآن چاپ وحتی اصلاحات مختلف راجع به بودجه هر وزارتخانه و همچنین اعتبارات مربوطه بآن وزارتخانه یا بنگاه دریك محل گنجانیده شده است .

چهارم

در قسمت تصمیمات متفرقه آنجا که مربوط باظهار اعتماد بکابینه های دولت میباشد تا کنون بچاپ تصمیم اعتماد اکتفا میشده است و از ذکر نام آقایان وزراء و معاونین خودداری میشده اینك نظر بلزوم استحضار خوانندگان از اسامی اعضاء

کابینه در زیر صفحه مربوطه نام کلیه آقایان وزرائی که معرفی شده‌اندونام معاونین آنها بترتیب تاریخ معرفی درج وچاپ شده است .

پنجم

فهرستی که برای این مجموعه درنظر گرفته شده بدوقسمت تقسیم گردیده‌است.

الف -فهرست تقسیمی ـ به ترتیب تقسیمات هفت گانه مصوبات و آن نیز بر دو قسمت است :

۱ - فهرست کلی ـ که در ابتدای این مجموعه گذارده شده و محل هریك از قسمتهای هفت گانه را بطور کلی معین میکند .

۲ - فهرست جزئی ـ که برای هرقسمت علیحده تنظیم شده و شامل فهرست کلیه قوانین مندرجـه در آن قسمت میباشد . این فهرست در متن کتاب در ابتدای قسمتهای مربوطه قرار داده شده است .

ب - فهرست تاریخی ـ که در آخر کتاب قرارداده شده وکلیه مصوبات‌دوره یازدهم قانون گزاری بترتیب تاریخ تصویب درآن ذکر گردیده است .

اداره مطبوعات واطلاعات مجلس شورای ملی

آبان ماه ۱۳۳۷

فهرست

قوانین موضوعه و مصوبات
دوره یازدهم قانون گزاری

(فهرست تقسیمی)

فهرست مصوبات دوره یازدهم قانون گزاری

فهرست

قسمت اول - قوانین

فهرست قسمت اول - قوانین

فهرست قسمت اول - قوانین

فهرست قسمت اول - قوانین

قسمت اول

قوانین

قانون

اجازهٔ تأسیس دو وزارتخانه تجارت و صناعت

مصوب ۸ مهرماه ۱۳۱۶

ماده‌اول ــ بجای اداره کل تجارت واداره کل صناعت که فعلا موجودهستند دروزارت خانهٔ ذیل تأسیس میشوند :

اول ــ وزارت تجارت

دوم ــ وزارت صناعت ومعادن

ماده دوم ــ تشکیلات اداری دووزارتخانهٔ مذکور برطبق نظامنامهٔ خواهد خواهد بودکه بتصویب هیئت وزراء خواهد رسید .

ماده‌سوم ــ قانون تأسیس وزارت طرق وشوارع ووزارت اقتصادملی مصوب ۲۷ اسفندماه ۱۳۰۸وقانون راجع‌بتقسیمات وزارت اقتصاد ملی مصوب ۱۶ خردادماه ۱۳۱۰ درقسمتی که بااین قانون مباین است نسخ میشود .

ماده چهارم ــ این قانون از اول مهرماه ۱۳۱۶ مجری است .

این قانون‌که مشتمل‌برچهار ماده‌است درجلسهٔ هشتم مهرماه‌یکهزاروسیصدو شانزده بتصویب مجلس‌شورای ملی‌رسید . رئیس‌مجلس‌شورای‌ملی ـ حسن‌اسفندیاری

قانون

اجازه فروش خالصجات اطراف طهران

مصوب ۲۰ آبانماه ۱۳۱۶

ماده۱ ـ از تاریخ اجرای این قانون تاده سال دولت مجاز است کلیه خالصجات اطراف طهران را باستثنای رقباتیکه نگاهداری آنهااز لحاظ مزارع نمونه لازم بداند مطابق مقررات این قانون بفروش برساند .

ماده۲ ـ فروش خالصجات بطریق مزایده بعمل خواهد آمد باین ترتیب که کمیسیونی مرکب از سه نفر بانتخاب وزارتمالیه تشکیل خواهد شد کمیسیون مزبور پس از کسب نظر از سه نفر خبره حد اقل بهای هرملك را که از ده مقابل منافع خالص حد وسط سه محصول قبل ازسال انتشار آگهی فروش کمتر نخواهد بود معیّن ونشر آگهی میدهد .

ماده۳ ـ هرخالصه که پنجاه هزار ریال یا کمتر بها داشته باشد فقطدرمقابل وجه نقد فروخته خواهد شد سایر خالصجات را میتوان باقساطی که مدت پرداخت آن از پنجسال تجاوزنکند فروخت مشروط براینکه ربع بها اگر ربع بهاء پنجاه هزار ریال یا کمتر باشد لااقل پنجاه هزارریال نقداً تأدیه گردد .

سایر شرایط فروش بموجب نظامنامه های وزارتمالیه معیّن میشود .

ماده۴ ـ نسبت بوجوه حاصله از فروش این خالصجات طبق مادهٔ (۶) قانون مصوب دیماه ۱۳۱۲ عمل خواهد شد . ※

※ بموجب ماده ۹ قانون ۲۹ اسفند ماه ۱۳۱۶ محل تأمین اضافه سرمایه بانك فلاحتی و صنعتی از محل فروش خالصجات خواهد بود .

بموجب ماده ۵ قانون ۲۱ اسفند ۱۳۱۷ از محل فروش خالصجات بهای املاك ویامستغلاتی که برای دولت خریداری میشود پرداخته خواهد شد .

ماده۵ ـ وزارت مالیه مجاز خواهد بود خالصجات واقعه درخوزستان ایذه و دشتستان وقسمتی از بنادر جنوب وقطعات دیگر را که برای اسکان زارعین لازم باشد مطابق نظامنامه هیئت وزراء باقساط یابلاعوض بآنها واگذار نماید .

این قانون که مشتمل برپنج ماده است درجلسه بیستم آبان ماه یکهزاروسیصدو شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اجازهٔ فروش قسمتي ازجواهرات سلطنتی

مصوب ۲۵ آبانماه ۱۳۱۶

ماده اول ـ مجلس شورای ملی بدولت اجازه میدهد آن قسمت از جواهرات سلطنتی را که طبق مادهٔ (۲) این قانون بلااستفاده تشخیص داده شود ببانك ملی انتقال داده وبانك آنرا جزء سرمایه خود منظور دارد .

ماده دوم ـ تفکیك جواهرات از نقطه نظر اهمیت تاریخی توسط کمیسیونی بعمل خواهد آمد . کمیسیون مزبور در تحت ریاست رئیس دولت وعضویت دو نفر از وزراء ودو نفر از نمایندگانی کــه برای این منظور از طرف مجلس شوزای ملی انتخاب میگردند تشکیل خواهد شد ☆

ماده سوم ـ هرموقع که بانك ملی فروش هرقسمت از جواهرات را مناسب ومقتضی بداند باید قبلاً جواهرات مزبورتحت نظر کمیسیونی مرکب از پنج نفر که سه نفر آن از طرف دولت و دو نفر از طرف مجلس شورای ملــی انتخاب میگردند ارزیــابی شده وترتیب فروش آن داده شود . بهای حاصل ازفروش منحصراً بمصرف

☆ در تازیخ ۳۰ آبان ۱۳۱۶ آقایان مؤید احمدی - اعتبار ازطرف مجلس برای عضویت کمیسیون انتخاب شدند .

دهستان را تنظیم کرده مدت اجرای برنامه ومصارف آن وسهم هریك ازمالکین آن دهستان را در هزینه و ترتیب اجرای آن معیّن خواهد کرد.

برنامهٔنامبرده پس ازموافقت فرماندارشهرستانبموقع اجرا گذاشتهخواهدشد.

اشخاص ذی نفع هر گاه بتصمیماتشورای بخش اعتراض داشتهباشندمیتوانند اعتراضاتخودراموجهاً بخودشورایبخش بدهند. شورایبخش باعتراضاترسیدگی کرده رأی میدهد. در صورتیکه معترض از رأی شورا رضایت نداشتهباشدبفرماندار شهرستان مراجعه میکند فرماندار مکلفاست اعتراض را در شورایاداریشهرستان طرح نماید شورای اداری میتواند لدی الاقتضاء جلب نظر اهل خبره رابنماید ـ رأی شورای شهرستان قطعی است.

ماده۳ ـ هر گاه علت خرابی ملکی عدم قدرت مالی مالك باشد پس ازتحقیق از وضعیتملك ومالك واحراز لزومهزینه ومقدار آن وسائلعمران ازراهاستقراض یانحو دیگر به ترتیب مذکور در نظامنامهای که بتصویب هیئت وزرا میرسدفراهم خواهد شد.

ماده۴ ـ در صورتیکه علت خرابی با داشتن قدرت مالی عدمموفقیتمالكدر تهیه وسایل عمران بواسطه بیاطلاعی یا ضعف قوا باشد ویا با موجود بودن وسیله عمران خرابی ملك یا قنات براثر مسامحه وبیقیدی مالك یا یکی از شرکاءِ ملكیا قنات باشد واقداماتی که برای وادار کردن مالك بعمران ملك یا قنات بعمل آمده مؤثر نشود ملك یا قنات بوسیله شرکتهاو مؤسسات بهرهبرداری فلاحتی کهمطابق ماده ۲۱ قانون تقسیمات کشور و وظایف فرمانداران و بخش داران مصوب۲۰آبان ۱۳۱٦ تشکیل میشودبحساب مالك یابعنوان اجاره برای مدتی کهشورایبخشمعیّن میکنند اداره و عمران خواهد شد.

ماده۵ ـ در موارد مذکور در ماده ٤ شورای بخش گزارشی مشتمل برامور

خرید شمش طلا خواهد رسید .

این قانون که مشتمل برسه ماده است در جلسه بیست و پنجم آبان ماه یکهزار و سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون عمران

مصوب ۲۵ آبانماه ۱۳۱٦

ماده۱ ـ مالکین اراضی فلاحتی مکلف به عمران آن هستند و این تکلیف نسبت باملاک وقف بعهده متولی یاقائم مقام او ودر املاک ثلث بعهده وصی ودراملاک محجورین بعهده ولی آنهاست .

مقصود از عمران مذکور در این ماده حاصل شدن حد اکثر استفاده فلاحتی است بوسیله احداث واحیاء وتعمیر قنوات ـ دائر کردن اراضی بایر ـ دائر نگاهداشتن انهار بطریق اصول فنی فلاحتی و بهداشتی ـ احداث واصلاح خانه های رعیتی با رعایت اصول بهداشتی ـ تأسیس راههای فرعی بین دهات ـ ایجاد پست‌های بهداشتی خشك کردن اراضی باتلاقی بوسیله زه کشی وغیره .

تبصره ـ عمران خانه های رعیتی که عرصه آن متعلق بمالك است بعهده صاحب اعیانی میباشد .

ماده۲ ـ مصارف لازمه عمران که متضمن نفع عمومی دهستان است بوسیله تعاون مالکین دهات واقع در هر دهستان تأمین می شود ترتیب اجراء تعاون بقرار زیر است :

شورای بخش بفراخور حوائج و استعداد ترقی و آبادی هر دهستان واقع در حوزه خود برنامه راهسازی وبهداری ودائر و آباد کردن انهار وقنواة مشترك آن

زیر در دو نسخه تهیه و تسلیم بخشدار مینماید :

الف ـ وضعیت ملك یا قنات و جهات خرابی آن ومشخصات مالك ومتصدی.

ب ـ چه اقدامی برای عمران ملك یا قنات لازم است وهزینه آن بطورتحقیق وترتیب استهلاك آن بارعایت اعاشه مالك چیست .

ج ـ عملی که مطابق ماده چهاربرای اجبار مالك بعمران متناسب است .

بخشدار یك نسخه از آن گزارش رابمالك یا مالکین ملك یاقناتی کهموردنظر شورای بخش بوده است یا کسی که قائم مقام مالك است از قبیل وصی یامتولی یاولی بفوریت ابلاغ میکند . مالك یا قائم مقام او مکلف است در ظرف ده روز با رعایت مسافت قانونی هر نظر و دفاعی در مقابل گزارش شورای بخش دارد کتباً به بخشداربدهد .

بخش‌دار نسخه دیگر گزارش شورای بخش و جواب مالك یا قائم مقام او را نزد فرماندار شهرستان می‌فرستد ـ فرماندار گزارش شورا و جواب آنرا رسیدگی کرده درصورتیکه لازم بداند توضیحات مقتضی اخذ مینماید ورأی خودرامیدهد .

در صورتیکه مالك یا مالکین یا قائم مقام آنان تسلیم برأی فرماندار نباشند میتوانند در ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ آن با رعایت مسافت قانونی بفرماندار اعتراض کنند این اعتراض در مجلس تجدید نظر مرکب ازخود فرماندار شهرستان ورئیس عدلیه و نماینده اداره کل فلاحت ودر غیاب او رئیس مالیه رسیدگی میشود فرماندار میتواند لدی الاقتضاء جلب نظر اهل خبره را بنماید رأی این مجلس قطعی است و بموقع اجراء گذاشته میشود .

ماده٦ ـ در صورتیکه مالك یا مالکین یاقائم مقام آنان درظرف ده روز پس از ابلاغ نسخه ثانی گزارش شورای بخش با رعایت مسافت قانونی سکوت اختیار کنند نسخه ثانی گزارش شورا نزد فرماندار شهرستان فرستاده میشود و فرماندار فقط باستناد گزارش نامبرده رأی میدهد ـ همینطور هر گاه درظرف ده روزازتاریخ ابلاغ

رای فرماندار از طرف مالك یا مالکین یا قائم مقام آنان اعتراضی بفرماندار نرسد رأی فرماندار قطعی و قابل اجراء است .

ماده۷ ـ هر گاه قبل از اجرای رأی فرماندار یا رأی مجلس تجدید نظر مالك یا مالکین یا قائم مقام آنان تعمیرات ملك یاقنات را موافق مدلول رأی انجام دهند اجرائیات فرمانداری موقوف میماند .

ماده۸ ـ ترتیب اجراء رأی فرماندار یا مجلس تجدید نظر مطابق نظامنامه وزارت داخله خواهد بود .

ماده۹ ـ اداره کل فلاحت مکلف است بمالکین و زارعین که از حیث ترقی محصول وعمران اراضی برسایرین سبقت جسته باشند مطابق نظامنامه مخصوص جایزه اعطاء نماید .

ماده ۱۰ ـ هر گاه مأمورین دولتی و شهرداری و اعضای شورا های بخش و شورا های اداری شهرستان درموارد اعمال و اجرای مقررات این قانون برخلاف حقیقت یا باغراض خصوصی نظری کتباً اظهار نمایند وبنظر آنها اثری مترتب شود بحبس تأدیبی ازششماه تا دوسال محکوم خواهند شد بعلاوه مرتکب مسئول جبران کلیه خسارات وارده باشخاص ذینفع خواهد بود ودرصورت تعدد مرتکبین کلیه آنها مشترکاً مسئول جبران خسارت میباشند .

ماده ۱۱ ـ هر گاه در موقع اجرای برنامه فلاحتی که از طرف اداره کل فلاحت برای کشور تنظیم و اعلام میشود در دهستانها اشخاص ذینفع از نظر آب وهوا واستعداد زمین به کشت نوع معینی ازمحصولات اعتراض داشته باشند بشورای بخش موجهاً شکایت میکنند ـ شورای بخش گزارش خود را با اظهار نظر نسبت بشکایت مزبور بفرماندار تسلیم مینماید وفرماندار با جلب نظر شورای شهرستان

و اداره کل فلاحت رأی مقتضی صادر مینماید .

این قانون که مشتمل بر یازده ماده است در جلسه بیست و پنجم آبان ماه یکهزارو سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

راجع به تعیین سهم مالك و زارع نسبت بمحصول زمینهای زراعتی

مصوب ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۸

ماده۱ ـ وزارت دادگستری مجاز است برای تعیین سهم مالك و زارع نسبت بمحصول زمینهای زراعتی اعم از محصول صیفی و شتوی و درختی و اعم از اینکه محصول آبی بوده یا دیمی باشد و آبی اعم از رود آب یا چشمه یا قنات آئین‌نامهٔ براساس عوامل پنج گانه آب و زمین و کارو گاو و بذر وبا رعایت کیفیت آب وهوا تنظیم نموده و پس ازتصویب هیئت وزیران در هربخش که قبلا آگهی شده باشد بموقع اجراء گذارد .

ماده۲ ـ برای حل اختلاف بین مالك وزارع راجع بامرزراعت بشرطاینکه اختلاف درمالکیت‌آب وخاك نباشدآئین دادرسی مخصوص با تعیین مرجع رسیدگی باختلاقات که براساس تسریع باشد وزارت دادگستری تنظیم مینماید تا درهر بخش که مقتضی بداند طبق آن باختلافات حاصله رسیدگی‌شود .

ماده۳ ـ برای تعیین حدود و شرایط گله داری و باغداری در مورد باغها و دامهائیکه زارعین دراملاك اربابی‌داشته ویامیخواهند دارا شوند وزارت دادگستری بمعیت اداره کل‌کشاورزی آئین نامه براساس اعتدال ودرحدیکه بامر زراعت سکته

وارد نیاورد تنظیم کرده و پس از تصویب هیئت‌وزیران درهر بخش که قبلاً آگهی شده باشد بموقع اجراء میگذارد .

ماده۴ ـ قرارداد خصوصی کتبی بین مالك و زارع در مورد ماده یك و سه چنانچه قبل از وضع این‌قانون‌وجودداشته‌ویا بعداً تنظیم بشود دربارهٔ‌طرفین قرارداد معتبر بوده و طبق آن عمل خواهد شد و چنانچه مدت قرارداد بیش از پنج سال باشد با انقضاء پنج سال از تاریخ انعقاد قرارداد ملغی است مگر اینکه با تراضی تجدید گردد .

قراردادهای خصوصی راجع بتقسیم محصول باغ اگر مدت داشته باشد تابع مدت مقررخواهد بود واگر بدون مدت تنظیم شده‌باشد تعیین مدت‌آن مطابق آئین نامه هیئت وزیران خواهد بود .

این قانون که مشتمل بر چهار ماده است در جلسه بیست و پنجم شهریورماه ۱۳۱۸ بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه تمدید مدت پروانه‌های ورودی

مصوب ۵ دیماه ۱۳۱۶

ماده واحده ـ پروانه‌های ورودی که مدت اعتبار یکساله آنها منقضی شده و مورد استفاده واقع نگردیده‌اند در صورتیکه طبق اسناد و مدارك بـه تشخیص وزارت تجارت طبق مقرراتی که برای این منظور بتصویب هیئت‌دولت خواهدرسید معلوم شود عدم استفاده از آنها براثر پیش‌آمدی بوده‌است که دارندگان اوراق مزبور قادر بر رفع نبوده‌اند برای مدتی که وزارت تجارت معیّن نماید و حداکثر

آن از شش ماه تجاوز نخواهد کرد قابل استفاده خواهند بود مشروط بر اینکه اولا تاریخ صدور آن اوراق زودتر از ۱۲ ماه قبل از اجرای قانون ارز مصوب دهم‌اسفند ۱۳۱٤ نبوده و ثانیاً شخص ذینفع وظایف خود را در موقع مناسب برای استفاده از آن بعمل آورده باشد .

این قانون که مشتمل بر یك مـاده است در جلسه پنجم دی مـاه یکهزارو سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اساسنامهٔ بانك ملی ایران

مصوب ۲۲ امرداد ماه ۱۳۱۷

فصل اول ـ کلیات

ماده۱ ـ بانك ملی ایران که بموجب قانون ١٤ اردیبهشت ما ۱۳۰٦ تشکیل شده بنگاهی است بصورت شرکت سهامی که طبق قانون مصوب ۲۲ اسفندماه۱۳۱۰ دارای حق انحصاری انتشار اسکناس در تمام کشور میباشد . منظوربانك حفظارزش پول و تنظیم اعتبارات است .

ماده۲ ـ مرکز بانك در پایتخت است .

بانك میتواند در داخله و خارجه شعبی تأسیس و یا نمایندگانی معیّن نماید ایجاد شعبه در خارجه با موافقت هیئت وزراء خواهد بود .

فصل دوم ـ سرمایه و اندوخته

ماده۳ ـ سرمایه‌بانك بموجب قانون ۱۷ تیرماه ۱۳۱٤ سیصد ملیون ریال

است که به سی هزار سهم ده هزار ریـالی تقسیم میشود . کلیه سهام مزبور از طرف دولت تعهد شده و ۲۳۵۳۳۵۷۵۷/۱۰ ریال آن پرداخت گردیده است . هر سهم حق يك رأی دارد .

سهام بانك یا گواهینامه‌های موقت قـابل انتقال نیست مگر بموجب قانون مخصوص و فقط باتباع ایران .

تبصره ـ علاوه برمبلغ فوق جواهرات سلطنتی موضوع قانون ۲۵ آبان ۱۳۱۶ جزء سرمایه بانك محسوب و بهای آنها پس از ارزیابی و یـا فروش بسرمایه نقدی فوق اضافه میگردد .

ماده ۴ ـ همه ساله ده درصد از سود ویژه بانك برای اندوخته احتیاطی کنار گذاشته میشود تا وقتی که اندوخته مزبور معادل سرمایه بانك بشود .

علاوه بر این مدیر کـل بانك میواند برداشت مبالغ دیگری را از محل سود ویژه سالیانه برای افزایش اندوخته احتیاطی یا فراهم آوردن اندوخته‌های دیگری بمجمع عمومی پیشنهاد کند .

فصل سوم ـ ارکان بانك

ماده ۵ ـ بانك دارای ارکان ذیل است :

الف ـ مجمع عمومی دارندگان سهام .

ب ـ مدیر کل .

ج ـ شورای عالی .

د ـ هیئت عامل .

ه ـ هیئت اعتبارات .

و ـ هیئت نظارت اندوخته اسکناس .

ز ـ هیئت نظار .

ح ـ بازرس دولت .

الف ـ مجمع عمومی دارندگان سهام

ماده ۶ ـ مجمع عمومی ممکن است عادی یا فوق العاده باشد . مجمع عمومی عادی سالی یکبار برحسب دعوت مدیر کل بانك در مرکز بانك منعقد میشود تاریخ انعقاد مجمع عمومی موقوف بتصمیم مدیر کل بانك است ولی در هرصورت نباید دیرتر از ۳۱ شهریور باشد .

مجمع عمومی فوق العاده ممکن است برحسب نظر مدیر کل بانك یا تقاضای یك پنجم دارندگان سهام یا رئیس شورای عالی یا رئیس هیئت نظار دعوت شود .

دستور جلسه مجمع عمومی فوق العاده را کسی که پیشنهاد دعوت آنرا نموده است تعیین خواهد نمود .

مدیر کل موظف است منتها در ظرف ده روز پس ازدریافت تقاضای دارندگان سهام یا رئیس شورای عالی یا رئیس هیئت نظار آگهی دعوت مجمع عمومی راانتشار دهد.

ماده ۷ ـ آگهی دعوت مجمع عمومی اعم از عادی یا فوق العاده باید لااقل ده روز و حداکثر ۲۰ روز قبل از انعقاد مجمع در مجله رسمی وزارت عدلیه منتشر گردد . درآگهی باید محل و ماه و رزز وساعت انعقاد مجمع وهمچنین دستورجلسه ذکر شود .

مجمع عمومی نمیتواند درمسائلی که ضمن دستور جلسه قید نشده شور نماید

ماده ۸ ـ نمایندگی سهام دولت در بانك بعهده وزیر مالیه و دونفر دیگر که از بین وزراء یا غیر آنها بنا بر پیشنهادوزیرمالیه بموجب تصویب هیئت وزراء تعیین میشوند خواهد بود .

اعضای شورای عالی وهیئت‌نظار وهیئت عامل وبازرس دولت برای شرکت‌در مذاکرات در مجمع عمومی حضورخواهند داشت ولی حق رأی ندارند .

ماده ۹ ــ مدیر کل بانك یاقائم مقام او مجمع عمومی راافتتاح میکنند وبعد بلا فاصله صاحبان سهام حاضر در مجمع بین خود ویابین اعضاء شورای عالی‌وهیئت نظار حاضر در مجمع یکنفر رئیس ویکنفر منشی انتخاب مینمایند .

ماده ۱۰ ــ وظایف مجمع عمومی بقرار ذیل است :

۱ ــ تصمیم‌درباره گزارش سالیانه بانك وتصویب ترازنامه‌وحساب سود وزیان پس از شنیدن گزارش هیئت نظار .

۲ ــ تصمیم راجع باندوخته ها .

۳ ــ تصمیم در هر گونــه مسائل مربوط بعملیات بانك که در دستور جلسه گذاشته شده باشد .

٤ ــ انتخاب اعضای شورای عالی .

٥ ــ انتخاب اعضاء هیئت نظار .

ماده ۱۱ ــ مجمع عمومی اعم از عادی یافوق العاده تمیتواند در مقررات‌این اساسنامه تغییر بدهد .

ماده ۱۲ ــ تصمیم‌های مجمع‌عمومی‌با کثریت آراءصاحبان‌سهام گرفته‌میشود .

ماده ۱۳ ــ صورت‌مجلس‌مذاکرات‌مجمع عمومی‌دردفتر مخصوصی‌نوشته‌شده وبامضای رئیس ومنشی مجمع و رئیس هیئت نظار خواهد رسید . دفتر نامبرده در صندوقی که رئیس ومنشی مجمع‌ورئیس هیئت نظار آنرا مهر خواهند کرد گذارده شده و در مرکز بانك نگاهداری میشود . رونوشت مصدق صورت مجلس بوزارت مالیه داده میشود .

ب ـ مدیر کل

ماده ۱۴ ــ مدیر کل بانك رئیس هیئت عامل وبالاترین مرجع اجرای امور بانك است و موافق این اساسنامه بانك را اداره مینماید وباستثنای مواردیکه در ماده ۵۳ پیش بینی شده بتنهائی دارای حق امضاء بنام بانك میباشد ــ مدیر کل بانك میتواندقسمتی از اختیارات خود را بقائم‌مقام ومعاونین ومدیران ونمایندگان مختار محول نماید .

استخدام ومعلق نمودن مستخدمین وتعیین شغل وحقوق وترفیع آنها وبطور کلی تمام امور داخلی واداری در حدود آئین نامه ها وبودجه ای که بتصویب شورای عالی خواهد رسید بامدیر کل است ــ لیکن انفصال اعضاء رسمی از خدمت بانك به پیشنهاد مدیر کل وتصویب شورای عالی بعمل خواهد آمد کارکنان رسمی بانك باید تماماً تبعه ایران باشند .

در مقابل دادگاه ها مدیر کل شخصاً یا توسط کسانیکه انتخاب میکند نماینده بانك خواهد بود . و بطور کلی در تمام موارد نمایندگی بانك بامدیر کل است .

تبصره ــ آئین نامه استخدام اعضاء رسمی بانك بتصویب شورای عالی خواهد رسید .

ماده ۱۵ ــ مدیر کل دارای یك قائم مقام ودو معاون خواهد بود که جمعاً هیئت عامل بانك را تشکیل میدهند .

ماده ۱۶ ــ مدیر کل بنابرپیشنهادوزیر مالیه وتصویب هیئت وزراءبرحسب فرمان همایونی برای مدت سه سال منصوب میگردد ـ انتخاب قائم مقام و معاونین بمعرفی مدیر کل وبموجب پیشنهاد وزیر مالیه بتصویب هیئت وزراء برای مدت

سه سال صورت میگیرد .

عزل هیئت عامل نیز بهمین ترتیب انجام خواهد گرفت .

مدیر کل وقائم مقام ومعاونین ممکن است قبل از انقضای مدت مأموریت‌خود تغییر یابند یاپس از پایان مدت تصدی ابقاء شوند .

ماده ۱۷ - مدیر کل و قائم مقام و معاونین باید قبل از شروع خدمت در حضور سه نفر از وزراء که از طرف هیئت دولت مأمور خواهند گردید باترتیبی که در آئین نامه استخدام مقرر میشود سوگند یاد نمایند .

ماده ۱۸ - مدیر کل وقائم مقام و معاونین باید ایرانی وتبعه ایران باشند و در مدت تصدی خود نمیتوانند هیچ شغل دولتی یاآزاد دیگر داشته‌ویا بهر عنوان دیگر سهیم یاذینفع در بنگاههای اقتصادی باشند .

ماده ۱۹ - مدیر کل از کلیه تصمیمات شورای عالی هیئت نظار را آگاه خواهد ساخت .

ج - شورای عالی

ماده ۲۰ - شورای عالی‌مرکب است‌ازهفت نفراتباع ایران که‌مجمع‌عمومی از اشخاص صلاحیت‌داربرای سه‌سال انتخاب مینماید شورای عالی از بین خودیکنفر رابسمت ریاست برای یکسال انتخاب میکنند .

تجدید انتخاب رئیس شورا ممکن خواهد بود .

در آخر سال اول پس از اجرای این اساسنامه دونفر و در آخر سال دوم دو نفر دیگر از اعضای اولیه شورای عالی بحکم قرعه از عضویت خارج وبجای آنها اعضاء دیگری انتخاب خواهند شد از آن ببعد هرسال اعضائیکه دوره سه ساله آنها سر رسیده باشد ازعضویت خارج و بجای آنها انتخاب بعمل خواهد آمد اعضائی را

که خارج میشوند میتوان دوباره انتخاب نمود .

ماده ۲۱ - جلسات شورای عالی وقتی رسمیت خواهد داشت که لااقل پنج نفر از اعضای آن در جلسه حضور داشته باشند تصمیم شورای عالی با کثریت آراء اعضای حاضر گرفته میشود . مدیر کل بانك در جلسات شورای عالی حضور داشته وحق رأی خواهد داشت .

ماده ۲۲ - وظایف شورای عالی بقرار ذیل است :

۱ - اجازه چاپ کردن اسکناس وبجریان انداختن یا از جریان خارج نمودن آن در حدود قوانین ومقررات مربوطه .

۲ - تعیین نرخ رسمی تنزیل به پیشنهاد مدیر کل .

۳ - اجازه معاملاتی که بطور استثناء بادولت بنرخی کمتر از نرخ رسمی انجام میگیرد .

٤ - تعیین بهای خرید وفروش زر برای معاملات بانك مادام که ماده ۱۰ قانون اصلاح قانون واحد ومقیاس پول مصوب ۲۲ اسفند ماه ۱۳۱۰ و قانون راجع بنرخ زر مصوب اول اردی‌بهشت ۱۳۱۳ باعتبار خود باقی‌است .

٥ - تصمیم راجع بخرید یا فروش زر و سیم و ورود آن بکشور یا خروج آن باتصویب هیئت وزراء .

٦ - تصمیم نسبت بدادن اعتبار به بانکهای خارجی و گرفتن اعتبار از آنها .

۷ - تعیین اعضای هیئت اعتبارات .

۸ - تصمیم در باره مسائلی که ازطرف مدیر کل بشورا مراجعه میشود .

۹ - شور وتصمیم راجع‌به آئین نامه‌های داخلی بانك که‌برای اجرای‌مقررات این اساسنامه ازطرف هیئت عامل پیشنهاد میگردد .

۱۰ - تصویب بودجه هزینه بانك .

۱۱ – تصمیم راجع به بستانکاریهای مشکوك یا دریافت نشدنی .

ماده ۲۳ – شورای عالی حق دارد اطلاعات راجع بامور بانك را کــه برای انجام وظایف خود لازم میداند از مدیر کل بخواهد بعلاوه میتواند هر موقع لازم باشد از اشخاصی که خود انتخاب میکند هیئت های مشاوری تشکیل داده و نظر آنها را بپرسد .

ماده ۲۴ – جلسات شورای عالی لااقل ماهی یکمرتبه تشکیل میبابد بعلاوه در هرموقع که لازم باشد برحسب دعوت رئیس شورا یا مدیر کل منعقد میشود .

ماده ۲۵ – در مورد معاملات بانك که طرف آن یکی از اعضاء هیئت عامل باشد وهر گاه طبق تصمیم مجمع عمومی برعلیه اعضاءِ هیئت عامل اقامه دعوی بشود شورای عالی سمت نمایندگی بانك را خواهد داشت .

د – هیئت عامل

ماده ۲۶ – جز در مواردیکه بموجب این اساسنامه استثناء شده است هیئت عامل دارای هر گونه اختیاربرای اداره کردن امور بانك میباشد و بخصوص عهده‌دار انجام امور ذیل است :

۱ – تصمیم نسبت بایجاد یا حذف شعب یا نمایندگیهای بانك .

۲ – تهیه طرح آئین‌نامه‌ها و پیشنهادهائی که باید بتصویب شورای‌عالی یــا مجمع عمومی برسد .

۳ – تهیه ترازنامه و گزارش هیئت عامل برای تقدیم بمجمع عمومی وتعیین دستور جلسه مجمع عمومی وتهیه طرح بودجه بانك برای تصویب شورای عالی .

٤ – تعیین امضاهای مجاز .

٥ – تعیین خط مشی کلی اعتبارات بانك .

تصمیم‌های هیئت عامل باموافقت مدیر کل ولااقل یکی از اعضای هیئت‌عامل گرفته میشود .

هـ ـ هیئت اعتبارات

ماده ۲۷ ـ هیئت اعتبارات هیئت مشاوری است مرکب ازسه نفر که‌شورای عالی از بین اعضاء خود برای مدت یکسال انتخاب مینماید .

ماده ۲۸ ـ هیئت اعتبارات در مسائل مربوط باعتبارات ببانك کمك کرده و خط مشی کلی اعتبارات بانك را ترسیم و نظریات خود را نسبت بنوع و میزان کلی اعتبارات به هیئت عامل پیشنهاد خواهد نمود .

و ـ هیئت نظارت اندوخته اسکناس

ماده ۲۹ ـ برای نظارت دراندوخته اسکناس هیئت مخصوصی مرکب‌ازهفت نفر بشرح ذیل تشکیل میشود :

از طرف مجلس شورای ملی دونفر از نمایندگان .

از طرف هیئت وزراء یکنفر .

مدعی‌العموم دیوان عالی تمیز .

مدیر کل بانك ملی ایران .

خزانه دار کل .

بازرس دولت در بانك ملی ایران

تبصره ـ مدت مأموریت دو نفر نمایندگــان مجلس شورای ملی و نماینده هیئت دولت یکسال بــوده و در اولین جلسه مجلس شورای مـلی و هیئت وزراء در اردیبهشت هر سال و اگر در آنموقع مجلس دائر نباشد در اولین جلسه‌ای که مجلس شورای ملی رسمی میشود انتخاب خواهند شد.

ماده ۳۰ ـ هیئت نظارت اندوخته اسکناس عهده‌دار وظایف ذیل است :

۱ ـ بازرسی ودریافت اسکناسهای چاپ شده .

۲ ـ نگاهداری اسکناسها و تحویل آن به بانك در مقابل پشتوانه قانونی ـ تحویل اسکناسها به‌بانك از لحاظ حساب پشتوانه در حکم بجریان گذاشتن آن خواهد بود .

۳ ـ دریافت اسکناسهائی که از جریان خارج میشود .

٤ ـ دریافت اسکناسهائیکه باید باطل‌شود ورسیدگی بعملیات مربوطه‌آنها ومعدوم کردن آنها . درموقع معدوم کردن‌اسکناسها صورت‌مجلسی در دفتر مخصوصی تهیه شده و رونوشتی از آن بوزارت مالیه فرستاده میشود .

۵ ـ نگاهداری حسابهای پشتوانه اسکناس طبق قوانین ومقررات .

برای انجام وظایف فوق دفتری از طرف هیئت نظارت اندوخته اسکناس تشکیل میشود .

ماده ۳۱ ـ هیئت نظارت‌حداقل ماهی‌یکمرتبه گزارشی‌ازمبلغ اسکناسهای در جریان و مسکوك زر و سیم و پشیز و شمشهای زر و سیم موجود تهیه و بدولت میدهد گزارشهای مزبور ازطرف دولت برای اطلاع عامه منتشر خواهد شد .

ز ـ هیئت نظار

ماده ۳۲ ـ هیئت نظار مرکب از پنج نفر است که مجمع عمومی برای مدت یکسال از میان اشخاص صلاحیت‌دار انتخاب مینماید .

ماده ۳۳ ـ هیئت‌نظارلااقل ماهی یکمرتبه تشکیل میشود بعلاوه هر موقع رئیس هیئت نظار یارئیس شورای عالی یا مدیر کل لازم بدانند آنرا دعوت‌خواهند نمود تصمیمات هیئت نظار بـا کثریت آراء گرفته میشود مذاکرات هیئت نظار در

دفتر مخصوصی نوشته شده بامضاء اعضاء آن میرسد .

ماده ۳۴ ـ هیئت نظار حق مداخله مستقیم در امور بانك ندارد ولی میتواند نظریات خودرا کتباً بمدیر کل اطلاع دهد .

ماده ۳۵ ـ هیئت نظار باید مراقبت نمایند که امور بانك طبق قوانین و مقررات این اساسنامه انجام گیرد و برای این منظور حق نظارت در تمام امور و عملیات بانك داشته ومیتواند هر گونه اطلاعی را که لازم دارد خواسته و مستقیماً یا توسط نمایندهٔ که از اعضای خود یا از خارج انتخاب میکنند بدفاتر و نوشتجات بانك رسیدگی نماید .

هیئت نظار بخصوص موظف بانجام امور ذیل میباشد :

۱ ـ بدفاتر وحسابهای بانك رسیدگی نموده وخلاصه حسابهائی را کهبانك طبق ماده ٤٦ باید همه ماهه منتشر کند تصدیق نماید .

۲ ـ در هر سال لااقل دو مرتبه بصندوق و موجودی واوراق واسناد وسپرده های بانك رسیدگی نماید .

۳ ـ به ترازنامه و حساب سود و زیان بانك رسیدگی نموده و گزارشی از چگونگی عملیات بانك ونظریات خود برای مجمع عمومی تهیه نماید .

ح - بازرس دولت

ماده ٣٦ ـ بازرس دولت در بانك ومیزان حقوق او برحسب پیشنهاد وزارت مالیه و تصویب هیئت وزراء تعیین میشود و با حق رأی مشورتی در شورای عالی و هیئت نظار حضور خواهد یافت ـ حقوق بازرس دولت را وزارت مالیه پرداخت می‌نماید .

ماده ۳۷ ـ بازرس دولت عهده‌دار مراقبت در تطبیق عملیات بانك با قوانین

ومقررات‌رسیدگی‌بوضع معاملات وحسابهای خزانه دولت بابانك بوده وموظف‌است وزارت مالیه را منظماً از جریان امور بانك مستحضر دارند . برای انجام این‌وظایف میتواند هرموقع لازم بداند جهت کسب اطلاعات بهیئت عامل رجوع نماید .

فصل چهارم - وظایف و عملیات بانك

ماده ۳۸ - وظایف اساسی بانك بقرار ذیل است :

(۱) نشر اسکناس و تنظیم جریان پول طبق قوانین مربوطه

(۲) انجام عملیات بانکی خزانه دولت و عملیات صندوق ادارات و بنگاههای دولتی و شهرداریها و همچنین اداره کردن امور وامهای دولتی و شهرداریها و نگاهداری و انجام امور مربوط باوراق بهادار آنها طبق قوانین و دستور وزارت مالیه .

حق‌العملی که بانك بابت‌عملیات نامبرده‌دربند ۲ محسوب میدارد درهرموقع با توافق نظر وزارت مالیه و بانك تعیین خواهد شد .

ماده ۳۹ - بانك میتواند معاملات و عملیات بانکی را در حدود قوانین و مقررات بشرح ذیل انجام دهد :

(۱) تعیین نرخ زر و خرید و فروش زر و سیم در داخل کشور یا در خارج .

(۲) خرید و فروش ارزهای خارجی در داخله کشور یا در خارج .

(۳) تنزیل و تنزیل اتکائی اوراق تجاری بشرط آنکه لااقل دارای دو امضاء معتبر باشد . بجای یکی از دو امضاء ممکن است بانك سهام و اوراق بهادار - ارز - کالا یا ملك بگرو قبول کند بشرط آنکه بهای اموال مورد گرو بحدیکه تضمین کافی ببانك بدهد از مبلغ مورد معامله بیشتر باشد .

(٤) دادن اعتبار در مقابل گروهای ذیل :

الف ـ فلزات گران بها از مسکوك یا شمش

ب ـ ارزهای آزاد

ج ـ رسید انبار های رسمی

د ـ اموال غیر منقول ثبت شده (مادامی که بانك رهنی غیر منقول تشکیل نشده است)

مجموع وامهائیکه بترتیب بند (ج) و (د) داده میشود نباید از ۳۳ درصد موجودی اوراق و اسناد بانك تجاوز کند .

(ه) نگاهداری حسابهائی درخارج از کشور و تحصیل اعتبارات درخارجه .

شورای عالی بنا بر پیشنهاد مدیر کل حد اکثر مدت سر رسید ارز ها و اوراق تجاری و اعتبارات موضوع شماره های ۲ و ۳ و ٤ این ماده را تعیین خواهد نمود .

ماده ۴۰ ـ بانك ملی میتواند بشهرداریها در حدود ۳۰ در صد در آمد سالیانه آنها وببانك فلاحتی و صنعتی ایران وشرکتها و بنگاههای تجاری دیگر که با سرمایه دولت تشکیل میشود با تضمین وزارت مالیه وام بدهد .

ماده ۴۱ ـ بانك نمیتواند عملیات ذیل را انجام دهد :

۱ ـ بدولت یا ادارات دولتی بدون اجازه مجلس شورای ملی وام بدهد .

۲ ـ اقدام بمعاملاتی نماید که سبب راکد شدن سرمایه بانك بشود از قبیل خرید وفروش زمین ماشین‌آلات و غیره مگر برای احتیاجات خود .

۳ ـ اموال غیر منقول تملك کند مگر برای رفع احتیاجات و یا نقد کردن مطالبات خود ـ در صورت اخیر اموال غیر منقول باید تا دو سال از تاریخ تملك بفروش برسد .

۴ - اوراقی را که نماینده عملیات حقیقی تجاری نیست نزول کند .

۵ - از اشخاص یا شرکتها و بنگاههای خصوصی ضمانت کند جز درموارد و طبق شرائطی که برای دادن وام بآنها تعیین شده است .

۶ - خرید سهام ویا هرنوع مشارکت دیگر دربنگاههای فلاحتی یا صنعتی یا تجاری واقدام بمعاملات تجاری جز خرید وفروش زر وسیم .

۷ - دادن وام در مقابل سهام و اوراق وامهائیکه در یکی از بورسهای معتبر نرخ‌بندی نمیشود .

باستثنای موارد فوق‌بانك میتواند هر گونه عملیات بانکی‌را انجام دهد مگر آنچه را که هیئت وزراء منع کند .

ماده ۴۲ - بانك موظف‌است علاوه بر ۶۰ درصد پشتوانه قانونی اسکناس درمقابل تعهدهای برویت خود حداقل برابر ۴۰ درصد زریا سیم یا اسکناس‌هائیکه طبق ماده ۳۰ از هیئت نظارت اندوخته اسکناس تحویل گرفته یا ارزهای آزاد یا اسناد تجاری که بیش از پانزده روز مدت نداشته‌باشند نگاه دارد .

فصل پنجم - ترازنامه و تقسیم سود

ماده ۴۳ - سال مالی بانك از اول فروردین آغـاز و در آخر اسفند بپایان میرسد .

حسابهای بانك در آخرین روز اسفند بسته شده و ترازنامه بانك باید لااقل ۴۰ روز قبل از تشکیل مجمع عمومی سالیـانه به هیئت نظار تسلیم شود - تصویب ترازنامه از طرف مجمع عمومی برای هیئت عامل بمنزله مفاصا خواهد بود .

ماده ۴۴ - ارزیابی ارقام دارائی وبدهی درترازنامه بطریق ذیل خواهدبود :
شمشهای زر و مسکوك زر و سیم که درایران رواج دارد طبق مقررات قانون

پول ارزیابی میگردد .

شمشهای سیم تا مقداریکه جزء پشتوانه قانونی اسکناس است برطبق مقررات قانون واحد پول و اضافه بر آن بنرخ بازار های بین‌المللی که و رود و صدور سیم درآنجا آزاد است ارزیابی میشود .

سهام و اوراق بهادار ببهای خرید با کسر ٥ در صد ارزیابی خواهد شد مگر اینکه درتاریخ ترازنامه بهای روز کمتر ازبهای خرید باشد که دراینصورت به‌بهای روز با کسر ٥ درصد ارزیابی میشود .

اموال غیر منقول باید ببهای خرید یا بهائیکــه تمام شده محسوب شوند ولی قبلا باید مبلغی برای استهلاك آنها بطور سالیانه منظور گردیده و میزان سالیانه استهلاك نیز کمتر از ۱۰ در صد بهای اولیه اموال نباشد اثاثیه و تعمیرات و سایر ملزومات باید تماماً استهلاك شود .

سودویژه بانك عبارت است از درآمد بانك پس از وضع هزینه واستهلاکها سودویژه بعلاوه مبلغ نقل شده ازسال قبل‌پس ازوضع‌مالیاتهابشرح ذیل‌تقسیم میشود :

۱ - یك قسمت آن طبق ماده ٤ برای اندوختهها کنار گذارده خواهد شد .

۲ - یك‌قسمت برای نقل بحساب‌سال بعد - میزان این‌مبلغ برحسب پیشنهاد مدیر کل بانك و تصویب مجمع عمومی تعیین میگردد .

۳ - مابقی سود ویژه بین صاحبان سهام تقسیم خواهد شد .

ماده ٤٥ - سود قابل تقسیم باید منتها در ظرف ده روز از تـاریخی کـه ترازنامه بتصویب مجمع عمومی صاحبان سهام میرسد پرداخت شود .

ماده ٤٦ - بانك موظف است لااقل ماهی یکمرتبه صورت خلاصه از وضع حسابهای خود طبق نمونهٔ که با موافقت هیئت نظار معین میشود انتشار دهد .

فصل ششم ـ مقررات مختلف

ماده ۴۷ ـ اعضاءِ شورای عالی و هیئت نظار و بازرس دولت بایستی قبل از شروع بکاردرحضورمجمع عمومی سوگند یاد نمایند که اسرار بانك را حفظ کنند.

ماده ۴۸ ـ اعضاءِ شورای عالی و هیئت نظار و بازرس دولت در مدت تصدی خود نمیوانند اقدام بمعاملات تجاری نموده یاعضویت شرکت ها وبنگاههای تجاری را قبول نمایند مگر با اجازه مخصوص مجمع عمومی مشروط باینکه موارد نامبرده مخالف مصالح بانك نباشد.

ماده ۴۹ ـ هرموقع یك نوع ازاسکناسها عوض یاحذف شود پس ازانقضای مدتیکه برای تبدیل اسکناسهای در جریان بموجب قانون تعیین میگردد بانك معادل مبلغ اسکناسهائیرا که تاآخر این مدت برای تبدیل عرضه نشده است بدولت خواهد داد.

ماده ۵۰ ـ بانك مختار است از پذیرفتن سپرده ها و باز کردن حساب جاری و نزول اوراق و هرنوع پیشنهاد معامله دیگر بدون ذکر دلیل امتناع نماید.

ماده ۵۱ ـ چنانچه یکی ازمشتریان بانك متوقف یا معسرشود بانك میتواند کلیه مطالبات خود را ازحسابهای او برداشت نماید.

ماده ۵۲ ـ مجمع عمومی عادی سالیانه پاداشی برای اعضای شورای عالی و هیئت های دیگر باستثنای هیئت عامل وبازرس دولت تصویب مینماید که درمقابل خدمات آنها پرداخت شود.

ماده ۵۳ ـ اسناد ونوشتههای صادره ازبانك آن را ملزم نمیکنند مگرآنکه دارای امضای مدیر کل و یکی از اعضای هیئت عامل باشد.

هیئت عامل ممکن‌است طبق بند ٤ماده ۲۶ این‌اساسنامه باعضاء دیگری اجازه

امضاءِ کردن ازطرف بانک بدهد .

ماده ۵۴ - درمورد عملیاتی که طبق اساسنامه سابق شروع شده تاموقع ختم عملیات مزبور همان مقررات اساسنامه پیش مجری خواهد بود .

این قانون که مشتمل برپنجاه وچهار ماده است درجلسه بیست ودوم امرداد ماه یکهزار و سیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اجازه تأسیس بانک رهنی ایران

مصوب ۲۵ دیماه ۱۳۱۷

ماده اول - وزارت دارائی مجازاست بانکی باسم بانک رهنی ایران باسرمایه دویست ملیون ریال بامشارکت بانکملی ایران تأسیس وتامیزان ۶۰ درصد (۶۰٪) سرمایه آن را تعهد وپرداخت نماید . و هرموقع مقتضی بداند تا چهل و نه در صد سهام این بانک را باتباع ایران انتقال دهد .

ماده دوم - وزارت دارائی سهم خود را درسرمایه این بانک از محل ذخیره پشیز بعد از وضع هزینه های ضرب وتهیه مسکوکات نامبرده و از سایر محلهائی که بعداً تعیین و بتصویب مجلس شورای ملی خواهد رسانید تأمین و پرداخت خواهد کرد .

ماده سوم - وزارت دارائی نوع عملیات و اساسنامه بانک را بتصویب هیئت وزیران خواهد رسانید .

ماده چهارم - سهام این بانک تا میزانی که از ذخیره پشیز پرداخته شده مطابق بهای اسمی آنها پشتوانه پشیز محسوب و ماده ٤ قانون نهم اسفند ماه ۱۳۱۵

و کلیه مقررات و قوانین مربــوط بذخیره پشیز که مخالف مفاد این قانون باشد ملغی میگردد .

این قانون که مشتمل بر چهار ماده است درجلسه بیست‌وپنجم دیماه‌یکهزارو سیصدوهفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

ایجاد صندوق پس‌انداز ملی

مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۱۸

ماده۱ ـ برای رایج کردن پس‌انداز و تشویق پس‌انداز کنندگان صندوقی بنام « صندوق پس‌اندازملی » تأسیس میشود .

ماده۲ ـ صندوق پس‌اندازملی توسط‌بانک‌ملی‌ایران اداره‌میشود وبانك‌نامبرده ضامن عملیات آنست ولی هرگاه دامنه عملیات صندوق بـاندازه‌ای وسعت یابد که تبدیل آن بیك بنگاه مستقل مقتضی‌شود پس‌ازتصویب هیئت دولت اقدام به‌تفکیك آن خواهد شد .

ماده۳ ـ صندوق پس‌انداز ملی طبق آئین‌نامه‌ای که بتصویت هیئت‌وزیران خواهد رسید وجوه پس‌انداز را بکار میاندازد .

ماده۴ ـ صندوق پس‌اندازملّی همه‌ساله گزارش سالیانه وترازنامه خود را تهیه کرده پس از بررسی هیئت نظار وتصویب شورای عالی بانك‌ملی ایران باطلاع عموم میرساند .

ماده۵ ـ در نقاطیکــه صندوق پس انداز شعبه ندارد شعب و نمایندگیهای بانکملی ایران ودرنقاطیکه بانك‌ملی شعبه یانمایندگی ندارد دفترهای‌پست وظائف

صندوق پس‌انداز را انجام خواهند داد .

ماده٦ ــ به پس‌اندازهای کمتر از ۵۰۰۰ ریال چهار در صد و بمبالغ بیش‌از ۵۰۰۰ ریال تا ۲۰۰۰۰ ریال سه درصد درسال سود داده خواهد شد وبمازاد ۲۰۰۰۰ ریال سود تعلق نمیگیرد .

این قانون که مشتمل بر شش ماده است در جلسه هیجدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ حسن اسفندیاری

قانون معادن

مصوب ١٦ بهمن ماه ١٣١٧

ماده١ ــ مواد معدنی موجود در روی زمین یا زیر زمین از نظر اکتشاف و استخراج بطبقات دو گانه زیرین تقسیم میشوند .

طبقه اول ــ مواد معدنی که معمولاً بمصرف کارهای ساختمانی یا زراعتی میرسند مانند سنگ گچ ـ سنگ آهك ـ سنگهای ساختمانی ـ سنگ مرمر ـ خاك رس ـ ماسه و امثال آن .

طبقه دوم ــ عبارتند از مواد زیر :

الف ــ معادن فلزات مانند آهن ــ کرم ــ مانکانز ــ نیکل ــ کبالت ــ مس انتیمون ـ قلع ـ روی ـ جیوه و سرب و غیره .

ب ــ نیترا‌تها ـ فسفاتها ـ نمك‌طعام ـ نمکهای قلیائی ـ براتها ـ مانیزی و نمك های نظیر آن و غیره .

ج ــ سوختهای جامد از قبیل ذغال سنگ ـ لینیت و تورب و امثال آن .

د ــ مواد معدنی دیگری که در طبقات بالا نوشته نشده مانند خاك سرخ ــ

گوگرد ـ پنبه نسوز ـ خاك نسوز ـ آبهای معدنی .

تبصره ـ نسبت بموادیکه نامبرده نشده و از حیث طبقه بندی مورد تردید واقع شود برحسب پیشنهاد وزارت پیشه و هنر و تصویب نامه هیئت وزیران طبقه آن معلوم خواهد شد .

ماده۲ ـ معدن در هر ملکی که واقع شده متعلق بصاحب آن ملك است و دراراضی که تا تاریخ تصویب این قانون مالك خاصی ندارد متعلق بدولت است .

ماده۳ ـ حق استخراج معادن نفت وموادنفتی وسنگهای قیمتی ازقبیل الماس وزمرد ویا قوت وغیره وفلزات قیمتی ازقبیل طلاونقره وپلاتین وغیره منحصر بدولت است و حقوق مالکین این معادن بموجب آئین‌نامه مخصوص با موافقت بین دولت و مالکین معین خواهد شد .

ماده۴ ـ مالکین معادن طبقه (۱) با پرداخت حقوق دولتی ورعایت آئین‌نامه های معادن وبا اطلاع وزارت پیشه و هنر میتوانند از آن معادن بهره برداری نموده یا آنکه بهره‌برداری آنرا بدیگری واگذار نمایند .

ماده۵ ـ استخراج معادن طبقه (۲) منوط باجازه وزارت پیشه‌وهنراست .

ماده۶ ـ کاشف معدن کسی است که پروانه اکتشاف از وزارت پیشه و هنر تحصیل نموده و برطبق آئین‌نامه اکتشاف معادن عمل کرده و کشف معدن بنام او ثبت شده باشد .

ماده۷ ـ پروانه اکتشاف بهر کسی که موافق آئین‌نامه اکتشاف عمل‌نمایداز طرف وزارت پیشه‌وهنرداده میشود اگرمحل اکتشاف معدن درزمینهای دائروحریم قنوات وابنیه باشد باید قبلاً رضایت مالك تحصیل شود ودر صورت عدم موافقت بین مالك واکتشاف کننده اختلاف بحکمیت وزارت‌پیشه‌وهنرمطابق آئین‌نامه‌مخصوص قطع میگردد .

ماده۸ ـ در اراضی دولتی و اراضی که مالك خاصی ندارد پروانــه استخراج بر طبق آئین‌نامه و برحسب درخواست کاشف معدن باو داده میشود و هر گاه معدن کشف شده در ملك خاص اشخاصی واقع شده باشد و کسی درخواست استخراج آنرا نماید وزارت پیشه وهنر این درخواست را در مجله رسمی و یکی از روزنــامه های روزانه پایتخت و در مرکز استان یا شهرستانی که معدن درآن واقع است سه‌ماه متوالی درسه نوبت اعلان مینماید که مالکین اراضی محل معدن بتوانند شخصاً یــا بوسیله تشکیل شرکتی که مورد تصویب وزارت پیشه‌وهنر باشد با رعایت مقررات قانون وآئین‌نامه اقدام باستخراج آن معدن بنمایند واگر نتوانند یانخواهندوزارت پیشه‌وهنر با رعایت مقررات قانون‌وآئین‌نامه پروانه استخراج رابرحسب‌درخواست کاشف باو خواهد داد .

ماده۹ ـ هرگـاه استخراج کننده معدن مالك زمین یا کاشف معدن بـاشد حقوق دولت را بترتیب زیر میپردازد :

الف ـ برای مواد معدنی طبقه اول مندرج در ماده اول این قانون پنج‌درصد از محصول استخراج شده درسرمعدن یا بهای آن بنرخ روز بتشخیص دولت .

ب ـ برای مواد معدنی طبقه دوم مندرج در ماده اول این قانون سه در صد از محصول استخراج شده درسرمعدن یا بهای آن بنرخ روز بتشخیص دولت .

ماده ۱۰ ـ در مواردیکه استخراج معدنی بغیرکاشف یا مالك زمین واگذار شود وزارت پیشه‌وهنر شرایط آنرا ازحیث صلاحیت استخراج کننده وطرز ومدت استخراج تعیین کرده میزان درآمد دولت راکه دربندهای الف وب ماده ۹ مندرج است حداقل قرارداده بمزایده میگذارد .

ماده ۱۱ ـ استخراج کننده معدن حقوق مالك زمین رابشرح زیرمیپردازد:

الف ـ خسارات وارده بملك از حیث خرابـی ابنیه و قنوات و مزارع و غیره

بتصدیق کارشناسان برطبق آئین‌نامه .

خسارات ناشیه ازعملیات اکتشافی نیز مشمول همین بنداست .

ب ـ یك درصد محصول استخراج شده درسر معدن یا معادل بهای آن بنرخ روز باختیار مالك درصورتیکه قرارخاصی بین استخراج کننده ومالك نباشد .

تبصره ـ نسبت بمعادن واقعه در اراضی دولتی یا معادن واقعه در اراضی کــه مالك خاصی ندارد حقوق مندرج دربند های الف وب بدولت تعلق میگیرد .

ماده ۱۲ ـ استخراج کننده معدن مکلف است حق‌اکتشاف را بکاشف بشرح زیر بپردازد :

الف ـ نیم در صد محصول استخراج شده در سر معدن یا بهای آن بنرخ روز باختیار کاشف ازتاریخ شروع باستخراج تا بیست وپنجسال .

ب ـ هزینه عملیات فنی اکتشاف بترتیبی که درآئین نامه مقرر میشود .

ماده ۱۳ ـ تعیین مدت پروانه استخراج معادن بتفاوت‌نوع هرمعدن باختیار دولت است ودرهرصورت نباید از ده سال کمتر وازشصت سال زیادتر باشد .

ماده ۱۴ ـ مالك هر ملکی باید زمینهائی را که از نظر بهره برداری معدن مورد احتیاج ساختمانهای فنی و غیر فنی و احداث جاده و دکویل وسیمهای نقاله و غیره واقع میشود به بهای عادلانـه به بهره بردار بطریق فروش یا اجاره واگــذار نماید ومیزان آن بتصدیق کارشناسان برطبق آئین‌نامه معیّن میشود .

ماده ۱۵ ـ دولت میتواند از نظر مصالح عمومی کشور اکتشاف و استخراج قسمتی یا نوعی از معادن را بخود تخصیص دهد دراین صورت باید با رعایت حقوق مالك وکسانیکه بر طبق این قانون حقی برای آنها در آن معادن شناخته شده‌باشد عمل شود .

ماده ۱٦ ـ وزارت پیشه وهنر آئین نامه ها و مقرراتی را کــه برای‌نظارت

فنی عملیات و بهداری معادن چه در قسمت اکتشاف و چه در قسمت استخراج لازم بداند وهم چنین آئین نامه‌های دیگری را که مربوط باجرای این قانون است تهیه وپس ازتصویب هیئت وزیران مجری میدارد .

ماده ۱۷ ـ این قانون از اول فروردین ۱۳۱۸ بموقع اجرا گذاشته میشود .

این قانون که مشتمل برهفده ماده است درجلسه شانزدهم بهمن ماه یکهزارو سیصد وهفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

مالیات برارث ونقل وانتقالات بلاعوض

مصوب ۲۵ آبانماه ۱۳۱۶

فصل اول ـ ارث

ماده۱ ـ هرگاه در نتیجه فوت شخصی اعم از فوت حقیقی یا فوت فرضی اموالی ارثاً بکسی برسد طبق مقررات ذیل مالیات گرفته خواهد شد :

ماده۲ ـ اموال مشمول مالیات ارث عبارت است ازکلیه ماترك متوفی اعم از منقول یاغیرمنقول ومطالبات وصولی پس ازوضع بدهی‌های محققه متوفی وهزینه‌هائی که درحدود عرف وعادت برای کفن ودفن متوفی ونظایرآن لازم است .

تبصره ۱ ـ مقصود از بدهی‌های محققه بدهی‌هائی است که طبق مدارك قانونی قابل پرداخت باشد .

تبصره ۲ ـ اگر متوفی تاجر باشد در صورتی میتوانند بدهی های اورا از ماترك کسر کنند که بدهی‌های مزبور دردفاتر تجارتی متوفی ثبت شده باشد .

تبصره ۳ ـ بدهی که متوفی به ورّاث خود دارد ولو آنکه مستند بمدارك قانونی هم باشد برای تعیین مالیات از ماترك كسر نخواهد شد . باستثنای نفقهٔ ایام معدوده ومهریه زوجه در صورتیکه پرداخته نشده باشد .

ماده۳ ـ مکلفین پرداخت مالیات نامبرده در ماده اول وراث متوفی هستند.

وراث از نظر این قانون بسه طبقه تقسیم میشوند :

۱ ـ وراث طبقه اول .

۲ ـ وراث طبقه دوم .

۳ ـ وراث طبقه سوم وبالاتر .

ماده۴ ـ وراث طبقه اول عبارتند ازپدر ومادر وفرزندان ونواده وشوهر وزن وراث طبقه دوم عبارتند از اجداد و برادر و خواهر و اولاد آنها . وراث طبقه سوم عبارتند ازعمو وعمه ودائی وخاله واولاد آنها وبالاتر .

ماده۵ ـ اشخاصیکه خود را وارث متوفی میدانند باید در ظرف دو ماه از تاریخ اطلاع ازفوت مورث خود اظهار نامهٔ که حاوی صورت کلیه دارائی متوفی و مطالبات وبدهی های او باشد بامدارك لازمه برای اثبات آنها باداره مالیه صلاحیت دار تسلیم نماید وضمناً قیمت تخمینی ماترك را درآن بنویسد .

تبصره ـ قیمت اثاثیه خانه مسکونی متوفی اعم از اینکه خانه ملکی یا اجاری باشد مقطوعاً ازقرار ۱۵ درصد قیمت خانه تعیین خواهد شد .

ماده۶ ـ اداره مالیه اظهار نامه را از نظر تعیین صحت اقلام دارائی و یا مطالبات و یا بدهی ها و یا ارزش اموال مورد رسیدگی قرار داده و هرگاه تمام یا قسمتی از آنرا صحیح نداند نظر خود را باذکر دلایل کتباً بمؤدی اخطار و ابلاغ مینماید که اگر واخواهی دارد در ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ واخواهی خود را باذکر ادله مستقیماً یابوسیله پست سفارشی ویاتلگراف باداره مالیه تسلیم نمایدودر

صورت تسلیم صریح مؤدی بتشخیص مالیه یا ندادن واخواهی در ظرف مدت مقرر نظر مالیه قطعی شده وطبق آن مالیات قانونی وصول خواهد شد مگر آنکه معلوم شود در محاسبه اشتباه شده‌است .

ماده۷ ـ چنانچه مؤدی بتشخیص مالیه تسلیم نشود و در ظرف مدت مقرر واخواهی دهد و پس از دادن واخواهی موافقتی بین مؤدی و مالیه حاصل نگردد واخواهی بکمیسیون تشخیص مالیات بردرآمد ارجاع خواهدشد کمیسیون پس از تحقیقات لازمه رسیدگی کرده رأی خواهد داد .

رأی کمیسیون پس از ابلاغ بطرفین قطعی و لازم‌الاجراست مگر درمواردی که ما به الاختلاف بین مالیات تشخیص شده از طرف کمیسیون و مبلغی که مورد تصدیق مؤدی یا مطالبه مالیه است بیش از پنج هزار ریال باشد که در این صورت طرفین میتوانند درظرف یکماه از تاریخ ابلاغ رأی کمیسیون بمحکمه تجدیدنظر دیوان محاکمات مالیه مراجعه نمایند .

هر گاه مراجعه بمحاکمات مزبور ازطرف‌مؤدی بعمل‌آید مشارالیه بایدقبلا وجه ما به الاختلاف را در صندوق وزارت مالیه بسپارد و یا ضامن معتبر بدهد .

ماده۸ ـ اگر وّراث درظرف مدت‌مقرر درماده ٥ ازدادن‌اظهارنامه خودداری نمایند مالیات رأساً ازطرف مالیه طبق‌تحقیقاتی که بعمل خواهدآمد تعیین وبمؤدی ابلاغ میشود .

اگر مؤدی در ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ به تشخیص مالیه واخواهی نداد مالیات تشخیص شده قطعی و وصول خواهد شد .

در صورت دادن واخواهی طبق ماده (۷) عمل میشود .

ماده۹ ـ مالیات نسبت بسهم الارث هر یك از وراث گرفته خواهد شد . اگر

سهم الارث هر یك از وراث از ۲۵ هزار ریـال کمتر باشد از پرداخت مالیات معاف و درصورت تجاوز از این مبلغ طبق نرخ های ذیل مالیات اخذ خواهد شد :

الف ـ طبقه اول ـ از ۲۵ هزار و یك ریال تا ۷۵۰۰۰ ریال یك در صد نسبت بمازاد بیست و پنج هزار ریال .

از ۷۵۰۰۱ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال دو درصد نسبت بمازاد هفتاو وپنج هزار ریال .

از ۱۵۰۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰۰ ریال سه درصد نسبت بمازاد صدوپنجاه هزار ریال.

از ۳۰۰۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال چهار درصد نسبت بمازاد سیصد هزار ریال.

از پانصدهزار ریال ببالا پنج درصد نسبت بمازاد پانصد هزار ریال .

ب ـ طبقه دوم ـ از ۲۵ هزار و یك ریال تا ۷۵۰۰۰ ریال دو در صد نسبت به مازاد بیست و پنج هزار ریال .

از ۷۵۰۰۱ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال چهار درصد نسبت بمازاد هفتادوپنجهزار ریال.

از ۱۵۰۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰۰ ریال شش درصد نسبتبمازاد صدوپنجاه هزار ریال.

از ۳۰۰۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال هشت درصد نسبت بمازاد سیصد هزار ریال .

از پانصد هزار ریال به بالا ده درصد نسبت بمازاد پانصد هزار ریال.

ج ـ طبقه سوم و بالاتر ـ از ۲۵ هزارویك ریال تا ۷۵۰۰۰ ریال سه درصد نسبت بمازاد بیست وپنج هزار ریال .

از ۷۵۰۰۱ تا ۱۵۰۰۰۰ ریال ششدرصد نسبت بمازاد هفتاد وپنج هزار ریال.

از ۱۵۰۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰۰ ریال نه درصد نسبتبمازاد صد وپنجاه هزار ریال .

از ۳۰۰۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰۰ ریال دوازه درصد نسبت بمازاد سیصد هزار ریال .

از پانصدهزار ریال ببالا پانزده درصد نسبت بمازاد پانصد هزار ریال .

ماده ۱۰ ـ اداره مالیه صلاحیت دار برای اخذ مالیات ارث مالیه‌ای است که اقامتگاه قانونی‌متوفی درحوزه‌آن‌باشد واگرمتوفی درایران مقیم نباشد اداره مالیه

صلاحیت‌دار مالیه‌ایست که قسمت اعظم دارائی غیر منقول متوفی درحوزه آن واقع شده اگر متوفی درایران مقیم نبوده و اموال غیرمنقول درایران نداشته باشد مالیات در طهران پرداخت خواهد شد .

ماده ۱۱ ـ هر کس که در ایران اقامتگاه قانونی دارد و ارثی باو برسد اعم از اینکه ماترك در داخله یا خارجه باشد و هر کس که از ماترکی در ایران است ارث ببرد اعم از اینکه ساکن ایران یا ساکن خارجه باشد مطابق این قانون مالیات بده است .

ماده ۱۲ ـ کلیه مأمورین‌دولتی و شهرداری که امورمربوط باموات را عهده دار هستند در ظرف یك هفته پس از فوت و وّراث درظرف پانزده‌روز پس‌ازاطلاع از فوت موظف‌اند هویت کامل متوفی را بمالیه محل وقوع فوت اطلاع دهند .

ماده ۱۳ ـ ادارات ثبت اسناد و املاك موقعیکه مال غیر منقولی را از اسم مورث باسم وارث‌ثبت‌مینمایند وهمچنین کلیه دفاتر اسنادرسمی‌درموقعیکه میخواهند تقسیم نامه راجع بماترك را ثبت کنند بایدمطالبه گواهی‌نامه اداره‌مالیه صلاحیت‌دار را راجع باینکه وارث اظهار نامه داده است و در اظهار نامه مال مورد تقاضای ثبت یا مذکور در تقسیم نامه را ذکر کرده بنمایند و قبل از ارائه این گواهی مجاز به ثبت نیستند .

تبصره ـ اداره مالیه مکلف است در ظرف ده روز پس از تسلیم اظهار نامه از طرف مؤدی گواهی‌نامه متضمن رونوشت‌مصدق صورت‌ریزماترکی‌را که دراظهارنامه نوشته شده بمؤدی بدهد .

ماده ۱۴ ـ کلیه بانك‌ها ومؤسسات و اشخاص‌دیگر که مالی ازمتوفی درنزد خود دارند درصورتی میتوانند مال مزبور را بوراث بدهند وهم چنین کلیه شرکتها ومؤسسات موقع ثبت اوراق‌بهادار اسمی ازهرقبیل که باشد ازاسم مورث باسم‌وارث

درصورتی مجاز باین امر هستند که گواهی‌نامه اداره مالیه صلاحیت‌دار راجع باینکه وارث اظهار نامه داده و در اظهارنامه مال مورد بحث را ذکر کرده ارائه شود در صورت تخلف علاوه بر جرایم مقرر متضامناً با خود وارث مسئول مالیات متعلقه میباشند .

ماده ۱۵ ـ کلیه محاکم عدلیه که قانوناً بتقاضا های انحصار وراثت رسیدگی مینمایند در صورت مبادرت به تسلیم گواهی نامه انحصار وراثت خواهند کرد که گواهی‌نامه مذکور در ماده ۱۳ از طرف وراث یا یکی از آنها به محکمه تقدیم شود رونوشت گواهی نامه یا حکمی که راجع بانحصار وراثت صادر میشود ازطرف دفتر محکمه باداره مالیه محل فرستاده خواهد شد .

تبصره ـ درمواردیکه طبق کتاب پنجم جلددوم قانون مدنی حکم فوت فرضی صادر میشود نیز دفتر محکمه باید رونوشت حکم را باداره مالیه محل بفرستد .

فصل دوم ـ در نقل و انتقالات بلاعوض

ماده ۱۶ ـ اگرمالی اعم از منقول یا غیر منقول بلاعوض بشخصی داده شود بدون رعایت حد اقل معافیت طبق نرخ بند ج از ماده (۹) این قانون مالیات تعلق میگیرد . دهنده و گیرنده متضامناً مسئول پرداحت مالیات متعلقه هستند .

جهیزیه ووجوه واموالیکه برای امورخیریه ویا عام‌المنفعه ازقبیل بیمارستان و کودکستان و پرورشگاه یتیمان و نظایر آن داده میشود ازپرداخت مالیات معاف خواهد بود .

تبصره ـ صلح محاباتی باشرط خیار فسخ برای مصالح از نظر این قانون در حکم صلح قطعی است .

ماده ۱۷ ـ هرمالیکه مورد وقف یانذر یاحبس یا وصیت واقع شود مشمول

مالیات است باستثنای مواردی که برای امور عام‌المنفعه نامبرده در ماده قبل باشد . نرخ مالیات دراین قبیل موارد طبق نرخ بند ج ماده ۹ این قانون خواهد بود .

تبصره ـ مال مورد وصیت در موقعی مشمول مالیات خواهد بود که بافوت موصی وصیت قطعی شده باشد .

ماده ۱۸ ـ درمورد صلح طرفین معامله متضامناً و درمورد وقف واقف و در مورد وصیت وصی ودرمورد حبس و نذر حبس ونذر کننده مسئول پرداخت مالیات هستند .

درمورد صلح و وقف و حبس و نذر درظرف دوماه ازتاریخ وقوع و درمورد وصیت درظرف دو ماه پس از اطلاع ازفوت موصی مکلفین باید اظهارنامه که حاوی کلیه اطلاعات لازمه برای وصول مالیات باشد به اداره مالیه تسلیم نمایند .

اگردرظرف مدت مقرر اظهارنامه داده نشود مالیات رأساً ازطرف مالیه طبق تحقیقاتی که بعمل خواهد آمد تعیین و بمؤدی ابلاغ میشود .

اگر مؤدی در ظرف یك ماه از تاریخ ابلاغ به تشخیص مالیه واخواهی نداد مالیات تشخیص شده قطعی و وصول خواهد شد . درصورت دادن واخواهی طبق‌ماده ۷ عمل میشود .

تبصره ـ اگر واقف بوظیفه خود عمل ننماید متولی در ظرف دو ماه پس از اطلاع مسئول پرداخت مالیات مقرره و انجام تکالیفی که بعهده واقف محول است می‌باشد .

ماده ۱۹ ـ مقررات مواد ٦ و ۷ و ۱۱ و ۱۳ در مورد مکلفین ماده ۱۸ نیز قابل اجراء است .

ماده ۲۰ ـ شاهنشاه و ملکه و اعقاب بلافصل شاهنشاه از پرداخت مالیاتهای نامبرده در این قانون معاف‌اند .

فصل سوم - مقررات عمومی

ماده ۲۱ - مالیات باید در مورد ارث در ظرف ٦ ماه پس از تاریخ تسلیم اظهارنامه و در مورد فصل دوم این قانون در موقع تسلیم اظهارنامه پرداخت شود مگر در مواردی که مؤدی عذر موجه داشته وبا اقامه ادله کافیه ودر موارد لزوم ارائه اسناد عذر خودرا ثابت‌نماید دراین صورت‌وزارت مالیه میتواند مدت پرداخت مالیات‌را تمدید کند.

ماده ۲۲ - وزارت مالیه مجاز است برای تشخیص وبازرسی و وصول مالیات درحدود این قانون نظامنامه‌هائی وضع نماید.

ماده ۲۳ - متخلفین از مقررات این قانون ملزم بپرداخت جرائمی خواهند بود که حداکثر آن هزارریال یا دوبرابر مالیات پرداخت نشده خواهدبود. نظامنامه‌جرائم‌بتصویب کمیسیون‌قوانین‌مالیه‌مجلس‌شورای‌ملی‌خواهدرسید ☆

☆ نظامنامهٔ مذکوردرمادهٔ ۲۳ بشرح ذیل بتصویب کمیسیون قوانین مالیهٔ مجلس شورایملی رسیده است:

«نظامنامهٔ جرائم متخلفین ازمقررات قانون مالیات بر ارث ونقل وانتقالات بلاعوض»

مصوب کمیسیون قوانین مالیه - مورخ ۲۵ آذرماه ۱۳۱٦

مادهٔ اول - هرگاه هریك ازمکلفین مذکوره درمواد ۵ و ۱۸ و ۲٤ قانون اظهارنامهٔ مقررهٔ درمواد ۵ و۱۸ و۲٤ را درظرف مدت قانونی تسلیم ننمایند موظف بپرداخت جریمه معادل یك برابرمالیاتی که بهریك از آنها تعلق میگیرد خواهند بود مگر آنکه درظرف یکماه پس از دریافت اخطارمالیه بهتشخیصی که داده شده تسلیم ویا آنکه با مالیه موافقت نمایند که در اینصورت جریمه فقط نصف مالیات متعلقه بهریك خواهد بود.

ماده دوم - هرگاه هریك از مکلفین مذکورهٔ در مواد ۵ و۱۸ و۲٤ قانون اظهارنامه ناقص یا خلاف حقیقت تسلیم نمایند و در ظرف یکماه از تاریخ اخطار مالیه حاضر برای تصحیح اظهارنامه وتوافق با مالیه نشوند وهمچنین درصورتیکه اشخاص مذکوربدون عذرموجه و ثبوت آن درظرف مدت مقرره درمادهٔ ۲۱ قانون مالیات خودرا تأدیه نکنند موظف بهپرداخت جریمه معادل نصف مالیات متعلقه میباشند.

ماده ۲۴ ــ هر گاه اشخاصی که طبق این قانون مکلف بدادن اظهارنامه یا مالیات هستند صغیر یا محجور باشند ولی یاقیم قانونی آنها واگر شخص حقوقی باشد مدیر یامدیران مؤسسه مسئول هستند .

ماده ۲۵ ــ درمواردی که مشمولین این قانون در تأدیه مالیات خود ویا مالیاتی که مسؤلیت پرداخت آن طبق این قانون بعهده آنهااست تأخیر نمایند نسبت

مادهٔ سوم ـ درصورتیکه وراث درمدت مقرردرمادهٔ ۱۲ تاریخ فوت وهویت کامل متوفی را کتباً باادارهٔ مالیهٔ محل وقوع فوت اطلاع ندهند هریك مكلف بهپرداخت پانصد ریال جریمه خواهند بود مگرآنکه در ظرف مدت مقرره مطلع نشده یا یکی ازآنها اطلاع داده یا آنکه مسلم شود سهم‌الارث هریك ازآنها ارماترك متوفی مشمول مالیات نبوده است .

مادهٔ چهارم ـ بانکها ومؤسسات (❀ واشخاص) مذکوره درمادهٔ ١٤ قانون درصورتیکه بدون ارائهٔ گواهینامهٔ ادارهٔ مالیهٔ صلاحیت‌دار مالی راکه از متوفی نزد خود دارند بوارث بدهند و یا آنکه اوراق بهاداراسمی را ازنام مورث بنام وارث ثبت نمایند علاوه برآنکه قانوناً با خود وارث متضامناً مسئول تأدیهٔ مالیات متعلقه میباشند نسبت به تعداد هریك از وراث که اموال را بآنها مسترد نموده‌اند و یا اوراق بهادار را بنام آنها ثبت کرده‌اند مکلف بهپرداخت یکهزارریال جریمه خواهند بود .

مادهٔ پنجم ـ درصورتیکه متوفی‌تاجرباشد وادارهٔ مالیه برای تعیین ماترك ویا اثبات‌صحت اظهارنامه مراجعهٔ بدفاترتجارتی اورا لازم بداند و استنکاف از ارائهٔ دفاتر بشود مستنکف مکلف بپرداخت یکهزار ریال جریمه میباشد .

مادهٔ ششم ـ کلیهٔ مأمورین کشوری و شهرداری که طبق قانون مالیات برارث و نقل وانتقالات بلاعوض وظایفی بعهدهٔ آنها محول است چنانچه برخلاف وظایف قانونی خود عمل کنند تعقیب اداری خواهند شد .

مادهٔ هفتم ـ وصول جرائم مقرره دراین نظامنامه بعهدهٔ ادارات مالیه است .

مادهٔ هشتم ـ وزارت مالیه مجاز است درمواردیکه لازم بداند جرائم‌مقرره دراین نظامنامه را کلا یا بعضاً تخفیف دهد .

این نظامنامه که مشتمل برهشت ماده‌است و درتاریخ ۲۵ آذرماه ۱۳۱٦ بتصویب کمیسیون قوانین مالیهٔ مجلس شورای‌ملی رسیده است . بموجب مادهٔ۲۳ قانون مصوب ۲۵ آبان ۱۳۱٦ قابل اجرا است .

رئیس مجلس شورای‌ملی ـ حسن اسفندیاری

❀کلمه (و اشخاص) بموجب مادهٔ اصلاحیه مصوب کمیسیون قوانین مالیه مورخ ۱۲ تیرماه ۱۳۱۷ بعداً علاوه شده است .

بهر ماه تأخیر ملزم بپرداخت خسارتی معادل یك درصد مالیات متعلقه خواهند بود .

ماده ۳۶ ـ اعضاء و مستخدمین وزارت مالیه واعضاء کمیسیونهای تشخیص و همچنین سایر اشخاصی که مأمور اجرای این قانون هستند مکلفند اطلاعاتی را که از دارائی اشخاص درنتیجه مأموریت تحصیل کرده‌اند بکلی محرمانه نگاهدارند مگردر مواردی که وظیفه شغلی آنها دادن اطلاعات نامبرده را ایجاب نماید .

متخلف مطابق ماده ۲۲۰ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد .

ماده ۳۷ ـ این قانون بلافاصله پس‌از تصویب اجراء خواهد شد .

این قانون که مشتمل بر بیست وهفت ماده است درجلسه بیست وپنجم آبان ماه یکهزار وسیصد وشانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اصلاح قانون مالیات بر درآمد

مصوب ۲۸ اسفند ماه ۱۳۱۷

ماده۱ ـ ازمجموع درآمد ویژه مشمولین ماده ۴و۵و۱۲ قانون مالیات بردرآمد مصوب ۲۹ آبانماه ۱۳۱۲ طبق نرخهای زیر مالیات گرفته خواهد شد .

کمتراز ۲۴۰۰ ریال	بخشوده
از ۲۴۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال	۰.۱٪ ازمجموع
از ۵۰۰۱ « تا ۲۰۰۰۰ «	۰.۳٪ ازمازاد ۵۰۰۰ ریال
از ۲۰۰۰۱ « تا ۴۰۰۰۰ «	۰.۶٪ « ۲۰۰۰۰ «
از ۴۰۰۰۱ « تا ۱۰۰۰۰۰ «	۰.۱۰٪ « ۴۰۰۰۰ «

❀ این قانون بموجب قسمت اخیر بند۳ ماده ۲۲ قانون‌مالیات بردرآمد مصوب ۱۹ آبانماه ۱۳۲۲ (دوره سیزدهم) لغو شده است .

از ۱۰۰۰۰۱ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال ۱۵٪ ازمازاد ۱۰۰۰۰۰ ریال

از ۵۰۰۰۰۱ ریال ببالا ۲۰٪ « ۵۰۰۰۰۰ «

ماده۲ ـ مالیات‌مقرردرماده۱ بدون‌رعایت حداقل بخشودگی بمجردتخصیص یاپرداخت بدرآمدهای زیر نیز تعلق میگیرد .

۱ ـ بدرآمد مشمولین بند (د) ماده ۱۲ قانون مالیات بردرآمد و حق تمبر مصوب ۲۹ آبانماه ۱۳۱۲ .

۲ ـ بدرآمد حاصله‌ازسهام شرکتهای سهامی ودرآمد سهم‌الشرکه‌شرکتهای بامسئولیت محدود .

۳ ـ به‌بهره‌هائی که‌ازطرف بانکهاوبنگاههای‌صرافی‌وتجاری‌پرداخت‌میشود .

۴ ـ بوجوهی که بعنوان حق‌العمل ودلالی کارسازی میشود .

۵ ـ بدرآمدهای اتفاقی ازقبیل حق داوری وپاداش ولاتاری وشرط بندی و نظائر آن .

پرداخت کنندگان درآمدهای مذکور موظفند از هرپرداختی که میکنند مالیات مقرررا حتی درمواردی که گیرندگان وجوه معترض باشند کسر ومنتهی در ظرف یکماه بصندوق دارائی محل بپردازند .

تبصره ۱ ـ گیرندگان حقوق ودستمرد ودرآمدهای مذکور دراین ماده در صورتیکه مالیات مقرر ازطرف دهنده کسر نشده باشد متضامناً بابنگاهها واشخاصی که درآمدها را میپردازند مسئول تأدیه مالیاتهای مقرره خواهند بود .

تبصره ۲ ـ مشمولین ماده ۲ و۳ این قانون در صورتیکه مالیات حقوق و درآمدهای آنها نسبت بـه مجموع کسر نشده باشد شخصاً موظفند تا۱۵ خرداد هر سال صورت کلیهٔ حقوق ودرآمد سال گذشته خود را در اظهـارنـامه رسمی تنظیم ومابه‌التفاوت مالیات متعلقه‌را بصندوق دارائی محل بپردازند .

ماده۳ ـ مالیات حقوق خدمتگزاران دولتی و کشوری وشهرداری و بطور کلی اشخاصی که ازدیگران حقوق یا دستمزد دریافت میدارند ماهیانه بطورمقطوع ازقرار زیرطبق مقررات ماده۱۱ قانون مصوب ۲۹آبانماه ۱۳۱۲ دریافت خواهدشد.

میزان حقوق ماهیانه	مالیات ماهیانه
کمتراز ۲۰۰ ریال	بخشوده
از ۲۰۰ ریال تا ۲۴۹ ریال	۲/ـ ریال
از ۲۵۰ » تا ۲۹۹ »	۲/۵۰ »
از ۳۰۰ » تا ۳۴۹ »	۳/ـ »
از ۳۵۰ » تا ۳۹۹ »	۳/۵۰ »
از ۴۰۰ » تا ۴۴۹ »	۳/۵۰ »
از ۴۵۰ » تا ۴۹۹ »	۷/ـ »
از ۵۰۰ » تا ۵۴۹ »	۸/ـ »
از ۵۵۰ » تا ۵۹۹ »	۹/ـ »
از ۶۰۰ » تا ۶۴۹ »	۹/۵ »
از ۶۵۰ » تا ۶۹۹ »	۱۰/ـ »
از ۷۰۰ » تا ۷۴۹ »	۱۱/ـ »
از ۷۵۰ » تا ۷۹۹ »	۱۲/ـ »
از ۸۰۰ » تا ۸۴۹ »	۱۴/۵۰ »
از ۸۵۰ » تا ۸۹۹ »	۱۷/۵۰ »
از ۹۰۰ » تا ۹۴۹ »	۱۸/۵۰ »
از ۹۵۰ » تا ۹۹۹ »	۱۹/۵۰ »

میزان حقوق ماهیانه	مالیات ماهیانه
از ١٠٠٠ ریال تا ١٠٤٩ ریال	٢٠/٥٠ ریال
از ١٠٥٠ » تا ١٠٤٩ »	٢١/٥٠ »
از ١١٠٠ » تا ١١٤٩ »	٢٢/٥٠ »
از ١١٥٠ » تا ١١٩٩ »	٢٣/٥٠ »
از ١٢٠٠ » تا ١٢٤٩ »	٢٤/٥٠ »
از ١٢٥٠ » تا ١٢٩٩ »	٢٥/٥٠ »
از ١٣٠٠ » تا ١٣٤٩ »	٢٦/٥٠ »
از ١٣٥٠ » تا ١٣٩٩ »	٢٧/٥٠ »
از ١٤٠٠ » تا ١٤٩٩ »	٣٥/ »
از ١٥٠٠ » تا ١٥٩٩ »	٣٨/ »
از ١٦٠٠ » تا ١٦٩٩ »	٤١/ »
از ١٧٠٠ » تا ١٧٩٩ »	٤٦/٥٠ »
از ١٨٠٠ » تا ١٨٩٩ »	٥٢/٥٠ »
از ١٩٠٠ » تا ١٩٩٩ »	٥٨/٥٠ »
از ٢٠٠٠ » تا ٢١٩٩ »	٦٧/٥٠ »
از ٢٢٠٠ » تا ٢٣٩٩ »	٧٩/٥٠ »
از ٢٤٠٠ » تا ٢٥٩٩ »	٩١/٥٠ »
از ٢٦٠٠ » تا ٢٧٩٩ »	١٠٣/٥٠ »
از ٢٨٠٠ » تا ٢٩٩٩ »	١١٥/٥٠ »

میزان حقوق ماهیانه	مالیات ماهیانه
از ٣٠٠٠ ریال تا ٣١٩٩ ریال	١٢٧/٥٠ ریال
از ٣٢٠٠ « تا ٣٣٩٩ »	١٤١/- »
از ٣٤٠٠ » تا ٣٥٩٩ »	١٥٨/٥٠ »
از ٣٦٠٠ » تا ٣٧٩٩ »	١٧٨/٥٠ »
از ٣٨٠٠ » تا ٣٩٩٩ »	٢٠٢/٥٠ »
از ٤٠٠٠ » تا ٤١٩٩ »	٢٢٢/٥٠ »
از ٤٢٠٠ » تا ٤٣٩٩ »	٢٣٨/٥٠ »
از ٤٤٠٠ » تا ٤٥٩٩ »	٢٥٨/٥٠ »
از ٤٦٠٠ » تا ٤٧٩٩ »	٢٧٨/٥٠ »
از ٤٨٠٠ » تا ٤٩٩٩ »	٣٠٢/٥٠ »
از ٥٠٠٠ » تا ٥٤٩٠ »	٣٣٧/٥٠ »
از ٥٥٠٠ » تا ٥٩٩٠ »	٣٨٧/٥٠ »
از ٦٠٠٠ » تا ٦٤٩٠ »	٤٣٧/٥٠ »
از ٦٥٠٠ » تا ٦٩٩٠ »	٤٨٧/٥٠ »
از ٧٠٠٠ » تا ٧٤٩٠ »	٥٣٧/٥٠ »
از ٧٥٠٠ » تا ٧٩٩٠ »	٥٨٧/٥٠ »
از ٨٠٠٠ » تا ٨٤٩٠ »	٦٤١/٥٠ »
از ٨٥٠٠ » تا ٨٩٩٠ »	٧٠٤/- »
از ٩٠٠٠ » تا ٤٤٩٠ »	٧٧٩/- »
از ٩٥٠٠ » تا ٩٩٩٠ »	٨٥٤/- »
از ١٠٠٠٠ » تا ١٠٩٩٠ »	٩٦٦/ »

ازاین ببالا تا حقوق ماهی ٤١٠٠٠ ریال برای هر ١٠٠٠ ریال اضافی / ١٥٠ ریال افزوده میشود .

از ٤٢٠٠٠ ریال تا ٤٢٩٩٠ ریال		٥٨١١/٥٠ ریال

ازاین ببالا برای هریکهزار ریال اضافی ٢٠٠ ریال افزوده میشود .

ماده۴ ـ اداره دارائی حق دارد برای اطمینان از صحت اظهارات مؤدیان هرنوع تحقیقی‌را که لازم میداند از آن جمله مراجعه بدفاتری کـه بازرگانان طبق قانون تجارت موظف بداشتن آن هستند بعمل آورده ودر صورتیکه مالیات اظهار شده را صحیح نداند نظر خود را با ذکر دلایل کتباً بمؤدی ابلاغ واخطار کند تا اگر واخواهی دارد درظرف ٢٠ روز از تاریخ ابلاغ اخطار واخواهی خودرا با ذکر دلیل توسط دارائی یا فرمانداری یا بخشداری یاپست سفارشی بکمیسیون تشخیص بدهد درصورت تسلیم صریح مؤدی به تشخیص دارائی اعم از اینکه قبل یا بعداز اخطار باشد ویاعدم‌واخواهی درظرف مدت مقرر میزان‌مالیات مشخصه قطعی‌خواهد بود مگر آنکه اشتباه درمحاسبه شده باشد .

ماده۵ ـ شرکتهای مشمول مالیات موظفند در صورتیکه سال محاسباتی آنها باسال خورشیدی تطبیق کند تا ١٥ تیر هرسال وچنانچه سال محاسباتی آنها با سال خورشیدی تطبیق‌ننماید درظرف‌چهارماه پس‌از خاتمه سال محاسباتی خودرونوشتی از آخرین ترازنامه وحساب‌های سود وزیان خود که صحت آن ازطرف نمایندگان صلاحیت‌دار آنهاتصدیق شده باشد بضمیمه‌کلیه اطلاعاتیکه برای‌اجرای مقررات‌این قانون‌وآئین‌نامه‌های مربوطه بآن‌لازم باشد باداره دارائی محلی که مرکز اصلی‌شرکت یا مرکز اداری شرکت خارجی درایران در آن محل واقع است بانضمام مالیاتیکه بدرآمد آنها تعلق میگیرد تسلیم نمایند .

ماده٦ ـ درموارد زیر درآمد مؤدیان ازروی نشانی‌ها تعیین خواهد شد .

١ ـ درصورتیکه مؤدیان درظرف مدت قانونی اظهارنامه یاترازنامه ندهند .

٢ ـ درصورتیکه دارای دفاترقانونی نبوده ویادفاترآنها مطابق مقررات‌قانون تجارت نگاهداری نشده باشد .

برای تشخیص اینکه نشانیها درهر محل حاکی از چه میزان درآمد است و برای رفع اختلاف بین ادارات دارائی و مؤدیان در هر حوزه مالیاتی یك یا چند کمیسیون بنام کمیسیون تشخیص تشکیل میشود نشانیها وطرز تشکیل کمیسیون های تشخیص وحدود صلاحیت وطرز رسیدگی آنها درآئین‌نامه مصوب کمیسیون قوانین دارائی مجلس تعیین خواهدشد . ☆

آئین‌نامهٔ‌مذکوردرمادهٔ ششم‌بشرح زیربتصویب کمیسیون قوانین مالیهٔ مجلس شورای‌ملی رسیده‌است.

آئین‌نامهٔ قانون مالیات بردرآمد

مصوب کمیسیون قوانین دارائی - مورخ ١٧ اردیبهشت‌ماه ١٣١٨

فصل یکم - هزینهٔ مربوط به‌پیشه

مادهٔ یکم - هزینهٔ جاری ومصارف پیشه که درتبصرهٔ یکم مادهٔ (١) قانون مالیات بردرآمد وحق تمبرمصوب ٢٩ آبانماه ١٣١٢ قید شده عبارت است از :

١ - کرایهٔ مکانی که برای پیشه لازم است در صورتیکه محل پیشه ملکی باشد استهلاك پذیرفته میشود مشروط براینکه کسورواقعی بوده ومربوط بسالی باشد که بحساب مالیاتی آن سال رسیدگی میشود .

٢ - کلیهٔ هزینه‌هائی که برای بیمه ونگاهداری وسوخت و روشنائی محل لازم است و امثال این هزینه‌های ضروری مربوط بمحل .

٣ - بهرهٔ وجوهیکه برای تکمیل حوائج پیشه ازاشخاص وبنگاهها وام وبکارانداخته شده .

٤ - حقوق ودستمزدکارمندان وکارگران .

٥ - مالیات بردرآمدی که درسال پیش پرداخته شده است .

٦ - هزینه‌های دیگرحقیقی وانتفاعی یا اداری ضروری مربوط به‌پیشه .

مادهٔ دوم - کلیهٔ هزینه‌هائی که ارتباط به‌پیشهٔ تحصیل و حفظ درآمد داشته باشد بایستی مستند بمدارك مثبته باشد .

تبصره - درآمدسالیانه پیشه‌وران‌جزء که‌مطابق‌قانون‌تجارت‌ملزم‌بنگاهداری دفاتر تجارتی‌نیستند ازطرف کمیسیون‌تشخیص هرمحل بطور مقطوع تعیین‌میشود .

هزینه‌هائی که جنبهٔ شخصی وخصوصی دارد از قبیل کرایهٔ خانهٔ مسکونی - هزینهٔ خانواده - هزینهٔ اسباب واثاثیه - هزینهٔ تحصیل اولاد - هزینهٔ تفریحی وتفننی وهرگونه‌هزینهٔ دیگر که مربوط به‌پیشهٔ مؤدی نیست جزء هزینهٔ پیشه حساب نمیشود .

فصل دوم - نشانیها

مادهٔ سوم - نشانیهای مذکور در مادهٔ (٦) قانون اصلاح قانون مالیات بردرآمد مصوب ۲۸ اسفند ۱۳۱۷ عبارت است از :

۱ - میزان سرمایه .

۲ - میزان فروش سالیانه .

۳ - کرایهٔ سالیانهٔ محل پیشه یا خانهٔ مسکونی یا هردوآنها .

٤ - میزان حقوق ویا دستمزدی که بکارمندان وکارگران پرداخت شده است .

٥ - میزان قوهٔ ماشین و مقدار مواد اولیهٔ که بمصرف رسیده و یا ارزش محصولاتی که بدست آمده .

٦ - میزان حق بیمهٔ دریافتی .

۷ - میزان دلالی وحق‌العمل دریافتی .

۸ - میزان ظرفیت وسائط رانندگی .

۹ - میزان کل درآمد (درآمد ناویژه) .

۱۰ - واحد معمولی دستمزد وپایمزد .

ممکن است درآمد ویژهٔ مؤدی را با اعمال یك یا چند نشانی تعیین نمود وچنانچه چندنشانی اعمال شود بین نتایج حاصله‌ازنشانیهای مختلفه نتیجهٔ که ازهمه بیشتراست مأخذتشخیص مالیات خواهد بود مگرآنکه بین ادارهٔ دارائی ومؤدی بمبلغ دیگری توافق‌شود یاآنکه براثرعدم توافق وارجاع پرونده بکمیسیون تشخیص ازطرف کمیسیون نامبرده نظردیگری اتخاذ شود .

تبصره - درهرمورد که برای محل پیشه وخانهٔ مسکونی کرایه داده نشود باید میزانی را حساب کرد که اگربنابود کرایه داده شود آن میزان داده میشد .

فصل سوم - کمیسیون تشخیص

مادهٔ چهارم - در هر حوزهٔ دارائی اعم از شهرستان یا بخش یك یا چند کمیسیون بنا بمقتضیات ومطابق تشخیص دارائی محل ازاشخاص زیرتشکیل خواهد شد .

۱ - فرماندار - بخشداریا نمایندهٔ آنها .

۲ - رئیس دارائی محل یا نمایندهٔ او .

طرز تعیین درآمد مزبور ووصول مالیات متعلقه آن بموجب آئین نامهٔ خواهد بود که بتصویب هیئت وزیران خواهد رسید .

۳ – یکی از رؤساء یا کارمندان دوائر دیگر محل بنابتشخیص فرماندار یا بخشدار و رئیس دارائی .

۴ – دو نفر نماینده از بازرگانان و دو نفر از پزشگان و دو نفر از وکلاء دادگستری ودو نفر ازسایر مؤدیان .

مادهٔ پنجم – دراول بهمن‌ماه هر سال و برای سال ۱۳۱۸ منتهی تا آخر خرداد ۱۳۱۸ بنا بهپیشنهاد رئیس دارائی ، فرماندار یا بخشدار اقدام بانتخاب کمیسیونهای تشخیص برای سال بعد خواهدنمود . طرزانتخاب بشرح زیر است :

۱) نمایندهٔ بازرگانان ازاطاق بازرگانی هرمحل واگر اطاق بازرگانی موجود نباشد ازانجمن شهرداری آن محل واگرانجمن شهرداری دائرنباشد فرماندار یا بخشدارعدهٔ از بازرگانان معروف محل‌را درفرمانداری ویا بخشداری دعوت نموده وبا حضوررئیس دارائی ازبین آنها با رأی مخفی و اکثریت نسبی دونفرنماینده برای هر کمیسیون تشخیص انتخاب خواهد کرد .

۲) برای انتخاب نمایندگان پزشگان ووکلاء دادگستری رویهٔ اخیرمذکوردربند ۱ مادهٔ(۵) معمول خواهد شد .

۳) برای انتخاب نمایندگان پیشه‌وران جزء و سایر مؤدیان در محلهائیکه انجمن شهرداری دائر باشد ازانجمن نامبرده و درصورتیکه نباشد فرماندار و یا بخشدار عدهٔ از معتمدین محل را در فرمانداری یا بخشداری دعوت نموده وبرطبق رویهٔ اخیربند ۱ مادهٔ (۵) اقدام خواهد نمود .

تبصره – درموقع انتخاب نمایندگان طبقات چهارگانهٔ نامبردهٔ دربند ۴ مادهٔ ۴ علاوه بردو نفرنمایندهٔ اصلی برای‌هر کمیسیون تشخیص دونفردیگر بعنوان‌نمایندگی علی‌البدل انتخاب‌خواهندشد که درموقع غیبت نمایندگان اصلی در کمیسیونهای مربوطه حضور بهمرسانند .

مادهٔ ششم – در نقاطیکه عدهٔ افراد هریك از طبقات چهارگانه کمتر از پنج نفر باشد نمایندگان آنها را انجمن شهرداری واگر انجمن نامبرده دائرنباشد فرماندار ویا بخشداربا موافقت رئیس دارائی محل نمایندگان را انتخاب خواهد نمود .

مادهٔ هفتم – انتخاباب کمیسیون تشخیص بایدتا ۱۵ اسفندماه هرسال تمام‌شود درصورتیکه اطاق بازرگانی یا انجمن شهرداری تا تاریخ نامبرده نمایندگان را انتخاب نکنند رئیس ونایب‌رئیس اطاق بازرگانی ورئیس ونایب‌رئیس انجمن شهرداری بسمت‌کارمندی کمیسیون تشخیص شناخته شده وموظف بحضوردرجلسات کمیسیون خواهندبود ودراینصورت کارمندان علی‌البدل ازبین اعضاءاطاق بازرگانی وانجمن شهرداری بقرعه ازطرف فرماندارتعیین خواهند شد .

ماده۷ ـ ماده ۲۳ قانون مصوب ۲۹ آبانماه ۱۳۱۲ در مورد این قانون نیز مجری میباشد.

تبصره ـ حکم انتصاب هریك از کارمندان را که بیکی از راههای پیش‌بینی شده در این آئین‌نامه تعیین شده‌اند فرماندار و یا بخشدار محل صادر و امضاء نموده وبطرف تسلیم خواهد نمود مدت مأموریت کارمندان کمیسیون تشخیص تا آخر اسفند ماه سال بعد میباشد برای کارمندان در کمیسیون تشخیص حقوقی ازطرف دولت داده نخواهد شد.

مادهٔ هشتم ـ اشخاصیکه باتهام بزه یا تبه‌کاری یا ورشکستگی بتقصیر محکوم شده‌اند صلاحیت‌کارمندی کمیسیون تشخیص را ندارد.

مادهٔنهم ـ هر گاه‌کارمندی دردوجلسهٔ متوالی‌بدون‌عذرموجه حضور بهم‌نرساند بنابه‌پیشنهاد رئیس‌دارائی ازطرف‌فرماندار‌یابخشدارمعزول‌ومراتب درمجله‌رسمی ویکی‌ازروزنامه‌های کثیرالانتشار محل درج خواهد شد.

تبصره ـ در صورت عزل یا فوت یا استعفای هر یك از نمایندگان اصلی از نمایندگان علی‌البدل بجای اوبرقرارخواهد شد.

ماده دهم ـ وظائف کمیسیون تشخیص عبارت است از:

۱) تعیین ضرائب مربوط بهریك ازنشانیها.

۲) تشخیص درآمد مقطوع پیشه‌وران جزء.

۳) رسیدگی باختلافات حاصله بین مؤدیان وادارهٔ دارائی.

مادهٔ یازدهم ـ کمیسیون تشخیص میتواند اظهارات اشخاص ثالث را استماع نموده و حق دارد هرگونه توضیح کتبی یا شفاهی که برای تعیین مالیات مورد بحث لازم میداند از مؤدیان بخواهد ونیز مجازاست دفاتر تجارتی واسناد مؤدی را رسیدگی نماید.

مادهٔ دوازدهم ـ تاریخ‌تشکیل کمیسیون و عدهٔ جلسات برحسب تشخیص دارائی هرمحل واطلاع فرمانداریا بخشدارخواهد بود.

مادهٔ سیزدهم ـ ریاست کمیسیون تشخیص با فرماندار و یا بخشدار یا نمایندهٔ آنها و در غیاب آنها با رئیس دارائی یا نمایندهٔ اوخواهد بود.

رئیس یا نمایندهٔ دارائی درهرصورت مخبر کمیسیون هم میباشد هریك از کارمندان کمیسیون حق رأی داشته وتصمیمات کمیسیون باکثریت آراء قطعی خواهد بود.

یکنفراز کارمندان دارائی بدون داشتن حق رأی سمت‌منشی‌گری کمیسیون‌را خواهد داشت منشی کمیسیون خلاصهٔ تصمیمات هرجلسه را دردفتری ثبت وبا آراء صادره بامضاء کارمندان کمیسیون خواهد رسانید.

آراء کمیسیون باید مدلل وموجه بوده وبلافاصله پس ازصدور بطرفین ابلاغ شود.

ماده۸ ـ ماده ۸ وماده ۱۷ وتبصره دوم ماده ۲۳ قانون مالیات بردرآمدمصوب ۲۹ آبانماه ۱۳۱۲ و قانون اصلاح قانون مالیات بردرآمد مصوب ۲٤ آذر ۱۳۱۳ و قانون متمم قانون مالیات بردرآمد مصوب ۲۱ آبانماه ۱۳۱۵ و ماده ۵ قانون متمم بودجه ۱۳۱۵ و کلیه مقررات و آئین‌نامه‌هائی که مخالف این‌قانون است ازتاریخ اول فروردین‌ماه ۱۳۱۸ ملغی و این قانون ازهمان تاریخ بموقع اجراء گذارده میشود .

تبصره ـ مالیات سنواتی مشمولین مالیات بردرآمد کـه تا اول سال ۱۳۱۸ واریخت نشده است طبق نرخهای قانون ۲٤ آذر ۱۳۱۳ وآئین‌نامه‌های مربوطه بآن واریخت خواهد شد .

این قانون که مشتمل بر هشت ماده است در جلسه بیست و هشتم اسفندمـاه یکهزار و سیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

نوّاب ریاست مجلس شورای ملی

مرتضی بیات ــ دکتر طاهری

مادهٔ چهاردهم ـ عدم حضورنمایندگان طبقات چهارگانه درجلسات کمیسیون با اطلاع ازتشکیل آن مانع تشکیل جلسه وصدوررای نخواهد بود ولی غیبت نمایندگان مزبوراعم از غیبت با عذریا بدون عذربايد درصورت‌مجلس قید شود .

مادهٔ پانزدهم ـ آئین‌نامهٔ مورخ دوم اسفند ماه ۱۳۱۲ مصوب کمیسیون قوانین دارائی مجلس شورایملی ملغی واین آئین‌نامه بلافاصله پس ازتصویب بموقع اجراء گذارده خواهد شد .

این آئین‌نامه که مشتمل بر پانزده ماده است ودرتاریخ هفدهم اردیبهشت ماه یکهزاروسیصد وهیجده بتصویب کمیسیون قوانین دارائی مجلس شورایملی رسیده است بموجب تبصرهٔ اول مادهٔ اول قانون مصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ ومادهٔ هشتم قانون ۲۸ اسفند ماه ۱۳۱۷ قابل اجراست .

رئیس مجلس شورایملی ـ حسن اسفندیاری

قانون*

اصلاح مواد اول و دوم قانون اصلاح مالیات نفت و بنزین

مصوب ۱۶ مردادماه ۱۳۱۷

مادهٔ واحده ـ ۱ ـ میزان مالیات‌های مقرر در مادهٔ (۱) قانون اصلاح مالیات نفت و بنزین مصوب ۲۴ مهرماه ۱۳۱۴ ازتاریخ اجرای این قانون بشرح پائین اضافه می‌شود :

الف ـ بنزین ونفت لامپا ازهرلیترسی دینار بچهل دینار .

ب ـ سایر مواد مشابهی که بمصرف سوخت موتورهای احتراق داخلی می‌رسد مانند نفت دیزل ونفت گازازهرلیترده دینار بپانزده دینار .

۲ ـ مادهٔ ۲ قانون اصلاح مالیات نفت و بنزین مورخ ۲۴ مهر ماه ۱۳۱۴ بطریق ذیل اصلاح می‌شود :

کلیهٔ مواد نفتی موجود دردست تولید کنندگان ووارد کنندگان ونمایندگان آنها از تاریخ اجرای این قانون مشمول مالیات مقرر در فوق است اعم ازاینکه نسبت بآنها معاملهٔ قبلی شده باشد یا نشده باشد . ومعاملاتی که قبل ازتاریخ شانزدهم مردادماه ۱۳۱۷ بین تولید کنندگان و وارد ـ کنندگان مواد نفتی و یا نمایندگان آنها و مصرف کنندگان واقع شده ولی جنس آن تا تاریخ مذکورتحویل نگردیده مشمول مالیات جدید بوده وفقط درصورتی باید قابل اجرا شناخته شود که خریدارمالیاتهای مقرررا طبق این قانون بفروشنده بپردازد .

۳ ـ این قانون ازیکشنبهٔ شانزدهم مرداد ماه ۱۳۱۷ اجرا میشود .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسهٔ شانزدهم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هفده بتصویب مجلس شورایملی رسید .

رئیس مجلس شورایملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اصلاح قانون مالیات نفط و بنزین

مصوب ۴ شهریورماه ۱۳۱۸

ماده واحده ـ از تاریخ ۱۳ مرداد ماه ۱۳۱۸ مالیات نفط لامپا و بنزین و مواد مشابهی که بمصرف سوخت موتورهای احتراق داخلی میرسد بمأخذ پائین

---

* این قانون برحسب قانون ۴ شهریورماه ۱۳۱۸ اصلاح شده است .

گرفته می‌شود .

ازهر لیتر بنزین ونفط لامپا پنجاه دینار (۰/۵۰) واز سایر مواد مشابهی که بمصرف سوخت موتورهای احتراق داخلی‌میرسد مانند نفط دیزل ونفط گاز هرلیتر بیست دینار .

کلیه موادنفطی موجود دردست‌تولید کنندگان وواردکنندگان ونمایندگان آنها از تاریخ ۱۳ مردادماه ۱۳۱۸ مشمول مالیات مقرر در فوق است اعم از اینکه نسبت بآنها معامله قبلی شده یانشده باشد .

مقررات این قانون نسبت بموجودی ۱۳ مرداد ماه ۱۳۱۸ ببعد مواد نفطی نامبرده نیز قابل اجرا بوده ومعاملاتی که قبل از آن تاریخ بین تولیدکنندگان و واردکنندگان مواد نفتی و یا نمایندگان آنها و مصرف کنندگان واقع شده ولی جنس آن تا تاریخ نامبرده تحویل نگردیده مشمول مالیات جدید بوده وفقط در صورتی باید قابل اجراء شناخته شود که خریدار مالیاتهای مقرر را طبق این قانون بفروشنده بپردازد .

این قانون که مشتمل بریك ماده‌است درجلسه چهارم شهریورماه یکهزار و سیصد وهیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

متمم مواد الحاقیه بقانون دیوان محاسبات

مصوب کمیسیون قوانین دارائی ۳ مهرماه ۱۳۱۷

ماده‌ششم ـ برای اینکه حساب ۱۳۱۶ ببعد وزارت جنگ واداره امنیه در دیوان محاسبات رسیدگی شود ازتاریخ تصویب این‌قانون برشعب چهارگانه دیوان محاسبات یك شعبه اضافه میشود .

شعبه مزبور مانند سایر شعب دیوان مذکور مرکب از یکنفر رئیس و دو

نفر مستشار خواهد بود و بعده کافی ممیز خواهد داشت .

ماده هفتم ـ وزیر مالیه مجازاست رئیس ومستشاران شعبه مذکور فوق و سه‌نفر عضو قائم‌مقام‌را برای‌بقیه دوره سه‌ساله‌اعضاء دیوان‌محاسبات‌از بین‌خدمتگزاران رسمی دولت مستقیماً انتخاب نماید .

ماده هشتم ـ پس از انقضاء دوره سه سالهٔ اعضاء دیوان محاسبات وزیر مالیه برای تجدید انتخاب اعضاء شعب پنجگانه و قائم مقام آنها بجای سی و شش نفر که در ماده پنجم از مواد الحاقیة مقرر است ٤٥ نفر به مجلس شورای ملی پیشنهاد خواهد نمود .

متمم موادالحاقیه بقانون دیوان محاسبات که‌مشتمل برسه ماده‌است درتاریخ سوم مهرماه یکهزار و سیصد وهفده بتصویب کمیسیون قوانین دارائی مجلس‌شورای ملی رسیده وبموجب قانون مصوب ۲۷ شهریورماه ۱۳۱۳ قابل اجرا است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه اجرای لوایح قانونی وزارت عدلیه پس از تصویب کمیسیون قوانین عدلیه

مصوب ۲۰ مهرماه ۱۳۱٦

ماده واحده ـ وزیر عدلیه مجازاست لوایح قانونی‌را که بمجلس شورای‌ملی پیشنهادمینماید‌پس‌ازتصویب کمیسیون‌فعلی‌قوانین‌عدلیه‌بموقع‌اجرا گذارده وپس‌از آزمایش آنها درعمل‌نواقصی‌را که ضمن جریان ممکن‌است معلوم‌شود رفع وقوانین مزبوره را تکمیل نموده ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای‌ملی پیشنهاد نمایدلوایح

مزبوره در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد شد تا نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع بکمیسیون بدهند و شور دوم بعد از انقضاء هشت روز بعمل آید.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیستم مهر ماه یکهزار و سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه اجرای لوایح قانونی پیشنهادی وزارت دادگستری پس از تصویب کمیسیون قوانین دادگستری

مصوب ۲۴ مهر ماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ وزیر دادگستری مجاز است لوایح قانونی را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد مینماید پس از تصویب کمیسیون فعلی قوانین دادگستری بموقع اجرا گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل نواقصی را که در ضمن جریان ممکن است معلوم شود رفع وقوانین مزبوره را تکمیل نموده و ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نماید.

لوایح مزبوره در کمیسیون مطرح و پس از شور اول طبع و توزیع خواهد شد تا نمایندگان نظریات خود را در موضوع لایحه در ظرف هشت روز از تاریخ توزیع بکمیسیون بدهند و شور دوم بعد از انقضاء هشت روز بعمل آید.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و چهارم مهر ماه یکهزار و سیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

راجع به املاك مورد وثیقه بانك فلاحتی

مصوب ١٥ اسفند ١٣١٦

ماده واحده ـ در مورد املاك ثبت نشده که متصرف بعنوان مالکیت آنرا وثیقه استقراض از بانك فلاحتی قرار میدهد اگر پس از استقراض کشف شود که ملك متعلق بغیر یا مورد حق غیر بوده بانك‌فلاحتی میتواند اصل ومنافع طلب‌خود را از اموال قرض گیرنده چنانچه اموالی داشته باشد و یا ازعین یا منافع ملك مورد وثیقه استیفاء نماید.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه پانزدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اصلاح بعضي از مواد قانون ثبت اسناد و املاك

مصوب ١٠ مهرماه ١٣١٧

ماده واحده ـ الف ـ مواد ٦/١١/٢٥ و١٢٨ قانون ثبت اسناد واملاك مصوب ٢٦ اسفندماه ١٣١٠ بشرح زیر اصلاح میشود:

ماده٦ ـ برای رسیدگی باختلافات و اشتباهات حاصله در امور مربوطه به ثبت املاك و ثبت اسناد و تشخیص وقوع و مؤثربودن اشتباه و رفع اختلاف و اخذ تصمیم مقتضی دو هیئت بعنوان شورای عالی ثبت و هیئت نظارت در اداره کل ثبت تشکیل می‌شود.

شورای عالی ثبت مرکب خواهد بود از مدعی‌العموم دیوانعالی تمیز و مدیر کل امور قضائی (یا یکنفر از اعضاء عالی رتبه قضائی به تعیین وزیرعدلیه) ومدیر کل ثبت.

هیئت نظارت عبارت خواهد بود از معاون کل ثبت و رئیس اداره امور املاك و یکنفر از اعضاء اداره کلّ ثبت به تشخیص وزیر عدلیه.

وظایف وحدود صلاحیت هر یك از دوهیئت مذکور درماده ۲۵ و ۲۵ مکرر تعیین میشود.

ترتیب طرح مسائل ورسیدگی درهریك از دوهیئت برطبق آئین‌نامه وزارت عدلیه خواهد بود.

ماده ۱۱ ـ ازتاریخ انتشار اولین آگهی مذکور درماده ۱۰ تاشصت‌روز باید متصرفین بعنوان مالکیت واشخاص‌مذکور در دوماده ۲۷ و ۳۲ نسبت به‌املاك واقع در آن ناحیه بوسیله اظهارنامه درخواست ثبت نمایند.

اداره ثبت مکلف است تا نود روز پس از انتشار اولین آگهی مذکور صورت کلیه اشخاصی را که اظهار نامه داده‌اند با نوع ملك و شمارهٔ که از طرف اداره ثبت برای هر ملك معین شده در روزنامه‌ها آگهی نماید و این آگهی تا شصت روز هر بیست روز یك نوبت منتشر خواهد شد.

تبصره ـ در مورد اراضی و املاکی که آثار تصرف مالکانه فعلی کسی نسبت بآنها موجودنباشد درخواست‌ثبت از کسی پذیرفته میشود که بر مالکیت یابرتصرف سابق خود بعنوان مالکیت یا برتصرف خود بعنوان تلقی از مالك یا قائم‌مقام قانونی مدارکی داشته باشد.

چنانچه تقاضای ثبت نسبت باین قبیل املاك بیکی از عناوین مذکور در دو ماده ۲۷ و ۳۲ باشد درصورتی‌تقاضای ثبت پذیرفته میشود که تقاضا کننده مدارکی

برعنوان مذکور یابرتصرف‌سابق‌خود بآن‌عنوان ویا برتصرف کسی که تقاضا کننده قائم‌مقام قانونی او محسوب میشود داشته باشد .

ماده ۲۵ ـ ۱ ـ هرگاه دراجرای مقررات ماده ۱۱ ازجهت پذیرفتن تقاضای ثبت اختلافی بین اشخاص واداره ثبت واقع شود ویااشتباهی تولید گردد ویادرتصرف اشخاص تزاحم وتعارضی‌باشد رسیدگی بآن ازصلاحیت شورای عالی‌ثبت مذکور در ماده ٦ خواهد بود که بتقاضای مدیر کل ثبت رسیدگی و اظهارنظر خواهد کرد .

۲ ـ رسیدگی بسایر اشتباهات و اختلافاتیکه در جریان عملیات ثبت املاک واقع شود از صلاحیت هیئت نظارت مذکور در ماده ٦ خواهد بود .

۳ ـ در موارد صلاحیت هریك ازدوهیئت تشخیص وقوع اشتباه ومؤثربودن آن با خود هیئت خواهد بود و رأی و تصمیم هریك ازآنها قطعی است بدون آنکه در رسیدگی باعتراضات به ثبت در محاکم تأثیری داشته باشد .

٤ ـ هرگاه تشخیص صلاحیت یکی از دو هیئت مورد تردید اداره کل ثبت باشد و یا پس از ارجاع به هیئت نظارت هیئت مذکور خود را صالح نداند موضوع در شورای عالی ثبت طرح و رأی این هیئت در تشخیص صلاحیت قاطع است .

٥ ـ هرگاه شورای‌عالی‌ثبت یاهیئت‌نظارت تشخیص دادند که درجریان ثبت املاك اشتباه مؤثری واقع شده عملیاتی که درنتیجه آن اشتباه و یا بعد ازآن بعمل آمده ویا اشتباه مربوط بآن‌بوده ابطال‌وجریان‌ثبت برطبق‌مقررات این‌قانون تجدید یا تکمیل یا اصلاح میگردد .

٦ ـ هرگاه برحسب تشخیص شورای عالی ثبت یـا هیئت نظارت مقرر شود هرسه نوبت آگهی مذکور در ماده ۱۱ تجدید شود معترضین مطابق ماده ۱٦ حق اعتراض خواهندداشت وچنانچه مقررشود فقط آگهی‌های نوبت دوم و سوم یانوبت سوم تجدید شود در این صورت از تاریخ نشر آخرین آگهی تا پنجاه روز اشخاص

حق اعتراض دارند .

۷ ــ چنانچه اشتباه ازطرف خود درخواست کننده ثبت ناشی‌شده باشد هزینه اقداماتی که برای جریان‌ثبت ملك بعمل‌میآید بعهده تقاضا کننده ثبت‌است وچنانچه رأی یکی ازدوهیئت ابطال‌کلیه عملیات ثبتی باشد جریان‌مجدد عملیات ثبت موقوف به تأدیه حق‌الثبت جدید خواهد بود .

۸ ــ رسیدگی هریك از دو هیئت در اثر اشتباه یا اختلاف با موقعی جایز و ممکن است که هنوز ملك در دفتر املاك به ثبت نرسیده باشد .

ماده ۲۵ مکرر ــ ۱ ــ در غیر موارد مذکور در مواد ٤٦ و ٦٠ قانون دفتر اسناد رسمی مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱٦ هرگاه درطرز تنظیم اسناد و تطبیق مفادآنها با قوانین اشکال یا اشتباهی پیش‌آید رفع اشکال و اشتباه و صدور دستور لازم نیز با شورای عالی ثبت خواهد بود .

۲ ــ در هرمورد که بنظر وزیر عدلیه یا مدیر کل ثبت رأی هیئت نظارت مذکور درماده ٦ قانون ثبت ویا رأی هیئت حل اختلاف وحاکم بدایت که درمورد رسیدگی بشکایات مربوطه به اجرای اسناد مطابق ماده ٥۹ قانون دفتر اسناد رسمی و مواد تابعه صادر میشود برخلاف قانون باشد موضوع در شورای عالی ثبت طرح و هیئت مزبور رسیدگی کرده نظر خود را اظهار میدارد .

رأی شورای‌عالی دراینمورد فقط برای‌رعایت قانون درنظایر آن‌است و نسبت بموضوع طرح شده و اشخاص ذیعلاقه تأثیری ندارد .

درصورتیکه شورای عالی ثبت رأی هیئت مذکوره را مخالف قانون تشخیص دهد رأی شورای عالی در مجله رسمی یا مجموعه حقوقی منتشر خواهد شد .

ماده ۱۲۸ ــ حق‌الودیعه اسناد واوراق ازبابت هر بسته ممهورماهی‌دوریال‌است

حق الودیعه ششماهه قبلا اخذ خواهد شد .

برای اسناد و اوراقی که بطور دائم باداره ثبت امانت داده میشود معادل حق الودیعه بیست سال بطور مقطوع قبلا تأدیه خواهد شد .

ب ـ تبصره زیر به ماده ۶۴ قانون دفتر اسناد رسمی مصوب پانزدهم خردادماه ۱۳۱۶ اضافه میشود .

تبصره ـ شکایت بهیئت یا حاکم بدایت در موارد ماده **۵۹** در صورت مختومه بودن عملیات اجرائی فقط در ظرف سه ماه از تاریخ ختم عملیات اجرائی پذیرفته میشود و پس از آن مرجع شکایت محکمه است .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه دهم مهرماه یکهزاروسیصدو هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اصلاح ماده هفتم قانون قطع و فصل دعاوی بین افراد و دولت

مصوب اول آبانماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ ماده هفتم قانون ۱۳ آبانماه **۱۳۰۹** راجع بقطع وفصل دعاوی بین اشخاص و دولت نسخ و بجای آن ماده زیر تصویب میشود .

ماده هفتم ـ دردیوان محاکمات مالیه قطع و فصل دعاوی موقعی بحکمیت ارجاع خواهد شد که طرفین کتباً رضایت بدهند .

دعاوی که قبل از تاریخ تصویب اینماده برطبق ماده ۷ قانون آبانماه **۱۳۰۹** بحکمیت ارجاع شده و هنوز حکمها رأی خود را نداده یا رأی داده‌اند ولی قطعی نشده باشد در هر مرحلهٔ باشد نیز مشمول این ماده بوده و باید در محکمه‌ای که

صلاحیت رسیدگی را دارد رسیدگی شود مگر اینکه دوطرف دعوی درادامه رسیدگی بطریق حکمیت کتباً تراضی نمایند .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه اول آبانماه یکهزاروسیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی – حسن اسفندیاری

قانون

لزوم ارائه گواهی نامه پزشك قبل از وقوع ازدواج

مصوب ۱۳ آذر ماه ۱۳۱۷

ماده اول – جمله زیر بماده اول قانون ازدواج اصلاح شده بموجب قانون مصوب ۲۹ اردیبهشت ماه ۱۳۱٦ اضافه میشود .

در حوزه‌هائیکه آگهی فوق‌الذکر ازطرف وزارت دادگستری نشده است . شوهر مکلف است درصورتیکه درغیر دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مبادرت بازدواج یا طلاق یا رجوع نماید تا بیست روز پس از وقوع عقد یا طلاق یا رجوع بیکی از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق رجوع کرده قباله مزاوجت یا طلاقنامه یا رجوع را بثبت برساند و الا بیکماه تا ششماه حبس تأدیبی محکوم خواهد شد .

ماده دوم – کلیه دفاتر ازدواج مکلفند که قبل از وقوع ازدواج از نامزدها گواهی نامه پزشك را برنداشتن امراض مسریه مهم که نوع آنها از طرف وزارت دادگستری معین و اعلام میگردد مطالبه نموده و پس از بایگانی آن بعقد ازدواج وثبت آن باقید موجود بودن گواهی پزشك برتندرستی نامزدها اقدام نمایند .

تبصره – دختران ازداشتن گواهی نامه پزشك درقسمت امراض زهروی معاف هستند .

ماده سوم - پزشکهائی میتوانندگواهی نامه صادرنمایند که پروانه مخصوص از وزارت دادگستری برای اینکار داشته باشند.

تبصره - ترتیب صدور گواهی نامه پزشك و تعیین دستمزد آنها بموجب آئین نامه ایست که بتصویب وزارت دادگستری و وزارت کشور خواهد رسید.

ماده چهارم - هرسردفتری که بدون رعایت ماده ۲ این قانون بعقد وثبت ازدواج مبادرت نماید بحبس تأدیبی از دو ماه الی یکسال محکوم خواهد شد.

ماده پنجم - هرپزشکی که برخلاف واقع گواهی تندرستی بنامزد بدهد و یا بدون جهت و از روی غرض از دادن گواهی نامه خودداری نماید بحبس تأدیبی ازششماه تا دوسال محکوم خواهد شد.

ماده ششم - اجرای مواد ۲ و ۳ و ٤ و ٥ این‌قانون درهرمحل ازتاریخی است که ازطرف وزارت دادگستری معین و اعلام خواهد شد.

این قانون که مشتمل برشش ماده است درجلسه سیزدهم آذر ماه یکهزار و سیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

راجع به تعدیل مال‌الاجاره ها

مصوب اول دیماه ۱۳۱۷

ماده۱ - هرخانه وعمارت مسکونی واطاق وانبار و دکان ومغازه وحمام و مستقل دیگرجزءاً و کلاً که درتاریخ اجراء این‌قانون بعنوان اجاره یا صلح منافع یا هرعنوان دیگری بمنظور اجاره درتصرف کسی است اعم ازاینکه نسبت بآن سند رسمی یاغیررسمی تنظیم شده ویاسکونت متصرف برحسب تراضی اوبامالك یاقائمقام

او یامالك منافع یا اجازه یکی‌از آنها بوده ومدت اجاره یا قرارداد یا اجازه منقضی شده یا کمتر از سه سال از آن مدت باقی مانده و هرمستقلی که بعداً باجاره داده شود ومدت اجارهٔ آن منقضی گردد ـ اجاره بدرخواست متصرف نامبرده برای مدتی تا سه سال ازتاریخ اجراءِ این قانون بحکم قانون تجدید خواهد شد ـ ترتیب دادن درخواست این اجاره وثبت آن دردفاتر اسناد رسمی درآئین‌نامه وزارت دادگستری تعیین میشود .

درخواست خلع ید مستأجردرمدت مزبور درداد گاهها وادارات ثبت باستناد انقضاءِ مدت‌اجاره یاقرارداد یااجاره سابق پذیرفتهٔ نخواهدشد مشروط باینکه‌مستأجر مال‌الاجاره را حسب‌المقررمرتباً پرداخته وازشرایط مقرربین او ومالك یا قائم مقام او ومقررات قانون مدنی راجع بمستأجر که مغایر با این‌قانون نباشد تخلف نکند .

تبصره ـ اجازه‌ای که مطابق این ماده بحکم قانون تجدید میشود قابل انتقال بغیر نیست مگر بااجازه مالك یا قائم مقام او ـ اجازه انتقال بغیر در صورت رضایت مالك و همچنین اجازه بغیر از طرف مالك در صورت انصراف مستأجر یافسخ تابع مقررات این قانون خواهد بود .

ماده۲ ـ املاکی که تخلیه آنها برای استفاده سکونت مالك یا اقرباء طبقه اول اویا برای تغییروضعیت بنا لازم باشد مشمول ماده اول نیست واختلافات مربوط باینموضوع وهمچنین اختلافات مربوط بشرایط مقرر بین مالك ومتصرف ومقررات قانون مدنی راجع بمستأجر وهر گونه اختلافی که درمورد اجراءِ این قانون‌حاصل شود در مرجع و برطبق مقرراتی که وزارت دادگستری تعیین و تنظیم مینماید مرتفع خواهد شد .

هرکس باستناد این‌ماده برخلاف واقع بعنوان استفاده سکونت خود یااقرباءِ

طبقه اول خود یابعنوان تغییر وضعیت بنا درخواست خلع ید ازملکی نماید یا بعد ازخلع ید تامدت اجراء این‌قانون آن ملك را بدون تکلیف تجدید اجاره بمستأجر سابق بوسیله اظهارنامه بدیگری ولو بدون تنظیم اجاره نامه و باطناً اجاره دهد بدرخواست مستأجرمتضرر بحبس‌تأدیبی ازسه ماه تایکسال یاجریمه نقدی ازپنجاه و یك ریال تا پنج هزار ریال محکوم میشود .

تعقیب جزائی باسترداد شکایت متضرر ازجرم موقوف میماند .

ماده۳ ـ مأخذ مال‌الاجاره املاك نامبرده درماده اول‌هرچندکه ازمدت اجاره آنها سه سال یا بیشتر باقی مانده باشد در مدت سه سال از تاریخ اجراءِ این قانون بیش ازحد اکثر مال‌الاجاره آنها در ماه مهر **۱۳۱۵** نخواهد بود چنانچه ملکی‌در مهر ماه **۱۳۱۵** در اجاره نبوده مأخذ اجاره آن مال‌الاجاره املاك مشابه در آن ماه خواهد بود .

مادهٔ۴ ـ اشخاصیکه از سه سال قبل از**۱۵** آذرماه **۱۳۱۷** املاك مذکوره در ماده یك را خریداری نموده یادرمدت مزبورآن املاك را جدیداً ازپی بنا نموده‌اند میتوانند از تاریخ اجراء این قانون مال‌الاجاره مهرماه **۱۳۱۵** و درصورتی که درآن ماه دراجاره نبوده مال‌الاجاره املاك مشابه درآن ماه را باافزایش‌منتهاتا بیست وپنج درصددرتمام مدت اجاره مأخذ مال‌الاجاره قراردهند خواه ازاین‌افزایش‌دفعة استفاده شود یا بتدریج در مدت اجاره .

املاکی نیز که در مهرماه **۱۳۱۵** تحت اجاره بوده و مال‌الاجاره آن تا آن ماه یا بعد از آن درمدت پنج سال اضافه نشده باشد ولو اینکه مدت پنج سال بعداز اجراء این قانون منقضی شود میتوانند درتجدید اجاره ازافزایش بیست وپنج درصد مذکور در این ماده استفاده نمایند .

ماده۵ ـ هر گاه برحسب درخواست مستأجر یا امر شهرداری طبق مقررات مربوطه تغییراتی دروضع بنای ملکی شود یا ساختمان فرعی بآن اضافه شود معادل صدی دوازده منافع سالیانه مبلغ هزینه بمال‌الاجاره مدت سال افزوده میشود .

این حکم شامل تغییرات و تصرفاتی که برحسب درخواست مستأجر یا امر شهرداری از آخر شهریور ۱۳۱۵ ببعد دراملاك شده‌است نیز خواهد بود .

ماده۶ ـ مستغلات جدید که بتصدیق شهرداری پس‌ازتاریخ اجراء این قانون ازپی بناشود مشمول این قانون نخواهند بود .

ماده۷ ـ از تاریخ اجراء این‌قانون صاحبان دفاتراسناد رسمی نمیتوانندبرای مستغلات اجاره‌نامه برخلاف مقررات این قانون تنظیم نمایند .

ماده۸ ـ تنظیم آئین‌نامه‌های اجراء این‌قانون باوزارت دادگستری است .

ماده۹ ـ تاریخ اجراء این‌قانون وتحدید مدت اجراء آن در هر محل کلاً یا بعضاً وشمول آن نسبت بهریك ازانواع املاك‌نامبرده درماده یك بموجب تصویبنامه هیئت وزیران تعیین وآگهی میشود .

این قانون که مشتمل برنه‌ماده است در جلسه اول دی ماه یکهزار وسیصد و هفده بتصویب‌مجلس شورای‌ملی رسید . رئیس‌مجلس شورای ملی ـ حسن‌اسفندیاری

قانون

راجع به کارشناسان رسمی

مصوب ۲۳ بهمن‌ماه ۱۳۱۷

ماده۱ ـ در حوزه‌هائی که وزارت دادگستری اعلام میکند هروقت رجوع بکارشناسی لازم باشد دادگاهها وپارکه‌ها وهرمقام رسمی دیگر باید منحصراً ازبین کارشناسان رسمی انتخاب کنند .

تبصره ـ در هرمورد که تعیین کارشناس مطابق قانون با اصحاب دعوی است طرفین در صورت تراضی میتوانند از غیر کارشناسان رسمی انتخاب نمایند .

ماده۲ ـ شرایط کارشناس رسمی از قرار زیر است :

۱ ـ داشتن تخصص کامل در علم یا فنی که داوطلب کارشناسی در آن‌هستند .

۲ ـ داشتن بیش از ۲۵ سال .

۳ ـ عدم شهرت بفساد اخلاق و تجاهر باستعمال مسکر و افیون .

٤ ـ نبودن تحت ولایت و قیمومت .

۵ ـ عدم محکومیت بجنایت و محکومیت بجنحه که مستلزم محرومیت از حقوق اجتماعی بوده و یا مستلزم محرومیت از شغلی است که تخصص در آن دارند وهمچنین عدم محکومیت بکلاه برداری و خیانت در امانت و سرقت و ورشکستگی بتقلب و جنحه‌های مذکور در این قانون .

٦ ـ عدم محکومیت بانفصال ابد از خدمات دولتی .

ماده۳ ـ ترتیب دعوت و انتخاب کارشناسان رسمی در آئین نامه وزارت دادگستری معین میشود .

ماده۴ ـ کارشناسانی که تحت تعقیب جزائی برای جرائم مذکور در شق ۵ از ماده ۲ قرار بگیرند ازشغل کارشناسی رسمی معلق‌میشوند مقصود ازتعقیب جزائی صدور ادعانامه است .

ماده۵ ـ کارشناسان رسمی باید در مرکز در حضور کمیسیونی مرکب از رئیس و مدعی العموم استیناف و رئیس اداره فنی و در خارج از مرکز در حضور کمیسیونی مرکب از رئیس و مدعی العموم عالی ترین دادگـاه محل سوگند یاد نمایند که در کلیه اموری که برای کارشناسی بآنان رجوع میشود خدا را حاضر و

ناظر دانسته براستی و درستی عقیده خود را اظهار نمایند و نظریات خصوصی را در آن دخالت نداده تمام نظر خود را نسبت باموریکه بایشان مراجعه شده اظهار کرده و هیچ چیز را مکتوم ننموده و برخلاف واقع چیزی نگوید.

ماده۶ ــ پس از اجرای مراسم سوگند از طرف اداره فنی وزارت دادگستری بکارشناس پروانه داده خواهد شد این پروانه در اول هر سال تجدید میشود.

ماده۷ ــ کارشناسانی که سوگند یاد کرده‌اند برای تجدید پروانه درسنوات بعد از یاد کردن سوگند معاف خواهند بود.

ماده۸ ــ کارشناس رسمی باید وظائف مرجوعه را در اسرع اوقات انجام داده و بهیچ وسیله و عنوان اظهار عقیده خود را بتأخیر نیاندازد.

ماده۹ ــ درصورتیکه کارشناس در عقیده خوداشتباه نموده واین اشتباه‌دراثر مسامحه بعمل آمده باشد متخلف بسه ماه تا دو سال محرومیت از کارشناسی رسمی محکوم خواهد شد ــ این محکومیت انتظامی مانع از تعقیب حقوقی نخواهد بود.

ماده ۱۰ ــ کارشناس رسمی مکلف است در موقعی که مقام صلاحیت‌دار معین میکند در جلسه دادرسی یا محلی که مقرر شده حاضر شود مگر اینکه عذرموجهی داشته باشد از قبیل فوت یکی از اقربای نسبی یا سببی تا درجه دوم از طبقه‌سوم و همچنین در موقعیکه‌موانع‌خارجی غیرقابل رفع که اراده او در آنها مدخلیت‌نداشته مانع از حرکت او باشد و در صورت امکان باید عذر خود را قبلا باطلاع دادگاه یا مقام صلاحیت‌دار دیگر برساند.

ماده ۱۱ ــ درصورتی که کارشناس در دو یا چند مقام صلاحیت‌داراحضارشده و جمع بین اوقات ممکن نباشد بایـد حضور در دیوان جزاءِ و دیوان جنائی را مقدم بدارد و در مورد سایر مقامات نزد مقامی که وقت آن زودتر ابلاغ شده حاضر شود در اینصورت کارشناس مکلف است نسخه ثانی اخطار یا گواهی دفتر را بلایحهٔ کــه

برای اعتذار بمقام بعدی میفرستد ضمیمه نماید والا غائب متخلف خواهد شد .

ماده ۱۲ ـ کارشناس مکلف است اسراری را که دراثر انجام شغل خود مطلع شده است حفظ نماید در صورت تخلف علاوه بر مجازات انتظامی بشش ماه تا دوسال حبس تأدیبی محکوم خواهد شد .

ماده ۱۳ ـ کارشناس هنگام مراجعه مقام صلاحیت‌دار اگر جهت ردی موجود باشد مکلف است آنرا بآن مقام اظهار دارد تشخیص کفایت یا عدم کفایت جهت رد با مقام ارجاع کننده است جهات رد کارشناس همان جهات رد حاکم است .

ماده ۱۴ ـ دریافت هر وجه یا مالی از اشخاص ذینفع غیر از آنچه که دادگاه معین میکند و یا آئین‌نامه وزارت دادگستری مقرر مینماید ممنوع است و متخلف بمجازات مرتشی محکوم خواهد شد .

ماده ۱۵ ـ کارشناس نمیتواند از قبول کاری که باو رجوع شده خودداری نماید .

ماده ۱۶ ـ کارشناس باید در گزارشهائیکه میدهد نزاکت را مراعات نماید .

ماده ۱۷ ـ کارشناس رسمی باید دارای دفتر منظمی بوده و نامه‌هائی را که راجع بکارشناسی است درآنجا بایگانی نماید .

ماده ۱۸ ـ درکلیه مواردیکه تأدیه دستمزد کارشناس کلاً یا بعضاً بعهده معسر است کارشناس رسمی باید نسبت به معسر موقتاً بطور مجانی رسیدگی و اظهارعقیده نماید ونیز نسبت بدعاوی که مدعی به آن کمتر از یکهزارریال است درصورتیکه دادگاه یا مقامی که تعیین کارشناس نموده نظر بعدم اهمیت موضوع رسیدگی مجانی رامقتضی بداند هریك از کارشناسان رسمی مکلفند این‌گونه ارجاعات دادگاه یامقام‌صلاحیتدار دیگر را که تعدد آن نسبت بهریك نبـاید درسال از سه تجاوز نماید بدون مطالبه

حق‌الزحمه رسیدگی کرده اظهار عقیده نمایند.

ماده ۱۹ – مرجع تعقیب کارشناس اداره فنی وزارت دادگستری است مطابق آئین‌نامه وزارت دادگستری دادرسی خواهد شد.

ماده ۲۰ – وزیر دادگستری میتواند همینقدر که‌ازسوء رفتارواخلاق کارشناس رسمی مطلع شد امر بتعقیب انتظامی او داده و درمواردی که اشتغال بکارشناسی او منافی با حیثیت کارشناسان رسمی باشد او را از شغل کارشناس رسمی معلق نماید.

ماده ۲۱ – مجازاتهای انتظامی کارشناسان رسمی بقرار زیر است:

۱ – توبیخ شفاهی.

۲ – توبیخ کتبی با درج در پرونده.

۳ – جریمه نقدی از ۱۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال.

۴ – توبیخ با درج در مجله رسمی.

۵ – ممنوعیت موقت از سه ماه تا دو سال.

۶ – محرومیت دائم از شغل کارشناسی.

ماده ۲۲ – مرورزمان نسبت بتعقیب انتظامی کارشناسان دوسال‌ازتاریخ‌وقوع تخلف و یا آخرین تعقیب انتظامی است.

ماده ۲۳ – کارشناسی که بعد از قبول کارشناسی در انجام کارشناسی مسامحه کرده ودستور مقامی که کارشناسی را باو رجوع‌نموده رعایت نکرده یا دعوت آن مقام را برای اداءِ توضیحات اجابت ننموده یا توضیحاتی را که خواسته شده نداده یا نقص کارشناسی را رفع ننموده یا از اظهار عقیده یا از امضاء نظری که اظهار کرده امتناع نموده یا در مهلت بدوی یا تمدیدی عقیده خود را نرسانده یا بدون عذر موجه استعفاءِ نموده یا در مجلس کارشناسان برای رسیدگی و اظهارعقیده حاضر

نشده است مستحق حق‌الزحمه نیست و دادگاه پس از اخطار باو که اگر بخواهد درمقام مدافعه برآید نظر باهمیت تخلف اورا بتأدیه جریمه نقدی از یکصدالی پانصد ریال محکوم مینماید و اینگونه جرائم در صندوق دادگستری که در این مورد عنوان صندوق جرائم را خواهد داشت جمع‌آوری شده وبتصویب وزارت‌دادگستری بمصرفی که معین میشود میرسد .

مفاد این ماده نسبت بکارشناسهای غیررسمی نیز اجرا میشود .

ماده ۲۴ ـ هرگاه کارشناسی در وقت مقرر حاضر شود بواسطه تخلف یکی از صاحبان کار از حضور در وقت مقرر یا عدم تهیه وسائل کار اجراء کارشناسی به تعویق‌افتد جبران تضییع وقت کارشناس وهزینهٔ که کرده باشد بعهده طرف متخلف است و دادگاه حقی را که در مقابل تضییع وقت کارشناس باید داده شود بدرخواست او معین و وصول و ایصال مینماید و نیز در مواردیکه بواسطه صلح و غیره اجراء کارشناسی مقتضی نباشد حق مزبور رعایت میشود .

ماده ۲۵ ـ دادگاه وپارکه وهرمقام رسمی دیگری که کارشناس‌معین میکند باید طرز رفتار و اخلاق آنها را مراقبت نموده و هرگونه تخلف که مشاهده نمودند باداره فنی گزارش دهند ـ عدم رعایت مقررات این‌ماده برای‌مأمورین دولت مستلزم تعقیب انتظامی است .

ماده ۲۶ ـ طرز رفتار و اعمال یکساله کارشناسان رسمی در تجدید انتخاب آنان برای سال بعد مؤثر خواهد بود .

ماده ۲۷ ـ درصورت فوت‌وحجر کارشناس رئیس‌اداره‌فنی وزارت‌دادگستری درمرکز و مدعی‌العموم بدایت درسایر حوزه‌ها برگها واسناد راجع بامور کارشناسی را جمع کرده و بایگانی مینماید . درصورتیکه بین‌آن اشیاء یا اسنادی متعلق بمردم باشد بصاحبان آن رد میکنند .

ماده ۴۸ ـ هر گاه کارشناس ضمن اظهار عقیده بر خلاف مشهودات خود چیزی بنویسد جاعل در اسناد رسمی محسوب میشود .

هر گاه کارشناس در اظهار عقیده کتبی یا زبانی خود راجع بامر جنحه و یا حقوقی تمام واقع را ذکر نکند بحبس تأدیبی از سه ماه تا یکسال و اگر بر خلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد بحبس تأدیبی از ششماه تا دوسال محکوم میشود .

هر گاه کارشناس در اظهار عقیده کتبی یا زبانی راجع بامر جنائی تمام واقع را ذکر نکند بحبس تأدیبی از یکسال تاسه سال و اگر برخلاف واقع چیزی ذکر کرده باشد بحبس با کار ازسه سال تاپنجسال محکوم خواهد شد .

هر گاه کارشناس در چیزی که برای آزمایش در دسترس او گذاشته شده بسا سوء نیت تغییر بدهد اگر کارشناسی برای امر جنحه یا حقوقی باشد بحبس تأدیبی از یکسال تا سه سال و اگر برای امر جنائی باشد بحبس مجرد از سه سال تاپنجسال محکوم خواهد شد .

مجازاتهای مذکور در این قانون در صورتی اعمال میشود که عمل مشمول مقررات شدیدتری نباشد و اگر نه مجازات اخیر اعمال خواهد شد .

اگر گزارش خلاف واقع درحکم دادگاه مؤثرشده باشد کارشناس بیکدرجه مجازات بالاتر ازمجازات مذکور در فوق محکوم خواهد شد .

مفاد این ماده نسبت بکارشناسان غیر رسمی نیز رعایت خواهد شد .

ماده ۴۹ ـ هر گاه درفن معینی کارشناس رسمی نباشد دادگاهها و پارکه‌ها ومقامات صلاحیت دار میتوانند هر موقع که احتیاج بانتخاب کارشناس در آن فن داشته باشند از بین کسانی که شغل و حرفه و معلومات آنها مربوط بسآن فن باشد یك یا چند نفر معتمد را بسمت کارشناس انتخاب کنند کارشناسانی که باین ترتیب انتخاب میشوند بایددرپیشگاه دادگاه یاپارکه انتخاب کننده یامقامات صلاحیتدار

مطابق ماده‌سو گند یاد کنند وازحیث‌تخلف تابع‌مقررات انتظامی کارشناسان‌رسمی هستند ودرصورت استنکاف ازقبول کارشناسی بدون عذرقانونی مورد تعقیب‌واقع‌شده بیك الی‌سه‌سال محرومیت از اشتغال بشغل یا حرفه مربوطه محکوم خواهد شد .

ماده ۳۰ ـ این قانون تا اندازهٔ که راجع بمترجمین رسمی قابل اعمال است در مورد آنها لازم‌الرعایه خواهد بود .

این قانون که‌مشتمل برسی ماده است درجلسه بیست وسوم بهمن‌ماه‌یکهزارو سیصدو هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

راجع بطرز تنظیم وصیت‌نامه

مصوب ۲۳ بهمن‌ماه ۱۳۱۷

ماده اول ـ وصیت نامه اعم از اینکه راجع باشد بوصیت عهدی یا تملیکی منقول یاغیر منقول ممکن است بطور رسمی یا خود نوشت یا سری تنظیم شود .

ماده دوم ـ ترتیب تنظیم وصیت‌نامه رسمی‌واعتبارآن بطوری است که‌برای اسناد تنظیم شده در دفاتر اسناد رسمی مقرر است .

ماده‌سوم ـ وصیت نامه خود نوشت در صورتی معتبر است که تمام آن بخط موصی نوشته شده ودارای تاریخ روز و ماه‌وسال بخط موصی بوده و بامضاء او رسیده باشد .

ماده‌چهارم ـ وصیت‌نامه سری ممکن‌است بخط موصی یا بخط دیگری‌باشد ولی‌درهرصورت باید بامضاء موصی برسد و بترتیبی که برای امانت اسناد در قانون

ثبت‌اسناد مقرر گردیده دراداره ثبت اقامتگاه موصی یامحل دیگری که در آئین‌نامه وزارت دادگستری معین میگردد امانت‌گذارده میشود .

ماده پنجم ـ کسیکه سواد ندارد نمیتواند بترتیب سری وصیت نماید .

ماده ششم ـ کسیکه نمیتواند حرف بزند هر گاه بخواهد وصیت نامه سری تنظیم کند باید تمام وصیت نامه را بخط خود نوشته و امضاء نماید ونیز در حضور مسئول دفتر رسمی در وصیت نامه بنویسد که این ورقه وصیت نامه اوست و در این صورت مسئول دفتر باید روی پاکت یا لفافی که وصیت‌نامه دراوست بنویسد که عبارت مزبور را موصی درحضور اونوشته‌است .

ماده هفتم ـ وصیت نامه سری را موصی همه وقت میتواند بترتیبی که‌برای استرداد اسناد امانتی مقرراست استرداد نماید .

ماده هشتم ـ در موارد فوق العاده از قبیل جنگ وامراض ساریه ومسافرت در دریا که مراوده نوعاً مقطوع و باینجهت موصی نمیتواندبیکی ازطرق مذکور وصیت کند ممکن‌است وصیت بطریقی که در مواد بعد ذکر میشود واقع شود .

ماده نهم ـ افراد وافسران نظامی و کسانی که در ارتش اشتغال بکاری دارند میتوانند نزد یك نفر افسر یا همردیف او بـا حضور دو شاهد وصیت خود را شفاهاً اظهار نمایند .

ماده دهم ـ در صورتیکه نظامی یا کسیکه در ارتش اشتغال بکاری دارد مریض یا مجروح باشد ممکن است وصیت خود را در حضور رئیس بهداری ارتش و مدیر بیمارستان که موصی آنجااست اظهار نماید .

ماده یازدهم ـ اشخاصی‌میتوانند بترتیب مذکوردردوماده قبل‌وصیت‌نمایند که درجنگ یامأمور عملیات جنگی باشند ویادرمحلی زندانی یامحصور باشند که

مراوده‌ای باخارج نباشد .

ماده‌دوازدهم ـ در سایر موارد مذکور در ماده۸ موصی میتواند درحضور دونفر شاهد وصیت خودرا اظهار نماید ویکی ازآن دو شاهد اظهارات او را باتعیین تاریخ روز وماه‌وسال ومحل وقوع‌وصیت نوشته وموصی وشهود آنرا امضاءمینمایند واگر موصی نتواند امضاء کند شهود این نکته را دروصیت نامه قید می کنند .

ماده‌سیزدهم ـ اشخاصی که‌مطابق ماده ۹و۱۰ وصیت نزد آنهاشده وهمچنین شهود مذکور در ماده قبل دراول زمان امکان باید دراداره ثبت اسناد یامحلی که‌در آئین‌نامه وزارت دادگستری تعیین‌میشود حاضر شده وصیت نامه را مطابق مقررات راجع بامانت گذاردن اسناد امانت بگذارندوضمناًاعلام کنند که این آخرین‌وصیت موصی‌است که باداشتن اهلیت اظهار داشته .

ماده چهاردهم ـ در صورتیکه اشخاص مذکور در ماده ۹ و ۱۰ اظهارات موصی را ننوشته باشند در اول زمان امکان نزد حاکم صلحی که باو دسترس دارند حاضر شده واظهارات موصی را باتاریخ و محل وقوع وصیت و اهلیت موصی شفاهاً اظهار میدارند اظهارات مزبور در صورت مجلس نوشته شده وبامضاء حاکم صلح و شهود میرسد .

ماده‌پانزدهم ـ وصیتی که مطابق‌مواد قبل (درموارد غیر عادی) واقع‌میشود بعد از گذشتن یکماه از تاریخ مراجعت ورسیدن موصی بمحلی که بتواند بیکی از طرق مذکور درماده اول وصیت کند یا گذشتن یکماه از تاریخ بازشدن‌راه ومرتفع شدن مانعی که بواسطه آن موصی نتوانسته است بیکی ازطرق مذکور وصیت‌نماید بی‌اعتبار میشود مشروط باینکه موصی درمدت مزبور متمکن ازوصیت باشد .

ماده‌شانزدهم ـ هروصیتی که بترتیب مذکور در این قانون واقع‌نشده باشد

درمراجع رسمی پذیرفته نمیشود مگر اینکه اشخاص ذینفع درترکه بصحت‌وصیت اقرار نمایند .

ماده‌هفدهم - هر دادگاه یااداره یابنگاه یاشخصی که وصیت نامه باو سپرده شده و نیز دادگاهی که در موارد فوق‌العاده وصیت در آنجا اظهار گردیده مکلف است بعد از اطلاع بفوت موصی وصیت‌نامه یاصورت مجلس راجع بوصیت‌رابدادگاه اقامتگاه موصی و اگر در ایران اقامتگاه ندارد بدادگاه صلح طهران بفرستد اعم از اینکه وصیت‌نامه مزبور بحسب‌قانون قابل‌ترتیب‌اثرباشد یانباشد وهرگاه وصیت‌نامه متعدد باشد باید تمام آنها فرستاده شود .

ماده‌هیجدهم - کسیکه وصیت نامه نزد او است اگر خارج از مقر دادگاه صلح مذکور فوق باشد میتواند وصیت نامه را بدادگاه محل خود تسلیم نمایدوآن دادگاه مکلف‌است فوراً وصیت نامه را بدادگاه صلح مزبور بفرستد .

ماده نوزدهم - حاکم صلح در آگهی که راجع بتقاضای تصدیق انحصار وراثت میشود قید میکند که هر کس وصیت نامه‌ای از متوفی نزد اواست و تاآن تاریخ رسماً ابراز وافتتاح نشده در مدت سه‌ماه بدادگاهی که آگهی نموده بفرستد وپس از گذشتن این مدت هروصیت نامه‌ای (غیراز وصیت نامه رسمی وسری) ابراز شود ازدرجه اعتبارساقط است .

ماده بیستم - پس از گذشتن مدت مذکور فوق دادگاه صلح وقتی را برای باز کردن وصیت‌نامه تعیین وباشخاصی‌که وراثت آنها معلوم است اطلاع میدهد که دروقت مزبور حاضر شوند .

ماده بیست‌ویکم - هنگام ابراز وصیت نامه اعم ازخود نوشت یاسری حاکم صلح باید باحضور نماینده‌مدعی‌العموم یامدیردفتر صورت‌مجلسی مشتمل برخلاصه وصیت و اینکه وصیت نامه در حضور او باز شده و خصوصیات وصیت نامه از قبیل

مهر وموم وغیر تنظیم وبامضاء حضار برساند .

وصیت‌نامه های سری را حاکم صلح باحضور اشخاصی باز مینماید که لفاف آنرا امضاء یامهر کرده ودر تاریخ باز کردن درمقر دادگاه صلح حاضرهستند .

اصل وصیت‌نامه که مطابق این ماده نزد حاکم صلح باز میشود بدفتر امانات ثبت فرستاده میشود ورونوشت آن در دفتر دادگاه میماند واشخاص ذینفع میتوانند از آن رونوشت بگیرند .

ماده بیست ودوم ـ بعد از باز شدن وصیت نامه حاکم صلح باشخاصی که وصیت بنفع آنها شده یا کسانیکه وصی معین شده‌اند مراتب را اطلاع میدهد .

ماده بیست و سوم ـ وصیت نامه وقتی معتبراست که تمام آن موجود باشد و ادعای فقدان وصیت نامه اعم ازاینکه این دعوی نسبت بتمام وصیت نامه یا قسمتی از آن باشد مسموع نیست .

ماده بیست و چهارم ـ ترتیب صدورسندمالکیت بنام ورثه یاموصی‌له نسبت باموال‌غیرمنقول که‌بنام‌مورث‌ثبت‌شده‌است‌در آئین‌نامه‌وزارت‌داد گستری‌معین‌میشود.

این قانون که مشتمل بربیست‌وچهارماده است درجلسه بیست و سوم بهمن‌ماه یکهزار و سیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

راجع به دلالان

مصوب ۷ اسفند ماه ۱۳۱۷

ماده ۱ ـ تصدی بهرنوع دلالی منوط بداشتن پروانه است .

ماده ۲ ـ پروانه دلالی با رعایت احتیاجات محلی فقط باشخاصی داده میشود

که دارای شرایط زیر باشند :

۱ ـ داشتن بیست و پنج سال تمام وانجام خدمت نظام وظیفه یاداشتن گواهینامه معافیت یا آماده بخدمت .

۲ ـ تابعیت ایران .

۳ ـ داشتن گواهی نامه سال ششم ابتدائی ویادادن امتحانی برابر آن .

٤ ـ داشتن اطلاعات فنی متناسب با اموریکه عهده‌دار دلالی آنها هستند .

٥ ـ عدم شهرت به نادرستی .

٦ ـ نداشتن محکومیت بارتکاب جنایت وورشکستگی به تقصیر و کلاه‌برداری وخیانت در امانت وسرقت بگواهی مقامی که وزارت دادگستری معین میکند .

۷ ـ دادن وجه‌الضمانه یا ضمانت‌نامه یا وثیقه مطابق ماده ۳ .

تبصره ـ کسانی که دو سال قبل از اجرای این قانون بشغل دلالی اشتغال داشته و فاقد شرط سوم این ماده باشند باید درموقع دریافت پروانه متعهد شوند که درظرف دوسال گواهی نامه امتحانات نهائی آموزش سالمندان را بیاورند والاپروانه آنها تجدید نخواهد شد .

کسانی که در تاریخ اجرای این قانون ده سال پیشینه دلالی داشته وسن آنها از ٤٥ سال کمتر نباشد ازشرط سوم این ماده و این تبصره معاف خواهند بود .

ماده۳ ـ کسیکه میخواهد تصدی بدلالی نماید برای جبران خساراتی که ممکن است قانوناً ازعملیات اومتوجه اصحاب معامله شودبایدبیکی ازطرق زیر تامین بدهد:

۱ ـ پرداخت وجه‌الضمان .

۲ ـ دادن وثیقه غیر منقول ویاسهام .

۳ ـ ضمانت یکی از تجار معتبر یا بانك .

میزان وجه‌الضمان و وثیقه و مبلغ ضمانت و مدت و ترتیب تجدید آن با در نظر گرفتن نوع دلالی در آئین نامه‌ای که بتصویب هیئت وزیران میرسد تعیین خواهد شد.

ماده۴ ـ نسبت بوجه‌الضمان یا ضمانت‌نامه یا وثیقه کسانی که از جهت‌مداخله دلال بعنوان دلالی در امور مربوط بـه آنان بستانکار شده اند بر سایـر بستانکاران دلالی رجحان خواهند داشت.

ماده۵ ـ وجه‌الضمان یا ضمانت نامه یا وثیقه‌در صورتی ردخواهد شد که‌دلال ازدلالی ممنوع شده ویا خود او ازدلالی کناره گیری کند و درهردوصورت‌حساب او با کسانیکه ازجهت دلالی باو مراجعه کرده اند تسویه شده باشد.

ماده۶ ـ هردلالی که بخواهد از کار دلالی کناره گیری کند باید قبلاً بمقامی که بموجب ماده ۱۱ این قانون معین میشود کتباً اطلاع بدهد تا بوسیله مجله‌رسمی ویکی از روزنامه‌ها قصد او آگهی‌شده وضمناً متذکر شود که در ظرف مدت دوماه هر کس نسبت باو از جهت امور مربوطه بدلالی ادعائی دارد مقامی را که بموجب ماده ۱۱ این قانون معین میشود مستحضر نماید تا حق‌او طبق ماده قبل‌محفوظ بماند در هرحال استرداد وجه‌الضمان بنا برتصویب رئیس دادگاه بدایت محل اقامت دلال خواهد بود.

ماده۷ ـ حق صدور پروانه برای دلالی معاملات ملکی دویست ریال وبرای معاملات تجارتی یکصدو پنجاه ریال و برای معاملات خواربار و سایر امور شهری یکصد ریال در سال خواهد بود.

تصدی بهریك از سه نوع دلالی نامبرده مستلزم صدور پروانه جدا گانه است وبرای هر پروانه حق علیحده دریافت خواهد شد.

ماده۸ ـ هردلالی که معلوم شود عمل او معمولا بر خلاف مقررات مربوطه

به دلالی است مورد تعقیب مقامی که بموجب ماده ۱۱ این قانون معین میشود واقع و ازشغل دلالی برای مدتی که ازسه ماه کمتر وازیکسال بیشتر نباشد ممنوع وپروانه او ابطال میشود و این مانع نیست که دلال طبق قوانین جزائی یاحقوقی درداد گاه صالح مورد تعقیب قرار گرفته و به مجازات قانونی با تأدیه خسارات وارده محکوم گردد.

ماده ۹ ـ هر کس که بدون اخذ پروانه بشغل دلالی مشغول گردد و یاقبل از انقضاءِ ممنوعیت بدلالی اشتغال ورزد بحبس تأدیبی از ششماه تادوسال با بغرامت از یکهزار ریال تا پنج هزار ریال محکوم خواهد شد.

ماده ۱۰ ـ هر کس که در تاریخ اجراء این قانون بشغل دلالی اشتغال دارد مکلف است درظرف سه ماه طبق مقررات این قانون تقاضانامه بمقامی که بموجب ماده ۱۱ این قانون معین میشود داده پروانه بخواهد وچنانچه تقاضانامه نداده ومدت منقضی شده ویا تقاضانامه او رد شود و بشغل دلالی ادامه دهد طبق ماده ۸ تعقیب و مجازات شده ودیگر باو پروانه دلالی داده نخواهد شد.

ماده ۱۱ ـ هیئت وزیران برحسب نوع دلالی مقامی را که برای صدورپروانه وسایروظائف مذکور دراین قانون صلاحیت دارد معین خواهند کرد.

ماده ۱۲ ـ طرز تنظیم تقاضا نامه و پروانه دلالی ودفتریکه دلال برای ثبت عملیات خود باید نگاهداری نماید و قرارداد حق الزحمه دلال که باید بین او و کسیکه باومأموریت داده قبل ازانجام مأموریت تنظیم ومبادله شود ومیزان حق الزحمه دلال که نباید زائد برمیزان معین در تعرفه رسمی باشد وسایر مقررات لازم برای اجرای این قانون مطابق آئین نامه هائی که از طرف مقام مذکور در ماده ۱۱ تنظیم میشود خواهد بود.

ماده ۱۳ ـ مواد ۳۵۵و۳۵۶ قانون تجارت پس ازانتشار آئین نامه های مربوط

بحق‌الزحمه و دفاتر نسخ خواهد شد .

این قانون که مشتمل بر سیزده ماده است در جلسه هفتم اسفند ماه یکهزار و سیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

نواب ریاست مجلس شورای ملی
مرتضی بیات - دکتر طاهری

قانون

اداره تصفیه امور ورشکستگی

مصوب ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۸

مبحث اول - سازمان اداره تصفیه

ماده۱ - در هر حوزه دادگاه شهرستان که وزارت‌دادگستری مقتضی بداند اداره تصفیه برای رسیدگی بامور ورشکستگی تأسیس مینماید ودر این موارد عضو ناظر تعیین نخواهد شد .

ماده۲ - رئیس و کارمندان اداره تصفیه ممکن‌است ازبین‌خدمتگزاران قضائی یا اداری یا از غیرخدمتگزاران دولت انتخاب شود - اداره تصفیه بقدر لزوم کارمند خواهد داشت .

ماده۳ - موارد ردّ رئیس وقائم‌مقام او و محاسبین اداره تصفیه همان است که در رد دادرس در اصول محاکمات حقوقی ذکر شده است و در صورتیکه کارمندی این ایراد را موجه بداند رئیس کارمند دیگری را برای اینکار مأموریت میدهد و چنانچه کارمند ایراد را رد کند قبول یا رد ایراد بنظر رئیس است .

در مواردیکه کارمند خود را مردود میداند از هر گونه اقدامی خودداری کرده و مراتب را برئیس اطلاع داده امر او را بموقع اجرا میگذارد .

درصورتیکه رئیس مردود شود کارمند مقدم اداره وظایف او را انجام خواهد داد وچنانچه رئیس ایراد رد را نسبت بخود قبول ننماید تعیین تکلیف باداد گاه است

ماده۴ ـ هر گاه کار کنان اداره تصفیه یا کسانشان تا درجه دوم از طبقه دوم نسبت بدارائی ورشکسته بنفع خود طرف معامله واقع شوند آن معامله باطل است ومتخلف تعقیب انتظامی خواهد شد .

ماده۵ ـ مرجع شکایت از اقدامات اداره تصفیه داد گاهی‌است که حکم توقف را صادر کرده است شکایت بهیچوجه جریان کاررا توقیف نمیکند مگر درموارد مهم که عمل مورد شکایت جبران ناپذیر و ادله شاکی قوی باشد داد گاه میتواندستور جلوگیری بدهد در اینصورت داد گاه مکلف است معجلاً و خارج از نوبت و در جلسه اداری بشکایت رسیدگی کرده تصمیم خود را اعلام‌دارد ودرسایرموارد دادگاه درصورت موجه تشخیص دادن شکایت دستور لازم باداره تصفیه میدهد و باقتضای مورد ممکن است عمل اداره تصفیه را باطل نماید .

ماده۶ ـ استرداد وجوهی که توسط اداره تصفیه بصندوق داد گستری محل یاصندوق اداره تصفیه تسلیم میشود بحواله دو نفر از کار کنان اداره تصفیه که مجاز ازطرف وزارت داد گستری باشند خواهد بود .

ماده۷ ـ کلیه عملیات اداره تصفیه و تقاضا ها واعلاماتی که بآن اداره میشود باید درصورت مجلس نوشته شود .

ماده۸ ـ همینکه حکم ورشکستگی قابل اجرا شد رونوشت حکم باداره تصفیه و اداره ثبت محل فرستاده میشود .

ماده۹ ـ درصورتیکه اموال تاجر ورشکسته واقع درحوزه داد گاه دیگری باشد اداره میتواند اقداماتی را که لازم‌است ازاداره تصفیه محل چنانچه درمحل‌موجود

باشد و گرنه ازدادگاه آن محل یا مأمور دیگری که تعیین میکند بخواهد .

ماده ۱۰ ـ اداره تصفیه میتواند از اداره پست و تلگراف و گمرك بخواهد که درمدت تصفیه کلیه برگها و بسته هائی که بعنوان متوقف فرستاده میشود یا ازطرف متوقف ارسال گردیده برای آن اداره بفرستد ـ متوقف میتواند درموقع باز کردن برگها و پاکتها و بسته ها حضور داشته باشد .

ماده ۱۱ ـ اداره تصفیه در صورت لزوم میتواند برای اقدامات تأمینیه بدوی باعتبار دارائی موجود ورشکسته استقراض نماید .

ماده ۱۲ ـ وظائف اداره تصفیه در این قانون و آئین نامه های مربوطه بآن که وزارت دادگستری تهیه میکند تعیین میشود و درموارد سکوت برطبق قانون تجارت اقدام خواهد شد .

مبحث دوم ـ اقدامات تأمینی اداره تصفیه

ماده ۱۳ ـ همینکه حکم ورشکستگی قابل اجراء شد و رونوشت آن باداره تصفیه رسید اداره صورتی ازاموال ورشکسته برداشته اقدامات لازمه را ازقبیل مهر و موم برای حفظ آنها بعمل میآورد .

ماده ۱۴ ـ ورشکسته مکلف است اموال و دفاترخود را باداره تصفیه معرفی نموده و درتحت اختیار آن بگذارد وگرنه بمجازات از سه ماه تا شش ماه زندان تأدیبی محکوم خواهد شد .

اگر ورشکسته فوت نموده یافراری باشد ورثه و شرکاء وخدمه و متصدیان امور و کلیه اشخاصی که بنحوی از انحاء دراموال ورشکسته تصرف و دخالت دارند این تکلیف را خواهند داشت وگرنه بهمین مجازات خواهند رسید .

اداره اشخاص نامبرده را از این تکلیف آگاه کرده و مجازاتی را که برای خودداری آنها معین شده تذکر میدهد .

ماده ۱۵ ـ اداره تصفیه اقدام به بستن و مهر و موم نمودن انبارها ـ مغازه ها کالا ـ کارخانجات مینماید مگر اینکه بتواند تحت نظارت خود آنها اداره نماید .

اداره بوسایل مقتضی اقدام بحفاظت پول نقد ـ برگهای بهادار ـ دفاتر تجارتی دفاتر شخصی و هرچیز قیمتی دیگر مینماید .

وسایر اموال‌را تا وقتیکه صورت آنها برداشته نشده مهروموم نموده و مهرو موم تا موقعی که اداره آنرا لازم بداند باقی خواهد ماند بعلاوه اقدام بحفظ اشیائی که در خارج از محل اقامت ورشکسته است خواهد نمود .

ماده ۱۶ ـ مستثنیات‌دین تحت‌اختیار ورشکسته گذاشته شده ولی‌جزء صورت اموال قید خواهد شد .

ماده ۱۷ ـ اشیائی که متعلق به‌اشخاص‌ثالث بوده ویا اشخاص‌ثالث نسبت‌بآنها اظهار حقی مینمایند در صورت اموال قید شده مراتب ضمن صورت ذکرخواهدشد.

ماده ۱۸ ـ اداره تصفیه‌مکلف‌است حقوق‌اشخاص‌ثالث‌را نسبت‌باموال‌غیرمنقول ورشکسته که مستند باسناد رسمی است معلوم کرده ضمن صورت اموال قید نماید .

ماده ۱۹ ـ کلیه اشیائی که در صورت قید شده باید ارزیابی شود .

ماده ۲۰ ـ صورتیکه باین ترتیب تنظیم‌شده بورشکسته ارائه و از اوسئوال میشود که آنرا صحیح و کامل میداند یا خیر ـ پاسخ ورشکسته در صورت قید شده و بامضای او میرسد .

ماده ۲۱ ـ متوقف مکلف است درمدت تصفیه خودرا دراختیار اداره بگذارد مگر اینکه صریحاً از این تکلیف معاف شده باشد ـ در صورت اقتضاء اداره تصفیه میتواند اقدام به جلب‌او نماید وچنانچه توقیف‌او لازم شود قرارتوقیف را از دادگاه میخواهـد .

رفـع توقیف بدستور اداره تصفیه بعمل میآید ـ ورشکسته میتواند از دوام توقیف خود در هرماه یکبار بداد گاه صادر کننده قرار توقیف شکایت نموده رفـع آنرا بخواهد .

اداره تصفیه میتواند نفقه عادلانه ورشکسته و واجب‌النفقه ندار او را مخصوصاً در موردیکه متوقف را تحت اختیار خود قرار میدهد باو بدهند ونیز تعیین خواهد نمود که تا چه‌مدت متوقف وخانواده‌اش میتوانند درخانهٔ که بوده‌اند سکنی نمایند.

ماده ۲۲ ـ هر گاه ورشکسته اموالی جز مستثنیات دین نداشته باشد مراتب آگهی وقیدمیشود که اگر بستانکاران بعضاً یا کلاً درخواست اجراء اصول ورشکستگیرا درظرف مدت ده روز ننموده و هزینه آنرا نپردازند جریان ورشکستگی خاتمه خواهد پذیرفت .

مبحث سوم ـ دعوت بستانکاران

ماده ۲۳ ـ اگر بنظر اداره حاصل فروش اموالی که صورت آنها برداشته شده کافی برای پرداخت هزینه ورشکستگی نباشد اداره اقدام به‌تصفیه اختصاری مینماید مگر اینکه یکی از بستانکاران درخواست کند که کار برطبق اصول تصفیه عادی جریان پیدا نموده و هزینه آنرا قبلاً بدهند .

درمورد تصفیه اختصاری اداره آگهی میکند که درظرف چهل‌روز هر کس هر گونه ادعائی دارد بنماید و سپس بهرترتیب که منافع بستانکاران اقتضاء میکند بدون رعایت تشریفاتی اقدام بفروش اموال نموده حاصل آنرا بین آنان تقسیم وختم عمل تصفیه را اعلام میدارند .

در سایر موارد بطریق عادی برطبق مواد زیر اقدام خواهد شد .

ماده ۲۴ ـ اداره تصفیه آگهی منتشر نموده ونکات زیر را درآن قیدمینماید:

(۱) ـ تعیین ورشکسته و محل اقامت او و تاریخ توقف (درصورتیکه درحکم

دادگاه تعیین شده باشد) .

(۲) - اخطار به بستانکاران و کسانیکه ادعائی دارند باینکه ادعای خود را درظرف دوماه باداره اعلام نمایند و مدارك خود را (اصل یا رونوشت گواهی شده) باداره تسلیم دارند .

اداره میتواند این مدت را برای کسانیکه درخارجه اقامت دارند تمدید نماید .

(۳) - اخطار به بدهکاران متوقف که در ظرف مدت نامبرده خود را معرفی کنند متخلفین از این اخطار بجریمه نقدی معادل صدی بیست و پنج دین بنفع صندوق (ب) مذکور درماده ٥٤ محکوم خواهند شد - دادگاه میتواند علاوه برجریمه نقدی به حبس تأدیبی از سه تا ششماه نیز محکوم نماید .

(٤) - اخطار بکسانیکه بهرعنوان اموال ورشکسته در دست آنها است که آن اموال را در ظرف مدت نامبرده در اختیار اداره بگذارند وگرنه هرحقی که نسبت بآن مال دارند ازآنها سلب خواهد شد مگراینکه عذرموجهی داشته باشند .

(٥) - دعوت اولین جلسه هیئت بستانکاران که منتها در ظرف بیست روز از تاریخ آگهی تشکیل خواهد شد ضمناً قید شودکسانیکه بامتوقف مسئولیت تضامنی داشته ویا ضامن او هستند میتوانند درجلسه حضور بهمرسانند .

ماده ۳۵ - آگهی درمجله رسمی وزارت دادگستری و یکی ازروزنامه های کثیرالانتشار دوباره بفاصله ده روز منتشر خواهد شد - نسخهٔ از این آگهی برای هریك از بستانکارانی که شناخته شده است فرستاده میشود .

مبحث چهارم - اداره اموال

ماده ۳٦ - اولین جلسه بستانکاران تحت ریاست یکنفر از کارمندان اداره تشکیل میشود و اداره گزارشی راجع بصورت اموال وسایر امور مربوط بمتوقف را برای بستانکاران میخواند .

ماده ۲۷ ـ بستانکاران میتوانند پیشنهاداتی راجع بادامه جریان کاربازرگانی یاحرفه مربوط به متوقف بنمایند ولی تصمیم بااداره تصفیه است و بطورکلی ادارهٔ تصفیه نماینده منافع هیئت بستانکاران میباشد .

ماده ۲۸ ـ اداره تصفیه‌نسبت باشیائیکه مورد مطالبه اشخاص ثالث‌است‌تصمیم مقتضی اتخاذ نموده و اگر آنها را محق بداند مبادرت به تسلیم آن مینماید وگرنه ده روز بایشان مهلت میدهد که درداد گاه صلاحیت دار اقامه دعوی نمایند کسی‌که در ظرف ده روز بداد گاه صلاحیت دار رجوع ننماید دیگر دعوای او مسموع نخواهد بود .

ماده ۲۹ ـ اداره تصفیه اقدام بوصول مطالبات مینماید و در صورت ضرورت برای وصول آن اقامه دعوی خواهد کرد .

اشیائیکه درمعرض تنزل قیمت بوده ویا نگهداری آنها هزینه غیرمتناسبی را ایجاد مینماید بدون تأخیر فروخته خواهد شد .

همچنین اقدام بفروش برگهای بهادار (بورسی) و یا اشیائیکه دربازار قیمت معینی دارند بعمل‌خواهدآورد سایراموال بترتیبی که بعداً ذکرخواهد شد فروخته میشود .

مبحث پنجم ـ رسیدگی بمطالبات

ماده ۳۰ ـ پس‌ازانقضای‌موعد مقرربرای ارائه اسناد اداره بمطالبات رسیدگی نموده تصدیق یا رد مینماید وجلب نظر متوقف را درصورتیکه در دسترس او باشد خواهد کرد و اداره مکلف نیست به اظهارات او ترتیب اثردهد .

ماده ۳۱ ـ اداره برای رسیدگی درصورت لزوم میتواند ابراز دفاتر بستانکار را بخواهد .

ماده ۳۲ ـ مطالباتیکه بموجب سند رسمی وثیقه ملکی دارند باید منظور شود هرچند از طرف بستانکار اظهار نشده باشد.

ماده ۳۳ ـ پس از انقضای موعد ابراز اسناد منتهی درظرف بیست روز اداره صورتی با درنظر گرفتن طلبهائی که حق رهن ویا رجحان دارند تهیه خواهد نمود.

ماده ۳۴ ـ بستانکارانیکه مردود شده‌اند با ذکر دلیل رد ضمن این صورت قید میشوند.

ماده ۳۵ ـ این صورت از طریق آگهی باطلاع بستانکاران خواهد رسید.

و در اختیار کسانیکه ادّعای حقی نسبت به‌متوقف مینمایند گذاشته میشود. به بستانکاران مردود و همچنین به بستانکارانیکه حق رجحان برای خود قائل بوده و اداره بادّعای آنها ترتیب‌اثر نداده است مستقیماً مراتب اعلام خواهد شد.

ماده ۳۶ ـ هر کس نسبت باین صورت اعتراض داشته باشد درظرف ۲۰ روز از انتشار آگهی حق دارد در دادگاه صادر کننده حکم توقف اقامه‌دعوی کند.

اگر معترض ادّعا کند که طلب او بیمورد رد شده یا کسر گردیده و یاحق رهن و یا رجحان او منظور نشده دعوی بر علیه اداره اقامه میشود و اگر طلب یا حق رجحان کسی کـه قبول شده مورد اعتراض باشد دعوی برعلیه بستانکار اقامه خواهد شد.

در صورتیکه دعوای اخیر به نتیجه رسیده وحکم بردطلبی صادر شود سهمی که تخصیص بآن داده شده درحدود طلب مدعی وهزینه دادرسی باو اختصاص پیدا خواهد کرد و مازاد بین سایر بستکاران تقسیم خواهد شد.

در مورد این ماده دادرسی بطریق اختصاری وفوری بعمل خواهد آمد.

ماده ۳۷ ـ اسنادیکه در ارائه آنها تأخیر شده در صورتیکه عذر موجهی در

بین باشد در مورد این ماده تا ختم ورشکستگی قبول میشود ولی هزینهٔ که در اثر این تأخیر پیش آمده برعهده مدعی طلب است .

اگر اداره سندی را که ابرازشده قبول کرد اقدام به تصحیح صورت بستانکاران مینماید و سایر بستانکاران را نیز بوسیله آگهی مطلع میسازد .

مبحث ششم ـ تصفیه

ماده ۳۸ ـ پس از رسیدگی مطالبات بستانکارانیکه یك قسمت یا تمام طلب آنها موردقبول واقع شده بوسیله اخطاریه درجلسه دعوت میشوند واگردرخواست قرارداد ارفاقی هم شده باشد مراتب ضمن دعوتنامه قید میشود .

ماده ۳۹ ـ اداره گزارش کاملی نسبت‌بوضعیت دارائی ومطالبات متوقف داده نظریات متوقف و بستانکاران را استماع نموده در صورت مجلس ذکر میکند ولـی تصمیم با خود اداره است مگـر در مورد قرار داد ارفاقی و صرف نظر کـردن از دعاوی مشکوك .

ماده ۴۰ ـ اموال متوقف بترتیب مزایده فروخته میشود .

در موارد زیر ممکن است بطریق غیر مزایده اقدام بفروش اموال کرد .

(۱) اگر هیئتی از بستانکاران که دارای شرایط مذکور در ماده ٤٨٠ قانون تجارت باشند باین ترتیب رضایت بدهند .

(۲) وقتیکه مال در (بورس) و یا در بازار قیمت معینی دارد .

اشیاء مورد وثیقه را نمیتوان بطریق غیر مزایده فروخت مگر اینکه رضایت بستانکارانیکه نسبت بآنها حق وثیقه دارند جلب شود .

ماده ۴۱ ـ شرایط فروش لااقل ده روز قبل‌ازمزایده دردفتر اداره دردسترس عموم گذارده خواهد شد و هر کس میتواند اطلاعات لازمه را کسب نماید

آگهی فروش شامل مکان ـ روز ـ ساعت مزایده خواهد بود و درمورد اموال

غیرمنقوله این آگهی یکماه قبل از اقدام بفروش بعمل میآید.

برای بستانکارانیکه حق وثیقه غیرمنقول دارند نسخه از آگهی فرستاده شده و ارزیابی که بعمل آمده بآنها اعلام خواهد گردید.

ماده ۴۲ ـ اموال منقول پس از سه مرتبه به صدای بلند حراجچی بکسی که حد اکثر را پیشنهاد کرده است واگذار میشود. همین ترتیب نسبت به اموال غیرمنقول رعایت میگردد مشروط براینکه پیشنهاد بهای ارزیابی شده برسد و در صورت نبودن پیشنهاد مکفیفروش متوقف میماند ووقت دیگری برای مزایدهمعین میشود. درمرتبه دوم که باید لااقل دو ماه پس از مزایده اول بعمل آید اموال غیر منقول بکسی که بالاترین قیمت را پیشنهاد مینماید واگذار خواهد شد.

ماده ۴۳ ـ اشیاءِ سیم وزر نباید به بهایکمتراز بهای فلزیآنها بفروش برسد

ماده ۴۴ ـ اداره تصفیه مکلف است شرایط فروش را با رعایت عرف و عادت و غبطه بستانکاران و ورشکسته تعیین نماید.

اداره میتواند پرداخت بها را نقد یا بموعد قرار بدهد ـ موعد هیچگاه ازسه ماه نباید تجاوز کند.

تسلیم درمورد مال منقول وانتقال قطعی درمورد مال غیر منقول نباید قبلاز پرداخت بها صورت بگیرد.

درمورد پرداخت نقدی یکروز مهلت جایز است.

اگر پرداخت درموعد مقرر انجام نگیرد مزایده جدید بعملآمده درهرحال پیشنهاددهنده سابق مسئول کسر قیمت وسایر خسارات وارده خواهد بود.

ماده ۴۵ ـ اگردرهیئت بستانکاران شرایط مذکوردرماده ٤٨٠ قانون تجارت جمع باشد میتوانند از دعوائی که نتیجه آن مشکوك است صرفنظر نمایند.

هربستانکاری میتواند درخواست کند کهآن دعوی باوواگذار شود ـ دراین

مورد حاصل فروش مالی که از اینراه بدست میآید درحدود طلبی که دارد بدرخواست کننده تعلق گرفته و مازاد آن متعلق بسایر بستانکاران خواهد بود .

مبحث هفتم - تقسیم وجوه حاصله از فروش

ماده ۴۶ - وقتیکه پول حاصله ازفروش دردسترس اداره قرار گرفت وصورت بستانکاران قطعی گردید اداره صورتی از حاصل دارائی و حساب نهائی آن تنظیم خواهد نمود .

هزینه توقف که بموجب آئین‌نامه تعیین میشود وهزینه تصفیه قبلا موضوع میشود صورت تقسیم وحساب نهائی درمدت ده روز دردسترس بستانکاران قرار گرفته ومراتب باطلاع آنها خواهد رسید بعلاوه خلاصه از صورت مربوط بسهم هر یك برای آنها فرستاده خواهد شد .

ماده ۴۷ - پس از انقضای مدت نامبرده اداره مبادرت بپرداخت سهام هریك مینماید - بستانکاریکه کاملا بحق‌خود میرسد باید سند مربوطه را باداره تسلیم کند

درموردیکه قسمتی ازطلب پرداخته میشود مراتب در سند قید میگردد .

درمورد فروش غیرمنقول اقداماتی که در دفتر املاك لازم است ازطرف اداره بعمل میآید .

اگر طلبی معلق باشد و یا باقساط میبایست تادیه گردد سهمیه مربوط به‌آن درصندوق دادگستری گذاشته خواهد شد پس از پرداخت سهمیه اداره بهر یك از بستانکارانیکه حقوق آنها کاملا تأدیه نشده‌است سند عدم‌کفایت دارائی‌میدهد بستانکار فقط درمورد ملائت ورشکسته میتواند بموجب این‌سند بقیه طلب‌خودرا ادعا نماید .

ماده ۴۸ - تقسیم موقت سهام فقط پس از انقضاءِ مدت مذکور درمــاده ۳۶ ممکن است بعمل آید .

به بستانکارانیکه جزء صورت نیامده‌اند سند عدم‌کفایت دارائی‌داده خواهد شد

مبحث هشتم ـ خاتمه ورشکستگی

ماده ۴۹ ـ پس از تقسیم اموال خاتمه ورشکستگی اعلام خواهد شد ـ هرگاه پس از خاتمه ورشکستگی اموالی متعلق بمتوقف کشف شود اداره آنها را بتصرف خود درآورده و حاصل فروش آنرا بدون هیچگونه تشریفاتی بین بستانکاران تقسیم میکند.

نسبت بسهمیه‌هائی که بمناسبت مشکوك بودن طلب بودیعه گذاشته شده و بعداً تصرف درآنها مجاز خواهد شد بهمین‌ترتیب اقدام میگردد.

ماده ۵۰ ـ ورشکستگی باید از تاریخ وصول حکم آن باداره تصفیه درظرف هشت ماه تصفیه گردد.

هنگام ضرورت رئیس دادگاه استان میتواند این مدت را تمدید نماید.

مبحث نهم ـ مقررات مالی

ماده ۵۱ ـ اداره تصفیه دارای دوصندوق است ـ صندوق (الف) وصندوق (ب)

ماده ۵۲ ـ درآمد صندوق (الف) عبارت از وجوهی است که بعنوان هزینه امور ورشکستگی دریافت میشود این درآمد بموجب آئین‌نامه هیئت وزیران تعیین خواهد شد.

ماده ۵۳ ـ درآمدصندوق(الف) بمصرف‌سازمان‌وبرداشت هرگونه هزینه که اداره تصفیه برای تصفیه امور ورشکستگی لازم داشته باشد خواهد رسید.

ماده ۵۴ ـ درآمد صندوق (ب):

۱ ـ ۰.۲۵/. بحقوقی که بموجب قانون ثبت شرکتها مصوب ۲ خرداد ۱۳۱۰ و ماده ۱۱ قانون‌تجارت برای امضاء دفاترتجاری تعلق‌میگیرد اضافه شده واین اضافه بصندوق (ب) متعلق است.

۲ ـ از مبلغ موضوع اعتراض نامه که بموجب ماده۲۹۳ قانون تجارت‌تنظیم

میشود از قرار هر ده ریالی ده دینار گرفته شده که نصف آن جزو درآمد عمومی کشور منظور و نصف دیگر آن متعلق بصندوق (ب) خواهد بود .

ماده ۵۵ ـ هریك ازدوصندوق نامبرده دارای‌شخصیت حقوقی‌بوده وصندوق (الف) میتواند ازصندوق (ب) درصورت اقتضاء وام بگیرد ـ وزارت‌دادگستری‌نسبت بآن دو نظارت تام خواهد داشت .

ماده ۵۶ ـ درآمدهای دو صندوق جزء درآمد بودجه عمومی کشور منظور نخواهد شد .

وصول و مصرف آن مشمول هیچیك از مقررات مالی اعم از قوانین وغیر آن نخواهد بود .

ماده ۵۷ ـ ترتیب وصول درآمد و نظارت هزینـه این دو صندوق بموجب آئین‌نامهٔ که وزارت دادگستری تعیین میکند معین خواهد شد .

مبحث دهم ـ مقررات مخصوص

ماده ۵۸ ـ بستانکارانیکه‌دارای وثیقه‌اند نسبت‌بحاصل فروش‌مال مورد وثیقه در برگ تقسیم حاصل فروش مقدم برسایر بستانکاران قرار داده میشوند .

طلب هائیکه دارای وثیقه‌نیست وهمچنین باقی‌مانده طلب‌هائیکه دارای وثیقه بوده وتمام آن ازفروش وثیقه پرداخت‌نشده بترتیب طبقات زیر بریکدیگر مقدمند و در تقسیم‌نامه حاصل فروش اموال متوقف این تقدم رعایت و قید میشود .

طبقه اول

الف ـ حقوق خدمه خانه برای مدت سال آخر قبل از توقف .

ب ـ حقوق خدمتگذاران بنگاه ورشکسته برای‌مدت‌ششماه قبل از توقف .

ج ـ دستمزد کارگرانیکه روزانه یا هفتگی مزد میگیرند برای مدت سه‌ماه قبل از توقف .

طلب اشخاصی که مال آنها بعنوان ولایت یا قیمومت تحت اداره ورشکسته بوده نسبت بمیزانی که ورشکسته ازجهت‌ولایت ویا قیمومت مدیون شده‌است. این نوع‌طلب درصورتی‌دارای حق تقدم خواهدبود که توقف در دوره قیمومت یا ولایت ویا درظرف یکسال از انقضای آن اعلام شده باشد.

طبقه سوم

طلب پزشك و داروفروش ومطالباتی که بمصرف‌مداوای مدیون وخانواده‌اش درظرف سال قبل از توقف رسیده است.

طبقه چهارم

الف ـ نفقه زن مطابق ماده ۱۲۰۶ قانون مدنی.

ب ـ مهریه زن تا میزان ده هزار ریال بشرط آنکه ازدواج اقلاً پنجسال قبل از توقف واقع شده باشد و نسبت بمازاد جزءِ سایر دیون محسوب میشود.

طبقه پنجم

سایر بستانکاران.

ماده ۵۹ ـ رئیس‌و کارمندان اداره‌تصفیه (اعم‌ازمأمورین زیر پایه یاقراردادی یا دارای پایه) درصورتی که از مقررات اینقانون تخلف کنند مطابق آئین‌نامه های وزارت دادگستری مورد تعقیب و مجازات انتظامی واقع خواهند شد.

ماده ۶۰ ـ وزارت دادگستری آئین‌نامه مربوط باین قانون‌را تهیه مینماید.

این‌قانون که مشتمل برشصت ماده‌است درجلسه بیست وچهارم تیرماه‌یکهزار وسیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای‌ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

ماده الحاقی به قانون محاکمات ارتش

مصوب ۲۴ تیرماه ۱۳۱۸

ماده واحده ـ ماده زیر بعنوان مـاده ۲۸۳ بآخر قانون محاکمات ارتش افزوده میشود .

ماده ۲۸۳ ـ برای اجرای احکام دادگاههای ارتش که متضمن محکومیت نقدی میباشد وزارت جنگ میتواند آئین نـامه ای براساس مقررات راجع باجراء اسناد ثبت شده تنظیم نموده پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجراء بگذارد .

این قانون کـه مشتمل بریك ماده است در جلسه بیست و چهارم تیر ماه یك هزار وسیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

آئین دادرسي مدنی

مصوب ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۸

مقدمه ـ درکلیات

ماده ۱ ـ رسیدگی بکلیه دعاوی مدنی راجع بدادگاههای دادگستری است مگردرمواردی که قانون مرجع دیگری معین کرده است. رسیدگی بدعاوی بازرگانی نیز جزدرموردی که تکالیف دیگری درقوانین خاص برای آن تعیین شده تابع این قانون است .

ماده ۲ ـ هیچ دادگاهی نمیتواند بدعوائی رسیدگی کند مگراینکه شخص یا اشخاص ذینفع رسیدگی بدعوی را مطابق مقررات قانون درخواست نموده باشند

ماده ۳ ـ دادگاههای دادگستری مکلفند بدعاوی موافق قوانین رسیدگی کرده

حکم داده یافصل نمایند ودر صورتیکه‌قوانین موضوعه کشوری کامل یاصریح نبوده ویامتناقض باشد یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد دادگاههای دادگستری باید موافق روح ومفاد قوانین موضوعه وعرف وعادت مسلم قضیه راقطع وفصل نمایند .

ماده۴ ـ اگر دادرس دادگاه بعد از اینکه قوانین موضوعه کشوری کامل یا صریح نیست ویامتناقض است ویااصلاً قانونی وجود ندارد ازرسیدگی وفصل‌دعوی امتناع کند مستنکف از احقاق حق محسوب خواهد شد .

ماده۵ ـ دادگاه هردعوی را باقانون تطبیق کرده وحکم آنرا تعیین‌مینماید ونباید بطور عموم وقاعده کلی حکم بدهد .

ماده٦ ـ عقود قرارداد هائی که مخل نظام عمومی یا برخلاف اخلاق حسنه است درداد گاه قابل ترتیب اثر نیست .

ماده۷ ـ رسیدگی ماهیتی بهر دعوائی دو درجه (نخستین وپژوهش) خواهد بود مگر در مواردیکه قانون استثناء کرده باشد .

ماده۸ ـ بماهیت هیچ‌دعوائی نمیتوان در درجه پژوهش رسیدگی نمود مادام که در درجه نخستین در آن باب حکمی صادر نشده است مگر در مواردی که در قانون استثناء شده باشد .

ماده۹ ـ هیچ مقام رسمی‌وهیچ اداره‌دولتی‌نمیتواند حکم‌دادگاه دادگستری را تغییر دهد ویا ازاجرای آن جلوگیری کند مگر خود دادگاهی که حکم داده و یادادگاه بالاتر آنهم درمواردیکه قانون معین میکند .

باب اول ـ درصلاحیت دادگاه

فصل اول ـ درصلاحیت ذاتی دادگاهها

ماده ۱۰ ـ رسیدگی نخستین بدعاوی مدنی راجع بدادگاههای شهرستان

وداد گاههای بخش است جز در مواردیکه قانون مرجع دیگری معین کرده باشد .

ماده ۱۱ ـ پژوهش احکام وقرارهای قابل پژوهش داد گاه های بخش راجع بداد گاههای شهرستان است .

ماده ۱۲ ـ رسید گی پژوهشی احکام وقرار های قابل پژوهش داد گاههای شهرستان واحکام وقرارهای قابل پژوهش‌داد گاههای بخش‌درموردیکه داد گاههای نامبرده بدعاوی راجعه‌بداد گاههای شهرستان‌رسید گی مینمایند راجع‌بداد گاههای استان است .

فصل دوم - در صلاحیت نسبي داد گاهها

مبحث اول - در صلاحیت نسبی دادگاههای بخش

ماده ۱۳ - امور راجع بداد گاههای بخش ازقرار زیر است :

۱ - دعاوی راجع باموال اعم از منقول وغیر منقول و دیون و منافع وزیان وخسارات ناشیه ازضمان قهری و جرم در صورتیکـه خواسته بیش از ده هزار ریال نباشد .

۲ - مطالبه‌تخلیه ید از اعیان مرهونه‌ومستأجره وامثال آن مگردرصورتیکه مدعی علیه مدعی مالکیت شده وادعای خود را بطور مستقیم یاغیر مستقیم‌بموجب سند مستند بانتقال از مدعی نماید کـه در اینصورت داد گاه بخش وقتی صلاحیت خواهد داشت که بهای عین بیش از ده‌هزارریال نباشد .

۳ - کلیه دعاوی راجعه بحقوق ارتفاقی ازقبیل حق‌العبور وحق‌المجری‌وحق حفر چاه قنات درملك دیگری وامثال آن تاهرمیزانی که باشد و حقوق انتفاعی در صورتیکه بهای آن زائد برنصاب داد گاه بخش نباشد .

٤ - دعاوی راجعه بحقوق مالی ازقبیل حق شفعه وحق فسخ ودعوای بطلان

معامله و بی اعتباری سند در صورتیکه متعلق حق یا مورد معامله بیش از ده هزار ریال نباشد .

۵ ـ دعوی مزاحمت و ممانعت از حق و تصرف عدوانی در عین غیر منقول تاهر میزانی که باشد .

۶ ـ دعاوی راجع باشیائی که بهای معین نداشته ولی دارای نوعی از اعتبارو متعلق اغراض و مقاصدی است مثل اعیان برگها و اسناد و امثال آن .

۷ ـ مطالبه وفای بشروط و عهود راجعه بمعاملات و قراردادها اعم از اینکه در ضمن معامله و قرارداد تصریح شده و یا بنای متعاملین بر آن بوده و یا عادتاً و عرفاً معامله مبنی بر آن باشد مشروط براینکه مورد مطالبه قابل ارزیابی نباشدوالا نصاب دادگاه بخش معتبر خواهد بود .

۸ ـ درخواست افراز درصورتیکه مالکیت محل نزاع نباشد و در صورتیکه مالکیت محل نزاع باشد نصاب از حیث بها معتبر است .

۹ ـ درخواست تأمین و حفظ دلایل و امارات .

۱۰ـ درخواست سازش بین طرفین درهردعوائی وتاهرمقداری که خواسته باشد .

۱۱ ـ درخواست تصدیق انحصار وراثت .

ماده ۱۴ ـ دادگاه بخش درصورت تراضی طرفین دعوی بهر دعوی تا هر میزانی که باشد رسیدگی خواهد نمود .

ماده ۱۵ ـ اگر در مقر دادگاه بخش دادگاه شهرستان نباشد دادگاه بخش بامور زیر نیز رسیدگی خواهد نمود :

۱ ـ دعاوی که خواسته آن تا بیستهزار ریال باشد .

۲ ـ نسبت باختلافات راجعهٔ باسناد ثبت احوال .

ماده ۱۶ ـ دعاوی زیر بدادگاههای بخش راجع نیست اگر چه خواسته در حدود نصاب آن باشد:

۱ ـ دعاوی راجع بدولت .

۲ ـ دعاوی راجعه باصل امتیازاتی که از طرف دولت داده میشود .

۳ ـ دعاوی راجعه بعلائم صنعتی و نام و علائم بازرگانی وحق‌التصنیف وحق اختراع و کلیه حقوق غیر مالی مثل تولیت و نسب و وصایت .

مبحث دوم ـ در صلاحیت نسبی دادگاههای شهرستان

ماده ۱۷ ـ بجز آنچه که مطابق مبحث فوق داخل درصلاحیت نسبی دادگاهها بخش است دادگاههای شهرستان بکلیه دعاوی مدنی بطریقی که درمبحث‌سوم مقرر است رسیدگی مینمایند .

ماده ۱۸ ـ پژوهش احکام و قرارهای دادگاههای بخش کـه قابل پژوهش است در دادگاه شهرستانی بعمل میآید که دادگاههای بخش نامبرده درحوزه آن واقعند مگر درمواردی که مطابق ماده ۱۲ راجع به‌دادگاههای استان است .

ماده ۱۹ ـ در نقاطی که دادگاه بخش نیست دادگاههای شهرستان بدعاوی نیز رسیدگی مینمایند که داخل در صلاحیت دادگاههای بخش است در اینصورت حکم دادگاههای نامبرده که خواسته آن بیش ازپانصد ریال نباشد قطعی وغیرقابل پژوهش است ومرجع پژوهش قرارها واحکامی که قابل پژوهش است نزدیکترین دادگاه شهرستان خواهد بود مگر اینـکه وزارت دادگستری دادگـاه شهرستان دیگری را معین نماید .

ماده ۲۰ ـ مرجع رسیدگی باختلافات مربوط باسناد ثبت‌احوال‌اتباع ایران که در خارج کشور بوسیله مأمورین مربوطه صـادر شده بـاشد دادگاه شهرستان تهران است .

مبحث سوم ـ در مقررات مشترکه راجع بصلاحیت نسبی دادگاهها

ماده ۲۱ ـ دعاوی راجعه بدادگاههائی که رسیدگی نخستین مینمایند باید درهمان‌دادگاهی اقامه‌شود که مدعی‌علیه درحوزه‌آن اقامتگاه دارد واگرمدعی‌علیه در ایران اقامتگاه ندارد درصورتیکه در ایران محل سکونت موقتی داشته باشد در دادگاه همان محل باید اقامه گردد و هرگاه در ایران نه اقامتگاه و نه‌محل سکونت موقتی داشته ولی در ایران مال غیرمنقول دارد دعوی در دادگاهی اقامه میشود که مال غیرمنقول درحوزه آن واقع است وهرگاه مال غیرمنقول‌هم نداشته باشد مدعی میتواند در دادگاه محل اقامت خود اقامه دعوی کند.

ماده ۲۲ ـ در دعاوی بازرگانی وهم‌چنین درهردعوای راجع باموال‌منقوله که از عقود و قرارداد ناشی شده‌باشد مدعی میتواند بدادگاه محلی رجوع کند که عقد یا قرارداد درآنجا واقع شده ویا تعهد درآنجا باید انجام شود.

ماده ۲۳ ـ دعاوی راجعه بغیرمنقول اعم‌ازدعوی مالکیت وسایرحقوق‌راجعه بآن درددادگاهی اقامه میشود که مال غیر منقول در حوزه آن واقع است اگرچه مدعی و مدعی علیه‌هم درآن حوزه مقیم نباشند.

ماده ۲۴ ـ درخواست تأمین دلائل و امارات از دادگاه بخشی میشود که دلائل و امارات مورد درخواست درحوزه آن واقع است.

ماده ۲۵ ـ دعوی مزاحمت و ممانعت ازحق وتصرف عدوانی در دادگاه بخشی اقامه میشود که موضوع دعوی درحوزه آن واقع است.

ماده ۲۶ ـ درصورتیکه خواسته مال منقول وغیرمنقول باشد مدعی میتواند در دادگاهی‌که مال غیرمنقول در حوزه آن واقع است و یا در دادگاه محل اقامت مدعی علیه اقامه دعوی کند. بشرط اینکه دعوی در هر دوقسمت ناشی از یك منشأ شده باشد.

ماده ۲۷ ـ هر گاه يك ادعا راجع بچند مدعی عليه باشد که در حوزه های دادگاههای مختلفه اقامت دارند و يا راجع بچند مال غير منقول باشد که در حوزه های دادگاههای مختلفه واقع شده‌اند مدعی ميتواند بيكی از دادگاههای نامبرده رجوع کند.

ماده ۲۸ ـ هر دعوی که در اثناء رسيدگی بدعوی ديگری از طرف مدعی يا مدعی عليه يا شخص ثالثی يا از طرف متداعيين اصلی بر ثالث اقامه شود دعوی طاری ناميده ميشود و اين دعوی اگر با دعوی اصلی ناشی از يك منشأ باشد و يا با دعوی اصلی ارتباط کامل داشته باشد در دادگاهی اقامه ميشود که دعوی اصلی در آنجا اقامه شده‌است مگر اينکه دعوی طاری از صلاحيت ذاتی دادگاه خارج باشد دراين صورت اگر رسيدگی بدعوی اصلی متوقف به رسيدگی بدعوی طاری باشد دعوی اصلی موقوف ميماند تادعوی طاری درداد گاهی که صلاحيت رسيدگی بآنرا دارد خاتمه پذيرد.

ماده ۲۹ ـ درمورد قسمت اخيرماده بالادادگاه بايد دادخواست راجع بدعوی طاری را بدادگاه صلاحيت دار بفرستد و هر گاه مدعی دعوی نامبرده را در دادگاه صلاحيت‌دار تا يكماه تعقيب نكند دادخواست نسبت بدعوی طاری بلااثر و دادگاهی که مشغول رسيدگی بدعوی اصلی بوده رسيدگی و حکم خواهد داد.

هر گاه دعوی اصلی در دادگاه بخش بوده و دعوی طاری از حد نصاب دادگاه بخش خارج باشد در اينصورت دعوی اصلی نيز بايد بدادگاه شهرستان صلاحيت‌دار احاله شود مگر اينکه طرفين دعوی برسيدگی دادگاه بخش تراضی نمايند.

ماده ۳۰ ـ عنوان احتساب وتهاتر وهراظهاری که دفاع محسوب شود دعوی طاری نبوده ومشمول دوماده بالا نخواهد بود .

ماده ۳۱ ـ هر گاه شخص ثالثی کــه جلب یا وارد دادرسی میشود بموجب اسناد یاامارات قویه ثابت نماید کـه دعوی فقط برای انصراف او از دادگاهی کــه قانوناً مرجع رسیدگی‌است اقامه شده میتواند احالهٔ دعوی را بدادگاه صلاحیت دار درخواست نماید ودر اینصورت دادگاه حاکمه باید درخواستاورا قبول کند .

ماده ۳۲ ـ دعاوی راجع بتر که متوفی درصورتی کــه دعوی مابین وراث باشد یاازطرف اشخاصی اقامه شود که خودراذیحق درتمام‌یاقسمتی ازتر که‌میدانند اگرچه خواسته دین و یا راجع بوصایای متوفی باشد مادام که تر که تقسیم نشده‌در دادگاه محلی اقامه میشود که آخرین اقامتگاه متوفی در ایران آن محل است واگر آخرین اقامتگاه متوفی معلوم نباشد دعاوی نــامبرده راجع بدادگاهی است که آخرین محل سکونت متوفی درایران درحوزه آن دادگاهاست .

ماده ۳۳ ـ دعوای بطلان تقسیم راجع بدادگاهی است که تقسیم توسط آن دادگاه بعمل‌آمده است .

ماده ۳۴ ـ دعوی توقف اعم از آنکــه از طرف خود بازرگان یا از طرف بستانکار هایاازطرف دادستان باشد باید درداد گاهی که اقامتگاه بازرگان‌ورشکسته درحوزه آن واقع است اقامه شود .

هر گـاه بازرگان متوقف در ایـران اقامتگـاه نداشته بـاشد دعوی توقف در دادگاهی اقامه میشود که بنگاه بازرگــانی‌شعبه یانماینده برای معاملات درحوزه آن‌دارد یاسابقاً داشته است .

ماده ۳۵ ـ دعوی راجع بورشکستگی شرکتهای بازرگانی که مرکز اصلی

آن در ایران است باید درمرکز اصلی شرکت اقامه شود .

ماده ۳۶ ـ دعاوی مربـوط باصل شرکت و دعاوی بین شرکت و شرکاء و اختلافات حاصله بین‌شرکاءِ وهمچنین دعاوی‌اشخاص خارج برشرکت مادام که‌شرکت باقی است ودر صورت برچیدگی تاوقتی که تصفیه امور شرکت در جریان است در مرکز اصلی شرکت اقامه میشود .

ماده ۳۷ ـ دردعاوی ناشیه ازتعهدات شرکت درمقابل اشخاص خارج اشخاص خارج‌میتوانند دعاوی خودرا درمحلی که‌تعهد درآنجا واقع‌شده یامحلی که کالا باید تسلیم گردد یاجائیکه پول باید پرداخته شود اقامه نمایند .

ماده ۳۸ ـ اگر شرکت دارای شعب متعدده در جـاهای مختلف باشد دعاوی ناشیه از تعهدات‌هرشعبه بااشخاص خارج‌باید در دادگاه محلی که شعبه طرف‌معامله درآن واقع است اقامه شود مگر آنکه شعبه نامبرده برچیده شده باشد کـه دراین صورت دعاوی نامبرده نیز درمرکز اصلی شرکت اقامه خواهد شد .

ماده ۳۹ ـ دعوی‌اعسار نسبت بخواسته در صورتیکه ضمن رسیدگی‌بدعوی اصلی اظهار شود دردادگاهی کـه دعوی اصلی مطرح است رسیدگی میشود ودر صورتیکـه بعد از صدور حکم و قطعیت آن اقامه شود در دادگاهی رسیدگی میشود که حکم نخستین را صادر کرده است .

ماده ۴۰ ـ دعوی اعسار درمقابل‌برگهای اجرائیه ثبت اسناد درداد گاه محل اقامت مدعی اعسار اقامه خواهد شد .

ماده ۴۱ ـ دعوی اعسار ازهزینه دادرسی مرحله نخستین دردادگاهی اقامه میشود که صلاحیت رسیدگی‌نخستین‌دعوی اصلی‌را دارد . دعوی اعسار برای‌معافیت

ازهزینه مرحله پژوهش وفرجام بداد گاهی راجع است که رسید گی نخستین بدعوی اصلی نموده .

ماده ۴۲ ـ دعوی خسارت چه از بابت دیر پرداختن پول وچه از بابت هزینه دادگستری وچه از بابت حق الوکاله وامثال آن درصورتیکه در ضمن دعوی اصلی مطالبه شده باشد در دادگاهی رسیدگی میشود که دعوی اصلی در آن مطرح شده والا در دادگاهی رسیدگی میشود که دعوی درآن خاتمه یافته است .

دعوی خسارت راجع بمرحله فرجام در دادگاهی اقامه میشود کـه ازحکم آن دادگاه فرجام خواسته شده ودر صورت نقض بدادگاهی راجع است کـه دعوی بآنجا ارجاع شده وخاتمه یافته‌است .

ماده ۴۳ ـ اختلافات مربوطه باجرای احکام که از اجمال یاابهام حکم یامحکوم به حادث شود در دادگاهی که حکم را صادر کرده رسیدگی میشود .

اختلافات ناشیه از اجرای احکام راجع بدادگاهی است که حکم بتوسط آن دادگاه اجرا میشود .

ماده ۴۴ ـ در تمام دعاوی که رسیدگی بآن از صلاحیت دادگاه هائی است که رسیدگی نخستین مینمایند طرفین دعوی میتوانند تراضی کرده بدادگاه دیگری که در عرض دادگاه صلاحیت دار باشد رجوع کنند تراضی طرفین باید بموجب سند رسمی یا اظهار آنها در نزد دادرس دادگاهی که میخواهد دعوی خود را باو رجوع کنند بعمل آید در صورت اخیر دادرس اظهار آنها را در صورت مجلس قید وبمهر یا امضاء آنها میرساند اگر طرفین یا یکی از آنها بی‌سواد باشد مراتب درصورت جلسه قید میشود .

ماده ۴۵ ـ پژوهش احکام وقرارهای صادره از دادگاههای شهرستان درداد گاه

استان بعمل میآید که دادگاههای نامبرده درحوزه آن واقع میباشند .

فصل سوم - دراختلافات راجعه بصلاحیت و ترتیب حل آن

مبحث اول - در اختلافات راجعه بصلاحیت

ماده ۴۶ - تشخیص صلاحیت یاعدم‌صلاحیت هر دادگاه نسبت بدعوی که‌بآن رجوع‌شده است باخود آن دادگاه است مناط صلاحیت تاریخ تقدیم دادخواست‌است مگر درموردی که خلاف آن مقرر شود .

ماده ۴۷ - هر گاه درموضوع یك دعوی دو دادگاه دادگستری یا دادگاه دادگستری ومراجع غیر دادگستری هردوخود را صالح بدانند یاهردو از خود نفی صلاحیت نمایند اختلاف محقق میشود .

مبحث‌دوم - در ترتیب‌حل اختلاف‌بین دادگاههای‌دادگستری

ماده ۴۸ - اگر اختلاف بین دادگاههای دادگستری راجع بصلاحیت آنها بوسیله پژوهش یافرجام خواستن ازقرار حل نشده باشد هریك ازمتداعیین که حل اختلاف را بخواهد باید درخواست نامه مطابق نمونه مخصوص بدادگاهی که مطابق مواد زیر مرجع حل اختلاف است تقدیم دارد .

دادگاه‌باید بدرخواست نامه نامبرده‌درجلسه اداری رسیدگی نمایدرسیدگی باصل دعوی تاصدور حکم راجع بحل اختلاف توقیف خواهد شد .

ماده ۴۹ - هرگاه طرفین اختلاف دودادگاه بخش باشد وهردودادگاه بخش درحوزه یك‌دادگاه شهرستان‌باشند حل‌اختلاف در همان‌دادگاه‌شهرستان‌بعمل‌میآید

اگر طرفین اختلاف در حوزه یك دادگاه شهرستان نبوده ولی درحوزه‌یك دادگاه استان باشند حل اختلاف بهمان دادگاه استان رجوع میشوو واگر طرفین اختلاف درحوزه یك دادگاه استان نباشند حل‌اختلاف بادیوان کشور خواهدبود .

ماده ۵۰ ـ هرگاه اختلاف بین دادگاه بخش و دادگاه شهرستان باشد حل اختلاف بدادگاه استان رجوع میشود که طرفین اختلاف در حوزه آن واقعند و اگر طرفین اختلاف درحوزه یك دادگاه استان نباشند حل اختلاف بادیوان کشور خواهد بود .

ماده ۵۱ ـ اگر اختلاف بین دو دادگاه شهرستان باشد که درحوزه یك دادگاه استان واقعند حل اختلاف راجع بهمان دادگاه استان است و اگر درحوزه یك دادگاه استان نباشند حل اختلاف بادیوان کشوراست .

ماده ۵۲ ـ اگر اختلاف بین دو دادگاه استان یا دادگاه شهرستان و استان باشد حل آن بادیوان کشور خواهد بود .

ماده ۵۳ ـ حکم راجع بحل اختلاف قابل پژوهش وفرجام نیست .

مبحث سوم ـ در ترتیب حل اختلاف بین دادگاه های دادگستری و مراجع غیر دادگستری

ماده ۵۴ ـ اگر در موضوع یك دعوی بین دادگاه دادگستری ودادگاه غیر دادگستری یا اداره دولتی اختلاف در صلاحیت نفیاً یا اثباتاً ایجاد شود حل آن در دیوان کشور مطابق مواد زیر بعمل میاید .

ماده ۵۵ ـ اشخاص ذینفع یادادستان دادگاه دادگستری که طرف اختلاف است درخواست نامه خودرا باذکر دلائل بدفتر دیوان کشور تقدیم میدارد ودادستان دیوان کشور آنرا با نظریه خود برای حل اختلاف نزد رئیس اول دیوان نامبرده میفرستد .

ماده ۵۶ ـ برای حل اختلاف در شعبه اول دیوان کشور مجلسی مرکب از هفت نفر از رؤساء ومستشاران دیوان کشور بانتخاب رئیس اول تشکیل وباختلافات رسیدگی وحکم قطعی میدهد .

ماده ۵۷ - درصورتیکه دادگاه دادگستری ودادگاه غیردادگستری یااداره دولتی هر دو خود را صالح برای رسیدگـی دانسته باشند و حل اختلاف بدیوان کشوررجوع شده‌باشد دادستان کل بدرخواست ذینفع میتواند بدادگاه واداره‌طرف اختلاف اعلام نماید که تاصدور حکم دیوان کشورازرسیدگی و تعقیب جریان امر خودداری نمایند.

باب دوم - وکالت دردعاوي

ماده ۵۸ - در دادگاههای بخش و شهرستان متداعیین میتوانند شخصاً یا بتوسط وکیل دادرسی کنند ولی در دادگاههای استان و دیوان کشور برای تقدیم دادخواست و دادرسی باید وکیل داشته باشند.

وکلای دادگستری‌درحدودپایه وکالت ومامورین قضائی واستادان دانشکده حقوق میتوانند نسبت بـدعاوی راجـع بخودشان شخصاً در دادگاه استان و دیوان کشور دادخواست داده و دادرسی نمایند.

ماده ۵۹ - وکلای متداعیین باید دارای شرایطی باشند که بموجب قانون برای آنها مقرر است.

ماده ۶۰ - وکالت باید بموجب سند رسمی یا بگواهی امین دادگاه بخش یا بخشدار یا شهربانی یا کلانتری یا کدخدای محل و یا یکی از ادارات رسمی که موکل‌درآنجا خدمتگذاراست ویایك یا چندنفر ازمعتمدین محلی‌باشد مگرآنکه امضاء موکل معروف نزد دادگاه بوده و صدورآن ازموکل محل شبهه نباشد.

درصورتیکه وکالت در خارج از ایران داده شده باشد باید بگواهی یکی از مامورین سیاسی یا کنسولی ایران رسیده باشد مرجع گواهی وکالت‌نامه اشخاص

مقیم درکشورهای‌فاقد مأمور سیاسی یا کنسولی ایران‌در آئین‌نامه وزارت دادگستری معین خواهد شد .

ماده ٦١ ـ اگروکالت درجلسه دادرسی داده شود باید مراتب درصورتجلسه قید و بامضاء موکل برسد

ماده ٦٢ ـ وکالت در دادگاهها شامل تمام اختیارات راجعه بامردادرسی‌است جزآنچه راکه موکل استثناءکرده لیکن درامورزیراختیار وکیل باید دروکالتنامه تصریح شود .

۱ ـ وکالت راجع به پژوهش .

۲ ـ وکالت راجع بفرجام .

۳ ـ وکالت درمصالحه و تعیین وکیل سازش .

٤ ـ وکالت درادعای جعل نسبت بسند طرف و استرداد سند .

٥ ـ وکالت درتعیین جاعل .

٦ ـ وکالت درارجاع دعوی بداوری وتعیین داور .

۷ ـ وکالت درتوکیل .

۸ ـ وکالت درتعیین مصدق وکارشناس .

۹ ـ وکالت دراقرار (مقصود اقرار در ماهیت دعوی یا بامری است که کاملا قاطع دعوی باشد)

۱۰ ـ وکالت در دعوی خسارت .

۱۱ ـ وکالت در استرداد دعوی .

۱۲ ـ وکالت درجلب شخص ثالث و دفاع ازدعوی ثالث .

۱۳ ـ وکالت دردعوی متقابل و دفاع ازدعوی نامبرده .

ماده ۶۳ - وکیل در دادرسی حق درخواست صدور برگ اجرائی و تعقیب عملیات اجرائی واخذ محکوم‌به‌را درصورتی‌خواهدداشت که‌در وکالت تصریح شده‌باشد.

ماده ۶۴ - اگرموکل وکیل خود را معزول کند باید هم بوکیل و هم بدادگاه اطلاع دهد عزل وکیل مانع از جریان دادرسی نخواهد بود اظهار شفاهی درعزل وکیل باید درصورت جلسه قید و بامضاء موکل برسد.

ماده ۶۵ - مادام که عزل وکیل باطلاع اونرسیده است اقدامات او درحدود وکالت و همچنین ابلاغاتی کـه ازطرف دادگاه بوکیل میشود مؤثر در حق موکل خواهد بود ولی همینکه اطلاع عزل وکیل بدادگاه رسید دادگاه دیگر اورا درامور راجعه بدادرسی وکیل نخواهد شناخت.

ماده ۶۶ - درصورتیکه وکیل استعفای خود را کتباً بدادگاه اطلاع دهد دادگاه بموکل اخطارمیکند که شخصاً یابتوسط وکیل‌جدید دادرسی‌را تعقیب‌نماید.

ماده ۶۷ - وکیلی که در وکالت نامه حق دادرسی در دادگاه بالاتر هم باو داده شده ومجاز برای دادرسی درداد گاه بالاتر باشد ویاحق تعیین وکیل مجاز برای دادرسی در دادگاه بالاتر داشته باشد هرگاه پس از صدور رأی و یا در موقع ابلاغ استعفا کند و از رؤیت امتناع نماید مؤثر در امرابلاغ نیست و ابتداءِ مدت پژوهش یـا فرجام از روز ابلاغ بوکیل محسوب است و هرگاه از این حیث زیانی بموکل وارد شود وکیل مسئول خواهد بود.

درمورد این ماده دادخواست پژوهش ویا فرجام وکیل مستعفی‌قبول میشود ومدیر دفتر دادگاه مکلف است به موکل کتباً اخطارنماید که وکیل خود را معین ومعرفی کند و اگر دادخواست ناقص باشد نقص آنرا رفع نماید.

ماده ۶۸ - ابلاغ داد نامه بوکیلی که حق دادرسی در دادگاه بالاتر ندارد و

یا مجاز برای وکالت در مرحله بالاتر نباشد و وکالت در تعیین وکیل مجازهم نداشته باشد معتبر نخواهد بود .

ماده ۶۹ ـ درصورت فوت و یا درصورتیکه وکیل بجهتی ممنوع‌الوکاله شود رسیدگی بدعوی توقیف میشود تا وقتیکه موکل وکیل جدید معین کند یا طرف مقابل احضار اورا ازدادگاه بخواهد وهرگاه بعد از احضارطرف غائب درموعدمقرر حاضرنشود و وکیل‌جدیدی معین‌نکند دادگاه بخواهش طرف رسیدگی‌را مداومت میدهد اگر وکیل بعد از ابلاغ حکم و قبل از انقضاء مدت پژوهش یا فرجام فوت کند ویا ممنوع ازوکالت شود ابتداء مدت اعتراض یاپژوهش یافرجام ازتاریخ ابلاغ بموکل محسوب خواهد شد .

همین‌حکم جاری است درموردیکه وکیل توقیف شود ویا بواسطه قوه‌قهریه (فرس ماژر) قادر بانجام وظیفه وکالت نباشد .

باب سوم ـ در دادرسی نخستین

فصل اول ـ در دادخواست و پیوستهای آن

مبحث اول - در شرایط دادخواست

ماده ۷۰ ـ شروع برسیدگی در دادگاه های دادگستری محتاج بتقدیم دادخواست است .

ماده ۷۱ ـ دادخواست باید بزبان فارسی و درروی برگهای چاپی مخصوصی نوشته شود مگر در نقاطی کـه برگهای نامبرده در دسترس عموم نباشد . در موارد فوری ممکن است دادخواست تلگرافی باشد .

ماده ۷۲ ـ در دادخواست باید نکات زیر قید شود :

۱ ـ نام و نام خانوادگی و نام پدر و اقامتگـاه و شغل مدعی و وکیل او در صورتی که دادخواست را وکیل داده باشد .

۲ ـ نام و نام خانوادگی و نام پدر و اقامتگاه و شغل مدعی علیه .

۳ ـ تعیین خواسته وبهای آن مگر آنکه تعیین بهاءِ ممکن نبوده و یا خواسته مالی نباشد .

٤ ـ تعهدات یا جهات دیگری که بموجب آن مدعی خود را مستحق مطالبه میداند بطوریکه مقصود واضح و روشن باشد .

٥ ـ آنچه را که مدعی از دادگاه درخواست دارد .

٦ ـ ذکر تمام ادله و وسائلی که مدعی برای اثبات ادعای‌خود دارد از اسناد و نوشتجات و اطلاع مطلعین و غیره .

ادله مثبته باید بترتیب و واضح نوشته شود و اگر دلیل گواهی گواه است مدعی باید اسامی و مشخصات و محل اقامت آنانرا بطور صریح معین کند .

تبصره ـ اقامتگاه باید باتمام خصوصیات ازقبیل شهر وقصبه وخیابان طوری نوشته شود که ابلاغ بسهولت ممکن باشد .

ماده ۷۳ ـ در صورتیکـه هر یك از اصحاب دعوی عنوان قیمومت یا تولیت یا ولایت یا وصایت و یا مدیریت شرکت وامثال آن داشته باشند در دادخواست باید تصریح شود .

مبحث‌دوم ـ پیوست های دادخواست

ماده ۷۴ ـ مدعی باید رونوشت گواهی‌شده اسنادی‌را که بآنها استناد کرده پیوست دادخواست کند مقصود از رونوشت گواهـی شده رونوشتی است که دفتر

دادگاهی که دادخواست بآنجا داده میشود یادفتر یکی‌ازدادگاههای دیگر یایکی از ادارات ثبت اسناد یادفتر اسناد رسمی و درجائیکه هیچیك از آنها نباشد بخشدار محل یا یکی از ادارات دولتی مطابقت آنرا با اصل گواهی کرده باشد.

در صورتیکه رونوشت سند در خارجه تهیه شده باشد باید در دفتر یکی سفارتخانه ها یا کنسولگریهای ایران گواهی شود.

هرگاه اسناد مفصل باشد مثل دفتر بازرگانی یا اساسنامه شرکت و امثال آن قسمت هائی که مدرك ادعاء است خارج نویس شده پیوست دادخواست میگردد.

ماده ۷۵ ـ در صورتیکه اسناد بزبان فارسی نباشد باید علاوه بر رونوشت گواهی‌شده سند ترجمه گواهی‌شده آن نیز پیوست دادخواست شود.

گواهی صحت ترجمه ومطابقت رونوشت با اصل‌را مترجمین رسمی یامأمورین کنسولی خواهند نمود،

ماده ۷۶ ـ اگر دادخواست توسط وکیل داده شده باید وکالتنامه وکیل و در صورتیکه دادخواست را قیم داده باشد رونوشت گواهی شده قیم‌نامه و بطور کلی رونوشت سندی که مثبت سمت دادخواست دهنده است نیز باید پیوست دادخواست شود.

ماده ۷۷ ـ دادخواست وکلیه برگهای پیوست به آن باید در دو نسخه و در صورت تعدد مدعی‌علیه بعده آنها بعلاوه یك نسخه باشد.

ماده ۷۸ ـ تاریخ تقدم دادخواست باید شمسی و با تمام حروف نوشته شود. دادخواست دهنده باید زیردادخواست‌را امضاء کند. ودرصورت عجز از امضاء مهر یا اثرانگشت خودرا بگذارد و شخص معتمدی مهر یا اثرانگشت او را گواهی کند.

ماده ۷۹ ـ دعاوی متعدده را که منشاء و مبنای آن مختلف است نمیتوان

بموجب یك‌دادخواست اقامه نمود مگر آنکه دعاوی‌نامبرده طوری مربوط باشد که دادگاه بتواند بتمام آنها در ضمن یك دادرسی رسیدگی کند .

اشخاصی که میخواهند درداد گاه بخش تامیزان پانصدریال اقامه دعوی نموده و ازمقررات مربوطه بدعاوی که خواسته‌آن پانصدریال یا کمتراست استفاده نمایند نمیتوانند ادعای خود را که ناشی از یك مدرك است تجزیه کرده و برای هرقسمت دادخواست جداگانه بدهند مگر اینکه درداد گاه نامبرده ازبقیه دعوی خود صرف نظر نمایند .

ماده ۸۰ ـ دادخواست بدفتر داد گاه صلاحیت‌دار داده میشود ودر نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است بدفتر شعبه یك .

ماده ۸۱ ـ مدیر دفترداد گاه بلافاصله پس‌ازرسید دادخواست بایدآنرا ثبت کرده رسیدی مشتمل برنام مدعی و مدعی علیه و تاریخ تسلیم از روز وماه وسال با ذکرشمارهٔ ثبت به تقدیم کننده دادخواست‌بدهد و درروی کلیه برگهای دادخواست تاریخ تسلیم را قید کند .

تاریخ رسید دادخواست بدفترتاریخ اقامه دعوی محسوب میشود .

ماده ۸۲ ـ هرگاه دادگاه دارای یك یا چند شعبه باشد مدیر دفتر بـاید فوراً دادخواست‌را بنظررئیس اول برساند تا رئیس نامبرده‌آنرا بیکی‌ازشعب ارجاع نماید .

مبحث سوم ـ موارد رد دادخواست

ماده ۸۳ ـ هرگاه دردادخواست مدعی یامحل اقامت اومعلوم‌نباشد درظرف دوروز ازتاریخ‌رسید دادخواست مدیردفترآنرا بنظردادرس‌داد گاه رسانده وبموجب قرارداد گاه کـه منتهی در ظرف دو روز باید صادر شود دادخواست رد خواهدشد

رونوشت این قرار را که باید حاوی علت ردباشد مدیر دفتر دردفتر دادگاه بدیوار الصاق میکند و در مدت ده روز رونوشت نامبرده باید بدیوار دادگاه باقی باشد .

مبحث چهارم ـ موارد توقیف دادخواست

ماده ۸۴ ـ درموارد زیردادخواست قبول ولی برای اینکه بجریان افتد باید تکمیل شود :

۱ ـ درصورتیکه بدادخواست وپیوست‌های آن مطابق قانون تمبر الصاق نشده و یا در نقاطی که تمبر موجود نیست هزینه نامبرده تأدیه نشده باشد .

۲ ـ وقتی که فقرات ۲/۳/٤/٥ و ٦ ماده ۷۲ ومقررات مواد ۷٤ـ۷٥ـ۷٦ـ۷۷ رعایت نشده باشد .

ماده ۸۵ ـ درموارد بالا مدیر دفتر دادگاه درظرف دوروز نقائص دادخواست را بطورتفصیل بمدعی کتباً اطلاع داده واز روز ابلاغ پنجروز بارعایت مدت مسافت باو مهلت میدهد که نقائص را رفع کند و درصورتیکه در موعد رفع ننمود دادگاه قرار رد دادخواست را میدهد این قرار بمدعی ابلاغ شده ومشارالیه میتواند درظرف ده روز از تاریخ ابلاغ از آن پژوهش بخواهد .

فصل دوم ـ در ارزیابی خواسته

ماده ۸٦ ـ بهای خواسته از نقطه نظر صلاحیت وهزینه دادرسی مبلغی است که در دادخواست قید شود .

ماده ۸۷ ـ ارزیابی خواسته بترتیب ذیل بعمل میآید :

۱ ـ اگرخواسته پول باشد بهای آن عبارت است ازمبلغ معین دردادخواست.

۲ ـ دردعاوی چندنفر مدعی که هریك یکقسمت از کل را مطالبه مینمایند

بهای خواسته مساوی است با حاصل جمع تمام قسمتهائی که مطالبه میشود .

۳ ـ در دعاوی راجعه بمنافع و حقوقی که باید بمواعد معینه استیفاء و یا پرداخته شود بهای خواسته حاصل جمع تمام اقساط و منافعی است که مدعی خود را ذیحق در مطالبهٔ آن میداند .

در صورتیکه حق نامبرده محدود بزمان معین نبوده و یا مادام‌العمر باشد بهای خواسته مساوی‌است باحاصل جمع منافع ده ساله یاآنچه را که درظرف ده سال باید استیفاء کند .

٤ ـ در دعاوی راجعه باموالی غیرپول بهای خواسته مبلغی است که مدعی در دادخواست معین کرده ومدعی علیه در اولین لایحه خود در دادرسی عادی ویا اولین جلسه در دادرسی اختصاری آنرا تکذیب نکرده است در مواردی که تعیین بهای خواسته در ابتدای دعوی ممکن‌نیست بهای خواسته بیش‌از ده‌هزار ریال محسوب‌است مگر اینکه اجمالا کمتربودن بهاءِ معلوم باشد .

ماده ۸۸ ـ در مواردیکه ما بین اصحاب دعوی در تعیین بهای اموال یاحقوق مالی که موضوع ادعاءِ است اختلاف شود حد وسط بهائی که اصحاب دعوی معین کرده‌اند خواسته محسوب میشود .

هر گاه مورد اختلاف بین‌اصحاب دعوی فاحش باشد دادگاه بوسیله کارشناس بهای واقعی را تشخیص میدهد . تفاوت وقتی فاحش است که از یك خمس کمترین بهائی که طرفین معین کرده‌اند بیشتر باشد .

فصل سوم ـ در جریان دادخواست تا جلسه دادرسی

مبحث اول - درابلاغ دادخواست

ماده ۸۹ ـ مدیر دفترداد گاه باید درظرف دوروز ازتاریخ رسید دادخواست

ودرصورتیکه دادخواست ناقص باشد از تاریخ رفع نقائص یك نسخه از آنرا باپیوست‌ها در پرونده مخصوص که برای دعوی ترتیب میدهد بایگانی و نسخه دیگر را با پیوست‌ها برای ابلاغ بمدعی علیه بمأمور ابلاغ تسلیم کند ودر کلیه نسخ دادخواست شعبه‌ای که بدعوی رسیدگی خواهد کرد ونام مأمور ابلاغ وتاریخ تسلیم دادخواست بمأمور را قید نماید .

ماده ۹۰ ـ ابلاغ دادخواست و پیوست‌ها باید بتوسط مأمور ابلاغ بعمل آید و مأمور نامبرده مکلف است آنرا درظرف دو روز بشخص مدعی علیه ابلاغ کند در صورت امتناع مدعی علیه از گرفتن برگها امتناع او را بگواهی یکنفر پاسبان یا امنیه یا دو نفر گواه از اهل محل در برگ ابلاغ نامه قید وبدفتر دادگاه عودت دهد .

ماده ۹۱ ـ هرگاه مأمور نتواند دادخواست‌را بشخص مدعی‌علیه برساند باید در محل اقامت او بیکی از بستگان یا خادمین او ابلاغ نماید مشروط براینکه بنظر مأمور سن ظاهری این اشخاص برای تمیز اهمیت برك دادخواست کافی باشد ومشروط بر اینکه بین مدعی علیه وشخصی که برگ را دریافت میدارد تعارض منفعت نباشد .

ماده ۹۲ ـ اگر اشخاص مذکور در ماده قبل نتوانند بواسطه بیسوادی یا بجهة دیگری رسید بدهند مأمور ابلاغ دادخواست و پیوست های آنرا با حضور یکنفر پاسبان یا امنیه و یا دو نفر گواه از اهل محل بآنها تسلیم کرده مراتب را در برك ابلاغنامه قید و بامضای گواه میرساند .

ماده ۹۳ ـ هرگاه اشخاص مذکور در ماده ۹۱ از گرفتن برگهای دعوی استنکاف کنند مأمور امتناع آنها را بگواهی یکنفر پاسبان یا امنیه یا دونفر گواه از اهل محل رسانیده و در همان وقت اعلامیهٔ خطاب بمدعی‌علیه مشتمل براموز زیر :

۱ ـ نام و مشخصات مدعی و مدعی علیه .

۲ ـ تاریخ روزیکه مأمور برای ابلاغ بمحل آمده .

۳ ـ استنکاف اشخاص ساکن در محل از گرفتن برگها .

٤ ـ دعوت مدعی‌علیه درمراجعه بدفترداد گاهی که رسیدگی بدعوی‌خواهد نمود برای دریافت دادخواست وپیوست‌های آن تنظیم نموده بدرب اقامتگاه مدعی علیه میچسباند و برگهای دعوی را بدفتر داد گاه عودت میدهد .

ماده ۹۴ ـ درصورتیکه هیچیك ازاشخاص مذکور درماده ۹۱ درمحل‌نباشد مأمور ابلاغ این امر را بگواهی یکنفر پاسبان یا امنیه یا دو نفر گواه ازاهل محل رسانیده وبرگهارا بدفترداد گاه عودت میدهد ونیز اعلامیه‌ای مشتمل‌برقیود ۱-۲-٤ مذکور در ماده فوق و اینکه در وقت حضور مأمور کسی درمحل نبوده است تنظیم نموده و بدرب اقامتگاه مدعی علیه میچسباند و بعلاوه آگهی در روزنامه رسمی یا یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار که وزارت‌دادگستری برای آگهی‌های رسمی در مرکز وشهرستانها معین میکند یکنوبت منتشرمیشود و درآگهی مفاد دادخواست واینکه اعلامیه‌ای بدرب اقامتگاه مدعی‌علیه چسبانیده شده درج میگردد واگر از تاریخ نشر آگهی تایکماه مدعی‌علیه برای رؤیت دادخواست بدفتر داد گاه مراجعه نکند داد خواست ابلاغ شده محسوب است ـ عدم مراجعه مدعی علیه بدفتر باید بگواهی مدیردفتربرسد مدعی میتواند درخواست‌نماید که قبل‌ازآگهی دادخواست و پیوست های آن مجدداً بمحل مدعی علیه فرستاده شود .

ماده ۹۵ ـ اگر ابلاغ دادخواست در کشور بیگانه باید بشود ومدعی‌علیه یا اشخاص مذکور در ماده ۹۱ از گرفتن برگها استنکاف کنند گواهی مأمور سیاسی یا کنسولی دائر باستنکاف مدعی‌علیه یااشخاص مزبور از گرفتن برگها برای‌احراز ابلاغ کافی است و تاریخ استنکاف از قبول برگها تاریخ ابلاغ است .

ماده ۹۶ ـ تاریخ امتناع مدعی‌علیه از گرفتن برگها درمورد ماده ۹۰ و تاریخ ابلاغ برگها باشخاص مذکور درماده ۹۱ و تاریخ چسباندن اعلامیه بدرب اقامتگاه مدعی علیه در مورد ماده ۹۳ و تاریخ انقضاء مدت یکماه ازنشر آگهی درمورد ماده ۹۴ تاریخ ابلاغ بمدعی علیه محسوب است .

ماده ۹۷ ـ مأمور ابلاغ باید مراتب زیـر را در نسخه اول و دوم ابلاغ نامه تصریح و امضاء نماید .

۱ ـ محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز و ماه و سال با تمام حروف .

۲ ـ نام کسی که دادخواست باو ابلاغ شده با تعیین اینکه چه سمتی نسبت بمدعی علیه دارد .

۳ ـ نام و معرفی گواهها در مورد مواد ۹۰ ـ ۹۲ ـ ۹۳ ـ ۹۴ ـ و ۱۰۸ .

ماده ۹۸ ـ هرگاه معلوم شود محل اقامتی را که مدعی در دادخواست معین کرده است محل اقامت مدعی علیه نبوده یا قبل از ابلاغ تغییر کرده است و مأمور هم نتوانسته محل اقامت او را پیدا کند باید این نکته را در زیر ابلاغ‌نامه قید ودر ظرف دوروز برگها را بدفتر دادگاه عودت دهد دراین‌صورت مطابق ماده ۸۵ رفتار خواهد شد مگر در مواردی که اقامتگاه مدعی علیه طبق ماده ۱۰۱۰ قانون مدنی تعیین شده باشد که در این صورت باید بترتیب مذکور در مواد ۹۱ تا ۹۴ اقدام شود .

ماده ۹۹ ـ درصورتیکه مدعی محل‌اقامت مدعی‌علیه را غیرازاقامتگاه حقیقی او معین کرده باشد مدعی‌علیه میتواند اقامتگاه حقیقی خودرا بدادگاه معرفی کند در اینصورت برگها به محلی که مدعی علیه تعیین کرده است ابلاغ خواهد شد .

ماده ۱۰۰ ـ در صورتیکه مدعی نتواند اقامتگاه مدعی‌علیه را معین کند و بر

دفتر دادگاه هم غیر معلوم باشد مفاد دادخواست و پیوست های آن بدرخواست مدعی و بدستور دادگاه سه دفعه متوالی در روزنامه رسمی و یکی دیگر از جرائد کثیرالانتشار که وزارت دادگستری در مرکز و شهرستانها برای آگهی‌های رسمی معین میکند آگهی خواهد شد و درآگهی مذکور باید ذکر شود که اگر بعد از آن ابلاغی بوسیله آگهی لازم شود فقط یك نوبت آگهی در روزنامه خواهد شد و مدت آن ده روز است - مدعی میتواند آگهی درجراید دیگر را هم درخواست کند ولی در صورتیکه ذیحق شود هزینه این آگهی‌ها را نمیتواند جزء خسارت ازمدعی علیه مطالبه کند مدعی‌علیه که اقامتگاه او معین نشده وبوسیله مطبوعات باو اعلان میشود میتواند اقامتگاه خودرا بدادگاه معرفی کند و در اینصورت برگهای دعوی و پیوست ها به‌اقامتگاهیکه معین کرده است ابلاغ خواهدشد مدعی نیز میتواند در صورتیکه بعد از آگهی در مطبوعات از اقامتگاه مدعی علیه مطلع شود درخواست ابلاغ دادخواست را باقامتگاه او بنماید .

ماده۱۰۱ ـ اگر مدعی علیه یکی از ادارات رسمی (اعم ازدولتی - بلدی یا کشوری) یابنگاه‌های عمومی باشد دادخواست وپیوست‌ها برئیس یاقائم‌مقام رئیس آن اداره ابلاغ میشود .

ماده۱۰۲ ـ دردعاوی راجعه بشرکت ها دادخواست وپیوست‌ها بمدیرشرکت یااشخاص‌دیگر که ازطرف شرکت حق‌امضاء دارند تسلیم‌میشود ودر دعاوی مربوطه بورشکسته یك‌نسخه بتوسط کارمند ناظر بمدیر تصفیه ویك‌نسخه بشخص‌ورشکسته ابلاغ میشود .

ماده۱۰۳ ـ در دعاوی راجعه باهالی محل معین اعم از ده یاشهر یابخشی از شهر که عده آنها غیر محصور است یك نسخه از دادخواست بشخص یا اشخاصی که

مدعی آنهارا معارض خود معرفی میکند ابلاغ میشود و نسخهٔ دیگر بکدخدا یا شهرداری محل تسلیم میگردد ویك نسخه دادخواست در جایگاه عمومی محل بدیوار الصاق خواهد شد بعلاوه مفاد دادخواست وپیوست های آن مطابق ماده بعد آگهی خواهد شد.

ماده۱۰۴ ـ در صورتیکه شرکاء ملك یا قنات کـه عده آنها بیش از پانزده نفر باشد طرف دعوی واقع شوند بدرخواست مدعی داد خواست بـدونفر از شرکاء که سهم آنها از دیگران بیشتر است ابلاغ میشود وبعلاوه مفاد دادخواستوپیوست های آن در روزنامه رسمی ویکیازروزنامه های کثیرالانتشار که وزارتداد گستری برای این قبیل ازآگهی ها معرفی مینمایدسه دفعه متوالی آگهی خواهد شد ودر آگهی مذکور باید ذکر شود که اگر بعد از آن ابلاغی بوسیله آگهی لازم شود فقط یکنوبت آگهی در روزنامه خواهد شد.

ماده ۱۰۵ ـ اگر مدعیعلیه درحوزهدادگاه دیگری اقامت دارددادخواست بتوسط دفتر آن دادگـاه بوسیله مأمور ابلاغ میشود و درجائی کـه دادگاه نیست توسط اداره شهربانی یاامنیه یا بخشدار یادهدار محل یا با پست سفارشی دوقبضه و درجائی که هیچیك از این وسائل نباشد بهروسیلهٔ که دادگاه مقتضی بداند وهرگاه مدعی علیه درخارج ایران باشد بوسیله وزارت امور خارجه ابلاغ خواهد شد و در صورتیکه در توقیفگاه یا در زندان باشد دادخواست ومدارك در محل نامبرده بـاو ابلاغ میشود.

ماده۱۰۶ ـ در موارد زیر مأمور ابلاغ نمیتواند متصدی امر ابلاغ شود:

۱ ـ به اشخاصیکه بامأمور قرابت سببییانسبی تادرجه سوم ازطبقه دومداشته باشند.

۲ ـ در صورتیکه بین مأمور ابلاغ ومدعی علیه دعوای مدنی ویا جزائی در دادگاه مطرح باشد ویا آنکه دعوای جزائی سابقاً مطرح بوده و در جنحه بیش از دوسال ودر جنائی بیش از پنج سال از تاریخ ختم آن نگذشته باشد .

ماده۱۰۷ ـ هریك از اصحاب دعوی یا وکلای آنها میتوانند محلی رابرای ابلاغ برگهای دعوی در شهری که مقر دادگاه است انتخاب نموده آنرا بدفتر دادگاه اعلام کنند در اینصورت کلیه برگهای راجعه بدعوی بهمحل نامبرده ابلاغ خواهد شد .

ماده۱۰۸ ـ هرگاه یکی ازطرفین دعوی محل اقامتی راکه برگهای اولیه درآن محل ابلاغ شده ویامحلی را که برای ابلاغ برگها انتخاب کرده اند تغییر دهند باید فوراً محل جدید را بامشخصات بدفتر دادگاه اطلاع دهند و مادامیکه باین ترتیب اطلاع نداده اند برگها بهمان محل سابق فرستاده میشود ودرصورتیکه کسی درمحل نباشد یااشخاصی که هستند نخواهند رسید بدهند مأمور ابلاع این نکته را با گواهی پاسبان یا امنیه یادونفر از اهل محلدرابلاغ نامه تصریح وبدفتر دادگاه عودت میدهد در اینصورت برگهای نامبرده ابلاغ شده محسوب است ودر دفتر دادگاه باقی میماند وکسیکه ابلاغ باومیبایستی بشود نمیتواند بعدم اطلاع ازآن معتذر گردد .

ماده۱۰۹ ـ در صورتیکه دادخواست و پیوست های آن مطابق مواد این مبحث ابلاغ نشود دادگاه ابلاغ را باطل مینماید مگر آنکه مدعی علیه پاسخ کتبی خودرا داده واگر ابلاغ برای حضور در جلسه باشد در آن جلسه حاضر شده باشد که در این در صورت حق اعتراض بطریق ابلاغ نخواهد داشت .

ماده۱۱۰ ـ هیچیك ازاصحاب دعوی وو کلای دادگستری نمیتوانندمسافرتهای موقتی خودرا تغییر محل اقامت حساب کرده ابلاغ برگهای دعوی مربوط بخود را

در محل نامبرده درخواست کنند و اعلام مربوط بتغییر محل اقامت وقتی پذیرفته میشود که محل اقامت مطابق ماده ۱۰۰٤ قانون مدنی حقیقتاً تغییر یافته باشد .

مبحث دوم - جریان دعوی از بعد از ابلاغ دادخواست تاتعیین جلسه

ماده۱۱۱ ـ مدعی علیه باید درظرف ده روز پس از رسید دادخواست بادعای مدعی پاسخ داده رونوشت گواهی شده کلیه اسناد ودلائل خودرا پیوست نماید ودر ضمن پاسخ کتبی دعوی جعل سند ومعاینه و درخواست تحقیق محلی و استعلام از کارشناس وهرنوع ایراد ودفاعی را که نسبت بدعوی مدعی مؤثر میداند اظهار کند ورعایت مفاد قسمت ٦ از ماده۷۲ ومواد۷٤ تا۷۸ اصول محاکمات را در پاسخ خود بنماید .

پاسخ مدعی علیه و پیوستهای آن بـاید در دونسخه ودر صورت تعدد مدعی بعدهٔ مدعیان بعلاوه یك نسخه باشد اگر پاسخ مدعی‌علیه با پیوستهای آن‌یك نسخه باشد دفتر دادگـاه رونوشت‌آنرا بعده مدعیان تهیه نموده و هزینه آنرا دو برابر از مدعی‌علیه بوسیله مأمور اجراء وصول مینماید .

ماده۱۱۲ ـ بعداز رسید پاسخ مدعی علیه مدیر دفتر باید یك نسخه ازپاسخ را با پیوستهای آن بایگانی‌ونسخه دیگررا باپیوستهای آن در ظرف دوروز بوسیله مأمور ابلاغ کند .

ماده۱۱۳ ـ مقررات راجع بابلاغ برگهای دعوی بمدعـی علیه برای ابلاغ بمدعی نیز ازهرجهت منظور میشود .

ماده۱۱٤ ـ مدعی‌باید هرپاسخی که داردمطابق‌ماده ۱۱۱ نوشته‌واگر باسناد یـا گواهی جدیدی برای پاسخ از مدافعات مدعی علیه استناد کرده است رونوشت

آن اسناد ونام گواهها را پیوست هر نسخه کرده درظرف ده روز بدفتر دادگاه تسلیم کند .

ماده۱۱۵ ـ مدیر دفتر باید درظرف دو روز پاسخ مدعی را بوسیله مأمور ابلاغ برای ابلاغ بمدعی علیه بفرستد ومشارالیه آخرین پاسخ خود را باید تاده روز بدفتر دادگاه برساند .

پاسخ آخر را مدیر دفتر برای مدعی فرستاده و در همان موقع روز و ساعت رسیدگی را معین کرده اصحاب دعوی را احضار میکند ـ قواعد احضار مانندقواعد ابلاغ است .

ماده۱۱۶ ـ اگر یکی از اصحاب دعوی پاسخ کتبی خودرا در موعد مقرره بدفتر دادگاه نرساند مدیر دفتر جلسه دادرسی را معین وبطرفین اطلاع میدهد .

ماده۱۱۷ ـ مدعی میتواند خواسته خود راکه در دادخواست تصریح کرده است زیاد کند ویانحوه دعوی یاخواسته ویادرخواست خودرا تغییر دهد مشروط بر اینکه منشأ آن همان منشأ دعوای اولی ومربوط بآن باشد ـ تغییر درخواست یازیاد کردن خواسته وتغییر آن در دعوی عادی در لایحه پاسخنامه مدعی ودر دعاوی اختصاری در جلسه اول دادرسی بعمل میآید ونیز مدعی میتواند در تمام مراحل دادرسی خواسته خودرا کم کند .

مبحث سوم ـ مواعد مخصوص

ماده۱۱۸ ـ موعد پاسخ مدعی و مدعی علیه درصورتیکه خارج از مقردادگاه باشند بترتیب زیراست :

۱ ـ هرگاه درایران باشد بنسبت هرسی وشش کیلو متر (شش فرسخ) مسافت

بین اقامتگاه او تامقر دادگاه یك روز بموعد مقرر اضافه میشود . کسر از۳٦ کیلو متر درصورتیکه کمتراز۱۸ کیلومترباشد بحساب نمیآید واگر ۱۸ کیلومتریازیاد تر باشد یکروز برای آن منظور میشود .

۲ ـ هرگاه درخارجه باشد دوماه وبرای کشورهای دور (آمریکا وخاور دور واقیانوسیه) سهماه .

ماده۱۱۹ ـ موعد پاسخ مدعی علیه در صورتیکـه اقامتگاه معینی نداشته باشد یادعوی راجع باهالی محل بعده غیر محصور یاراجع بشرکاء ملك یاقنات بیش از پانرده نفر بوده وآگهی شده باشد از روز طبع آخرین آگهی درمطبوعاتسهماه است و پس از مدت مذکور اگر ابلاغ بوسیله آگهی لازم شود مهلت آن ده روز است وابتدای این مهلت تاریخ طبع آگهی درروزنامه است .

ماده۱۲۰ ـ در صورتیکهدر یك دعوی مدعی علیه متعدد باشند طویلترین موعدی که در باره یکنفر ازآنان رعایت میشود شامل تمامآنها میباشد .

ماده۱۲۱ ـ هرگاه برگهای دعوی وپیوستها اتفاقاً درغیر اقامتگـاه مدعی علیه باو ابلاغ شود موعد پاسخ بارعایت مسافت ازمحل اقامت اومنظور میشود .

ماده۱۲۲ ـ ترتیب جریانکار دردفتر دادگاه و تعیین اوقات جلسه دادرسی وتنظیم برگهای دعوی تابع مقررات آئیننامه وزارت دادگستری خواهد بود.

فصل چهارم ـ جلسه دادرسی

ماده۱۲۳ ـ در موارد زیر مدیر دفتر باید بدون اینکـه تعیین جلسه کنند مراتب را فوراً بدادگاه اطلاع دهد :

۱ ـ وقتی که مدعی دادخواست خودرا استرداد کرده باشد .

۲ ـ درصورت سازش طرفین که سازشنامه رسمی بداد گاه رسیده باشد

۳ ـ در موردیکه مدعی علیه کاملا وصریحاً بدعوی مدعی تسلیم شده باشد

٤ ـ درصورتیکه طرفین حق حضور خودرا اسقاط کرده باشند .

دادگاه باید درظرف دوروز تکلیف کار را از حیث اینکه برای تحقیق یا استیضاح محتاج به تعیین جلسه‌است یانه معین کند .

در صورتیکه دادگاه تعیین جلسه را لازم نداند در مورد اول دادخواست را ابطال ودر مورد ثانی رسید سازش نامه وختم امررا در پرونده قید میکند ودر مورد سوم بلافاصله ودر مورد چهارم پس ازرسیدگی حکم صادر میکند .

ماده۱۲۴ ـ هرگاه یکی ازطرفین حق حضور خود را برای جلسه‌دادرسی اسقاط کرده باشد در اینصورت نیزمدیردفتر بایدفوراً وقبل از جلسه بدادگاه‌اطلاع دهد واگر دادگاه حضور کسی که‌حق حضور خود را اسقاط کرده است لازم بداند باید درظرف دوروز کتباً بمدیر دفتر اطلاع دهد .

مدیر دفتر وقت جلسه رابکسی‌که دادگاه حضور اورا لازم دانسته‌است‌صریحاً اعلام میکند که برای اداء توضیحات درجلسه دادرسی حاضر شود .

ماده۱۲۵ ـ جلسه دادرسی برای اولین روزی که دادگاه مطابق دفتر اوقاف وقت رسیدگی دارد معین میشود ولی وقت باید طوری معین شودکه فاصله‌بین‌ابلاغ وقت باصحاب دعوی وروز جلسه کمتر ازسه روز نباشد .

ماده۱۲۶ ـ در مواردیکه اقامتگاه متداعیین یایکی ازآنها درخارج ازمقر دادگاه باشد روز جلسه باید بارعایت مسافت ومدتی که عادتاً برای ابلاغ و حضور درداد گاه لازم است معین شود .

ماده۱۲۷ ـ دادگاه ها میتوانند جلسه دادرسی را بارضایت متداعیین بتأخیر اندازند.

ماده۱۲۸ ـ حاکم‌دادگاه قبل از جلسه دادرسی پرونده کاررا بررسی کرده خلاصه ازدعوی ومدافعات‌ودلائل طرفین‌ترتیب داده نکاتیرا که محتاج بتوضیح‌است یاد داشت میکند و در موقع گشایش جلسه خلاصه مزبور را برای اصحاب دعوی خوانده‌وتوضیحاتیرا که‌لازم است ازآنهامیخواهدتوضیحات ومذاکرات بطورخلاصه درصورت مجلس نوشته شده وبامضای طرفین میرسد.

ماده۱۲۹ ـ درجلسه‌دادرسی هیچگونه‌دلیل وسندجدیدی ازطرفین‌پذیرفته نمیشود.

ماده۱۳۰ ـ عدم حضور یکطرف مانع توضیحات طرف دیگری نمیباشد.

ماده۱۳۱ ـ درموارد زیر عین اظهارات اصحاب دعوی باید نوشته شود:

۱ ـ وقتیکه بیان یکی از آنها مشتمل براقرار باشد.

۲ ـ درموردی که یکی ازطرفین بخواهد از اظهارات طرف دیگر استفاده نماید.

۳ ـ در صورتیکه دادگاه بجهتی درج عین عبارت را لازم بداند.

ماده۱۳۲ ـ دادگاه درجلسه رسیدگی بطرفین تکلیف سازش میکند هرگاه سازش کردندمراتب در صورت‌مجلس نوشته‌شده بامضای‌طرفین میرسد ودرصورتیکه حاضر برای سازش نباشند دادگاه شروع برسیدگی مینماید.

ماده۱۳۳ ـ اگر دعاوی دیگری که ارتباط کامل بادعوای طرح شده دارد در همان دادگاه‌مطرح باشد دادگاه‌میتواند دعاوی نامبرده را جمع کرده بتمام‌آنها توأماً

رسیدگی نماید وهرگاه دعاوی نامبرده در شعب یك دادگاه مطرح باشد بتمام آن دعاوی توأماً دریکی از شعب به تعیین رئیس دادگاه رسیدگی خواهد شد.

در مورد این ماده وکلا ویااصحاب دعوی مکلفند ازدعاوی مربوطه دادگاه‌را مستحضر نمایند.

ماده۱۳۴ ـ دادگاه مکلفاست در پایان جلسه تکلیف دادرسی‌را درصورتیکه قضیه روشن شده باشد بااعلام صریح ختم دادرسی والا باتعیین جلسه بعد معین کند وبرای دادگاهها ممنوع است باجمال بر گذار نمایند.

در صورتیکه دعوی قابل تجزیه بوده وفقط قسمتی از آن روشن باشدداد گاه میتواند نسبت بهمان‌قسمت دادرسی را ختم کرده ونسبت بقسمت دیگر رسیدگی‌را ادامه دهد.

ماده۱۳۵ ـ بعداز اعلام‌ختم دادرسی هیچ قسم اظهار شفاهی یا کتبی‌ازطرفین پذیرفته نخواهد شد.

ماده۱۳۶ ـ جلسات دادرسی علنی است مگر در موردیکه علنی‌بودن جلسه مخل انتظامات عمومی و یا مخالف اخلاق حسنه باشد که در اینصورت دادگاه میتواند مستقلاً و یا به درخواست یکی از اصحاب دعوی و یا بدرخواست دادستان قرار غیر علنی بودن جلسه را بدهد.

ماده۱۳۷ ـ دادگاه میتوانـد نسبت باشخاصیکـه موجب اختلال نظم جلسه میشوند تا چهل و هشت ساعت حکم حبس بدهد و این‌حکم باید فوراً اجرا شود در مورد این ماده اگر مرتکب از اصحاب دعوی و یا وکلای آنها باشد مدت حبس تا پنج روز خواهد بود.

ماده۱۳۸ ـ در موارد ابلاغ دادگـاه باید قبل از اعلام ختم دادرسی عقیدهٔ

دادستان را در موضوع دعوی استماع کند.

فصل پنجم - در موارد ابلاغ

ماده ۱۳۹ – مواردیرا که دادستانها باید در دادرسی‌های مدنی و بازرگانی در دادگاههای شهرستان و استان مداخله کنند موارد ابلاغ گویند و موارد نامبرده از قرار زیر است:

۱ – دعاوی راجعه باموال ومنافع وحقوق عمومی.

۲ – دعاوی راجعه بدولت.

۳ – دعاوی راجعه بوجوه برّیه و امور خیریه که جهة عمومی داشته باشد مثل وصایای عمومی واوقاف عمومی و امثال آن.

٤ – دعاوی راجعه به محجورین و غائب مفقودالاثر.

۵ – در ایراد راجع برد دادرسهای دادگستری و درخواست اعاده دادرسی.

ماده ۱۴۰ – درسایر دعاوی نیز دادستان میتواند در هرمورد که لازم بداند بنام حفظ قانون درجلسه دادرسی اظهار نظر نماید.

ماده ۱۴۱ – در مواردابلاغ بمحض اینکه جلسه رسیدگی معین گردیدمدیر دفتر باید وقت جلسه را بدادستان اطلاع دهد – دادستان مکلف است قبل از جلسه پرونده امر را مطالبه نماید.

ماده ۱۴۲ – دادستان باید در جلسه دادرسی حاضر شده عقیده خود را در موضوع دعوی قبل از اعلام ختم دادرسی شفاهاً اظهار کند.

فصل ششم - دادرسی‌های اختصاری

ماده ۱۴۳ – در موارد مفصله زیر قواعد دادرسی اختصاری رعایت میشود:

۱ ـ دعاوی حاصله ازاجاره خانه وانبار ودکاکین وامثال آن ودعاوی راجعه باجرةالمثل اعیان مذکوره .

۲ ـ دعاوی که داخل درصلاحیت دادگاههای بخش است .

۳ ـ دعاوی بازرگانی ودعاوی راجعه بعلائم صنعتی واختراعات .

٤ ـ اختلافات راجعه باسناد سجلی .

۵ ـ دعاوی مربوط بحقوق زوجیت .

٦ ـ مطالبه نفقهٔ زوجه و اقارب .

۷ ـ منازعات واختلافات راجعه باجرای احکام و برگهای لازم الاجرای ثبت اسناد .

۸ ـ دعاوی راجعه بخسارت دادرسی درصورتیکه مستقلا اقامه شده باشد .

۹ ـ دعاوی راجعه باعسار .

ماده۱۴۴ ـ دردادرسی اختصاری همین که مدعی دادخواست خودرابا پیوستها بدفتر دادگاه تقدیم نمود مدیر دفتر دادگاه مکلف است درصورتیکه دادخواست کامل باشد بلافاصله والا پس از رفع نواقص یك نسخه از دادخواست وپیوستها را با تعیین روزوساعت جلسه دادرسی برای مدعی علیه ارسال دارد روز جلسه بایدطوری معین شود که فاصله بین ابلاغ دادخواست واحضارنامه وروز جلسه کمتراز پنجروز نباشد ـ مدت مسافت هم بموعد نامبرده اضافه میشود .

ماده۱۴۵ ـ در امور مربوط بدادگاههای بخش واموریکه فوریت دارد وقت جلسه را میتوان زودتر از موعدی که درماده قبل مقرر شده معین نمود .

ماده۱۴٦ ـ مدعی علیه باید رونوشت تمام اسنادخود را دراول جلسه‌دادرسی که حاضر میشود ابراز نماید. ودرصورتیکه مدعی علیه نتوانسته باشد بواسطه کمی مدت اسناد لازمه راحاضر کند حق‌داردتعویق جلسه را درخواست کندوهرگاه‌دادگاه

خواهش مدعی علیه را مقرون بصحت دانست جلسه دیگری معین میکند و تجدید جلسه دیگر جائز نیست مگر بتراضی طرفین .

ماده۱۴۷ ـ مدعی نیز میتواند تعویق جلسه را بخواهد ـ درصورتیکه‌مدعی علیه اقامه دلائلی کند که دفاع از آن برای مـدعی مقدور نباشد مگر بارائه اسناد جدید در این صورت برای حاضر کردن اسناد جدید جلسه دیگری معین میشود و تعویق جلسه دیگر جایز نیست مگر بتراضی طرفین .

ماده۱۴۸ نسبت بدعاوی که خواسته آن پانصد ریال یـا کمتر است طرفین دعوی میتوانند عین اسناد خود را بدادگاه تقدیم نمایند .

ماده۱۴۹ ـ هر گاه دادگاه بواسطه پیچیدگی و مشکل بودن دعوی‌مقتضی بداند میتواند تکلیف کند که هر کدام از اصحاب دعوی در برگهای کتبی اظهارات خود را بدادگاه تقدیم کند .

ماده۱۵۰ ـ درصورتیکه طرفین دعوی در موارد دادرسی اختصاری بدادرسی عادی تراضی نمایند دادگاه باید دادرسی را بطرز عادی جریان دهد .

ماده۱۵۱ ـ سایر ترتیبات دردادرسی اختصاری مثل دادرسی عادی است‌مگر آنچه را که قانون استثناءِ کرده باشد .

فصل هفتم ـ در رأی و حکم

مبحث اول ـ حکم حضوری

ماده۱۵۲ ـ پس از اعـلام ختم دادرسی هر گاه دادگاه بتواند در همان جلسه رأی میدهد والا روز وساعتی را برای اعلام رأی معین کرده ودرصورت‌جلسه‌دادرسی قید و باصحاب دعوی اعلام مینماید ـ درصورت اخیر نباید بین روزختم‌دادرسی‌وروز

اعلام رأی بیش از یکهفته فاصله شود .

ماده۱۵۳ ـ رأی دادگاه باید نوشته شده و نکات زیر در آن رعایت شود :

۱ ـ تاریخ رأی .

۲ ـ نام و نام خانواده اصحاب دعوی .

۳ ـ موضوع دعوی و درخواست اصحاب دعوی که مورد رأی است .

٤ ـ جهات و دلائل رأی و مواد استنادیه .

٥ ـ امضاء دادرس یا دادرسهای دادگاه و تصریح نام و سمت آنها .

٦ ـ تصریح باجرای موقت در صورتیکه دادگاه دراین باب رأی دهد .

ماده۱۵۴ رأی دادگاه اگر راجع بماهیت دعوی و قاطع آن جزئاً یا کلاً باشد حکم والا قرار نامیده میشود .

ماده۱۵۵ ـ دادگاه پس از امضای رأی حق تغییر آنرا ندارد .

ماده۱۵٦ ـ رأی باید درجلسه علنی دادگاه قرائت شودا گرچه جلسه دادرسی سری بوده .

ماده۱۵۷ ـ بعد از امضای رأی طرفین میتوانند آنرا در دفتر دادگاه بخوانند و از رأی و صورت مجلس و سایر برگهای پرونده رونوشت بگیرند .

ماده۱۵۸ ـ در ظرف پنجروز از تاریخ صدور حکم یا قراری که مستقلا قابل شکایت است پاکنویس آن باید تهیه شده و بامضاء دادرس دادگاه ومدیر دفتر برسد این پاکنویس دادنامه خوانده میشود .

ماده۱۵۹ ـ در دادنامه نکات زیر باید تصریح شود :

۱ ـ نام و نام خانواده و محل اقامت اصحاب دعوی

۲ ـ نام و نام خانواده وسمت کسیکه بنام متداعیین اصلی یا از طرف آنها

اقامه دعوی کرده یا طرف دعوی واقع شده‌اند.

۳ - تاریخ رأی

۴ - تعیین دادگاه صادر کننده رأی

۵ - نام دادرس یا دادرسهای دادگاه

۶ - موضوع دعوی و درخواست اصحاب دعوی

۷ - خلاصه دلائل و مستندات هریك از اصحاب دعوی

۸ - خلاصه عقیده دادستان در موارد ابلاغ

۹ - جهات و دلائل و مواد استنادیه.

۱۰ - تصریح باجرای موقت اگر مورد رأی باشد.

۱۱ - تصریح باینکه هزینه دادرسی بعهده کی است.

ماده۱۶۰ - مدیر دفتر باید فوراً پس از امضاء دادنامه بعده اصحاب دعوی رونوشت آنرا تهیه نموده و بمأمور تسلیم نماید که در موقع ابلاغ باصحاب دعوی داده شود.

ماده۱۶۱ - مدیر یا اعضاء دفتر قبل از آنکه رأی یا دادنامه بامضاءِ دادرس دادگاه برسد نباید رونوشت از آن بکسی بدهند و درصورت تخلف از این ماده مرتکب بمجازات اداری از درجه ۳ ببالا محکوم خواهد شد.

ماده۱۶۲ - هیچ حکم یا قراری را نمیتوان اجراءِ نمود مگر اینکه دادنامه یا رونوشت گواهی شده آن بطرفین یا وکیل آنان ابلاغ شده باشد.

طریقه ابلاغ دادنامه مطابق قواعدیست که برای ابلاغ دادخواست و سایر برگها مقرر است.

برای ابلاغ دادنامه ابلاغ رونوشت گواهی شده کافی است.

ماده۱۶۳ ـ هرگاه وکیل در دادرسی وکالت برای دادرسی درمرحله بالاتر نداشته باشد و یا مجاز برای وکالت در مرحله بالاتر نباشد و وکالت در تعیین‌وکیل مجاز هم نداشته و یا وکیل استعفاء کرده یا فوت شده باشد حکم یا قرار بایدبموکل ابلاغ شود و مدیر دفتر دادگاه رونوشتی ازحکم یا قرار برای‌ابلاغ بموکل‌میفرستد و ضمناً جهت ابلاغ بموکل را باو اطلاع میدهد .

همین حکم جاری است در مواردیکه وکیل توقیف شود و یا بواسطه قوه قهریه (فرس ماژور) قادر به انجام وظیفه وکالت نباشد .

مبحث دوم ـ در حکم غیابی

ماده۱۶۴ ـ اگر مدعی‌علیه در جلسه دادرسی حاضر نشود اعم از اینکه در دادرسی‌عادی لایحه دفاعیه خودرا داده یانداده‌باشد دادگاه بدرخواست مدعی جلسه دادرسی‌را تجدید ویا بقضیه رسیدگی کرده حکم میدهد واین‌حکم غیابی محسوب است مگر اینکه مدعی‌علیه حق حضور خود را ساقط کرده باشد .

ماده۱۶۵ ـ اگر مدعی در جلسه دادرسی حاضر نشود هرچند که از دادگاه درخواست عدم تعقیب را بطور موقت کرده باشد دادگاه بدرخواست مدعی علیه دادخواست را ابطال و حکم خسارت وارده براورا میدهد .

ماده۱۶۶ ـ هرگاه طرفین در جلسه دادرسی حاضر نشوند بدون اینکه درخواست‌رسیدگی غیابی کرده‌باشند یایکطرف حاضرنشده لیکن درخواست‌صدور حکم غیابی یا ابطال دادخواست نشود رسیدگی بدعوی از نوبت خارج و بآن کار رسیدگی نخواهد شد تا وقتیکه مدعی رسیدگی بدعوی را بخواهد .

ماده۱۶۷ ـ هرگاه اصحاب دعوی حق حضور خود را ساقط کرده و دادگاه

حضور هیچیك از آنها را برای توضیحات لازم نداند بدادخواست و لوایح طرفین رسیدگی کرده حکم میدهد واین حکم حضوری محسوب است ودرصورتیکه یکی از طرفین اسقاط حق حضور کرده وداد گاه توضیحات او را لازم بداند دراینصورت نیز رسیدگی کرده حکم میدهد ولی اینحکم نسبت بطرفی که حق حضورخود را ساقط کرده حضوری محسوب است .

ماده۱٦۸ ـ هرگاه طرفی که اسقاط حق حضرر خود را کرده و دادگاه توضیحات او را لازم دانسته و او را احضار کرده است حاضر نشود اگر مدعی باشد دادگاه به درخواست مدعیعلیه دادخواست او را ابطال و اگر مدعیعلیه باشد به درخواست مدعی بادله او وسیدگی و حکم میدهد ـ درصورت ابطال دادخواست دادگاه بدرخواست مدعی علیه حکم خسارت وارده برمدعیعلیه را صادر مینماید واگر هردوحاضر نشوند رسیدگی بدعوی از نوبت خارج خواهد شد .

ماده۱٦۹ ـ درمرحله رسیدگی نخستین اگر مدت یکسال از تاریخیکه رسیدگی بدعوی از نوبت خارج شده درخواست تعقیب آن نشود دادخواست باطل و مدعی میتواند بوسیله دادخواست مجدد تعقیب دعوی را بخواهد .

ماده۱۷۰ ـ در دادرسیهای عادی هرگاه مدعی علیه در یکی از جلسه های دادرسی حاضرشود رأی دادگاه حضوری محسوب است هرچنهکه مدعیعلیه درجلسه های بعد غائب باشد .

ماده۱۷۱ ـ هرگاه مدعی علیه متعدد باشند و فقط بعضی از آنها در جلسه دادگاه حاضرشده ومدعی درخواست رسیدگی نماید دادگاه نسبت بهکسیکه حاضر شدهاست بدعوی رسیدگی مینماید لیکن صدورحکم را بتأخیر انداخته ومدعیعلیه

غائب را مجدداً احضارمیکند ودراحضاریه باید تصریح شود که درصورت عدم حضور مدعی علیه درجلسه دادرسی حکم دادگاه حضوری است دراینصورت اگرمدعی علیه غائب درجلسه بعد هم حاضر نشود دادگاه رسیدگی را تکمیل نموده ونسبت بتمام مدعی علیهم حکم میدهد وحکم دادگاه حضوری محسوب است .

ماده۱۷۲ ـ هرگاه مدعی بعد ازحضور درجلسه اول دادرسی درجلسات بعد حاضر نشود مدعی‌علیه میتواند از دادگاه درخواست ابطال دادخواست یاصدور رأی نسبت بدعوی مدعی بنماید و درصورت اخیر رأی دادگاه حضوری محسوب است .

ماده۱۷۳ ـ هرگاه پس‌ازابلاغ اولین‌حکم غیابی‌مرحله نخستین بمحکوم‌علیه وانقضاء مدت اعتراض و پژوهش محکوم‌له تا شش ماه ازتاریخ انقضاءِ مدت پژوهش درخواست صدوربرگ‌اجرائیه نسبت به‌آن ننماید ویا پس‌ازصدور برگ اجرائیه تا یکسال از تاریخ صدور آن اجرای آنرا تعقیب نکند حکم غیابی ملغی‌الاثرخواهد بود ومدعی میتواند تجدید دعوی کند .

مبحث سوم ـ دراعتراض بحکم

ماده۱۷۴ ـ محکوم‌علیه غائب میتواند درظرف ده روزبحکم غیابی اعتراض کند .

ماده۱۷۵ ـ مدت مذکور در ماده قبل از تاریخ ابلاغ واقعی رونوشت حکم غیابی بمحکوم‌علیه غائب یاوکیل او بارعایت مسافت قانونی بین‌مقرداد گاه‌واقامتگاه آنها حساب میشود .

ماده۱۷۶ ـ مدت اعتراض برای اشخاصیکه در کشورهای خارجه مقیمند دو ماه و برای کشورهای دور (امریکا وخاوردور واقیانوسیه) سه ماه است .

ماده۱۷۷ ـ هر گاه‌کسی که حق اعتراض بحکم یاقرارغیابی دارد درا ثناءِ مدت اعتراض ورشکسته ـ محجور یافوت شود مدت اعتراض ازتاریخ ابلاغ حکم یا قرار غیابی بمدیر تصفیه درمورد ورشکسته و از تاریخ ابلاغ به قیم درمورد محجور و از تاریخ ابلاغ بوراث یا قائم مقام درمورد فوت محکوم علیه شروع میشود.

ماده۱۷۸ ـ اگرسمت یکی‌ازطرفین‌دعوی نمایندگی‌ازقبیل ولایت یاقیمومت ویا وصایت بوده و این سمت قبل از انقضاءِ مدت اعتراض از او زایل گردد مهلت اعتراض ازتاریخ ابلاغ حکم یاقرار بکسی که باین سمت قائم مقام اومیشود شروع خواهد شد و اگر زوال این سمت بواسطه رفع حجر باشد مدت اعتراض از تاریخ ابلاغ حکم یاقرار بکسی که از او رفع حجر شده است شروع میگردد.

ماده۱۷۹ ـ درصورتیکه اعتراض بعد ازانقضاء مدت قانونی بعمل آمده باشد دادخواست اعتراض بموجب قرار دادگاه رد میشود.

ماده۱۸۰ ـ دادخواست اعتراض و کلیه برگهای پیوست آن باید دردونسخه و درصورت تعدد طرف مقابل بعده آنها بعلاوه یك نسخه باشد.

ماده۱۸۱ ـ درموارد زیردادخواست اعتراض قبول ولی بجریان نمی‌افتد.

۱ ـ هر گاه کسیکه بعنوان وکالت از طرف محکوم‌علیه غائب دادخواست اعتراض داده وکالت نداشته است.

۲ ـ درصورتیکه مطابق قانون هزینه دادرسی داده نشده باشد.

ماده۱۸۲ ـ در موارد مذکوره فوق مدیر دفتر دادگاه در ظرف دو روز بدادخواست دهنده نواقص را کتباً اطلاع داده وازروزابلاغ پنج روزبارعایت مسافت قانونی باومهلت میدهدکه نواقص‌را رفع‌کنددرصورتیکه‌آنرا رفع ننمود دادخواست بموجب قراردادگاه ردمیشود هرگاه نقص‌دادخواست ازجهة موجود نبودن وکالتنامه

باشد درصورتیکه وکالت نامه درمدت مقرر برای رفع نقص بدفتر دادگاه برسد دادخواست قبول خواهد شد اگرچه وکالت نامه بعد از انقضای مدت اعتراض تنظیم شده باشد.

ماده۱۸۳ ـ درصورتیکه نسخه دادخواست وبرگهای پیوست بآن بعده کافی نبوده ویا رونوشت پیوست ها گواهی شده نباشد دفترداد گاه ازدادخواست و پیوست ها رونوشت گواهی شده بعده لازم تهیه میکند و هزینه تهیه رونوشت دو برابر از معترض گرفته میشود.

ماده۱۸۴ ـ مدیر دفتر در ظرف دو روز یك نسخه از دادخواست و پیوست های آنرا برای طرف مقابل میفرستد وطرف درظرف ده روز ازتاریخ ابلاغ باید در دونسخه پاسخ بدهد یك نسخه از این پاسخ باپیوست ها برای ابلاغ بمعترض ارسال ودرهمانموقع جلسه دادرسی معین وبطرفین ابلاغ میگردد ودردادرسی‌های اختصاری مدیردفتر روز و ساعت دادرسی را معین کرده و درضمن ابلاغ دادخواست و پیوست های آن وقت دادرسی را بطرفین اطلاع میدهد ـ داد گاه پس‌ازرسید گی باعتراضات مجدداً حکم میدهد.

ماده۱۸۵ ـ هرگاه محکوم علیه غائب بعد ازاعتراض برای رسید گی ثانوی حاضر نشد داد گاه غیاباً رسید گی کرده حکم میدهد ـ این حکم حضوری است.

ماده۱۸۶ ـ اعتراض محکوم علیه غائب اجرای موقت‌را توقیف نمیکند مگر اینکه دراول اعتراض یادرحین دادرسی‌ثانوی که حکم مجدد صادر نشده‌است محکوم علیه غائب توقیف اجرای موقت حکم غیابی را بخواهد ـ نسبت باین درخواست داد گاه مکلف است رسید گی کرده قبول یارد آنرا درظرف دو روز اعلام کند.

ماده۱۸۷ ـ قرارهائی که مستقلا قابل پژوهش یا فرجام است در صورتیکه

غیابی باشد بترتیبی که برای اعتراض بحکم مقرراست قابل اعتراض است .

ماده۱۸۸ ـ کسی غیرازمعترض بحکم یا قرار ازرأی دادگاه استفاده نمیکند مگر اینکه رأی دادگاه قابل تجزیه و تفکیك نباشد که در اینصورت رأی دادگاه نسبت باشخاصی هم که حکم یا قرار غیابی شامل آنها بوده و اعتراض نکردهاند سرایت خواهد نمود .

مبحث چهارم ـ در تصحیح احکام

ماده۱۸۹ ـ هرگاه درتنظیم حکم یاقرار دادگاه اشتباه درحساب یا سهوقلم یا سایر اشتباهات بینی رخ دهد مثل ازقلم افتادن یکیازاصحاب دعوی یازیاد شدن نام دادگاه صادرکننده میتواند مادام که قرار یا حکم اجرا نشده است بدرخواست اصحاب دعوی حکم یا قرار را تصحیح کند این تصحیح زیر رأی و قرار یا حکم یا دربرگ دیگری که پیوست قرار یاحکم میشود نوشته خواهد شد و دادن رونوشت حکم بدون پیوست تصحیح ممنوع است تصحیح حکم بطرفین دعوی ابلاغ ودر مواردی که اصل حکم یا قرار قابل پژوهش و فرجام است تصحیح حکم و قرار نیز درمدت مقررقانونی برای پژوهش وفرجام احکام قابل پژوهش وفرجاماست ـ حکم درقسمتی که مورد اشتباه و سهو نبوده درصورت قطعیت اجرا خواهد شد .

ماده۱۹۰ ـ هرگاه حکم مورد تصحیح بواسطه اعتراض یاپژوهش یا فرجام از بین برود حکم تصحیحی نیز از اعتبار خواهد افتاد .

مبحث پنجم ـ دراجرای موقت احکام

ماده۱۹۱ ـ اجرای موقت احکام فقط بدرخواست یکی از اصحاب دعوی میشود وآنهم مخصوص است بموارد زیر :

۱ ـ وقتی که حکم بموجب اسناد رسمی صادر شده ویا بموجب اسناد عادی که طرف اعتبار آن اسناد را اعتراف کرده .

۲ ـ وقتی که موعد اجاره منقضی شده وبموجب حکم دادگاه مستأجر محکوم برد یا تسلیم یا تخلیه عین مستأجره شده است .

۳ ـ درموقعیکه دادگاه حکم کرده است که عین خواسته ازتصرف عدوانی خارج شده و بمتصرف اول تسلیم شود .

٤ ـ وقتیکه در منازعات راجعه باجیرنمودن واجیرشدن حکم دادگاه درباب مرخصی اجیر صادر شده است .

٥ ـ درکلیه احکامیکه دردعاوی بازرگانی صادر میشود .

٦ ـ درکلیه مواردیکه اوضاع و احوال مدلل کند که بواسطه تأخیر اجرای حکم یا قرارداد گاه خسارت کلی برای محکوم‌له حاصل خواهد شد ویااینکه تأخیر باعث عدم اجرای حکم یا قرار درآتیه خواهد بود .

ماده۱۹۲ ـ شخصی که درخواست اجرای موقت میکند باید تأمین بدهد و تأمینی که از او خواسته میشود بطوری‌است که درمورد تأمین خواسته معین است .

درصورتیکه محکوم به وجه نقد باشد بعداز وصول درصندوق دادگستری توقیف میشود و محتاج به تأمین دیگر نخواهد بود .

ماده۱۹۳ ـ دادگاه میتواند درخواست اجرای موقت‌را درصورتیکه محکوم به قابل تفکیك باشد نسبت به قسمتی بپذیرد .

ماده۱۹۴ ـ درصورتیکه از اجرای موقت حکم برای محکوم علیه خسارتی وارد بیاید که نتوان مقدار آنرا معین کرد و تأمین ازمحکوم‌له گرفت درخواست اجرای موقت پذیرفته نمیشود .

ماده۱۹۵ ـ هرگاه مدعی درخواست اجرای موقت کرده و دادگاهی که رسیدگی نخستین نموده درحکم خود راجع باجرای موقت قراری ندادهباشد دیگر نمیتواند دراین باب رأی بدهد و محکوم‌له فقط از دادگاهی که مرجع رسیدگی پژوهش است اجرای موقت را میخواهد اگرچه هنوز از حکم پژوهش خواسته نشده باشد.

ماده۱۹۶ ـ دادگاه مذکور فوق درخواست محکوم‌له را بطرف ابلاغ و معجلاً رسیدگی کرده رأی میدهد بدون اینکه رسیدگی بدرخواست اجرای موقت را منوط برسیدگی بماهیت دعوی کند.

فصل هشتم ـ درامور اتفاقی

مبحث اول ـ درایرادات

ماده۱۹۷ ـ درموارد زیر مدعی‌علیه میتواند ضمن پاسخ از ماهیت دعوی ایراد کند.

۱ ـ وقتیکه دادگاه صلاحیت ذاتی نداشته باشد.

صلاحیت دادگاه شهرستان نسبت بدادگاه استان و بالعکس و دادگاههای دادگستری نسبت بمراجع غیردادگستری صلاحیت ذاتی است.

۲ ـ درصورتیکه دعوی ازجهت صلاحیت نسبی راجع بدادگاه دیگری‌است

۳ ـ درموردیکه دعوی بین همان اشخاص درهمان دادگاه یا دادگاه دیگری که ازحیث درجه باآن دادگاه مساوی است قبلا اقامه شده و تحت رسیدگی است ویا اگر همان دعوی نیست دعوائیست که با ادعای مدعی ارتباط کامل دارد.

۴ ـ درصورتیکه دعوی مشمول مرورز مان باشد.

ماده۱۹۸ ـ در موارد زیر مدعی‌علیه میتواند بدون آنکه پاسخ مدعی را بدهد ایراد کند :

۱ ـ درصورتیکه مدعی اهلیت قانونی برای اقامه دعوی نداشته باشد ازقبیل صغیر و غیر رشید و مجنون یا کسیکه ممنوع ازتصرف دراموال خود درنتیجه حکم ورشکستگی باشد .

۲ ـ وقتیکه ادعاءِ متوجه شخص مدعی‌علیه نباشد .

۳ ـ هرگاه‌کسی بعنوان نمایندگی اقامه دعوی‌کرده ازقبیل وکالت یاولایت یا قیمومیت وسمت اومحرز نباشد .

٤ ـ وقتیکه دعوی طرح شده سابقاً بین‌همان اشخاص یا اشخاصی که اصحاب دعوی قائم مقام آنها هستند رسیدگی و نسبت به آن حکم قطعی صادرشده باشد .

ماده۱۹۹ ـ مدعی نیز حق دارد نسبت بکسیکه بعنوان وکالت یا ولایت یا قیمومیت یا وصایت پاسخ دعوی را داده است در صورتیکـه سمت او محرز نباشد ایراد کند .

ماده۲۰۰ ـ درصورتیکه‌مدعی‌علیه اهلیت نداشته باشد میتواند از پاسخ در ماهیت دعوی امتناع کند .

ماده۲۰۱ ـ ایرادات در دادرسی‌های عادی باید دراولین‌لایحه‌ای‌که در پاسخ طرف داده میشود بعمل‌آید و دردادرسهای اختصاری دراولین جلسه دادرسی مگر اینکه سبب ایراد بعد حادث شود .

ماده۲۰۲ ـ درمورد فقره ۱ ماده ۱۹۷ و درکلیه موارد مذکور درماده ۱۹۸ قطع نظر از ایراد اصحاب دعوی دادگاه باید از رسیدگی امتناع نماید و درمورد

فقره ۲ ازماده ۱۹۷ درصورتی‌دادگاه ازرسیدگی امتناع مینماید که طرفین برسیدگی آن دادگاه تراضی نکرده باشند .

ماده۲۰۳ ـ دادگاه در صورت قبول ایراد مدعی‌علیه راجع بعدم صلاحیت قرار عدم صلاحیت میدهد و درمورد شق ۳ از ماده ۱۹۷ هرگاه دعوی در دادگاه دیگری تحت رسیدگی باشد از رسیدگی بدعوی امتناع کرده و پرونده امر را بدرخواست مدعی بدادگاهی که دعوی درآن مطرح است میفرستد ودرسایرموارد مذکور درماده ۱۹۷ و ماده ۱۹۸ دادگاه قرار دعوی را میدهد .

ماده۲۰۴ ـ هرگاه مدعی علیه درمورد مذکور درماده ۱۱۱ بدون ورود در ماهیت دعوی ایرادات مذکور درماده ۱۹۸ را بنماید مدیر دفتر لایحه مدعی علیه را بمدعی ابلاغ میکند که درظرف پنجروز پاسخ بدهد وپس‌ازرسید پاسخ برگهای دعوی را برای رسیدگی وصدور قرار بدادگاه میفرستد و رسیدگی بایراد درجلسه خارج از نوبت و بدون حضور طرفین بعمل میآید مگرآنکه دادگاه حضور طرفین را درجلسه رسیدگی لازم بداند .

ماده۲۰۵ ـ هرگاه قراردادگاه مبنی بررد ایراد باشد مدیردفترفوراً بمدعی علیه اخطار میکند که درظرف ده روز دفاعات خود را مطابق ماده ۱۱۱ بنماید و ضمناً تصمیم دادگاه را راجع برد ایراد بمدعی‌علیه اطلاع میدهد وپس‌ازرسید پاسخ مطابق مواد ۱۱۲ و ۱۱۵ اقدام میشود .

ماده۲۰۶ ـ درصورتیکه ایرادات با پاسخ درماهیت دعوی اظهار شده باشد رسیدگی بایراد درجلسه دادرسی بعمل میآید .

ماده۲۰۷ ـ هرگاه ایرادات مذکور در مواد ۱۹۷ و ۱۹۸ در اولین لایحه دادرسی عادی یا در اولین جلسه دادرسی اختصاری بعمل نیامده باشد دادگاه مکلف

نیست علیحده ازماهیت دعوی نسبت بآن رأی دهد وهمچنین است ایرادات دیگری که دراین مبحث ذکر نشده .

مبحث دوم - رد دادرسان

ماده۲۰۸ - دادرسان دادگستری درمواردزیر باید ازرسیدگی امتناع نمایند و اصحاب دعوی میتوانندآنها را ردکنند :

۱ - وقتیکه دادرس یا زوجه او نفع شخصی در ادعائیکه اقامه شده است داشته باشد .

۲ - وقتیکه دادرس یا زوجه او بایکی از اصحاب دعوی قرابت نسبی یاسببی تا درجه سوم ازطبقه دوم دارند .

۳ - وقتیکه دادرس قیم یکی از اصحاب دعوی یا کفیل امور او است و یا یکی ازاصحاب دعوی مباشر امور دادرس است .

٤ - وقتیکه دادرس یا زوجه او وارث یکی از اصحاب دعوی هستند .

۵ - وقتیکه دادرس با یکی از اصحاب دعوی یا اشخاصیکه با آنها قرابت نسبی یاسببی تادرجه سوم ازطبقه دوم دارند دادرسی جنائی یا جنحه‌ای داشته اند وهنوز پنجسال درصورت جنائی و دوسال درصورت جنحه‌ای از زمان صدور حکم قطعی نگذشته است .

٦ - درصورتیکه مابین دادرس ویکی از اصحاب دعوی یا زوجه او دادرسی مدنی در دادگاه دیگری مطرح است .

۷ - وقتیکه دادرس سابقاً در موضوع دعوی اقـامه شده بعنوان دادرس یا داوری یاکارشناسی یا گواهی اظهارعقیده کرده یا کتباً توصیه کرده باشد .

ماده۲۰۹ - امتناع دادرس از رسیدگی یا رد او باید منتهی تا جلسه اول رسیدگی بعمل آید مگر آنکه جهة رد دادرس درحین دادرسی حادث شود .

ماده۲۱۰ - دادرس نمیتواند در غیرموارد مذکور در ماده ۲۰۸ رد را قبول کرده یا ازرسیدگی امتناع نماید .

ماده۲۱۱ - اظهار رد ممکن است کتبی باشد یا شفاهی .

درصورتیکه اظهار رد کتبی باشد مدیر دفتر مکلف است آنرا بنظر دادرس برساند واظهار شفاهی درصورت جلسه دادگاه قید و بامضاء اظهار کننده میرسد .

ماده۲۱۲ - دادرس پس از اطلاع بایراد مکلف است در ظرف دوروز قراری صادر کند - هرگاه دادرس رد را قبول نکرد طرف میتواند درظرف ده روز بدادگاه استان شکایت کند - شکایت نامه بخود دادرس داده شده و بتوسط دفتر دادگاه باید فوراً شکایت نامه بدادگاه استان فرستاده شود .

ماده۲۱۳ - درمورد ماده قبل هرگاه دادرسی‌که درخواست رد اوشده دادرس بخش باشد شکایتنامه را برای رسیدگی بدادگاه شهرستانیکه دادگاه بخس‌درحوزه آن دادگاه واقع است میفرستد .

ماده۲۱۴ - هرگاه دادرس رد را قبول کرد یا خود او امتناع از رسیدگی نموده یا دادگاه بالاتر قرار رد او را داد رسیدگی بشعبه دیگر همین دادگاه ارجاع و اگر شعبه دیگری نباشد بکارمند علی‌البدل و اگرکارمند علی‌البدل نباشد به نزدیکترین دادگاه رجوع میشود :

ماده۲۱۵ - هرگاه دادرسی که رد خود را قبول نکند ازکارمندان دادگاه استان باشد همـان شعبه دادگاه استان باید از کارمندان سایر شعب یا کارمندان علی‌البدل دادگاه استان تکمیل و باحضور دادستان درغیاب دادرسی که درخواست

رد او شده است قرار مقتضی را بدهد . مرجع شکایت اصحاب دعوی از قرار دادگاه استان راجع برد کارمندان دادگاه استان دیوان کشور است .

ماده۲۱۶ ـ اگرقرار بررد دادرسی که کارمند دادگاه استان است صادر شود یا دادرس ازابتداء امتناع کرده یا رد را قبول نمود دادگاه استان باکارمند علی‌البدل یا کارمند شعبه دیگرتکمیل وبدعوی رسیدگی مینماید .

ماده۲۱۷ ـ هرگاه چند نفر ازکارمندان دادگاه استان رد شوند و عده باقی مانده آندادگاه وکارمندان علی‌البدل برای رسیدگی کافی نباشد امر راجع بدیوان کشور میشود .

دیوان کشور درصورتیکه درخواست رد را وارد دیدکار را بدادگاه دیگری که درهمان درجه باشد محول میکند .

مبحث سوم ـ درتأمینی که اتباع دولتهای خارجه باید بدهند

ماده۲۱۸ ـ اتباع دولتهای‌خارجه اعم ازاینکه مدعی اصلی باشند ویابعنوان شخص ثالث وارد دعوی گردند باید درصورت درخواست طرف برای تأدیه خسارتی که از بابت هزینه دادرسی وحق‌الوکاله ممکنست بآن محکوم گردند تأمین دهند درخواست نامبرده فقط از مدعی‌علیه تبعه ایران پذیرفته میشود و باید در دادرسی عادی درضمن اولین لایحه که بدادگاه داده میشود و در دادرسی اختصاری در اولین جلسه بعمل آید والا مسموع نخواهد بود .

ماده۲۱۹ ـ درموارد زیر اتباع خارجه از دادن تأمین معاف هستند .

۱ ـ درصورتیکه درخاك دولت متبوع تبعه خارجه اتباع ایران ازدادن چنین تأمینی معاف باشند .

۲ ـ در دعاوی راجعه به برات و فته طلب و چك .

۳ ـ در دعاوی متقابل .

٤ ـ دعاوی که مستند بسند رسمی است .

٥ ـ دعاویکه براثر آگهی‌های رسمی اقامه میشود از قبیل اعتراض بثبت و دعاوی برعلیه متوقف و غیره .

ماده۲۲۰ ـ هرگاه درائنای دادرسی تابعیت خارجی مدعی یا پژوهش‌خواه کشف یا تابعیت ایران از اوسلب و یا سبب معافیت از تأمین از اوزائل گردد مدعی علیه یا پژوهش خوانده ایرانی میتواند درخواست تأمین نماید .

ماده۲۲۱ ـ دادگاه راجع بدرخواست تأمین قراری داده وضمن قرار میزان تأمین را تعیین و نیز مدتی برای دادن تأمین معین مینماید وماداهی که تأمین داده نشده دادرسی‌متوقف خواهد ماند ـ درصورتیکه مدت مقرربرای دادن تأمین‌منقضی گشته ومدعی تأمین‌نداده باشد بدرخواست مدعی‌علیه درمرحله نخستین وبدرخواست پژوهش خوانده درمرحله پژوهش قرار رد دادخواست صادر میشود .

ماده۲۲۲ ـ هرگاه برداد گاه معلوم شود میزانی که برای‌تأمین‌تعیین‌گردیده کافی نیست مقدار کافی را برای تأمین تعیین میکند و درصورت امتناع مدعی یا پژوهش‌خواه از دادن تأمین نامبرده موافق ماده فوق اقدام میشود .

ماده۲۲۳ ـ قرارتأمینی که درمورد مواد قبل صادر میشود قابل پژوهش و فرجام نیست مگر باحکمی که دراصل دعوی صادر میشود .

مبحث چهارم ـ درتأمین خواسته

۱ ـ درخواست تأمین

ماده۲۲٤ ـ مدعی میتواند درضمن دادخواست یادرائناءِ دادرسی تاوقتیکه

ختم دادرسی اعلان نشده است ازدادگاه درخواست تأمین خواسته نماید .

ماده۲۲۵ ـ درخواست تأمین‌را قبل‌ازاقامه دعوی‌نیزمیتوان‌کرد بشرائط زیر:

۱ ـ دعوی مستند بسند رسمی باشد .

۲ ـ خواسته درمعرض تضییع یا تفریط باشد .

۳ ـ مدعی خساراتی راکه ممکن است برطرف مقابل وارد آید نقداً بصندوق دادگاه بپردازد و یا ضامن معتبر بدهد . تعیین میزان خسارت بنظردادگاهی است که درخواست تأمین را پذیرفته است .

ماده۲۲۶ ـ درخواست تأمین از دادگاهی میشود که صلاحیت رسیدگی بدعوی را دارد .

ماده۲۲۷ ـ درصورتیکه درخواست کننده تأمین تا ده روز بعدازصدور قرار تأمین دادخواست نسبت باصل دعوی ندهد قرار تأمین را دادگاه بدرخواست طرف مقابل ملغی مینماید .

ماده۲۲۸ ـ نسبت بطلب یا مال معینی که هنوز موعد تسلیم آن نرسیده در صورتیکه حق‌مستند بسند رسمی ودرمعرض تضییع یاتفریط باشد میتوان درخواست تأمین نمود .

ماده۲۲۹ ـ بعد از صدورحکم نیز ممکن است محکوم له درخواست تأمین محکوم به نماید هرچند حکم غیابی باشد واین درخواست از دادگاهی میشود که حکم را صادر کرده است .

ماده۲۳۰ ـ درخواست تأمین درصورتی پذیرفته میشود که میزان خواسته معلوم یا عین معین باشد .

ماده۲۳۱ ـ هرگاه دعوی رجوع بداورشده‌باشد درخواست تأمین ازدادگاهی

میشود که دعوی در آن اقامه و رجوع بداورشده است .

ماده۲۳۲ ـ قبول درخواست تأمین خواسته بنظر دادگاه است جز در موارد زیر که دادگاه مکلف بقبول درخواست است :

۱ ـ در موردی که دعوی مستند بسند رسمی یا سند عادی باشد که دارای اعتبار سند رسمی شده است .

۲ ـ درصورتیکه مدعی بردادگاه معلوم نماید که خواسته در معرض تضییع یا تفریط است ودعوی مستند بسند عادی باشد .

۳ ـ در سایر موارد که بموجب قانون مخصوص دادگاه مکلف به قبول درخواست تأمین باشد .

ماده۲۳۳ ـ درمواردی که قبول درخواست تأمین بنظر دادگاه است درصورتی دادگاه درخواست را قبول مینماید که درخواست کننده جبران خساراتیرا که ممکن است از تأمین بطرف مقابل وارد آید تأمین نماید ـ تعیین میزان خسارت مذکور بنظر دادگاه است .

ماده۲۳۴ ـ در صورتیکه درخواست تأمین کتبی باشد مدیر دفتر مکلف است درخواست نامه را فوراً بنظر دادگاه برساند و درموردیکه خواسته درمعرض تضییع یا تفریط باشد دادگاه بدون اخطار بطرف فوراً بدلائل در خواست کننده رسیدگی نموده وقرار رد یا قبول درخواست تأمین را صادر مینماید .

ماده۲۳۵ ـ در صورتیکه رسیدگی بدلائل در خواست تأمین بدون حضور مدعی‌علیه بوده‌مدعی‌علیه میتواندبقرار تأمین‌اعتراض کند ـ مدت‌اعتراض‌بعدازابلاغ ده روز است وقرار نامبرده پس‌از انقضاء مدت یا رد اعتراض اجراء میشود مگر در مواردی که خواسته در معرض تضییع یا تفریط بوده که در اینصورت رعایت انقضاء

مدت لازم نیست واعتراض مدعی علیه نیز مانع ازاجراء نخواهد بود .

ماده۲۳٦ - قرار تأمین باید بمدعی‌علیه ابلاغ وپس از آن اجراءِ شود جزدر مواردی که ابلاغ فوراً ممکن نباشد و تأخیر اجراءِ باعث تضییع یا تفریط خواسته گردد که در اینصورت قرار تأمین اجراءِ وپس از آن ابلاغ میشود .

ماده۲۳۷ - در صورتیکه موجب تأمین مرتفع گردد دادگاه بدر خواست مدعی علیه قرار رفع تأمین را خواهد داد و در صورت صدور حکم ببطلان دعوی مدعی تأمین طبعاً مرتفع میشود .

ماده۲۳۸ - قرار قبول یا رد تأمین قابل پژوهش وفرجام نیست .

ماده۲۳۹ - درصورتیکه درخواست کننده تأمین بموجب حکم نهائی محکوم ببطلان دعوی شود طرف او حق خواهد داشت خسارتی را که ازتأمین واردشده‌است مطالبه کند .

۲ - در اقسام تأمین

ماده۲٤۰ - تأمین عبارت است از توقیف اموال اعم از منقول و غیر منقول .

ماده۲٤۱ - اگر خواسته یا محکوم به عین معین و توقیف آن ممکن باشد دادگاه نمیتواند مال دیگر را بعوض آن توقیف کند .

ماده۲٤۲ - درصورتیکه خواسته یا محکوم به عین‌معین نبوده ویا عین‌معین بوده ولی توقیف آن ممکن نباشد دادگاه معادل قیمت خواسته یا محکوم به ازسایر اموال مدعی علیه یا محکوم علیه توقیف میکنند .

ماده۲٤۳ - مدعی علیه یا محکوم علیه میتواند بعوض مالی که دادگاه میخواهد آنرا توقیف کند وتا توقیف کرده است وجه نقد یا برگهای بهاداربمیزان

همان مال‌درصندوق دادگستری یا یکی‌ازبانکهای معتبرودیعه بگذارد ونیزمیتواند در خواست تبدیل مالی را که توقیف شده است بمال دیگر بنماید مشروط باینکه مالی که پیشنهاد میشود از حیث قیمت وسهولت فروش از مالی که قبلا توقیف شده است کمتر نباشد ونیز میتواند با دادن ضامن معتبر درخواست رفع توقیف نماید .

در مواردیکه عین‌خواسته یامحکوم به توقیف شده باشد تبدیل تأمین‌منوط برضایت مدعی یا محکوم له است .

ماده۲۴۴ ـ ضامنی که بموجب ماده قبل داده میشود ممکن است یك یا چند نفر باشد ودر صورت تعدد ضامن هر یك از آنها باید صریحاً قید کند که چه مقدار از خواسته را ضمانت میکند .

ماده۲۴۵ ـ ضمانت اشخاص مذکور درزیر بدون‌رضایت طرف قبول‌نمیشود:

۱ ـ مأمورین دولت وشهرداریها .

۲ ـ اشخاصیکه مصونیت از توقیف دارند .

۳ ـ وکلای دادگستری برای موکلین خود .

ماده۲۴۶ ـ درخواست‌تبدیل‌تأمین‌ازدادگاهی‌میشود که‌قرارتأمین‌راداده‌است.

ماده۲۴۷ ـ کسیکه ضامن میدهد باید ضامن را در دادگاه حاضر کرده یا ضمانت نامه‌ای که در دفتر اسناد رسمی ثبت شده است بدادگاه تقدیم کند ـ ضامن دهنده مکلف است در صورت درخواست طرف اعتبار ضامن و یاضامن‌های خود رادر دادگاه ثابت کند .

در صورتیکه یکی از بانکهای معتبر یا شرکتهای بازرگانی معتبر ضمانت کنند وامضاء ومهربانك یاشرکت‌درنظردادگاه معروف باشد حضور درداد گاه‌یاتنظیم ضمانت‌نامه رسمی لازم نیست .

ماده۲۴۸ ـ بعد از معرفی ضامن یا رسید ضمانت نامه دادگاه روزی را معین میکند که طرفین درجلسه دادگاه حاضر شده درباب پذیرفتن ضامن مذاکره نماید و این اقدام باید فوراً در جلسه فوق‌العاده و خارج از نوبت بعمل آید .

ماده۲۴۹ ـ اگر درخواست کننده تأمین یا وکیل او در روز معین حاضر نشوند دادگاه میتواند ضمانتی‌را که برای‌تأمین کلیه یا قسمتی‌ازخواسته کافی‌میداند قبول کند .

ماده۲۵۰ ـ ضمانت ضامنی که شخصاً درداد گاه حاضرمیشود درصورت‌مجلس قید و بامضای او میرسد - این‌ضمانت‌نامه اثر ضمانتی را دارد که بموجب سندرسمی بعمل آمده باشد .

ماده۲۵۱ ـ پس‌ازقطعیت حکم وصدور برگ اجرائی‌برگ نامبرده بمحکوم علیه و کسیکه برای‌تأمین خواسته یامحکوم به ضمانت کرده ابلاغ میشود وهرگاه محکوم علیه در ظرف ده روز پس ازابلاغ برگ اجرائی مفاد حکم را اجرا ننمود محکوم به از ضامن بترتیبی که برای اجرای احکام مقرر است وصول میشود .

۳ ـ توقیف اموال غیر منقول

ماده۲۵۲ ـ دفتر دادگاه مکلف است در ظرف دو روز رونوشت قرار دادگاه را در باب توقیف مال غیر منقول باداره ثبت اسناد و املاك محل وقوع ملك ارسال دارد درقرارنامبرده باید نام ونام‌خانواده وسایرمشخصات مدعی‌علیه ومیزان خواسته و نوع و سایر مشخصات ملك توقیف شده صریحاً قید گردد .

هر گاه ملك بموجب دفتر املاك بنام غیر مدعی علیه ثبت شده باشد یا آنکه غیر مدعی علیه درخواست ثبت کرده و یا مدعی علیه درخواست ثبت نموده ولی‌مورد

اعتراض دیگری واقع شده باشد اداره ثبت باید در ظرف دوروز آنرا بدفتر دادگاه اطلاع دهد.

بعد از رفع توقیف رونوشت قرار دادگاه دائر به رفع توقیف را دفتر دادگاه باداره ثبت اسناد و املاک میفرستد تا در دفتر املاک قید شود

ماده ۲۵۳ ـ توقیف اموال غیرمنقول به مجرد ابلاغ قرارداد گاه بمدعی علیه یا ثبت قرار دادگاه در اداره ثبت املاک محل حاصل میشود.

توقیف مال غیر منقول موجب توقیف محصول آن نیست.

ماده ۲۵۴ ـ توقیف محصول املاک و باغها اگر چه محصول عین خواسته باشد قبل از برداشت و تعیین سهم مدعی علیه ممنوع است مگر درمواردی که سایر دارائی منقول و غیر منقول مدعی علیه برای تأمین خواسته کفایت نکند و یا مدعی علیه بتوقیف عین محصول رضایت دهد.

درصورتیکه مدعی نتواند برای طرف دارائی دیگری ارائه دهد وبدین جهت محصول ملك یا باغ قبل از برداشت و تعیین سهم توقیف شود مدعی علیه حق دارد درخواست توقیف مال دیگر نموده یا مطابق مقررات فوق ضامن بدهد و قبول این درخواست الزامی است.

ماده ۲۵۵ ـ در مواردیکه مطابق ماده فوق ممکن است محصول توقیف شود بطریق زیر عمل خواهد شد.

اگر محصول جمع آوری شده باشد سهم مدعی علیه پس ازوضع هزینه معموله زراعتی از قبیل علوفه عوامل و بذر و هزینه تنقیه قنات و هزینه عادی رود خانه باندازه‌ای که بسهم مدعی علیه تعلق میگیرد بطوریکه برای توقیف اموال منقوله مقرر است توقیف خواهد گردید هر گاه محصول جمع آوری نشده باشد برداشت

محصول خواه دفعتاً باشد خواهد بدفعات با حضور مأمور اجرا بعمل خواهد آمد .

مأمور نامبرده حق هیچگونه مداخله در امر برداشت محصول نداشته و فقط برای تعیین میزان محصولی که جمع آوری میشود حضور پیدا خواهد کرد مدعی یا نماینده او نیز در موقع برداشت محصول حـق حضور خواهد داشت پس از برداشت هر قسمت از محصول توقیف آن مطابق مقررات فوق بعمل خواهد آمد .

ماده۲۵۶ ـ هر گاه در میزان هزینه معموله زراعتی بین مدعی علیه و طرف او در صورت حاضر نبودن طرف بین مدعی‌علیه ومأمور اجراء اختلاف باشد حداقل میزان هزینه مزبوررا موضوع وبقیه توقیف میشود تاداد گاهی که قرارتوقیف صادر کرده تصمیم قطعی اتخاذ نماید .

ماده۲۵۷ ـ درصورتیکه محصول قبلاً فروخته‌شده وبهای آن درموقع توقیف هنوزپرداخته نشده‌باشد بها نزدخریدار توقیف گردیده و اقساط آن درموقع وصول در صندوق دادگستری توقیف خواهد شد .

ماده۲۵۸ ـ هر گاه ملکی که عین مدعی به است توقیف‌شود مدعی‌علیه حق ندارد ابنیه آنرا خراب کند یا اشجار آنرا بیندازد مگر باندازه‌ای که برای حفظ ملك از خرابی لازم است .

٤ ـ توقیف اموال منقول

ماده۲۵۹ ـ توقیف اموال‌منقول بترتیبی بایدبعمل آید که درقوانین مربوطه به اجرای احکام مصرّح است .

ماده۲۶۰ ـ مهروموم کردن اموال منقول یا سپردن آن بخود مدعی‌علیه یا سپردن آن بشخص ثالث منوط بنظرداد گاه وبارضایت مدعی سپردن آن بمدعی علیه الزامی است .

ماده۲۶۱ ـ در صورتیکه اموال توقیف شده‌مهر و موم شده باشد شکستن یا محو کردن مهر ممنوع است .

ماده۲۶۲ ـ توقیف عین اموال ضایع شدنی ممنوع است ـ این اموال بفروش رسیده و بهای آن توقیف خواهد شد .

٥ ـ مقررات مشترکه و توقیف طلب

ماده۲۶۳ ـ در هر مورد که مالی اعم از منقول و غیرمنقول توقیف شود وبیم آن رود که ادامه توقیف عین مال موجب ضایع شدن مال یاتنزل بهای آن خواهد بود هر یك از طرفین حق درخواست فروش دارد ولی هر گاه طرف دیگر موافق با فروش نبوده و ضرری را که ازنفروختن مال ممکن‌است ناشی‌شود تأمین‌نماید مطابق نظر او عمل خواهد شد ـ در صورت فروش مأمور اجراءِ نظارت داشته وبهای آن در صندوق دادگستری توقیف خواهد گردید ـ مدعی نیز حق نظارت در فروش دارد .

ماده۲۶۴ ـ هر گونه نقل و انتقال نسبت به‌عین اعم از منقول یا غیرمنقول و منافع (درصورتیکه منافع توقیف شده‌باشد) ممنوع است وترتیب‌اثر برانتقال‌مزبور مادام‌که توقیف باقیست داده نخواهد شد مگر در صورت اجازه کسی که آن مال یامنافع برای حفظ حق او توقیف شده است .

ماده۲۶۵ ـ هر گاه مدعی‌علیه یاضامن او برای اجرای قرارتأمین مال متعلق بغیر را مال خود معرفی کنند و نسبت بآن مال عملیاتی‌شود مدعی مسئول خسارات وارده برصاحب مال نخواهدبود وصاحب‌مال فقط بکسیکه مال اورا مال‌خود معرفی کرده حق رجوع خواهد داشت .

ماده۲۶۶ ـ هر گاه اموال یاوجوهیکه توقیف میشود نزدشخص ثالث باشد یا

مورد توقیف طلبی باشد که مدعی علیه از شخص ثالث دارد رونوشت قرار توقیف بشخص مزبور ابلاغ و در نسخه ثانی آن رسید دریافت میشود و مراتب فوراً بمدعی علیه نیز اخطار میگردد .

ماده۲۶۷ ـ هر گاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از مال یا طلب باشد باید در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قرار توقیف مراتب را بدادگاهی که قرار را صادر کرده اطلاع دهد و الا مسئول پرداخت طلب یا تسلیم مال خواهد بود .

ماده۲۶۸ ـ هر گاه درخواست کننده تأمین ثابت نماید که درحین ابلاغ قرار توقیف بشخص ثالث مال یاطلب نزد شخص ثالث وجود داشته و برخلاف واقع منکر شده است و یا آنکه شخص ثالث از تسلیم مال یاطلبی که درنزد او توقیف شده است امتناع نماید دائره اجراء عین یامعادل مال یاطلب توقیف شده را از اموال شخصی او استیفاء خواهد کرد و در صورتیکه دسترس باموال او نباشد تا موقعی که حقوق تضییع شده طرف را جبران ننموده در توقیف خواهد ماند .

ماده۲۶۹ ـ درخواست کننده تأمین در استیفاء طلبش از مال مورد تأمین برسایر طلبکاران حق تقدم دارد .

مبحث پنجم - در ورود شخص ثالث

ماده۲۷۰ ـ هر گاه شخص ثالثی درموضوع دادرسی اصحاب دعوی اصلی برای خود مستقلا حقی قائل باشد ویا خود را ذینفع در محق شدن یکی از طرفین بداند میتواند مادام که اعلان ختم دادرسی نشده است وارد دعوی گردد اعم از اینکه دعوی در مرحله نخستین مطرح باشد و یا در مرحله پژوهش در اینصورت شخص نامبرده باید بدادگاهی که دعوی در آنجا مطرح است دادخواست داده ودردادخواست منظور

خود را صریحاً قید نماید .

ماده۲۷۱ ـ هر یك از طرفین دعوی میتواند بورود شخص ثالث در دعوی ایراد کند در اینصورت دادگاه باید قبل از رسیدگی بدعوی تکلیف ایرادمذکوررا معین نماید .

ماده۲۷۲ ـ رد یا ابطال دادخواست شخص ثالث مانع از ورود او در مرحله پژوهش نیست .

ماده۲۷۳ ـ دادخواست و سایر ترتیبات دادرسی در مورد ورود شخص ثالث درهر مرحله اعم ازنخستین یا پژوهش‌مطابق‌مقررات عمومی راجع بآن‌مرحله‌است.

مبحث ششم ـ در جلب شخص ثالث

ماده۲۷۴ ـ هر یك از اصحاب دعوی که جلب شخص ثالثی را لازم بداند میتواند بموجب دادخواست از دادگاه درخواست جلب آن شخص را بنماید اعم از اینکه دعوی در مرحله نخستین باشد یا پژوهش .

ماده۲۷۵ ـ دادخواست جلب شخص ثالث در دادرسی های عادی از مدعی تا قبل از جلسه اول دادرسی و از مدعی علیه تا موعدی که برای آخرین لایحه پاسخ نامه مقرر است پذیرفته میشود .

ماده۲۷۶ ـ در دادرسی های اختصاری هرگاه یکی از اصحاب‌دعوی‌بخواهد درخواست جلب ثالث نماید باید تا آخر جلسه اول اظهار کرده ودادخواست آنرا در ظرف سه روز پس از جلسه بدفتر دادگاه بدهد .

ماده۲۷۷ ـ محکوم علیه غیابی درصورتیکه بخواهد درخواست جلب ثالث نماید باید دادخواست جلب ثالث را با دادخواست اعتراض توأماً بدفتر دادگاه‌بدهد

و نیز معترض علیه حق دارد تا جلسه اول رسیدگی بحکم غیابی دادخواست جلب ثالث تقدیم نماید.

ماده۲۷۸ ـ دادخواست جلب شخص ثالث و رونوشت مدارك و لوایح باید بعده اطراف دعوی بعلاوه یك نسخه باشد.

ماده۲۷۹ ـ جریان دادرسی در موقع جلب شخص ثالث مانند جریان دادرسی اصلی است.

ماده۲۸۰ ـ درصورتیکه ازموقع تقدیم دادخواست تاجلسه دادرسی که‌معین شده مدت کافی برای فرستادن دادخواست و رونوشت مدارك برای اطراف دعوی نباشد مدیر دفتر با اجازه دادگاه جلسه دادرسی را تغییر داده و باطراف دعوی ابلاغ مینماید.

ماده۲۸۱ ـ شخص ثالثی که جلب میشود مدعی‌علیه محسوب و تمام مقررات راجعه بمدعی علیه درباره او جاری است.

ماده۲۸۲ ـ هرگاه شخص ثالث در موعد مقرر پاسخ نداد یا در روز جلسه حاضر نشد و طرف او درخواست رسیدگی غیابی نکرد طرفیکه خواستار جلب‌شده میتواند در حین جریان دادرسی اصلی یا پس از ختم آن با همان دادخواست که داده است رسیدگی بدعوی را مستقلا بخواهد.

ماده۲۸۳ ـ قرار رد دادخواست جلب فقط با حکم راجع باصل دعوی قابل پژوهش است و درصورتیکه قرار در مرحله پژوهش فسخ شود رسیدگی‌پس‌ازفسخ قرار با دعوای اصلی در دادگاهی که رسیدگی پژوهشی مینماید بعمل می‌آید.

مبحث هفتم ـ دعوی متقابل

ماده۲۸۴ ـ مدعی‌علیه حق دارد در مقابل ادعای مدعی اقامه دعوی کند و

چنین دعوی را در صورتیکه با دعوی اصلی ناشی از یك منشاء یا با دعوی نامبرده ارتباط کامل داشته باشد دعوی متقابل نامند و بآن دعوی در همان دادگاه با دعوی اصلی رسیدگی میشود مگراینکه دعوی متقابل ازصلاحیت ذاتی دادگاه‌خارج‌باشد

بین دو دعوی وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم درهریك‌مؤثر در دیگری باشد.

ماده۲۸۵ ـ دعوی متقابل بموجب دادخواست اقامه میشود لیکن دعوی تهاتر و صلح و فسخ و رد خواسته و امثال آن که برای دفاع از دعوی اصلی اظهار میشود دعوی متقابل محسوب نبوده و محتاج بدادخواست علیحده نیست.

ماده۲۸۶ ـ در صورتیکه ادعای مدعی علیه در مقابل دعوی مدعی متقابل نباشد بدرخواست مدعی دادگاه بآن دعوی علیحده رسیدگی میکند واگررسیدگی بدعوی ازصلاحیت ذاتی دادگاه خارج باشد عدم صلاحیت خود را در رسیدگی‌نسبت بدعوی نامبرده اعلام میدارد.

ماده۲۸۷ ـ اگر دعوی اصلی در دادگاه بخش اقامه شده و رسیدگی‌بدعوی متقابل از صلاحیت دادگاه بخش خارج باشد دادگاد بخش هر دو دعوی‌را بدادگاه شهرستان صلاحیت‌دار احاله خواهد بود.

ماده۲۸۸ ـ دادخواست دعوی متقابل در دادرسی هـای عادی باید در موقع تقدیم اولین لایحه پاسخ نامه مدعی‌علیه و در دادرسی‌های اختصاری تـا اولین جلسه دادرسی داده شود.

ماده۲۸۹ ـ در دادرسی‌های اختصاری اگرمدعی‌علیه‌دعوی‌متقابل‌رادرجلسه دادرسی‌اقامه‌نماید مدعی‌میتواند برای تهیه پاسخ وادله خود تأخیرجلسه رابخواهد.

مبحث هشتم - توقیف و تعقیب و بطلان دادرسی و استرداد دعوی

ماده ۲۹۰ - توقیف دادرسی در موارد زیر بعمل میآید :

۱ - رضایت اصحاب دعوی .

۲ - در صورتیکه یکی از اصحاب دعوی یا وکیل آنان فوت نماید یامحجور شود و یا وکیل بجهتی از دادرسی ممنوع شود .

۳ - درصورتیکه سمت یکی ازاصحاب دعوی که بآن سمت داخل در دادرسی شده بود زائل گردد .

ماده ۲۹۱ - در مورد بند دوم وسوم ماده فوق اگر دادرسی بمرحله صدور حکم رسیده باشد دادگاه میتواند بدرخواست طرف مقابل حکم بدهد .

ماده ۲۹۲ - درموقع توقیف یا زندانی‌شدن یکی‌ازاصحاب دعوی یا عزیمت بمحل مأموریت‌نظامی یامأموریت دولتی یا مسافرت‌ضروری دادرسی توقیف نمیشود ولی دادگاه مهلت کافی برای تعیین وکیل به آنان میدهد .

ماده ۲۹۳ - درصورت‌توقیف دادرسی‌دادگاه‌میتواند خواسته‌را موافق قانون تأمین نماید .

ماده ۲۹۴ - هرگاه دادرسی برضایت اصحاب دعوی توقیف شده‌باشد تعقیب آن بدرخواست کتبی یکی از آنان بعمل میآید .

ماده ۲۹۵ - تعقیب دادرسی درهمان دادگاه بعمل میآید که توقیف شده‌است

ماده ۲۹۶ - درصورتیکه دادرسی نخستین‌بدرخواست اصحاب دعوی توقیف شده و درظرف یکسال از تاریخ توقیف درخواست تعقیب‌آن نشود دادخواست باطل است و مدعی میتواند بوسیله دادخواست مجدد تعقیب دعوی را بخواهد .

ماده۲۹۷ ـ درمورد بند ۲ ازماده ۲۹۰ درصورت فوت یا حجر یا ممنوعیت وکیل دادگاه بموکل اطلاع میدهد تاحسب‌المورد خود برای دادرسی حاضر شود یا وکیل دیگر بمحکمه معرفی کند و درصورت فوت یکی از اصحاب دعوی بدرخواست طرف برگهای لازم بورثه ووصی و ولی یاقیم درصورتیکه وارث محجور باشد ابلاغ میشود ودرصورت حجر یکی‌ازاصحاب دعوی بدرخواست طرف برگهای لازم بنماینده قانونی او ابلاغ میگردد و درمورد بند ۳ ماده ۲۹۰ برگهای لازم بدرخواست طرف بکسی که بجای شخص سابق که سمت او زائل شده معین گردیده است ابلاغ میشود .

ماده۲۹۸ ـ مادام که دادرسی بمرحله صدور حکم نرسیده مدعی میتواند دعوی خود را استرداد کند در این صورت بدرخواست مدعی‌علیه بتأدیه خسارات مدعی‌علیه محکوم میشود ـ استرداد دعوی دردادرسی‌های عادی پس‌ازمبادله لوایح و دراختصاری پس‌از ختم مذاکرات طرفین درموردی ممکن است که یا مدعی‌علیه راضی باشد و یامدعی ازدعوی‌خود بکلی صرف نظر کند درصورت اخیردادگاه قرار سقوط دعوی را خواهد داد .

مبحث نهم ـ درخواست ارائه سند ازطرف

ماده۲۹۹ ـ هرگاه یکی‌ازطرفین سندی ابراز کندکه درآن‌سند بسند دیگر رجوع شده ومربوط بدادرسی باشد طرف مقابل‌حق دارد ابرازسند دیگررابخواهد .

ماده۳۰۰ ـ هرگاه سند معینی که مدرك ادعا یا اظهار یکی ازطرفین است درنزد طرف دیگر باشد بدرخواست طرف باید آن سند ابراز شود ـ هرگاه طرف مقابل بوجود سند در نزد خود اعتراف کند ولی از ابراز آن امتناع نماید دادگاه میتواند آنرا از جمله دلائل مثبته بداند .

ماده ۳۰۱ - هر گاه یکی از طرفین بدفاتر بازرگانی طرف دیگر استناد کند دفاتر نامبرده باید در دادگاه ابراز شود - در صورتیکه ابراز دفاتر در دادگاه ممکن نباشد دادگاه کارمندی را مأمور مینماید که با حضور طرفین دفاتر را معاینه و آنچه لازم است خارج نویس نماید.

هیچ بازرگانی نمی‌تواند بعذر نداشتن دفتر از ابراز و یا ارائه دفتر خود امتناع کند مگر اینکه ثابت نماید که دفتر او تلف شده یا دسترسی بآن ندارد.

ماده ۳۰۲ - هر گاه بازرگانی که بدفاتر او استناد شده است از ابراز دفاتر خود امتناع نماید و تلف یا عدم دسترسی بآنرا هم نتواند ثابت کند دادگاه میتواند آنرا از ادله مثبته اظهار طرف قرار دهد.

ماده ۳۰۳ - هر گاه ابراز تمام یا قسمتی از سند یا اظهار علنی مفاد آن در دادگاه با منافع یکی از اصحاب دعوی و یا شخص ثالثی منافی بوده و یا برخلاف نظم و یا منافع عمومی باشد دادرس دادگاه یا کارمند علی‌البدل یا مدیر دفتر بتعیین دادگاه درحضور طرف یا طرفین آن سند را معاینه و فقط آنچه را که لازم و راجع بمورد اختلاف است خارج نویس مینماید.

ماده ۳۰۴ - هر گاه سند یا اطلاعات دیگری که راجع بمورد نزاع است در ادارات دولتی یا شهرداری است دادگاه بدرخواست اصحاب دعوی نامه‌ای باداره مربوطه نوشته ارسال رونوشت سند یا اطلاع لازم را باذکر موعد درخواست میکند اداره مربوطه مکلف است فوراً درخواست دادگاه را انجام دهد مگر اینکه سند یا اطلاع مورد درخواست با منافع دولت یا شهرداری اصطکاك داشته و یا اینکه ابراز آن منافی مصالح وانتظامات عمومی باشد که دراینصورت اداره مربوطه پاسخ منفی را باید با توضیح بدادگاه بفرستد.

هرگاه تهیه رونوشت اسناد دراداارات مستلزم هزینه‌ای باشد بعهده هریك از اصحاب دعوی است که بدرخواست او دادگاه سند را ازادارات خواسته است .

ماده۳۰۵ ـ هرگاه ابرازاصل سند لازم باشد ادارات بعد ازوصول نامه دادگاه اصل اسناد را مستقیماً بخود دادگاه میفرستند ـ فرستادن دفاترامورجاریه به دادگاه لازم نیست ـ مستخرجه از آن دفاتر در صورتیکه مصدق بتصدیق اداره باشد کافی است .

ماده۳۰۶ ـ هرگاه یکی از اصحاب دعوی از بابت دعوی جنحه و جنایت ادعای خسارت نماید و رجوع بپرونده آن جنحه و جنایت لازم باشد باید پرونده نامبرده بدادگاهی که پرونده را خواسته است فرستاده شود .

ماده۳۰۷ ـ هرگاه یکی از اصحاب دعوی استناد بپرونده دعوای مدنی دیگری نماید دادگاه بدرخواست استناد کننده تصدیقی باو میدهد که رونوشت موارد استناد درمدت معینی باو داده شود و درصورت لزوم دادگاه میتواند پرونده مورد استناد را خواسته وملاحظه نماید .

ماده۳۰۸ ـ هرگاه ادارات نتوانند درموعدیکه دادگاه معین کرده‌است اسناد و اطلاعات لازمه را بدهند باید درپاسخ دادگاه بنویسند که برای چه تاریخ اسناد و اطلاعات را خواهند داد .

مبحث دهم

درخواست اصل اسنادی که طرف رونوشت آنها را ارائه داده

ماده۳۰۹ ـ هرگاه یکی از طرفین درضمن مبادله لوایح کتبی لازم دانست اصل اسناد طرف مقابل را ببینند باید تا سه روز پس از ابلاغ رونوشت سندی که

برؤیت اصل آن احتیاج است بدفتر دادگاه اطلاع بدهد و مدیر دفتر مکلف است روز پنجم پس از این اطلاع را برای ارائه سند معین کرده و بطرفین اطلاع دهد این اطلاع منتهی باید درظرف دو روزبطرفین ابلاغ شود کسی که اصل سند مورد احتیاج را باید ارائه دهد مکلف است کـه در روز معین اصل سند را بدفتر آورده از اول وقت تاآخرین ساعت اداری دفتر درآنجا بگذارد مگر اینکه از استناد بآن صرفنظر کند.

درصورتیکه یکی‌ازطرفین یاهردودرمقرداد گاه نباشند قانونی‌مسافت رعایت خواهد شد.

ماده۳۱۰ ـ هرگاه طرفیکه درخواست رؤیت اصل سند را کرده درروز معین حاضرنشده و درموعد مقرر برای پاسخ کتبی پاسخ نداد یا درخواست ارائه اصل را تکرارکرد دادگاه اورا درحکم کسی‌قرارمیدهد که درموعد مقرر‌پاسخ کتبی‌نداده.

ماده۳۱۱ ـ هرگاه کسی که باید اصل سندرا ارائه بدهد درروزمعین بترتیب فوق سند را حاضر نکرد اگرمدعی است بدرخواست مدعی‌علیه دادگاه دادخواست او را ابطال میکند وتجدید دعوی موقوف بتجدید دادخواست است واگرمدعی‌علیه است دادگاه باید بدرخواست مدعی سند مذکوررا مادام که اصل‌آن ارائه نشده‌است ازجزء دلائل‌خارج کند دراینصورت ارائه اصل‌سند فقط تا قبل ازاعلان ختم دادرسی ممکن خواهد بود.

ماده۳۱۲ ـ هرگاه درمواردیکه بموجب ماده قبل باید اصل سند را در روز معین بدفتر آورد یا برای رؤیت اصل دردفتر حاضرشد طرف در روز معین اصل را نیاورد یابرای رؤیت حاضرنشد وعذر موجهی داشت باید عذرخود را بادلائل موجه

بودن تا دو روز پس از روزی که معین شده بوده بدادگاه کتباً اطلاع دهد دادرس دادگاه باید درظرف دوروز تصمیم خودرا راجع بموجه بودن یانبودن عذراظهارنماید.

هرگاه دادگاه عذر را موجه دید باید پنجمین روز پس از تاریخ تصمیم را برای ارائه سند معین نماید مگراینکه عذرموجه طوری باشد که تا روز پنجم رفع آن ممکن نباشد دراینصورث روزیکه رفع عذررا درآن روز میتوان پیش بینی کرد دادرس دادگاه برای ارائه سند وقت معین میکند ـ مدیردفتر این وقت را درظرف دو روز بطرفین ابلاغ خواهد کرد.

ماده۳۱۳ ـ هرگاه کسی که باید سند را ارائه دهد دسترسی بآن نداشته و برای بدست آوردن آن محتاج بمهلتی باشد باید قبل ازانقضای موعد برای آوردن سند ازدادگاه استمهال کند درصورتیکه دادگاه آن استمهال را مبنی برطفره وتعلل ندید بقدر کافی مهلت خواهد داد و روز ارائه سند را بطرفین اطلاع میدهد.

ماده۳۱۴ ـ هرگاه در روز معین اصل سند دردفترحاضر نبود وموافق مواد فوق دادگاه مهلت داده و روزدیگری برای ارائه سند معین‌کردکسیکه درخواست ارائه اصل سند راکرده تا دو روز پس‌ازموعد رؤیت باید پاسخ کتبی خود را بدفتر دادگاه برساند.

فصل نهم
قواعد اختصاصی دادگاه های بخش

مبحث اول
تأمین دلیل

ماده۳۱۵ ـ درمواردیکه تحقیق محلی و استطلاع از مطلعین و استعلام از

کارشناسان و یا استفاده ازقرائن وامارات موجوده درمحل و یا استفاده ازدلائلی که درنزد طرف یا غیراست اقتضاء دارد ویا مستند دعوی دفاتربازرگانی وامثال آن‌است اشخاصیکه ظنین هستند براینکه استفاده از دلائل مذکور بعد ها متعذر یا متعسر خواهد شد میتوانند ازدادگاه درخواست تأمین آنها را بنمایند ومقصود از تأمین در این مواد رد فقط ملاحظه وصورت ثبت برداشتن اینگونه دلائل است - تأمین دلیل نسبت بدلائل موجود نزد طرف یاغیردرصورتی بعمل میآید که ازطرف آنها امتناع ومعارضه نشود .

ماده۳۱٦ - درخواست تأمین دلیل در حین دادرسی و قبل از اقامه دعوی ممکن است .

ماده۳۱۷ - درخواست تأمین دلیل راجع است بدادگاه بخشیکه موضوع تأمین درحوزه آن واقع است .

ماده۳۱۸ - دخواست تأمین دلائل چه کتبی و چه شفاهی باید حاوی نکات زیر باشد :

۱ - نام وشهرت درخواست کننده وطرف او .
۲ - ذکرموضوع دعوائی که برای اثبات آن درخواست تأمین دلیل میشود .
۳ - اوضاع و احوالیکه موجب درخواست تأمین دلیل شده است .

ماده۳۱۹ - دادگاه طرف مقابل را برای تأمین دلیل احضار میکند ولی‌عدم حضور او مانع از تأمین نیست .

درامور یکه فوریت داشته‌باشد دادگاه بدون احضارطرف اقدام بتأمین‌مینماید .

ماده۳۲۰ - تأمین دلیل را دادگاه میتواند بکارمند علی‌البدل یا مدیر دفتر رجوع نماید .

ماده۳۲۱ ـ درمواردیکه درخواست کننده تأمین دلائل طرف خود را معین نکرده باشد اجرای آن در صورتی بعمل میآید که از برای درخواست کننده ممکن نباشد طرف خود را معین نماید .

ماده۳۲۲ ـ تأمین دلائل برای حفظ آنست وبهیچوجه‌دلالت‌نمیکند براینکه دلائلیکه تأمین شده معتبر ودر دادرسی مدرك ادعای صاحب آن خواهد بود .

مبحث دوم

درتصرف عدوانی و ممانعت ازحق و رفع مزاحمت

ماده۳۲۳ ـ دعوی تصرف عدوانی‌عبارتست ازدعوی متصرف سابق که دیگری بدون رضایت اومال غیرمنقول را از تصرف اوخارج کرده ومتصرف سابق اعاده تصرف خود را نسبت بآن مال درخواست مینماید .

ماده۳۲۴ ـ دعوی ممانعت از حق عبارتست ازدعوی کسی که رفع ممانعت از حق ارتفاق یا حق انتفاع خود را درملك دیگری بخواهد .

ماده۳۲۵ ـ دعوی مزاحمت عبارتست ازدعوائی که بموجب آن متصرف مال غیرمنقول درخواست جلو گیری ازمزاحمت کسی را مینماید که نسبت بمتصرفات او مزاحم است بدون اینکه مال را ازتصرف متصرف خارج کرده باشد .

ماده۳۲٦ ـ دردعوی‌تصرف عدوانی‌مدعی باید ثابت‌کندکه مورددعوی قبل‌از خارج شدن ملك ازتصرف مدعی لااقل یکسال درتصرف اوبوده وبدون رضایت وبغیر وسیله‌قانونی‌ازتصرف‌اوخارج شده‌و بیش‌ازیکسال‌ازتاریخ تصرف‌عدوانی‌نگذشته‌است.

ماده۳۲۷ ـ دردعوی ممانعت ازحق مدعی باید ثابت‌کندکه قبل‌ازتاریخ ممانعت لااقل یکسال درآن حق‌متصرف بوده وبیش ازیکسال ازتاریخ ممانعت نگذشته است .

ماده۳۲۸ ـ دردعوی مزاحمت مدعی باید ثابت کند که لااقل یکسال مورد دعوی در تصرف او بدون مزاحمت بوده و از تاریخ ابتداءِ مزاحمت بیش از یکسال نگذشته است .

ماده۳۲۹ ـ درمورد مواد فوق مدعی میتواند ازتصرف کسیکه ملك یا حق مورد دعوی را از اوانتقال گرفته استفاده نماید .

ماده۳۳۰ ـ درمورد دعوی تصرف عدوانی و دعوی ممانعت ازحق وهمچنین در مورد دعوی مزاحمت هرگاه مدعی‌علیه ادعای مالکیت خود یاانکارمالکیت واستحقاق مدعی را نماید دادگاه وارد رسیدگی بدلائل مالکیت نمیشود و فقط در خصوص تصرف عدوانی‌وممانعت ومزاحمت تحقیق‌مینماید ودرمورد تصرف عدوانی‌مورددعوی را بتصرف متصرف اول میدهد و در مورد ممانعت حکم بعدم ممانعت از حق و درمورد مزاحمت حکم برفع مزاحمت خواهد داد و مدعی مالکیت میتواند در دادگاه صلاحیت‌دار برای اثبات مالکیت خود اقامه دعوی نماید .

ماده۳۳۱ ـ دعاوی مذکور درمواد فوق درصورتیکه مخالف با سند مالکیت باشد پذیرفته نمیشود .

ماده۳۳۲ ـ کسیکه راجع بمالکیت یااصل حق ارتفاق وانتفاع اقامه دعوی کرده است نمیشود بعنوان تصرف عدوانی وممانعت ازحق طرح دعوی نماید .

ماده۳۳۳ ـ هرگاه درملك مورد تصرف عدوانی‌متصرف پس‌ازتصرف عدوانی غرس اشجار یا احداث بنا کرده باشد اشجار و بنا درصورتی باقی میماند که متصرف عدوانی مدعی مالکیت مورد حکم تصرف عدوانی باشد و درظرف یکماه از تاریخ اجرای حکم درباب مالکیت بدادگاه صلاحیت‌دار دادخواست بدهد .

ماده ۳۳۴ ـ درصورتیکه درملك مورد حکم تصرف عدوانی زراعت شده باشد اگرموقع برداشت محصول رسیده باشد متصرف عدوانی باید محصول را باتأدیه اجرة‌المثل فوراً بردارد و درصورتیکه موقع برداشت محصول نرسیده باشد اعم از اینکه بذر روئیده شده یا نشده باشد محکوم‌له مخیر است بین اینکه قیمت زراعت را نسبت بسهم صاحب بذر و دسترنج بدهد و ملك را تصرف کند یا ملك را بتصرف متصرف عدوانی باقی بگذارد و اجرةالمثل بگیرد .

مبحث سوم
درخواست سازش

ماده ۳۳۵ ـ هر کس میتواند درمورد هرادعائی ازداد گاه بخش کتباً ویاشفاهاً درخواست نمایدکه طرف او را برای سازش احضارکند اگرچه رسید گی بآن دعوی ازصلاحیت داد گاه بخش خارج باشد .

اصحاب دعوی نیزمیتوانند متراضیاً ازدادرس داد گاه بخش درخواست کنند که بین آنها سازش دهد .

ماده ۳۳۶ ـ ترتیب احضار برای سازش همانست که برای احضار مدعی علیه مقرراست ولی دراحضاریه باید قیدگرددکه طرف برای سازش بداد گاه دعوت میشود.

ماده ۳۳۷ ـ بعد ازحضور طرفین داد گـاه اظهارات آنها را استماع نموده و تکلیف سازش و سعی در انجام آن را مینماید و درصورت عدم موفقیت به سازش تحقیقات و عدم موفقیت خود را درصورت مجلس نوشته بامضاء طرفین میرساند و هر گاه یکی ازطرفین ویا هردو طرف نخواهند امضاءِ کنند مراتب را داد گاه بخش درصورت مجلس قید میکنند .

ماده ۳۳۸ ـ درمورد ماده قبل داد گاه نباید طرفین را بیجهت معطل نماید و

همینکه مشاهده نمود که حاضر بسازش نیستند باید طرفین را بحال خود واگذار کرده و اعلام نمایدکه میتوانند دعوی خود را بدادگاهیکه صلاحیت حکم را دارد رجوع کنند .

ماده۳۳۹ ـ هر گاه بعداز ابلاغ احضاریه طرف حاضر نشد یا کتباً پاسخ داد که حاضربسازش نیست دادگاه مراتب را درصورت مجلس قیدکرده وبخواستارسازش اعلام میدارد که بدادگاهیکه صلاحیت حکم دارد رجوع کند .

ماده۳۴۰ ـ هر گاه طرف بعد از ابلاغ احضاریه حاضر شده و بعداً استنکاف ازحضور نموده دادگاه بخش مطابق ماده قبل رفتار مینماید .

ماده۳۴۱ ـ استنکاف طرف ازحضورردادگاه بخش یاعدم قبول سازش بعداز حضور درهر حالی از احوال مانع نمیشود که طرفین بهمان دادگاه یا دادگاه دیگر که صلاحیت اصلاح را دارد بطیب خاطر رجوع نموده خواستار سازش شوند .

مبحث چهارم

ترتیب اقامه دعوی و احضار متداعیین

ماده۳۴۲ ـ اصول دادرسی در دادگاههای بخش همانست که برای رسیدگی مرحله نخستین مقرراست جزدرمواردیکه قانون طریقه خاصی برای دادگاههای بخش مقرر داشته است .

ماده۳۴۳ ـ دادخواستیکه بدادگاه بخش‌داده میشود ممکن است شفاهی باشد دراینصورت مدیر دفتر یا تقریر نویس اظهارات مدعی را درصورت مجلس نوشته و بامضاء او میرساند و اگرمدعی نتواند امضاء کند اثر انگشت او زیرصورت مجلس گذاشته شده وجهت آن قید میشود .

ماده۳۴۴ ـ مدیردفترجلسه رسیدگی را معین وبطرفین اطلاع میدهد وضمناً

رونوشت دادخواست یـا صورت مجلس و همچنین رونوشت پیوستهای دادخواست را بمدعی علیه ابلاغ مینماید.

برگهای دعوی ووقت‌رسیدگی ممکنست‌بوسیله‌نامه سفارشی‌دوقبضه‌ابلاغ‌شود.

ماده۳۴۵ ـ جلسه رسیدگی باید بطوری معین شود کـه فـاصله بین ابلاغ دادخواست و احضارنامه و روز جلسه کمتر از بیست و چهار ساعت نباشد ـ مـدت مسافت هم بموعد نامبرده اضافه میشود ـ دادرس بخش باقتضاء مورد میتوانددستور دهد که وقت رسیدگی زودتر از موعد مذکور فوق معین شود.

ماده۳۴۶ ـ نسبت بدعاوی که خواسته آن پانصد ریال یا کمتر است طرفین دعوی میتوانند عین اسناد خود را بدادگاه بدهند.

ماده۳۴۷ ـ اصحاب دعوی‌میتوانند شخصاً برای دادرسی‌حاضرشوندیابیکنفر از وکلا یا کارگشایان دادگستری یا یکی از بستگانشان‌وکالت دهنددرهرصورت وکیل باید محکوم به جنحه و جنایت نباشد.

وکـالت ممکن است در جلسه دادرسی بـاظهار شفاهی موکل واقع شود در اینصورت اظهار موکل درصورت مجلس نوشته شده و بامضای او میرسد.

ماده۳۴۸ ـ دادرس دادگاه بخش باید دراولین جلسه بدواً بطرفین تکلیف و سعی نماید که دعوی را بسازش خاتمه‌دهند واگر موفق بسازش نشد داخل‌رسیدگی شود در عین رسیدگی هم دادرس دادگاه بخش باید نظرسازش را تعقیب کند واگر سازش نشد برسیدگی خود ادامه دهد.

ماده۳۴۹ ـ درصورت وقوع‌سازش دادرس‌دادگاه‌بخش موضوع‌وشرایط‌سازش را درصورت مجلس نوشته و برای طرفین میخواند و پس ازامضاءِآنها وقوع سازش را تصدیق مینماید و رونوشت صورت مجلس را بهریك از طرفین میدهد.

صورت سازش نامبرده مثل احکام دادگستری بموقع اجرا گذاشته میشود و هر دعوائیکه باینطریق خاتمه یافت درهیچیك ازدادگاهها قابل تجدیدرسیدگی نیست

ماده ۳۵۰ ـ دادرس دادگاه بخش میتواند هر گونه تحقیق یا توضیحی که برای روشن شدن قضیه لازم بداند از طرفین بخواهد .

ماده ۳۵۱ ـ اصحاب دعوی میتوانند در صورت موافقت مستقیماً در دادگاه بخش حاضر شده و دعوی خود را شفاهاً طرح نمایند دراین صورت دادرس دادگاه بخش میتواند بدون هیچ تشریفاتی فوراً رسیدگی کرده حکم بدهدو یا جلسه عادی برای رسیدگی معین نماید .

ماده ۳۵۲ ـ اگر یکی از اصحاب دعوی بخواهد گواههای خود را که در جلسه دادرسی حضور دارند معرفی کند دادگاه میتواند گواهی آنها را بدون هیچ تشریفاتی استماع نماید ودرمواردیکه حکم دادگاه قابل‌پژوهش است صورتمجلسی از اظهارات گواهها تنظیم مینماید .

فصل دهم ـ رسیدگی بدلائل

مبحث اول ـ کلیات

ماده ۳۵۳ ـ دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات دعوی یا دفاع از دعوی بآن استناد مینمایند .

ماده ۳۵۴ ـ دلائلیکه برای اثبات عقود یا ایقاعات یا تعهدات اقامه میشود تابع قوانینی است که در موقع انعقادآنها مجری بوده مگراینکه خلاف آن‌درقانون تصریح شده باشد .

تبصره ـ حکم اینماده هیچگاه مجوز قبول گواهی درمواردیکه قانون مدنی

نهی کرده نخواهد بود .

ماده۳۵۵ ـ دلائلیکه برای اثبات وقایع خارجی ازقبیل ضمانات قهری و نسب و غیره اقامه میشود تابع قانونیست که درموقع طرح دعوی مجری میباشد .

ماده۳۵۶ ـ اصل برائت است بنابراین اگرکسی مدعی حق یادینی بردیگری باشد باید آنرا اثبات کند والا مطابق این اصل حکم ببرائت مدعی علیه خواهد شد.

ماده۳۵۷ درصورتیکه حق یـا دینی بر عهده کسی ثابت شد اصل بقـاء آن است مگر اینکه خلافش ثابت شود .

ماده۳۵۸ ـ هیچ دادگاهی نبـاید برای اصحـاب دعوی تحصیل دلیل کند بلکه فقط بدلائلی کـه اصحاب دعوی تقدیم یـا اظهار کردهاند رسیدگی می کند تحقیقاتی که دادگاه برای کشف امری در خلال دادرسی لازم بداند از معاینه محل و تحقیق از گواه ها و مسجلین اسناد و ملاحظه پرونده مربوط به دادرسی و امثال اینها تحصیل دلیل نیست .

ماده۳۵۹ ـ رسیدگی بدلائل درصورتیکه صحت آن بین طرفین مورداختلاف باشد بدرخواست یکی از طرفین یا بنظر دادگاه بعمل میآید .

ماده۳۶۰ ـ رسیدگی بدلائل درجلسه دادرسی بعمل میآید باستثنای مواردیکه موافق قانون رسیدگی را میتوان بیکی ازکارمندان اصلی دادگاه یا کارمندعلی البدل محول کرد .

ماده۳۶۱ ـ تاریخ و محل رسیدگی بطرفین اطلاع داده میشود و طرفین میتوانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل بفرستند .

ماده۳۶۲ ـ عدم حضور اصحاب دعوی پس ازاطلاع مانع از اجراء تحقیقات و رسیدگی نمیشود مگرآنکه حضور آنان را دردادگاه ویا کسیکه ازطرف دادگاه

مأمور است برای تشخیص و یا تصدیق موضوعی که تحت رسیدگی است لازم بداند.

ماده۳۶۳ - تحقیقات درصورت مجلس نوشته شده و بامضاء اصحاب دعوی یا وکلاءِ آنان که حضور داشته‌اند میرسد.

ماده۳۶۴ - هر گاه موضوع تحقیقات درمقر دادگاه دیگری واقعست‌دادگاه میتواند رونوشت قرار را بدادگاهی که موضوع تحقیقات درمقر آن‌واقعست‌بفرستد بعد از وصول رونوشت قرارداد دادگاه مکلف است که تحقیقات لازمه بعمل آورده صورت مجلس تحقیقات را بدادگاهیکه مشغول رسیدگی بدعوی است بفرستند.

مبحث دوم - راجع باقرار

ماده۳۶۵ - هر گاه کسی اقرار بامری نماید که دلیل حقانیت طرف است خواستن دلیل دیگر برای ثبوت آن حق لازم نیست.

ماده۳۶۶ - اقرار اگر در حین مذاکره در دادگاه یا در یکی از لوایحیکه بدادگاه داده شده است بعمل آید اقرار در دادگاه والا اقرار در خارج از دادگاه میباشد.

ماده۳۶۷ - اقرار کتبی است درصورتیکه در یکی از اسناد یا لوایحی که بدادگاه داده‌شده است اظهار شده باشد و شفاهی است در صورتیکه در حین مذاکره در دادگاه بعمل آید.

در اقرار شفاهی طرفیکه میخواهد از اقرار طرف دیگر استفاده نماید باید از دادگاه بخواهد که اقرار در صورت مجلس قید شود.

ماده۳۶۸ - اقرار وکیل بنحوی که قاطع دعوی باشد درصورتی معتبر است

که در وکالتنامه او تصریح در اقرار شده باشد .

ماده ۳۶۹ ـ ادعای اقرار وکیل درخارج ازداد گاه قابل استماع نخواهدبود.

مبحث سوم - در اسناد

۱ - مواد عمومی

ماده ۳۷۰ ـ رسید گی بمحاسبه و دفاتر در داد گاه بعمل میآید و ممکن است درمحلی که اسناد کتبی در آنجاست بعمل آید و درهرصورت داد گاه میتواند رسیدگی را بیکی از کارمندان اصلی داد گاه یا کارمند علی‌البدل محول نماید .

ماده ۳۷۱ ـ موعد رسید گی بطرفین اطلاع داده میشود که هر گاه بخواهند حاضر باشند .

ماده ۳۷۲ ـ بعد از ختم هر جلسه تحقیقات صورت مجلسی ترتیب داده شده و موارد اختلاف در آن تصریح میشود .

ماده ۳۷۳ ـ داد گاه درصورت احتیاج میتواند رسید گی بمحاسبه را بکارشناس رجوع کند .

ماده ۳۷۴ ـ اسنادی که درداد گاه ابراز میشود ممکن است بنفع طرف مقابل دلیل باشد در اینصورت هر گاه طرف مقابل بآن استناد نماید ابراز کننده سند حق ندارد آنرا پس بگیرد ویا از داد گاه درخواست نماید که سند او را کان‌لم‌یکن فرض نماید .

ماده ۳۷۵ ـ داد گاه میتواند بمفاد اسنادیکه صدور آن از کسی که سند باو نسبت داده شده محرز باشد بدون دلیل ترتیب اثر ندهد .

۲ - انکار و تردید نسبت بسند

ماده ۳۷۶ ـ کسی که برعلیه او سند غیر رسمی ابراز میشود میتواند خط

یا مهر و یا امضای منتسب بخود را انکار کند و اگر سند منتسب بمدعی علیه نباشد میتواند تردید کند .

ماده ۳۷۷ ـ اظهار تردید یا انکار باید دراولین پاسخی که ازسند داده میشود بعمل آید .

ماده ۳۷۸ ـ درمقابل تردید یا انکارهر گاه صاحب سند سند خودرا استرداد نمود دادگاه باستناد و دلائل دیگر رجوع میکند ـ استرداد سند دلیل بر بطلان آن نخواهدبود هر گاه صاحب سند سند خودرا استرداد نکرد وسند موثر دردعوی باشد باعتبار آن سند رسیدگی میشود .

۳ ـ ادعای جعلیت

ماده ۳۷۹ ـ ادعای جعلیت اسنادرا درتمام مراحل نخستین وپژوهش میتوان نمود ـ هر گاه در حین جلسه این اظهار بشود درصورت مجلس دادگاه قید وبامضاء اظهار کننده میرسد .

ماده ۳۸۰ ـ نسخه ثانی اعلامنامه مدعی جعلیت یا رونوشت صورت مجلس بطرف‌مقابل یا وکیل او درصورتیکه وکیل وکالت درپاسخ دعوی جعل داشته‌باشد ابلاغ میشود و اومکلف است درظرف ده روز صراحتاً پاسخ بدهد که سند را مسترد میدارد یا باستفاده ازآن باقی است (استرداد سند دلیل برجعلیت آن نیست) .

ماده ۳۸۱ ـ هر گاه صاحب سند سند را استرداد نمود و یا در موعد مقرر پاسخی نداد دادگاه آنرا از عداد دلائل خارج کرده بسایر دلائل رسیدگی میکند ودرصورتیکه بااستفاده از سند باقی‌باشد مدیر دفتر دادگاه در ظرف دو روز بمدعی جعلیت اعلام‌میکند که درظرف ده روز دلائل جعل‌را کتباً بعده طرف دعوی بعلاوه

یك نسخه بدادگاه تقدیم دارد .

ماده۳۸۲ ـ دادگاه پس از وصول دلائل جعل درصورتیکه رسیدگی بدعوی جعل را مؤثر بداند قرار رسیدگی بادعای جعل را صادر مینماید .

مدیر دفتر درظرف دو روز قرارداد گاه را بطرفین ابلاغ و یك نسخه از دلائل جعل را برای صاحب سند میفرستد وباواخطارمیکند که درظرف ده روز کتباً پاسخ بدهد و پس از وصول پاسخ مدیر دفتر وقت رسیدگی بدعوی جعل را معین کرده بطرفین ابلاغ میکند .

ماده۳۸۳ ـ صاحب سند اصل سندی را که موضوع ادعا جعلیت است باید همان وقتیکه استفاده ازسند را اطلاع میدهد بدفتر دادگاه بسپارد والادادگاه میتواند بدرخواست مدعی جعلیت سند مذکور را از جزء دلائل طرف خارج نماید پس از رسید سند بدفتر دادگاه مدیر دفتر آنرا بنظر رئیس دادگاه رسانیده ودادگاه فوراً آنرا مهروموم مینماید .

ماده۳۸۴ ـ هرگاه مدعی جعل در موعد مقرر دلائل دعوی جعل را ندهد دعوی جعل بی‌اثرمیشود واگرطرف نسبت بدلائل جعل پاسخ ندهد برای رسیدگی بدعوی جعل تعیین وقت میگردد .

ماده۳۸۵ ـ دادگاه پس از رسیدگی قرار لازم درباب عدم جعلیت ویاجعلیت سند داده ودرصورت اخیر سند مجعول را ازعداد دلائل صاحب سند خارج مینماید .

ماده۳۸۶ ـ هرگاه دادگاه مدنی قرارجعلیت سندی را داد مکلف است مراتب را بدادستان اطلاع دهد .

ماده۳۸۷ ـ درقراریکه دادگاه درباب جعلیت اسناد میدهد باید تکلیف اسناد ونوشتجات راجعه بادعای جعلیت را معین نماید .

هر گاه وجود اسناد و نوشتجات راجعه بدوی جعل دردفترخانه دادگاه دیگر لزومی نداشته باشد دادگاه قراراعاده آن اسناد ونوشتجات را بصاحبان آنها ازاصحاب دعوی ومطلعین وغیره میدهد واسنادی که ادعای جعلیت نسبت بآنها شده ولی قرار جعلیت نسبت بآن صادر نشده است نیز بصاحبان آنها رد میشود وهمچنین اسنادی که از ادارات خواسته شده و یا در یکی از بنگاههای عمومی امانت بوده بخود آنها مسترد میگردد .

ماده۳۸۸ ـ وقتی که دادگاه قرار جعلیت داد باید درهمان قرار تکلیف سند مجعول را معین کند که باید آنرا از بین برد یا قسمت مجعول را در روی سند ابطال کرده یاکلماتی را که محو کرده یا تغییرداده‌اند در روی سند اصلاح نمود ـ اجرای قرار دادگاه راجع بتکلیف سند منوط بقطعی شدن حکم دادگاه در ماهیت دعوی و گذشتن مدت فرجام یا ابرام حکم است وبتوسط دادگاهی که آخرین حکم قطعی را صادر کرده باحضور دادستان بعمل خواهد آمد .

ماده۳۸۹ ـ هیچیك از کارمندان دفتری حق ندارند از اسناد و نوشتجاتی که نسبت بآنها دعوی جعل شده مادام که قرار اصالت صادر نشده‌است رونوشت باشخاص بدهند مگر باجازه دادگاه که دراینصورت نیز باید درحاشیه رونوشت تصریح شود که نسبت بسند دعوی جعل شده است .

متخلف از سه ماه الی یکسال ازشغل دولتی منفصل خواهد شد .

ماده ۳۹۰ ـ در موردیکه مدعی جعل شخص معینی را که درحال حیاتست بساختن سند متهم نماید وتعقیب اوممکن و رسیدگی بسند دراصل دعوی مؤثر باشد دادگاه مدنی سند نامبرده را با برگهای راجعه بدعوی جعل نزد دادستان میفرستد و دراینصورت هر گاه رسیدگی باتهام مذکور بجهتی ازجهات غیرقابل تعقیب تشخیص

گردید دادگاه مدنی بدعوی جعل رسیدگی میکند .

ماده ۳۹۱ ـ در موردی که امر بدادگاه جزاءِ مراجعه شده باشد خواه قبل از اقامه دعوی مدنی یا بعداز آن هرگاه دادگاه حکم بجعلیت یا اصالت سند داد آن حکم درداد گاه مدنی متبع خواهد بود .

درصورتیکه دادگاهجزاء معترض جعلیت یا اصالت سندنشدهیا احرازجعلیت آنرا ننموده دادگاه مدنی بدعوی‌جعل رسیدگی مینماید وبرهر تقدیر رأی‌دادگاه مدنی درخصوص اعتبار سند منافی نیست با اینکه مدعی جعل در صورتیکه جاعل در حال حیات و قابل تعقیب باشد دعوی خود را مستقیماً در مراجع جزائی اقامه نماید و اگر حکمی از دادگاه جزاءِ بر مجعولیت سند بر خلاف رأی دادگاه مدنی صادر شود مستند اعاده دادرسی در دادگاه مدنی خواهد گردید .

ماده ۳۹۲ ـ دادگاه مدنی پس از ارجاع امربدادستان رسیدگی بکارراتوقیف نموده منتظر ختم عمل جنائی میشودویا بدرخواست‌یکی از اصحاب دعوی‌رسیدگی بکار را تا اندازه‌ای که مربوط بسند متنازع فیه و ادعاء جعلیت نیست دنبال کرده و باتمام میرساند .

٤ ـ رسیدگی بصحت سند درمورد انکار وتردید و ادعای جعلیت

ماده ۳۹۳ ـ رسیدگی باعتبار سند درمورد انکار وتردید و دعوی جعل بقرار زیر است :

۱ ـ تطبیق مفاد سند با اسناد ودلائل دیگر .

۲ ـ تحقیق از گواه و مطلعین که از اطلاعات آنها بتوان صحت یا عدم صحت سند را تشخیص داد .

۳ - مطابقه خط وامضاءسند متنازع فیه باخط وامضای اسنادی که اصالتشان ثابت‌ومعتبر است ودقت درخط وامضاء ومهر سند ازحیث تراشیدگی وامثال آن .

ماده۳۹۴ - در موردتطبیق سند یا مفاد اسناد دیگر باید اسنادی را انتخاب نمود که صحت مفاد آن ثابت یامورد اعتراف طرف مقابل باشد .

ماده۳۹۵ - گواههائی که در سند گواهی نوشته ویا اشخاصی که نوشته‌شدن سند متنازع فیه یاامضاءِومهر شدن سندرا دیده اند وهمچنین اشخاصی که‌ازاطلاعات آنها میتوان کشف حقیقت نمود احضار شده و پس از التزام آنها بصحت گـواهی اظهاراتشان استماع میشود .

ماده۳۹۶ - درمورد تطبیق خط وامضاء یا مهر نوشتجاتی اساس تطبیق قرار داده میشود که طرفین در انتخاب آنها موافق باشند ودر صورت عدم توافق طرفین نوشتجات زیر اساس تطبیق قرار داده میشود .

۱ - خط یا امضاء یا مهر زیر اسناد رسمی یا دفتر اسناد رسمی .

۲ - خط یا امضاءِ یامهری که در اوراق راجعه‌بدعاوی درحضور دادگاه‌نوشته یا امضاء یا مهر شده باشد .

۳ - خطوط یا امضاء اشخاص رسمی در نوشتجات رسمی .

٤ - اسناد عادی که قبلا بصحت خط یا امضاءِ یا مهرآن اعتراف شده باشد .

در صورتیکه یکقسمت ازسند مورد اختلاف وقسمت دیگرآن از حیث‌خط مسلم باشد دادگاه میتواند همان قسمت را اساس تطبیق قرار دهد .

ماده۳۹۷ - خط ومهر ویا امضاء اسناد عادی‌را که انکاریا تردید یا نسبت‌بآن ادعاءِ جعل شده باشد نمی‌توان اساس تطبیق قرار داد هرچند که صحت‌آن در نتیجه تطبیق معلوم شده باشد .

ماده ۳۹۸ - اگر کسی که خط یا امضاء سند باو نسبت داده شده درحال حیات باشد ممکن است اورا برای استکتاب احضار نمود - عدم حضور یا امتناع از کتابت بدون عذر موجه را در اینمورد دادگاه میتواند قرینه صحت سند قرار دهد .

ماده ۳۹۹ - اگر برگهاونوشتجاتی که باید اساس تطبیق واقع شود دریکی از ادارات باشد باید برگهای مذکور را بمحل تطبیق بیاورند - ادارات بقید مسئولیت مکلفند که امر دادگاه‌را دراین باب مجری دارند مگر اینکه ابراز برگهاونوشتجات نامبرده بامنافع دولت یا شهرداری اصطکاك داشته ویا اینکه منافی مصالح انتظامات عمومی باشد که دراینصورت اداره مربوطه پاسخ منفی‌را باید باتوضیح دادگاه‌بفرستد.

ماده ۴۰۰ - اگر آوردن برگهای مذکور بمحل تطبیق ممکن نباشد ویادارنده آنها در شهر یا محل دیگری اقامت داشته باشد دادگاه میتواند قرار دهد در محلی که نوشتجات وبرگهای مذکور در آنجا واقع است تطبیق بعمل آید .

ماده ۴۰۱ - تدقیق در سند و تطبیق خط و امضاء یا مهر سند را در صورت ضرورت بیك یا چند نفر بعده طاق از کارشناسان که به تراضی طرفین یا در صورت عدم تراضی بقرعه معین شده اند دادگاه ارجاع مینماید .

ماده ۴۰۲ - هر گاه تراشیدگی و امثال آن در سند باشد در صورت جلسه تحقیقات قید وبامضاءِ طرفین میرسد .

ماده ۴۰۳ - در صورتیکه اجرای تحقیقات راجعه‌بسندازطرف‌دادگاه‌بیکی‌از کارمندان‌اصلی‌علی‌البدل دادگاه رجوع‌شده باشد پس‌از ختم تحقیقات مأموردادگاه گزارشی متضمن مراتب رسیدگی واطلاعات کارشناس بدادگاه تقدیم میدارد .

ماده ۴۰۴ - گزارش مذکور در ماده فوق و همچنین صورت تحقیقات در

صورتیکه تحقیقات بعمل آمده باشد درجلسه دادرسی خوانده شده و پس ازمذاکرات طرفین دادگاه قراری درخصوص اعتبار سند متنازع فیه یا عدم اعتبار آن میدهد.

ماده۴۰۵ - درموردانکار دادگاه درضمن قرارصحت سندانکار کننده رابتأدیه جریمه‌ای که کمتر ازپنجاه ریال و بیش از پانصد ریال نباشد محکوم مینماید و در مورد ادعای جعل اعم از اینکه جاعل معین شده یا نشده باشد هر گاه مدعی جعل نتوانست مجعولیت سند را ثابت نماید بتأدیه جریمه ای که کمتر از صد ریال وبیش از هزار ریال نباشدمحکوم میشود.

جریمه پس از قطعی شدن و گذشتن مدت فرجام یا ابرام حکمی که دراصل دعوی‌صادر ومستند بسند مورد انکار یا دعوی جعل‌است بتوسط دادگاهی که حکم بتأدیه جریمه داده وصول خواهد شد.

مبحث چهارم - در گواهی

ماده۴۰۶ - درمواردیکه مطابق قانون مدنی گواهی مثبت دعوی یا مؤثردر اثبات دعوی است مطابق مواد زیر رفتار میشود:

ماده۴۰۷ - هریك از طرفین دعوی که متمسك بگواهی گواه شده اند باید گواههای خود را در موقعی که دادگاه معین کرده حاضر نمایند ودرصورت اقتضاء دادگاه گواهها را بدرخواست اصحاب دعوی یا یکی از آنها احضار میکند.

ماده۴۰۸ - درابلاغ احضاریه مقرراتی که برای ابلاغ دادخواست معین‌است رعایت خواهد شد.

احضاریه باید لااقل یك‌روز قبل‌از روزجلسه وبارعایت مدت مسافت‌به گواهها ابلاغ گردد.

ماده۴۰۹ - هر گواهی که مطابق‌قانون احضار شده ولی در روز جلسه‌حاضر

نشود مجدداً احضار خواهد شد و اگر در دفعه دوم حاضر نگردید دادگاه میتواند او را جلب نماید.

ماده ۴۱۰ - درصورت معذور بودن گواه از حضور در دادگاه و همچنین در مواردیکه دادگاه مقتضی بداند میتواند گواهی گواه را در منزل یا محل کار او و یا در محل نزاع بتوسط یکی از کارمندان خود استماع کند.

ماده ۴۱۱ - در صورتیکه گواه در مقر دادگاه دیگری اقامت داشته باشد دادگاه میتواند از دادگاه محل توقف او بخواهد که گواهی او را استماع کند.

ماده ۴۱۲ - گواهی استماع نمیشود مگر از اشخاصیکه مطابق قانون مدنی اهلیت اداء گواهی داشته باشند.

ماده ۴۱۳ - در موارد زیر نیز اصحاب دعوی میتوانند گواههارا جرح نمایند:

۱ - درصورتیکه بین گواه و یکی از اصحاب دعوی قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوم باشد.

۲ - در صورتیکه بین گواه ویکی‌ازاصحاب دعوی سمت خادم ومخدومی‌باشد.

۳ - درصورتیکه بین گواه و کسیکه گواهی بر ضرر او داده میشود دعوی مدنی یا جزائی فعلا مطرح باشد و یادعوی جزائی سابقاً مطرح‌بوده وهنوزپنجسال درصورت جنائی و دو سال در صورت جنحه از صدور حکم قطعی نگذشته است.

ماده ۴۱۴ - طرفی که میخواهد گواه را جرح نماید باید آنرا قبل از اداء گواهی اظهار دارد مگر اینکه ثابت نماید که ازعلت جرح بعداً مسبوق شده‌است.

ماده ۴۱۵ - درصورتیکه علت جرح مورد تصدیق گواه یا کسی که بنفع او گواهی داده میشود واقع شودیا بردادگاه معلوم گردد گواه ملزم بگواهی نخواهد

شد و هر گاه برای اظهار اطلاع حاضر شود بدون احتیاج بسوگند فقط برای مزید اطلاع اظهارات او استماع میگردد .

ماده۴۱۶ ـ اگر نسبت بقانونی بودن علت جرح گواه اعتراض شود گواهی آن گواه با قید سوگند استماع میشود لیکن دادگاه باید در حکمی که راجع باصل دعوی میدهد تصمیم خود را برد یا قبول جرح اظهار نماید .

ماده۴۱۷ ـ دادگاه گواهی هر گواه را بدون حضور گواههائیکه گواهی نداده‌اند استماع میکند و بعد از اداء گواهی میتواند از گواهها مجتمعاً تحقیق نماید .

ماده۴۱۸ ـ گواهها قبل از اداء گواهی نام و شغل و سن ومحل اقامت خودرا اظهار وسوگند یادمیکنند که تمام حقیقت رابگویند وغیرازحقیقت چیزی نگویند و هر گاه گواهها قرابت نسبی یاسببی با یکی از اصحاب دعوی داشته باشندنیز اظهار داشته و درجه قرابت خود را معین میکنند و همچنین اگر خادم یا مخدوم یکی از اصحاب دعوی باشند اعلام میدارند .

ماده۴۱۹ ـ دادرس دادگاه قبل از اداء گواهی مجازاتی که برای گواه کاذب مقرر است بگواه خاطر نشان مینماید .

ماده۴۲۰ ـ دادگاه میتواند در موقع اداء گواهی یکی از گواهها باصحاب دعوی یا یکی از آنها امر بکند که از دادگاه خارج شود برای اینکه آزادی گواه بهتر تأمین شود دراینصورت بعد از اداء گواهی دادگاه شخص یا اشخاص خارج‌شده را بر گردانده و از گواهی که در غیاب آنها اداءِ شده آگاه میسازد .

ماده۴۲۱ ـ هیچیك از اصحاب دعوی نباید اظهارات گواه را قطع کنندوپس از اداء گواهی‌میتوانند سئوالاتی توسط دادگاه از گواه بنمایند ودادرس نیزمیتواند هرسئوالی راکه برای کشف حقیقت و مبانی گواهی لازم بداند از گواهها بنماید .

ماده۴۲۲ ــ اگر یکی از اصحاب دعوی از گواه سئوالی نماید کــه مربوط بدعوی نباشد دادگاه از آن جلوگیری خواهد نمود .

ماده۴۲۳ ــ بیانات گواه باید عیناً درصورت مجلس قید وبامضاء اوبرسدواگر گواه نخواهد و یا نتواند امضاءِ کند مراتب در صورت مجلس قید خواهد شد .

ماده۴۲۴ ــ تشخیص درجه ارزش و تأثیر گواهی بنظر دادگاه است .

ماده۴۲۵ ــ هرگاه گواه برای حضور درداد گاه درخواست هزینهآمدورفت و جبران خسارت حاصله از آن را بنمایـد دادگاه میزان آنرا مطابق تعرفه وزارت دادگستری معین و استنادکننده را بتأدیه آن ملزم مینماید .

گواه درصورت ضرورت میتواند درخواست پرداخت مساعده هزینه مسافرت خود را بنماید .

مبحث پنجم ـ تحقیق محلی

ماده۴۲۶ ــ درمواردیکه مطابق قانون بگواهی گواهها میتوان استناد نمود هرگاه یکطرف یا طرفین باطلاع اهل محل متمسك شوند اگرچه بطور کلیذکر کنند و اسامی مطلعین را نبرند دادگاه تحقیق محلی مینماید .

ماده۴۲۷ ــ هرگاه قرارتحقیق محلی بدرخواست یکی از طرفینصادرگردد طرف دیگر نیز میتواند در موقع تحقیقات مطلعین خود را در محل حاضر نمــاید در اینصورت دادگاه یا کارمندی که مأمور اجرای تحقیقات است اطلاعمطلعین او را نیز استماع خواهد کرد .

ماده۴۲۸ ــ اجرای تحقیق ممکن است توسط دادرس دادگاه یـا یکی از کارمندان اصلی یا علیالبدل دادگاه بعمل آید و نیز دادگاه میتواند در صورتیکه

محل تحقیقات خارج از مقر خود باشد اجرای تحقیقات را از دادرس دادگاه محل بخواهد.

ماده۴۲۹ ـ دادگاهی که تحقیقات را اجرا میکند باید وقت ومحل تحقیقات را معین کرده و قبلا بطرفین اطلاع دهد.

ماده۴۳۰ ـ متصدی اجرای تحقیقات محلی باستماع اطلاع مطلعین که طرفین یا یکی از آنان حاضر مینماید اقدام میکند ـ هریك از طرفین حق دارد مطلعین طرف دیگر را مطابق مقرراتی که برای جرح گواه معین است رد نماید.

ماده۴۳۱ ـ ترتیب استعلام و اجرای تحقیقات از اشخاص مذکور در مـاده قبل و سوگند بطوری است که برای گواهها مقرر است.

ماده۴۳۲ ـ طرفین در محل میتوانند اشخاصی را برای کسب اطلاع از آنها معین وبگواهی آنان تراضی نمایند متصدی تحقیقات صورت اشخاصی را کهاصحاب دعوی انتخاب کردهاند نوشته و بامضای طرفین میرساند.

ماده۴۳۳ ـ عـدم حضور یکی از اصحاب دعوی مـانع از اجـرای تحقیقات نخواهد بود.

ماده۴۳۴ ـ تشخیص اعتبار اطلاعات مطلعین محلی منوط بنظر دادگاهاست مگر در مواردی که طرفین تراضی در انتخاب اشخاص نموده و رفع اختلاف رافقط بتصدیق آنها واگذار کردهاند.

ماده۴۳۵ ـ هزینه تحقیقات محلی بعهده طرفی است که آنرا خواستارشده و اگر تحقیقات نامبرده را طرفین خواستهباشندهزینه آن بعهده طرفین خواهدبود.

مبحث ششم ـ معاینه محل

ماده۴۳۶ ـ دادگاه میتواند بنظر خود یا بدرخواست یکی از اصحاب دعوی قرار معاینه محل را بدهد ـ درقرارداد گاه موضوع ووقت معاینه معین خواهد شد .

ماده۴۳۷ ـ قرار معاینه بتوسط دادرس دادگاه یا کارمند علی البدل اجرا میشود و درصورتیکه محل معاینه خارج از مقر دادگاهی باشد که رسیدگی بدعوی مینماید اجراءِ قرار را ممکن است بدادرس دادگاه شهرستان یا دادرس دادگاه بخش محل محول نمود در اینصورت تعیین وقت اجراءِ قرار با مأمور اجرای قرار خواهد بود .

ماده۴۳۸ ـ پس ازمعاینه محل صورتی از آن نوشته شده و بامضای کسیکه ازطرف دادگاه معاینه نموده و اصحاب دعوی میرسد ـ نقشه محل در صورت لزوم بصورت معاینه پیوست خواهد شد .

ماده۴۳۹ ـ صورت معاینه محل درجلسه دادرسی خوانده میشود و طرفین حق دارند نسبت بمعاینه توضیحات شفاهی بدهند لکن نمیتوانند برخلاف آنچه معاینه شده اعتراض کنند که در موقع ترتیب صورت معاینه حاضر بوده و آن اعتراض را نکرده‌اند .

ماده۴۴۰ ـ صورت معاینه محل را نمیتوان بوسیله گواهی اشخاصی که درحین معاینه حاضر نبوده اند ویا حاضر بوده و اعتراضات خود را در موقع ترتیب صورت مجلس قیدنکرده اند تکذیب کرد .

ماده ۴۴۱ ـ هرگاه معاینه محل را یکطرف خواستارشده هزینه آن برعهده او است واگرطرفین درخواست کرده اند یا بنظر دادگاه بوده است بالمناصفه بعهده طرفین است .

ماده ۴۴۲ ـ دادگاه ممکن است مقرر دارد که برای روشن کردن مسائلی که محتاج باطلاعات فنی است کارشناس همراه مأمور اجراء قرار معاینه محل برود.

تعیین کارشناس مطابق مقررات مبحث هفتم خواهد بود.

ماده ۴۴۳ ـ هر گاه درموردی تحقیق محلی ومعاینه محل هردومقتضی شود دادگاه میتواند قرار آنرا توأماً صادر کند دراینصورت قرار توسط دادرس دادگاه یا کارمند علی‌البدل اجراء میشود و درصورتیکه محل تحقیق و معاینه خارج از مقر دادگاهی باشد که رسیدگی بدعوی مینماید اجراءِ قراررا ممکن‌است بدادرس دادگاه شهرستان یا دادرس دادگاه بخش محل محول نمود ـ مأموراجراءِ قرارصورتمجلس از تحقیق ومعاینه برداشته بدادگاه صادر کننده قرارتقدیم میکند.

مبحث هفتم ـ دررجوع بکارشناس

ماده ۴۴۴ ـ ددمواردیکه رجوع بکارشناس لازم باشد دادگاه میتواند بنظر خود یا بدرخواست اصحاب دعوی ویا یکی ازآنها قرار رجوع بکارشناس بدهد در قراردادگاه باید موضوعی که عقیده کارشناس نسبت بآن لازم‌است ومدتی که کارشناس باید اظهار عقیده کند معین شود.

ماده ۴۴۵ ـ کارشناسان را باید طرفین بتراضی معین کنند و هر گاه تراضی نشد خود دادگاه بقرعه معین مینماید ـ ممکن است کارشناس یکنفر یا بیشترمعین شود ولیکن عده منتخبین باید طاق باشد.

درحوزه هائی که قانون راجع بکارشناسان رسمی اجراءِ نشده باشد ترتیب انتخاب کارشناس بقرعه در دادگـاه بموجب آئین نامه وزارت دادگستری بعمل خواهد آمد.

ماده ۴۴۶ ـ فقط اشخاصی باید بکارشناسی‌معین شوند که بمناسبت علم یاشغل

یا کسب دارای معلوماتی که لازم است باشند .

کارشناسان میتوانند استعفاء نموده و یا رد شوند جهات رد کارشناسان علاوه برعدم کارشناسی همان جهات رد دادرسان است .

ماده۴۴۷ ـ در صورتیکه کارشناسان بتراضی طرفین معین شده باشند رد یا تغییر آنها باید بتراضی باشد مگر اینکه علت رد بعداً حادث شود .

ماده۴۴۸ ـ هر گـاه در تعیین کارشناسان تراضی نشود رد آنـان در مدت سه روز از تاریخ اعلام تعیین کارشناس از طرف دادگاه باصحاب دعوی باید اظهار شود مگر اینکه جهت رد بعد معلوم ویا حادث گردد دراینصورت رد کارشناس ویا کارشناسانی که معین شده اند تا قبل از صدور رأی آنها جایز است .

ماده۴۴۹ ـ وقت و محل رسیدگی‌را درصورتیکه ازطرف دادگاه معین‌نشده باشد کارشناس معین کرده و بدادگاه اطلاع میدهد ـ مدیر دفتر دادگـاه باید در ظرف دو روز طرفین دعوی را از محل و وقتی که معین شده است مطلع نماید که اگر بخواهند حاضر شوند .

ماده۴۵۰ ـ دادگاه میتواند در صورت لزوم کارمند علی‌البدل یا مدیر دفتر خود را برای نظارت درتحقیقات مأمور کند .

ماده۴۵۱ ـ هر گاه تحقیقات در خارج از مقردادگاه رسیدگی کننده‌بدعوی بایداجرا شود دادگاه میتواند انتخاب کارشناسان را بطریق‌قرعه درصورتیکه‌طرفین بتراضی معین نکرده باشندبدادگاهی که تحقیقات در مقر آن دادگاه‌اجراءِ میشود واگذار نماید .

ماده۴۵۲ ـ عدم حضور طرفین که احضار شده باشند مانع از انجام تحقیقات نخواهد بود .

ماده۴۵۳ ـ کارشناسان در ظرف پنجروز از تاریخ ابلاغ تعیین آنها باین سمت باید سمت مزبور را قبول یا رد نمایند .

در صورتیکه کارشناس کارشناسی را قبول کرد باید در ظرف مدتی که معین شده است عقیده خود را بداد گاه برساند و چنانچه مدت نامبرده کافی نباشد فقط یکبار میتوانند از داد گاه درخواست تمدید مدت کنند .

هر گاه کارشناس درظرف مدت‌معین‌عقیده خودرا بداد گاه نرساندبدرخواست هریك از اصحاب دعوی کارشناس دیگری معین میشود و هریك ازاصحاب دعوی که از تخلف کارشناس متضرر شده باشند میتوانند از کارشناس مطالبه خسارت نمایند .

کارشناس متخلف مستحق حق‌الزحمه نیست .

ماده۴۵۴ ـ کارشناس باید عقیده خود را باجهات آن‌نوشته وبداد گاه بفرستد وهر گاه کارشناس متعدد باشد ممکن است یکنفر عقیده کارشناسان‌را نوشته‌ودیگران امضاء نمایندودرصورتیکه نتوانند بزبان‌فارسی‌بنویسند کسی که ازطرف‌دادگاه‌مأمور نظارت است عقیده کارشناس را نوشته واین نکته را در صورت مجلس قید مینماید .

ماده۴۵۵ ـ در صورتیکه از طرف داد گاه کسی بسمت نظارت در تحقیقات معین نشده باشد کارشناس می تواند در داد گاهی که رجوع بکارشناس کرده است یا داد گاهی که موضوع تحقیق در مقر آن داد گاه واقع‌است حاضرشده شفاهاًعقیده خود را اظهار نماید ـ اظهارات کارشناس در صورت مجلس آن داد گاه نوشته شده و بامضاء کارشناس ودادرس داد گاه میرسد .

هر گاه کارشناس درداد گاهی که موضوع تحقیق درمقر آن‌داد گاه‌است‌اظهار

عقیده کرده باشدصورت مجلس بداد گاهی که نظر کارشناس را خواسته است فرستاده خواهد شد .

ماده۴۵۶ - پس از وصول عقیده کارشناس بدفتر دادگاه مدیر دفتر وقت دادرسی رامعین کرده وبطرفین اطلاع میدهد ودرجلسه داد گاه عقیده کارشناس قرائت میشود وطرفین میتوانند اگر اظهاری نسبت برأی کارشناس داشته باشد بنمایند .

ماده۴۵۷ - درصورتیکه تکمیل یاتوضیح تحقیقات کارشناس لازم شود دادگاه صادر کننده قراریا داد گاه مأمور اجرای آن میتواند کارشناس را احضار کرده تکمیل یا توضیح لازم را از آنان بخواهد ودرصورت عدم حضور جلب خواهند شد .

هر گاه داد گاه پس از اخذ توضیحات کارشناس کارشناسی را ناقص بیابد میتواند قرار تکمیل آنرا بدهد وتکمیل آنرا بهمان کارشناس یا کارشناس جدید محوّل نماید.

ماده۴۵۸ - حق الزحمه کارشناس را قبل ازمباشرت آنان بتحقیقات درصورتیکه اصحاب دعوی معین نکرده باشند داد گاه معین مینماید ومقدار حق الزحمه بارعایت کمیت و کیفیت و وقت و ارزش زحمتی که کارشناس متحمل شده است با رعایت آئین نامه وزارت داد گستری معین میشود .

ماده۴۵۹ - در صورتیکه ارجاع بکارشناس بدرخواست یکی از اصحاب دعوی شده است تأدیه حق الزحمه کارشناس بعهده اوست وهر گاه ارجاع بکارشناس بدرخواست طرفین یابنظر داد گاه بوده تأدیه حق الزحمه بالمناصفه بعهده طرفین است ودرهرصورت باید حق الزحمه قبل ازمباشرت کارشناس بانجام عمل درصندوق دادگاه تودیع شود .

ماده۴۶۰ - در صورتیکه عقیده کارشناس با اوضاع واحوال محقق و معلوم مسئله موافقت نداشته باشد داد گاه متابعت آن عقیده را نمی نماید .

ماده ۴۶۱ ـ اگر یکی از کارشناسان در موقع رسیدگی ومشاوره حاضر بوده ولی برای اظهار عقیده بدون عذر موجه حاضر نشود ویااز ابراز عقیده امتناع نماید عقیده‌ای که ازطرف اکثریت اظهار میشود کافی است .

عدم حضور ویا امتناع کارشناس ازاظهارعقیده یاامضاء رأی ازطرف کارشناسان دیگر باید تصدیق و امضاء شود .

ماده ۴۶۲ ـ در مورد کارشناسان رسمی صورت تعارض بین‌مقررات این‌مبحث و قانون مربوط بآنها قانون راجع بکارشناسان رسمی مصوب ۲۳ بهمن ماه ۱۳۱۷ نافذ و معتبر خواهد بود .

مبحث هشتم ـ در سوگند

ماده ۴۶۳ ـ درمواردی که حکم ادعاء منوط بسوگندمیگردد دادگاه قرار اتیان سوگند صادر کرده و در آن موضوع سوگند و شخصی کـه باید سوگند را یاد کند تصریح مینماید .

ماده ۴۶۴ ـ دادگاهی که باید سوگند درآنجا یاد شود تعیین‌وقت نموده و طرفین را احضار میکند ـ دراحضارنامه جهت حضور باید قید شود .

ماده ۴۶۵ ـ هرگاه شخصی که باید سوگند یاد نماید بواسطه مرض یاعذر دیگری نتواند درداد گاه حاضرشود دادرس بحسب اقتضاء مورد وقت دیگری‌برای سوگند معین مینماید یا خود و یا نماینده‌اش بمحل شخصی کـه باید سوگند یاد نماید حاضر شده و درآن محل سوگند یاد میشود و اگر شخصی کـه باید سوگند یاد نماید در مقر دادگاه دیگری باشد دادگاه میتواند بدادگاه محل مأموریت دهد که قرار سوگند را بموقع اجرا گذارد .

ماده ۴۶۶ ـ در مورد قسمت اخیر ماده قبل دفتر دادگاه رونوشت قرار سوگند را بدادگاهی که باید سوگند در آنجا یاد شود میفرستد .

ماده ۴۶۷ ـ سوگند باید مطابق قرارداد گاه یاد شود و پس از سوگند صورت مجلسی دراین خصوص تنظیم و بامضاء دادرس دادگاه وشخصی که سوگند یاد کرده است وطرف دعوی میرسد ـ هر گاه سوگند بتوسط دادگاهی غیر دادگاه صادر کننده قرار داده شود صورت مجلس درداد گاه قرائت شده و برطبق سوگند دادگاه حکم میدهد .

ماده ۴۶۸ ـ اگر کسی سوگند یاد نموده قبل از صدور حکم اقرار کند که سوگند او دروغ بوده وحق با طرف است دادرس دادگاه ترتیب اثر بسوگند نداده و برحسب اقرار حکم خواهد داد .

ماده ۴۶۹ ـ ترتیب اتیان سوگند و آئین آن مطابق آئین نامه وزارت دادگستری خواهد بود .

مبحث نهم ـ نیابت قضائی

ماده ۴۷۰ ـ درهرموردی که رسیدگی بدلائل یا استماع گواهی و یا معاینه محل و یا اقدام دیگر باید درخارج ازمقرداد گاه رسیدگی کننده بدعوی انجام یابد دادگاه میتواند بدادگاه شهرستان یا بدادرس دادگاه بخش محلی که تحقیقات باید درآنجا بعمل آید نیابت دهد که تحقیقات لازمه را بعمل آورده صورت آنرا بدادگاهی که نیابت داده است بفرستد .

ماده ۴۷۱ ـ درمواردی که تحقیقات باید درخارج از کشور ایران بعمل آید

دادگاه میتواند درحدود مقررات جاریه بین دولت ایران وکشورهای خارجه بدادگاه کشوری که تحقیقات باید درقلمرو آن بعمل آید نیابت دهد که تحقیقات را بعمل آورده صورت آنرا ارسال دارد .

ماده۴۷۲ - دادگاههای ایران میتوانند بشرط معامله متقابله نیابتی را که از طرف دادگاههای کشورهای خارجه راجع باستماع گواهی و یاتحقیقات دیگر از این قبیل بآنها داده میشود قبول کنند .

ماده۴۷۳ ـ دراجرای نیابت قضائی طرزرسیدگی تابع قانون محل رسیدگی است لکن درصورتیکه طرز رسیدگیدادگاه کشورخارجه موافق قانون ایران باشد دادگاه ایران میتواند بآن ترتیب اثر دهد هرچند که برطبق قوانین کشوری که رسیدگی درآنجا بعمل آمده ترتیب رسیدگی صحیح نباشد .

ماده۴۷۴ درموارد نیابت قضائی رسیدگی بدلائل واستماع گواهی وغیره در دادگاههای ایران مطابق قانون ایران بعمل میآید لکن هرگاه دادگاه کشورخارجه ترتیب خاصی برای رسیدگیمعین کرده باشد دادگاه ایران میتواند برطبق آن عمل نماید بشرط معامله متقابله و بشرط آنکه آن ترتیب خاص مخالف با قوانین مربوط بنظم عمومی یا اخلاق حسنه ایران نباشد .

باب چهارم ـ در پژوهش

فصل اول - دراحکام و قرارهای قابل پژوهش

ماده۴۷۵ ـ احکام صادر ازدادگاههای بخش و شهرستان قابل پژوهش است مگر درمواردیکه قانون صراحتاً استثناء کرده باشد .

ماده۴۷۶ ـ احکام مفصله زیر قابل پژوهش نیست :

۱ ـ احکام صادره در دعاوی که خواسته آن پانصد ریال یا کمتر باشد .

۲ ـ احکامی که دادگاههای شهرستان در رسیدگی پژوهش میدهند .

۳ ـ احکامی که بر طبق رأی یك یا چند نفر مصدق صادر شده است که اصحاب دعوی کتباً در تعیین آنان تراضی کرده و رأی آنها را قاطع دعوی دانسته‌اند.

٤ ـ احکام صادر در دعاوی که اصحاب دعوی کتباً تراضی کرده‌اند که به دعوی آنان فقط در درجهٔ نخستین و بدون پژوهش رسیدگی شود .

٥ ـ احکام مستند باقرار در دادگاه .

٦ ـ احکام مستند بسوگند .

در مورد فقره ۳ و ٤ صورت جلسه که بامضای طرفین رسیده باشد سند کتبی محسوب است .

ماده۴۷۷ ـ هیچ قراری بتنهائی قابل پژوهش نیست مگر آنچه را که‌قانون صریحاً اجازه داده باشد این امر مانع نخواهد بود از اینکه ضمن درخواست‌پژوهش از حکم در ماهیت دعوی نسبت بقرارهائیکه از دادگاه قبلا صادر شده است اعتراض نمود .

ماده۴۷۸ ـ قرارهای زیر بتنهائی قابل پژوهش است :

۱ ـ قرار عدم صلاحیت اعم از ذاتی و نسبی .

۲ ـ قرار رد دادخواست .

۳ ـ قرار ابطال دادخواست .

٤ ـ قرار سقوط دعوی .

٥ ـ قرار عدم اهلیت یکی از اصحاب دعوی .

٦ ـ قرار عدم قبول ایراد در مورد رد دادرس .

۷ ـ قرار رد دعوی یا عدم استماع آن .

۸ ـ قرار رد درخواست ابطال حکم داور .

۹ ـ قراراتیان سوگند درموردیکه دادرس بواسطه تردید در بقاءحق سوگند را لازم بداند (۱۳۳۳ قانون مدنی) .

ماده۴۷۹ ـ در مورد ۱ و ۲ ماده ٤۷٦ قرارهـای دادگاه و حکمیکه راجع بمتفرعات دعوی اصلی از قبیل خسارت و غیره صادر میشود قابل پژوهش نمیباشد .

ماده۴۸۰ ـ نسبت باحکام و قرارهای غیر قـابل پژوهش نمیتوان درخواست پژوهش نمود اگرچه طرفین تراضی نمایند و یا دادگاه نخستین حکم یـا قرار را قابل پژوهش معرفی کرده بـاشد و همچنین نسبت باحکام و قرارهای قابل پژوهش درخواست پژوهش پذیرفته خواهد شد اگرچه دادگاه نخستین حکم یا قرار راغیر قابل پژوهش معرفی نموده باشد .

ماده۴۸۱ ـ درخواست پژوهش از اشخاص مذکوره زیر پذیرفته میشود .

۱ ـ مدعی و مدعی علیه اعم از اینکه طرف اصلی دعوی باشند یا بعنوان شخص ثالث وارد یاجلب شده باشندوقائم مقامآنان ازقبیل وارث و وصی ومنتقل‌الیه درصورتیکه انتقال بعد از اقامه دعوی شده باشد .

۲ ـ کسانیکه سمت نمایندگی مدعی یا مدعی علیه یا قائم مقامآنانرا دارند .

فصل دوم ـ درموعد پژوهش

ماده۴۸۲ ـ مهلت مقرر برای پژوهش احکام و قرارها از قرار زیر است :

۱ ـ نسبت باشخاصیکه در ایران مقیمند ده روز .

۲ ـ نسبت بکسانیکه در خـارجه مقیمند دو ماه و برای کشورهای دور مثل آمریکا و خاور دور سه ماه .

ماده ۴۸۳ ـ هرگاه در محل اقامت پژوهش‌خواه مقیم ایران دادگاه‌شهرستان یا بخش نباشد بر مدت مقرر در قسمت اول ماده فوق برای هر سی‌و شش کیلومتر مسافت از محل اقامت پژوهش خواه تا نزدیکترین دادگاه یکروز علاوه میشود .

ماده ۴۸۴ ـ ابتداء مهلت پژوهش بطریق زیر معین میشود :

۱ ـ نسبت باحکام و قرارهای حضوری از تاریخ ابلاغ .

۲ ـ نسبت باحکام و قرارهای غیابی از تاریخ انقضای مدت اعتراض .

ماده ۴۸۵ ـ اگر صـدور حکم از روی سند مجعول بـاشد مهلت پژوهش از تـاریخ ثبوت جعلیت آن سند بموجب حکم نهـائی است و اگر یکی ازطرفین را سندی باشد که مدار حکم بر آن سند است و محکومیت طرف مزبور بواسطه این بوده که طرف مقابل آن سند را کتمان‌کرده یا باعث کتمان آن شده‌مهلت‌پژوهش از تاریخ وصول آن‌سند بمحکوم‌علیه شروع میشود لیکن دراینصورت تاریخ‌وصول سند باقرار در دادگاه یا سند کتبی باید ثابت شود .

اگر یکی از طرفین حیله و تقلبی کرده باشد که درحکم دادگاه مؤثر بوده مهلت پژوهش برای طرف مقابل از تاریخ ثبوت حیله و تقلب بموجب حکم نهائی شروع میشود .

ماده ۴۸۶ ـ هر گاه یکی از کسانیکه حق پژوهش دارند قبل از انقضاءمدت پژوهش ورشکسته یا محجور یا فوت شود مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم‌یاقرار درمورد ورشکسته بمدیرتصفیه ودرمورد محجوربقیم ودرصورت فوت محکوم‌علیه بوارث یا قائم مقام یا نماینده او شروع میشود .

ماده۴۸۷ ـ اگر سمت یکی از اطراف دعوی نمایندگی از قبیل ولایت یا قیمومت و یا وصایت بوده و این سمت قبل از انقضاء مدت پژوهش از او زائل گردد مهلت جدید از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار بکسی که باین سمت قائم‌مقام او میشود شروع خواهد شد و اگر زوال این سمت بواسطه رفع حجر باشد مهلت پژوهش از تاریخ ابلاغ حکم یا قرار بکسی که از او رفع حجر شده‌است شروع میشود .

ماده۴۸۸ ـ درصورتیکه دادخواست‌پژوهش بعد ازانقضاءِ مهلت داده‌شده‌باشد دادگاهی که مرجع رسیدگی بدعوی پژوهش است قرار دادخواست را میدهد .

فصل سوم

در دادخواست و مقدمات رسیدگی پژوهشي

ماده۴۸۹ ـ رسیدگی پژوهش بتقدیم دادخواست میشود و این دادخواست را میتوان مستقیماً بدادگاه مرجع رسیدگی پژوهشی یا دادگاهی که حکم یاقرار را داده است تقدیم کرده و یا بدادگاه شهرستان و یا دادگاه بخش محل اقامت پژوهش‌خواه و یا بنزدیکترین دادگاه بمحل اقامت او .

ماده۴۹۰ ـ مدیر دفتر دادگاه که دادخواست پژوهش بآنجا داده میشود باید بلافاصله دادخواست را در دفتر ثبت و رسیدی مشتمل بر نام پژوهش خواه و پژوهش خوانده و تاریخ تسلیم (روز و ماه و سال) وذکرشماره‌ثبت بتقدیم‌کننده دادخواست بدهد و در روی کلیه برگهای دادخواست تاریخ تسلیم را قید کند این تاریخ ابتدای درخواست پژوهش محسوب است .

ماده۴۹۱ ـ در دادخواست باید نکات زیر قید شود :

۱ ــ نام و اقامتگاه وسایر مشخصات پژوهش‌خواه و وکیل او .

۲ ــ نام و اقامتگاه وسایر مشخصات پژوهش‌خوانده .

۳ ــ حکم یا قراری که ازآن پژوهش داده شده .

٤ ــ دادگاه صادر کننده حکم یا قرار .

٥ ــ تاریخ ابلاغ حکم یا قرار .

٦ ــ اعتراضات پژوهشی .

ماده۴۹۲ ــ وکالت‌نامه وکیل باید پیوست دادخواست باشد .

ماده۴۹۳ ــ هر گاه پژوهش‌خواه باسناد جدیدی استناد نماید باید رونوشت آنرا پیوست دادخواست نماید .

ماده۴۹۴ ــ درخواست و برگهای پیوست باید دردونسخه و درصورت تعدد پژوهش‌خوانده بعده آنها بعلاوه یك نسخه باشد .

ماده۴۹۵ ــ اگرمشخصات پژوهش‌خواه در دادخواست معین نشده و معلوم نباشد دادخواست دهنده کیست و یا محل اقامت او معلوم نباشد دادخواست بلااثر میماند و پس‌از انقضاءِ مدت پژوهش رد خواهد شد مگراینکه قبل از انقضاء مدت پژوهش پژوهش‌خواه دادخواست خود را تکمیل یا تجدید نماید .

ماده۴۹٦ ــ هردادخواست پژوهشی که نکات مذکور دربند ۲ و ۳ و ٤ و ٦ ماده ٤۹۱ و ماده ٤۹۲ و ٤۹٤ درآن رعایت نشده و یا تمام هزینه دادرسی پژوهش آن تأدیه نشده باشد بجریان نیفتاده ومدیردفتر دادگاهی که دادخواست بآنجا داده شده درظرف دو روز ازتاریخ وصول دادخواست نواقص را بطور تفصیل بدادخواست دهنده کتباً اطلاع داده وازروزابلاغ پنجروز بارعایت مدت مسافت باومهلت میدهد که نواقص را رفع کند و اگر محتاج بتجدید دادخواست باشد آنرا تجدید نماید

وهر گاه درظرف این مدت دادخواست تکمیل یاتجدید نشد بموجب قرارداد گاهی که مرجع شکایت پژوهش است رد خواهد شد .

ماده۴۹۷ ـ اگر دادخواست مستقیماً بدادگاه مرجع شکایت پژوهش داده شود مدیر دفتر دادگاه درظرف دو روز از تاریخ وصول دادخواست و درصورتیکه دادخواست ناقص باشد ازتاریخ رفع نواقص یك نسخه ازآنرا باپیوست ها برای ابلاغ بپژوهش‌خوانده بمأمور ابلاغ میدهد ـ پژوهش خوانده باید درظرف ده روز پس‌از وصول دادخواست اظهارات خود را دردونسخه نوشته وبضمیمه رونوشت مصدق کلیه اسناد و دلایل بدفترداد گاه تسلیم نماید مدیر دفتر یك نسخه آنرا درظرف دوروز بپژوهش‌خواه ابلاغ میکند و درهمان موقع روز وساعت رسیدگی را معین کرده و طرفین را احضار مینماید .

ماده۴۹۸ ـ درصورتیکه دادخواست پژوهش به دادگاهی که در مقرداد گاه مرجع شکایت پژوهش‌است داده شود مدیر دفترداد گاه‌دادخواست و پیوستهای‌آنرا عیناً بدفتر داد گاه مرجع شکایت پژوهشی میفرستد و دفتر داد گاه مزبور مطابق ماده قبل عمل مینماید.

ماده۴۹۹ ـ درغیرمورد ماده قبل هر گاه دادخواست پژوهشی بدفتر داد گاه صادر کننده حکم یا داد گاه محل اقامت پژوهش‌خواه یا داد گاه نزدیکتر به محل اقامت او داده شده باشد مدیر دفترآن داد گاه موافق ماده ٤٩٧ اقدام نموده وپس‌از وصول پاسخ کتبی پژوهش‌خوانده یا انقضاءِ مدت مقرر برای پاسخ در اولین پست دادخواست و پیوستهای آن و پاسخ پژوهش‌خوانده را اگر داده شده باشد بدادگاه مرجع شکایت پژوهش میفرستد مدیردفترداد گاه مرجع پژوهش یك نسخه ازپاسخ

پژوهش خوانده را برای پژوهش خواه میفرستد و پس از وصول پرونده کار وقت رسیدگی را تعیین کرده و بطرفین اطلاع میدهد .

ماده ۵۰۰ ـ در مورد پژوهش احکامی که بترتیب اختصاری صادر شده است مدیر دفتر پس ازوصول داد خواست درصورتیکه دادخواست کامل بوده وپس ازرفع نواقص درصورتیکه دادخواست ناقص باشد جلسه رسیدگی را تعیین ویك نسخه دادخواست وپیوستها را برای پژوهش خوانده فرستاده وقت رسیدگی را بطرفین اطلاع میدهد .

ماده ۵۰۱ ـ پژوهش ازحکم مانع اجرای حکم است مگر اینکه قراراجراء موقت حکم صادر شده باشد که در اینصورت حکم اجراء خواهد شد اگرچه ضمن پژوهش ازحکم نسبت بقرار اجراء موقت شکایت شده باشد و در اینمورد دادگاه مکلف است طرفین را خارج از نوبت احضار وقبل از رسیدگی بماهیت دعوی بقرار اجراء موقت رسیدگی نماید .

ماده ۵۰۲ ـ هرگاه دادگاه نخستین در حکم قید کند که آن حکم قطعی است شکایت در پژوهش مانع اجرای آن نخواهد بود مگر اینکه دادگاه پژوهش حکم را غیر قطعی تشخیص دهد در اینصورت دادگاه مرجع پژوهش اجرای حکم را تعطیل میکند واگر حکم اجراء شده است اثرات اجرائی برطرف میشود .

فصل چهارم ـ درپژوهش تبعی

ماده ۵۰۳ ـ هرگاه یکی ازاصحاب دعوی ازحکم نخستین درخواست پژوهش نموده باشد طرف دیگر میتواند مادامیکه دادرسی پژوهشی خاتمه نیافته است از از همان حکم نسبت بمحکومیت خود یا جهتی که از آن ناراضی است در خواست پژوهش نماید هرچند مدت مقرر برای پژوهش نسبت باو منقضی شده باشد .

ماده۵۰۴ ـ پژوهش تبعی فقط در مقابل پژوهش خواه و از کسیکه طرف دعوی پژوهشی واقع شده است پذیرفته میشود .

ماده۵۰۵ ـ اگر پژوهش خواه اصلی داد خواست پژوهشی خود را استرداد نماید ویادادگاه دادخواست او را رد کند ویا دعوی پژوهشی اصلی ساقط شود حق پژوهش تبعی ازبین میرود .

ماده۵۰۶ ـ درخواست پژوهش تبعی ممکن است در جریان رسیدگی به اعتراض بحکم غیابی پژوهشی و در جریان رسیدگی بعد از نقض حکم در مرحله فرجامی بشود .

ماده۵۰۷ ـ هیچیك از شرایط مذکور در ماده ۴۹۱ تا ۴۹۶ در پژوهش تبعی جاری نیست و پژوهش تبعی ممکن است کتبی یا شفاهی در جلسه دادرسی خواسته بشود .

فصل پنجم ـ در شرایط و ترتیب رسیدگی پژوهشی

ماده۵۰۸ ـ ممکن نیست دررسیدگی پژوهش ادعای جدیدی نمود یعنی ادعائی غیرازآنچه درمرحله نخستین شده‌است ولی‌دعاوی زیرادعای جدیدمحسوب نمیشود:

۱ ـ مطالبه قیمت مال محکوم به که عین آن درمرحله نخستین مورد حکم وده یا مطالبه عین مالی که قیمت آن در مرحله نخستین مورد حکم بوده است .

۲ ـ ادعائی که دفاع محسوب شود از قبیل تهاتر .

۳ ـ ادعای وجه اجاره وسایرمتفرعات ازقبیل ضرر وزیان که درزمان جریان دعوی یا بعد از صدور حکم نخستین بمدعی به اصلی تعلق گرفته .

۴ ـ مطالبه بقید اقساط مال‌الاجاره و دیونی که موعد تأدیه آن در جریان

دعوی نخستین رسیده و مورد حکم نشده یا موعد تأدیه آن بعد از صدور حکم رسیده است و همچنین در جائیکه اجرت المثل مورد مطالبه و حکم بوده و اجرت المثل زمان جریان دعوی نخستین یا بعد از صدور حکم مطالبه شود.

ماده ۵۰۹ - ابراز دلائل جدید ادعای جدید نیست.

ماده ۵۱۰ - کسی غیر از صاحبان دعوی که در دادرسی نخستین بوده‌اند یا قائم مقام آنها حق ندارد داخل دعوی پژوهشی شود مگر درمواردیکه قانون اجازه داده است.

ماده ۵۱۱ - هر گاه پژوهشخواه یا پژوهش‌خوانده در وقت معین برای رسیدگی پژوهشی بدون آنکه حق حضور خود را اسقاط کرده باشد در دادگاه حاضر نشود بدرخواست طرف حکم غیابی داده میشود و دراینصورت محکوم علیه غائب میتواند بآن حکم اعتراض نماید.

ماده ۵۱۲ - اگر پژوهش‌خواه شکایت پژوهشی را ازقرار یا حکم بدون عذر موجه سه ماه متوالی ترک نماید بدرخواست پژوهش خوانده دادگاه قرار سقوط شکایت پژوهشی را میدهد و دراینصورت حکم پژوهش خواسته بمنزله حکم قطعی است. حکم این ماده در موارد زیر جاری نیست:

۱ - درصورتیکه پژوهش خواه قبل از درخواست اسقاط شکایت پژوهشی درخواست تعقیب کرده باشد.

۲ - درصورتیکه قرار یا حکم دادگاه نخستین فسخ شده باشد.

۳ - پس از صدور حکم غیابی یا قرار قابل اعتراض در مرحله پژوهشی.

٤ - پس از نقض حکم یا قرار بر اثر رسیدگی فرجامی.

ماده ۵۱۳ – قواعدی که در مرحله نخستین رعایت میشود در مرحله پژوهش نیز جاری است مگر در موردیکه صریحاً تکلیف خاصی برای آنها دراین‌باب معین شده باشد.

ماده ۵۱۴ – مواردی که در دادگاههای نخستین تحقیقات و اجرای مقررات دادگاه بعهده کارمند علی‌البدل یا مدیر دفتر واگذار شده در دادگاه استان یکی از مستشاران یا کارمند علی‌البدل دادگاه به تعیین رئیس آن وظایف را انجام میدهد.

ماده ۵۱۵ – هرگاه دادگاه کـه بشکایت پژوهشی رسیدگی مینماید شکایت پژوهش خواه را در نتیجه رسیدگی وارد دیـد حکم نخستین را فسخ کرده و خود حکم میدهد والا حکم نخستین را تأیید خواهد کرد.

ماده ۵۱۶ – هرگاه دادگاهی‌که بشکایت پژوهشی رسیدگی‌مینمایددرحکم مورد رسیدگی جز سهو حساب‌یا اشتباه درعدد ویا از قلم‌افتادگی قسمتی‌ازخواسته که بثبوت رسیده اشکال‌دیگری مشاهده نکند حکم‌را تصحیح وتأیید خواهد نمود.

ماده ۵۱۷ – پس از اعلام ختم دادرسی دادگاه هرگاه بتواند فوراً رأی‌میدهد والا روز و ساعتی را برای اعلام رأی معین کرده در صورت جلسه دادرسی قید و به اصحاب دعوی اعلام مینماید – در صورت اخیر نبایـد بین روز اعلام ختم دادرسی و روز اعلام رأی بیش از یکهفته فاصله شود.

ماده ۵۱۸ – در صورتیکه دادرس دادگاه متعدد باشد اتخاذ رأی باین ترتیب بعمل میآید که رئیس دادگاه ابتداءِ ازرأی کارمندی‌که نسبت بدیگران‌سابقه‌قضائی او کمتر است شروع کرده و بعد از همـه رأی خود را اظهار مینماید ورأی دادگاه باتفاق و یا باکثریت آراءِ معلوم میشود.

ماده ۵۱۹ – احکام حضوری که در رسیدگی پژوهشی صادر میشودوهمچنین

احکامی که غیاباً صادر شده و در موعد مقرر دادخواست اعتراض نسبت بآن داده نشده باشد قطعی محسوب میشود .

ماده ۵۲۰ ـ غیر از کسانی که در دادرسی پژوهشی دخالت داشته دیگری از رأی پژوهشی استفاده نخواهد نمود مگر اینکه رأی دادگاه قابل تجزیه و تفکیک نباشد که دراینصورت رأی مزبور نسبت باشخاصی‌هم که حکم‌یا قرارمورد درخواست پژوهش شامل آنها بوده و پژوهش نخواسته‌اند سرایت خواهد نمود .

باب پنجم ـ در طرق فوق‌العاده شکایت از احکام

فصل اول ـ در فرجام

مبحث اول ـ احکام و قرارهای قابل فرجام

ماده ۵۲۱ ـ احکام زیر قابل رسیدگی فرجامی است :

۱ ـ احکام حضوری دادگاههای استان .

۲ ـ احکام غیابی دادگاههای استان که مدت اعتراض آنها منقضی شده .

۳ ـ احکامیکه دادگاههای‌شهرستان دررسیدگی پژوهشی میدهند .

۴ ـ احکام قابل پژوهش که ازدادگاههای شهرستان حضوراً یا غیاباً صادر و بواسطه انقضاء مدت اعتراض و پژوهش قطعی شده‌اند .

ماده ۵۲۲ ـ احکام زیر قابل رسیدگی فرجامی نیست :

۱ ـ احکام صادر در دعاوی که خواسته آن یکهزار ریال یا کمتر باشد .

۲ ـ حکم مستند با قرار درداد گاه .

۳ ـ حکم مستند بسوگند .

۴ ـ حکم مستند به‌رأی یك یا چند نفر مصدق که طرفین کتباً در انتخاب

آنان تراضی کرده و رأی آنها را قاطع دعوی قرار داده باشند .

٥ ـ درصورتیکه طرفین کتباً حق شکایت فرجامی خودرا ساقط کرده باشند .

تبصره ـ احکام و قرارهای صادر در دعاوی که خواسته آن از یکهزار ریال بیشتر و از پنجهزار ریال کمتر باشد وقتی قابل رسیدگی فرجامیست که یکی از دادیاران دادسرای‌دیوان کشور بانتخاب دادستان‌دیوان نامبرده دادخواست فرجامی آنرا قابل توجه‌بداند درا ینصورت حکم یا قرار مورد درخواست رسیدگی فرجامی فقط یکبار در دیوان کشور رسیدگی میشود و در صورت نقض هرحکم یا قراری که از دادگاه ارجاع شده صادر شود غیرقابل رسیدگی فرجامی خواهد بود .

ماده ٥٢٣ ـ هیچ قراری بتنهائی قابل رسیدگی فرجامی نیست مگر آنچه راکه قانون صریحاً اجـازه داده باشد ـ این امر مانع نخواهد بود ازاینکه ضمن درخواست رسیدگی فرجامی از حکم نسبت بقرار هائیکه از دادگاه قبلا صادرشده است اعتراض نمود .

ماده ٥٢٤ ـ قرارهای زیر بتنهائی قابل فرجام است :

۱ ـ قرار عدم صلاحیت اعم از ذاتی و نسبی .

۲ ـ قرار رد دادخواست .

۳ ـ قرار ابطال دادخواست .

٤ ـ قرار سقوط دعوی .

٥ ـ قرار عدم اهلیت یکی از اصحاب دعوی .

٦ ـ قراردادگاه استان راجع برد دادرسان دادگاه استان .

۷ ـ قراد رد دعوی یا عدم استماع آن .

۸ ـ قرار رد درخواست ابطال حکم داور .

۹ ـ قراراتیان سوگند درموردیکه دادرس بواسطه تردید دربقاءِ حق سوگند را لازم بداند (۱۳۳۳ قانون مدنی).

ماده۵۲۵ ـ قرارهای مذکور در فقره ۱ ، ۲ ، ۳ ، ٤ ، ٥ ، ۷ ، ۸ ، ۹ ماده فوق درصورتی قابل رسیدگی فرجامی است که درمرحله پژوهش صادر شده باشد خواه مستقلا وخواه درپیرو قراری که درمرحله نخستین صادر شده است .

مبحث دوم ـ درموعد فرجام

ماده۵۲٦ ـ مهلت فرجام برای سکنه ایران ده روزاست باضافه مدت مسافت ازمحل اقامت فرجام خواه تا نزدیکترین دادگاه و برای کسانیکه مقیم کشورهای خارجه میباشند دوماه برای کشورهای دور (امریکا ـ خاوردور و اقیانوسیه) سه ماه .

ماده۵۲۷ ـ ابتداء مدت فرجام ازقرار زیر است :

الف ـ برای احکام و قرارهای دادگاههای استان :

۱ ـ درصورتیکه حکم یاقرارحضوری باشد از روز ابلاغ .

۲ ـ درصورتیکه حکم یاقرار غیابی باشد از روز انقضای مدت اعتراض .

ب ـ برای احکام وقرارهای دادگاههای شهرستان :

۱ ـ درصورتیکه حکم یاقرار حضوری ازدادگاه شهرستان پس‌از رسیدگی پژوهشی صادرشده باشد از روز ابلاغ .

۲ ـ درصورتیکه حکم یا قرار غیابی پس از رسیدگی پژوهشی از دادگاه شهرستان صادر شده باشد ازتاریخ انقضاء مدت اعتراض .

۳ ـ اگرحکم حضوری یاغیابی‌قابل پژوهش بوده ودرخواست پژوهش نشده باشد از روز انقضاء مدت پژوهش .

ماده۵۲۸ ـ اگر استدعای فرجام بواسطه مغایر بودن دوحکم باشد ابتدای مهلت تاریخ آخرین ابلاغ هریك از دوحکم است .

ماده۵۲۹ ـ مقررات ماده ٤٨٦ و ٤٨٧ در مورد فرجام احکام و قرارها نیز لازم‌الرعایه است .

مبحث سوم ـ در ترتیب استدعای فرجام

ماده۵۳۰ ـ فرجام خواهی بتقدیم دادخواست میشود ـ این دادخواست را میتوان مستقیماً بدیوان کشور یا دادگاهی که حکم یا قرار را داده‌است تقدیم کرد و یا بدادگاه شهرستان ویا دادگاه بخش محل اقامت فرجام خواه ویا به‌نزدیکترین دادگاه بمحل اقامت او .

مدیردفتر دادگاه که دادخواست فرجامی بآنجا داده میشود باید بلافاصله دادخواست را دردفتر ثبت ورسیدی مشتمل برنام فرجام خواه وطرف اووتاریخ تسلیم (از روز وماه وسال) و ذکرشماره ثبت بتقدیم کننده دادخواست بدهد و در روی کلیه برگهای دادخواست تاریخ تسلیم را قیدکند ـ این‌تاریخ ابتدای دعوی فرجامی محسوب است .

ماده۵۳۱ ـ در دادخواست باید تاریخ روز و ماه و سال و نام و نام خانواده و مشخصات و محل اقامت اصحاب دعوی وحکم یا قراری که نسبت بآن درخواست رسیدگی فرجامی میشود و دادگاه صادر کننده حکم یا قرار و تاریخ ابلاغ آن و مغایرتی که حکم یا قرار با قانون دارد صریحا قید شود .

ماده۵۳۲ ـ بدادخواست فرجامی باید پیوست شود :

۱ ـ رونوشت مصدق حکم یا قراری که از آن فرجام خواسته میشود .

۲ ــ اعتراضات فرجامی .
۳ ــ وکالتنامه وکیل .

ماده۳۳۳ ــ دادخواست وبرگهای پیوست آن باید در دو نسخه ودر صورت تعدد طرف بعده آنها بعلاوه یك نسخه باشد .

ماده۳۳۴ ــ دادخواستی که موافق سه‌ماده فوق نبوده یا هزینه دادرسی آن داده نشده باشد بجریان نیفتاده ومدیر دفتر دادگاه که دادخواست بآنجا داده شده در ظرف دو روز ازتاریخ رسید دادخواست نواقص آنرا بطور تفصیل بدادخواست دهنده کتباً اطلاع داده وازروز ابلاغ پنج روز بارعایت مدت مسافت باومهلت میدهد که نواقص را رفع کند واگر محتاج بتجدید باشد تجدید نماید وهرگاه دادخواست دراین مدت تکمیل یاتجدید نشدبموجب قرارداد گاهی که دادخواست فرجامی بآن داده شده و در صورتیکه دادخواست بدفتر دیوان کشور داده شده باشد مدیر دفتر دیوان نامبرده آنرا رد مینماید .

ماده۳۳۵ ــ درصورتیکه دادخواستفرجامی درمرکزبدفتر دادگاهی غیراز دفتر دیوان کشور داده شده باشد دادخواست وپیوستهای آن عیناً بدفتر دیوان کشور فرستاده میشود ومانند مواردیکه دادخواست فرجامی مستقیماًبدفتردیوان کشور داده شده اقدام میگردد .

ماده۳۳۶ ــ اگر مشخصات فرجام خواه در دادخواست فرجامی معین نشده ومعلوم نباشد دادخواست دهنده کیست ومحل‌اقامتاو معلوم نباشد دادخواست بلااثر میماند وپس‌از انقضاء مدت فرجامی رد خواهد شد مگر اینکه قبل از انقضاء مدت فرجام خواه دادخواست خودرا تکمیل یاتجدید نماید .

ماده۳۳۷ ــ در صورتیکه دادخواست در خارج از مدت داده شده باشد

دادخواست بموجب قرارداد گاهی که دادخواست فرجامی بآن داده شده و در صورتیکه دادخواست بدفتر دیوان کشور داده شده باشد مدیر دفتر دیوان نامبرده آنرا رد مینماید .

ماده۵۳۸ ـ هر گاه دادگاه یا دفتری که دادخواست فرجامی بآن داده شده بدون جهت آنرا رد کند صاحب دادخواست میتواند بدیوان کشور شکایت کند در اینصورت دیوان نامبرده قراری صادر نموده ودستور لازمرا خواهد داد .

ماده۵۳۹ ـ مدیر دفتر دیوان کشور یا مدیر دفتر دادگاهی که دادخواست فرجامی بآن دادهشده یک نسخه ازدادخواست وپیوستهای آنرا برای طرف میفرستد که درظرف ده روز بارعایت مدت مسافت کتباً پاسخ بدهد .

ماده۵۴۰ ـ هر گاه دادخواست مستقیماً بدفتر دیوان کشور داده نشده باشد باید پس از گذشتن مدت مذکور درماده فوق دادخواست با پیوستهای آن و پاسخ طرف اگر داده استبدفتر دیوان کشور فرستاده شود ودراینصورت باید تاریخ تقدیم دادخواست و پیوستهای آن و کیفیت اخطاریکه بفرجام خواه و طرف او شده در یادداشتی تصریح وبدفتر دیوان کشور فرستاده شود .

ماده۵۴۱ ـ دادخواست فرجامی از اشخاص مذکوره زیر پذیرفته میشود :

۱ ـ مدعی ومدعی علیه اعمازاینکهطرف اصلی دعوی باشند یابعنوانشخص ثالث وارد یاجلب شده باشند وقائم مقام آنان ازقبیل وارث و وصی و منتقل الیه در صورتیکه انتقال بعداز اقامه دعوی شده باشد .

۲ ـ کسانیکه سمت نمایندگی مدعی یامدعی علیه یاقائم مقام آنانرا دارند .

ماده۵۴۲ ـ فرجام خواستن اجرای حکمرا تاوقتیکه حکم نقض نشده است

بتأخیر نمیاندازد ولی هر گاه محکوم علیه بطوریکه در تأمین خواسته مقرر است نسبت به محکوم به تأمین بدهد اجرای حکم تاصدورحکم فرجامی بتأخیرمیافتد .

ماده ۵۴۳ ـ مرجع درخواست موقوف‌الاجرا ماندن حکم و گرفتن تأمین دادگاهی است که حکم مورد درخواست رسیدگی فرجامی را داده است .

مبحث چهارم ـ فرجامی تبعی

ماده۵۴۴ ـ فرجام خوانده میتواند مادامیکه رأی صادرنشده است ازحکمی که مورد شکایت فرجامی است نسبت بجهتیکه‌آنرا بضررخود ومخالف قانون میداند تبعاً درخواست رسیدگی فرجامی نماید هرچند مدت مقرر برای درخواست فرجام نسبت باو منقضی شده باشد .

ماده۵۴۵ ـ فرجام تبعی‌فقط درمقابل فرجام‌خواه وازکسیکه طرف استدعای فرجام واقع شده پذیرفته میشود .

ماده۵۴۶ ـ اگرفرجام خواه دادخواست فرجامی خود را استرداد نماید و یا دادخواست اورد شود حق استدعای فرجام تبعی ساقط میشود واگراستدعای فرجام تبعی شده باشد بلااثرمیگردد .

ماده۵۴۷ ـ هیچیك ازشرایط مذکوردرماده ۵۳۱ و۵۳۲درفرجام تبعی‌جاری نیست ولی درخواست فرجام تبعی باید کتبی باشد .

مبحث پنجم ـ دراحضار اصحاب دعوی و ترتیب رسیدگی

ماده۵۴۸ ـ دیوان کشور هرگاه حضور طرفین را لازم بداند آنها را احضار مینماید والا بدون حضور طرفین رسیدگی خواهد کرد و درهرصورت رأی دیوان کشور قابل اعتراض نیست .

ماده۵۴۹ ـ برگهای احضاریه در خارج از طهران بدادگاه شهرستان یا دادگاه بخشی که احضار شونده در حوزه آن اقامت دارد فرستاده میشود و آن دادگاه مکلف‌است احضاریه را بمحض وصول ابلاغ ورسید آنرا بدفتر دیوان کشور ارسال دارد .

ماده۵۵۰ ـ رئیس شعبه هرموضوع درخواست فرجامی را بنوبت بیکی از کارمندان برای تهیه گزارش ارجاع مینماید .

ماده۵۵۱ ـ گزارش کارمند ممیزباید جامع یعنی‌حاوی جریان ماهیت دعوی وبررسی کامل دراطراف اعتراضات فرجام‌خواه وجهات‌قانونی‌مورد رسیدگی‌فرجامی بااستدلال باشد .

گزارش کارمند ممیز قبل از طرح در شعبه بدادسرای دیوان کشور فرستاده میشود که هرگونه اعتراض ونظری نماینده دادسرا نسبت بمندرجات آن داردکتباً اظهار نماید .

تخلف ازاین ماده مستلزم تعقیب انتظامی ومجازات قصوردرانجام وظیفه‌است .

ماده۵۵۲ ـ گزارش کارمند ممیزدرجلسه رسیدگی قرائت و پس‌ازاقرار قبول دادخواست شروع برسیدگی فرجامی در اصل دعوی میشود .

ماده۵۵۳ ـ هرگاه طرفین احضار شده باشند رئیس شعبه از آنها پرسشهای لازمه را مینماید ـ پرسش وپاسخ درصورت جلسه قید وبامضاء پاسخ دهنده میرسد .

ماده۵۵۴ ـ قبل از صدور رأی اگر کارمند ممیز لازم بداند گزارش خود را اصلاح مینماید .

ماده۵۵۵ ـ ترتیب رسیدگی و اتمام مذاکره و گرفتن رأی بطریقی‌است که برای رسیدگی در سایر دادگاهها مقرر است و قبل از صدور رأی دادستان دیوان

کشور و یانماینده او اظهار عقیده مینماید .

ماده۵۵۶ ـ منشی شعبه پس‌ازامضای رأی آنرا در دفترمخصوص باقید شماره وتاریخ ثبت مینماید .

ماده۵۵۷ ـ هر گاه علاوه برنوشتجات و برگهائیکه طرفین تقدیم کرده اند اطلاع بسایر نوشتجات مقتضی باشد دیوان کشور میتواند آن نوشتجاترا خواسته ملاحظه نماید .

ماده۵۵۸ ـ مقصود از رسیدگی فرجامی تشخیص اینست که حکم یا قرار مورد درخواست فرجامی موافق قانون صادرشده یا نه ـ درصورت اولی حکم یاقرار ابرام والا نقض خواهد شد .

مبحث ششم ـ درموارد نقض

ماده۵۵۹ ـ درموارد زیر حکم یا قرار نقض میشود :

۱ ـ اگر دادگاه که حکم یا قرار داده است خارج ازصلاحیت قانونی خود بدعوائی رسیدگی کرده .

۲ ـ هرگاه رسیدگی موافق صلاحیت قانونی دادگاه بوده ولی حکم یاقرار برخلاف قانون صادر شده باشد .

۳ ـ اگردعوی برخلاف اصول محاکمات رسیدگی شده وعدم رعایت اصول مذکوره بدرجه‌ای اهمیت دارد که حکم یا قرار را از اعتبار قانونی میاندازد .

٤ ـ اگراحکام یاقرارهائی مباین بایکدیگردریك موضوع وبین‌همان اصحاب دعوی یا قائم مقام آنها صادر شده باشد .

ماده۵٦۰ ـ حکم یا قرار هرگاه از دادگاهی صادر شده باشد کـه صلاحیت

ذاتی نداشته نقض خواهد شد اگرچه درهیچیك ازمراحل رسیدگی ایراد بصلاحیت دادگاه نشده باشد .

ماده۵۶۱ ـ اگر حکم یاقرار ازدادگاهی صادرشده باشد که صلاحیت نسبی نداشته فقط درصورتی نقض خواهد شد که به صلاحیت نسبی دادگاهی که حکم یا قرار را داده است درخود آن دادگاه مطابق قانون ایراد شده باشد .

ماده۵۶۲ ـ حکم یاقرارصادردرخصوص دعوائی مادام که حکم یاقرارباقوانینی که درزمان صدور آن لازم‌العمل بوده مخالف نباشد نقض نمیشود .

ماده۵۶۳ ـ هرگاه مفاد حکم یا قرار مطابق با یکی ازمواد قانونی است ولی اسباب موجه حکم یا قرار باماده قانونی دیگر که معنی دیگردارد تطبیق شده آن حکم یا قرار نقض میشود .

ماده۵۶۴ ـ اگر دردعوائیکه از قراردادی ناشی شده بمفاد صریح سند و یا بقانون وآئین‌نامه متعلق بآن قرارداد معنی دیگری داده شود حکم یا قرار صادر درآنخصوص نقض میشود .

ماده۵۶۵ ـ اصول وکیفیاتیکه برای‌تأیید مفاد قرار یاحکمی درخود حکم یاقرار مندرج دردیوان کشور محقق و معتبر است ولی چنانچه برگهائیکه اساس آن اصول وکیفیات است و یا از اسناد ونوشتجاتیکه طرفین درحین دادرسی ابراز کرده‌اند عدم صحت مندرجات مذکوره ثابت گردد حکم یا قرار نقض میشود .

ماده۵۶۶ ـ هرگاه در یکی از دادگاه‌ها برخلاف اصلی از اصول دادرسی بدعوائی رسیدگی شده باشد و عدم رعایت آن اصول بدرجه‌ای اهمیت داشته که در حکم یا قرار دادگاه مؤثر است در دومورد حکم یا قرار دادگاه نقض میشود :

۱ ـ درصورتیکه اصلی که رعایت نشده‌ازقواعد آمره یعنی جزو وظائف‌خود دادگاه باشد.

۲ ـ در صورتیکه اصلی که رعایت نشده از وظیفه خود دادگاه نبوده ولی با اعتراض اصحاب دعوی بدان رسیدگی نشده است.

ماده۵۶۷ ـ هرگاه درموضوع یك دعوی احکام مغایر صادر شده بدون‌اینکه اصحاب دعوی وصورت قضیه تغییر کرده ویا بسبب پژوهش واعاده دادرسی فسخ‌شده باشد حکم دوم در دیوان کشور نقض وحکم اول نیز درصورتیکه مخالف قانون باشد نقض خواهدشد اعم ازاینکه احکام مغایر ازیك‌دادگاه یااز دادگاههای متعدد صادر شده باشد.

ماده۵۶۸ ـ درصورت‌وجودیکی‌از موجبات‌نقض‌حکم‌یاقرار مورد استدعای فرجامی نقض میشود اگرچه فرجام خواه بآن جهتی که موجب نقض است استناد نکرده باشد.

ماده۵۶۹ ـ سهوواشتباه‌مذکور درماده۱۸۹ موجب نقض‌قرار یاحکم‌نخواهد شد ولی ذینفع میتواند درصورتیکه حکم یاقرار قبلا تصحیح نشده باشد ازدادگاهی که حکم یاقرار را داده‌است تصحیح آنرا بخواهد.

هرگاه سهوواشتباه مذکور در قراریاحکم فرجامی‌باشد تصحیح آن بادیوان کشور است.

ماده۵۷۰ ـ کسی غیراز فرجام خواه وطرف او از حکم دیوان کشور استفاده نمیکنند مگراینکه حکم‌قابل‌تجزیه وتفکیك نباشد که دراینصورت نسبت‌باشخاصی هم که حکم فرجامی شامل آنها بوده ودرخواست فرجام نکرده‌اند سرایت میکنند

مبحث هفتم ـ دراقدام دیوان کشور بعداز نقض

ماده۵۷۱ ـ دیوان کشور پس‌ازنقض حکم یاقرار رسیدگی درماهیت دعوی را بدادگاهیکه مطابق مواد زیر معین میشود ارجاع مینماید .

ماده۵۷۲ ـ اگرحکم بواسطه عدم صلاحیت دادگاه نقض شده دیوان‌کشور دعوی را مستقیماً بدادگاهی که صلاحیت رسیدگی را دارد محول میکند ودرسایر موارد بشعبه دیگر همان دادگاه کـه حکم منقوض را داده است رجوع مینمایـد و اگر دادگاه بیش از یك شعبه نداشته باشد ویا دارای شعبه دیگر بـوده ولی دیوان کشور ارجاع بدادگاه‌دیگری‌را مقتضی‌بداند دیوان کشور دادگاهی‌را که درعرض دادگاه صادر کننده حکم است معین ورسیدگی مجدد را بآن ارجاع مینماید .

ماده۵۷۳ ـ رسیدگی مجدد پس‌از نقض قرارهائیکه قابل فرجام است بهمان دادگاه وشعبه‌ای که قرار را داده‌است ارجاع خواهدشد .

ماده۵۷۴ ـ اگر یکی ازدوحکم یاقرار مغایر موافق قانون بوده و دیگری نقض شود مجدداً بدعوی رسیدگی نمیشود وهرگاه هردو حکم یا قرار نقض شود موافق ماده ۵۷۲ عمل خواهد شد .

ماده۵۷۵ ـ برای تجدید رسیدگی بدعـوی بعد از نقض تقدیم دادخواست جدید لازم نیست وارائه حکم دیوان کشور کافی است .

ماده۵۷۶ ـ هرگاه حکم یاقراری دردیوان کشور نقض شود وحکم یا قرار دادگاهیکه رسیدگی بدعوی پس‌ازنقض بآن ارجاع شده مستند به علل واسبابیکه حکم یاقرار منقوض مبنی برآن بوده است‌باشد ویکی‌ازطرفین نقض آن‌را بخواهد رسیدگی باین درخواست باید درهیئت عمومی دیوان کشور بعمل آید .

واگر آنحکم یاقرار مستنداً بهمان سبب یا اسبابیکه موجب نقض حکم یا

قرار اولی شده بود نقض شود .

دادگاهیکه رسیدگی بدعوی بآن ارجاع شده مکلف است از نظر دیوان کشور تبعیت نماید .

ماده ۵۷۷ ـ دراحکام دیوان کشور نام ومشخصات ومحل اقامت طرفین وحکم یاقراری که بدیوان کشور رجوع شده وخلاصه اعتراضات و دلائلی که فرجام خواه برای نقض حکم یاقرار اظهار کرده قید واسبابیکه موجب نقض یا ابرام حکم یا قرار میشود بطور روشن و کامل ذکر میگردد .

ماده ۵۷۸ ـ رونوشت احکام دیوان کشور بتوسط دادستان دیوان مذکور بوزارت دادگستری فرستاده میشود .

مبحث هشتم ـ درفرجامی که ازطرف دادستان درخواست میشود

ماده ۵۷۹ ـ هرگاه حکم یاقرار قطعی مخالف قانون صادر شده و هیچیك از طرفین دعوی در موعد مقرر درخواست رسیدگی فرجامی نکرده باشند دادستان دیوان کشور حق دارد برای محافظت قانون نسبت بآن حکم یا قرار فرجام بخواهد دراین مورد نقض دیوان کشور درباره اصحاب دعوی مؤثر نبوده وفقط برای حفظ قانون است .

ماده ۵۸۰ ـ درخواست فرجام از طرف دادستان دیوان کشور مدت ندارد و هروقت مطلع شد میتواند درخواست رسیدگی فرجامی نماید .

ماده ۵۸۱ ـ دررسیدگی فرجامی که درخواست آن از طرف دادستان شده هرگاه حکم یاقرار نقض شد بلاارجاع خواهد بود .

فصل دوم ـ دراعتراض شخص ثالث

ماده ۵۸۲ ـ اگر درخصوص دعوائی حکم یا قراری صادر شود که بحقوق

شخص ثالث خللی وارد آورد و آن شخص یا نماینده او درمرحله دادرسی که منتهی بحکم یا قرار شده است بعنوان اصحاب دعوی دخالت نداشته میتواند بر آن حکم یا قرار اعتراض نماید .

ماده ۵۸۳ ـ در مورد ماده قبل شخص ثالث حق دارد بهر گونه حکم و قرار صادر ازدادگاههای نخستین و پژوهشی اعتراض کند ونسبت بحکم داور نیز کسانی که خود یا نماینده آنها درتعیین داور شرکت نداشتهاند میتوانند بعنوان شخص ثالث اعتراض کنند .

ماده ۵۸۴ ـ اعتراض شخص ثالث بر دو قسم است : اعتراض اصلی و اعتراض طاری (غیراصلی) .

اعتراض اصلی عبارت از اعتراضی است که ابتدا از طرف شخص ثالث بشود .

اعتراض طاری (غیراصلی) اعتراض یکی ازطرفین است بحکم یاقراری که سابقاً دریك دادگاه صادرشده ودراثناء دادرسی طرف دیگر برای اثبات مدعای خود آن حکم یاقرار را ابراز نموده .

ماده ۵۸۵ ـ اعتراض اصلی باید بموجب دادخواست باشد و این دادخواست بدادگاهی داده میشود که حکم یاقرار معترض علیهرا صادر کرده است .

ترتیب دادرسی مانند دادرسی درمرحله نخستین است .

ماده ۵۸۶ ـ اعتراض طاری بدون اینکه محتاج بتقدیم دادخواست جدیدباشد در دادگاهی که دعوی درآنجا رؤیت میشود بعمل خواهد آمد ولی اگر درجه آن دادگاه پائینتر از دادگاهی باشد که حکم یا قرار معترض علیه را صادر کرده لازم است معترض دادخواستی بدادگاهی که حکم یاقرار را صادر کرده است تقدیم نماید وموافق اصول درآن دادگاه دادرسی میشود .

ماده ۵۸۷ ـ ممکن است اعتراض تاروز اجرای حکم معترض علیه بشود وبعد

از اجرای حکم معترض علیه نیز شخص ثالث میتواند اعتراض نماید مگر اینکه ثابت شود که حقوقی که اساس ومأخذ اعتراض است بجهاتی از جهات قانونی ساقط شده است .

ماده۵۸۸ ـ در صورت وقوع اعتراض طاری از طرف شخص ثالث هر گاه دادگاه تشخیص دهد حکمی که درخصوص اعتراض مذکور صادر میشود مؤثر در اصل دعوی خواهدبود حکم‌اصل‌دعوی‌را بتأخیر انداخته‌منتظر نتیجه دعوی‌اعتراض میشود والا بدعوی اصلی رسیدگی کرده رأی میدهد و هر گاه رسیدگی باعتراض موافق ماده ۵۸۶ باداد گاه دیگر باشد بمعترض ده روز با رعایت مدت مسافت مهلت داده میشود که بدادگاه مذکور دادخواست بدهد ودراین صورت هر گاه معترض‌در مدت مقرر دادخواست ندهد ویاپس‌از تقدیم دادخواست آنرا تاشصت روز مسکوت گذارد رسیدگی باصل دعوی تعقیب خواهد شد .

ماده۵۸۹ ـ اعتراض شخص ثالث اجرای حکم قطعی را بتأخیر نمی‌اندازد ولی اگر ثابت گردد که از اجرای حکم معترض علیه خطر یاضرری واقع خواهدشدکه جبران آن درآتیه ممکن نخواهد بود دادگاهی که دعوی اعتراض درآن اقامه شده است بعد از تحصیل تأمین از شخص معترض مطابق مقـررات راجعه بتأمین خواسته قراری درتأخیر اجرای حکم معترض علیه بمدت معینی میدهد .

ماده۵۹۰ ـ اگر دادگاهی که‌باعتراض شخص ثالث‌رسیدگی میکنداعتراض معترض‌را وارد دید قسمتی ازحکم معترض علیه را کـه بمنافع معترض خللی وارد میآورد الغاء وبقیه حکم بحال خود میماند لیکن اگر مفاد حکم غیر قابل تفکیک باشد تمام حکم الغاء میشود .

فصل سوم - دراعاده دادرسی

مبحث اول - درجهات اعاده دادرسي

ماده۵۹۱ - درصورت وجود یکی ازجهات اعاده دادرسی نسبت باحکام زیر ممکن است درخواست اعاده دادرسی نمود :

۱ - حکم حضوری پژوهشی .

۲ - حکم غیابی پژوهشی که مدت اعتراض آن منقضی‌شده باشد .

۳ - حکم حضوری مرحله نخستین که بطور قطعی صادر شده است .

٤ - حکم غیابی مرحله نخستین که‌مدت اعتراض آن منقضی شده وغیرقابل پژوهش صادر شده است .

ماده۵۹۲ - جهات اعاده دادرسی از قرار زیراست :

۱ - اگر درمطلبی که موضوع ادعاءِ نبوده است حکم صادر شده باشد .

۲ - اگر حکم بمقدار بیشتر ازخواسته صادر شده است .

۳ - درصورتیکه درمفاد یك‌حکم مواد متضاد باشد .

٤ - درصورتیکه حکم قطعی دادگاه مخالف باشد باحکم قطعی دیگری که سابقاً همان دادگاه درخصوص همان‌دعوی وبین‌اصحاب دعوی صادرکرده بدون‌اینکه سبب قانونی موجب این مغایرت باشد .

۵ - در صورتیکه طرف مقابل درخواست کننده اعاده دادرسی حیله وتقلبی نموده باشد که درحکم دادگاه مؤثر بوده .

٦ - اگر حکم دادگاه‌مستند باسنادی‌بوده‌است که بعداً مجعولیت آنها ثابت شده باشد .

۷ - اگر بعد از صدور حکم اسناد و نوشتجاتی یافت شود که دلیل حقانیت

درخواست کننده اعاده دادرسی بوده وثابت گردد که آن اسناد و نوشتجات را طرف مقابل مکتوم داشته ویاباعث کتمان آنها بوده .

مبحث دوم ـ درموعد اعاده دادرسی

ماده۵۹۳ ـ مهلت اعاده دادرسی برای اشخاص مقیم ایران ده روز است بعلاوه مدت مسافت وبرای کسانیکه در خارجه مقیمند دوماه و برای کشورهای دور مثل (امریکا ـ خاوردور واقیانوسیه) سه‌ماه ومهلت بطریق زیر شروع میشود :

۱ ـ نسبت باحکام حضوری ازتاریخ ابلاغ .

۲ ـ نسبت باحکام غیابی ازتاریخ انقضاء مدت اعتراض .

ماده۵۹۴ ـ اگر اعاده‌دادرسی بجهت متغایر بودن‌دوحکم باشد ابتداء مهلت ازتاریخ آخرین ابلاغ هریك ازدوحکم است .

ماده۵۹۵ ـ اگر سبب اعاده دادرسی مجعول بودن اسناد یاحیله وتقلب‌طرف مقابل باشد ابتداء مهلت اعاده دادرسی تاریخ ثبوت جعلیت یاحیله و تقلب بموجب حکم نهائی است .

ماده۵۹۶ ـ هرگاه سبب اعاده دادرسی وجود اسناد مکتومه باشد مهلت از تاریخ وصول‌نوشتجات مکتومه بصاحب‌آن شروع میشود وتاریخ مزبوربايد به‌اقرار درداد گاه ویابسند کتبی محرزشود .

ماده۵۹۷ ـ مفاد ماده ٤٨٦ و٤٨٧ در اعاده دادرسی رعایت میشود .

مبحث سوم ـ درترتیب استدعاي اعاده دادرسی ورسیدگي

ماده۵۹۸ ـ اعاده دادرسی بردوقسم است : ۱ ـ اصلی ۲ ـ طاری

اعاده دادرسی اصلی است درصورتیکه‌درخواست کننده اعاده دادرسی مستقلا درخواست اعاده دادرسی نماید .

وطاری است وقتی که درائنای دادرسی حکم بطور دلیل ابراز ومحکوم علیه که حکم درمقابل او ابراز شده نسبت بآن درخواست اعاده دادرسی کند .

ماده۵۹۹ ـ دادخواست‌اعاده دادرسی اصلی‌بایدبدادگاهی داده شود که‌حکم مورد درخواست اعاده دادرسی از آن دادگـاه صادر شده است و دادخواست اعـاده دادرسی طاری باید بدادگاهی داده شود که‌حکم درآنجابطور دلیل ابراز شده‌است.

ماده۶۰۰ ـ دادگاهیکه دادخواست اعاده دادرسی طاری بآنجا داده شده‌است دادخواست را بدادگاه صادر کننده حکم میفرستد و هرگاه دادگاه تشخیص دهـد حکمی که درخصوص درخواست اعاده دادرسی صادر میشود مؤثر در دعوی است و نیز دلائل درخواست را قوی بداند رسیدگی بدعوی‌را که مطرح است در آنقسمت که حکم‌راجع باعاده دادرسی‌مؤثر است تاصدور حکم نسبت باعاده دادرسی بتأخیر میاندازد والا رسیدگی‌را تعقیب نموده ودردعوی طرح شده حکم میدهد .

ماده۶۰۱ ـ در دادخواست اعاده دادرسی باید نوشته شود :

۱ ـ نام و اقامتگاه وسایر مشخصات درخواست کننده اعاده دادرسی و طرف اعاده دادرسی .

۲ ـ حکمی که مورد درخواست اعاده دادرسی است .

۳ ـ دادگاهی که حکم داده است .

۴ ـ جهتی که موجب اعاده دادرسی شده است .

درصورتیکه دادخواست اعاده دادرسی‌را وکیل داده باشد باید نام ومشخصات او در دادخواست معین ووکالتنامه پیوست دادخواست شود .

ماده۶۰۲ ـ درخواست اعاده دادرسی اجرای حکمی که مورد اعاده دادرسی است بتأخیر نمیاندازد .

ماده۶۰۳ ـ درمورد اعاده دادرسی هیچ جهتی بجز آنچه که در دادخواست موجب اعاده دادرسی قرار داده شده مورد رسیدگی واقع نمیشود .

ماده۶۰۴ ـ درصورت قبول اعاده دادرسی اگر حکم اجراءِ نشده باشد بتأخیر میافتد واگراعاده دادرسی راجع بیک قسمت ازحکم باشد اجرای آن قسمت بتأخیر افتاده وبقیه اجراء میشود .

ماده۶۰۵ ـ اگر اعاده دادرسی قبول شود حکم مورد اعاده دادرسی فسخ و دادگاه حکم مجدد میدهد مگر اینکه درخواست اعاده دادرسی راجع بیک قسمت حکم باشد که دراینصورت فقط آن قسمت فسخ یااصلاح خواهد شد .

ماده۶۰۶ ـ اگر جهت اعاده دادرسی مغایر بودن دوحکم باشد دادگاه بعد ازقبول دادخواست اعادهدادرسی ورسیدگی حکم‌ثانی‌را فسخ وحکم اول بقوت‌خود باقی خواهد بود .

ماده۶۰۷ ـ نسبت بحکمی که درنتیجه درخواست اعاده دادرسی صادرمیشود دیگر اعاده دادرسی پذیرفته نخواهد شد .

ماده۶۰۸ ـ هرگاه یکی از طرفین دعوی نسبت بحکمی درخواست اعاده دادرسی نماید طرف دیگر میتواند در مقابل آن شخص مادامی که جریان اعاده دادرسی خاتمه نیافته از همان حکم نسبت به محکومیت خود در صورت وجود یکی از جهات اعاده دادرسی تبعاً درخواست اعاده دادرسی نماید هرچند مدت مقرر برای اعاده دادرسی نسبت باو منقضی شده باشد .

ماده۶۰۹ ـ ترتیب درخواست اعاده دادرسی تبعی مطابق ترتیب پژوهش تبعی است .

ماده۶۱۰ ـ در اعاده دادرسی غیر ازطرفین دعوی شخص دیگری بهیچ‌عنوان نمیتواند داخل در دعوی شود .

باب ششم ـ در مواعد

فصل اول ـ در تعیین و حساب مواعد

ماده ۶۱۱ ـ مواعدی را که قانون معین نکرده دادگاه معین خواهد کرد و موعدی را که دادگاه معین میکند باید موافقت داشته باشد با امکان انجام امری که برای آن موعد معین‌میشود و موعد بسال یا ماه یاهفته یا روزمعین خواهد شد.

ماده ۶۱۲ ـ سال دوازده ماه است ـ مطابق با مـاه شمسی است و کسری آن از قرار ماهی سی روز حساب میشود ـ هفته هفت روز تمام وروز بیست وچهار ساعت است.

ماده ۶۱۳ ـ هر گاه روزآخر موعد مصادف‌شود با روزتعطیل ادارات‌آنروز که تعطیل است بحساب نمیآید وروز آخر موعد روزی خواهد بود که ادارات بعد از تعطیل باز میشود.

ماده ۶۱۴ ـ مواعدی که ابتداء آن تاریخ ابلاغ یا اعلام است روز ابلاغ و اعلام و همچنن روز اقدام جزءِ مدت محسوب نمیشود.

ماده ۶۱۵ ـ هر گاه اقامتگاه اصحاب دعوی خارج از مقر دادگـاه باشد بر موعد قانونی نسبت بکسانیکه اقامتگاه آنها در داخله کشور است ازقرار هر سی‌و شش کیلومتر یکروز علاوه میشود.

کسر ازسی‌وشش کیلومتر درصورتیکه کمتر ازهیجده کیلومترباشد بحساب نمیآید واگر هیجده کیلومتر یازیادتر باشد یکروز برای‌آن منظور میشود واگر اقامتگاه اصحاب دعوی در خارجه باشد موعد دو ماه و برای کشور های دور مثل (امریکا ـ خاور دور ـ اقیانوسیه) سه ماه است.

ماده ۶۱۶ ـ هر گاه درروزی که برای حضور اصحاب دعوی درداد گاه معین

شده دادگاه مانعی برای رسیدگی داشته باشد انقضای مدت روزی خواهد بود که دادگاه برای رسیدگی معین کرده وحاضرباشد .

ماده۶۱۷ ـ مواعدی که دادگاه روز و تاریخ انقضاءِ آن را معین کرده است درهمان روز وتاریخ منتشرمیشود .

فصل دوم ـ دردادن مهلت و تجدید موعد

ماده۶۱۸ ـ دادن مهلت در مواعدی که ازطرف دادگاه معین میشود فقط یکدفعه جایزاست باستثنای دومورد زیر :

۱ ـ درصورت تراضی متداعیین یا اصحاب دعوی .

۲ ـ درصورتیکه درخواست کننده مهلت ثابت نماید که عدم انجام کاری که دادگاه خواسته است بواسطه حدوث موانعی بوده که رفع آن موانع درحیطهٔ اقتدار درخواست کننده نموده است .

ماده۶۱۹ ـ تجدیدمدت قانونیدرمورد اعتراض بحکم غیابی وشکایتپژوهشی وفرجامی و اعاده دادرسی نسبت بحکم و قرار دادگاه ممنوع است مگر در موردی که قانون تصریح کرده باشد .

ماده۶۲۰ ـ دادن مهلت پس از انقضای موعدیکه در قانون معین شده درغیر موارد مذکوردرماده فوق وقتیقبول میشود که بدادگاه ثابت شود که دراعلام مهلت سهو یا خطائی شده که بآن جهت استفاده از مهلت ممکن نبوده است و یا درخواست کننده مهلت ثابت نماید که عدم استفاده ازموعد بواسطه موانعی بوده که رفع آن موانع درحیطه اقتدار درخواست کننده نبوده است .

ماده۶۲۱ ـ بیماری اصحاب دعوی را با امکان توکیل نمیتوان موجب عدم

استفاده ازموعد وجهت استمهال قرارداد .

ماده۶۲۲ ـ درصورت قبول درخواست مهلت موعد جدیدی معین میشود و این موعد نباید بیش از موعدی که قانوناً مقرراست باشد .

باب هفتم ـ درسازش

ماده۶۲۳ ـ درهرمرحله ازمراحل و هر دور از ادوار دادرسی مدنی طرفین دعوی میتوانند منازعه خود را بطریق سازش خاتمه دهند .

ماده۶۲۴ ـ سازش اصحاب دعوی درمرحله رسید گی فرجامی باعث موقوف شدن رسید گی‌فرجامی‌نخواهد شد وطرفین میتوانند نتیجه سازش‌خود را بدادگاهی که ازحکم آن رسید گی فرجامی خواسته شده و یا درصورت نقض رسید گی بآن داد گاه ارجاع گردیده و یا داد گاه صالح دیگر اظهار نمایند .

حکمی که بعد ازوقوع صلح ازدیوان کشور صادرمیشود اثری برای اصحاب دعوی نداشته و فقط برای محافظت قانون است .

ماده۶۲۵ ـ درصورتیکه دردادرسی مدعی یا مدعی‌علیه متعدد باشد هر کدام از آنان میتوانند علیحده ازسایرین باطرف یااشخاصیکه طرف هستند سازش‌نمایند .

ماده۶۲۶ ـ سازش دعوی بین‌طرفین یا دردفتر اسناد رسمی واقع میشود و یا درداد گاه ونیزممکن است سازش درخارج ازداد گاه واقع شده و صلح نامه غیررسمی باشد .

ماده۶۲۷ ـ هر گاه سازش در دفتراسناد رسمی واقع شده باشد داد گاه ختم امر را بموجب سازش درپرونده کار قید مینماید و اجرای آن تابع مقررات راجع باجراء مفاد اسناد لازم‌الاجراء خواهد بود .

ماده۶۲۸ ـ هر گاه سازش در دادگاه واقـع شود دادگاه پس از خواستن توضیحات لازمه نسبت به موضوع سازش و شرایط آن سازش را بترتیبی که واقع شده است در صورت مجلس نوشته و این صورت بامضای دادرس دادگاه و طرفین میرسد .

ماده۶۲۹ ـ هر گاه سازش درخارج ازدادگاه واقع شده وصلحنامه غیررسمی باشد طرفین باید در دادگاه حاضر شده و بصحت آن اقرار نمایند ـ اقرار طرفین در صورت مجلس نوشته شده و بامضاء دادرس دادگاه و طرفین میرسد .

ماده۶۳۰ ـ مفاد صلح نامه که مطابق دوماده فوق تنظیم میشود نسبت‌بطرفین ووراث وقائم‌مقام آنها نافذ ومعتبراست ومانند احکام دادگاههای دادگستری بموقع اجرا گذاشته میشود اعم ازاینکه موردسازش مخصوص‌بدعوی مطروحه بوده یاشامل دعاوی یا امور دیگری باشد .

ماده۶۳۱ ـ هر گاه سازش‌نشود گذشت‌هائی که طرفین هنگام تراضی بسازش کرده‌اند لازم‌الرعایه نیست .

باب هشتم ـ در داوری

ماده۶۳۲ ـ کلیه اشخاصی که اهلیت اقامه دعوی را دارند میتوانند منازعه و اختلاف خود را اعم از اینکه در دادگاههای دادگستری طرح شده یا نشده باشد و درصورت طرح درهرمرحله که‌باشد بتراضی به‌داوری یك یاچندنفررجوع کنند .

ماده۶۳۳ ـ متعاملین میتوانند در ضمن معامله یا بموجب قرارداد علیحده ملتزم شوند که در صورت بروز اختلاف بین آنها رفع اختلاف بداوری بعمل‌آید و نیزمیتوانند داور یاداورهای خودرا قبل‌ازتولید اختلاف معین کنند معذلك درمورد معاملات واقع بین‌اتباع ایران واتباع خارجه طرف ایرانی نمیتواندمادام که اختلاف

تولید نشده است بنحوی از انحاء ملتزم شود که در صورت بروز اختلاف حل آنرا بداوری یك یا چندنفر و یا بداوری هیئتی رجوع نمایند که آن شخص یا اشخاص ویا آن‌هیئت دارای همان تابعیت‌باشد که طرف معامله دارد و هرقراردادی که مخالف این حکم باشد در قسمتی که مخالفت دارد باطل و بلااثر است.

ماده۶۳۴ ـ در قرارداد داوری باید نکات زیر ذکرشود:

۱ ـ مشخصات طرفین و داورها از نام و نام خانوادگی وغیره بطوریکه رافع اشتباه باشد.

۲ ـ موضوع اختلاف که باید بطریق داوری قطع شود.

ماده۶۳۵ ـ درمورد ماده۶۳۳ هرگاه طرفین داور یاداورهای خودرا درضمن معامله یا قرارداد معین نکرده باشند و درموقع بروز اختلاف یکطرف داور خودرا معین ننماید طرف دیگر میتواند داور خود را معین کرده بوسیله اظهارنامه رسمی او را بطرف مقابل معرفی و درخواست نماید که داور خود را معین ومعرفی کند در اینصورت طرف مکلف است که در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اظهارنامه و بارعایت مدت مسافت داور خود را معین و اعلام کند و هرگاه تا انقضاءِ مدت مذکور اقدام ننمود دادگاهی که صلاحیت‌رسیدگی بموضوع اختلاف‌را دارد بدرخواست طرفیکه داور خود را معین کرده است داور طرف دیگر را معین خواهد نمود.

ماده۶۳۶ ـ در مورد ماده قبل هرگاه نسبت باصل معامله یا قرار داد راجع بداوری بین‌طرفین اختلافی‌باشد دادگاه قبلا بآن‌رسیدگی کرده پس‌ازاحرازمعامله وقرارداد داور ممتنع را معین مینماید ولی مادام که داورمعین ازطرف‌دادگاه بداور طرف ابلاغ نشده است طرف ممتنع میتواند داور خود را معین و معرفی کند.

ماده۶۳۷ ـ ترتیب‌مذکور در دوماده فوق درموارد زیرنیزرعایت خواهدشد:

۱ ـ هرگاه بموجب قرارداد بین طرفین حل اختلاف باید بداور واحد رجوع شود و طرفین نخواهند یا نتوانند در انتخاب داور نامبرده تراضی نمایند.

۲ ـ درصورتیکه داور یکی از طرفین فوت شود یا استعفاء دهد وطرف نامبرده نخواهد جانشین او را معین کند.

۳ ـ درصورتیکه طرفین نخواهند یا نتوانند درانتخاب داور ثالث تراضی نمایند.

٤ ـ درصورتیکه انتخاب داور ثالث بشخصی واگذار شده و آنشخص از تعیین داور امتناع نماید و یا تعیین داور از طرف او غیرممکن باشد.

ماده ٦۳۸ ـ دادگاه صلاحیت دار برای تعیین داور دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد.

ماده ٦۳۹ ـ هرگاه ضمن معامله یابرحسب قراردادعلیحده طرفین ملتزم شده باشند که در صورت بروز اختلاف بین آنها شخص معینی داوری نماید و آن شخص نخواهد یا نتواند بعنوان داوری رسیدگی کند رسیدگی باختلاف راجع بدادگاه صلاحیت دار خواهد بود مگر آنکه تراضی بداوری دیگری شود.

ماده ٦۴۰ ـ هرگاه در قرارداد داوری عده داورها معین نشده باشد وطرفین نتوانند درتعیین عده داروها توافق کنند هریك از طرفین باید یکنفر داوراختصاصی و هر دو متفقاً یکنفر داور ثالث معین کنند.

ماده ٦۴۱ ـ درغیرموردیکه طرفین درضمن معامله یابرحسب قراردادعلیحده ملتزم شده‌اند که در صورت بروز اختلاف بین آنها شخص معینی داوری نماید اگر در قرارداد داوری مدت اختیار داور ها معین نشده باشد مدت دو ماه خواهد بود و ابتدای آن از روزی است که تمام داورها کتباً قبول داوری را کرده‌اند.

ماده ٦۴۲ ـ در موردیکه دادگاه بجای طرفین یا یکی از آنها تعیین داور

میکنند باید از بین لااقل دو برابر عده‌ای که برای داوری لازم است و واجد شرایط مقرره هستند داور یا داورهای لازم را بطریق قرعه معین نماید .

ماده ۶۴۳ ـ اشخاصی‌را که بواسطه محکومیت جنائی یابحکم دادگاه جنحه از حق داوری محروم هستند نمیتوان بداوری معین کرد ولو بتراضی .

ماده ۶۴۴ ـ اشخاص مذکور زیر بوسیله قرعه بداوری انتخاب نمیشوند :

۱ ـ کسانیکه سن آنها کمتر از سی سال باشد .

۲ ـ کسانی که در مقر دادگاهی که داور را معین میکنند مقیم یا ساکن نیستند .

ماده ۶۴۵ ـ اشخاص مذکوره زیر را نمیتوان بقید قرعه بسمت داور مشترك معین کرد مگر بتراضی طرفین :

۱ ـ کسیکه در دعوی ذینفع باشد .

۲ ـ اشخاصی که با یکی از اصحاب دعوی قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم دارند .

۳ ـ کسیکه قیم یا کفیل یا وکیل یامباشر امور یکی‌ازاصحاب دعوی‌است یا یکی از اصحاب دعوی مباشر امور اوست .

٤ ـ کسیکه خود یا زوجه‌اش وارث یکی از اصحاب دعوی است .

۵ ـ کسیکه با یکی از اصحاب دعوی یا با اشخاصیکه قرابت نسبی یاسببی تا درجه دوم از طبقه سوم بایکی ازاصحاب دعوی دارند دادرسی جنائی یا جنحه‌ای سابقاً یا فعلاً داشته باشد .

٦ ـ کسیکه شخصاً یا زوجه او ویا یکی ازاقربای سببی یا نسبی تادرجه‌دوم از طبقه سوم او با یکی از اصحاب دعوی یا زوجه ویا یکی از اقربای نسبی یاسببی تا درجه دوم از طبقه سوم او دادرسی مدنی دارد .

۷ ـ دادرسان وصاحبمنصبان دادسرا و حکام وسایر کارمندان دولت درحوزه مأموریت آنها .

ماده ٦۴٦ ـ درصورتیکه داور بقرعه معین شود هریك از طرفین حق دارد از تاریخ اعلام در جلسه درصورت حضور و ازتاریخ ابلاغ تا ده روز درصورت غیبت داور تعیین شده را رد کند مگراینکه موجبات رد بعداً حادث شود که دراینصورت ابتداء مدت روزی است که علت رد حادث گردد ـ دادگاه پس از وصول اعتراض رسیدگی کرده هرگاه اعتراض را وارد دید داور دیگری را بجای داور مردود معین میکند .

ماده ٦۴۷ ـ دادگاه پس ازتعیین‌داور ورقه‌ای مشتمل برنام و مشخصات‌طرفین و موضوع دعوی ونام داورها ومدت داوری درصورتیکه معین شده‌باشد تنظیم‌نموده و بداورها ابلاغ مینماید .

ماده ٦۴۸ ـ بعد ازتعیین داور یا داورها طرفین حق‌عزل آنها را ندارند مگر بتراضی یکدیگر .

ماده ٦۴۹ ـ پس از قبول داوری داورها حق استعفاء ندارند مگر درصورت داشتن عذر موجه از قبیل مسافرت یا ناخوشی امثال آن ـ داوری که بدون داشتن عذر موجه استعفاء دهد تا پنج سال بقرعه بداوری معین نخواهد شد .

تبصره ـ هرگاه یکی ازداورهای اختصاصی در ثلث‌آخر مدت داوری استعفا بدهد استعفای اوکان‌لم یکن و درحکم ممتنع خواهد بود .

ماده ٦۵۰ ـ هرگاه داور ها در مدت معین در قرار داد داوری یا مدتیکه قانون معین کرده است رأی ندهند داوری آنان کان‌لم‌یکن خواهدبود مگر اینکه طرفین مدت جدیدی قرار بدهند .

ماده ۶۵۱ ـ شخص ثالثی کـه مطابق قانون جلب شده یا قبل و یا بعد از ارجاع اختلاف بداوری وارد دعوی‌میشود میتواند با طرفین دعوی اصلی درارجاع امر بداوری و تعیین داور یا داورهای تعیین شده تراضی کند واگر موافقت حاصل نگردید بدعوی او مطابق مقررات مستقلا رسیدگی خواهد شد .

ماده ۶۵۲ ـ طرفین باید اسناد و مدارك خودرا بداورها بدهند و داورها نیز میتوانند توضیحات لازمه را از آنها بخواهند .

ماده ۶۵۳ ـ هرگاه درضمن رسیدگی‌اوضاع واحوالی‌کشف شود که مربوط بجنحه یا جنایت و در رأی داور مؤثر بوده و تفکیك جهة مدنی از جزائی ممکن نباشد و همچنین درصورتیکـه دعوی مربوطه به نکاح یا طلاق یا نسب بوده و رفع اختلاف در امری که راجع بداوری شده متوقف بررسیدگی باصل نکاح یاطلاق یا نسب بشود رسیدگی داور ها تا صدور حکم قطعی از دادگاه صلاحیت دار نسبت بموضوع امر جزائی یا نکاح یا طلاق یا نسب متوقف میماند .

ماده ۶۵۴ ـ دعوی جعل وتزویر درسند بدون تعیین جاعل و مزور ویا در صورتیکه تعقیب جاعل و مزور بجهتی از جهات قانونی ممکن نباشد از قبیل امور جنحه و جنایت مذکور در ماده قبل نیست .

ماده ۶۵۵ ـ حکم قطعی مذکور درماده ۶۵۳ بتوسط دادگاه ارجاع کننده دعوی بداوری بداور ابلاغ میشود وآنچه از مدت داوری درزمان توقیف رسیدگی داورها باقی بوده از تاریخ ابلاغ حکم مزبور حساب میشود و هرگاه دعوی بدون طرح درداد گاه بداور ارجاع شده باشد حکم قطعی را درهریك ازامور مذکور در ماده ۶۵۳ بدرخواست یکی ازطرفین دادگاهی که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد ابلاغ مینماید و داورها نمیتوانند برخلاف مفاد حکمی که در امر جزائی

یا نکاح یا طلاق یا نسب صادر شده رأی بدهند .

ماده ۶۵۶ ـ در موارد زیر داوری از بین میرود :

۱ ـ درصورت تراضی کتبی طرفین .

۲ ـ درصورت فوت یا حجر یکی از طرفین .

ماده ۶۵۷ ـ داورها در رسیدگی و رأی تابع اصول محاکمه نیستند ولی باید شرایط قرارداد داوری را رعایت کنند .

ماده ۶۵۸ ـ رأی داور باید موجه و مدلل بوده و مخالف با قوانین موجد حق نباشد.

ماده ۶۵۹ ـ درصورتیکه داورها اختیار صلح داشته باشند میتوانند دعوی را به صلح خاتمه دهند در اینصورت صلح نامه‌ای که بامضای داورها رسیده باشد قابل اجراءِ خواهد بود .

ماده ۶۶۰ ـ اگر یکی از داورها درجلسه‌ای که برای رسیدگی یا مشاوره با اطلاع او معین شده حاضر نشود یا حاضر شده و از دادن رأی امتناع نماید رأیی که با کثریت صادر میشود مناط اعتبار است هر چند کــه در قرارداد داوری اتفاق شرط شده باشد ـ عدم حضور یا امتناع داور از دادن رأی یا از امضاء آن باید در برگ حکم قید شود .

ماده ۶۶۱ ـ پس ازرسیدگی رأی داور مدیر دفتر دادگاه ارجاع کننده دعوی بداور یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد بامر رئیس دادگاه اصل رأی را بایگانی نموده و رونوشت گواهی شده آنرا برای ابلاغ باصحاب دعوی میفرستد .

ماده ۶۶۲ ـ هرگاه محکوم‌علیه تا ده روز بعد ازابلاغ حکم باو طوعاً حکم را اجراءِ نکرد دادگاه ارجاع کننده دعوی بداوری ویادادگاهی که صلاحیت رسیدگی

باصل دعوی را دارد مکلف است بدرخواست طرف ذینفع بر طبق رأی داور برگ اجرائی صادر کند .

ماده ۶۶۳ ــ هرگاه طرفین رأی داور را باتفاق بعضاً یا کلا رد کنند آن رأی در قسمت مردود اتفاقی بلااثر خواهد بود .

ماده ۶۶۴ ــ تصحیح حکم قبل از انقضاء مدت‌داوری با داور و بعد از انقضاء مدت با دادگاه صلاحیت دار است .

ماده ۶۶۵ ــ در موارد زیر رأی داور اساساً باطل و غیرقابل اجراء است :

۱ ــ درصورتیکه رأی مخالف با قوانین موجد حق باشد .

۲ ــ وقتی که داور نسبت بمطلبی که موضوع داوری نبوده‌است رأی داده یا رأی داور پس از انقضاءِ مدت داوری صادر شده باشد .

۳ ــ درصورتیکه رأی داور با آنچه در دفتر املاك یا بین اصحاب دعوی در دفتر اسنادرسمی ثبت‌شده و بجهتی ازجهات قانونی ازاعتبار نیفتاده‌است مخالف‌باشد .

هرگاه داور خارج از حدود اختیار خود رأی داده باشد فقط آن قسمتی از رأی که خارج از حدود اختیار داور بوده باطل است .

ماده ۶۶۶ ــ در مورد ماده فوق هریك از طرفین میتوانند از دادگاهی که دعوی را ارجاع بداوری کرده یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد حکم به‌بطلان رأی داور را بخواهد دراینصورت دادگاه‌مکلف‌است بدرخواست رسیدگی کرده هرگاه رأی برطبق ماده فوق باطل باشد حکم به بطلان آن بدهد ورسیدگی باصل دعوی تاقطعی شدن حکم بطلان رأی داور متوقف میماند .

ماده ۶۶۷ ــ درمورد ماده قبل هرگاه برگ اجرائی صادر شده باشد دادگاه باید فوراً و قبل از تعیین جلسه بدلائل درخواست کننده توجه کرده هرگاه دلائل

را قوی یافت قراری دائر بتوقیف عملیات اجرائی صادر نماید .

ماده ۶۶۸ ـ در صورتیکه دعوی در مرحله فرجامی رجوع بداوری شده باشد درخواست اجراء و تصحیح حکم و همچنین حکم به بطلان آن باید از دادگاهی بعمل آید که حکم مورد درخواست فرجامی را داده است .

ماده ۶۶۹ ـ رأی داور فقط در باره طرفین دعوی واشخاصیکه دخالت وشرکت در تعیین داور داشته و قائم مقام آنان نافذ است و نسبت باشخاص خارج تأثیری نخواهد داشت .

ماده ۶۷۰ ـ حق الزحمه داورها بعهده طرفین است مگر آنکه درقرارداد داوری ترتیب دیگری برای پرداخت حق الزحمه مقرر شده باشد .

ماده ۶۷۱ ـ حق الزحمه داوری تاصد هزار ریال خواسته پنج درصد و نسبت بمازاد ازصدهزار ریال تاپانصد هزار ریال خواسته سه درصد ونسبت بمازاداز پانصد هزار ریال دودرصد خواسته میباشد .

ماده ۶۷۲ ـ مقدار حق الزحمه داور در مواردیکه خواسته مالی نیست و یا تعیین قیمت آن ممکن نیست بنظر دادگاه معین می‌شود .

ماده ۶۷۳ ـ درصورتیکه داورمتعدد باشدحق الزحمه داوری بالسویه بین آنها تقسیم میشود .

ماده ۶۷۴ ـ هرگاه بین داور واصحاب دعوی قرار دادی در خصوص میزان حق الزحمه شده باشد مطابق قرارداد عمل میشود مشروط باینکه زاید از میزان مذکور درماده ۶۷۱ نباشد .

ماده ۶۷۵ ـ دعاوی مذکوره زیر قابل ارجاع بداوری نیست :

۱ ـ دعوی ورشکستگی .

۲ ـ دعاوی راجع باصل نکاح وطلاق وفسخ نکاح ونسب .

ماده۶۷۶ ـ در مورد اختلافات بین زن و شوهر راجع بسوء رفتار و عدم تمکین ونفقه و کسوه وسکنی ونیز هزینه طفلی که درعهده شوهر و در حضانت زن باشد از طرف هریك از زوجین طرح شود دادگاهها مـی توانند بدر خواست هریك از طرفین دعوی را ارجـاع بداوری نموده ودر صورت عدم تراضی آنها در تعیین داور لااقل دونفر را ازبین اقرباء طرفین ودر صورتیکه در محل سکونت خود اقرباء نداشته باشند از اشخاصیکه بـا آنها معاشرت و دوستی دارند تعیین کنند ـ داور ها مکلفند حتی الامکان سعی در اصلاح بین زوجین نموده و در صورتیکـه قادر باصلاح نشوند رأی خود را در تشخیص ذیحق بودن یکی از طرفین وتعیین میزان هزینه زن یاطفل در صورتیکه موضوع دعوی هزینه زن باشد بدادگاه تقدیم دارند .

اگر بین داورها (درصورتیکه عده آنها زوج باشد) توافق نظر حاصل نشود آنها میتوانند یکنفر را بعنوان داور ثالث بتراضی انتخاب نمایند وچنانچه درتعیین داور ثالث تراضی نشود دادگاه بقرعه تعیین مینماید ودر این صورت اکثریت آراء آنها مناط اعتبار است ـ دادگاه در انتخاب داور ها باید اتصاف آنهارابحسن اخلاق رعایت نماید .

هریك ازطرفین میتوانند در صورتیکه از رأی داور ها شکایت داشته باشند اعتراضات خود را در ظرف یکماه بعد از ابلاغ رأی بدادگـاه بدهد و دادگـاه در صورتیکه اعتراضات اورا وارد بداند بموضوع رسیدگی کرده حکم میدهد .

مرجع دعاوی فوق الذکر دادگاه شهرستان است و در نقاطیکـه دادگاه شهرستان نباشد دادگاه بخش است .

ماده ۶۷۷ – دردعاوی راجع بتخلیه عین مستأجره ازقبیل دکان ومغازه دادگاه میتواند بدرخواست یکی از طرفین دعوی را ارجاع بداور نماید مشروط براینکه درخواست مذکور ازطرف مدعی در دادخواست و ازطرف مدعی علیه در محاکمات عادی درمدتیکه برای اولین لایحه پاسخ نامه مقرر است و درمحاکمات اختصاری تا جلسه اول دادرسی بعمل آید .

ماده ۶۷۸ – درمورد ماده فوق ازحکم داوری که بقرعه معین شده ممکن است درظرف ده روز پس از ابلاغ درخواست تجدید نظر نمود مگر اینکه این حق را طرفین اسقاط کرده باشند .

ماده ۶۷۹ – هیئت تجدید نظر تشکیل میشود ازسه نفر ازاشخاصیکه بتراضی طرفین و درصورت عدم تراضی بقرعه انتخاب میشوند .

حکم هیئت تجدید نظر قطعی است .

ماده ۶۸۰ – مقررات راجع بداورهای بدوی از حیث مدت داوری و ترتیب تعیین داور و بطلان رأی و غیره شامل داورهای تجدید نظر نیز هست ودرصورتیکه مدت داوری تجدید نظر منقضی و داور ها رأی ندهند یا بطلان رأی آنها را دادگاه اعلام کند بدرخواست یکی از طرفین دادگاه بدعوی رسیدگی کرده و رأی میدهد .

باب نهم – درهزینه دادرسی و دفتر

فصل اول – هزینه دادرسی

ماده ۶۸۱ – هزینه دادرسی عبارت است :

۱ – هزینه برگهائی که بدادگاه داده میشود .

۲ – هزینه قرار واحکام .

ماده ۶۸۲ ـ هزینه دادخواست کتبی یا شفاهی اعم از دادخواست بدوی و متقابل و اعتراض بحکم غیابی و اعتراض شخص ثالث و دادخواست پژوهشی و دادخوست اعاده دادرسی وفرجامی وهزینه وکالت‌نامه وبرگ اجرائی دردادگاههای بخش پنجاه دینار و درسایر دادگاهها یکریال است .

ماده ۶۸۳ ـ هزینه احکام در دعاوی که قیمت خواسته معین است بترتیب زیر میباشد :

الف ـ دردعاوی مرحله نخستین نیم درصد نسبت بقیمت خواسته .

ب ـ در دعاوی مرحله پژوهشی و اعتراض بحکم غیابی مرحله نخستین و پژوهشی یك در صد نسبت به مبلغ محکوم به که مورد شکایت پژوهشی و اعتراض است .

ج ـ در اعتراض شخص ثالث خواه در مرحله نخستین باشد یا پژوهشی و درخواست فرجامی واعاده دادرسی یك ونیم درصد نسبت بمبلغ محکوم به که مورد اعتراض یا شکایت فرجامی یا اعاده دادرسی است .

د ـ هزینه حکمی که پس از نقض فرجامی صادر میشود ربع درصد $(\frac{1}{400})$ نسبت به محکوم به حکمی است که مورد رسیدگی مجدد واقع میشود .

ماده ۶۸۴ ـ در صورتی که خواسته مالی نباشد و همچنین در دعوی تصرف عدوانی و رفع مزاحمت و ممانعت و افراز وتقسیم وحقوق ارتفاقی هزینه دادرسی در دادگاه‌های بخش ده ریال و در سایر دادگاهها بیست و پنج ریال است .

ماده ۶۸۵ ـ هزینهٔ تأمین دلیل پنج ریال است .

ماده ۶۸۶ ـ هزینهٔ حکم در موقع دادن دادخواست باید داده شود و در صورتی که تعیین قیمت خواسته در وقت دادن دادخواست ممکن نباشد در موقع

دادن دادخواست درداد گاههای بخش دو ریال ودر داد گاههای شهرستان پنج‌ریـال گرفته میشود وبقیه بعد از تعیین خواسته وصدور حکم اخذ خواهد شد و داد گاه مکلف است قیمت خواسته را قبل‌از صدور حکم معین نماید . هزینه‌حکمی که‌پس ازنقض فرجامی صادر میشود پس ازصدور حکم ازمحکوم له گرفته میشود .

ماده۶۸۷ ـ هزینه قرارارجاع بمصدق و کارشناس واجرای موقت درداد گاه های بخش یك‌ریال ودر سایر داد گاهها پنج‌ریال .

ماده۶۸۸ ـ هزینه تأمین خواسته در داد گاههای بخش دو ریال و در سایر داد گاهها ده ریال است وپس‌از صدور قرار دریافت میشود .

ماده۶۸۹ ـ برای درخواست پژوهش وفرجام قرارهائی کـه موافق اصول محاکمات مدنی پژوهش وفرجام آنها علیحده از حکم جائز است هزینه زیردفعتاً درموقع تقدیم دادخواست دریافت خواهد شد .

۱ ـ برای پژوهش ازقرار پنج‌ریال .

۲ ـ برای فرجام ازقرار پانزده‌ریال .

ماده۶۹۰ ـ در موارد زیر مدعی ازتأدیه هزینه دادرسی‌معاف‌است :

۱ ـ دعاوی که خواسته آن دویست ریال‌یا کمتر است .

۲ ـ دعوی اعسار نسبت بهزینه دادرسی .

دولت وهمچنین دادستان از تأدیه هزینه دادرسی معاف هستند .

فصل دوم ـ درهزینه دفتر

ماده۶۹۱ ـ هزینه تصدیق‌مطابقت رونوشت بااصل برای هرصفحه درداد گاه های بخش دوریال ودرسایر داد گاهها سه ریال است .

بیست‌و پنج کلمه یك سطر وپانزده سطر یك صفحه و کسر از سطر وصفحه

تمام محسوب است .

ماده۶۹۲ ـ برای سایر تصدیقاتی که از دفتر دادگاه در حدود صلاحیت آنها داده میشود در دادگاههای بخش دو ریال ودر سایر دادگاهها چهار ریال دریافت میشود .

فصل سوم ـ در اعسار ازهزینه دادرسی

ماده۶۹۳ ـ معسر از هزینه دادرسی کسی‌است که بواسطه عدم کفایت‌دارائی یاعدم دسترسی بمال خود قادر به‌تأدیه هزینه دادرسی نیست .

ماده۶۹۴ ـ همینکه اعسار کسی ثابت شد از نتایج زیر استفاده خواهد کرد:

۱ ـ معافیت موقتی از تأدیه تمام‌یاقسمتی ازهزینه دادرسی در مورد دعوائی که برای معافیت ازهزینه آن ادعای اعسار شده .

۲ ـ حق داشتن وکیل مجانی .

۳ ـ معافیت از دادن تأمین که باید اتباع خارجه بدهند در صورتیکه مدعی از اتباع خارجه باشد .

ماده۶۹۵ ـ معافیت از هزینه دادرسی باید برای هردعوی علیحده تحصیل شود ولی معسر میتواند در تمام مراحل مربوط بهمان دعوی از حکم اعساراستفاده کند .

ماده۶۹۶ ـ در مورد دعاوی متعدده که مدعی اعسار بریکنفر دفعتاً اقامه نماید حکم اعسار که نسبت بیکی از دعاوی صادر شود نسبت بسایر دعاوی مؤثر خواهد بود .

ماده۶۹۷ ـ دعوی اعسار بطرفیت دادستان‌اقامه خواهد شد ـ هرگاه‌دادگاه صلاحیت دار دادگاه بخش باشد مدیر دفتر دادگاه سمت نمایندگی دادستان را

خواهد داشت .

ماده۶۹۸ ـ دعوی اعسار درصورتیکه برای معافیت از پرداخت هزینه مرحله نخستین باشد باید ضمن دادخواست راجع بدعوی اصلی و اگر دعوی اعسار راجع بهزینه اعتراض بحکم باشد در ضمن دادخواست اعتراض اقامه گردد و درصورتیکه برای معافیت ازهزینه مرحله پژوهشی یافرجامی باشد بوسیله دادخواست جداگانه اقامه خواهد شد .

ماده۶۹۹ ـ مدیردفتر مکلف است درظرف دوروز ازتاریخ رسید دادخواست اعسار پرونده را بنظر دادرس دادگاه برساند تا چنانچه حضور گواه ها را در جلسه دادرسی لازم بداند بمدعی اعسار اخطارشود که در روزمقرر گواههای خودرا حاضر نماید ـ مدیردفتر یك نسخه از دادخواست ومدارك اعسار و پیوست های آنرا برای دادستان و نسخه دیگر را برای طرف دعوی اصلی ارسال وضمناً روزجلسه دادرسی را تعیین وابلاغ مینماید ـ طرف‌دعوی‌اصلی میتواند درموقع رسیدگی بدعوی اعسار حاضر شده و اگردلائلی بررداعسار دارد بیان کند ولی‌عدم حضور او مانع رسیدگی وصدور حکم نخواهدشد واین‌حکم حضوری محسوب‌است خواه دررسیدگی نخستین یا در رسیدگی پژوهش صادر شود .

ماده۷۰۰ ـ هرگاه مدعی اعساردعوی‌خودرا تایکماه تعقیب‌نکرد دادخواست اعسار بدرخواست طرف دعوی اصلی رد و مطابق ماده ۷۰۲ رفتار میشود .

ماده۷۰۱ ـ حکم قبول اعسار قابل‌پژوهش وفرجام‌نیست و ازحکم رد اعسار فقط میتوان درخواست‌پژوهش نمود .

ماده۷۰۲ ـ هرگاه حکم بررد اعسار صادر شد بطریق زیر رفتار میشود :

اگر حکم ازمرحله نخستین صادر و درظرف مدت قانونی پژوهش داده نشده

باشد مدعی اعسار مکلف است تا ده روز پس از انقضاء مدت پژوهش و اگر حکم از مرحله پژوهش صادر شده باشد تا ده روز پس از ابلاغ آن هزینه دادخواست دعوی اصلی را تأدیه نماید والاّ دادخواست او رد خواهد شد .

ماده۷۰۳ ـ در صورتیکه دعوی اعسار برای معافیت از هزینه پژوهشی یا فرجامی باشد مدعی اعسار باید تصدیقی از دفتر دادگاه که باعسار رسیدگی میکند حاکی ازتقدیم دادخواست اعسار گرفته درظرف مدتقانونی بدادخواست پژوهشی یافرجامی پیوستنماید ولی بجریان افتادن دادخواست پژوهشی یافرجامی موقوف به تعیین نتیجه دادخواست اعسار است .

ماده۷۰۴ ـ اگرمعسرفوتشود ورثه نمیتوانند ازحکم اعسارمورث استفاده نمایند لکن فوت مورث در هر یك از مراحل نخستین و پژوهشی و فرجامی مانع جریان دادرسی در آن مرحله نیست و هزینه دادرسی از ورثه مطالبه میشود مگر اینکه ورثه نیز اعسار خود را ثابت نماید .

ماده۷۰۵ ـ هر گاه مدعی اعسار در دعوی اصلی محکوم له واقع شود هزینه دادرسی از او گرفته خواهد شد .

ماده۷۰۶ ـ اگر تا ده سال ازتاریخ صدورحکم اعسار معسرمتمکن نگردید دیگر هزینهای که از پرداخت آن موقتاً معاف بوده است ازاو مطالبه نخواهد شد.

ماده۷۰۷ ـ در صورتیکه ادعاء اعسار ردشود دادگاه درضمن حکم رداعسار مدعی اعسار را بپرداخت وجوه زیر محکوم خواهد کرد :

الف ـ دو برابر هزینه دعوی اصلی در مرحلهای که برای معافیت از هزینه آن دادخواست اعسارداده شده درصورت تعقیب دعویاصلی ودرغیراینصورت معادل آن هزینه .

ب ـ حق‌الوکاله وکیل ازبابت دادرسی اعسار درصورتیکه وکیل مجانی برای او معین شده باشد بشرط درخواست وکیل .

ماده۷۰۸ ـ از بازرگان دادخواست اعسار پذیرفته نمیشود و بازرگانی که مدعی‌اعسار نسبت بهزینه دادرسی باشد ونیز کسیکه مدعی اعسار نسبت ببدهی زمان بازرگانی خود باشد باید مطابق مقررات قانون تجارت دادخواست ورشکستگی‌دهد.

کسبه جزءِ مشمول این ماده نخواهند بود .

باب دهم ـ در خسارت و اجبار بانجام تعهد

فصل اول ـ در کلیات

ماده۷۰۹ ـ هرکس میتواند قبل‌ازتقدیم دادخواست بداد گاههای‌داد گستری حق خود را بوسیله اظهارنامه از طرف مطالبه نماید مشروط براینکه موعد مطالبه رسیده باشد و بطور کلی هر کس حق دارد اظهاراتیکه راجع بمعاملات و تعهدات خود با طرف دارد و بخواهد بوسیله رسمی بطرف بگوید درضمن اظهارنامه بطرف ابلاغ نماید .

اظهارنامه بتوسط اداره ثبت اسناد یا دفتر دادگاهها ابلاغ میشود .

تبصره ـ اداره ثبت اسناد و دفاتر دادگاهها میتوانند ازابلاغ اظهارنامه‌هائی که خارج از نزاکت باشد خودداری نمایند .

ماده۷۱۰ ـ درصورتیکه اظهارنامه مشعربتسلیم وجه یا مال یاسندی ازطرف اظهارکننده باشد آن‌وجه یامال یاسند باید درموقع تسلیم اظهارنامه بدفتر تحت‌نظر و حفاظت همان دفتر گذارده شود مگر اینکه طرفین در موقع تعهد محل دیگری‌را معین کرده باشند .

ماده۷۱۱ – در مواردی که اقدام دادگاه بموجب قانون مستلزم تأدیه حقی است تأدیه آن بعهده شخصی است که از دادگاه آن اقدام را درخواست مینماید و اگر اقدام برحسب‌درخواست طرفین یابنظرداد گاه شده‌است هزینه‌آن بعهده‌طرفین است لیکن درموقع صدور حکم یا پس‌ازآن بطوری که در مواد آتیه مذکوراست از محکوم‌علیه قابل مطالبه خواهد بود .

ماده۷۱۲ – مدعی حق دارد در ضمن دادخواست یا در اثناء دادرسی جبران خسارتیکه بسبب دادرسی یا بجهت تأخیر اداء دین یا انجام تعهد ویا تسلیم خواسته باو وارد شده ویا خواهدشد ازطرف‌دعوی بخواهد ونیز مدعی‌علیه میتواند خساراتی که بسبب دادرسی باو وارد شده است قبل‌ازاعلام ختم دادرسی ازمدعی مطالبه نماید در اینصورت دادگاه ضمن حکم راجع باصل دعوی یا بموجب حکم علیحده محکوم‌علیه را بتأدیه خسارت ملزم خواهد نمود مگر درصورتیکه قرارداد خاصی راجع بخسارت بین طرفین منعقد شده باشد که در اینصورت مطابق قرارداد رفتار خواهد شد .

ماده۷۱۳ – خسارت از خسارت قابل مطالبه نیست .

ماده۷۱۴ – درصورتیکه هریك ازطرفین ازجهتی محکوم له ومحکوم‌علیه باشند خسارت هر یك در مقابل خسارت طرف تهاتر خواهد شد و چنانچه خسارت یکطرف علاوه بر خسارت طرف دیگر باشد نسبت بهمان قسمت علاوه حکم داده میشود .

ماده۷۱۵ – دعوائیکه بطریق سازش خاتمه یافته باشد حکم بخسارت نسبت بآن دعوی داده نمیشود مگر اینکه در ضمن سازش قراری نسبت به خسارت داده شده باشد .

ماده۷۱۶ ـ در مواردیکه مقدار هزینه در قانون یا تعرفه رسمی معین نشده است مقدار خسارترا دادگاه بنظر خود یا بوسیله کارشناس معین مینماید .

فصل دوم ـ در خسارت دادرسی

ماده۷۱۷ ـ خسارت دادرسی عبارت است از هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل وهزینه‌های دیگری که مستقیماً مربوط به‌دادرسی بوده وبرای اثبات‌دعوی یا دفاع لازم بوده از قبیل حق‌الزحمه کارشناس وهزینه تحقیقات محلی وغیره .

ماده۷۱۸ ـ هزینه‌هائی که برای اثبات دعوی یا دفاع ضرورت نداشته است بعنوان خسارت نمیتوان مطالبه نمود .

فصل سوم ـ در خسارت تأخیر تأدیه

ماده۷۱۹ ـ در دعاوی که موضوع آن وجه نقد است اعم از اینکه راجع به معاملات یا حق استرداد یاسایر معاملات استقراضی یا غیر معاملات استقراضی باشد خسارت تأخیر تأدیه معادل صدی دوازده محکوم به در سال است واگر علاوه بر این مبلغ قراردادی بعنوان وجه التزام یا مال‌الصلح یا مال‌الاجاره و هر عنوان دیگری شده باشد درهیچ‌مورد بیش‌ازصدی دوازده سال نسبت بمدت تأخیرحکم داده‌نخواهد شد لیکن اگر مقدار خسارت کمتر از صدی‌دوازده معین شده باشد بهمان مبلغ که قرارداد شده است حکم داده میشود .

ماده۷۲۰ ـ هر گاه راجع‌بپرداخت خسارت تأخیر تأدیه قراردادی بین‌طرفین بهرعنوانی از عناوین مذکور درماده قبل شده وابتداء مدت تأدیه خسارت هم معین شده باشد خسارت ازتاریخی که درقرار داد معین شده‌است حساب میشود واگر در قرار داد نامبرده ابتدای مدت ذکر نشده باشد خسارت از تاریخ قرار داد حساب خواهد شد .

ماده ۷۲۱ – در صورتیکه راجع بخسارت تأخیر تأدیه قرار دادی نشده باشد اگر خواسته بوسیلهٔ اظهارنامه مطالبه شود خسارت تأخیر تأدیه از تاریخ ابلاغ اظهارنامه والا از تاریخ اقامه دعوی محسوب خواهد شد .

ماده ۷۲۲ – در معاملات با حق استرداد که مورد معامله بتصرف دائن داده شده است دائن حق مطالبه خسارت تأخیر تأدیه و مدیون حق مطالبه اجرت المثل را نسبت بمدتی که مورد معامله در تصرف دائن بوده است ندارد .

ماده ۷۲۳ – در مورد ماده ۷۲۱ اگر دعوی غیر تجارتی و بر میت باشد و همچنین در مواردیکه باستناد گواهی و امارات حکم داده میشود خسارت تاخیر تأدیه از تاریخ صدور اولین حکمی که بر له مدعی صادر میشود محسوب خواهد شد .

ماده ۷۲۴ – درصورتیکه خسارت تأخیر تأدیه ضمن جریان دعوی اصلی مطالبه شده باشد دادگاه میزان خسارت را تا روز صدور حکم معین کرده و در حکم قید میکند ونسبت بخسارتی که از تاریخ صدور حکم تا روز وصول محکوم‌به باید تأدیه شود بطور کلی حکم خواهد داد که اجراء در موقع وصول محکوم به حساب کرده واز محکوم علیه بگیرد .

ماده ۷۲۵ – خسارت تأخیر تأدیه محتاج باثبات نیست وصرف تأخیر درپرداخت برای مطالبه وحکم کافی است .

ماده ۷۲۶ – هرگاه بعنوان خسارت بیش از مبلغی که قانون معین کرده‌است تأدیه شده باشد دعوی استرداد آن مسموع نخواهد بود .

فصل چهارم – درخسارات حاصل ازعدم انجام تعهد

ماده ۷۲۷ – در دعاوی که موضوع آن وجه نقد نیست و مدعی ضمن دعوی مطالبه اجرت المثل وخسارت ازجهت عدم تسلیم خواسته مینماید وهمچنین درصورتیکه

موضوع دعوی مستقلا اجرت‌المثل یاخسارت ناشی از عدم انجام تعهدویا تأخیر آن میباشد دادگاه میزان خسارت را پس‌از رسیدگی معین کرده حکم خواهد داد.

ماده ۷۲۸ - در مورد ماده فوق در صورتیکه دادگاه حکم خسارت میدهد که مدعی خسارت ثابت کند که ضرربا و وارد شده واین ضرر بلاواسطه ناشی ازعدم انجام تعهد یا تأخیر آن یا عدم تسلیم محکوم به بوده است.

ضرر ممکن است بواسطه از بین رفتن مالی باشد یا بواسطه فوت شدن‌منفعتی که انجام تعهد حاصل میشده است.

فصل پنجم - در اجبار بانجام تعهد

ماده ۷۲۹ - در موردی که موضوع تعهدعملی است که انجام آن‌جز بوسیله شخص متعهد ممکن نیست دادگاه‌میتواند بدرخواست متعهد له در حکم راجع‌باصل دعوی یا پس‌ازصدورحکم مدت ومبلغی را معین‌نماید که اگر محکوم علیه‌مدلول حکم قطعی را درآن‌مدت اجرا نکندمبلغ مزبور را برای هرروزتأخیر به‌محکوم‌له بپردازد.

ماده ۷۳۰ - دادگاه قبل یا بعداز اجراء حکم میتواند در مقدار مبلغی که قبلا معین کرده است تجدیدنظر نموده ومبلغ دیگری برای تأخیر اجراء حکم در زمان گذشته یا آینده معین نماید.

باب یازدهم - در مرور زمان

فصل اول - درکلیات

ماده ۷۳۱ - مرور زمان عبارت از گذشتن مدتی است که بموجب قانون پس از انقضاءِ آن مدت دعوی شنیده نمیشود.

ماده ۷۳۲ ـ دادگاه در صورتی میتواند باستناد مرور زمان دعوی را رد کند که از اینجهت صریحاً ایراد شده باشد .

ماده ۷۳۳ ـ کسانیکه عدم استناد بمرور زمان موجب ضرر آنها باشد ازقبیل بستانکار و ضامن میتوانند وارد دعوی شده بمرور زمان استناد نمایند .

ماده ۷۳۴ ـ اگر دعوی نسبت بملکی اقامه شود اشخاصیکه در آن ملك ذینفع هستند یا حقی دارند ومتضرر میشوند میتوانند وارد دعوی شده باستناد مرور زمان ایراد نمایند هرچند صاحب ملك ایراد نکرده باشد .

ماده ۷۳۵ ـ مرور زمان هرچند حق اقامه دعوی را ساقط میکند لیکن اگر مدیون طلب داین را داده باشد نمیتواند باستناد اینکه مرور زمان حاصل شده بود آنچه را که داده است مطالبه نماید .

ماده ۷۳۶ ـ اموری که در تاریخ اجرای این قانون مشمول مرور زمان نشده از حیث مدت مرور زمان تابع این قانون است .

فصل دوم ـ در مدت مرور زمان و ابتداء آن

مبحث اول ـ در مدت مرور زمان

ماده ۷۳۷ ـ در کلیه دعاوی راجعه باموال اعم از منقول و غیر منقول وحقوق و دیون ومنافع ومحصول واسباب تملك وضمان و دعاوی دیگر مدت مرور زمان ده سال است باستثنای مواردیکه دراین قانون یاسایر قوانین مدت دیگری برای مرور زمان قرار داده شده است .

ماده ۷۳۸ ـ دردعوی ملکیت یاوقفیت نسبت بعین غیر منقول مدت مرورزمان بیست سال است .

ماده ۷۳۹ ـ در موارد زیر مدت مرور زمان سه سال است :

۱ ـ دعوی وکیل بر موکل نسبت بحق‌الوکاله و هزینه‌ای که از طرف موکل پرداخته است.

۲ ـ دعوی بر مستخدمین دولت و وکلا راجع به برگها و اسنادی که بآنها داده شده.

۳ ـ دعوی بر معمار و هنرپیشه راجع بعیبی که در عمل آنها پیدا شده.

۴ ـ حق اشتراك در مجلات و روزنامه‌ها و امثال آن که سالیانه یا باقساط زیادتر از یکماه داده میشود.

۵ ـ دعاوی راجعه بخسارت دادرسی و تأخیر تأدیه و خسارات ناشیه از اجراء احکام.

ماده۷۴۰ ـ در موارد زیر مدت مرور زمان یکسال است:

۱ ـ دعاوی راجعه بقیمت یا حقی که برحسب عرف و عادت فوراً یا درمدت کمی پرداخت میگردد از قبیل قیمت خوراك و منزل در مهمانخانه و اماکنی که معد برای سکنی و مأکولات است و حق‌الزحمه طبیب و کارشناس و امثال آنها.

۲ ـ دعوی کسبه و بازرگان نسبت بقیمت چیزیکه از آنها خریده میشود و برحسب عرف و عادت در مدت کمی پرداخت میگردد در صورتیکه مشتری بازرگان نبوده یا معامله بازرگانی نباشد.

۳ ـ دعاوی راجعه بحقوقی که باقساط ماهیانه یا کمتر از یکماه تأدیه‌میشود مثل اجرت تعلیم و تدریس و هزینه نگاهداری و تربیت اطفال و اجرت اهل حرفه وهنرپیشه ونوکر وخدمه که بنحو ماهیانه یا کمتر مقررشده‌نسبت بهریك‌ازاقساط.

۴ ـ دعاوی هریك از طرفین معامله و قائم مقام آنها راجع به فسخ یابطلان معاملات و تعهدات و تقسیم.

مبحث دوم ـ ابتداء مدت مرور زمان

ماده ۷۴۱ ـ مدت مرور زمان بترتیب زیر شروع میشود :

۱ ـ در دعوی مالکیت یا وقفیت نسبت باعیان و اموال غیر منقوله از تاریخ تصرف مدعی مرور زمان .

۲ ـ راجع بحقوق ارتفاقی و انتفاعی از تاریخی که نسبت باستفاده از حق نامبرده جلوگیری شده .

۳ ـ راجع باسترداد اماناتی که محدود بمدت معینی نباشد و همچنین راجع بتعهداتی که برای انجام آنها مدتی معین نشده یا عندالمطالبه باید انجام شود از تاریخی که بوسیله اظهارنامه رسمی یا اقامه دعوی مطالبه شده است .

٤ ـ راجع باسترداد وثیقه از روزی که بوسیله تأدیه دین یا بوسیله دیگر وثیقه فك شده است .

٥ ـ در دعاوی ناشیه از معاملات از قبیل عیب و غبن و غیره از تاریخ وقوع معامله و در دعوی بطلان تقسیم از تاریخ تقسیم .

در دعوی مستحق للغیر بودن مورد معاملهمرور زمان نسبت برجوع مشتری بر بایع راجع به ثمن معامله و خسارات وارده از تاریخی شروع میشود که مستحق للغیر بودن مورد معامله ثابت و ملك از تصرف مشتری خارج شده باشد لیکن اگر مشتری بدون اینکه بر او دعوی شده یا ملك از تصرف او خارج شده باشد مدعی مستحق للغیر بودن مبیع شود مدت مرور زمان از تاریخ وقوع معامله شروع میشود .

٦ ـ در دعوی بر مستخدمین و وکلا راجع به برگها و اسنادی که بآنها داده شده از تاریخ صدور حکم نهائی در قضیه یا خروج وکیل از وکالت یا خروج

مستخدم از استخدام .

۷ – در دعوی وکیل بر موکل بابت حق‌الوکاله و هزینه‌ای که از طرف موکل پرداخته از تاریخ حکم نهائی و در صورت خروج وکیل از وکالت بواسطه عزل وکیل یا صلح دعوی یا غیر آن از تاریخ خروج وکیل از وکالت .

۸ – در دعاوی راجعه بخسارت دادرسی از تاریخ آخرین حکم .

۹ – در دعاوی راجع بخسارت اجراء حکم از تاریخ اجراء .

۱۰ – در دعوی بر معمار و هنرپیشه راجع بعیبی که در عمل آنها پیداشده از تاریخ تمام شدن عمل .

۱۱ – در سایر دعاوی از زمانی که صاحب مال یا حق یا دائن مستحق مطالبه میگردد .

دیونی که برای پرداخت آن مدت معین نشده یا عندالمطالبه باید داده شود مشمول بند سوم این ماده نبوده و از تاریخ دین مرور زمان شروع میشود .

ماده ۷۴۲ – هرگاه مابین دائن و مدیون تفریغ حساب شده و یاسندی مبادله شده باشد مدت مرور زمان ازتاریخ تفریغ حساب یا سند شروع میشود .

ماده ۷۴۳ – در دیونی که باید باقساط داده شود ابتداء مدت مرور زمان هر قسط نسبت بهمان قسط حساب میشود .

ماده ۷۴۴ – در دعوی متقابل هرگاه مدت مرور زمان منقضی شده باشدتا آخرین وقتی که برای اقامه دعوی متقابل مقرراست مدعی تقابل حق اقامه‌دعوی دارد .

مبحث سوم – در تصرف

ماده ۷۴۵ – تصرف اعم است از اینکه بالمباشره باشد یا بواسطه مانند تصرف قیم و وکیل و مباشر .

ماده ۷۴۶ ـ تصرفی که موجب مرور زمان میشود تصرفی است که بعنوان مالکیت باشد و تصرفی کسی که بعنوان غیر متصرف است مثل مباشر و مالك منافع و وصی و وکیل و امانتدار و مأذون از طرف مالك منشأ مرور زمان برای آنکس نمیشود.

ماده ۷۴۷ ـ کسی که متصرف است تصرف او بعنوان مالکیت شناختهمیشود ولیکن اگر ثابت شود که شروع بتصرف از طرف غیر بوده است متصرف غیرشناخته خواهد شد مگر اینکه متصرف ثابت کند که عنوان تصرف او تغییر کردهوبعنوان مالکیت متصرف شده است.

ماده ۷۴۸ ـ هرگاه عنوان تصرف شخصی که بعنوان غیر متصرف است تغییر یابد آنشخص از موقع تغییر عنوان میتواند از حق مرور زمان استفاده نماید اعم از اینکه تغییر عنوان بواسطه انتقال ملك ازطرف شخص ثالثی که مدعی مالکیتبوده به متصرف باشد و یا اینکه متصرف مدعی مالکیت شود ومالك اولی در رد مقابلاو سکوت نماید و این تغییر عنوان باید بوسیله اخطار بمالك اولی ویا بوسیلهعملیات و تغییر سبك متصرف محرز شود مثل اینکه اجاره مالك را بادعاءِ مالکیت ندهدیا بدعوی مالکیت ملك را رد ننماید و صرف اراده تملك موجب تغییر عنوانواستفاده از مرور زمان نیست.

ماده ۷۴۹ ـ تصرفی که بواسطه قهر واجبارباشد منشأ حق مرورزماننمیشود ولی پس از زوال قهر و جبر مدت مرور زمان از آنزمان شروع میشود.

ماده ۷۵۰ ـ متصرف فعلی میتواند مدت تصرف مورث یا هر کس که ملك را از او تلقی کرده ضمیمه تصرف خود نموده مدت مرور زمان را تکمیل نماید.

فصل سوم ـ درمواردیکه حکم مرورزمان جاری نمیشود و یا معلق میگردد

ماده ۷۵۱ ـ حکم مرورزمان در حق کسانیکه تحت ولایت یاقیمومتهستند

مثل صغیر ومجنون وسفیه جاری نمیشود ومرورزمان ازتاریخ عقل ورشدآنها شروع خواهد شد .

هر گاه سفه یاجنون بعد از شروع مرور زمان حادث شود مرور زمان معلق میگردد .

ماده۷۵۲ ـ زوج و زوجه مادامی که زوجیت باقی است و پدر ومادر وجد و جدّه و اولاد مطلقاً وبرادر وبرادر وخواهر وخواهر وخواهر وبرادر در دعوی ارث نمیتوانند نسبت بیکدیگر از مرور زمان استفاده نمایند .

هر گاه زوجیت بعد ازشروع مرور زمان حادث شود مدت مرور زمان معلق میگردد .

ماده۷۵۳ ـ هر گاه کسی که مرور زمان برعلیه اوجریان دارد قبل‌ازحصول مرور زمان فوت شود مرور زمان بعد از فوت او نسبت بوارث صغیر یا غیر رشید یا مجنون معلق میشود تا وقتیکه وارث بالغ یا رشید یا عاقل شود .

ماده۷۵۴ مرور زمان برعلیه کسانیکه بواسطه قوه قاهره یابعلت خطرجانی یا ناموسی و یا بعلت مخاطره در اموال خود یا اقرباءِ نزدیك خود نتوانسته‌اند اقامه دعوی نمایند جاری نمیشود و اگربعدازشروع مرور زمان امور مذکور واقع شود مدت مرور زمان معلق‌خواهد شد .

ماده۷۵۵ ـ درموارد تعلیق مرور زمان مدت بعد از زوال جهة تعلیق بمدت قبل ازتعلیق برای استفاده مرور زمان علاوه میشود .

ماده۷۵۶ ـ نسبت بدینی که مؤجل یا مشروط باشد مادامیکه موعد آن نرسیده یاشرط موجود نشده حکم مرورزمان جاری نمیشود وازوقت رسیدن موعد یا وجود شرط مدت مرور زمان شروع خواهد شد .

ماده۷۵۷ ـ نسبت باملاکی که دردفتر املاك به ثبت رسیده است مرورزمان جاری نمیشود .

ماده۷۵۸ ـ بین وصی یا قیم ومحجور مادامیکه صورت حساب زمان تصدی امور محجور داده نشده مرور زمان جاری نمیشود و مرور زمان در این موارد از تاریخ دادن صورت حساب شروع میشود .

فصل چهارم - درانقطاع مرور زمان

ماده۷۵۹ ـ انقطاع مرور زمان حقیقی است یا قانونی .

ماده۷۶۰ ـ انقطاع حقیقی در صورتی است که ملك از تصرف متصرف در مدتی زائد از یکسال خارج شده باشد اعم ازاینکه مالك اصلی ازید او خارج کرده یا دیگری ولی اگر متصرّف در ظرف یکسال ملك را استرداد کرد یا اقامه دعوی تصرف عدوانی‌نمود وحکم برنفع او ولودرظرف بیش‌ازیکسال صادرشود مدت مرور زمان قطع نخواهد شد .

ماده۷۶۱ ـانقطاع قانونی درموارد زیر است :

۱ ـ هرگاه کسیکه مرور زمان برعلیه او جریان دارد بواسطه دادخواست یا اظهاریه قانونی حق خود را مطالبه نماید .

۲ ـ درصورتیکه مدیون در دادگاه یا درسندیکه بامضاءِ او است اقرار بدین نماید یامتصرف درداد گاه یاسندیکه بامضاء اواست بمالکیت صاحب ملك اقرارکند .

ماده۷۶۲ ـ درموارد زیرانقطاع مرور زمان بی‌اثراست :

۱ ـ درصورتیکه دادخواست بواسطه نداشتن شرایط قانونی یابجهة دیگری باطل یا مردود شود .

۲ ـ درصورتیکه مدعی دعوای خود را استرداد کند .

۳ - درصورتیکه دعوای مدعی بجهتی ازجهات قانونی مردود یاساقط شود .

٤ - درصورتیکه دادخواست بدادگاه غیرصالح داده شده وتاسه ماه پس ازابلاغ قرار قطعی عدم صلاحیت درداد گاه صلاحیت‌دار دعوی اقامه نشود .

ماده۷٦۳ - اگرمتصرف فعلی تصرف سابق خود را ثابت کند تصرف اومستمر محسوب است مگر اینکه انقطاع تصرف در بین ثابت شود .

ماده۷٦٤ - درصورتیکه مرورزمان قطع شود مدت مرورزمان جدید بعداز انقطاع درمورد مرور زمان بیست ساله سه سال و درمرور زمان ده ساله دوسال ودر مرورزمان سه ساله یکسال و درمرورزمان یکساله ششماه علاوه بر بقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود ولی درهرصورت مدت مرور زمان پس ازقطع زائد ازمدت مرور زمان معین برای هریك از نوع دعاوی نمیشود .

ماده۷٦٥ - مرور زمان بیش از یکدفعه منقطع نمیگردد .

فصل پنجم - درانقطاع مرورزمان

ماده۷٦٦ - حق مرورزمان را پس‌از استقرارآن بواسطه گذشتن مدت مرور زمان میتوان اسقاط نمود وقبل از انقضاءِ مدت قابل اسقاط نیست .

ماده۷٦۷ - متولی و ولی و قیم محجور نمیتوانند مرور زمانی را که نسبت به محجور یا موقوفه حاصل شده ساقط نمایند .

ماده۷٦۸ - کسیکه ممنوع ازتصرف درمالی است نمیتواند مرورزمانی را که برای او حاصل شده اسقاط کند .

ماده۷٦۹ - اسقاط حق مرورزمان نسبت بکسیکه حق مزبوررا اسقاط کرده وقائم مقام اومؤثراست ونسبت بکسان دیگرمثل بستانکار و ضامن که ازمرو رزمان استفاده میکنند مؤثر نیست .

باب دوازدهم – در دادرسی فوری

ماده۷۷۰ – در اموریکه محتاج به تعیین تکلیف فوری است و همچنین در مورد اشکالاتی که درجریان اجراء احکام یااسناد لازم‌الاجراءِ اداره ثبت پیش‌می‌آید و محتاج بدستورفوری است دادرس‌دادگاه میتواند بدرخواست ذینفع موافق مواد زیردستور موقت صادر نماید .

ماده۷۷۱ – اگر اصل دعوی در دادگاهی مطرح است مرجع درخواست دستورموقت همان دادگاه است خواه‌آن دادگاه نخستین یاپژوهشی باشد ودرمورد اشکالاتی که درجریان اجراءِ احکام پیش میآید مرجع درخواست نامبرده دادگاهی است که حکم بتوسط آن دادگاه اجراءِ میشود و درسایر موارد مرجع درخواست دادگاهی است که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را دارد .

ماده۷۷۲ – هرگاه موضوع درخواست دستورموقت درمقر دادگاهی که غیر از دادگاههای مذکور در ماده ۷۷۱ باشد ممکن است درخواست از دادگاهی که موضوع درخواست دستورموقت درمقر آن‌دادگاه‌است بعمل‌آید اگرچه‌آن دادگاه صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را نداشته باشد .

ماده۷۷۳ – دادگاههای مذکوردردوماده فوق درصورتی باموررفوری مطابق مقررات این باب رسیدگی میکنند که برای رسیدگی باموری مزبور اجازه مخصوص وزارت دادگستری داشته باشد .

ماده۷۷۴ – درخواست دستورموقت ممکن‌است‌کتبی ویاشفاهی‌باشد درخواست شفاهی درصورت مجلس قید و بامضاءِ درخواست کننده باید برسد .

ماده۷۷۵ – دادرس دادگاه روزوساعت معینی را برای رسیدگی باموررفوری تعیین مینماید ودرمواردیکه فوریت کارمقتضی باشد ممکن‌است درغیرآنوقت وحتی

در اوقات تعطیل ودرغیر دادگاه بامور مذکور رسیدگی شود .

ماده۷۷۶ ـ برای رسیدگی بدرخواست دادگاه طرف را احضار مینمایدودر صورتیکه احضارطرف منافیبافوریت باشد دادرس‌میتواند بدون احضار طرف‌دستور موقت صادر نماید .

ماده۷۷۷ ـ تشخیص فوری بودن موضوع درخواست بادادگاهی است کـه برای رسیدگی بدرخواست صالح است .

ماده۷۷۸ - دستور موقت ممکن است دایر بتوقیف مال یا انجام عمل یا منع ازامری باشد .

ماده۷۷۹ ـ دستور موقت بهیچوجه تأثیری دراصل دعوی ندارد .

ماده۷۸۰ ـ پس از صدور دستور موقت درصورتیکه قبلا اقامه دعوی نشده است درخواست کننده بـاید درظرف ده روز بارعایت مدت مسافت از تاریخ صدور دستور بدادگاه‌صالح برای اثبات دعوی خود تظلم نماید وتصدیق آن دادگاه رادائر بتاریخ تقدیم دادخواست بدادگاهی که دستور موقت داده است در مدت سه روز از تاریخ تقدیم دادخواست بارعایت مدت مسافت بدهد والا دادرسی کـه دستور موقت داده است بدرخواست طرف از دستور موقت رفع اثر خواهد کرد .

ماده۷۸۱ ـ دادگاه میتواندبرای جبران‌خسارت احتمالی که‌از دستور موقت حاصل‌میشودازمدعی‌تأمین بخواهددراینصورت دستورموقت‌منوط بدادن‌تأمین‌است.

ماده۷۸۲ ـ دستورموقت پس‌ازابلاغ‌قابل‌اجراء است ونظر بفوریت کاردادگاه میتواند مقرر دارد که قبل ازابلاغ دستور موقت اجراء شود .

ماده۷۸۳ ـ در صورتیکه طرف تأمینی بدهد که متناسب باموضوع دستور موقت باشد دادرس ازدستور موقت رفع اثر مینماید .

ماده ۷۸۴ ـ هرگاه جهتی که موجب دستور موقت شده است مرتفع شود دادرس دادگاه که دستور داده است دستور را الغاء مینماید و اگر اصل دعوی در دادگاه مطرح باشد همان دادگاه دستور را الغاء خواهد نمود .

ماده ۷۸۵ ـ در صورتیکه مطابق ماده ۷۸۰ اقامه دعوی نشود و یا درصورت اقامه دعوی مدعی بی‌حق شود درخواست کننده بجبران خسارتی که برای اجراء دستور موقت بطرف وارد شده و تأدیه خسارتی که طرف برای دادن ضامن و وثیقه وغیره جهت جلوگیری از اجراء دستور موقت متحمل شده محکوم خواهد شد .

ماده ۷۸۶ ـ دستور موقت قابل اعتراض نیست لیکن اگر از دادگاه نخستین صادر شده باشد درمدت مقرر برای سایر قرارها قابل پژوهش است .

ماده ۷۸۷ ـ دستور موقت در هیچ صورت قابل فرجام نیست .

ماده ۷۸۸ ـ دستورموقت اگر از دادگاهی که‌رسیدگی باصل دعوی‌مینماید درخواست شود هزینه ندارد و در غیر اینصورت هزینه آن مبلغی است که برای دعاوی غیرمالی‌مقرراست (ماده ٦٨٤) وهزینه در موقع درخواست باید تأدیه شود.

ماده ۷۸۹ ـ قوانین زیر منسوخ است :

۱ ـ اصول محاکمات حقوقی مصوب **۱۹** ذیعقده **۱۳۲۹** (باستثناء باب ششم)

۲ ـ قانون تأسیس صلح نواحی‌واصلاح بعضی از مواد اصول محاکمات‌مصوب سوم سنبله ۱۳۰۱ .

۳ ـ قانون تقسیم محاکم ابتدائی بدرجات مختلفه و تشکیل صلحیه های با صلاحیت نامحدود مصوب سوم جوزای **۱۳۰۲** .

٤ ـ دو قانون راجع‌بتصرفات در اصول محاکمات حقوقی مصوب **۲۳** جوزای ۱۳۰۲ .

۵ ـ اصول محاکمات اصلاح شده بموجب ماده واحده .

۶ ـ قانون مرورزمان اموال غیر منقول (ماده ۳ و ۴ و ۵ قانون ثبت عمومی املاك مصوب ۲۱ بهمن ۱۳۰۶) .

۷ ـ ماده ۶۶ ـ ۷۲ ـ ۷۳ ـ ۷۴ ـ ۷۵ ـ ۷۷ اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۲۷ تیر ماه ۱۳۰۷ .

۸ ـ قانون‌راجع‌بقرارحکمیت بین‌متعاملین وطرزاستماع شهادت شهودمصوب تیرماه ۱۳۰۷ .

۹ ـ قانون مرور زمان اموال منقول مصوب تیر ماه ۱۳۰۸ .

۱۰ ـ قانون اجازه اخذ تأمین خسارت ومخارج محاکمه ازاتباع خارجه مصوب شهریور و مهر ۱۳۰۸ .

۱۱ ـ قانون تأمین مدعی به مصوب اسفند ماه ۱۳۰۸ .

۱۲ ـ فصل اول قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ .

۱۳ ـ مواد ۱ تا ۱۷ومواد۱۸ تا ۴۵ ومواد۶۳تا۷۲ ازقانون تسریع محاکمات .

۱۴ ـ اصلاح ماده ۴ قانون مرورزمان مصوب بهمن ماه ۱۳۱۲ .

۱۵ ـ قانون حکمیت مصوب ۱۳۰۶و۱۳۰۸ و بیستم بهمن‌ماه ۱۳۱۳ .

۱۶ ـ هریك از مقررات دیگری که‌مخالف بااین قانون باشد درآن قسمتی که مخالف است .

این قانون کم مشتمل بر هفتصد وهشتاد و نه ماده است درجلسه بیست‌وپنجم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس‌شورای‌ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اصلاح پارهٔ ازمواد قانون اصول محاکمات جزائی و قانون مجازات عمومی مربوط به مستخدمین دولت

مصوب **۱۸** دیماه **۱۳۱۷**

ماده اول ـ ماده ۱۶۹ اصول محاکمات جزائی بطریق زیر اصلاح میشود :

ماده۱۶۹ ـ مدعی‌العموم درحینی که حکم منع یا جلب بمحاکمه را میدهد میتواند از مستنطق درخواست‌نماید که نسبت باقداماتی که برای جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم شده‌است تخفیف یا تشدید بعمل آید و نیز میتواند در مواقعیکه ادعا نامه تنظیم کرده و اتهام درداد گاه جنحه ویا استیناف ویا دردیوان جنائی طرح شده‌است از دادگاه سه گانه درخواست توقیف متهم را ازلحاظ اهمیت جرم ویا برای جلوگیری از تبانی و مواضعه یا فرار ویا مخفی شدن وی و یا اجراء و عملی کردن محاکمه‌بنماید ویاتخفیف وتشدیدنسبت باقداماتی که‌مستنطق قبلا بعمل‌آورده‌است بخواهد و این حق نیزبرای مدعی‌العموم استیناف درمواقعی که حکم دادگاه‌جنحه دراستیناف ویا اتهام جنائی دردیوان جنائی مورد رسیدگی‌است خواهد بود ـ قرار دادگاه دائر برموافقت با درخواست مدعی‌العموم بدایت و استیناف قطعی است ودر صورت رد آن قابل استیناف و تمیز است .

ماده‌دوم ـ اشخاصی که مرتکب جرمهای مشروحه در مواد **۱۵۲** و **۱۵۳** و **۱۵۷** قانون مجازات عمومی‌شده ویا میشوند هرگاه اصل مال مورد اختلاس ورشوه و غرامت را که مورد حکم واقع شده اداء نکنند مطابق ماده ۲ قانون جوزای **۱۳۰۲** زندانی خواهندشد تا اصل مال وغرامت را اداء نمایند وچنانچه پس‌از **۱۰**سال‌زندانی

اصل مال مورد اختلاس و رشوه و غرامت پرداخته نشود استخلاص او با عفو پادشاه ممکن است - استدعای عفو بهپیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب نخستوزیر بعمل می آید .

مادهسوم - قید اجرای مجازات اشد مندرج در ماده ۲ الحاقیه از قانون متمم اصول محاکمات جزائی درمورد مستخدمینی که بجرم اختلاس وارتشاء در دیوان جزای عمال دولت محکوم میشوند فقط شامل مجازات زندانی بوده ومجموع محکوم به مالی باید وصول شود .

ماده چهارم - منظور از انفصال ابد از خدمات دولتی درمورد مأمورین بخدمات عمومی انفصال ابد ازخدمت در بنگاههای نامبرده درماده ۳ قانون راجع بهمحاکمه ومجازات مأمورین بخدمات عمومی مصوب ۱۶ر۲ر۱۳۱۵ ومحرومیت ازخدمات دولتی و شهرداری و کشوری است .

مادهپنجم - در مورد ماده ۸ ازمواد راجع بدیوان جزا مصوب اسفند ۱۳۱۰ چنانچه شخصی که توقیف شده برای استخلاص خود کفیل معرفی نماید مدعیالعموم دیوان جزاء میتواند نظر باوضاع و احوال قضیه و وضعیت متهم دستور آزادی اورا بقید کفیل معتبر بدهد .

مادهششم - مدعیالعموم دیوان جزا میتواند ازاحکام بدوی غیر قطعی دیوان جزا دائر بر برائت متهمین درخواست رسیدگی ماهوی ازدیوان تمیز نماید .

مادههفتم - ابلاغ احکام بدری غیابی دیوان جزادرصورتیکه بوسیلهمطبوعات بشود ابلاغ واقعی محسوب وحکم غیابی پس از گذشتن مهلتهای قانونی وقطعی شدن بموقع اجرا گذاشته خواهد شد و محکومعلیه غائب درصورتیکه مدعی عدم ابلاغ باشد میتواند با رؤیت حکم عرضحال اعتراض بدادگاه صادر کننده حکم غیابی بدهد

و دادگاه بدواً دراین باب رسیدگی نموده قرار رد یا قبول عرضحال را میدهد ودادن عرضحال اعتراض مانع اجرای حکم غیابی که قطعی محسوب شده نخواهدبود مگر آنکه معترض تأمین کافی بدهد و یا از دادگاه قرار قبول عرضحال اعتراض او صادر شود .

ماده هشتم ـ قید اجرای مجازات اشد مندرج در ماده ۲ الحاقیه از قانون متمم اصول محاکمات جزائی در مورد محکومین به تخلفات از مقررات ارزی فقط شامل مجازات زندانی بوده و مجموع جزاهای نقدی باید وصول شود .

ماده نهم ـ کلیه اقدامات مدعیان عمومی ازقبیل ارجاع امر بو کلاء عمومی ومستنطقین یامعاونین اداری یا درمواردیکه مدعی‌العموم‌دیوان جزا سمت نمایندگی بسایر مأمورین صلاحیت دار بطور کلی در پرونده هائی یا در امر خاصی میدهد و همچنین اقدامات و کلاء عمومی ومستنطقین دائر بارجاع امر یاامورى به‌مستنطقین یا وکلاءِ عمومی شهرستانها یا سایر مأمورین صلاحیت دار اقدام تعقیبی محسوب و قاطع مرورزمان جزائی است .

ماده دهم ـ ماده زیر بعنوان ماده ۲۳ مکرراصول محاکمات جزائی بقانون نامبرده افزوده میشود .

ماده ۲۳ مکرر ـ در موارد جرائم مشهودی که مأمورین دولتی یا شهرداری یا مأمورین بخدمات عمومی مرتکب میشوند ورسیدگی بآن ازصلاحیت دیوانعالی جزای‌عمال دولت‌است ودرمحل مأموریار که دیوان جزا حضورنداشته باشد مدعیان عمومی و مستنطقین مکلفند کلیه اقدامات لازمه را برای جلوگیری از امحاء اثرات جرم وفرار متهم و هرتحقیقی‌راکه برای کشف جرم لازم‌بدانند بعمل‌آورده وهرچه زودتر نتیجه اقدامات خود را بمدعی‌العموم دیوان جزا گزارش دهند .

ماده‌یازدهم ـ ماده زیر بعنوان ماده ۱۶۱ مکرر اصول محاکمات جزائی بقانون مذکور افزوده میشود :

ماده ۱۶۱ مکرر ـ در امور جزائی درمواردیکه مستنطق به متهم دسترسی ندارد یا بعلت شناخته نشدن در محل اقامت احضار وجلبش مقدور نیست مستنطق میتواند بدون استماع آخرین دفاع در صورتیکه دلائل اتهام کافی باشد رسیدگی وقرار مقتضی صادر نماید .

ماده‌دوازدهم ـ ماده زیر بعنوان‌ماده ۶۷مکرر قانون‌مجازات عمومی‌بقانون نامبرده اضافه میشود :

ماده ۶۷ مکرر ـ مجازات مقرر درماده قبل شامل کسانی نیز خواهد بود که جرم جاسوسی را بنفع یك دولت بیگانه و بضرر دولت بیگانه دیگر درخاك ایران مرتکب شوند .

ماده‌سیزدهم ـ ماده ۲۷۸ قانون مجازات عمومی بطریق زیر اصلاح‌میشود :

ماده۲۷۸ ـ درکلیه امورجزائی جز درمواردیکه قانون‌صریحاً ترتیب‌خاصی مقرر کرده‌باشد هر کس‌بتأدیه‌مالی اعم ازغرامت وغیرآن بدولت ویا بتأدیه‌خسارات مدعی خصوصی‌محکوم گردد وبا گذشتن ده‌روز ازتاریخ مطالبه آن محکوم به‌مالی را تأدیه ننماید و دسترسی باموال اونباشد بدرخواست پارکه مربوطه در مورد محکوم به راجع بدولت وبدرخواست مدعی خصوصی نسبت بخسارات وارده بر او در ازاء هرده ریال از وجه محکوم به یکروز توقیف میشود ومدت این‌توقیف زاید از پنج سال نخواهد بود ودر امور خلافی مدت توقیف برای تأدیه محکوم به‌منتهی پنج روز است .

مبداءتوقیف برای‌وصول‌محکوم‌به‌درمورد کسانیکه‌محکومیت‌بمجازات‌زندانی

دارند از تاریخ خاتمه اجراءِ مجازات زندانی خواهد بود .

این قانون که مشتمل برسیزده ماده است در جلسه هیجدهم دیماه یکهزار و سیصدو هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

راجع به جلوگیری از احتکار کالای مورد احتیاج

مصوب ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۸

ماده اول ـ هیئت وزیران مجاز است از تاریخ تصویب اینقانون تایکسال برای جلوگیری از احتکار و گرانفروشی کالا های مورد احتیاج عمومی کشور مقرراتی وضع وبموقع اجرا گذارد .

ماده دوم ـ متخلفین از مقررات مذکور در ماده (۱) به حبس تأدیبی ازدو ماه تا شش ماه و جریمه نقدی از هزار تاده هزار ریال و یا بیکی از این دو مجازات محکوم خواهند شد .

این قانون که مشتمل بردوماده است درجلسه‌بیست‌وپنجم شهریورماه‌یکهزارو سیصدو هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

خدمت نظام وظیفه

مصوب **۲۹** خرداد ماه **۱۳۱۷**

فهرست

قانون خدمت نظام وظیفه عمومی

فصل نخست

کلیات

ماده ۱ ـ کلیه اتباع ذکور دولت شاهنشاهی ایران طبق قانون حاضر مکلف بانجام خدمت سربازی وظیفه میباشند .

ماده۲ ـ ابتدای خدمت‌وظیفه اول فروردین ماه سالی است که‌در طی آن ۲۱ سالگی شروع میشود .

ماده۳ ـ مدت خدمت سربازی ۲۵ سال است و خاتمه آن اول فروردین ماه سالی است که درطی آن ٤٦ سالگی شروع میگردد .

ماده۴ ـ مدت خدمت سربازی مقرره درماده ۳ دارای تقسیمات ذیل است .

الف ـ دوره زیر پرچم جز درمواردی‌که بموجب همین قانون‌مستثنی گردیده	۲ سال
ب ـ دوره احتیاط	٤ سال
ج ـ دوره ذخیره اول	۱٤ سال
د ـ دوره ذخیره دوم	۵ سال

تبصره ـ دوره خدمت زیر پرچم افراد نیروی دریائی ۲۸ ماه میباشد .

ماده۵ ـ موالید ذکور از ۱۲۸٤ ببعد که مطابق قانون خدمت نظام وظیفه مصوب خرداد ماه ۱۳۰٤ و ۳۰ شهریور ماه ۱۳۱۰ خدمت زیر پـرچم خود را تمام نکرده‌اند مشمول مقررات این قانون خواهند بود .

وآنهائیکه مطابق قوانین نامبرده تاتاریخ اجرای این قانون خدمت زیرپرچم خودرا تمام کرده‌اند نسبت به بقیه مدت خدمت‌سربازی تابع این قانون میباشند .

تبصرهٔ ۱ ـ کسانیکه تاتاریخ اجراء این قانون مطابق مقررات قانون خدمت نظام وظیفه عمومی مصوب خرداد ۱۳۰٤ و ۳۰ شهریورماه ۱۳۱۰ باخذ برگ‌معافیت دائم نائل شده‌اند معافیت آنان معتبر شناخته میشود .

تبصرهٔ ۲ ـ مدتی‌را که خدمتگزاران رسمی وخدمتگزاران جزءقبل‌ازتاریخ اجرای این قانون‌انجام خدمت زیرپرچم نموده‌اند ویابعداً بنمایند جزومدت‌خدمت آنها محسوب شده و وزارتخانه‌ها و ادارات مربوطـه مکلفند آنهـا را پس از دوره

خدمت زیر پرچم بخدمت خود بپذیرند و همینطور خدمتگزاران دیگر ادارات که براثر این قانون بخدمت نظام وظیفه دعوت میشوند پس ازخاتمه خدمت زیر پرچم برای اشتغال بخدمت سابق خود یاخدمات دیگر دولتی برسایرین مقدم خواهند بود .

ماده٦ ـ درمقابل مدت خدمتی که متجاوز ازمدت مقرره درماده چهار بنابر مقتضیات و اوامر مخصوص انجام شود دو برابر از ادوار مدت خدمت کسرمی گردد بدین ترتیب که مطابق همان مدتیکه اضافه خدمت نموده دوره احتیاط وبهمان مدت نیز انتهای مدت خدمت (ذخیره دوم) تقلیل مییابد .

تبصره ـ چهار ماه تفاوت دوره خدمت زیر پرچم افراد نیروی دریائی نیز مشمول مقررات این ماده خواهد بود .

ماده۷ ـ افرادیکه درزمان جنگ وبسیج عمومی خدمت آنها منقضی میگردد وتاپایان جنگ خدمت آن‌ها تمدید میشود مشمول مقررات ماده فوق خواهند بود .

ماده۸ ـ موقع گرفتن ومرخص کردن نفر بنابر تصمیمات ستاد ارتش درمواقع مختلف (روی مقررات پایه خدمتی) انجام میگردد .

ماده۹ ـ سربازانی که پس از رفع احتیاجات قسمت ها باقی میمانند آماده بخدمت نامیده میشوند .

ماده ۱۰ ـ سربازان آماده بخدمت درنخستین وهله احتیاج بایستی بقسمتهای مناطق مربوطه تحویل و مادامی که نفر آماده بخدمت سنوات ماه قبل وجود دارد نبایستی از مشمولین آن استفاده شود .

ماده ۱۱ ـ مشمولین و نفرات آماده بخدمت در هرموقع که خدمت خود را انجام دهند پس ازخاتمه دوره زیر پرچم داخل طبقه نفرات هم سن خود میگردند .

ماده ۱۲ ـ افراد قبل از رسیدن به سنین مشمولیت میتوانند دو سال خدمت

زیرپرچم خود را با حقوق وظیفه انجام دهند مشروط بر آنکه حد اقل هیجده سال تمام دارا بوده وضعیت جسمانی آنها متناسب با انجام خدمت باشد.

تبصره ۱ ـ اشخاصی که تااین‌تاریخ داوطلبانه دوسال درصف خدمت نموده‌اند خدمت آنها زیر پرچم محسوب و جزو هم طبقه های خود منظور میشوند.

تبصره ۲ ـ هیجده سال تمام از اول فروردین ماه سالی محسوب میشود که نوزده سالگی درطی آن شروع میشود.

ماده ۱۳ ـ مدت تحصیلی درآموزشگاه ها و دانشکده های افسری (اعم از داخله یا خارجه جزو خدمت زیر پرچم محسوب میشود.

ماده ۱۴ ـ داوطلبان واجد شرایط آموزشگاه گروهبانی امنیه با تعهد شش سال خدمت درامنیه ازخدمت زیر پرچم معاف خواهند بود.

ماده ۱۵ ـ داوطلبان هنرستان رانندگی ارتش چنانچه در سنین مشمولیت باشند یکسال از تحصیل در هنرستان وسال نخست خدمت رانندگی‌آنها جزو دوره زیر پرچم محسوب خواهد شد.

ماده ۱۶ ـ دانش آموزانی که از طرف ارتش جهت تحصیل بخارجه اعزام و پس‌ازمراجعت بایران بدرجات گروهبانی واستواری نایل میگردند چنانچه درسنین مشمولیت باشند و برای خدمت دائمی در ارتش متعهد گردند از خدمت زیر پرچم معاف خواهند بود.

ماده ۱۷ ـ دوره تحصیلی آموزشگاه‌گروهبانی نیروی دریائی‌جزو دوره زیر پرچم محسوب و داوطلبان واجد شرایط دخولی آموزشگاه از خدمت زیر پرچم معاف خواهند بود.

ماده ۱۸ ـ اشخاص‌فنی‌آموزشگاه دیده‌که برای‌خدمت دائمی درارتش تعهد بسپارند ازخدمت زیرپرچم معاف خواهند بود.

ماده ۱۹ - بطور کلی اشخاصی که بادرجات افسری (باستثناء اداری) درارتش مشغول خدمت هستند درصورت مشمولیت باسپردن تعهد دائم از خدمت زیر پرچم معاف خواهند بود .

ماده ۲۰ - کلیه کارکنانی که درارتش بدون پایه نظامی (همردیف - کنتراتی - روزمزد) خدمت مینمایند (بغیرازمتعهدین موارد فوق) از لحاظ مقررات مربوطه بخدمت وظیفه تابع مقررات عمومی کشورخواهند بود .

ماده ۲۱ - مشمولینی که در اثر تعهد خدمت دائم ویا طی آموزشگاه نظامی و فنی از انجام خدمت زیر پرچم معاف میگردند مادام که در خدمت ارتش هستند ازاحضار تعلیماتی وبسیج معاف بوده ولی چنانچه قبل‌ازانقضاء ۲۵ سال ادوار قانونی ازخدمت خارج شوند اگر بنابرعلل خدمتی بوده باشد با رعایت مقـام هریك در ردیف افسران یا افراد هم طبقه خود منظور و اگر بعلل محاکماتی خلع درجه یا اخراج شده باشند درصورتیکه مدت خدمت آنها کمترازدوسال دوره زیرپرچم باشد کسر مدت را باید بادرجه تابینی خدمت نموده وجزوافراد هم طبقه خود منظورشوند ودرهردوصورت دربقیه مدت ادوارقانونی تابع مقررات مربوطه به هم طبقه های خود خواهند بود .

ماده ۲۲ - درباره مشمولینی که قبل‌ازاحضاربخدمت سربازی‌موردمحکومیت واقع شده‌اند بطریق ذیل عمل خواهد شد :

الف - محکومین بجنایت و محکومینی که بواسطه تکرار جرم بمجازات بیشترازحد اکثرمجازات تأدیبی‌محکوم شده باشند بعد ازاتمام مجازات مقرره خدمت زیرپرچم را درواحد های‌مخصوص مطابق دستور ستاد ارتش درکارهای مورد احتیاج ارتش انجام خواهند داد .

ب - سایر محکومین بجنحه هرچند درحال اجراء مجازات باشند در موقع

مشمولیت بدواً باید خدمت زیر پرچم خود را انجام داده سپس در باره آنها اجرای مجازات بشود .

تبصره ـ محکومین بجنحه چنانچه درحین انجام خدمت سربازی حسن اخلاق و رفتار آنها مورد گواهی فرمانده مربوطه واقع شود بایستی مراتب درکتابچه نظامی آنها ذکر و گواهی شده تا بعدازانجام خدمت نظامی بپیشنهاد وزیر عدلیه وتصویب رئیس الوزراء مطابق ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی از پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی استدعای تخفیف بشود .

فصل دوم ـ مناطق سربازگیری

ماده ۲۳ ـ درهریك ازاستان‌های کشور شاهنشاهی یك منطقه سرباز گیری تحت امر فرمانده نظامی آن استان تشکیل می‌یابد .

ماده ۲۴ ـ هریك ازمناطق مرکب ازچندین حوزه سرباز گیری خواهد بود که حوزه اصلی نامیده میشود .

ماده ۲۵ ـ درمحل هائی که مراکز حوزه های سرباز گیری تشکیل گردیده یك دفتر ثبت احوال وآمار نیز تأسیس میگردد .

فصل سوم ـ احضار مشمولین

ماده ۲۶ ـ احضار افراد در ادوار مختلفه خدمتی بنابرفرمان همایونی انجام میگردد .

ماده ۲۷ ـ از تاریخ مشمولیت که اسامی مشمولین بوسیله آگهی منتشر و وضعیت آنها تحت رسیدگی واقع میگردد تاموقع تحویل بسربازخانه مرحله احضار نامیده میشود .

ماده ۲۸ ـ بنا برضرورت و مصالح نظامی موقع احضار وسرباز گیری که در این قانون تصریح شده برحسب فرمان همایونی تغییر پذیر خواهد بود .

ماده ۲۹ ـ برحسب فرمان همایونی ممکن‌است درموقع احتیاج طبقات‌مختلفه که هنوز بسن سربازی نرسیده‌اند بخدمت احضار گردند که در این صورت مشمول مقررات این قانون خواهند بود .

ماده ۳۰ ـ افرادی که برطبق ماده فوق بخدمت احضارمیگردند بمحض رفع احتیاج ازخدمت مرخص ومدتی را که خدمت‌نموده‌اند جزء دوره زیر پرچم قانونی آنان محسوب و با افرادهم طبقه خود داخل ادوار مختلفه خدمتی میگردند .

تبصره ـ چنانچه خدمت آنها ازمدت دو سال کمترباشد بهمان نسبت ازمدت خدمت زیر پرچم قانونی آنهـا کاسته میشود و بهرصورت ادوار خدمتی این قبیل احضارشدگان از تاریخ احضار بخدمت از ۲۵ سال تجاوز نمیکنند .

ماده ۳۱ ـ هرساله‌مشمولینی که‌مراسم‌سرباز گیری آنهاخاتمه‌مییابد برحسب احتیاج جهت انجام خدمت احضار میگردند .

ماده ۳۲ ـ اسامی احضارشدگان بایستی سه ماه قبل از موعد حضور بوسیله آگهی درمحل منتشر گردد .

ماده ۳۳ ـ نسبت باشخاصی که بسن‌سربازی رسیده‌اند و در دوره احضارواقع شده‌اند دو عمل میشود یکی رسیدگی و اسم نویسی و دیگری سرباز گیری .

ماده ۳۴ ـ رسیدگی و اسم نویسی تحت نظر فرمانده قسمت و رئیس حوزه سربازگیری و رئیس دفتر آمار (یا نماینده آنها) انجام میشود .

ماده ۳۵ ـ اجرای مراسم سربازگـیری با عضویت اعضاء مقرره در ماده ۳٤ ودونفرپزشك نظامی درحضورعالی‌ترین مأمور وزارت داخله یانماینده اوبعمل‌میآید

تبصره ۱ ـ در نقاطی که امنیه وشهربانی وشهرداری موجوداست نمایندگان امنیه وشهرداری ویکنفر نماینده انجمن شهرداری نیز دراجرای مراسم سربازگیری شرکت خواهند داشت .

تبصره ۲ ـ درصورت اقتضاء ممکن است سه نفر افسر از طرف فرمانده‌نظامی منطقه در اجرای مراسم سربازگیری شرکت داده شود .

ماده ۳۶ ـ انتخاب افسران نامبرده در تبصره دوم ماده قبل بعهده فرمانده پادگان وانتخاب پزشکان بعهده اداره بهداری ارتش‌است که با نظر بهداری پادگان تعیین وکلیةً بایستی پس از تصویب ستاد ارتش بانجام امور محوله مشغول گردند .

فصل چهارم ـ تأمین احتیاجات

ماده ۳۷ ـ مشمولین حوزه های تابعه هریك از مناطق بواحدهای لشکر یا تیپ متبوعه همان منطقه اختصاص خواهند داشت .

ماده ۳۸ ـ حوزه‌های سربازگیری همه ساله درمدت یك ماهه آبان صورت نفراتی که بموجب ماده یك این قانون در فروردین سال بعد داخل سن ۲۱ سالگی خواهند شد از دفتر ثبت احوال و آمار همان محل دریافت خواهند نمود .

ماده ۳۹ ـ دفاتر آمار و ثبت احوال هر محل مکلفند با مراجعه بسوابق و مدارك قانونی مربوطه صورت‌های منظور را دقیقاً استخراج نموده و بحوزه های سربازگیری همان محل تسلیم نمایند .

ماده ۴۰ ـ حوزه‌های سربازگیری هر محل بایستی صورتهای مزبور را در آذرماه با مدارك موجوده دردفاتر ثبت احوال همان‌محل که اسامی مشمولین ازآن دفاتر استخراج شده دقیقاً تطبیق نموده و پس از رفع کلیه اختلافات تعداد آنها را تا اول دی ماه هرسال (در دو نسخه) بمناطق مربوطه صورت دهند که یك نسخه

آن در منطقه بایگانی و نسخه دیگر قبل از بهمن ماه هرسال بمرکز فرستاده‌شود.

تبصره ـ صورتهای نامبرده‌بایستی اسامی ازقلم افتادگان‌سال گذشته وهمچنین اسامی مشمولینی‌را که جدیداً شناسنامه اخذنموده ویا ازطریق‌اعتراض بسن‌مشمول شناخته شده‌اند در برداشته باشند.

ماده ۴۱ ـ اداره نظام‌وظیفه عمومی مکلف‌است‌آمار جامعی از کلیه مشمولین فروردین ماه هرسال تنظیم‌نموده و قبل‌از اسفندماه سال قبل‌بستاد ارتش تسلیم‌نماید

ماده ۴۲ ـ آمار منظور بایستی صورت احتیاجات سال بعد کلیه قسمت‌های ارتش را نیز (بافراد عادی، باسواد ، فنی) پس‌ازوضع افراد داوطلب با منظورداشتن صدی ده کسور احتمالی در برداشته باشد.

ماده ۴۳ ـ قسمت‌ها همواره موظف میباشند از احتیاجات سال بعد خود با درنظر گرفتن‌تغییرات سازمانی مناطق را مطلع‌ساخته ومناطق نیزبایستی ازتغییرات حاصله بلافاصله اداره نظام‌وظیفه عمومی را مطلع سازند.

ماده ۴۴ ـ تأمین احتیاجات وتحویل نفر بقسمتها ازروی شماره ترتیب‌دفتر اسامی (که ازشماره ردیف صورتهای موالید واصله ازدفتر آمار تشکیل داده‌میشود) بعمل میآید چنانچه احتیاجات کمتر از افراد احضار شده‌باشد مازاد از روی شماره موالید جزو افراد آماده بخدمت منظور میشوند.

ماده ۴۵ ـ درصورت اقتضاء ممکن است از مشمولین هرمنطقه بمناطق مجاور آن اختصاص داده شود.

فصل پنجم ـ رسیدگی و اسم نویسی

ماده ۴۶ ـ همه ساله در اول دیماه اسامی مشمولینی که در طی سال بعد ۲۱ سالگی آنها شروع میشود بوسیله‌آگهی از طرف حوزه‌های سربازگیری درکلیه

کشور منتشر میگردد .

ماده ۴۷ ـ اسامی مشمولین شهرها وبخش‌ها ودهستانها در محل خود انتشار داده میشود .

ماده ۴۸ ـ مردم مجاز هستند چنانچه اشتباه ویا اغلاط و یا سهوی درآگهی مشاهده نمایند (چه راجع بخود و چه راجع بدیگران) بمأمورین مربوطه کتباً یا شفاهاً یادآوری نمایند .

ماده ۴۹ ـ کدخدایان مکلفند چنانچه اشتباه یا اغلاط یا سهوی در آگهی مشاهده نمایند بمأمورین مربوطه کتباً یا شفاهاً یادآوری نمایند .

ماده ۵۰ ـ اشخاصی که بسن مشمولیت رسیده اند و اسم آنها درآگهی ثبت نشده بایستی شخصاً و یا بوسیله دیگری شفاهاً یا کتباً مأمورین را ازوضعیت خود مطلع دارند .

ماده ۵۱ ـ مشمولینی که اسامی آنها درآگهی ثبت شده بایستی ازتاریخ انتشارآگهی تا قبل ازانقضاء نیمه اول اسفند ماه حضوراً ویا کتباً ویا بوسیله وکیل و نماینده وضعیت خود را با ارائه عین برگ شناسنامه بشرح زیر به مأمورین اطلاع دهند .

الف ـ میزان سواد و معلومات .

ب ـ اطلاعات فنی .

ج ـ وضعیت مزاجی .

د ـ شغل و محل سکنی .

ه ـ وضعیت خانوادگی .

ماده ۵۲ ـ اطلاعات‌مذکوره درماده فوق‌درصفحه مخصوص برگهای‌شناسنامه

(ستون اظهارات) ذکر و همچنین درهمین ستون مقابل اسامی هریك‌دردفاتر سرباز گیری نیز قید و از طرف مأمورین امضاء میشود و موقعی را که بایستی‌برای‌معرفی با عین برك شناسنامه در مجلس سرباز گیری حاضر شوند بآنهاتذکرداده میشود .

تبصره ۱ ـ به کسانیکه فاقد برگ شناسنامه و یا صفحه مخصوص آن باشند از طرف مأمورین اسم نویسی یك گواهی نامه موقت داده میشود .

تبصره ۲ ـ چنانچه برگهای شناسنامه حاضرشدگان با دفاتراسامی وصورتهای مستخرجه از دفاتر آمار و ثبت احوال اختلاف داشته باشد علل آن بازرسی شده و برای رفع اختلاف بایستی از طرف نماینده آمار اقدام شود .

ماده ۵۳ ـ همه ساله در کلیه مناطق و حوزه‌های سرباز گیری تا آخر اسفند ماه همان سال بعمل مقرره در ماده فوق باید خاتمه داده شود .

ماده ۵۴ ـ انجام‌مقررات این فصل بعهده‌مأمورین مقررضمن ماده ۳٤خواهد بود که بایستی برای رسیدگی بوضعیت مشمولین هرمحل قبل‌ازانقضای‌موعدقانونی در مراکز مربوطه حاضر شده و وظایف محوله را خاتمه دهند .

فصل ششم ـ تشکیل مجالس سرباز گیری

ماده ۵۵ ـ در ۱۵ اسفند مـاه هر سال از طرف وزارت جنگ پیشنهاد لازم بمنظور صدور فرمان همایونی راجع باحضارمشمولین سال بعد به هیئت‌وزراءتقدیم می شود .

عین فرمان‌همایونی‌دراول فروردین‌ماه هرسال بوسیله مأمورین وزارت‌داخله درکلیه نقاط کشورمنتشر میگردد .

ماده ۵٦ ـ پس ازانتشارفرمان همایونی همه‌ساله‌ازپانزدهم فروردین‌تاپانزدهم خردادوضعیت مشمولین تحت نظرمجلس سربازگیری رسیدگی خواهد شدومشمولین

بافتخار عنوان سربازی نایل خواهند شد .

تبصره - چنانچه بعد از تاریخ انقضای مدت تشکیل مجلس سرباز گیری نیز مشمولینی باقی باشند که وضعیت آنها روشن نشده‌باشد ، دادگاههای اداری متشکله در مراکز حوزه ها وظایف مجلس سرباز گیری را انجام خواهند داد .

ماده ۵۷ - مجلس سرباز گیری تحت‌ریاست عالیترین مأمور وزارت داخله‌هر محل و بمعاونت و نظارت رئیس حوزه سرباز گیری و عضویت سایر اشخاص نامبرده در ماده ۳۵ تشکیل میگردد .

ماده ۵۸ - مجالس سرباز گیری رسماً افتتاح میشود وجلسات آن علنی خواهد بودومردم‌میتوانند بعنوان تماشاچی (بدون‌حق‌شرکت‌درمذاکرات)حضوربهمرسانند.

فصل هفتم - معافیت مزاجی

ماده ۵۹ - وضعیت مزاجی‌مشمولین‌بایستی‌بوسیله پزشکان‌نظامی‌روشن شده و علت مزاجی آنها در نقاطی که تشکیل شورای پزشکی نظامی مقدورنباشد لااقل بوسیله دونفر پزشك نظامی مشخص گردد .

ماده ٦۰ - معلولین ذیل از خدمات صف و خارج صف محروم وجهت‌خدمات پرستاری پزشکی و دام پزشکی و امثال آن تعیین وچنانچه فنی و با سوادباشنددر امور مربوطه مورد استفاده واقع و از تعلیمات نظامی معاف هستند .

۱ - نابینایان از یك چشم .

۲ - شل و چلاق (درصورتیکه بدون اتکاء قادر بحرکت باشند .)

۳ - فاقدین شست یا سبابه دست راست .

٤ - اشخاص قصیرالقامه که قد آنها از ۱۵۰ سانتیمتر کمتر است .

۵ - دارندگان قوز (بشرط آنکه از راه رفتن بدون اتکاءِ عاجز باشند)

ماده ٦١ ـ مشمولین معلول ذیل از کلیه خدمات نظامی برای همیشه معاف خواهند بود :

۱ ـ نابینایان

۲ ـ کر

۳ ـ لال

٤ ـ فاقدین دست یا پا

٥ ـ مبتلایان بامراض غیر قابل علاج .

٦ ـ شل و چلاق یا دارندگان قوز که بدون اتکاء قادر بحرکت نباشند .

تبصره ۱ ـ چنانچه پزشکان نظامی در محل نباشند ممکن است از وجود پزشکان غیر نظامی یا بنگاههای بهداری کشور با اجازه ستاد ارتش استفاده شود .

تبصره ۲ ـ مشمولین بیمار و ضعیف‌البنیه بوسیله بنگاههای بهداری کشور قبلا تحت معالجه واقع وپس ازبهبودی بخدمت اعزامیگردند ومدت تعویق خدمت آنها از یکسال تجاوز نخواهد کرد مگر آنکه ادامه معالجات آنها مورد تأیید و گواهی شورای پزشکی نظامی واقع گردد .

تبصره ۳ ـ بنگاههای بهداری کشوری موظف بمعالجه و مداوای مجانی مشمولین تبصره بالا خواهند بود .

فصل هشتم ـ معافیت محدود

ماده ٦٢ ـ اشخاص ذیل بواسطه موقعیت خود پس از انجام خدمت زیر پرچم ازخدمات و تعلیمات ادوار بعدی (بجز در موقع بسیج عمومی) معاف خواهندبود:

۱ ـ حکام شرع مجاز باجتهاد یا فتوی از مراجع تقلید یا فتوی .

۲ ـ علماء درجه اول مذاهب زردشتی و کلیمی و مسیحی .

تبصره ۱ - اعتبار مدارك مربوطه آنها منوط به گواهی وزارت معارف خواهد بود .

تبصره ۲ - طلاب علوم دینیه و دانشجویان علوم معقول و منقول مشمول مقررات فصل دهم این قانون خواهند بود .

فصل نهم - متکفلین

ماده ۶۳ - بطور کلی مشمولینی که عنوان سرپرستی واداره امور عائله‌دارند مثل سایر افراد بخدمت حاضر خواهند شد .

ماده ۶۴ - مشمولین ذیل که عهده‌دار هزینه و نفقه دهنده‌خانواده میباشند بخدمت احضار و پس از هشت ماه خدمت در واحدهای ارتش بقیه دوره زیر پرچم را با دریافت مدد معاش و جیره (مطابق حقوق افراد امنیه) در اداره امنیه خدمت خواهند کرد .

۱ - مشمولینی که دارای عیال واولاد بوده ولی دارای پدریا پدرزن یا برادر زن باشند که در اینصورت اگر هرسه نفر وجود داشته باشند مشترکاً والاهر کدام درقید حیات هستند موظف به نگاهداری عائله او خواهند بود .

۲ - مشمولینی که تحت‌الکفاله آنها برادر و خواهر کوچك یا طفل بی‌مادر باشد که در این صورت بنگاههای شهرداری ها بایستی برای قبول آنان حق تقدم منظور دارند و درغیر آن سایر اقوام ذکور نسبی درجات ۲ و ۳ ملزم به‌نگاهداری آنها خواهند بود .

۳ - مشمولینی که تحت‌الکفاله آنها (پدر یا مادریا جد یا جده) از کارافتاده بوده و خود آنها دارای برادر یا پدر و یا اقوام ذکور نسبی درجات ۲ و ۳ باشند که دراینصورت اقوام هریك ملزم به نگاهداری بسته خود خواهند .

۴ – مشمولینی که دارای یك یادو نفر تحت الکفاله باشند بدون هیچگونه رعایتی بخدمت احضار وبایستی باآنچه که ماهیانه در حین خدمت زیرپرچم دریافت میدارند معاش آنانرا تأمین نماید .

تبصره – بطور کلی در مورد کلیه مشمولین نامبرده در این ماده هر گاه تحت الکفاله های آنها مطابق گواهینامه مجلس سربازگیری متمکن وقادربکارنبوده وبستگان نزدیکی که از آنها نگاهداری نماید نداشته باشند بنگاههای شهرداری باید درمدت هشت‌ماه اول خدمت زیرپرچم برای قبول آنان حق تقدم منظور دارند.

ماده ۶۵ – چنانچه مشمول دارای عیال (بدون اولاد) باشد ولو اینکه پدر یا پدرزن وبرادر زن هم نداشته باشد بخدمت احضار خواهد شد .

ماده ۶۶ – مشمولی که دارای عیال واولاد بوده وعیالش ازنظر مزاجی‌مانعی برای تأمین معاش نداشته باشد بخدمت احضار خواهد شد .

ماده ۶۷ – چنانچه مشمولی علاوه بر عیال و اولاد پدر یا مادر یا جدو جده از کار افتاده در تحت کفالت خود دارا باشد ولی بتوانند با تمول و یا درآمد خدمتی عیال او مخارج خودرا تأمین کنند بخدمت احضار خواهد شد .

ماده ۶۸ – مشمولینی که عائله تحت الکفاله آنان از دو نفر تجاوز کرده و مشمول مقررات هیچیك از مواد نباشند مادام که حال بدین منوال است ازخدمت زیر پرچم موقتاً معاف خواهند بود و بمحض اینکه عائله تحت الکفاله آنها تقلیل پیدا کرد مشمول مقررات ماده ۶۴ میگردند بشرط آنکه سن متکفل از سی سال تجاوز نکرده باشد و در صورت تجاوز از اول ۳۱ سالگی پس از هشت ماه خدمت معاف و جزو ذخیره منظور خواهند بود .

ماده ۶۹ – بطورکلی یکنفر از دو و سه پسر و دو نفر از چهار و پنج پسر

مادامی که سایرین در خدمت زیر پرچم هستند معاف خواهند بود .

تبصره ۱ ـ بمنظور اجرای این قانون سن بلوغ برای دختر و پسر هیجده سال تمام محسوب میشود .

تبصره ۲ ـ مشمولین متکفل بایستی عین یا رونوشت مصدق از برگهای شناسنامه عائله تحت الکفاله خود را پیوست باستشهاد مصدق محلی بحوزه های سربازگیری تسلیم نمایند .

تبصره ۳ ـ صحت هویت امضاء کنندگان استشهاد در شهرها ازطرف شهربانی ودر دهستانها بوسیله امنیه یا کدخدایان باید مورد گواهی واقع شود .

تبصره ۴ ـ وضعیت مشمولین اینماده بایستی ازطرف حوزه‌های سربازگیری بوسیله مأمورین مربوطه یامأمورین شهربانی‌وامنیه محل تحت تحقیق واقع‌ونتیجه بازرسی بابرگهای شناسنامه واستشهاد دقیقاً تطبیق شود .

تبصره ۵ ـ متکفلینی‌که مطابق قانون مصوب ۳۰ شهریور ماه ۱۳۱۰ از خدمت سربازی معاف بوده اند چنانچه در تاریخ اجرای این قانون پنج سال دوره تکفل آنها منقضی شده باشد مشمول تبصره ماده ۱۶ قانون نامبرده بوده و بایستی چهارماه خدمت نمایند .

تبصره ۶ ـ هیچیك از مقررات این فصل شامل حال مشمولینی که دارای گواهینامه تحصیلی دوره متوسطه وبالاتر میباشند نخواهد بود .

فصل دهم ـ دانش آموزان

ماده ۷۰ ـ اشخاصی‌دانش آموزنامیده میشوند که‌دریکی ازآموزشگاههای ملی یادولتی (داخله یاخارجه) رسماً اشتغال بتحصیل داشته باشند .

ماده ۷۱ ـ رسمیت جریان تحصیل منوط بتصدیق و گواهینامهٔ است که از

طرف وزارت معارف بدانش آموزان داده خواهد شد .

ماده ۷۲ ـ دانش آموزان دوره دوم دبیرستانها ودانشجویان آموزشگاههای عالی چنانچه در حین تحصیل بسن مشمولیت برسند تاموقعیکه تحصیلات خود را در دبیرستان ودانشکده ها ادامه میدهند از احضار بخدمت معاف هستند .

ماده ۷۳ ـ کلیه دانش آموزان ودانشجویان مشمول بمحض ترك یا فراغت از تحصیل بخدمت احضار وبدون رعایت مدارج تحصیلی دوسال خدمت زیر پرچم‌را انجام خواهند داد .

کسانیکه دوره تحصیلات آنها کمتر از دوره کامل متوسطه باشد مشمول مقررات مربوط بسایر افراد خواهند بود .

کسانیکه دوره تحصیلات آنها مطابق دوره کامل متوسطه وبیشتر باشد جهت تشکیل کادر افسری احتیاط اختصاص خواهند داشت درحق این مشمولین مطابق ماده ۸۶ عمل وانتخاب شدگان یکسال در دانشکده‌افسری احتیاط ویکسال‌درصف خدمت خواهند نمود .

ماده ۷۴ ـ از تاریخ اجرای این قانون مشمولینی کـه در دانشکده افسری احتیاط وبنگاههای بهداری ودام پزشکی ارتش‌مشغول طی تعلیمات مقرره میباشند وافسران وظیفه‌ایکه خدمت زیر پرچم خود را انجام میدهند ازحیث مدت خدمت تابع مقررات ماده‌بالا خواهند بود .

فصل یازدهم ـ کادر افسری احتیاط وذخیره

ماده ۷۵ ـ کادرافسری احتیاط از روی صورتهای اسامی ارسالی‌وزارتمعارف تشکیل میگردد .

ماده ۷۶ ـ دارندگان گواهی نامه تحصیلات متوسطه وعالیه کـه جهت کادر

افسری احتیاط وذخیره اختصاص یافته دراول مهرماه هرسال بدانشکده افسری احتیاط اعزام ومعرفی میگردند .

تبصره ـ پزشکان ودام پزشکان و دواسازان و دندانسازان مشمول مقررات اینماده نبوده وتابع مقررات فصل دوازدهم این قانون خواهند بود .

ماده ۷۷ ـ اعزام و معرفی مشمولین ماده فوق بدانشکده افسری احتیاط از روی تقدم تاریخ ولادت بعمل آمده و آنهائیکه ازخارجه ویاسایر نقاط کشور بهمرکز آمده‌اند برسایرین نیز حق تقدم خواهند داشت .

ماده ۷۸ ـ دانشکده افسری احتیاط هرساله دراول مهرماه در تهران تشکیل میشود ودوره آن یکسال است .

ماده ۷۹ ـ افراد نامبرده درماده ۷٦ از تاریخ معرفی بدانشکده افسری تا خاتمه دوره دانشکده تابع مقررات عمومی دانشکده افسری احتیاط بوده وطبق برنامه مخصوص تعلیمات لازمه را طی خواهند نمود .

ماده ۸۰ ـ حقوق دانش آموزان دانشکده افسری احتیاط درمدت دوازده ماه اولیه مطابق حقوق سایر افراد وظیفه میباشد و پس از خاتمه دوره دانشکده حقوق پایه مصوبه را دریافت خواهند داشت .

ماده ۸۱ ـ دانش آموزان دانشکده افسری احتیاط پس از خاتمه دوره دانشکده چنانچه از عهده امتحانات خروجی برآیند طبق فصل پنجم قانون ترفیعات بدرجه افسری نایل میگردند .

ماده ۸۲ ـ چنانچه افسران وظیفه در خدمت بی علاقگی نشان داده و یا بی انضباطی وسستی ازآنان مشهود گردد برای هردفعه ارتکاب با نظر ستاد ارتش از سه ماه تا یکسال خدمت آنها تمدید میگردد .

ماده ۸۳ ــ افسران وظیفه پس‌ازخروج ازدانشکده بانظرستاد ارتش به نسبت احتیاجات بقسمتهای ارتش تقسیم میگردند .

ماده ۸۴ ــ افراد وظیفه که خدمت زیر پرچم خود را مانند افراد عادی خاتمه داده و بعداً بخاتمه تحصیلات و اخذ گواهی نامه متوسطه و عالیه نایل آیند و بخواهند جزءِ کادر افسری احتیاط محسوب گردند مشمول مقررات این فصل خواهند بود .

ماده ۸۵ ــ افسران وظیفه و احتیاط درصورت تمایل بادامه خدمت داوطلب درارتش پس ازطی سال دوم دوره دانشکده افسری افسرداوطلب شناخته شده وتابع مقررات عمومی ارتشی خواهند بود .

تبصره ــ مدت تحصیل در سال دوم دانشکده با استفاده ازحقوق درجه بوده ولی هزینه آنها دردانشکده ازحقوق آنها محسوب خواهد شد .

ماده ۸٦ ــ دارندگان گواهی نامه که بخاتمه ادوار تحصیلی متوسطه وعالیه موفق‌شده‌اند درموقع انجام خدمت زیرپرچم برای‌دخول بدانشکده افسری احتیاط بایستی شرایط زیر را دارا باشند .

الف ــ درموقع معرفی ازطرف وزارت معارف راجع باستعداد و قابلیت نظامی وهمچنین وضعیت اخلاقی دارای گواهی نامه مخصوص باشند .

ب ــ ازنظرجسمانی و تناسب اندام (که بامعاینه متخصصین پزشکی منتخب ازطرف ستاد ارتش تشخیص داده میشود) نقیصه بدنی نداشته وکاملا سالم باشند .

ج ــ پس از معرفی جهت انجام خدمت وظیفه بوسیله یك هیئت نظامی تحت آزمایش واقع ومطابق برنامه تعلیمات نظامی وزارت معارف ازعهده امتحانات لازمه برآیند .

تبصره - مشمولینی که درهریك ازمراحل سه گانهٔ بالا مردود شوند جهت دو سال خدمت عادی معرفی و آنهائیکه دارای شرایط مقرره باشند روز اول مهر ماه هرسال بدانشکده افسری احتیاط اعزام ومعرفی میگردند .

ماده ۸۷ - تجدید ادوار تحصیلی دانشجویان دانشکده افسری احتیاط جزءِ مدت خدمت آنها محسوب نشده و فقط یك دوره آن جزءِ مدت خدمت زیر پرچم محسوب وبرای طی یکسال بقیه مدت زیرپرچم بدون درجه بصف اعزام میگردند .

تبصره - تجدید ادوار تحصیلی دانشکده افسری احتیاط از دو دوره تجاوز نخواهد کرد .

ماده ۸۸ - افسر وظیفه و احتیاط و ذخیره چنانچه در هریك از مراحل خدمتی شئون وخصایص افسری را از دست داده و فاقد صلاحیت گردند بقیه مدت خدمت را در کلیه مراحل با درجه سربازی ادامه داده و ازکادر افسری خارج خواهند بود .

فصل دوازدهم - پزشکان - دام پزشکان دواسازان - دندانسازان

ماده ۸۹ - مشمولین نامبرده دراین فصل درامورتخصصی خود مورد استفاده واقع وجزوکادر مربوطه منظورخواهند شد .

ماده ۹۰ - مشمولین‌نامبرده دراین‌فصل بمحض اینکه ازطرف وزارت معارف معرفی شدند پزشکان و دواسازان و دندانسازان بوسیله اداره بهداری ارتش و دامپزشکان بوسیله اداره دام پزشکی‌ارتش بخدمت اعزام ودرمحلهای معینه ازطرف ستاد ارتش گمارده میشوند .

ماده ۹۱ - افراد نامبرده در ماده فوق در ضمن انجام دوازده ماه خدمت

اولیه تعلیمات لازمه‌را فرا گرفته وپس ازانقضاء مدت مزبور چنانچه ازعهده‌امتحانات مقرره بر آیند بدرجه افسری نائل والا دوازده‌ماه‌خدمت اولیه‌آنها تجدیدخواهدشد.

ماده ۹۲ ـ افراد نامبرده در این فصل در دوازده ماه خدمت اولیه مثل سایر سربازان وظیفه بوده ولی‌چنانچه بمأموریت‌خارج ازمنطقه مربوطه (جزمرکز)اعزام شوند هرماه‌مطابق حقوق یك‌نفرستوان‌سوم مددمعاش درحق آنهاپرداخت‌خواهدشد.

تبصره ـ برای تعیین منطقه مربوطه محل اقامتگاه قانونی مشمولین معتبر خواهد بود.

ماده ۹۳ ـ افراد نامبرده در این فصل مشمول مقررات مواد ۸۲ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ این قانون خواهند بود.

فصل سیزدهم ـ مراسم انجام سربازگیری

ماده ۹۴ ـ مجالس سربازگیری در پانزدهم فروردین ماه هر سال در مراکز حوزه‌ها تشکیل و افتتاح میگردد.

تبصره ۱ ـ درصورتیکه تشکیل مجلس‌سربازگیری درمدت مقرره ضمن ماده **۵۶** درکلیه‌کشور مقدورنباشد مناطق وحوزه‌های سربازگیری مکلف میباشند بمحض تهیه مقدمات درطول سال‌تشکیل داده ووضعیت مشمولین را طوری رسیدگی نمایند که بسال بعد موکول نشود.

تبصره ۲ ـ درسال ۱۳۱۷ استثنائاً مجالس‌سربازگیری در **۱۵** مهرماه تشکیل و افتتاح میگردد.

ماده ۹۵ ـ در اولین ساعت افتتاح‌مجلس سربازگیری فرمان‌همایونی ازطرف رئیس‌مجلس‌قرائت و با ایراد نطق مختصری دایر بمنویات خاطرخطیرشاهانه وفواید خدمت سربازی مجلس را افتتاح مینمایند.

ماده ۹٦ ـ رئیس مجلس مقررات مربوط به کسانیرا که مطابق این قانون ممکن است از خدمت نظامی دائماً یا موقتاً معاف گردند شرح میدهد .

ماده ۹۷ ـ اسامی اشخاصی که در آن سال بخدمت سربازی دعوت شده اند مطابق دفاتری که حوزه‌های سربازگیری ازروی مدارك ودفاتر آماراستخراج نموده‌اند باید یك یك بصدای بلند خوانده شود و مطابق مقررات این قانون درحق حاضرین و غائبین عمل شود .

ماده ۹۸ ـ باطلاعاتی که طبق اظهار مشمولین یا نمایندگان آنها در موقع رسیدگی واسم‌نویسی اظهارشده ضمن دفاتر شناسنامه خودآنها ودفتر اسامی حوزه‌ها ثبت شده دقیقاً رسیدگی ونتیجه تشخیص (صحت وسقم) ونظریه مجلس سربازگیری درستون مربوطه (برگهای شناسنامه ـ دفاتر حوزه‌ها ـ صورت مجلس سربازگیری) قید وامضاء میشود .

تبصره ۱ ـ کسانیکه مطابق ماده ۲ این قانون در سنین مشمولیت بوده ودر صفحه مخصوص برگهای شناسنامه آنها ازطرف مأمورین رسیدگی ومجالس سربازگیری نتیجه بررسی ورأی مجلس سربازگیری ذکرنشده‌باشدهیچیك ازادارات وبنگاههای دولتی وشهرداریها وملی (اعم از رسمی وغیررسمی) مجاز باستخدام و قبول‌عضویت آنها درهیچ کاری نخواهند بود و گماردن این قبیل اشخاص بهرگونه خدمتی بکلی ممنوع است و بآنان نبایستی اجازه مسافرت داده شود .

تبصره ۲ ـ کسانیکه برگهای شناسنامه‌آنها حاکی ازاحراز عنوان‌سربازی میباشد بایستی دارای دفترچه خدمت نظامی و یا برگ آماده بخدمت باشند والا مشمول مقررات تبصره بالا خواهند بود .

ماده ۹۹ ـ مشمولینی که درموقع رسیدگی واسم‌نویسی اساساً خودرا سرباز

بلا مانع معرفی نموده‌اند محتاج رسیدگی نبوده بایستی فوراً رأی سربازی آنها از طرف مجلس صادر و جهت انجام خدمت معرفی شوند .

ماده ۱۰۰ ـ مجالس سربازگیری بایستی بامراجعه بسوابق و بررسی در وضعیت هریك از مشمولین که قبلا رسیدگی شده بدون تأخیر رأی خود را به پرونده های مربوطه ضمیمه نمایند .

ماده ۱۰۱ ـ مشمولینی که بواسطه مسافرت و یا کسالت و علل دیگر حاضر نشده و نمایندده فرستاده باشند از نماینده آنها تحقیقات لازمه بعمل آمده علل عدم حضور ووضیعت آنها در مقابل اسامی مربوطه ذکر و مطابق این قانون درباره آنها رفتار میشود .

ماده ۱۰۲ ـ درصورت بروز اختلاف آراء بین اعضاء مجلس سربازگیری رأی اکثریت قاطع خواهد بود و در صورت تساوی تعداد رأی دهندگان رأی قسمتی که رئیس باآن موافقت نموده قابل اجرا میباشد .

ماده ۱۰۳ ـ پس از خاتمه رسیدگی بوضعیت کلیه مشمولین حاضر و موضوع کردن معافها سربازشدگان بەنسبت احتیاج ازروی شماره‌ترتیب اسامی بسربازخانه اعزام و بمازاد برگ‌آماده بخدمت داده میشود تا دراولین موقع احتیاج بسربازخانه فرستاده شوند .

ماده ۱۰۴ ـ پس‌ازختم عملیات مجالس سربازگیری صورت مجلس درچهارنسخه نوشته شده و کلیه اعضاء امضاء مینمایند یك نسخه از صورت مجلس بوزارت داخله ویك نسخه باداره نظام‌وظیفه عمومی ارسال و یك نسخه در دفتر حوزه سربازگیری و یك نسخه در دفتر رئیس مجلس سربازگیری بایگانی میشود .

ماده ۱۰۵ ـ بلافاصله بعدازخاتمه مجلس‌سربازگیری حوزه‌های سربازگیری

موظفند توضیحات لازمه راجع به مشمولین متوفی را در دفاتر مربوطه ذکر نموده و راجع بجلب غائبین و فراریان مطابق مقررات این قانون اقدام و عمل نمایند

فصل چهاردهم - مشمولین مقیم خارجه

ماده۱۰۶ - نمایندگان سیاسی وقنسولی دولت‌شاهنشاهی ایران مقیم‌خارجه بایستی دفتری جهت ثبت اسامی کلیه اتباع مقیم حوزه مأموریت خود تهیه نموده و از روی مدارك صحیحه تنظیم نمایند .

تبصره - دردفتر مزبوربایستی بطورخلاصه تاریخچه انفرادی هریك‌ازاتباع مذکور دولت شاهنشاهی از حیث (هویت کامل - تاریخ تولد - مشاغل - مدت توقف - تاریخ عزیمت ازایران - تعداد عائله ومیزان درآمد وسرمایه درخارجه و در ایران درج شود .

ماده۱۰۷ - به‌مشمولینی که فاقد برگ شناسنامه بوده ویا آنهائیکه‌جدیداً متولد میشوند بایستی ازطرف مأمورین مذکور درماده ۱۰۶ مطابق مقررات قانون آمار و ثبت احوال برگ شناسنامه داده شود .

ماده۱۰۸ - نمایندگان دولت شاهنشاهی مقیم خارجه انجام‌وظایف مجلس سربازگیری را درحوزه مأموریت خود نسبت باتباع ایران عهده‌دار خواهند بود .

ماده۱۰۹ - در اول فروردین ماه هرسال بمحض‌اینکه فرمان همایونی دائربه احضار مشمولین شرف صدور یافت بوسیله وزارت امورخارجه تلگرافاً بنمایندگان مقیم خارجه ابلاغ میگردد .

ماده۱۱۰ - نمایندگان دولت شاهنشاهی بمحض‌استحضار از فرمان همایونی با مراجعه بدفاتر خود که میبایستی اسامی مشمولین هر سال دقیقاً طبقه بندی شده باشد مشمولینی‌را که درآن سال‌فرمان همایونی‌دائربه‌احضارآنان شرف صدوریافته

به سفارتخانه یا قنسولگری دعوت مینمایند .

ماده۱۱۱ ـ رسیدگی بوضعیت هر یك از مشمولین بایستی مطابق مقررات این قانون درمجلسی که تحت ریاست نماینده دولت با حضور نماینده نظامی وپزشك و یك یا دونفر دیگر از اعضاء سفارتخانه یا قنسولگری و دو نفر از اتباع مطلع با انتخاب نماینده دولت تشکیل میگردد بعمل آید .

تبصره ـ عضویت هر یك از اشخاص نامبرده دراین ماده منوط ببودن آنها درمحل است .

ماده۱۱۲ ـ مشمولینی که سرباز بلامانع تشخیص‌داده شوند بایستی بطرف ایران حرکت داده شوند و اسامی و سوابق و مدارج تحصیلی آنها نیز مشروحاً بمرکز گزارش شود .

ماده۱۱۳ ـ مشمولینی که ازخارجه بایران عازم میشوند چنانچه از ایران برگ شناسنامه‌گرفته باشند (باستثناءِ آنهائیکه دارای‌گواهینامه متوسطه و عالیه هستند) بایستی درمحل اخذ برگ شناسنامه بخدمت معرفی شوند و چنانچه از نمایندگان ایران درخارجه برگ شناسنامه اخذکرده باشند باید خدمت خود را درقسمت های مرکزی انجام دهند .

تبصره ۱ ـ انجام خدمت مشمولینیکه دارای‌گواهینامه میباشند تابع‌مقررات فصل ۱۱ و۱۲ این قانون خواهند بود .

تبصره ۲ ـ چنانچه مشمولین نامبرده دراین ماده بواسطه محظورات وموانعی مایل بانجام خدمت درمنطقه مربوطه نباشند میتوانند انجام خدمت زیر پرچم خود را در یکی ازقسمت های پادگان مرکز استدعا نمایند .

ماده۱۱۴ ـ اسامی‌مشمولین بی‌بضاعتی‌که بتصدیق‌نمایندگان‌دولت شاهنشاهی قادربتهیه هزینه مسافرت خود بایران نباشند بایستی مشروحاً بمرکز گزارش‌شود .

ماده ۱۱۵ - مشمولینی که بایران عزیمت مینمایند بایستی از نمایندگان دولت شاهنشاهی مطابق مندرجات ماده **۱۰۶** معرفی‌نامه رسمی دردست داشته باشند .

ماده ۱۱۶ - مشمولینی که درحین عبور ازمرزدارای معرفی‌نامه رسمی نباشند بایستی خود را بنزدیکترین حوزه سربازگیری معرفی نموده ووضعیت آنها مطابق مقررات قانون درهمان حوزه تحت رسیدگی قرارداده شود .

ماده ۱۱۷ - مشمولین مقیم‌خارجه چنانچه درموقع مقرره جهت انجام خدمت خود را معرفی ننموده باشند تا اول فروردین چهل وشش سالگی در هر موقع و در هرسنی که بایران مراجعت نمایند بایستی خدمت مقرره را انجام داده ومطابق مقررات فصل نوزدهم این قانون درحق آنها رفتار شود .

فصل پانزدهم - طرز اجرای مراسم سوگند

ماده ۱۱۸ - کلیه مشمولینی که بافتخار انجام خدمت سربازی نایل میشوند بایستی نسبت بشاهنشاه و میهن سوگند وفا دارای یاد نمایند .

ماده ۱۱۹ - انجام مراسم سوگند بایستی پس‌از دوره تعلیمات اولیه درمقابل پرچم هنگی بعمل آید .

ماده ۱۲۰ - طرز اجرای مراسم سوگند بدین ترتیب خواهد بودکه بایستی سربازان هرواحد جملات زیررا کلمه بکلمه با فرمانده خود تکرار کنند .

سوگند نامه

« من درپیشگاه خداوند قسم یاد میکنم که درانجام وظایف مقدس سربازی وفداکاری نسبت باعلیحضرت همایون شاهنشاهی ومیهن خود قصورو کوتاهی نکرده و آماده‌ام در هر موقع با نثار جان خود وفاداری باین سوگند و پیمان را عملا نشان دهم .

ماده ۱۲۱ ـ پس از خاتمه مراسم سوگند سرود ملی خوانده شده و سلام شاهنشاهی واخته میشود .

فصل شانزدهم ـ احضار تعلیماتی و بسیج

ماده ۱۲۲ ـ احضار طبقات صنوف وقسمتهای مختلفه مشمول مقررات ماده ۲۶ این قانون خواهد بود .

ماده ۱۲۳ ـ کلیه سربازانی که دوره خدمت زیرپرچم خودرا بپایان رسانیده‌اند درچهار سال دوره احتیاط پس از سه سال اول درسال چهارم احتیاط یك مرتبه و در شش سال اول ذخیره هردوسال یك مرتبه درسالهای دوم وچهارم وششم ودربقیه سالها هرسه سال یکمرتبه در سالهای نهم و دوازدهم و پانزدهم بایستی برای مدت یکماه تجدید تعلیماتی نظامی حاضر گردند .

ماده ۱۲۴ ـ احضارهریك ازطبقات شامل افسران وگروهبانان آن طبقه نیز خواهد بود .

ماده ۱۲۵ ـ جز درمواقع بسیج عمومی حکم احضارسه ماه قبل‌ازتاریخ حضور بوسیله آگهی منتشرمیگردد .

ماده ۱۲۶ ـ حکم وآگهی احضار شدگان از طریق حوزه های نظام وظیفه بوسیلهٔ فرمانداران وکدخدایان ومأمورین امنیه وشهربانی ابلاغ و منتشر میگردد و باحضارشدگان مقیم خارجه توسط نمایندگان شاهنشاهی ابلاغ میگردد .

ماده ۱۲۷ ـ کدخدایان موظف میباشند آنهائیرا که اسمشان درفهرست های واصله درج شده احضار نموده وادار نمایند تا روز مقرر وسائل حرکت وورود خود را بمحل تجمع آماده نمایند وراجع بسایر احضارشدگانی که درمحل نباشند ملزم میباشند ازکسان وآشنایان آنها تحقیقات وافیه بعمل‌آورده تاریخ فوت و یا تاریخ

غیبت و محل توقف و اشتغالات فعلی آنان را درمقابل اسامی مربوطه بطور صریح ذکر نموده بنزدیکترین رئیس شهربانی ویا فرمانده امنیه تسلیم نمایندکه بلافاصله جهت حوزه مربوطه ارسال شود .

تبصره ــ درخارجه اجرای مقررات بالا به‌عهده نمایندگان دولت شاهنشاهی خواهد بود .

ماده۱۲۸ ــ طبقاتی که در موقع بسیج عمومی احضار میگردند موظفند پس از اینکه اعلامیه احضار بمحل آنها رسید درظرف بیست‌وچهارساعت حرکت نموده به مرکز حوزه سربازگیری ویا سفارتخانه وقونسولخانه خود حاضرشوند .

ماده۱۲۹ ــ طبقاتی که موقع احضار درخارجه متوقف هستند باید بوسایل مقتضی از قبیل آگهی درروزنامه یا ابلاغ انفرادی ازطرف سفارت یا قنسولخانه از جریان احضار خود آگاهی یافته جهة دریافت گذرنامه در سفارتخانه یا قنسولخانه مربوطه حاضرشوند .

ماده۱۳۰ ــ اشخاصی که درموقع بسیج عمومی احضارمیگردند چنانچه برای انجام امورات شخصی درغیاب خود محتاج نماینده ــ وکیل وشخص ثالث باشند هر گونه وکالت نامهٔ که در حضور رئیس دفتر سربازگیری و یا افسر امنیه و شهربانی نوشته باشند وازطرف مأمورین‌نامبرده نیز گواهی‌شده باشد ازهرگونه هزینه معاف بوده و درنزد مراجع و مقامات مادامی که نویسنده آن تحت تجهیز است اعتبار وکالت‌نامه رسمی را خواهد داشت .

ماده۱۳۱ ــ برای بیمارانی که قادر به حرکت نباشند بایستی گواهی نامه و استشهاد معتبر با گواهی شهربانی یا امنیه بمرکزحوزه مربوطه با تعیین نوع مرض فرستاده شود که بلافاصله ازطرف حوزه پزشك بازرس‌جهت رسیدگی بوضعیت فرد فرد بیماران اعزام گردد .

ماده ۱۳۲ - بنفراتی که موقع احضار درخارج ازحوزه مربوطه سکنی دارند (اعم از خارجه یاداخله)بایستی بمحض انتشار آگهی از طرف کسان وخویشان آنها جریان احضار باسرع وسائل اطلاع داده شود که در رأس موعد مقرره بمحل معینه حاضر شوند .

ماده ۱۳۳ - کلیه افراد احتیاط وذخیره بایستی بدفعاتی که در این قانون تصریح شده درتجدید تعلیمات شرکت نمایند وچنانچه درهریك از دفعات احضار بعلل موجهی در حضور وشرکت آنها تعویق حاصل شود بایستی در سنوات آتی با طبقات بعدی بمنظور طی تعلیمات مقرره احضار وشرکت نمایند .

ماده ۱۳۴ - بطورکلی در مواقع احضار و بسیج محل تجمع افراد هرحوزه مراکز حوزه های مربوطه بوده وبایستی احضار شدگان خود را بدفتر سربازگیری همان محل معرفی نمایند .

ماده ۱۳۵ - افراداحتیاط وذخیره زیر از احضار برایتجدید تعلیمات ووهله اول بسیج معاف میباشند :

الف - بیمارانی که قادر بحرکت وانجام تعلیمات نباشند .

ب - زندانیان .

ج - رؤسای دادگاهها - مأمورین سیاسی و قونسولی وسایر نمایندگان دولت شاهنشاهی در خارجه .

د - شهردارها و کدخدایان رسمی .

ه - مدیران وآموزگاران دبستانها و آموزشگاههای فلاحتی که بگواهی وزارت معارف تعیین جانشین جهت آنها مقدور نباشد و لااقل دارای یکسال سابقه خدمت درمعارف باشند .

و ـ کارگران فنی راه آهن بشرط آنکـه لااقل سه ماه قبل از صـدور حکم داخل در خدمت نامبرده شده باشند .

ز ـ نفراتیکه در خدمات ارتش هستند .

تبصره ۱ ـ مواقعیکه حضور هریك ازمعاف شدگان مندرجه دربالاضرورت حاصل کند تصریحاً دراحکام صادره قید میشود .

تبصره ۲ ـ کسانیکه درموقع احضار تعلیماتی در خارجه بوده وبنا بگواهی سفارت یاقونسولخانه حضور آنها درموعدمقرر غیر میسر وقابل تعویق باشند درسال بعد بدون هیچگونه عذری باید در تعلیمات طبقه بعدی شرکت نمایند .

ماده ۱۳۶ ـ بجای نفرات احتیاط وذخیره مستخدمی کـه دراحضار تعلیماتی و وهله اول بسیج مطابق مقررات مـاده بالا معاف میگردند بـایستی فوراً از طرف وزارتخانه های مربوطه جانشین تعیین ودرنظر گرفته شود تـادر موقع احضار بعدی مانعی برای حضور وشرکت آنها دربین نباشد مگر در مواردی کـه فرمان مخصوص صادر شده باشد .

ماده ۱۳۷ ـ اشخاصی که بخدمت احضار نمیگردند موظفند که نسبت باسلاف واولاد وزنان وبرادران وخواهران سربازانی که متکفل عائله بوده از ده یـا محل آنها برای مدت بیش از یکماهو نیم احضار شده‌اند از تاریخ دخول احضار شدگـان بخدمت الی روز خاتمه خدمت مساعدت وهمراهی نمایند واولیای امور شهرداریهای محلی و کدخدایان بایستی اجرای منصفانه این مقررات را عهده‌دار شده و در انجام آن مراقبت کامل معمول دارند .

تبصره ۱ ـ بخانواده فراریان ومتخلفین هیچگونه کمك وهمراهـی نباید معمول شود .

تبصره ۲ ـ در موقع بسیج بنگاههای ملی وشهرداری‌ها نیز بایستی درهمراهی و کمك مادی به عائله احضار شدگان لازمه مساعدت ومعاضدت را بعمل آورند .

ماده۱۳۸ ـ نفراتی که‌درخدمت ادارات دولتی یاعمومی وغیره بوده ومشمول مواردمعافیت نیستند بایستی سه روز قبل‌ازتاریخ احضار وحرکت ازخدمت مربوطه موقتاً معاف گردند .

ماده۱۳۹ ـ طبقات‌احضارشده‌باارائه کتابچه نظامی‌ودفتر خدمت وظیفه‌برای حضور درمحل تجمع از پرداخت هزینه راه آهن و کشتی در داخله کشور معاف خواهند بود .

ماده۱۴۰ ـ طبقات احضار شده جهت تجدید تعلیمات آنانکه جزو اداراتو بنگاهها هستند در مدت احضار موقت حقوق خودرا از ادارات وبنگاههای مربوطه دریافت خواهند نمود وآنهائیکه دارای مشاغل آزاد هستند برطبق مقررات مالی ارتش از قسمت‌های مربوطه مأخوذ خواهند داشت .

ماده۱۴۱ ـ در مواقع بسیج بطورکلی حقوق وهزینه احضار شدگان بعهده ارتش خواهد بود .

فصل هفدهم ـ تغییر سن

ماده۱۴۲ ـ بطورکلی سن اشخاص تابع مصرحات برگهای شناسنامه آنها خواهد بود .

ماده۱۴۳ ـ چنانچه در موقع رسیدگی و اسم نویسی مندرجات برگهای شناسنامه باسن حقیقی مشمولین مطابق بنظر نرسیده و یا اختلاف فاحش کوچکتر یابزرگترازسنین مشمولیت‌تشخیص داده شوندبایستی موضوع درمجلس‌سربازگیری مطرح شده وچنانچه مورد تأیید واقع گردد پرونده امریه هیئت تجدیدنظرمراجعه

ورأی قاطع هیئت مذکور در محل مخصوص برگ شناسنامه ودرستون دفاتر مربوطه قید شود این رأی قابل اعتراض نبوده ولی فقط ازنقطه نظر مقررات راجع بـه نظام وظیفه مؤثر خواهد بود .

تبصره ـ پرونده های موجوده که روی جریان فوق عمل شده وهنوزمطابق مقررات اولیه جریان آن خاتمه نیافته مشمول مقررات این ماده خواهد بود .

ماده۱۴۴ ـ هیئت‌تجدیدنظر تحت‌ریاست یکنفرافسرارشدبعضویت‌نمایندگان اداره آمار وثبت احوال ونظام وظیفه وبهداری ارتش ودونفر عضو نظامی بانظرستاد ارتش تعیین وتشکیل میگردد .

ماده۱۴۵ ـ قانون اصلاح ماده ۹ قـانون ثبت احوال مصوب اول بهمن مـاه ۱۳۱۲ نسخ میشود .

چنانچه سن اشخاص ازلحاظ مشمولیت نظام وظیفه نظر باختلاف فاحش قیافه مورد اعتراض کمیسیونی مرکب از نمایندگان نظام وظیفه و آمـار وثبت احوال و امنیه وشهربانی در هرحوزه اعم از مرکز وولایات واقع شود رسیدگـی بـاعتراض مزبور درمحل باحضور هیئتی مرکب از عالی ترین مأمور وزارت داخله یا نماینده او ونمایندگان عدلیه وادارات نامبرده بـالا ویك نفر پزشك بانتخاب نظام وظیفه و دونفر از معتمدین محل بانتخاب هیئت مزبـور بعمل خواهد آمد ـ تشکیل هیئت مزبور وتسلیم اعتراض بـه هیئت در صورت عدم تصادف باایام تعطیل باید در ظرف ٤٨ ساعت بعمل آید .

هیئت مذکور باحضور معترض علیه باعتراض مذکور رسیدگی کرده و نظریه خود را بمعترض علیه ابلاغ وگزارش امرراپیوست پرونده رسیدگی‌بمرکز ارسال خواهد داشت ودر مرکز پس ازرسیدگی هیئت تجدید نظر نامبرده در ماده

۱٤٤ رأی صادره از هیئت مذکور قطعی و غیرقابل اعتراض است .

تبصره ۱ - محل اعتراض نسبت ببرگهای شناسنامه سکنه دهات و قصبات مراکزحوزه های اصلی میباشد .

تبصره ۲ - حضور هریك ازنمایندگان معینه منوط بوجود ادارات مربوطه درمحل خواهد بود .

تبصره ۳ - معترض علیه چنانچه مدارك واسنادی برای تأیید مندرجات برگ شناسنامه خود داشته ودردسترس نباشد میتواند به مدت متناسبی کتباً ازهیئت محلی وتجدید نظر استمهال نماید .

تبصره ۴ - پرونده‌های موجوده که روی جریان بالا عمل‌شده وهنوز جریان آن ناتمام است مشمول مقررات این ماده خواهد بود .

ماده۱۴٦ - نسبت ببرگهای شناسنامه‌که قبل‌ازتاریخ تصویب ماده ۹ اصلاح قانون اصلاحی ثبت احوال مصوب اول بهمن ۱۳۱۲ بموجب حکم قطعی عدلیه یا بموجب تجدید نظر مطابق ماده ۸ قانون ثبت احوال مصوب بیستم امرداد ۱۳۰۷ تصحیح شده .

چنانچه جریان امر از لحاظ مشمولیت برطبق مدارك متقنه مورد اعتراض کمیسیون مقرره درماده ۱٤٥ واقع شود ازتاریخ تصویب این‌قانون الی مدت ششماه ممکن‌است نسبت باحکام عدلیه بتوسط دادستان دادگاهی که حکم داده بآن دادگاه ونسبت به برگهائیکه مطابق ماده ۸ قانون ثبت احوال مصوب بیستم امرداد ۱۳۰۷ تصحیح شده بهیئت تجدید نظرمقرره درماده ۱٤٤ اعتراضات کتباً ارسال‌شود وهیئت تجدید نظرودادگاه ها بایستی درظرف مدتیکه ازتاریخ اجرای این قانون ازیکسال و نیم تجاوز ننماید بکلیه اعتراضات واصله مطابق مقررات مربوطه رسیدگی نماید و

درصورتیکه اعتراضات وارد باشد حکم مجدد صادرخواهدشد حکم‌مجدد صادره قابل استیناف وتمیزنبوده واداره آماروثبت احوال مکلف است برگهای شناسنامه معترض علیه را مطابق رأی قطعی هیئت تجدید نظر و حکم مجدد دادگاهها تصحیح نماید آراء مذکوره قطعی ولی‌فقط ازحیث مقررات راجعه به‌نظام وظیفه مؤثرخواهد بود. اعتراضاتی‌که بموجب قانون اصلاح ماده ۹ ثبت احوال مصوب اول بهمن۱۳۱۲ توسط دادستانها باحکام دادگاههای عـدلیه شده و تا تاریخ تصویب این قانون تکلیف آنها در دادگاه معلوم نشده است کان‌لم‌یکن خواهد بود و تعقیب آن موقوف باین است که مطابق این ماده اعتراض جدید بشود .

فصل هیجدهم ـ وظایف حوزه های سربازگیری

ماده۱۴۷ ـ بطورکلی تهیه وسایل اجرای مقررات این قانون در هر حوزه سربازگیری بعهده رئیس آن حوزه خواهد بود .

ماده۱۴۸ ـ روسای حوزه‌های‌نظام‌وظیفه وظیفه‌دارهستندکه بااقدامات قانونی تمام قلمرو حوزه مربوطه را درهرسال حتماً ازنظرسربازگیری عمل نمایند .

تبصره ـ رسیدگی بوضعیت مشمولین ونفرات حوزه های دیگر نیز چنانچه محل‌اقامت خودرا تغییرداده باشند بعهده حوزه محل‌اقامت خواهد بود منتها بایستی فوراً مراتب به‌حوزه مربوطه نیزسابقه داده شود .

ماده۱۴۹ ـ درمرکز هریك از حوزه ها و مناطق سربازگیری طبق تبصره ماده ۵۶ یك دادگـاه اداری وجود خواهد داشت که تحت ریاست رؤسای مناطق و حوزه های سربازگیری بعضویت نمایندگان عالی ترین مأمور وزارت داخله وثبت احوال محل ویك نفر پزشك نظامی تشکیل وبوضعیت باقی مانده امور سربازگیری رسیدگی خواهد شد .

تبصره ۱ – درنقاطی که امنیه و شهربانی موجود است نمایندگان مربوطه نیز درداد گاه اداری عضویت خواهند داشت .

تبصره ۲ – آراء داد گاه اداری باید کتبی و روی مدارك پرونده بوده واعتبار آن بمنزله آراء مجلس سربازگیری خواهد بود .

تبصره ۳ – آراءِ مجالس سربازگیری و دادگاههای اداری قطعی بوده مگر اینکه درنتیجه شکایات معترضین و یا وصول گزارشات مأمورین صلاحیت دار و یا اطلاعات موثق برحسب دستور ستاد ارتش تجدید نظر آن ضرورت حاصل کند که دراین صورت پرونده های مربوطه بهرمنطقه درداد گاه اداری متشکله در مرکز آن منطقه باحضور رئیس منطقه و فرمانده پادگان یا نماینده او فقط برای یك مرتبه تجدید نظرخواهد شد وچنانچه قضیه قابل‌تعقیب جزائی‌تشخیص داده شود بدادگاه صلاحیتدار احاله میگردد .

ماده ۱۵۰ – کلیه تنبیهات و مجازات های مقرره در فصل نوزدهم این قانون پس‌ازبررسی پرونده های مربوطه ازطرف دادگاه های اداری مرکزمناطق وحوزه ها رسیدگی و آنچه که بموجب مصرحات فصل مذکور مربوطه بداد گاههای نظامی و یا عمومی باشد پرونده های مربوطه عیناً احاله وتصمیماتی که داد گاه اداری باید رأساً اتخاذ نماید بمنظور صدور تصویب نامه و دستور اجرا جهت فرمانده نظامی منطقه ارسال میگردد .

ماده ۱۵۱ – حوزه های سربازگیری موظفند جریان عمل را طوری تنظیم نمایند که نفرات معینه دررأس‌مواعد مقرره بخدمت احضار ووسائل ترخیص وبرگها و مدارك آنها طوری پیش بینی و تنظیم شود که موجبات تأخیرجریان امور فراهم نگردد .

ماده ۱۵۱ - درحوزه های سرباز گیری دفاتر مربوطه باید به نحوی ترتیب داده شود که تاریخچه ادوار خدمتی کلیه نفرات حوزه مربوطه را بطور روشن نشان داده و کلیه تغییرات بطور واضح و دقیق درآن مصرح باشد و باید همیشه مندرجات دفاتر باواقعیت و وضعیت نفرات آن حوزه درهرموقع مطابق و بدون اختلاف باشد.

ماده ۱۵۳ - مأمورین آمار و کدخدایان هرحوزه مکلفند هر یك درموارد مربوطه هر موقع تغییراتی راجع بافراد حوزه مربوطه ازلحاظ شهادت وفوت وفرار و مسافرت بخارجه و تغییر محل حاصل میگردد بلافاصله حوزه های سرباز گیری را مطلع سازند که در دفاتر و پرونده های مربوطه عمل نموده و اقدامات لازمه معمول دارند.

ماده ۱۵۴ - وضعیت وطرز عمل مناطق وحوزه های سرباز گیری لااقل درهر سال یك مرتبه با اعزام بازرس از مرکز و یا ازطرف فرمانده مربوطه تحت بازرسی دقیق واقع و درصورت اقتضاءِ نیز درمواقع مختلفه بازرس اعزام میگردد.

فصل نوزدهم - تنبیهات

ماده ۱۵۵ - سربازانی که درموقع صلح مدت غیبت آنها درخدمت از پانزده روز متوالی تجاوز نماید فراری محسوب و پس‌ازدست گیری جهت تعیین مجازاتهای زیر بدادگاههای نظامی تسلیم میگردند:

الف - برای دفعه اول فرار از تاریخ دستگیری تجدید خدمت زیر پرچم با ششماه خدمت اضافی.

ب - برای دفعه دوم فرار تجدید خدمت زیر پرچم بایکسال خدمت اضافی.

ج - برای دفعه سوم فرار بچهارسال خدمت زیرپرچم محکوم خواهند شد.

د - درصورتیکه ارتکاب به فرار از سه مرتبه تجاوز نمود مرتکبین آن

مشمول مقررات تبصره ۲ ماده ۱۵٦ خواهند بود .

تبصره - در موقع جنگ پنج روز غیبت فرار محسوب و چنانچه فرار از سربازخانه باشد مرتکبین به شش الی پانزده سال زندانی با اعمال شاقه و چنانچه در جبهه و خط آتش باشد باعدام محکوم و محاکمه مرتکبین در دادگاه نظامی زمان جنگ بعمل خواهد آمد .

ماده ۱۵٦ - غائبین زیر چنانچه دارای عذرموجه نباشند علاوه برمدت خدمت زیر پرچم مطابق دوبرابر ایام خدمت محکوم باضافه خدمت خواهند بود :

الف - مشمولینی که درموقع رسیدگی و اسم نویسی حاضرنشده ویا تأخیر کرده باشند .

ب - مشمولینی که درموقع اجرای مراسم سربازگیری حاضرنشده ویا تأخیر کرده باشند .

ج - کسانیکه درموقع احضارتعلیماتی تأخیرنموده باشند .

د - اشخاصیکه روی علت مزاج معالجات آنها برای مدت معینی ببنگاههای بهداری کشوری محول و دراجرای دستورات پزشکی تعلل نموده ویا اساساً مراجعه ننموده اند که در این صورت برای تعیین مدت اضافه خدمت آنها تمام مدت معینه جهت معالجه مأخذ قرارداده میشود .

ه - اشخاصیکه روی علت مزاج احضارآنها به تعویق افتاده و درخاتمه مدت مقرره جهت معالجه خود را معرفی نکرده باشند .

تبصره ۱ - چنانچه لزوم ادامه معالجه مشمولین فقره (د - ه)ازطرف شورای پزشکی تجویز شود پس از خاتمه معالجه و بهبودی تنبیه معینه باید در حق آنان اعمال شود .

تبصره۲ ـ مشمولینی که بموجب این ماده اضافه خدمت آنها بیش از چهار سال الزام گردد بایستی پس از انجام خدمت زیر پرچم شش سال بخدمات ساختمانی وجاده سازی و امثال آن گمارده شده و پس ازآن جزو افراد هم طبقه خود منظور گردند که دراین صورت درتمام مدت شش سالی که مشغول انجام خدمات نامبرده هستند هزینه خوراك و پوشاك ومنزل آنها باحقوقی که ازحقوق معینه جهت افراد وظیفه تجاوز نکند بعهده وزارتخانه یااداره خواهد بودکه جهت خدمات آن‌اختصاص داده شده‌اند .

ماده۱۵۷ ـ مشمولین نظام وظیفه که تا کنون غائب بوده و بخدمت حاضر نشده‌اند و همچنین سربازانی که از خدمت فرار اختیار و تا حال مراجعت نکرده‌اند چنانچه تاششماه بعدازتصویب این‌قانون شخصاً خودرا معرفی نموده وخدمت مقرره را انجام دهند از هرگونه مجازات معاف خواهند بود .

ماده۱۵۸ ـ در مورد اشخاص زیر طبق مقررات مربوط بمحاکمات اداری وزارتخانه ها مجازات انتظامی اعمال میگردد :

۱ ـ اعضاء مجلس سربازگیری ومأمورین رسیدگی که درانجام وظائف محوله قصور ورزیده و یا درجلسات متشکله بدون عذر موجه حاضر نشوند .

۲ ـ مأمورین آمار و کدخدایانیکه در انجام وظایف مقرره درماده ۱۵۳ این قانون تأخیر ویا قصور کرده باشند .

ماده۱۵۹ ـ پرونده مشمولین مقررات ماده ۱۵۶ و۱۵۷ درداد گاههای اداری حوزه ها ومشمولین مقررات ماده۱۵۸ درداد گاههای اداری مربوطه رسیدگی ورأی داده خواهد شد .

ماده۱۶۰ ـ اشخاص زیر به ده الی سی روز زندانی قابل ابتیاع محکوم خواهند شد :

الف ـ اشخاصی که مشمولین احضارشده جهت رسیدگی واسم نویسی را عالماً عامداً استخدام نمایند قبل‌از آنکه برگهای شناسنامه آنها ازطرف مأمورین مربوطه نوشته شده باشد .

ب ـ اشخاصی که مشمولین دعوت شده جهت اجرای مراسم سربازگیری را عالماً عامداً استخدام‌نمایند قبل‌از آنکه نظریه مجلس‌سربازگیری دربرگهای شناسنامه آنها ذکرشده باشد و چنانچه ازطرف مجلس سربازگیری نیز رأی مربوطه قید شده باشدفقط درحال آماده بخدمت ارجاع شغل به‌آنان بلامانع خواهد بود والا چنانچه برگهای شناسنامه حاکی از رأی سربازی و یا انقضاء مدت آمـاده بخدمت باشد مرتکبین مشمول مقررات همین ماده خواهند بود .

ماده۱۶۱ ـ اشخاص زیر بیك الی دوماه زندانی‌قابل ابتیاع‌محکوم‌خواهند شد.

الف ـ اشخاصیکه درموقع جنگ و بسیج نفرات آماده بخدمت و یا نفرات احتیاط وذخیره احضار شده را عالماً عامداً بخدمت بپذیرند .

ب ـ پزشگان موظف بهداری کشور که درمعالجه ومداوای مشمولین معلول قصور نمایند .

ج ـ کسانیکه مطابق‌قانون موظف بنگاهداری وتأمین اعاشه عائله متکفلین بوده و بدون عذر موجه خودداری نمایند .

د ـ کسانیکه برای تثبیت تکفل اشخاص شهادت کذب داده باشند .

ه ـ اشخاصی که نفرات فراری ازخدمت‌را عالماً عامداً استخدام‌کرده باشند .

و ـ اشخاصیکه درموقع جنگ و بسیج مطابق این قانون موظف بکمك و همراهی با عائله سربازان بوده و بدون عذر موجه خودداری نموده باشند .

ماده۱۶۲ ـ چنانچه استخدام اشخاص‌نامبرده در دوماده بالا ازطرف مقامات

رسمی بعمل آمده باشد مجازات مقرره درحق رؤسای کار گزینی و آمر استخدام آنها معمول خواهدشد وانواع استخدام اعم ازروزمزد و کنتراتی خدمات خصوصی یاعمومی یا اداری بطور کلی مشمول مقررات نامبرده خواهد بود .

ماده۱۶۳ ـ فراریان و یا کسانی که بخارجه مسافرت نموده‌اند چنانچه مدت فرار و عدم حضور آنها بمحل خدمت بیش از یکسال بطول انجامید بضبط کلیه اموال محکوم خواهند بود .

تبصره ـ اشخاص مشمول مقررات این ماده هرموقع حاضرشوند اموال آنها توسط دادگاههای عمومی مسترد شده و در زمان صلح بوسیله دادگاههای اداری حوزه ها به مجازات مقرره درماده **۱۵۶** محکوم خواهند شد .

ماده۱۶۴ ـ رسیدگی و اجرای مواد ۱۶۰ ـ ۱۶۱ ـ و ۱۶۲ و ۱۶۳ مربوط به دادگاههای عمومی بوده وپرونده های مربوط بموارد منظورازدادگاههای اداری مناطق وحوزه های سربازگیری نیز باید بدادگاههای عمومی احاله گردد .

ماده۱۶۵ ـ درموقع جنگ وبسیج احضارشدگانی که بدون عذرموجه تأخیر حضورآنها درداخله بمراکزحوزه های سربازگیری ودرخارجه بمراکزسفارتخانه‌ها و قنسولگری ها از ده روز تجاوز کند مشمول مقررات ماده **۱۶۳** گردیده و پس از حضور و دستگیری بدادگاه نظامی زمان جنگ تسلیم میگردند .

ماده۱۶۶ ـ این قانون که مشتمل برنوزده فصل و متضمن **۱۶۶** ماده و **۵۶** تبصره میباشد جانشین قانون خدمت نظام وظیفه عمومی مصوب **۱۶** خردادماه**۱۳۰۴** و **۳۰** شهریورماه **۱۳۱۰** شمسی خواهد بود .

این قانون که مشتمل بریکصدو شصت وشش ماده است درجلسه بیست و نهم خردادماه یکهزا وسصید و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

تفسير اصل سي‌و هفتم متمم قانون اساسي موضوع كلمه ايراني الاصل

مصوب ۱٤ آبان ماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ منظور ازمادر ايرانی الاصل مذكور در اصل ۳۷متمم قانون اساسی اعم‌است‌ازمادری كه مطابق شق‌دوم ازماده ۹۷٦ قانون مدنی دارای‌نسب‌ايرانی باشد يا مادری كه قبل از عقد ازدواج با پادشاه ياوليعهد ايران باقتضاء مصالح عاليه كشور به پيشنهاد دولت وتصويب مجلس شورای‌ملی بموجب فرمان پادشاه عصر صفت ايرانی باو اعطاء شده باشد .

اين قانون كه مشتمل بريك ماده است در جلسه چهاردهم آبانماه يكهزار و سيصدو هفده بتصويب مجلس شورای ملی رسيد .

رئيس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندياری

قانون

تصويب اعطاء صفت ايراني بوالاحضرت فوزيه

مصوب ۸ آذرماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی نظر به تفسير اصل سی‌و هفتم متمم‌قانون اساسی باقتضاء مصالح‌عاليه كشور بنا برپيشنهاددولت تصويب‌مينمايد كه‌بوالاحضرت فوزيه دختر اعليحضرت مرحوم ملك فواد وخواهر اعليحضرت ملك فاروق پادشاه مصر بموجب فرمان همايونی صفت ايرانی اعطاء شود .

اين قانون‌كه مشتمل بريك‌ماده است درجلسه هشتم آذرماه يكهزاروسيصدو هفده بتصويب مجلس شورای‌ملی‌رسيد ـ رئيس‌مجلس شورای‌ملی ـ حسن اسفندياری

قانون

تشکیلات مرکزی وزارت داخله

مصوب ۱۶ آبانماه ۱۳۱۶

ماده واحده ـ وزارت داخله علاوه از اداراتی که طبق قوانین ومقررات مخصوص جزء وزارت داخله است ازچهار اداره زیر تشکیل میشود :

۱ ـ اداره مرکزی	دفتر وزارتی ورمز کارگزینی حسابداری جلب سیاحان انتخابات بایگانی
۲ ـ اداره بازرسی	فنی مالی اداری
۳ ـ اداره امور شهرداریها	امور فنی بودجه وحسابداری امور شهرها خواربار
٤ ـ اداره امور کشور	اسکان وعمران تابعیت و آمار انتظامات امور سیاسی وسایر امور مربوطه بوزارت داخله

تبصره ـ وظایف ادارات نامبرده بموجب نظامنامه مصوب هیئت وزراء تعیین خواهد شد .

این قانون که مشتمل بریك ماده است در جلسه شانزدهم آبان ماه یکهزارو سیصدو شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

تقسیمات کشور ووظایف فرمانداران وبخشداران

مصوب ۱۶ آبانماه ۱۳۱٦

ماده۱ ـ کشور ایران مطابق نقشه و صورت ضمیمه به شش استان و پنجاه شهرستان تقسیم میشود هراستان مرکب از چند شهرستان وهرشهرستان مرکب از چند بخش وهربخش مرکب از چند دهستان وهردهستان مرکب ازچند قصبه وده خواهد بود .

ماده ۲ ـ استانهای کشور و شهرستانهای تابعه آنها عبارتند از :

۱ - استان شمال غرب که تشکیل میشود از شهرستانهای :

۱ ـ خوی

۲ ـ رضائیه

۳ ـ مهاباد

٤ ـ تبریز

۵ ـ اردبیل

٦ ـ مراغه

۲ - استان غرب که تشکیل میشود از شهرستانهای :

۱ ـ کردستان

۲ ـ گروس

۳ ـ کرمانشاهان

٤ ـ باوندپور

٥ ـ پشت کوه

٦ ـ لرستان

۷ ـ بروجرد

۸ ـ همدان

۹ ـ ملایر

۱۰ ـ خرمشهر وآبادان

۱۱ ـ خوزستان

۱۲ ـ کوه کیلویه

۳ ـ استان شمال که تشکیل میشود از شهرستانهای :

۱ ـ گیلان

۲ ـ تنکابن

۳ ـ مازندران

٤ ـ گرگان

٥ ـ تهران

٦ ـ قزوین

۷ ـ قم و ساوه

۸ ـ کاشان

۹ ـ اصفهان

۱۰ ـ عراق

۱۱ ـ گلپایگان و محلات

۱۲ ـ خمسه

۱۳ ـ سمنان و دامغان

۴ ـ استان جنوب که تشکیل میشود از شهرستانهای :

۱ ـ یزد

۲ ـ آباده

۳ ـ شیراز

۴ ـ اصطهبانات

۵ ـ جهرم

۶ ـ لنگه و لارستان

۷ ـ بوشهر

۸ ـ عباسی

۹ ـ کرمان

۱۰ ـ جیرفت

۵ ـ استان شمال شرق که تشکیل میشود از شهرستانهای :

۱ ـ مشهد

۲ ـ قوچان

۳ ـ سبزوار

۴ ـ تربت حیدریه

۵ ــ قائنات

۶ ــ فردوس

۷ ــ بجنورد

۸ ــ شاهرود

۶ - استان مکران .

تبصره ۱ ـ وزارت داخله شهرستانها را با رعایت عـده سکنه مساحت و وضعیات طبیعی به بخشهائی تقسیم و بعداً عده قطعی بخشها را برای تصویب مجلس شورای ملی پیشنهاد میکند .

تبصره ۲ ـ وزارت داخله میتواند با تصویب هیئت وزراء تقسیمات داخلی کشور یا مراکز آنها یاحدود شهرستانهارا تغییر دهد و پس‌ازآزمایش ورفع نواقص تقسیمات قطعی را برای تصویب تقدیم مجلس شورای ملی نماید .

ماده۳ ــ هراستان درتحت اداره یکنفراستاندار قرارداده میشودکه درحدود مقررات این قانون بفرمانداران حوزه مأموریت خود دستور وتعلیمات میدهد و با وزارت داخله رابطه مستقیم دارد .

تبصره ـ استانداران دارای مرکز ثابت نبوده درکلیه امور شهرستانهای تابعه بازرسی کرده و مسئول حسن جریان امور آنها هستند .

ماده۴ ــ هر شهرستان را یکنفر فرماندار وهر بخش را یکنفر بخشدار وهر دهستان را یك دهدار و یك یا چند ده را یك کدخدا اداره خواهد نمود .

ماده۵ ــ استاندارازبین‌مستخدمین رسمی‌دولت بموجب پیشنهاد وزارت داخله و فرمان همایونی منصوب میشود .

ماده۶ ــ فرماندار ازبین مستخدمین رسمی دولت با پیشنهاد استاندار بوزارت

داخله و فرمان همایونی منصوب میشود .

تبصره ـ درصورت لزوم ممکن است اشخاصی که دارای سابقه خدمت رسمی نیستند بموجب تصویب نامه هیئت وزراء وفرمان‌همایونی بسمت استاندار یافرماندار منصوب شوند .

ماده۷ ـ بخشدار از بین‌مستخدمین رسمی دولت به پیشنهاد فرماندارو موافقت استاندار و حکم وزارت داخله منصوب میشود .

ماده۸ ـ ده دار از بین ساکنین بخش بـه پیشنهاد بخشدار و حکم فرماندار تعیین میشود .

تبصره ـ وزارت داخله نیز میتواند ده داررا ازبین مستخدمین کشوربپیشنهاد فرماندار انتخاب نماید .

ماده۹ ـ کدخدا از بین ساکنین دائمی ده یادهات بمعرفی مالك وبه‌پیشنهاد بخشدار وحکم فرماندار تعیین میگردد .

تبصره ـ هرگاه کدخدا از انتظامات امور زراعتی فروگذار نماید بتقاضای مالك یا مالکین منعزل میشود .

ماده ۱۰ ـ فرمانداران درحدود قوانین دارای وظایف ذیل‌هستندکه درتحت نظر و مطابق دستور استاندار وظایف محوله را انجام مینمایند :

۱ ـ حفظ سیاست عمومی‌دولت درحوزه مأموریت خود ومراقبت در بهبودی اوضاع اجتماعی محل .

۲ ـ جدیت درپیشرفت امور فلاحت وعمران و وادار کردن اهالی وملاکین باجرای برنامه فلاحتی که از طرف اداره کل فلاحت داده میشود .

۳ ـ مراقبت در پیشرفت امور اقتصادی وصناعت محل .

۴ ـ مراقبت و جدیت در اجرای مقررات بازرسی بهداشت نباتات وحیوانات و سایر مسائل مربوطه به پیشرفت فلاحت .

۵ ـ مراقبت درتوسعه تربیت بدنی و پیشرفت امور معارفی و تربیت اکابر .

۶ ـ مراقبت و نظارت در امور بهداری و بهداشت .

۷ ـ نظارت درامور شهرداریها .

۸ ـ انجام انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی .

۹ ـ انجام امر انتخابات شهرداریها و اطاقهای تجارت .

۱۰ ـ ریاست شورای اداری شهرستانی .

۱۱ ـ ریاست مجلس سربازگیری .

۱۲ ـ ریاست کمیسیون مالیات بردرآمد .

۱۳ ـ کلیه اموردیگر که مطابق قوانین بعهده فرماندار واگذارمیشود .

ماده ۱۱ ـ فرماندار نماینده دولت و ریاست عالیه بکلیه ادارات کشوری شهرستان دارد وبرای انجام وظایف قانونی آنهاکمکهای لازمه خواهدنمود ورؤسای ادارات شهرستان نیزمکلف هستند درحدود قوانین تذکرات قانونی فرمانداررا رعایت نمایند ودرمسائلی که با سیاست عمومی دولت وامنیت محل وکارهای سرحدی تماس دارد فرماندار را درجریان بگذارند فرماندار هر نوع اصلاحی را که از لحاظ حسن اداره لازم بداند باستاندارپیشنهاد خواهدکرد ومیتواند نسبت برؤسای ادارات قلمرو مأموریت خود اظهار نظرنماید فرماندار در تمام این موارد گزارش اقداماتی که نموده است برای استاندار خواهد فرستاد .

ماده ۱۲ ـ فرماندار قوانین و مقررات عمومی را در هر شهرستان باطلاع اهالی خواهد رسانید . وزارتخانه ها وادارات مستقل دولتی نیزیك نسخه ازدستورها

و بخشنامه هائیرا که درموضوعات کلی واساسی بدوایر تابعه خود درشهرستان صادر میمنایند برای استاندارخواهند فرستاد که توسط مشارالیه بفرماندار ابلاغ شود .

ماده ۱۳ ــ فرماندار قوانین و مقررات را درقسمت مربوط بدوایر تابعه خود مستقلا اجرا میکند و مسئول اجرای آنهاست دردوایر وادارات دیگرشهرستان نیز بدون اینکه مستقیماً مداخله نماید که موجب اختلال دراموراادارات بشود نظارت دارد که قوانین ومقررات کاملا مجرا شده مأمورین دولت از حدود وظایف واختیارات خود تجاوز ننمایند .

ماده ۱۴ ــ فرماندار میتواند در قلمرو مأموریت خود بشکایات مردم وارسی کند و اگر ملاحظه نماید که قوانین و مقررات دریك مورد بموقع اجرا گذارده نشده یا یکی ازمأمورین کشوری قلمرو مأموریت او ازحدود اختیارات خود تجاوز نموده است در آن باب وارسی نماید فرماندار نتیجه وارسی را باستاندار گزارش خواهد داد .

ماده ۱۵ ــ مأمورین شهربانی و امنیه مکلف هستند حوادث و اتفاقات محلی را بفرماندار اطلاع داده و دستورات قانونی او را بموقع اجرا گذارند .

ماده ۱۶ ــ فرماندار مکلف است اقلا سالی دو نوبت بقلمرو مأموریت خود سرکشی نموده واگر سوءِ جریانی درکارها باشد رفع و گزارش اقدامات خود را بوزارت داخله بفرستد بعلاوه در هرموقع که درقسمتی از شهرستان کار عام‌المنفعه مهمی درجریان باشد از قبیل ساختن راهها و تأسیس کارخانه و ساختن سد و امور فلاحتی مهم فرماندار باید مرتباً سرکشی‌نموده مراقبت نماید که درحدود مقررات امور پیشرفت نماید واگر بی ترتیبی هائی ملاحظه نماید مکلف است به استاندار و ادارات مربوطه گزارش نماید .

ماده ۱۷ ـ فرماندارمیتواند درامور فلاحتی بامشورت اداره مربوطه واوضاع اجتماعی شهرستان و همچنین برای حفظ اموال عمومی و آثار ملی درصورت اقتضاءِ و درحدود قوانین مقررات انتظامی وضع نماید و ادارات شهرستان مکلف هستند ازنظامات فرماندار که درحدود قوانین وضع شده باشد تبعیت نمایند فرماندار درهر مورد فوراً باید استاندار را مستحضر بدارد .

ماده ۱۸ ـ شورای اداری شهرستان تحت ریاست فرماندار تشکیل و مرکب خواهد بود از معاون فرماندار و رؤسای ادارات شهرستان ـ وظیفه شورای مزبور تهیه وسایل بهبودی امور فلاحتی وآبادی و عمران شهرستان وبهداشت آن وبطور کلی مساعدت با فرماندار است درانجام وظایفی که قانون بعهـده او محول داشته ـ شورا هر ماه لااقل یکمرتبه اجلاس مرتب خواهد داشت و بعلاوه هر وقت سوانح و اتفاقاتی درشهرستان بطورفوق‌العاده اتفاق‌افتد فرماندار درصورتیکه لازم بداند شورا را دعوت خواهد کرد و در هرمورد رأی شورا را باستاندار بلافاصله گزارش خواهد داد جزئیات وظایف شورا را وزارت داخله بموجب نظامنامه تعیین خواهد نمود .

ماده ۱۹ ـ استاندار موظف است درکلیه موارد از گزارشات فرمانداران وزارت داخله و وزارت خانه ها و ادارات مستقله را در قسمتی که مربوط بآنهاست مستحضر نماید .

وزارت داخله در امورات کلی و موارد مهمه و فوری بفرمانداران دستور داده استاندار را هم مطلع خواهد نمود فرمانداران نیز درموارد فوق هم گزارش اقدامات خود را مستقیماً برای وزارت داخله خواهند فرستاد و استاندار را از آن مستحضر خواهند داشت .

ماده ۲۰ ـ کلیه وظایفی که بر عهده فرمانداران محول است بخشداران همان

وظایف رادر بخش مأموریت خود دارا هستند . بعلاوه مرجع مستقیم رسیدگی به کارهای دهداران و کدخدایان بوده و دراعمال آنها نظارت خواهد داشت و گزارش اقدامات آنها را برای فرماندار خواهند فرستاد .

ماده ۲۱ ـ در هر بخش شورای بخش تشکیل میشود از بخشدار و رؤسای امور کشوری بخش بعلاوه بقدرلزوم ازبین مالکین و زارعین محل بعضویت انتخاب میشوند . مدعوین مالکین وزارعین کمتر از سه نفر نخواهند بود .

وظایف شورای بخش بقرار ذیل است :

الف ـ بررسی دروضع هریك ازقراء محل وعلل خرابی ووسایل عمران آنها و پیشنهاد وسایل مقتضی برای توسعه و پیشرفت عمران .

ب ـ مراقبت دررفع احتیاجات بهداشت وسایر احتیاجات عمومی قراءِ واقعه در بخش .

ج ـ اهتمام در تأسیس شرکتهای فلاحتی و بهره برداری .

د ـ راهنمائی و دادن تعلیمات فلاحتی بمالکین و رعایای محل .

هـ ـ سایروظایف شورای بخش درنظامنامهٔ که وزارت داخله تنظیم وبتصویب هیئت وزراء خواهد رسید معین میشود .

بخشدار رأی شورا را در هر مورد باطلاع فرماندار و اداره کل فلاحت خواهد رسانید .

ماده ۲۲ ـ فرمانداران و بخشداران یکنفررا ازبین ساکنین حوزه مأموریت خود بسمت دهدار معین وبرای یك یاچند ده یکنفرازساکنین دائمی ده را بسمت کدخدائی (مطابق ماده ۹)تعیین خواهند نمود .

تبصره ـ دهدار نماینده دولت و کدخدا نماینده دولت و مالکین میباشد .

ماده ۲۳ ـ شرایط انتخاب دهداران و کدخدایان و وظایف آنها را وزارت داخله بموجب نظامنامهٔ که بتصویب هیئت وزراء خواهد رسید تعیین خواهد نمود.

ماده ۲۴ ـ وزارت داخله مجاز است از تاریخ تصویب اینقانون تا آخر سال ۱۳۱۶ هریك از مستخدمین وزارت داخله و ادارات تابعه آن را که مقتضی بداند متقاعد نماید حقوق تقاعد این اشخاص مطابق اصول و حساب معمولی بنسبت ایام خدمت (تصدی یا غیرتصدی) پرداخته میشود برای تأمین حقوق آنها اعتبارلازم هرسال دربودجه وزارت داخله وادارات تابعه آن منظوروبوسیله اداره تقاعد پرداخته خواهد شد. دخول ثانوی این اشخاص بخدمت دولت مطابق مقررات خواهد بود که درقانون استخدام کشوری برای ورود بخدمت دولت مقرر است.

ماده ۲۵ ـ وزارت داخله برای اصلاحاتی که در تشکیلات فعلی خود لازم میداند مجازاست مبلغ دومیلیون ریال ازوزارت مالیه برسم وام علاوه برمیزان بودجه مصوب سال ۱۳۱۶ دریافت و ازمحل اعتباریکه دربودجه سال ۱۳۱۷ آن وزارتخانه بتصویب خواهد رسید مسترد دارد.

تبصره ـ وزارت داخله مکلف است اعتبار اضافی مذکور را بااطلاع وزارت مالیه بمصرف برساند.

ماده ۲۶ ـ قانون تشکیلات ایالات و ولایات ودستورالعمل حکام مصوب ۱۴ ذیقعده ۱۳۲۵ قمری و کلیه قوانین دیگر درآن قسمتی که مخالف بااین قانون است نسخ میشود.

این قانون که مشتمل بربیست و شش ماده و صورت ضمیمه است درجلسه شانزدهم آبانماه یکهزار وسیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

صورت ضمیمه قانون تقسیمات کشور

استان	شماره	شهرستان	شماره	بخش	مرکز
استان شمال غرب	۱	خوی	۱	خوی ـ قطور	خوی
			۲	ماکو ـ بیجیك ـ قره‌قویونلو ـ چای‌پاره	ماکو
			۳	چالدوران ـ اواجیق ـ سکمن آباد	قراعینی
			٤	چای باسار .	عرب لر
	۲	رضائیه			رضائیه
			۱	اطراف شهر ـ نازلوچای ـ بگشلوـ چای ـ تر گور مر گور	رضائیه
			۲	شاپور ـ چهریق ـ صومای برادوست	شاپور
			۳	اشنویه	اشنویه
	۳	مهاباد			مهاباد
			۱	اطراف شهر ـ شهر ویران . قراصو	مهاباد
			۲	سلدوز ـ کهنه لاهیجان	نقده
			۳	ایل تیمور ـ تورجان ـ اختەچی	بوکان
			٤	سردشت و توابع .	سردشت
			٥	سقز و بانه .	سقز
	٤	تبریز			تبریز
			۱	مواضع خان ـ اوجان ـ عباس ـ مهرانرود	حاجی آقا

استان	شهرستان شماره	شهرستان	بخش شماره	بخش	مرکز
			۲	اسکو.ویدهر.دهخوارقان.سردصحرا	آذرشهر
			۳	رودقات . ارونق . انزاب . شها	شبستر
			٤	مرند . کرکر . یکانات	مرند
			٥	بدوستان .خانمرود.آلان براغوش	هریس
			٦	اهر. دکله.یافت- ازوندل. ورگهان	اهر
			۷	گرمادوز.میخوان.آنکوت-میشه‌پاره	خداآفرین
			۸	دیزمار . دو دانگه . کیوان کلیبر	کلیبر
			۹	سراب	سراب
			۱۰	گرمرود.بروانان.کله‌بور-کندوان	میانج
			۱۱	هشترود . قوری چای.گرمخواران قوچکانلو	آتش‌بیك
	٥	اردبیل			اردبیل
			۱	توابع اردبیل	
			۲	اوجارود . مغان	پیله‌سوار
			۳	مشکین . ارشق	مشکین‌شهر
			٤	نمین . ولکیج . آستارا	نمین‌یاآستارا
			٥	خلخال و توابع	هراب

استان	شماره	شهرستان	شماره	بخش	مرکز
		مراغه			مراغه
			۱	بناجو.دیزج.ساتلمش.سراجو ـ کاودول	
			۲	میاندوآب . آجرلو . چهار دولی	مرحمت آباد
			۳	شاهین‌دژ . تیکان تپه . صفا خانه	شاهین دژ
استان غرب	۱	کردستان			سنندج
			۱	اسفندآباد . ییلاق	قروه
			۲	اورامان ـ مریوان . خور خوره	مریوان
			۳	حسین آباد . تیله کوه	
	۲	گروس			بیجار
	۳	کرمانشاهان			کرمانشاهان
			۱	سرفیروزآباد.ماهی‌دشت . چمچمال	
			۲	کنگاور . صحنه	کنگاور
			۳	کلیائی . بیلاور . روانسر.جوانرود	سنقر
			٤	هرسین کاکاوند .	هرسین
		باوند پور			شاه‌آباد
			۱	باوندپور . گیلان	گیلان
			۲	قصرشیرین.ذهاب. سنجابی .سرپل	قصرشیرین

استان	شهرستان شماره	شهرستان	بخش شماره	بخش	مرکز
			۳	کرند . بیلاق . گوران . گهواره	کرند
	۵	پشت کوه			عیلام
			۱	عیلام و توابع	
			۲	مهران و توابع	مهران
			۳	دهلران . موسیام . آبدانان	ده لران
	۶	لرستان			خرم آباد
				پیشکوه . کره گاه	کره گاه
			۲	بالا گریوه : پائین گریوه	بالا گریوه
			۳	سلسله . دلفان . الشتر	دلفان
	۷	بروجرد			بروجرد
			۱	سیلاخور علیا و سفلی	سیلاخور
			۲	جاپلق . بربرود	علی گودرز
			۳	چهارلنگ	اخوره
	۸	همدان			همدان
			۱	دروب و توابع	
			۲	اسدآباد	اسدآباد
			۳	درجزین : پیشخور ، عاشقلو	رزن

استان	شهرستان شماره	شهرستان	بخش شماره	بخش	مرکز
			٤	سرد رود . مهربان ـ حاجیلو	کبوترآهنگ
	۹	ملایر			دولت آباد
			۱	ملایر	
			۲	نهاوند	نهاوند
			۳	تویسرکان	تویسرکان
	۱۰	خرمشهر			خرم شهر
			۱	خرمشهر و توابع	
			۲	آبادان . قصبه	
	۱۱	خوزستان			اهواز
			۱	اهواز ـ رامهرمز ـ هفت گل	رامهرمز
			۲	دشت‌میشان . هویزه	خفاجیه
			۳	دزفول . شوشتر . مسجد سلیمان	دزفول
			٤	ایزه . قشلاق . بختیاری	ایزه یا قلعه زراس
			٥	شادکان (فلاحیه)	شادکان
	۱۲	کوه‌کیلویه			بهبهان
			۱	بلادشاپور . زیدون . دیلم	ده دشت
			۲	بابوئی . بویر احمدی . دشم . زیاری . طیبی بهمئی	

استان	شهرستان شماره	شهرستان	بخش شماره	بخش	مرکز
			۳	هندیجان	هندیجان
استان‌شمال	۱	گیلان			رشت
			۱	حومه.فومنات.صومعه‌سرا.لشته‌نشا. کوچصفهان	کوچصفهان
			۲	لاهیجان . رانکوه . دهشال	لاهیجان
			۳	پهلوی.چهارفریضه.خمام. گسکر	پهلوی
			٤	رحمت آباد . رودبار.سیاه کل.دیلمان.عمارلو	رودبار
			۵	گرگانرود . اسالم . طوالش	گرگان‌رود
	۲	تنکابن			شهسوار
			۱	شهسوار . رامسر . رودسر	
			۲	نوشهر . کجور . کلارستاق	نوشهر
			۳	لنگرود	لنگرود
	۳	مازندران			ساری
			۱	ساری . اشرف . هزار جریب	
			۲	بابلسر . بابل	بابل
			۳	آمل . نور	آمل
			٤	شاهی.سواد کوه.بابل کنار	شاهی
			۵	فیروز کوه	فیروز کوه

استان	شماره	شهرستان	شماره	بخش	مرکز
	٤	گرگان			گرگان
			۱	گرگان . رستاق . شاه کوه . ساور	
			۲	انزان . سدن رستاق	بندر گز
			۳	کتول . فندرسك	رامیان
			٤	دشت گرگان . جعفربای . آتابای	گنبد قابوس
	٥	طهران			طهران
			۱	شمیران . کن	کن
			۲	لواسانات	افجه
			۳	غار . فشافویه	حضرت عبدالعظیم
			٤	ساوجبلاغ . طالقان	ینگی امام
			٥	شهریار	علی شاه عوض
			٦	ورامین	شهرورامین
			۷	خوار . ایوانکی	قشلاق
			۸	دماوند	دماوند
	٦	قزوین			قزوین
			۱	دشتابی.رامند.افشاریه.اقبال.بشاریات	
			۲	دو دانگه	نهاوند

استان	شهرستان: شماره	شهرستان	بخش: شماره	بخش	مرکز
			۳	زهرا	صدرآباد
			٤	رودبار . الموت	گازرخان
			٥	خرقان	آوج
			٦	قاقازان .قهابه . فشگل‌دره	کوئین
	۷	قم و ساوه			قم
			۱	قنوات . اراضی . اردهان . قهستان	قهستان
			۲	خلجستان	دستجرد
			۳	ساوه زرند	ساوه
	۸	کاشان			
			۱	کاشان . پشت مشهد . کویرات	
			۲	جوشقان	میمه
			۳	نطنز	نطنز
	۹	اصفهان			اصفهان
			۱	ماربین.لنجان.براآن. برخوارجی	لنجان
			۲	نجف‌آباد. کرون.عربستان دهق	طهران
			۳	چهارمحال . ییلاق . بختیاری	شهرگرد
			٤	اردستان.مهاباد.کوهپایه.رودشتین	اردستان

استان	شهرستان - شماره	شهرستان	بخش - شماره	بخش	مرکز
			۵	شهرضا . سمیرم . جرقویه	شهرضا
			۶	فریدن . مکوئی	داران
	۱۰	عراق			سلطان آباد
			۱	فراهان. شراه. مشك آباد. قره کهریز	فراهان
			۲	کزاز . سرابند	سربند
			۳	آشتیان . تفرش . رودبار	طرخوران
			٤	وفس - بز چلو	وفس
	۱۱	گلپایگان			گلپایگان
			۱	گلپایگان . خونسار	
			۲	کمره	خمین
			۳	محلات	دلیجان
	۱۲	خمسه			زنجان
			۱	زنجانرود . سلطانیه	
			۲	ابهر رود ـ خررود	ابهر
			۳	ایجرود . سجاسرود . بزینه رود . خدابنده‌لو	کرسف
			٤	انگوران . اوریاد . غنی . بیگلو	ماه نشان
			۵	طارم علیا وسفلی	طارم

استان	شماره	شهرستان	شماره	بخش	مرکز
	۱۳	سمنان‌ودامغان			سمنان
			۱	سمنان‌وتوابع-طرود-جام . دوزهیر	
			۲	سنگسر و شهمیرزاد	سنگسر
			۳	دامغان و توابع	دامغان
استان جنوب	۱	یزد			یزد
			۱	یزد.رباطات.پیشکوه . بافق . بهاباد	بافق
			۲	نائین	نائین
			۳	اردکان . میبد	اردکان
			٤	ندوشن.میانکوه.مهریز. پشت کوه	ندوشن
			۵	تفت . کذابات	تفت
			٦	جندق	جندق
	۲	آباده			آباده
			۱	آباده . چهاردانگه . ابرقو	
			۲	سمیرم	سمیرم
			۳	کام فیروز . اردکان	اردکان
			٤	بوانات . قنقری	بوانات

استان	شهرستان		بخش		مرکز
	شماره		شماره		
	۳	شیراز			شیراز
			۱	خلار . سروستان . بیضا . سیاخ	
			۲	کربال. کوهمره. مرودشت. ارسنجان	ارسنجان
			۳	فیروزآباد. فراش‌بند. جره خواجه	فیروزآباد
			٤	کازرون . خشت	کازرون
			٥	ممسنی . ماهور میلاتی	ممسنی
	٤	اصطهبانات			نیریز
			۱	اصطهبانات . نیریز. آباده . طشك	اصطهبانات
			۲	فسا	فسا
			۳	داراب	داراب
	٥	جهرم			جهرم
			۱	خفر . صیمکان . جهرم	
			۲	جویم . بید شهر . خنج	جویم
			۳	قیر. کارزین. افزر . اربعه . زیر کوه	قیر
	٦	لنگه‌ولارستان			لار
			۱	لارستان . مزایجان	
			۲	لنگه.جهانگیریه.شیب کوه گهورستان.جزایر	لنگه

استان	شهرستان شماره	شهرستان	بخش شماره	بخش	مرکز
			۳	بیخه‌فال.بیخه‌احشام‌فومستان‌گاوبندی	گاوبندی
	۷	بوشهر			بوشهر
			۱	شبانکاره . دشتستان . حیات داود	بندرریگ
			۲	دشتی . تنگستان	شنبه
			۳	علامرودشت . سیراف . اسیرو	علامرودشت
	۸	عباسی			بندرعباس
			۱	میناب . شمیل . تازیان جزایر .	میناب
			۲	محال سبعه . رودان احمدی	طارم
			۳	موغستای . بیابان . بشاگرد	جاسک
	۹	کرمان			کرمان(گواشیر)
			۱	حومه . ماهان . شهداد	ماهان
			۲	راور . کوه‌بنان . زرند	کوه بنان
			۳	بم . نرماشیر. راین . تهرود.ریگان	بم
			٤	رفسنجان.بهرام آباد.نوقات.داوران.انار	بهرام آباد
			٥	شهربابك . هرات . مروست	شهربابك
			٦	سیرجان . پاریز . بردسیر . اقطاع	شهید آباد

استان	شماره	شهرستان	شماره	بخش	مرکز
	۱۰	جیرفت			
			۱	جیرفت . جبال‌بارز	سبزواران
			۲	اسفندقه . ساردویه . ارزویه	اسفندقه
			۳	رودبار . منوجان. کلاشگرد . فلاکج	خانوك
استان شمال شرق	۱	مشهد			مشهد
			۱	تبادکان . ماروشك	
			۲	ارمه. بیوژن : پائین‌ولایت . سرجام جاغرق	
			۳	چناران.درزاب.بقمج کل‌مکان.رادکان	چناران
			٤	سرخس . زورآباد	سرخس
			٥	جام وفریمان	جام
			٦	باخرز	تایباد یا یوسف آباد
			۷	نیشابور	
	۲	قوچان			قوچان
			۱	سرولایت.میانولایت . بام‌صفی آباد	
			۲	پائین‌ولایت . قوشخانه	شیروان
			۳	درجز	محمدآباد
			٤	کلات	کلات

استان	شماره	شهرستان	شماره	بخش	مرکز
	۳	سبزوار			سبزوار
			۱	سبزوار . برا کوه . طبس . جوین	حکم آباد
			۲	مزینان.فرومد. کاه.باشتین. خوارتوران	داورزن
			۳	کوه‌میش.شامگان.تکاب.ربع . شامات همائی	
	٤	تربت حیدریه			تربت حیدریه
			۱	بالاولایت.ازغند.برس‌وکدکن‌محولات	فیض آباد
			۲	سنگان . زاوه . رشخوار	سنگان
			۳	کاشمر . رستاق . کوهپایه	کاشمر
			٤	خواف . زوزن . نصر آباد	روی
	٥	قائنات			بیرجند
			۱	شهاباد.القور. نهارخان. مؤمن آباد	
			۲	قاین. زهان . پسکوه . دشت‌بیاض	قاین
			۳	طبس مسینا . زیر کوه	آبیز
			٤	قیس آباد . خسف	مختاران
	٦	فردوس			فردوس
			۱	فردوس ، بشرویه،ارسك ، دیهوك	
			۲	گناباد ، پس کلوت ، برا کوه	جویمند

استان	شهرستان شماره	شهرستان	بخش شماره	بخش	مرکز
			۳	بجستا . دستجردان	
			٤	طبس . اسفاك . حلوان	طبس
	۷	بجنورد			بجنورد
			۱	چهارده‌چناران- کندبار- گرمخان-سلقان-شقاق	
			۲	اسفراین.جاجرم.چهارده. سنخاص	اسفراین
			۳	کوکلان	مراوه تپه
	۸	شاهرود			شاهرود
			۱	زیررستاق. کوهپایه. کلاته‌خیج. ده‌ملا	بسطام
			۲	میامی . عباس آباد . بی‌ارجمند	میامی
استان ٦ مکران					زاهدان
			۱	زاهدان . میرجاوه و توابع	
			۲	زابل و نه بندان	زابل
			۳	ایرانشهر	ایرانشهر
			٤	قصرقند . باهو کلات . چاه بهار	قصر قند

این جدول ضمیمه قانون تقسیمات کشور بوده و صحیح است

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اصلاح قانون تقسیمات کشور واصلاح قانون راجع بمحصلین کلاس اختصاصی وزارت داخله

مصوب ۱۹ دیماه ۱۳۱۶

ماده اول ـ کشور ایران مطابق نقشه وصورت ضمیمه بده استان وچهل و نه شهرستان تقسیم میشود هراستان مرکب ازچند شهرستان وهرشهرستان مرکب از چند بخش وهربخش مرکب از چند دهستان وهردهستان مرکب از چند قصبه وده خواهد بود .

ماده دوم ـ استان های کشور وشهرستانهای تابعه آنها عبارتند از :

۱ ـ استان یکم که تشکیل میشود از شهرستانهای :

۱ ـ زنجان ـ ۲ قزوین ـ ۳ ـ ساوه ـ ٤ ـ سلطان آباد ـ ٥ ـ رشت ٦ شهسوار

۲ ـ استان دوم که تشکیل میشود ازشهرستانهای :

۱ ـ قم ـ ۲ ـ کاشان ـ ۳ طهران ـ ٤ ـ سمنان ٥ ـ ساری ـ ٦ گرگان

۳ ـ استان سوم که تشکیل میشود ازشهرستانهای :

۱ ـ تبریز ـ ۲ ـ اردبیل .

۴ ـ استان چهارم که تشکیل میشود ازشهرستانهای :

۱ ـ خوی ـ ۲ ـ رضائیه ـ ۳ ـ مهاباد ـ ٤ ـ مراغه ـ ٥ بیجار

۵ ـ استان پنجم که تشکیل میشود ازشهرستانهای :

۱ ـ ایلام ۲ ـ شاه آباد ۳ ـ کرمانشاهان ٤ ـ سنندج ٥ ـ ملایر ٦ ـ همدان

٦ ـ استان ششم که تشکیل میشود از شهرستانهای :

۱ ـ خرم آباد ۲ ـ گلپایگان ۳ ـ اهواز ٤ ـ خرمشهر .

۷ ـ استان هفتم که تشکیل میشود ازشهرستانهای :

۱ - بهبهان ۲ - شیراز ۳ - بوشهر ٤ - فسا ٥ - آباده ٦ - لار

۸ - استان هشتم که تشکیل میشود از شهرستانهای :

۱ - کرمان ۲ - بم ۳ - بندرعباس ٤ - خاش ٥ - زابل .

۹ - استان نهم که تشکیل میشود از شهرستانهای :

۱ - بیرجند ۲ - تربت حیدریه ۳ - مشهد ٤ - قوچان ٥ - بجنورد ٦ - گناباد ۷ - سبزوار .

۱۰ - استان دهم که تشکیل میشود ازشهرستانهای :

۱ - اصفهان ۲ - یزد .

تبصره ۳ - جزائر مجاور هریك‌ازشهرستانها تابع آن شهرستان خواهندبود

ماده‌سوم - وزارت‌داخله مجاز است‌محصلین کلاسهای اختصاصی وزارت‌داخله را که از عهده امتحان‌نهائی مواد تحصیلات‌مقرره برآیند بارتبه یك اداری‌استخدام وحقوق آنهارا از تاریخ شروع بخدمت بپردازد .

تبصره - وزارت داخله میتواند در ظرف ششماه از تاریخ استخدام رسمی مستخدمین مذکور در صورتیکه مقتضی بداند بخدمات هریك از آنها خاتمه بدهد درچنین صورتی عضو مزبور مستخدم رسمی نخواهد بود .

ماده چهارم - مواد اول ودوم قانون تقسیمات کشور وظایف فرمانداران و بخشداران مصوب ۱٦ آبانماه ۱۳۱٦ باستثنای تبصره‌های ۱و۲از ماده ۲ که‌بقوه‌خود باقی خواهند بود وماده واحده قانون محصلین کلاس اختصاصی وزارت داخله‌مصوب ۲۸ بهمن ماه ۱۳۱۰ از تاریخ تصویب این قانون ملغی و مواد اول و دوم این قانون قائم مقام مواد اول ودوم قانون تقسیمات‌کشور مصوبه ۱٦ آبانماه۱۳۱٦ خواهدبود .

این قانون که مشتمل برچهار ماده و صورت ضمیمه است در جلسه نوزدهم دی‌ماه یکهزارو سیصدو شانزده به تصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن‌اسفندیاری

صورت ضمیمه

قانون اصلاح قانون تقسیمات کشوری

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
استان یکم	۱	زنجان	۱	زنجان	
			۲	ابهر	
			۳	سیروان	
			٤	قیدار	
			٥	ماه نشان	
	۲	قزوین	٦	قزوین	
			۷	صدرآباد	
			۸	ضیاءآباد	
			۹	معلم‌کلایه	
			۱۰	آوه	
			۱۱	قشلاق	
	۳	ساوه	۱۲	ساوه	
			۱۳	نوبران	
	٤	سلطان‌آباد	۱٤	سلطان‌آباد	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۱۵	فرمهین	
			۱۶	ترخوران	
			۱۷	سربند	
			۱۸	وفس	
	۵	رشت	۱۹	رشت	
			۲۰	صومعه سرا	
			۲۱	رودبار	
			۲۲	لاهیجان	
			۲۳	بندر پهلوی	
			۲۴	کوچصفهان	
			۲۵	خمام	
			۲۶	لنگرود	
	۶	شهسوار	۲۷	شهسوار	
			۲۸	نوشهر	
			۲۹	رود سر	
استان دوم	۷	قم	۳۰	قم	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۳۱	کهك	
			۳۲	قاضی	
			۳۳	محلات	
	۸	کاشان	۳٤	کاشان	
			۳۵	قمصر	
			۳٦	میمه	
			۳۷	نطنز	
	۹	طهران	۳۸	کن	
			۳۹	افجه	
			٤۰	حضرت عبدالعظیم	
			٤۱	ینگی امام	
			٤۲	علی شاه عوض	
			٤۳	ورامین	
			٤٤	ایوانکی	
			٤۵	دماوند	
			٤٦	کولج	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
	۱۰	سمنان	٤٧	سمنان	
			٤٨	سنگسر	
			٤٩	دامغان	
			٥٠	شاهرود	
			٥١	میامی	
			٥٢	قشلاق	
	۱۱	ساری	٥٣	ساری	
			٥٤	اشرف	
			٥٥	چهاردانگه	
			٥٦	بابل	
			٥٧	بابل سر	
			٥٨	بند پی	
			٥٩	آمل	
			٦٠	نور	
			٦١	لاریجان	
			٦٢	شاهی	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۶۳	سواد کوه	
			۶۴	فیروز کوه	
	۱۲	گرگان	۶۵	علی‌آباد	
			۶۶	بندرشاه	
			۶۷	گمش تپه	
			۶۸	بندرگز	
			۶۹	کرد محله	
			۷۰	گنبد قابوس	
			۷۱	رامیان	
			۷۲	حاجیلر	
			۷۳	داش برون	
			۷۴	پهلوی دژ	
استان سیم	۱۳	تبریز	۷۵	تبریز	
			۷۶	بستان‌آباد	
			۷۷	آذرشهر	
			۷۸	مرند	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۷۹	شبستر	
			۸۰	اهر	
			۸۱	خداآفرین	
	۱٤	اردبیل	۸۲	اردبیل	
			۸۳	سراب	
			۸٤	پیله سوار	
			۸۵	مشگین شهر	
			۸٦	آستارا	
			۸۷	هروآباد	
			۸۸	شفارود	
استان چهارم	۱۵	خوی	۸۹	خوی	
			۹۰	ماکو	
			۹۱	قراعینی	
			۹۲	عرب	
			۹۳	شاهپور	
	۱٦	رضائیه	۹٤	رضائیه	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۹۵	اشنویه	
			۹۶	سلدوز	
	۱۷	مهاباد	۹۷	مهاباد	
			۹۸	بوکان	
			۹۹	سردشت	
			۱۰۰	بانه	
			۱۰۱	سقز	
			۱۰۲	شاهین دژ	
			۱۰۳	تکاب	
	۱۸	مراغه	۱۰۴	مراغه	
			۱۰۵	رحمت آباد	
			۱۰۶	آتش بیك	
			۱۰۷	میانه	
	۱۹	بیجار	۱۰۸	بیجار	
استان پنجم	۲۰	ایلام	۱۰۹	ایلام	
			۱۱۰	آبدانان	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۱۱۱	مهران	
			۱۱۲	ارکوازی	
			۱۱۳	دهلران	
			۱۱۴	چوار	
			۱۱۵	بدره	
			۱۱۶	صالح آباد	
	۲۱	شاه آباد	۱۱۷	شاه آباد	
			۱۱۸	کرند	
			۱۱۹	قصرشیرین	
			۱۲۰	ایوان	
	۲۲	کرمانشاهان	۱۲۱	کرمانشاهان	
			۱۲۲	کنگاور	
			۱۲۳	هرسین	
			۱۲۴	صحنه	
	۲۳	سنندج	۱۲۵	سنندج	
			۱۲۶	قروه	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۱۲۷	کامیاران	
			۱۲۸	سنقر	
			۱۲۹	مریوان	
			۱۳۰	اوی هنك	
			۱۳۱	میران شاه	
			۱۳۲	پاوه	
	۲٤	ملایر	۱۳۳	ملایر	
			۱۳٤	نهاوند	
			۱۳۵	تویسرکان	
	۲۵	همدان	۱۳٦	همدان	
			۱۳۷	اسدآباد	
			۱۳۸	رزن	
			۱۳۹	کبوترآهنگ	
			۱٤۰	میمنیه رود	
استان ششم	۲٦	خرم‌آباد	۱٤۱	خرم‌آباد	
			۱٤۲	سلسله	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۱۴۳	دلفان	
			۱۴۴	چاغروند	
			۱۴۵	ویسیان	
			۱۴۶	زاغه	
			۱۴۷	کوه دشت	
			۱۴۸	دوده	
			۱۴۹	ملاوی	
			۱۵۰	برجورد	
			۱۵۱	دورود	
			۱۵۲	اشتربنان	
	۲۷	گلپایگان	۱۵۳	گلپایگان	
			۱۵۴	خمین	
			۱۵۵	خوانسار	
			۱۵۶	الیگودرز	
	۲۸	اهواز	۱۵۷	اهواز	
			۱۵۸	شوشتر	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۱۵۹	دزفول	
			۱۶۰	مسجد سلیمان	
			۱۶۱	طوف سفید	
			۱۶۲	رامهرمز	
			۱۶۳	سوسنگرد	
			۱۶۴	بستان	
			۱۶۵	ایذه	
			۱۶۶	قلعه زراس	
			۱۶۷	ده دز	
			۱۶۸	جانکی	
	۲۹	خرمشهر	۱۶۹	خرمشهر	
			۱۷۰	آبادان	
			۱۷۱	قصبه	
			۱۷۲	شادکان	
			۱۷۳	هندیجان	
استان هفتم	۳۰	بهبهان	۱۷۴	بهبهان	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۱۷۵	تل خسرو	
	۳۱	شیراز	۱۷۶	شیراز	
			۱۷۷	فیروزآباد	
			۱۷۸	ممسنی	
			۱۷۹	کازرون	
			۱۸۰	بیضا	
			۱۸۱	زرقان	
			۱۸۲	قیرو کازرین	
	۳۲	بوشهر	۱۸۳	بوشهر	
			۱۸٤	برازجان	
			۱۸۵	خرموج	
			۱۸٦	ریك	
			۱۸۷	بوالخیر	
			۱۸۸	کنکان	
			۱۸۹	دیلم	
	۳۳	فسا	۱۹۰	فسا	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۱۹۱	نیریز	
			۱۹۲	اصطهبانات	
			۱۹۳	داراب	
			۱۹٤	سعادت آباد	
	۳٤	آباده	۱۹۵	آباده	
			۱۹٦	سمیرم	
			۱۹۷	بوانات	
	۳۵	لار	۱۹۸	لار	
			۱۹۹	لنگه	
			۲۰۰	کاربندی	
			۲۰۱	بستك	
			۲۰۲	جهرم	
			۲۰۳	جویم	
استان هشتم	۳٦	کرمان	۲۰٤	کرمان	
			۲۰۵	شهداد	
			۲۰٦	راور	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۲۰۷	زرند	
			۲۰۸	رفسنجان	
			۲۰۹	سیرجان	
			۲۱۰	ماهان	
			۲۱۱	بافت	
	۳۷	بم	۲۱۲	بم	
			۲۱۳	سبزواران	
			۲۱٤	ساردویه	
			۲۱٥	کهنو	
			۲۱٦	مشیز	
	۳۸	بندرعباس	۲۱۷	بندرعباس	
			۲۱۸	میناب	
			۲۱۹	جاسك	
			۲۲۰	قشم	
	۳۹	خاش	۲۲۱	خاش	
			۲۲۲	قصرقند	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۲۲۳	ایرانشهر	
			۲۲٤	سراوان	
			۲۲٥	بزمان	
			۲۲٦	سرباز	
			۲۲۷	چاه بهار	
			۲۲۸	زاهدان	
	٤۰	زابل	۲۲۹	زابل	
			۲۳۰	میان کنگی	
استان نهم	٤۱	سبزوار	۲۳۱	سبزوار	
			۲۳۲	جغتای	
			۲۳۳	داورزن	
			۲۳٤	تکاب	
			۲۳٥	صفی آباد	
	٤۲	بیرجند	۲۳٦	بیرجند	
			۲۳۷	قاین	
			٦۳۸	درمیان	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۲۳۹	ماژان	
	۴۳	تربت حیدری	۲۴۰	تربت حیدری	
			۲۴۱	فیض آباد	
			۲۴۲	سنگان	
			۲۴۳	خواف	
			۲۴۴	کدکن	
	۴۴	مشهد	۲۴۵	مشهد	
			۲۴۶	ارداك	
			۲۴۷	طرقبه	
			۲۴۸	احمدآباد	
			۲۴۹	سرخس	
			۲۵۰	فریمان	
			۲۵۱	زورآباد	
			۲۵۲	باخرز	
			۲۵۳	نیشابور	
			۲۵۴	کلات	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
	۴۵	قوچان	۲۵۵	قوچان	
			۲۵۶	شیروان	
			۲۵۷	محمدآباد	
			۲۵۸	لطف آباد	
			۲۵۹	باجگیران	
	۴۶	بجنورد	۲۶۰	بجنورد	
			۲۶۱	اسفراین	
			۲۶۲	مانه	
	۴۷	جویمند	۲۶۳	جویمند	
			۲۶۴	بجستان	
			۲۶۵	فردوس	
			۲۶۶	طبس	
			۲۶۷	کاشمر	
استان دهم	۴۸	اصفهان	۲۶۸	اصفهان	
			۲۶۹	نجف آباد	
			۲۷۰	شهرکرد	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۲۷۱	شهرضا	
			۲۷۲	اردستان	
			۲۷۳	خوراسکان	
			۲۷٤	داران	
			۲۷٥	فلاورجان	
			۲۷٦	اردل	
			۲۷۷	لوردکان	
			۲۷۸	اخوره	
	٤۹	یزد	۲۷۹	یزد	
			۲۸۰	اردکان	
			۲۸۱	نائین	
			۲۸۲	خور	
			۲۸۳	خضرآباد	
			۲۸٤	خرانق	
			۲۸٥	بافق	
			۲۸٦	اشك دز	

استان		شهرستانهای تابعه		بخش ها	
			۲۸۷	مهریز	
			۲۸۸	تفت	
			۲۸۹	نیر	
			۲۹۰	شهر بابك	

صورت فوق ضمیمه قانون اصلاح قانون تقسیمات کشور بوده و صحیح است .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

سرشماری

مصوب دهم خرداد ماه ۱۳۱۸

ماده یکم - سرشماری نفوس کشور درهرموقع برحسب پیشنهاد وزارت کشور وتصویب هیئت وزیران بموجب فرمان همایونی انجام میگیرد .

ماده دوم - روز اجرای سرشماری تعطیل همگانی خواهد بود و باستثنای کسانیکه مأمور سرشماری میشوند بقیه مردم باید روز مزبور برای انجام مقررات سرشماری درمساکن خود بمانند مگردرموارد ضروری که بموجب آئین نامه معین خواهد شد .

ماده سوم - وزارت کشور بوسیله اداره کل آمار و ثبت احوال طبق آئین نامه هــای مربوط در اجرای امر سرشماری اقدام مینماید و کارمندان کشوری و

مأمورین شهرداری و کدخدایان - آموزگاران ودبیران ودانشیاران ودانش آموزان دبیرستانها ودانشکده ها و کارکنان بنگاهها وهرفرد دیگری که برای انجام خدمت سرشماری بر گزیده میشوند مکلف هستند دستورهائیکه بآنها داده میشود از روی صحت اجرا نمایند .

تبصره ۱ - کسانیکه مأمور انجام خدمت سرشماری میشوند دارای علامت های مشخصه خواهند بود .

تبصره ۲ - وظیفه سرشماری اتباع دولت شاهنشاهی مقیم خارجه را مأمورین وزارت امور خارجه مطابق آئین‌نامه مخصوص انجام خواهند داد .

ماده چهارم - ساکنین کشور مکلفند پاسخ پرسشها و اطلاعات سرشماری را که مأمورین درخواست مینمایند مطابق واقع اظهار دارند .

علاوه برمسئولیت افراد رئیس خانوار یا بزرگتر خانه و مدیر هر بنگاه از قبیل مهمانخانه ها و بیمارستانها و نظایر آن نیز مکلفند عـدهٔ را که شب در آن مسکن هستند مطابق واقع اظهار دارند .

ماده پنجم - متخلفین ازمقررات مواد دوم و سوم و چهارم این قانون و آئین نامه های مربوط بامرسرشماری اعم از عمال سرشماری وافراد کشور طبق موادیکه بتصویب کمیسیونهای کشور و دادگستری خواهد رسید تعقیب و مجازات میشوند .

ماده ششم - وزارت کشور مجاز است برای وضع مقررات و تصویب برگها و نظامات و بررسی فنی در امر سرشماری و آمار شورای دائمی تشکیل دهد و برای ترتیب سازمان ووظائف شورای نامبرده و تمرکز اطلاعات مربوطه برشته های مختلف آمار واجرای سرشماری آئین نامه های لازم را تنظیم وپس‌ازتصویب هیئت وزیران بموقع اجرا گذارد .

ماده هفتم ـ ماده ۱۳ قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۰۷ ملغی است .

این قانون که مشتمل بر هفت ماده است درجلسه دهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه استخدام مستخدمین بدون رتبه به وزیر صناعت و معادن

مصوب ۱۹ دی ماه ۱۳۱۶

ماده واحده ـ وزیر صناعت و معادن مجاز است از تاریخ تصویب اینقانون تا آخر خرداد ماه ۱۳۱۷ برای مشاغلی که متصدی مناسب به تشخیص وزارت خانه بین منتظرین خدمت رسمی یافت نگردد کارکنان بدون رتبه استخدام نماید .

تبصره ـ مستخدمینی که ازاول مهرماه ۱۳۱۶ بدعوت وزارت صناعت بخدمت مشغول شده‌اند مشمول اینقانون خواهند بود .

اینقانون که مشتمل بریك ماده‌است درجلسه نوزدهم دی ماه یکهزاروسیصد شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اصلاح فصل دوم و پنجم قانون ترفعیات آرتش شاهنشاهي

مصوب ۵ تیر ماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ ماده یازدهم ازفصل دوم قانون ترفیعات ارتش‌شاهنشاهی ایران مصوب ۱۷ اسفند ۱۳۱٤ بترتیب زیر اصلاح میشود :

فصل دوم ـ مدت درجات

ماده یازدهم ـ حداقل مدت جهة ترفیع افسران از یکرتبه برتبه بالاتر درصورت ابراز لیاقت و واجد بودن شرایط لازمه بشرح ذیل خواهد بود :

ازستوان سومی بستوان دومی	دو سال
ازستوان دومی بستوان یکمی	دو سال
ازستوان یکمی بسروانی	چهارسال
ازسروانی بسرگردی	چهارسال
ازسرگردی بسرهنگ دومی	سه سال
ازسرهنگ دومی بسرهنگی	دو سال
ازسرهنگی بسرتیپی	چهار سال
ازسرتیپی بسرلشگری	چهار سال

درجه سپهبدی بسرلشگرهائی اعطاء خواهد که علاوه برواجد بودن شرایط لازمه درمقام سپهبدی ابراز لیاقت نموده باشند .

تبصره ـ برای فارغ‌التحصیلهای دانشکده افسری و آموزشگاه ستوانی ارتش که معمولا درمهرماه هرسال افسر شناخته میشوند حداقل مدت جهت اولین ترفیع آنها یکسال و نیم خواهد بود .

۲ ـ فصل پنجم از قانون ترفیعات ارتش شاهنشاهی ایران مصوب ۱۷ اسفند ۱۳۱٤ حذف ومواد زیر بجای آن تصویب میشود :

فصل پنجم ـ ترفیع افسران و افراد وظیفه و احتیاط و ذخیره

ماده ۱/۳۴ ـ مشمولینی که بدرجه افسری نائل‌میگردند که دارای گواهینامه تحصیلی دوره کامل متوسطه و یا عالیه بوده و دوره دانشکده افسری احتیاط را طی

نموده باشند ویا آنکه گواهی‌نامه آنها جنبه تخصصی داشته وپزشك ـ دام پزشك ـ دواساز یا دندانسازباشند که درصورت اول تابع مقررات فصل یازدهم درصورت‌اخیر تابع مقررات فصل دوازدهم قانون خدمت نظام وظیفه عمومی بوده و درهردوصورت نیزمشمول مقررات ماده ۷۳ قانون مذکور خواهند بود .

ماده ۲/۲۴ ـ درجات وترفیعات افسران وظیفه و احتیاط و ذخیره عموماً در احکام عمومی ارتش درج ومنتشر میگردد .

ماده ۱/۲۵ ـ مشمولین مصرحه در فصل یازدهم و دوازدهم قانون خدمت نظام وظیفه عمومی چنانچه از عهده امتحانات مقرره برآیند در صورتیکه ارزش گواهی‌نامه آنها درحدود دوره متوسطه باشد برتبه ستوان سوم وظیفه واگر دارای تحصیلات عالیه باشند برتبه ستوان دوم وظیفه نائل میگردند .

ماده ۲/۲۵ ـ افسران وظیفه‌که دوره دانشکده افسری احتیاطرا طی‌نموده‌اند درصورت تمایل بادامه خدمت داوطلب مشمول مقررات ماده ۸۵ قانون خدمت نظام وظیفه عمومی خواهند بود .

ماده ۳/۲۵ ـ درموقع جنگ ترفیع افسران وظیفه واحتیاط وذخیره درکلیه درجات تابع مقررات عمومی بوده و موارد استثنائی قانونی ترفیعات ارتش مربوط بزمان جنگ شامل حال آنها نیز خواهد بود .

ماده ۴/۲۵ ـ درموقع صلح حداکثرترقی افسران وظیفه و احتیاط و ذخیره فقط تا رتبه سروانی است .

ماده ۱/۲٦ ـ موقعیکه افسران احتیاط وذخیره مطابق‌مقررات جهت تجدید تعلیمات نظامی احضارمیگردند اولاً عملیات ووضعیت خدمتی آنان از هرجهت در ترفیع آنها جزو امتحانات عملی محسوب وثانیاً مطابق برنامه مربوط چنانچه ازعهده امتحانات لازمه برآیند پس‌ازخاتمه دوره احتیاط (شش سال) دراول فروردین سال

اول دوره ذخیره ستوان سوم ها بدرجه ستوان دومی و ستوان دوم ها بدرجه ستوان یکمی ذخیره نائل خواهند شد

ماده ۲/۳۶ ـ ستوان های ذخیره درموقع احضار برای تعلیمات مرتبه دوم و سوم دوره ذخیره یکم چنانچه ازعهده امتحانات عملی و برنامه مربوطه بشرح ماده فوق برآیند (پس ازشش سال) در اول فروردین سال هفتم دوره ذخیره یکم ستوان دوم ها برتبه ستوان یکمی ذخیره و (پس از هشت سال) در اول فروردین سال نهم دوره ذخیره یکم ستوان یکم ها بدرجه سروانی ذخیره نائل میگردند .

ماده ۳/۳۶ ـ ستوان یکم های ذخیره درموقع احضار برای نوبت آخردوره ذخیره یکم چنانچه ازعهده امتحانات عملی وبرنامه مربوطه بشرح ماده فوق برآیند (پس ازهشت سال) دراول فروردین سال یکم دوره دخیره دوم برتبه سروانی ذخیره نائل خواهند شد .

ماده ۱/۳۷ ـ عموم سروان های ذخیره تا آخر دوره خدمت سربازی بدرجه مزبور باقی خواهند ماند.

ماده ۲/۳۷ ـ ستوان های پزشك ـ دام پزشك ـ دندانساز وداواساز ازحیث مدت وشرایط تابع مقررات مربوطه به سایرافسران وظیفه واحتیاط وذخیره خواهند بود منتها امتحانات آنها مربوط به امور تخصصی ووظایف مربوطه آنان خواهدبود.

ماده ۱/۳۸ ـ افسران احتیاط و ذخیره موجوده با درجات فعلی درصورت تمایل میتوانند درامتحانات مربوطه به طبقاتی که احضارمیگردند شرکت نموده و بدرجات مربوطه به هریك از امتحانات نائل گردند .

ماده ۲/۳۸ ـ افسران احتیاط و ذخیره که از عهده امتحانات مقرره برنیایند میتوانند با تقاضای شخصی درسنوات بعد مجدداً در امتحانات مربوطه شرکت نموده

و درصورت موفقیت به ترفیع رتبه مقرره نایل گردند .

ماده ۳/۲۸ ـ افراد و گروهبانان احتیاط و ذخیره احضارشده که از حیث معلومات و حسن اخلاق و لیاقت صفی مطابق مقررات قانون ترفیعات ارتش واجد شرایط ترفیع باشند و از عهده امتحانات مربوطه برآیند بدرجات گروهبانی و استواری نائل ومراتب دراحکام وسوابق قسمتی آنها ذکرخواهد شد .

ماده ۴/۲۸ ـ بطور کلی نتیجه امتحانات و ترفیع هریك از افسران و افراد نامبرده شده در بالا ضمن کتابچه خدمت آنها ذکرخواهد شد .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه پنجم تیرماه یکهزاروسیصد وهفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

تعیین پایه استخدامی فارغ التحصیلهای دانشسراهای مقدماتی و عالی

مصوب ۵ آبانماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ وزارت فرهنگ مجاز است با رعایت شرایط مقرر در فقرات ۱ ـ ۳ ـ ٤ ماده دوم قانون استخدام کشوری و ماده هفتم و یازدهم قانون تأسیس دانشسراها بفارغ‌التحصیلهای‌دانشسرای‌مقدماتی پایه دوآموزگاری وبفارغ‌التحصیل های دانشسرای عالی ومشمولین تبصره ماده چهارم قانون تربیت معلم پایه دو دبیری اعطاء نمایند .

فارغ التحصیلهای دانشسرا ها که در تاریخ تصویب این قانون دارای پایه یك آموزگاری یا دبیری هستند مشمول اینقانون بوده و کسرحقوق پایه آنان در

صورت بودن اعتبار ترمیم میشود .

تبصره ــ سالهای خدمت گذشته مشمولین ماده ۱۲ و ۱۳ قانون تأسیس دانشسراها جزء خدمت رسمی آنان محسوب میگردد ولی باید کسور تقاعد گذشته را برطبق قوانین مربوطه نقداً یااقساطاً تأدیه نمایند .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه ۵ آبانماه یکهزار وسیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ حسن اسفندیاری

قانون

اصلاح پاره از مواد قانون استخدام قضات

مصوب ۱۱ دیماه ۱۳۱۷

ماد ۱ ــ ماده ٤ قانون تکمیل قانون استخدام قضات مصوب تیر ماه ۱۳۰۸ بطریق زیر اصلاح میشود :

ماده ٤ ــ مجازات انتظامی صاحبان پایه قضائی ازقرار زیر است :

۱ ــ اخطار کتبی بدون درج در برگ خدمت .

۲ ــ توبیخ کتبی با درج در برگ خدمت .

۳ ــ کسرحقوق ماهیانه تا یك ثلث از یکماه تا ششماه .

٤ ــ انفصال موقت از سه ماه تا یکسال.

۵ ــ تنزل پایه یکدرجه یا زیادتر .

٦ ــ انفصال دائم از خدمت وزارتدادگستری .

۷ ــ انفصال دائم ازخدمات دولتی .

ماده۲ ـ ماده ۱۳ قانون اصلاح قسمتی ازمواد قانون استخدام قضات مصوب آبان ماه ۱۳۱۲ بطریق زیر اصلاح میشود :

ماده ۱۳ ـ درخواستهای ترفیع باید بترتیب ودرمدتهائی که ازطرف وزارت دادگستری طبق آئین نامهٔ که بتصویب هیئت دولت میرسد معین میشود بکمیسیون مقدماتی ترفیع ارسال گردد. کمیسیون نامبرده پس ازرسیدگی بدرخواستها اشخاصی را که استحقاق ترفیع دارند معین مینماید وازجمله شرائط استحقاق دراین مورد این است که درخواست کننده مقالات قضائی قابل توجهی تهیه و برای انتشار به مجموعه حقوقی داده و یا بپرسشهای مندرج درمجموعه پاسخهای قابل قبول داده باشد .

ماده۳ ـ جمله (سه دوسیه اخیر) مذکوردرماده ۱۵ قانون اصلاح قسمتی از مواد قانون استخدام قضات مصوب آبان ماه ۱۳۱۲ حذف وبجای آن (پرونده های سالهای مختلف) قرار داده میشود .

ماده۴ ـ بماده ۲۲ قانون ششم دی ماه ۱۳۱۵ تبصره زیربرای توضیح افزوده میشود .

تبصره ـ شرط دعوت بامتحان دارا بودن دوسالخدمت درسمت های نامبرده است اعم از اینکه این قبیل اشخاص درموقع امتحان منتظرخدمت و یا تغییر سمت یافته باشند.

ماده۵ ـ بماده ۱۷ قانون ٦ دی ماه ۱۳۱۵ تبصره زیر افزوده میشود :

تبصره ـ هنگامیکه یکی ازاعضای تجدید نظر بعلتی نتواند درهیئت تجدید نظرشرکت نماید یکنفرعضوعلی‌البدل ازمستشاران یااعضاء معاون دیوان عالی‌تمیز بانتخاب وزیردادگستری هیئت نامبرده را تکمیل مینماید .

ماده٦ ـ اصلاح ماده ۷ قانون استخدام قضات مصوب اسفند ۱۳۰٦ که بموجب

ماده ۱۸ قانون ٦ دیماه ۱۳۱۵ بعمل آمده فقط ناسخ ماده مزبور باستثنای جمله آخر آن است و جمله آخر راجع به تطبیق پایه های نه گانه قانون استخدام کشوری با ۹ پایه اول پایه های قضائی کما کان باعتبار خود باقی است .

ماده ۷ ـ منظور از قبول بخدمت قضائی واستخدام با پایه یك قضائی مذکور درماده ۲۶ قانون ٦ دیماه ۱۳۱۵ صدور ابلاغ رسمی وزارتی است درمدت اختیارات اعم از اینکه شخص مورد ابلاغ در آن مدت یابعداز آن عملا بشغل قضائی تصدی نماید.

ابلاغات وزارت دادگستری که بموجب ماده ۲۰ قانون ٦ دیماه ۱۳۱۵درمدت اختیار صادر شده معتبر است و اشخاص مورد ابلاغ از مزایای آن از تاریخ اعطاء بهره مند خواهند شد هرچند که اشخاص نامبرده درحین صدورابلاغ منتظرخدمت یا اینکه متصدی مشاغل اداری بوده و یا مأمور مطالعات در اروپا بوده‌اند .

ماده ۸ ـ مواد ۳ ـ ۸ ـ ۳۰ قانون استخدام قضات مصوب اسفند ماه ۱۳۰٦ نسخ میشود .

این قانون که مشتمل برهشت ماده است درجلسه یازدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

خدمتگزاري پزشگان

مصوب ۷ مرداد ۱۳۱۸

فصل اول ـ شرایط ورود بخدمت

ماده اول ـ مشمولین این قانون عبارتند از پزشگها و متصدیان سایرامور

طبی و درجات خدمت آنها بسه طبقه تقسیم میشود .

پزشك یکم ـ پزشك دوم ـ پزشك یارها .

داوطلبان خدمت پزشکی باید شرایط زیر را دارا باشند .

الف ـ شرایط پزشك یکم :

۱ ـ دارا بودن شرایط مندرجه درفقرات یك و سه وچهار ازماده دوم قانون استخدام کشوری .

۲ ـ داشتن دانشنامه دکترا .

ب ـ شرایط پزشك دوم :

۱ ـ داشتن شرایط مندرجه در فقرات یك و سه وچهار از ماده دوم قانون استخدام کشوری

۲ ـ دارا بودن پروانه رسمی طبابت ازوزارت فرهنگ .

فصل دوم ـ پایه وحقوق و ارتقاء

ماده دوم ـ خدمت پزشك یکمی دارای نه پایه و خدمت پزشك دومی و پزشکیاری دارای ٦ پایه است مدت خدمت در هریك از پایه های نه گانه پزشك یکمی برای ترفیع بمقام بالاتر از پایه یکم تا پنجم دو سال و از ششم ببالا سه سال خواهد بود و مدت خدمت درهریك ازپایه‌های ششگانه پزشك دومی و پزشکیاری سه سال خواهد بود وبدون طی پایه مادون‌بپایه مافوق نمیتوان ارتقاء یافت و ارتقاء بپایه بالاتر منوط بلیاقت و حسن خدمت طبق آئین نامه مخصوصی خواهد بود که وزارت کشور تهیه و بتصویب وزیران خواهد رسید .

تبصره ۱ ـ مشمولین این قانون که بنقاط بد آب و هوا مأمور میشوند درصورتیکه اقامتگاه دائمی آنها درآن نقطه نباشد علاوه برفوق‌العاده‌هائی که‌بآنها تعلق میگیرد دوازده ماه خدمت آنها هنگام ترفیع هیجده ماه محسوب خواهدشد .

تبصره ۲ ـ پزشکانیکه بعد از گرفتن دانشنامه دکترا تحصیلات تخصصی نموده‌اند درصورتیکه برای آن فنون تخصصی استخدام شوند در رتبه های یك ـ دو سه پزشکی یکسال و از رتبه چهارم ببالا مطابق همین قانون باید دوره خدمت را طی نمایند طرز تشخیص تخصص بموجب آئین‌نامه مخصوصی است که بتصویب‌شورای عالی فرهنگ میرسد.

ماده سوم ـ میزان‌حقوق‌پایه اول‌پزشك یکم۹۲۰ ریال درسال‌جاری‌خواهد بود ومقرری پایه‌های دیگر بانضمام پایه ششم معادل‌است با مقرری پایهٔ‌مادون‌بعلاوه ربع بلا کسر آن پایه و ازپایه هفتم ببالا معادل با پایه مادون باضافه سدس بلا کسر آن پایه میباشد و میزان حقوق پایه اول پزشك دوم ۵۲۰ ریال درسال جاری‌خواهد بود و مقرری پایه‌های دیگر معادل است با مقرری پایه مادون باضافه ربع بلا کسر آن پایه و میزان مقرری پایه اول پزشکیاری ۳۲۰ ریال در سال جاری خواهد بود و مقرری پایه های دیگر معادل است با مقرری پایه‌های مادون بعلاوه ثلث بلا کسر آن پایه و میزان حقوق پایه های اول پزشك یکمی و پزشك دومی و پزشکیاری درسالهای بعد ضمن قانون بودجه تعیین خواهد شد.

تبصره ۱ ـ بهداری کل‌مجازاست درصورتیکه‌احتیاج‌بپزشك یا صاحبان‌سایر فنون طبی داشته باشد بپزشکان یا متصدیان سایرفنون طبی که رتبه کمتری دارند از رتبه‌های بالاتر کفالت داده وحق‌الکفاله بدهند.

تبصره ۲ ـ بهداری کل‌میتواندبه‌پزشکانیکه ازاقامتگاه خودبخارج‌فرستاده میشوند مادامیکه در آن محل باقی هستند برای پایه‌های یك و دو یك‌ثلث ـ برای پایه‌های سه و چهار وپنج یك ربع و برای بقیه یك خمس از حقوق آنان را بعنوان مدد معاش در باره آنها منظور دارد.

ماده چهارم ـ پس ازتصویب این قانون‌پزشکانیکه میخواهند بهراسم‌ورسم

تازه وارد یکی از خدمات دولت شوند باید اقلا مدت دوسال در کشور ایران خارج از مرکز مشاغل طبی انجام دهند .

ماده پنجم ـ ساعتهای خدمت پزشکان اداری مشمول این‌قانون و طرزجرائم غیبت‌آنها تابع مقررات راجع‌بسایر خدمتگزاران کشوری خواهدبود ولی ساعتهای خدمت پزشکانیکه متصدی کارهای فنی میشوند طبق آئین‌نامه مخصوصی خواهد بود که اداره کل بهداری با نظر وزارت کشور تهیه خواهد نمود .

ماده ششم ـ پس از تصویب این قانون برای هریك از پزشکانیکه مشغول خدمت بوده و هستند اعم از رسمی و قراردادی و مشمولین سایر قوانین استخدامی و قانون اعزام محصلین بخارجه ممکن‌است پایه پزشکی تعیین شود .

برای تعیین پایه اشخاص مزبور نصف‌مدت خدمت‌آنها با رعایت ماده دوم این قانون مأخذ قرار داده میشود ولکن تمام مدت خدمت آنها جزو مدت دوره خدمت محسوب میگردد .

پزشکانیکه حقوق آنها کمتر ازپایه پزشکی‌است که بدین ترتیب برای آنها معین شده‌است درهرموقع که اعتبار موجود باشد حقوق پایه‌آنها ترمیم میشود .

فصل سوم ـ سایر فنون طبي

ماده هفتم ـ دام پزشکان و داروسازان و دندانسازان که در فن خوددارای رتبه دکترا باشند مشمول این قانون بوده و ازهرجهة مانند پزشك یکم باآنهارفتار خواهد شد .

ماده هشتم ـ پزشکان ـ ماماها ـ داروسازان ـ دندانسازان ـ شیمی دانهای طبی ـ دامپزشکان میکرب شناس هائیکه در فن خود بدرجه دکترا نرسیده ولی تحصیلات عالی نموده و یا لیسانسیه هستند میتوانند تا پایه ۹ پزشك دومی که

اختصاص باین دسته دارد ارتقاء یابند مدت توقف در هر پایه از ۷ تا ۹ سه سال و مقرری پایه هفت ببالا معادل است با مقرری پایـه مادون باضافه سدس بلا کسر پایه قبل وشروع خدمت آنها با پایه سه پزشك دومی خواهدبود.

ماده نهم - ۱ - ماماهائیکه گواهینامه آنهاعالی شناخته نشده‌است داروسازها ودندانسازهای مجاز- کمك پزشکها-سرپرستارها- کمك‌دامپزشکها- کمك‌آزمایشگاه و پرستارانیکه دارای گواهینامه مربوط از آزمایشگاه پرستاری و غیره درفن خود باشند باپایه ۳ پزشگیاری استخدام میشوند.

۲ - کمك پزشکها - سرپرستارها- کمك‌دامپزشکان - دستیاران آزمایشگاه پرستارها درصورتیکه‌دارای گواهینامه‌درفن‌خودباشند باپایه ۲ پزشگیاری استخدام می‌شوند.

تبصره - کمك پزشکان - سرپرستارها و کمك دامپزشکان - دستیـاران آزمایشگاه و پرستارانیکه در تاریخ تصویب این قانون مشغول خدمتند و بیش از دو سال‌باین فن‌اشتغال داشته‌اند میتوانند پایه یك پزشگیاری‌را دارا باشند وچنانچه این اشخاص ده سال بشغل فنی دولتی اشتغال داشته‌اند میتوان معـادل حقوق فعلی آنها پایه پزشگیاری درباره آنها منظور داشت.

فصل چهارم - بازنشستگی

ماده‌دهم - نرخ کسور باز نشستگی مشمولین این قانون و همچنین طرزباز نشستگی و اخذ وظیفه مشمولین این قانون از هر حیث تابع مقررات فصل چهارم قانون استخدام کشوری و اصلاحـاتی که در آن بعمل آمـده است میباشد. و در صورتیکه تحلیل قوا وضعف پیری آنها مانع ادامه خدمت نباشد تاسن هفتادسالگی میتوانند مشغول خدمت باشند ولی درسن هفتاد سالگی حتماً باید بازنشسته شوند.

تبصره ـ راجع به‌پزشکانی که به‌پایه پزشکی نائل میشوند تمام مدت‌خدمت آنها طبق ماده ۶ برای اخذ حقوق بازنشستگی محسوب خواهد گردید مشروط بر اینکه از روی مأخذ پایه ای که بموجب این قانون برای آنها تعیین میشود کسور بازنشستگی سالهائی‌را که خدمت کرده‌اند بصندوق‌بازنشستگی قرارپرداخت بدهند و مدت خدمت مزبور اعم از متوالی و متناوب خواهد بود .

ماده یازدهم ـ درنقاطیکه دانشکده پزشکی وداروسازی ودندانسازی دائر باشد رؤسای‌شعب بیمارستانها موظفند که برطبق‌برنامه وزارت‌فرهنگ بدانشجویان پزشکی و داروسازی و دندانسازی‌تعلیمات بالینی و عملی بدهند وقبول ترفیع آنها منوط بانجام این خدمت میباشد .

ماده دوازدهم ـ در مواردیکه استخدام پزشکی ضرورت یابد با پیشنهاد وزارت کشور وتصویب هیئت وزیران میتوان پزشکانی را بطور قراردادی بخدمت موقتی پذیرفت .

ماده سیزدهم ـ مواد ۶ ـ ۷ ـ ۸ ـ ۹ ـ ۱۹ ـ ۲۸ ـ ۳۱ قانون استخدام کشوری با اصلاحاتی که درآن بعمل آمده است شامل پزشکان و متصدیان سایر فنون طبی که دراین قانون ذکر شده است میباشد .

ماده‌چهاردهم ـ آئین نامه‌های‌اجرای این‌قانون وهمچنین آئین‌نامه‌ها کمه اداری پزشکان را وزارت کشور تهیه نموده و پس از تصویب هیئت وزیران بموقع اجراء گذارده خواهد شد .

این قانون که مشتمل برچهارده ماده‌است درجلسه هفتم امرداد ماه یکهزارو سیصد و هیجده بتصویب مجلس‌شورای‌ملی رسید .

رئیس مجلس شورای‌ملی ـ حسن اسفندیاری

فهرست

قسمت دوم - امتیازات

فهرست قسمت دوم ـ امتیازات

قسمت دوم
امتیازات

قانون

انحصار تهیه و خرید و فروش تخم نوغان و پیله بوزارت صناعت

مصوب ۲۴ بهمن ماه ۱۳۱۶

ماده۱ ـ انحصار تهیه تخم نوغان و خرید وفروش تخم نوغان و پیله‌درکشور با وزارت صناعت و معادن است .

ماده۲ ـ هر کس بدون اجازه وزارت صناعت ومعادن تخم نوغان بعمل آورد یا بدون برچسب اداره نوغان آنرا بفروشد ویا بخرد علاوه برضبط مال (ودرصورت نبودن عین مال رد قیمت آن) مرتکب بتأدیه غرامت ازپانصد ریال الی‌پنجهزارریال محکوم خواهد شد و درصورتیکه بتأدیه محکوم به نقدی اعم از غرامت یا قیمت مال قادر نباشد در مقابل هر پنج الی بیست ریال ازآن بنظر محکمه یکروزحبس خواهد شد و مدت حبس نباید از سه سال تجاوز نماید .

تبصره ـ وزارت صناعت در مورد اجراء این قانون شاکی خصوصی شناخته میشود و درصورتیکه شکایت خود را مسترد دارد قضیه قابل تعقیب نخواهد بود .

این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه بیست و چهارم بهمن ماه یکهزار و سیصدو شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه انعقاد قراردادهای اکتشاف واستخراج معادن دو ناحیه معینه با شرکت هلاندی آلگمین اکسپلوراتی ماچاپای

مصوب ۲۶ فروردین ماه ۱۳۱۸

قرارداد اکتشاف

تعریف اصطلاحات

بعضی اصطلاحاتیکه در قرارداد اکتشاف بکاربرده میشود قطع نظر از هر معنی دیگری که ممکن است در حال یا در آتیه درموارد دیگر داشته باشد در این قرارداد مطابق تعریفات زیرمعنی خواهد شد .

دولت

یعنی دولت شاهنشاهی ایران

شرکت

یعنی شرکت آلگمین اکسپلوراتی ماچاپای (شرکت کل اکتشاف) شرکت سهامی مقیم لاهه و شعبه‌های آن در آمستردام هلاند با تمام شرکتهای تابعه آن .

شرکت تابعه

یعنی هرشرکتی که این شرکت حق تعیین بیش از نصف مدیران آنرا مستقیماً یا بطور غیرمستقیم داشته و بطور مستقیم ویا غیرمستقیم مالك مقداری از سهام آن باشد که با آن مقدار سهام بیش از پنجاه درصد حق رأی در مجمع عمومی آن برای شرکت تأمین شده باشد .

دو ناحیه

یعنی زمینهائی که طبق ماده (٤) این قرارداد مشخص گردیده .

عملیات شرکت در ایران

یعنی تمام عملیات صنعتی بازرگانی و فنی که شرکت منحصراً برای اجرای این قرارداد انجام میدهد .

تاریخ تصویب

یعنی تاریخیکه این قراردادبتصویب مجلس شورای ملی ایران وصحه اعلیحضرت همایونی شاهنشاهی رسیده و بشرکت اعلام شده است .

سال و ماه

یعنی دوره‌هائی از زمان که مطابق تقویم گرگورین سال وماه گفته‌میشود.

فلورن

یعنی واحد پول هلاند .

ماده اول

الف ــ از تاریخ تصویب این قرارداد دولت حق انحصاری اکتشاف و بررسی و تجسس دو ناحیه را برای مدت سه سال بشرکت واگذار میکند .

۱ ــ کلیه مواد معدنی بدون استثناءِ در ناحیه یك

۲ ــ کلیه موادمعدنی باستثناء نفت واکسید آهن که بعنوان خاك سرخ‌مصرف میشود در ناحیه دو .

ب ــ موادمستخرجه ازمعادن روی زمینی مانند سنگهای ساختمانی ـ آهك ـ

سنگ گچ ـ خاك رس ـ نمك طعام ـ رسوبات نمکی مانند نمك طعام زاج و براتها از این قرارداد مستثنی میباشند .

ماده دوم

الف ـ شرکت تعهد مینماید که ازتاریخ تصویب این قرارداد منتهی‌درظرف ششماه عملیات اکتشاف و بررسی را در هر دو ناحیه شروع نماید .

ب ـ شرکت تعهد مینماید در تمام‌مدت قرارداد باستثنای مواردیکه‌درماده پنج پیش بینی شده بخرج خود بررسیهای لازم را جهة اکتشاف رشته های معدنی دو ناحیه نامبرده در ماده یك بنماید و نقشه زمین‌شناسی این دوناحیه را تهیه کند.

ماده سوم

الف ـ شرکت تعهد مینماید که در تمام مدت اکتشاف گزارشهای‌ششماهه‌از بررسیها و اکتشافاتی که نموده و نتایجی را که بدست آورده بانضمام نقشه‌ها و هر گونه اطلاعات دیگری که دارا میباشد بدولت تسلیم کند .

ب ـ دولت حق دارد که در هر موقع و درهرمکان عملیات فنی شرکت‌رادر ایران بازرسی نماید و برای این منظور کارشناسان متخصص تعیین خواهد کرد .

ج ـ شرکت متعهد است تمام اسناد فنی و علمی مربوطه را که دارا میباشد باختیار کارشناسان متخصص دولت که برای این منظورتعیین میشوندبگذاردبعلاوه این کارشناسان متخصص حق دارند که از کلیه ادارات شرکت هر گونه اطلاعی را تحصیل نمایند .

ماده چهارم

ناحیه‌های نامبرده در ماده (۱) بطریق ذیل تحدید میشوند :

الف ـ ناحیه یك قطعه خاك چهار ضلعی است که زوایای آن به ترتیب‌زیر واقع شده :

اول ـ زاویه نقطه تلاقی مدار سی وهشت درجه با نصف‌النهار چهل و هشت درجه و بیست دقیقه .

دوم ـ زاویه نقطه تلاقی مدار سی وهشت درجه با نصف‌النهار چهل و هشت درجه و سی و پنجدقیقه .

سوم ـ زاویه نقطه تلاقی‌مدار سی وسه درجه وسی دقیقه بانصف‌النهار پنجاه و سه درجه و پنج دقیقه .

چهارم ـ زاویه نقطه تلاقی مدار سی و سه درجه وسی دقیقه با نصف‌النهار پنجاه درجه و بیست دقیقه .

تمام خطوط نصف‌النهارنسبت به گرنویچ حساب شده وسمت مشرق آن واقع گردیده است .

ب ـ ناحیه دو شامل خشکی وجزائرمتعلق بایران است بطور مربع مستطیل که زوایای آن بترتیب زیرقرار گرفته :

اول ـ زاویه نقطه تلاقی مدار سی درجه و نصف‌النهار پنجاه وهشت درجه و بیست دقیقه .

دوم ـ زاویه نقطه تلاقی مدار بیست و شش درجه و نصف‌النهار پنجاه وچهار درجه و بیست دقیقه .

سوم ـ زاویه نقطه تلاقی مدار بیست و شش درجه و نصف‌النهار پنجاه وچهار درجه و بیست دقیقه .

چهارم ـ زاویه تقطه تلاقی مدار سی درجه و نصف‌النهار پنجاه وچهاردرجه و بیست دقیقه .

تمام خطوط نصف‌النهار نسبت به‌گرنویچ حساب شده و سمت مشرق‌آن واقع گردیده است .

نقشهٔ که طرفین امضاء نموده‌اند وپیوست قرارداداست حدود دوناحیه نامبرده دربالا را نشان میدهد .

ماده پنجم

الف ـ حداقل هزینهٔ که شرکت برای عملیات اکتشافی در ایران درمدت معین درماده (۱) اینقرارداد بمصرف خواهد رسانید مبلغ پانصد هزارفلورن میباشد و بشرح زیر تقسیم میشود :

۱ ـ درسال اول یکصد هزار فلورن .

۲ ـ درسال دوم دویست هزار فلورن .

۳ ـ درسال سوم دویست هزار فلورن .

وجوهی که بترتیب بالا برای اکتشاف اختصاص مییابد باید درموعد های معین ببانك ملی ایران سپرده شود .

برای سال اول درروز تصویب قرارداد .

برای سال دوم و سوم قبل از انقضاء سال اول ودوم .

شرکت حسابی در بانك ملی ایران باز خواهد کرد و برای هزینه عملیات اکتشافی ازوجوه نامبرده پرداخت خواهد نمود . هرگاه هزینه شرکت در هرسال ازحداقل مبلغ معین برای آن سال کمتر باشد مبلغی که خرج نشده بدولت تعلق خواهد گرفت مگر درموارد قهری که مستثنی‌است .

هرگاه هزینه شرکت درهرسال ازمبلغ معین برای آنسال تجاوز نماید مبلغی که اضافه خرج شده بحساب سال بعد منظور خواهد شد باین ترتیب که هزینهٔ که علاوه برمبلغ حد اقل خرج شده ازمبلغ معین برای سال بعد کسرخواهد گردید .

ب ـ شرکت حق خواهد داشت از تاریخ تصویب قرارداد درآخرهرسال با

اخطار کتبی یکماه قبل بدولت این قرارداد را ترك نماید .

ماده ششم

کلیه هزینه هائی که شرکت برای اکتشاف دو ناحیه خواهد نمود بین معادنی که شرکت کشف و امتیازاستخراج آنها را تحصیل نموده‌است به نسبت سطح حوزه های امتیازمعادن مزبور تقسیم میشود ولی حصه مربوط به هرحوزهٔ امتیاز هیچوقت از اصل سرمایه که جهة استخراج درآن حوزه بکارمیرود نباید زیادتر بحساب آید .

ماده هفتم

هرگاه شرکت دردوره اکتشاف که درماده (۱) این قرارداد معین شده معدنی کشف نمایدکه قابل استخراج تشخیص دهد باید فوراً مراتب را کتباً بضمیمه نقشهٔ که حدود حوزه معدن را معین کند باطلاع دولت برساند و رسید دریافت کند وتا مدت سه ماه از تاریخ این اطلاع حق انحصاری دارد که امتیاز استخراج آن معدن را درخواست نماید .

درصورتیکه مهلت سه ماه منقضی شود وشرکت تقاضای امتیازننماید دیگر هیچگونه حقی برای استخراج آن معدن نخواهد داشت و درهیچ مورد این مهلت سه ماه که برای درخواست امتیاز تعیین شده از انتهای مدتی که در ماده (۱) مقرر گردیده نباید تجاوز نماید .

ماده هشتم

الف ـ امتیاز استخراج هر معدنی را کـه شرکت طبق ماده (۷) درخواست کند باستثنای نفت طبق قرارداد نمونه که ضمیمه این قرارداد است درظرف دو ماه ازتاریخ دریافت درخواست شرکت بشرکت داده میشود .

هرگاه مدت دو ماه منقضی‌شود وازطرف دولت جواب داده نشود این‌سکوت بمنزله قبول خواهد بود و شرکت حق خواهد داشت باستخراج معدنی کـه امتیاز

آنرا درخواست کرده شروع و ادامه دهد و مطابق شرایط و مقررات قرارداد نمونه عمل نماید .

هر گاه جوابی که دولت میدهد منفی باشد این جواب باید مبتنی بر دلائلی بروفق شرایط ومقررات این قرارداد وقرارداد نمونهٔ استخراج باشد .

ب ـ امتیاز استخراج هرمعدن نفت که شرکت در ناحیه (۱) کشف نماید ممکن‌است بتوافق طرفین بر طبق یك قرارداد مخصوص جداگانه کـه بتصویب مجلس خواهد رسید بشرکت داده شود .

ج ـ هر گاه شرکت امتیاز استخراج معادنی را در دوناحیه درخواست کند که قبلا کشف شده این درخواست قبول خواهد شد مشروط براینکه شرکت هزینهٔ را که دولت برای اکتشاف آن معادن بمصرف رسانده بپردازد .

د ـ هر گاه شرکت در دوناحیه امتیاز بهره برداری معادنی را که از طرف دولت یابوسیله اشخاص استخراج شده باشند تقاضا کند امتیاز استخراج آن معادن طبق پیمان نمونه استخراج ممکن است داده شود مشروط براینکه شرکت رضایت استخراج کننده را تحصیل کند .

ه ـ ازتاریخ تصویب این قرارداد منتها تا دوماه فهرستی ازمعادن کشف شده یا معادنی که درحال استخراج میباشند با تعیین نام ومحل بشرکت داده میشود .

هرمعدنی‌را که شرکت تجسس و مطالعه نماید و جزو فهرست منظور نباشد جزو معادن کشف شده ازطرف شرکت محسوب خواهد گردید .

ماده نهم

امتیاز های مذکور در ماده (۷) ممکن است برحسب پیشنهاد شرکت و تصویب دولت بهرشرکت هلاندی یا ایرانی غیرتابع این شرکت اعطاء و یا انتقال

داده شود .

دولت درظرف دو ماه پس از تاریخ دریافت پیشنهاد کتبی به شرکت جواب خواهد داد .

ماده دهم

الف ـ شرکت و کارمندانش ازحمایت قانونی دولت بهره‌مند خواهند بود .

ب ـ دولت درحدود قوانین ومقررات کشورهر گونه تسهیلات ممکنه را برای عملیات شرکت درایران مبذول خواهد داشت .

ماده یازدهم

الف ـ هرزمین بایر بی‌ارزشی متعلق بدولت که برای مقاصد عمومی مورد احتیاج نباشد درصورتیکه شرکت آن زمین را برای عملیات خود درایران لازم داشته باشد مجاناً درطول مدت این قرارداد بشرکت واگذارخواهد شد .

ب ـ شرکت میتواند زمینهای دایرمتعلق بدولت ویا هرزمین متعلق باشخاص را که برای عملیات خود درایران لازم بداند مورد استفاده قراردهد لکن موظف است که رفع خسارت صاحبان اراضی را بطور عادلانه بنماید .

بها ویا میزان اجاره آن زمینها ازنرخ متعارفی زمینهائی که ازهمان نوع بوده وهمان مصرف را داشته و درهمان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز کند .

ماده دوازدهم

شرکت حق غیر انحصاری خواهد داشت که درکلیه زمین های بایر متعلق بدولت واقعه در دوناحیه برای مصرف عملیات شرکت ازهرنوع خاك وشن وسنگ آهك وگچ ومصالح ساختمانی دیگرمجاناً استفاده نماید . مسلم است که اگراستفاده ازمواد مذکورموجب ضرر اشخاص ثالثی باشد شرکت باید جبران خسارات صاحبان حقوق را بنماید .

ماده سیزدهم

الف ـ شرکت مجاز است که بدون تحصیل پروانه مخصوص آنچه را که منحصراً برای مصرف اعضاء و مستخدمین خود لازم دارد وارد نموده حقوق گمرکی و سایر حقوق و عوارض معمول زمان ورود را بپردازد .

شرکت اقدام ومراقبت لازم خواهد نمودکه کالاهائیرا که وارد مینماید باشخاص غیرمستخدم خودش فروخته نشود و واگذار نگردد .

ب ـ شرکت بدون تحصیل پروانه وبا معافیت از کلیه حقوق گمرکی وعوارض وهرنوع پرداخت دیگری بدولت وشهرداریها حق خواهد داشت آنچه را که منحصراً برای عملیات خود در ایران لازم دارد وارد نماید .

ج ـ کارمندان خارجی شرکت مجازاند مازاد ارزی را که بعنوان دستمزد دریافت داشته و درایران خرج نکرده‌اند با تصدیق شرکت از ایران صادر کنند .

د ـ عملیات شرکت از هرگونه مالیات مستقیم که درآتیه وضع شود معاف خواهد بود .

ماده چهاردهم

شرکت برای انجام عملیات اکتشافی خودکلیه وسایل معمول ومناسب را که مطابق با اصول علمی متداول باشد بکار خواهد برد .

ماده پانزدهم

طرفین قرارداد اعلام میدارند که اجرای این قرارداد مبنی براصول متقابل حسن نیت وصداقت و تفسیر معقول ومناسب این قرارداد خواهد بود .

شرکت تعهد مینمایدکه درهروقت وهرموقع حقوق وامتیازات ومنافع دولت را درنظرداشته وازهرعملی که اقدام آن ویا هرعملی که ترك آن موجب زیان دولت باشد احتراز نماید .

دولت این قرارداد را لغو نخواهد نمود ومقررات این قرارداد درآتیه بوسیله هیچ قانون عمومی یا خصوصی و یا هیچیك از مقررات اداری و یا اقدامات مقامات اجرائیه قابل تغییر نخواهد بود .

ماده شانزدهم

هر تخلف ویاقصوری‌ازطرف شرکت راجع باجرای‌تعهدات ومقررات وشرایط این قرارداد که ناشی از قوه قهریه باشد بدولت حق نخواهد داد شرکت را تعقیب و آنرا متخلف ازاین قرارداد محسوب دارد .

اجرای هریك ازمقررات این قرارداد که در اثرقوه قهریه بتأخیرافتد موجب این خواهد شد که مدتی مساوی مدت تأخیر بمدتی کـه برای اجرای تعهد شرکت طبق این قرارداد لازم است اضافه شود .

باوجود این بین‌طرفین مقرراست‌که تمدید مدت فقط درصورتی اعطاءِ خواهد شد که کلیه عملیات شرکت لااقل ۶۰ روز دراثرقوه قهریه متوقف مانده باشد و در هیچ حالتی این تمدید از آخر سال (پنجم) پس از تصویب قرار داد تجاوز نخواهد نمود .

اختلافات حاصله بین دولت و شرکت نسبت بمورد قوه قهریه بطریق داوری مذکور درماده (۱۷) فیصله خواهد یافت .

ماده هفدهم

الف ـ از هرقبیل اختلافات حاصل بین طرفین و مخصوصاً اختلافات ناشی از تعبیر مدلول این قرارداد وحقوق ومسئولیت های مقرره درآن وهمچنین هراختلاف نظردرمواردی‌که بموجب این قرارداد محتاج بتوافق نظرطرفین‌است بطریق داوری قطع وفصل خواهد شد .

ب - طرفی که تقاضای داوری میکند باید تقاضای خود را بطرف دیگر کتباً ابلاغ نماید . هر یك ازطرفین یك داورمعین نموده و دو داور قبل از شروع بداوری یك داور سوم انتخاب خواهند کرد هر گاه دو داور نتوانند در ظرف دو ماه نسبت بتعیین داور سوم توافق نظر حاصل نمایند داور مزبور را بتقاضای یکی از طرفین رئیس دیوان داوری دائمی بین‌المللی تعیین خواهد نمود چنانچه رئیس دیوان داوری دائمی بین‌المللی از حیث ملیت و تابعیت مطابق جزء (ج) حائز شرایط لازمه برای تعیین داور سوم نباشد داور سوم بوسیله نایب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد .

ج - داورسوم باید غیرازملیت ایرانی ویاهلاندی باشد بعلاوه ارتباط نزدیك نیز نه با ایران نه با هلاند از حیث تعلق بیکی از مستملکات یا ممالك تحت الحمایه و یا مستعمرات و ممالك تحت قیمومت و ممالکی که بوسیله یکی از دو کشور نامبرده دربالا اداره و یا اشغال شده و یا مثل اینکه در خدمت یکی از ممالك مزبور بوده یا میباشد نداشته باشد .

د - اگر یکی ازدوطرف شصت روز بعد ازوصول تقاضای داوری طرف مقابل داور خود را معین نکند و یاتعیین آنرا بطرف دیگر ابلاغ ننماید طرف مزبورحق خواهد داشت که از رئیس دیوان داوری دائمی بین‌المللی یا از نایب رئیس آن در موردیکه مطابق قسمت اخیر جزء (ب) پیش بینی گردیده تقاضا نماید که یك داور منفرد ذی صلاحیت مطابق مقررات مذکوردرفوق تعیین کند ودراینصورت اختلاف بوسیله داور منفرد قطع و فصل خواهد گردید .

ه - طرزداوری مطابق همان اصولی خواهد بود که درموقع داوری درديوان داوری دائمی بین المللی معمول و مجری است - وقت ومحل داوری را برحسب

مورد داور سوم یا داور منفرد مذکور درجزءِ (د) معین خواهد کرد .

و ـ رأی داوری مستند بر اصول قضائی مذکور در ماده (۳۸) اساسنامه دیوان داوری دائمی بین‌المللی بوده وقابل تجدید نظر نخواهد بود .

ز ـ هزینه داوری بنحویکه دررأی داوری معین میشود پرداخته خواهد شد .

ماده هیجدهم

منتهی درظرف شصت روز بعد از تاریخ تصویب شرکت باید اقامتگاه خود را در تهران معلوم و شخصی کـه سمت نمایندگی از طرف شرکت را خواهد داشت معین نماید .

ماده نوزدهم

قرارداد نمونه برای استخراج که دارای یك مقدمه تعریف اصطلاحات وبیست و نه ماده و ضمیمه این قرارداداست جزءِ لاینفك این قرارداد میباشد .

ماده بیستم

این قرارداد پس ازتصویب مجلس و توشیح آن ازطرف اعلیحضرت همـایون شاهنشاهی قابل اجراء میگردد .

قرارداد نمونه برای امتیاز استخراج معادن

مقدمه ـ تعریف اصطلاحات

بعضی اصطلاحات کـه در این قرارداد بکار برده میشود قطع نظر از هرمعنی دیگری که ممکن‌است درحال یا در آتیه درموارد دیگر داشته باشد در این قرارداد مطابق تعریفات زیرمعنی خواهد شد :

دولت

یعنی دولت شاهنشاهی ایران .

شرکت

یعنی (اسم شرکت گیرنده امتیاز) و تمام شرکتهای تابعه آن .

شرکت تابعه

یعنی شرکتی که شرکت دارنده امتیاز حق تعیین بیش از نصف مدیران آن را مستقیماً یا بطور غیرمستقیم داشته و یا بطور مستقیم و یا غیرمستقیم مالك مقداری ازسهام آن باشد که با آنمقدار سهم بیش از پنجاه در صد حق رأی در مجمع عمومی آن برای شرکت تعیین شده باشد .

حوزه امتیاز

یعنی مساحت معینه درماده (۲) این قرارداد .

عملیات شرکت در ایران

یعنی تمام عملیات صنعتی وبازرگانی وفنی که شرکت منحصراً برای اجرای این امتیاز انجام میدهد .

تاریخ امضاء

یعنی تاریخی که این قرارداد بامضای دولت و شرکت رسیده است .

سال و ماه

یعنی دورهائی از زمان که مطابق تقویم گره‌گورین سال و ماه گفته میشود .

تن

یعنی تن متری (یکهزار کیلو گرام) .

ماده یکم

دولت برای‌مدت شصت‌سال ازتاریخ‌امضاء این قرارداد حق‌انحصاری استخراج مواد معدنی : (اسم مواد معدنی نوشته شود) واقع درحوزه تعیین شده در ماده (۲) را بشرکت واگذار مینماید بعلاوه درتمام ایران حق غیر انحصاری حمل و فروش و بعمل آوردن مواد مستخرجه بهرطریقهٔ که صورت تجارتی پیدا کند وانبار کردن آنها درایران وصدور آنهارا ازایران بشرکت اعطاء میکند .

ماده دوم

حدود حوزه امتیاز ازاینقرار است : (مشخصات حدود در موقع امضای قرار

داد نوشته شود) حدود مزبور درنقشه‌پیوست این قرارداد که بامضای دوطرف رسیده رسم گردیده است .

ماده سوم

شرکت متعهد است که منتهی تاششماه پس از تاریخ امضاءعملیات استخراجی خود را شروع کند .

ماده چهارم

شرکت حق دارد عملیات استخراجی خود را بهر طریق و وسیله‌ای که مفید بداند انجام دهد ولی تعهد مینماید که توسعه عملیات استخراج را با جدیت وحسن نیت بدون وقفه غیرموجه ادامه دهد بقسمی که استفاده تجارتی ازمعادن ممکن گردد.

ماده پنجم

الف ـ هرگاه در حوزه امتیاز مواد معدنی دیگری پیدا شود شرکت بجز در مواردی که در بند (ب) این ماده پیش بینی شده است حق استخراج آنرا نداشته و نمیتواند اشخاص دیگر را از استخراج آن مواد مانع شود .

ب ـ هرگاه شرکت حین استخراج در حوزه امتیاز مواد معدنی پیدا کند که در این قرارداد تصریح نشده و استخراج آن مواد جداگانه ممکن نباشد و یا تولید اشکالاتی برای شرکت کند شرکت میتواند آن مواد را طبق شرایط مقرره در این قرارداد استخراج کند .

ماده ششم

۱ ـ شرکت از تمام درآمد سالیانه خود پس ازوضع مبالغ ذیل پنجاه‌درصد آنرا بعنوان حق‌الامتیاز سالیانه بدولت میپردازد .

الف ـ هزینه حقیقی استخراج و هزینه‌های اکتشافی که در مدت‌استخراج بمصرف میرساند .

ب ـ ذخیره برای تعمیر و تجدید اموال شرکت که فقط بمنظور اجرای این امتیاز بکار افتاده است و میزان آن مطابق با اصول متداول در صناعت خواهد بود .

ج ـ ذخیره استهلاك سرمایه معادل یك سی‌ام سرمایه بکار افتاده تا زمانیکه سرمایه مزبور کاملا مستهلك شود .

د ـ ارزش یك صدم مواد مستخرجه که بمالکین اراضی معدن طبق ماده (۱۱) قانون معادن مورخ ۱۶ بهمن ۱۳۱۷ پرداخته میشود .

۲ ـ سرمایه بکار افتاده عبارتست از سرمایه‌ایکه واقعاً برای عملی کردن امتیاز بکار انداخته شده است بعلاوه قسمتی از هزینه اکتشاف که طبق ماده (ششم) قرارداد اکتشاف باین امتیاز تعلق میگیرد ـ لکن بهرحال این قسمت از هزینه‌نباید زیادتر از مبلغ سرمایه که واقعاً برای عملی کردن این امتیاز بکار افتاده است بحساب آید .

میزان قطعی سرمایه‌ای که از طرف شرکت بکارافتاده ودراینماده ذکرشده است طبق دفاتر شرکت درموقعی که بهره‌برداری منظم و تجارتی شروع شده باشد تعیین میگردد .

۳ ـ وجوهی که طبق بند (۱) این ماده و ماده (۹) بدولت تعلق میگیرد در موقع تقسیم منافع بصاحبان سهام شرکت بدولت پرداخته خواهد شد .

٤ ـ هرگاه وجوهی که بدولت تعلق‌میگیرد اتفاقاً درموقع مقرردراین‌قرارداد از طرف شرکت پرداخته نشود برای مدت تأخیر از قرار صدی‌پنج درسال‌فرع‌وجوه مزبور را شرکت خواهد پرداخت بهرحال این تأخیر نباید ازشش‌ماه تجاوز کند .

ماده هفتم

دولت در هرموقع و در هر محل حق خواهد داشت دفاتر محاسباتی‌شرکت‌را بازرسی کند .

ماده هشتم

هرموقع سهامی از طرف شرکت در معرض فروش عمومی گذاشته شود اتباع ایران تا میزان ۴۹ درصد از جمع کل مبلغ سهام حق تقدم در خرید خواهند داشت و بدین‌منظور دفاتر فروش سهام قبل از سایر نقاط در تهران باز میشود و مدت آن فقط دو ماه است .

شرکت حق خواهد داشت پس از بسته شدن دفاتر فروش سهام در تهران سهام باقیمانده را که در ایران بفروش نرسیده بفروشد .

ماده نهم

شرکت درتمام مدت امتیاز برای عملیات خود در ایران از هر گونه مالیات و عوارضی بنفع دولت و شهرداریها که اکنون معمول است ویا درآینده وضع شود معاف بوده و در عوض هرسال مبلغی معادل ٤ در صد حق‌الامتیاز سالیانه دولت که طبق بند یك ماده (ششم) مقرراست بدولت میپردازد .

مسلم است مبلغی که طبق اینماده بدولت پرداخته میشود در جزء هزینه مذکور دربند یك (الف) ازماده (ششم) منظور نخواهد شد .

ماده دهم

الف ـ شرکت مجازاست که بدون تحصیل پروانه‌مخصوص آنچه را که منحصراً برای مصرف اعضاء ومستخدمین خود لازم دارد وارد نموده و حقوق گمرکی وسایر حقوق وعوارض زمان ورود را بپردازد .

شرکت مراقبت و اقدام خواهد نمود که کالاهائیرا که وارد مینماید باشخاص غیر ازمستخدمین خودش فروخته نشود ویا واگذار نگردد .

ب ـ شرکت بدون تحصیل پروانه مخصوص حق‌خواهد داشت که لوازم‌ومصالح وآلات پزشگی‌وجراحی وداروهائی‌را که برای بیمارستان ومطب‌های خود درایران

لازم دارد وارد نماید. اشیاء واجناس نامبرده ازپرداخت حقوق گمرکی وسایر حقوق و عوارض معمولی زمان ورود و هر گونه پرداخت دیگری بدولت و شهرداریها معاف خواهد بود.

ج ـ شرکت حق‌خواهد داشت بدون تحصیل پروانه وبا معافیت از کلیه حقوق گمرکی و عوارض و هر گونه پرداخت دیگری بدولت و شهرداریها آنچه را کـه منحصراً برای عملیات خود درایران لازم دارد وارد نماید.

د ـ صدور موادمعدنی ازپرداخت حقوق‌گمرکی وعوارض وهرگونه‌پرداخت دیگری بدولت وشهرداریها معاف خواهد بود.

ماده یازدهم

الف ـ هرزمین بایر و بی‌بها متعلق بدولت که شرکت برای عملیات خود در ایران لازم بداند واز برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد مجاناً برای‌مدت امتیاز بشرکت واگذار خواهد شد.

طریق بدست آوردن زمینهای نامبرده بترتیب ذیل خواهدبود:

هر وقت زمینی مورد احتیاج شرکت واقـع شود باید شرکت یك یـا چند نقشه از آن زمین برداشته با رنگ مشخص نموده بـدولت تسلیم نماید در صورتیکه دولت اعتراضی نداشته باشد درظرف سه ماه از تاریخ وصول تقاضای شرکت‌موافقت خودرا اظهار خواهد نمود.

ب ـ زمینهای قابل استفاده متعلق بدولت راکه شرکت احتیاج پیدا میکند طبق بند مذکور در فوق از دولت تقاضا خواهد کرد ودولت در صورتیکه احتیاجی یا اعتراضی نداشته باشد درظرف سه ماه موافقت خودرا نسبت بتقاضای شرکت دائر بفروش آن زمینها اشعار خواهد داشت.

بهای این زمینها را شرکت تأدیه خواهد کرد و این بها باید عادلانه بوده و نباید از بهای متعارفی زمینهای همان نوع وهمان مصرف ودرهمان حوزه تجاوز کند.

ج ـ درصورتیکه دولت در مقابل تقاضاهای پیش‌بینی شده در بند، های الف و ب این ماده جوابی ندهد پس از انقضاءِ دو ماه از تاریخ رسیدن تقاضا های مزبور شرکت تذکر نامه‌ای بدولت خواهد فرستاد چنانچه بتذکرنامه مزبورنیز درظرف یکماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود سکوت دولت بمنزله تصویب تلقی‌خواهد گردید.

د ـ زمینهائی‌که متعلق بدولت نبوده‌وبرای شرکت لازم باشد شرکت بتوسط دولت موافقت صاحبان زمینهای مزبور را جلب و آن زمینهارا تصرف خواهدنمود.

در صورت عدم موافقت در میزان بهاءِ دولت بصاحبان زمینهای مزبور اجازه نخواهد داد که بیش ازنرخ متعارفی زمینهای نزدیك ومشابه آن مطالبه نمایند.

هـ ـ بناهای تاریخی و محلهائی که جنبه تاریخی یا صنعتی دارند و همچنین توابع آنها تا دویست‌متر مسافت ازمقررات فوق مستثنی هستند.

و ـ شرکت‌حق غیرانحصاری‌خواهدداشت‌که فقط درحوزه امتیازاززمینهای غیرقابل استفاده متعلق بدولت برای مصرف عملیات خودازهرنوع خاك وشن‌وسنگ آهك وسنگ گچ ومصالح ساختمانی دیگر مجاناً استفاده نماید.

مسلم است کـه اگر استفاده از مواد نامبرده موجب ضرر اشخاص ثالث باشد بایدشرکت جبران خسارت صاحبان حقوق را بنماید.

همچنین مسلم است که خریدزمین بر طبق مفاد این ماده نباید بحقوق مالك خاص کـه در ماده (یازدهم) قانون معادن مورخ ۱۶ بهمن ۱۳۱۷ ذکـر شده است لطمه وارد سازد.

ز ـ هر اختلاف بین شرکت و مالك بتوسط دولت حل خواهدشد .

ماده دوازهم

شرکت راجع بعملیاتی که طبق این قرارداد درایران مینماید جیمع وسایل معمول و مناسب را طبق قواعد علمی متداول برای تأمین صرفه‌جوئی واستفاده کامل از عملیات خود و برای حفظ مخازن معدنی و استفاده از امتیاز خود بکارخواهدبرد.

ماده سیزدهم

شرکت مجبور نخواهد بود که ارز حاصل از فروش صادراتش را بپول ایرانی تبدیل کند .

بکارمندان خارجی شرکت نیز اجازه داده میشود مازاد ارزی را که بعنوان دستمزد دریافت داشته و در ایران خرج نکرده‌اند با تصدیق شرکت از ایران صادر کنند .

ماده چهاردهم

الف ـ شرکت هرششماه گزارشی راجع بکارهای خود در ایران بدولت در تهران خواهد داد . و نقشه‌جاتی کـه وضعیت استخراج معادن را تعیین کند ضمیمه گزارش خواهد نمود .

ب ـ شرکت تعهد مینماید هر موقع که نماینده دولت تقاضا کند در مدت مناسبی بهزینه خود رونوشتهای صحیح از تمام طرحها و نقشه‌ها و رسم ها و سایر مدارك و اسناد راجع بزمین پیمائی و زمین شناسی و حفاری مربوط به حوزه امتیاز را که دارا میباشد بدولت بدهد .

بعلاوه شرکت متعهد است درتمام مدت امتیاز کلیه اطلاعات مهم علمی وفنی را که در نتیجه عملیات خود در ایران بدست خواهد آورد بدولت تسلیم نماید .

تمام اسناد و مدارك مزبوررا دولت بعنوان محرمانه تلقی خواهد نمود .

ماده پانزدهم

شرکت بهزینه خود سازمان بهداری وتأسیسات بهداشت وبازرسی ونگاهداری آن را مطابق جدیدترین طریق بهداشت معمول در ایران در تمام اراضی و ابنیه و مساکن کارمندان خود و همچنین نسبت بکارگرانی که درحوزه امتیاز کار میکنند عهده دار میباشد .

ماده شانزدهم

شرکت با اجازه قبلی دولت حق تأسیسات ذیل را خواهد داشت :

۱ ـ ساختمان راه‌آهن . پل وجاده وهر گونه وسیله دیگرحمل ونقل‌همچنین سیم نقاله‌که برای حمل لوازم وحمل‌مواد مستخرجه ازمعدنهای خود لازم داشته باشد .

۲ ـ احداث تلفن ـ تلگراف یا تلگراف بی‌سیم .

هرگاه دولت بمنظور تأمین دفاع ملی یا درموقع پیش آمد های فوق‌العاده دیگری ضرورتاً از وسایل باربری و ارتباط شرکت استفاده کند خساراتی راکه از این حیث متوجه شرکت میگردد بطور عادلانه جبران خواهد نمود .

ماده هفدهم

الف ـ دولت حق دارد هرطور صلاح بداند عملیات فنی شرکت را در ایران بازرسی نموده و برای این منظور کارشناسان متخصص بگمارد .

ب ـ شرکت تمام مدارك علمی و فنی موجود خود وهمچنین وسایل ولوازم بازرسی را باختیار کارشناسان‌متخصص دولت خواهد گذارد بعلاوه متخصصین‌نامبرده حق خواهند داشت در تمام ادارات شرکت و در هرنقطه ایران هرگونه اطلاعی را ازشرکت بخواهند .

ماده هیجدهم

دولت حق تعیین یك نفر نماینده را خواهد داشت این نماینده مأمور دولت شاهنشاهی نامیده میشود وحقوق ذیل را دارا خواهد بود :

۱ ـ تمام اطلاعاتی که در حدود حق صاحبان سهام شرکت است از شرکت تحصیل نماید .

۲ ـ درتمام جلسات هیئت مدیره و کمیته‌های آن وتمام جلسات مجمع عمومی حضور بهمرساند .

۳ ـ هرموقع که لازم بداند تقاضا نماید برای مذاکره در مسائلی که دولت باو رجوع کرده‌است جلسات مخصوص هیئت مدیره تشکیل گردد جلسات مزبور در مدت سی روز بعد ازرسیدن تقاضای کتبی بشرکت باید تشکیل شود .

مأموردولت شاهنشاهی دارای همان حقوق ومزایای اعضاء هیئت مدیره خواهد بود که ازطرف شرکت داده میشود .

ماده نوزدهم

الف ـ شرکت وکارمندانش ازحمایت قانونی دولت بهره‌مند خواهند بود .

ب ـ دولت درحدود قوانین ومقررات کشورهرگونه تسهیلات ممکن را برای عملیات شرکت مبذول خواهد داشت .

ج ـ هرگاه دولت درحوزه امتیازباشخاص دیگرامتیازاتی برای بکار انداختن سایر معادن اعطاء کند آنهارا وادارخواهد نمود که احتیاطهای لازم را بعمل آورند تاعملیات آنها به عملیات و تأسیسات شرکت خسارتی وارد نسازد .

د ـ شرکت مکلف است نقاطی را که برای ساختن خانه وسایر بناها خطرناك

است تعیین کنند تا دولت اهالی را مسبوق وازسکونت در آن نقاط منع نماید .

ماده بیستم

طرفین تصدیق دارند و قبول مینمایند که مبنای اجرای این قرارداد حفظ منافع طرفین و رعایت حداکثر صرفه‌جوئی واستفاده ازتشکیلات و عملیات شرکت در ایران میباشد .

۲ ـ شرکت صنعتگران وکارمندان فنی و بازرگانی خود را تا اندازه‌ای که اشخاص با تجربه وصلاحیت دار درایران یافت میشود ازاتباع ایران انتخاب خواهد کرد کارمندان غیرفنی شرکت منحصراً از اتباع ایران خواهند بود .

ماده بیست و یکم

طرفین قرارداد اعلام میدارند که اجرای این قرارداد مبنی براصول متقابل حسن نیت وصداقت و تفسیر معقول و مناسب این قرارداد میباشد .

شرکت صریحاً تعهد مینماید که درهروقت و درهرموقع حقوق و امتیازات ومنافع دولت را درنظر داشته و از هرعملی که اقدام آن و یا هرعملی که ترك آن موجب زیان دولت باشد احتراز نماید .

این امتیاز را دولت جز درموارد مقرره درموارد ۲۳ و ۲۵ لغو نخواهد کردو مقررات آن در آتیه بوسیله هیچ قانون عمومی و خصوصی و هیچیك از مقررات اداری و یا اقدامات مقامات اجرائیه قابل تغییر نخواهد بود .

ماده بیست و دوم

۱ - **الف** ـ درمدت ده سال آخرامتیاز یا درفاصله ششماه پس از اطلاع قبلی که راجع بفسخ امتیاز مطابق ماده ۲٤ داده میشود شرکت جزبشرکتهای تابع خود

حق فروش یا انتقال یك یا عده از اموال غیرمنقول خود را که درایران واقع است ندارد درمدتهای نامبرده نیز شرکت حق انتقال وخارج کردن هیچ قسمتی ازاموال منقول خود را ندارد مگراینکه اشیاء مزبور ازحیز انتفاع افتاده باشد .

ب ـ درتمام مدت قبل از ده سال آخر امتیاز هیچ قطعه از زمین هائیرا که شرکت مجاناً ازدولت تحصیل کردهاست نمیتواند انتقال دهد وهمچنین هیچیك ازاموال منقول خود را نمیتواند از ایران خارج کند باستثنای آن چیزهائیکه دیگر برای عملیات شرکت در ایران مورد احتیاج نباشند .

۲ ـ در خاتمه امتیاز خواه بواسطه انقضای عادی مدت یا بهر نحو دیگر که پیش آید تمام دارائی شرکت در ایران بطور سالم و استفاده بدون هیچگونه هزینه و قیدی متعلق بدولت ایران میگردد .

۳ ـ جمله (تمام دارائی) شامل است تمام زمینها وبناها و کارخانهها وساختمانها وچاهها و اسکله ها و راهها و پلها و نقبهای فاضل آب و وسایل توزیع آب وماشین ها و کارخانه ها و ابزار و لوازم از هرقبیل و تمام وسائط نقلیه و ارتباط که هواپیما نیز جزو آن است و تمام اجناس انبار شده وهرچیز دیگریرا که شرکت در ایران برای اجرای این امتیاز بنحوی از آن استفاده مینماید .

ماده بیست و سوم

هرگاه در جریان بهره برداری بدلائلی شرکت بدولت ثابت کند که ادامه استخراج معدن مقرون بصرفه نبوده ویا مقدورنیست ممکن است بهره برداری موقتاً تعطیل شود .

درصورتیکه مدت تعطیل بهره برداری از سه سال متوالی تجاوزنماید شرکت

بایستی برای هر سال اضافی مبلغ سه در صد سرمایه بکار رفته را بـدولت بپردازد چنانچه استخراج معـدن بیش از پنج سال تعطیل شود دولت حق الغـای امتیاز را خواهد داشت .

ماده بیست وچهارم

شرکت حق خواهد داشت این امتیاز را فسخ نمایدبشرط آنکه شش ماه پیش بدولت اطلاع دهد .

ماده بیست و پنجم

هرگاه شرکت طبق مقـررات ماده (سوم) عمل ننمایـد دولت حق خواهد داشت نظر خودرا برای فسخ امتیاز بشرکت اخطار کند ودر صورتیکه شرکت در ظرف شش‌ماه پس‌از اخطاریه مزبور جبران قصور وتخلف را ننماید این امتیازملغی خواهدبود .

ماده بیست وششم

این امتیاز قبل از تاریخ انقضای مدت خاتمه نخواهد پـذیرفت مگر در موارد ذیل :

۱ ــ مورد پیش‌بینی شده درماده (۲۳)

۲ ــ مورد ترك قرارداد طبق ماده (۲٤)

۳ ــ مورد پیش بینی‌شده درماده (۲٥)

٤ ــ موردیکه دیوان داوری درنتیجه تخلف شرکت در اجرای مقررات این قرارداد ابطال آنرا اعلام بدارد .

تخلف بمعنی مذکور درفوق منحصر بموارد ذیل میباشد :

الف ــ هرگاه مبلغی کـه برحسب رأی دیوان داوری باید بدولت پرداخته

شود تا یکماه پس از تاریخ صدور رأی پرداخت نگردد .

ب ــ هر گاه بانحلال اختیاری و یا اجباری شرکت تصمیم گرفته شود .

ج ــ هر گاه ثابت شود شرکت برخلاف مصالح عالی کشور عمل کرده است .

درمورد سایر تخلفات که نسبت بمقررات این قرارداد از هریك ازطرفین ناشی شود دیوان داوری درجه مسئولیت واثرات مترتبه برآنرا تعیین خواهد نمود .

انتقال این امتیاز مطلقاً مشروط بتصویب دولت است و شرکت متعهد است نگذارد اکثریت سهام آن بدست غیر هلاندی ویاغیر ایرانی بیفتد .

هیئت مدیره شرکت باید همیشه مرکب ازهلاندی ویاایرانی باشد .

ماده بیست وهفتم

الف ــ از هرقبیل اختلافات حاصل بین طرفین و مخصوصاً اختلافات ناشی از تعبیر مدلول این قرارداد وحقوق وتعهدات مقرره درآن و همچنین هراختلاف نظر در مواردیکه بموجب این قراردادمحتاج بتوافق نظر طرفین‌است بطریق داوری‌قطع وفصل خواهد شد .

ب ــ طرفی که تقاضای داوری میکند باید تقاضای خودرا بطرف دیگر کتباً ابلاغ نماید هریك از طرفین یك داور معین نموده ودوداور قبل از شروع بداوری یك داور سیم انتخاب خواهند کرد . هر گاه این دو داور نتوانند در ظرف دو ماه نسبت بتعیین داور سیم توافق نظرحاصل‌نمایندداور مزبور را بتقاضای یکی‌ازطرفین رئیس دیـوان داوری دائمی بین المللی تعیین خواهد نمود چنانچه رئیس دیـوان داوری دائمی بین‌المللی ازحیث ملیت و تابعیت مطابق جزء (ج) حائز شرائط لازم

برای تعیین داور سوم نباشد داور سوم بوسیله نـایب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد .

ج ـ داور سیم باید غیرازملیت ایرانی ویاهلاندی باشد وبعلاوه ارتباط نزدیك نیز نه با ایران ونه باهلاند ازحیث تعلق بیکی ازمستملکات ویاممالك تحت الحمایه ویا مستعمرات ویاممالك تحت قیمومت وممالکی که بوسیله یکی ازدو کشورنامبرده در بالا اداره ویا اشغال شده ویامثل اینکه درخدمت یکی از ممالك مزبوره بوده و یا میباشد نداشته باشد .

د ـ اگر یکی از دوطرف شصت روز پس از وصول تقاضای داور طرف مقابل داور خودرا معین نکند ویاتعیین آنرا بطرف دیگر ابلاغ ننماید طرف مزبورحق خواهدداشت که ازرئیس دیوان داوری دائمی بین المللی یاازنایب رئیس درموردیکه مطابق قسمت اخیر جزء (ب) پیش بینی گردیده تقاضا نماید کـه یك داور منفرد صلاحیتدار مطابق مقررات نامبرده در بالا تعیین کند ودراینصورت اختلاف بوسیله داور منفرد قطع وفصل خواهد گردید .

هـ ـ طرز داوری مطابق اصولی خواهد بود که درموقع داوری درديوان داوری دائمی بین المللی معمول ومجری است .

وقت ومحل داوری را برحسب مورد داور سوم یاداور منفرد مذکور در جزء (د) معین خواهد کرد .

و ـ رأی داوری مستند براصول قضائی مذکور درماده (۳۸) اساسنامه دیوان داوری دائمی بین المللی بوده ورأی داوری قابل تجدیدنظر نخواهد بود .

ز ـ هزینه داوری بنحوی که دررأی داوری معین میشود پرداخت خواهدشد .

ماده بیست وهشتم

منتهی در ظرف شصت روز بعداز تاریخ امضاء شرکت باید اقامتگاه خود را درتهران معلوم وشخصی که سمت نمایندگی شرکت‌را خواهد داشت معین نماید .

ماده بیست ونهم

این قرارداد پس‌از امضای دولت وشرکت قابل اجراء میگردد .

اجازه انعقاد قرارداد اکتشاف واستخراج دوناحیه معینه که اولی مشتمل بر یك مقدمه برای تعریف اصطلاحات وبیست ماده ودومی مشتمل بریك مقدمه برای تعریف اصطلاحات و بیست و نه ماده است با شرکت هلاندی آلگمین اکسپلوراتی ماچاپای بشرح بالا درجلسه ۲۶ فروردین ماه ۱۳۱۸ داده شده است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

فهرست قسمت سوم - قرارداد ها و مقاوله نامه ها

قسمت سوم
قراردادها و مقاوله نامه‌ها

قانون

تصویب عهدنامه عدم تعرض بین دولت شاهنشاهي ایران ودولت پادشاهي افغانستان ودولت جمهوری ترکیه ودولت پادشاهی عراق

مصوب ۲۵ اسفند ماه ۱۳۱٦

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی عهدنامه عدم تعرض بین دولت شاهنشاهی ایران ودولت پادشاهی افغانستان و دولت جمهوری ترکیه و دولت پادشاهی عراق را که مشتمل برده ماده است و در تاریخ ۱۷ تیرماه ۱۳۱٦ مطابق ۸ ژویه ۱۹۳۷ در قصر سعدآباد بامضاء رسیده است تصویب مینماید.

این قانون که مشتمل بریك ماده ومتن عهدنامه پیوست است درجلسه بیست وپنجم اسفندماه یکهزار وسیصد وشانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

عهدنامه عدم تعرض

مقدمه

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

اعلیحضرت پادشاه افغانستان
اعلیحضرت ملك عراق
وحضرت رئیس جمهور ترکیه

نظر بتمایلی که درفراهم ساختن موجبات حفظ روابط ودادیه وحسن تفاهم بین خود باتمام وسائل موجوده خوددارند وبرای تأمین واستقرار صلح وامنیت درشرق نزدیك بوسیله تضمینات تکمیلیه در حدود میثاق جامعه ملل و برای کمك بصلح عمومی و برای ایفاء بوظایفی کـه بموجب عهدنامه تحریم جنگ مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸ پاریس و عهود دیگر که درآنها شرکت نموده‌اند متقبل شده‌اند وتماماً بـا میثاق جامعه ملل وعهدنامه تحریم جنگ موافقت دارد .

تصمیم نمودند کهاین عهدنامه را منعقد نمایند وبرای این منظور نمایندگان مختار خودرا بقرار ذیل :

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران : جناب آقای عنایت‌الله سمیعی وزیرامور خارجه ایران .

اعلیحضرت پادشاه افغانستان : جناب آقای فیض‌محمدخان وزیر امورخارجه افغانستان .

اعلیحضرت پادشاه عراق : جناب آقای دکتر ناجی الاصیل وزیرامورخارجه عراق.

حضرت رئیس جمهور ترکیه : جناب آقای دکتر توفیق رشدی اراس وزیر امورخارجه ترکیه .

تعیین نموده‌اند و مشارالیهم بعد از ارائه اختیارنامه های خود که بطور مرتب تنظیم شده بود در مقررات ذیل موافقت حاصل نمودند :

ماده ۱

دول متعاهد متعهد میشوند کـه سیاست عدم مداخله مطلق در امور داخلی یکدیگر را تعقیب نمایند .

ماده ۲

دول متعاهد معظمه صریحاً متقبل میشوند که مصونیت حدود مشترك یکدیگر را کاملاً محترم بشمارند .

ماده ۳

دول متعاهد معظمه موافقت مینمایند که در کلیه اختلافات بین المللی که با منافع مشترك آنها مربوط باشد با یکدیگر مشورت نمایند .

ماده ۴

هریك از دول متعاهد درمقابل یکدیگر متقبل میشوند که درهیچ موردخواه بتنهائی و خواه بمعیت یك یا چند دولت دیگر به هیچگونه عملیات متجاوزانه بر علیه یکدیگر مبادرت ننمایند .

عملیات ذیل تجاوز محسوب میشوند :

اول ــ اعلان جنگ .

دوم ــ تهاجم بوسیله قوای مسلح یك مملکت حتی بدون اعلان جنگ بخاك مملکت دیگر .

سوم ــ حمله بوسیله قوای بری و بحری یا هوائی حتی بدون اعلان جنگ بخاك یا بسفاین و یا بهواپیماهای مملکت دیگر .

چهارم ــ کمك یا همراهی مستقیم و یا غیرمستقیم به متجاوز .

عملیات ذیل تجاوز محسوب نخواهند شد :

۱ ــ اجرای حق دفاع مشروع یعنی مقاومت در مقابل یك اقدام متجاوزانه بطوری که فوقاً تعریف شد .

۲ ــ اقدام دراجرای ماده ۱۶ میثاق جامعه ملل .

۳ ــ اقدام در اثر تصمیم متخذه بتوسط مجمع عمومی یا شورای جامعه ملل یا

برای اجرای بند ۷ ماده (۱۵) میثاق جامعه ملل مشروط براینکه درمورد اخیر این اقدام برضد دولتی بعمل بیاید که بدواً مبادرت به تجاوز نموده باشد .

٤ ـ مساعدت بدولتی کـه مورد حمله و تهاجم یا اعلان جنگ یکی از دول متعاهد برخلاف مقررات عهدنامه تحریم جنگ مورخه ۲۷ اوت ۱۹۲۸پاریس‌واقع شده باشد .

ماده ۵

هر گاه یکی ازدول متعاهد معتقد شود که ماده چهارم این عهدنامه نقض و یا در شرف نقض می‌باشد بـلافاصله موضوع را در پیشگاه شورای جامعه ملل مطرح خواهد ساخت .

مقررات مذکوره درفوق لطمه ای بحق دولت مزبوردائرباتخاذ هر گونه‌رویهٔ که دراین موقع لازم بداند وارد نخواهد ساخت .

ماده ٦

هر گاه یکی از دول متعاهد برعلیه دولت ثالثی مبادرت به تجاوزنماید طرف دیگرمیتواند بدون اطلاع قبلی این عهدنامه رانسبت به متجاوزفسخ بنماید .

ماده ۷

هریك از دول متعاهد متقبل می‌شوند که درحدود سرحدات خود ازتشکیل ویا عملیات دستجات مسلح و از ایجاد هر گونه هیئت و یا تشکیلات دیگری برای تخریب مؤسسات موجوده ویا برای اختلال نظم و امنیت هر قسمتی از خاك متعاهد دیگر (سرحدی یا غیر سرحدی) و یا برای واژگون ساختن طرز حکومت طرف دیگر جلوگیری نمایند .

ماده ۸

نظربا ینکه دول متعاهد میثاق عمومی تحریم جنگ مورخه ۲۷اوت ۱۹۲۸

را برسمیت شناخته‌اند و بموجب میثاق مزبور تسویه یا حل هرگونه اختلاف یا تنازع (قطع نظر از کیفیت یا منشأ آن) که ممکن است بین آنها بروز نماید باید فقط بوسائل مسالمت آمیز بعمل آید این مقررات را تأیید نموده و اعلام میدارند که بهرطریق مسالمت آمیزی که برای این منظور فعلا بین دول متعاهد موجود و یا در آتیه موجود شود متوسل خواهند شد .

ماده ۹

هیچیك از مواد این عهد نامه نمیتواند بهیچوجه تعهداتی را که دول متعاهد بموجب میثاق جامعه ملل متقبل شده‌اند تضعیف نماید .

ماده ۱۰

این عهدنامه که بزبان فرانسه نوشته شده و در چهار نسخه بامضاء رسیده و هر یك از دول متعاهد دریافت یك نسخه آنرا اعتراف مینمایند برای مدت پنج سال منعقد میگردد .

در انقضاء این مدت عهدنامه مزبور بجز در موردیکه یکی از دول متعاهد با اطلاع قبلی شش ماه فسخ آنرا اعلام نماید برای پنج سال دیگر بخودی خود تجدید خواهد شد و این عمل مرتباً تکرار میشود تا آنکه یك یا چند دولت متعاهد فسخ آنرا با اطلاع قبلی ششماه اعلام دارند .

این عهدنامه درصورتی هم که بتوسط یکی ازدول متعاهد فسخ شود بین دول متعاهد دیگر معتبر خواهد بود .

این عهدنامه بتوسط هر یك ازدول متعاهد برطبق مقررات قانون اساسی آن مملکت بتصویب خواهد رسید و در جامعه ملل بتوسط رئیس دارالانشاء ثبت خواهد شد و از رئیس دارالانشاء تقاضا خواهد شد که آنرا باطلاع سایر دول عضو جامعه

برساند اسناد تصویب آن بتوسط هریك از دول متعاهد بدولت ایران تسلیم خواهد گردید بمحض اینکه اسناد تصویب از طرف دو دولت متعاهد تسلیم شد این عهدنامه بین آن دو دولت بموقع اجراء گذارده خواهد شد وراجع بدولت ثالث وقتی بموقع اجرا گذارده میشود که دولت مزبور اسناد تصویب آنرا تسلیم نماید و بهمین قسم در مورد دولت چهارم نیز رفتار خواهد شد بمحض تسلیم هریك ازاسناد تصویب مراتب بفوریت بتوسط دولت ایران بتمام امضاء کنندگان این عهدنامه اشعار خواهد شد.

در کاخ سعدآباد (طهران) ۱۷ تیر ماه ۱۳۱٦

عهدنامه‌عدم‌تعرض‌موسوم به پیمان‌سعدآباد منعقده‌بین دولت‌شاهنشاهی‌ایران و دولت افغانستان ودولت جمهوری ترکیه‌ودولت عراق بشرح بالا درجلسه۲۵اسفند ماه ۱۳۱٦ تصویب شده‌است.	رئیس مجلس شورای ملی ــ حسن اسفندیاری

قانون

تصویب عهدنامه سرحدی منعقده بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق

مصوب ۲۵ اسفند ماه ۱۳۱٦

ماده واحده ــ مجلس شورای ملی عهدنامه سرحدی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق راکه مشتمل بر شش مـاده و یك پرتکل است و در تاریخ سیزدهم تیر ماه ۱۳۱٦ مطابق چهارم ژویه ۱۹۳۷ درطهران بامضاء رسیده‌است تصویب مینماید.

این قانون که مشتمل بریك ماده و پیوست به متن عهدنامه سرحدی‌وپرتکل

آن است در جلسه بیست و پنجم اسفند ماه یکهزارو سیصدو شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

عهدنامه سرحدي بين كشور شاهنشاهی ایران وكشور پادشاهی عراق

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی ایران از یکطرف

و

اعلیحضرت پادشاهی عراق از طرف دیگر

نظر بمیلی که در تحکیم علائق مودت برادرانه و حسن موافقت بین دو کشور دارند و برای اینکه بطور قطع خاتمه بمسئله سرحدی بین مملکتین بدهند تصمیم بانعقاد این عهدنامه نموده و برای این منظور اختیار داران خود را بقرار ذیل معین نمودند :

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران : جناب آقای عنایت‌الله سمیعی وزیر امور خارجه ایران .

اعلیحضرت پادشاه عراق : جناب آقای دکتر ناجی الاصیل وزیر امور خارجه عراق .

مشارالیهما پس از مبادله اختیار نامه های خود که در کمال صحت و اعتبار بود در مراتب ذیل موافقت نمودند :

ماده ۱

طرفین معظمتین متعاهدتین موافقت دارند که اسناد ذیل باستثنای اصلاحی که در ماده (۲) این عهدنامه پیش‌بینی گردیده دارای اعتبار میباشد وطرفین موظف بمراعات آنها میباشند .

الف ــ پرتکل راجع بتحدید حدود ترکیه و ایران که در ٤ نوامبر ۱۹۱۳ در اسلامبول بامضاءِ رسیده است .

ب ـصورت مجلس‌های جلسات کمیسیون تحدید حدود سرحدی ١٩١٤ .

نظر بمقررات این ماده و باستثنای آنچه که در ماده ذیل پیش‌بینی گردیده خط سرحدی بین دو کشور بقراری است که از طرف کمیسیون مزبور تعیین و ترسیم شده است .

ماده ۲

خط سرحدی بجلوترین نقطه جزیره شطیط (تقریباً در ۳۰ جه و ۱۷ قه و ۲۵ ثیه از عرض شمالی و در ٤٨ جه و ۱۹ قه ۲۸ ثیه طول شرقی) رسیده بطور عمود از حد آبهای جزری بتالوك شط‌العرب ملحق میشود و تا نقطه واقعه درمقابل اسکله فعلی نمرهٔ یك آبادان (تقریباً در ۳۰ جه و ۲۰ قه ٨٫٤ ثیه عرض شمالی و ٤٨ جه و ١٦ قه و۱۳ ثیه طول شرقی) آنرا تعقیب مینماید . ازاین نقطه مجدداً خط سرحدی بسطح آبهای جزری متصل شده و خط سرحدی را بطوری که در صورت مجالس ١٩١٤ توصیف گردیده است پیروی مینمایند .

ماده ۳

بمحض امضاءِ این عهدنامه طرفین متعاهدین معظمین کمیسیونی برای نصب علائم سرحدی که محل آنها از طرف کمیسیون مذکوره در بند (ب) ماده اول این عهدنامه تعیین گردیده تشکیل میدهند و علائم جدیدی را که لازم بدانند نصب خواهند کرد .

ترکیب کمیسیون و پروگرام کارهای آن بوسیله موافقت مخصوصی بین طرفین متعاهدین تعیین خواهد گردید .

ماده ٤

از نقطه‌ای که حدود ارضی دولتین به شط‌العرب میرسد تا دریا مقررات ذیل نسبت بشط‌العرب اجراءِ خواهد گردید :

الف ـ شطالعرب بطور متساوی برای کشتی های تجارتی کلیه کشور ها باز خواهد بود .

کلیه عوارض مأخوذه جنبه حق الزحمه را داشته ومنحصراً بطورعادلانه بمصارف نگاهداری و قابل کشتی رانی بودن یا بهبودی راه کشتی رانی ومدخل شط ازطرف دریا تخصیص داده خواهد شد ؛ یا بمصارفی که مفید برای کشتی رانی است خواهد رسید . عوارض مذکوره براساس ظرفیت رسمی کشتی ها و یا آب خوری ویا توأماً هردو حساب خواهد شد .

ب ـ شطالعرب برای عبورناوهای جنگی وکشتی‌های دیگر طرفین که برای تجارت اختصاص ندارند بازخواهد بود .

ت ـ این موضوع که در شط العرب خط سرحدی گاهی حد آبهای جزری و گاهی تالوك ویا وسطالمیاه را تعقیب مینماید بهیچوجه بحق استفاده طرفین متعاهدین درتمام مجرای شطصدمه وارد نمیآورد .

(ماده ٥)

نظربا ینکه طرفین متعاهدین بطوریکه درماده ٤ این عهدنامه تصریح گردیده منافع مشترک که در کشتی رانی شطالعرب دارند متعهد میشوند قراردادی راجع به نگاهداری و بهبودی راه کشتی رانی و حفاری و راهنمائی و عوارضی که باید اخذ بشود و تدابیر صحی و اقداماتی که باید برای جلوگیری از قاچاق بشود و همچنین کلیه مسائل راجعه به بحرپیمائی درشطالعرب منعقد سازند بطوریکه درماده ٤ این عهدنامه تصریح گردیده است .

(ماده ٦)

این عهدنامه بتصویب رسیده و اسناد تصویب در بغداد در اسرع اوقات ممکنه مبادله خواهد شد عهدنامه مزبور از روز مبادله اسناد تصویب بموقع اجرا گذارده خواهد شد .

بناءً علیهذا نمایندگان طرفین متعاهدین این عهدنامه را امضاء نمودند .

درطهران بزبان عربی . فارسی وفرانسه تحریریافت ودرصورت بروزاختلافات متن فرانسه معتبر میباشد . بتاریخ سیزدهم تیرماه ۱۳۱۶ .

پروتکل

درحین امضاءِ عهدنامه راجع به‌تحدیدحدود بین ایران وعراق طرفین متعاهدین معظمین نسبت بمراتب ذیل توافق حاصل نمودند :

۱ ـ خطوط طول وعرض جغرافیائی که درماده دوم عهدنامه فوق‌الذکر تقریبی معین شده است بوسیله کمیسیون فنی که مرکب از اعضاء متساوی‌العده طرفین متعاهدین خواهد بود بنحو قطعی معلوم میگردد .

خطوط طول وعرض جغرافیائی که بدین طریق و درحدود ماده مزبوره فوق بطورقطعی معین گردیده دریك صورت جلسه قید وصورت جلسه مزبور پس‌از امضاء اعضاء کمیسیون فوق‌الذکر جزء لایتجزای عهد نامه تحدید حدود خواهد بود .

۲ ـ طرفین متعاهدین معظمین تعهد میکنند که درظرف یك سال از تاریخ اجرای عهدنامه قراردادی را که بموجب ماده پنج آن پیش بینی شده است منعقد سازند هرگاه با وجود بذل مساعی طرفین قرارداد مذکور در ظرف مدت یکسال بامضاءِ نرسید طرفین میتوانند این مدت را با موافقت یکدیگر تمدید نمایند درظرف مدت یکسال مذکور درقسمت اول این ماده وهمچنین درظرف مدتیکه تمدید بعمل میآید (اگر تمدید بعمل بیاید) دولت پادشاهی عراق اجرای تمام مسائل مربوط بقرارداد مزبوررا براساسیکه فعلامعمول‌است بعهده خواهدگرفت ودولت شاهنشاهی ایران را هر شش ماه یك مرتبه در جریان کارهائیکه انجام یافته و وجوهی که

گرفته شده ومخارجی که بعمل آمده و هر نوع اقدام دیگری که مجرا شده باشد خواهد گذاشت .

۳ ـ هرگاه یکی‌ازطرفین متعاهدین معظمین بیك ناوجنگی یا ناوهای دیگر دولتی که اختصاص بتجارت نیافته و متعلق بدولت ثالثی باشد اجازه دهد تا به بنادر خود واقعه در شط‌العرب وارد گردد . اجازه مزبور بمنزله آن خواهد بود که از ناحیه طرف دیگر صادر شده باشد تا ناو های مذکور بتوانند برای عبور از آبهای متعلق به طرف اخیرالذکر استفاده نمایند با این حال طرفی که چنین اجازهٔ صادر میکند باید فوراً طرف دیگر را مطلع سازد .

۴ ـ بدیهی‌است‌که بشرط رعایت حقوق ایران درشط العرب هیچیك ازمقررات این‌عهدنامه بحقوق ووظایفی که دولت عراق بموجب ماده ۴ عهدنامه ۳۰ ژوئن ۱۹۳۰ وفقره هفتم پروتکل منضمه آن مورخ بهمان تاریخ نسبت به شط‌العرب در مقابل دولت انگلیس دارد خللی وارد نخواهد آورد .

۵ ـ پروتکل‌حاضردرهمان موقعی که عهدنامه راجع به‌تحدید حدود بتصویب میرسد تصویب خواهد شد ومانند ضمیمه جزءِ لایتجزای عهدنامه مزبور خواهد بود و با خود عهدنامه بموقع اجرا درخواهد آمد ـ پروتکل حاضر بفارسی و عربی و فرانسه تحریر یافته و درموقع بروز اختلاف متن فرانسه معتبر خواهد بود .

در طهران در دو نسخه بتاریخ سیزدهم تیر ماه ۱۳۱۶ تحریر یافت .

عهدنامه سرحدی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق بشرح بالا در ۲۵ اسفند ماه ۱۳۱۶ تصویب شده است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

تصویب عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق

مصوب ۲۵ اسفند ماه ۱۳۱٦

ماده واحده - مجلس شورای ملی عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق را که مشتمل برچهار ماده است و درتاریخ ۲۷ تیرماه ۱۳۱٦ مطابق ۱۸ ژوئیه ۱۹۳۷ درتهران بامضاء رسیده تصویب مینماید.

این قانون که مشتمل بریك ماده و متن عهدنامه ضمیمه است درجلسه بیست و پنجم اسفند ماه یکهزار وسیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

***

عهدنامه مودت

بین

دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق

اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از یکطرف

و

اعلیحضرت پادشاه عراق از طرف دیگر

که هر دو با نهایت صداقت مایلند مناسبات دوستی صمیمانه که همواره بین کشور شاهنشاهی ایران و کشور پادشاهی عراق موجود بوده محکم تر گردد و یقین کامل دارند که تشیید روابط برادرانه براساس معامله متقابله و مساوات کامل موجب سعادت و رفاه دوملت ایران و عراق خواهد شد موافقت در انعقاد عهد نامه مودت نموده و برای این مقصود نمایندگان مختار خود را بقرار ذیل معین کردند:

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران
جناب آقای عنایت الله سمیعی وزیر امور خارجه ایران
اعلیحضرت پادشاه عراق
جناب آقای دکتر ناجی‌الاصیل وزیر امور خارجه عراق .

نمایندگان مختار مذکور پس ازمبادله اختیار نامه‌های خود که واجدشرایط صحت و اعتبار بود در موارد ذیل موافقت کردند :

ماده اول - بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق و همچنین بین اتباع دو کشور صلح دائمی ودوستی خلل ناپذیر برقرارخواهد بود .

ماده‌دوم - نمایندگان سیاسی و قنسولی هریك از دو دولت معظم متعاهد درخاك طرف دیگر بشرط رعایت کامل معامله متقابله از حقوق ومزایا و مصونیتها و معافیت هائی که بنمایندگان سیاسی و قنسولی دولت کاملة الوداد داده شده و بموجب اصول و معمول حقوق عمومی بین المللی مقرر گردیده‌است بهره‌مند خواهند شد .

ماده‌سوم - دو کشور معظم متعاهد موافقت دارند که پس ازتصویب عهدنامه حاضر و در اسرع اوقات عهدنامه‌ها و قراردادهای ذیل را منعقد سازند :

۱ - قراردادحسن‌همجواری‌وراجع‌بامنیت‌منطقه‌سرحدی‌وتسویه‌اختلافاتیکه در منطقه مذکور اتفاق میافتد .

۲ - عهدنامه استرداد مجرمین .

۳ - عهدنامه اقامت و تابعیت .

٤ - عهدنامه تجارتی .

٥ - قرارداد تعاون قضائی .

٦ ـ قرارداد کنسولی .

٧ ـ قرارداد راجع به پست و تلگراف .

ماده چهارم ـ این عهدنامه بتصویب خواهد رسید و اسناد تصویب در بغداد مبادله خواهدشد .

عهدنامه از تاریخ مبادله اسناد تصویب بموقع اجرا درخواهدآمد .

نظر بمراتب فوق نمایندگان مختار طرفین عهدنامه حاضر را امضاء نمودند در طهران دردو نسخه بزبانهای فارسی و عربی و فرانسه نوشته شده و درصورت بروز اختلاف متن فرانسه معتبر خواهدبود .

عهدنامه مودت بین دولت شاهنشاهی و دولت پادشاهی عراق بشرح بالا درجلسه ٢٥ اسفند ماه ١٣١٦ تصویب شده است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

تصویب عهدنامه تسویه مسالمت آمیز اختلافات بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق

مصوب ٢٥ اسفند ماه ١٣١٦

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی عهدنامه تسویه مسالمت آمیز اختلافات بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی عراق را که مشتمل بر ٢٤ ماده است و در تاریخ دوم امرداد ماه ١٣١٦ مطابق ٢٤ ژویه ١٩٣٧ در طهران بامضاءِ رسیده تصویب مینماید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده و متن عهدنامه پیوست است درجلسه بیست

و پنجم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس‌شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

☆☆☆

عهد نامه برای تصفیه مسالمت آمیز اختلافات

مقدمه

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

و

اعلیحضرت ملك عراق

نظر باحساسات مودت آمیز موجوده بین مملکتین

و نظر باینکه مایلند بوسائل مسالمت آمیز و در حدود میثاق جامعه ملل تصفیه هر گونه اختلافاتی که بین آنها بروز نماید تأمین نمایند . تصمیم بانعقاد عهد نامه بین خود گرفته و برای نیل باین منظور وزراء مختار خود را بطریق ذیل تعیین نمودند .

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

جناب آقای عنایت‌الله سمیعی وزیر امور خارجه ایران

اعلیحضرت ملك عراق

جناب آقای دکتر ناجی الاصیل وزیر امور خارجه عراق

مشارالیهما پس از ارائه اعتبارنامه‌های خود که با ترتیب لازم تنظیم گردیده بود در مراتب ذیل موافقت حاصل نمودند .

ماده اول

طرفین معظمتین‌متعاهدین متقبل میشوند که هر گونه اختلافاتی که بین آنها بروز نماید و تصفیه آن بوسائل معموله مذاکرات سیاسی ممکن‌نشود بترتیب تصفیه

مسالمت آمیز مقرره در این عهدنامه حل نمایند .

ماده ۲

۱ - کلیه اختلافات باستثنای موارد مقرره در بند سوم این ماده دائر بحقی که هریك از طرفین برای خود قائل‌شده و مورد موافقت طرف دیگر نیست بدیوان داوری دائمی بین‌المللی ارجاع خواهد شد .

مگر آنکه طرفین تصفیه آنرا بتوسط یك دیوان حکمیتی که ذیلاً پیش‌بینی شده است ترجیح دهند .

۲ - بدیهی‌است که اختلافات فوق‌الذکر عبارتند ازاختلافاتیکه مخصوصاً در ماده ۳۶ نظامنامه دیوان داوری بین‌المللی تصریح شده‌است .

۳ - بند اول این ماده شامل اختلافات ذیل نخواهد شد :

الف - اختلافاتی که قبل از اجرای این عهد نامه بروز نموده و یا اختلافاتی که راجع است بوضعیات و مسائل موجوده قبل از اجرای این عهدنامه .

ب - اختلافات راجع بمسائلیکه حقوق‌بین‌الملل تصفیه‌آنرا درصلاحیت مانعهٔ للغیر یکی از طرفین معظمین متعاهدین قرار میدهد .

ج - اختلافات راجع بوضعیت ارضی یکی ازطرفین متعاهدین .

ماده ۳

در صورتیکه بین طرفین موافقت حاصل شود که یکی از اختلافات مذکوره در بند اول ماده قبل را بیك دیوان حکمیت ارجاع نمایند موافقت نامه مخصوصی تنظیم و در آن موضوع اختلاف و حکمهائی که انتخاب شده و طریقه اجرای حکمیت را اجرا خواهند نمود .

هرگاه در موافقت‌نامه مخصوصی مراتب بطور کافی تصریح نشده باشد مقررات معاهده لایحه مورخه۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ برای‌تصفیه مسالمت‌آمیز اختلافات بین‌المللی

درموارد لازم اعمال خواهد شد وهر گاه موافقت نامه مزبور درخصوص قواعد راجعه باصل اختلاف کـه حکم ها باید مراعات نمایند ساکت باشد محکمه قواعد اساسی مصرحه درماده ۳۸ اساسنامه دیوان داوری بین المللی را بموقع اجراخواهد گذاشت .

ماده ۴

هر گاه طرفین متعاهدین راجع بموافقت نامه مخصوص مقرره در مـاده سابق موافقت حاصل ننمودند و یا اینکه نتوانستند حکم ها را تعیین نمایند هریك از طرفین میتوانند بعد از یك اخطار قبلی سه ماهه اختلاف را بموجب تقاضای مستقیم بدیوان دائمی داوری بین المللی ارجاع سازند .

ماده ۵

۱ ـ درمورد اختلاف مذکوره درماده ۲ بند اول طرفین میتوانند قبل از هر اقدامی درپیشگاه دیوان دائمی داوری بین المللی یا قبل ازمبادرت به هر گونه اقدام برای ارجاع امر بحکمیت برای تصفیه موضوع به ترتیب اصلاح ذات البین مقرره در این عهد نامه متوسل شوند .

۲ ـ درصورت مبادرت باصلاح ذات البین وعدم موفقیت بآن هیچیك ازطرفین نمیتوانند قبل از انقضاء یکماه از تاریخ اختتام عملیات کمیسیون اصلاح ذات البین موضوع را به پیشگاه دیوان داوری بین المللی برده ویا تقاضای تشکیل دیوان حکمیت مقرره در ماده ۳ را بنمایند .

ماده ۶

هر گونه اختلافی که تصفیه آن بموجب مقررات این عهدنامه بوسیله تصمیم قضائی یا حکمیت مقدور نباشد بطریقه اصلاح ذات البین حل خواهد گردید .

ماده ۷

اختلافات مذکوره درماده قبل بیك کمیسیون اصلاح ذات البین که بتوسط

طرفین متعاهدین بطریقی که ذیلا پیش بینی شده است تشکیل میشود مراجعه خواهد گردید .

ماده ۸

درصورت بروز اختلافات بین طرفین یك کمیسیون اصلاح ذات‌البین سه ماه بعدازتاریخ ابلاغ تقاضای یکی‌ازطرفین برای انعقادآن بطرف دیگربجهت رسیدگی باختلاف مزبور منعقد خواهد گردید کمیسیون اصلاح ذات‌البین بجزدرمواردی که طرفین ذیعلاقه تصمیم دیگری اتخاذ نمایند بطریق ذیل منعقد خواهد شد :

۱ - کمیسیون مرکب از پنج عضو خواهد بود هریك ازطرفین یك کمیسر که ممکن است از اتباع خود آن دولت باشد تعیین مینمایند و سه کمیسر دیگر با موافقت طرفین از اتباع دول ثالث انتخاب خواهد شد .

کمیسرها رئیس کمیسیون را انتخاب خواهند نمود .

۲ - هرگاه محل یکی‌از کمیسرها در اثرفوت یا استعفا یاعلت دیگری‌خالی شود در اسرع اوقات ممکنه بطریقیکه برای انتصاب کمیسرها پیش بینی شده است کمیسر دیگر انتخاب خواهد شد .

ماده ۹

هرگاه‌انتصاب کمیسرهائی که باید از اتباع دول ثالث انتخاب شوند در مدت مقرره درماده ۸ بعمل نیاید رئیس‌متصدی‌شورای جامعه ملل به تقاضای یکی‌ازطرفین مبادرت بانتخاب کمیسر مزبور خواهد نمود .

ماده ۱۰

کمیسیون اصلاح ذات‌البین دراثر تقاضائی‌که یکی ازطرفین با موافقت طرف دیگر از رئیس‌آن نموده و یا در صورت عدم توافق تقاضای مزبور را یکی ازطرفین مستقلا از او نموده باشد رسیدگی بامر را عهده دار میشود .

۲ - تقاضای مزبور پس از آنکه بطور اختصار موضوع اختلاف را شرح میدهد کمیسیون را دعوت خواهد نمود که بهرگونه اقدامی که برای تصفیه دوستانه موضوع صلاح میداند مبادرت نماید .

۳ - درصورتیکه تقاضا از جانب یکی ازطرفین صادر شده باشد باید بفوریت تقاضای مزبور را بطرف دیگر نیزاشعار دارد .

ماده ۱۱

۱ - کمیسیون اصلاح ذات‌البین بجزدرمواردیکه طرفین طور دیگرموافقت حاصل کنند درمحلیکه رئیس آن معین نماید منعقد خواهد شد .

۲ - کمیسیون میتواند در هرموقع از رئیس دارالانشاء جامعه ملل خواهش نماید که دراجرای مأموریت آن بوی مساعدت نماید .

ماده ۱۲

عملیات کمیسیون اصلاح ذات‌البین منتشر نخواهد شد مگر بموجب تصمیم کمیسیون و با رضایت طرفین متعاهدین .

ماده ۱۳

۱ - درصورتیکه طریقه دیگر مقرر نشده باشد کمیسیون اصلاح ذات‌البین طرزاجرای عملیات خودرا رأساً مرتب خواهد نمود وطرزعملیات مزبورباید طوری باشد که اظهارات هریك ازطرفین اصغاء شود .

۲ - نمایندگی طرفین متعاهدین در کمیسیون اصلاح ذات‌البین بتوسط مأمورینی که واسط بین آنها وکمیسیون خواهند بود بعمل خواهد آمد علاوه براین طرفین میتوانند بکمك و مساعدت مستشاران و متخصصین که برای اینکار تعیین نموده‌اند متوسل شده و اصغای اظهارات هرکسی راکه شهادت آن بنظر آنها مفید میآید تقاضا نماید .

۳ ـ کمیسیون میتواند توضیحات شفاهی ازمأمورین ومستشاران ومتخصصین طرفین و ازکلیه اشخاصی که با رضایت دول متبوعه آنها احضار آنها را مفید بداند تقاضا نماید .

ماده ۱۴

تصمیمات کمیسیون اصلاح ذات‌البین جز درمواردی که طرفین متعاهدین بطریق دیگر موافقت نمایند که با کثریت آراءِ اتخاذ خواهد شد و کمیسیون نمیتواند راجع به اصل اختلاف اظهار نظر نماید مگر آنکه کلیه اعضاءِ آن حاضر باشند .

ماده ۱۵

طرفین متعهد میشوند که عملیات کمیسیون اصلاح ذات‌البین را تسهیل نموده ومخصوصاً هرقدر بیشتر ممکن است اسناد واطلاعات مفیده را در دسترس آن بگذارند وبرای آنکه کمیسیون بتواند درخاك طرفین وبرطبق قوانین آنها باحضار و اصغاء شهود یا متخصصین و یا معاینه محلی اقدام نماید هرگونه وسائلیکه برای طرفین ممکن شود جهت کمیسیون فراهم نماید .

ماده ۱۶

درمدت عملیات کمیسیون هر یك از اعضای آن که از اتباع دول ثالث بوده باشند فوق‌العادهٔ که مبلغ آن با موافقت طرفین متعاهدین معین خواهد شد دریافت خواهند نمود وهریك ازطرفین نصف مبلغ مزبور را تأدیه مینماید .

پرداخت کلیه مخارجی که برای اجرای عملیات کمیسیون مصرف خواهد شد بهمین طریق بین طرفین متعاهدین تقسیم خواهد گردید .

ماده ۱۷

۱ ـ وظیفه کمیسیون اصلاح ذات‌البین روشن ساختن مسائل متنازعٌ فیه و جمع آوری کلیه اطلاعات مفیده برای اینکار بوسیله تحقیقات و یا وسائل دیگر و مجاهدت برای اصلاح طرفین خواهد بود .

پس از رسیدگی بامر کمیسیون میتواند به طرفین متعاهدین مواد تصفیه که بنظر آن مناسب میآید ابلاغ وضرب الاجلی برای اظهار نظر طرفین معین نماید .

۲ـ درخاتمه عملیات خود کمیسیون صورت مجلسی بمقتضای مورد تهیه خواهد نمود درصورت مجلس مزبور موافقت طرفین و درصورت لزوم شرایط تصفیه امر و یا عدم موافقت آنها قید خواهد شد .

۳ ـ بجز در مواردی که طرفین بطریق دیگری موافقت نمایند عملیات کمیسیون بایستی شش ماه بعد از روزی که تصفیه اختلاف بآن مراجعه شده است خاتمه پیدا نماید .

ماده ۱۸

هر گاه بعدازاختتام عملیات کمیسیون اصلاح ذات البین تامدت یکماه طرفین بوسیله دیگری جهت تصفیه مسالمت آمیز موافقت حاصل نکنند اختلاف مزبور مشمول مقررات ماده ۱۵ اساسنامه جامعه ملل خواهد گردید .

این ماده شامل موارد مذکوره درماده پنج این عهدنامه نخواهد شد .

ماده ۱۹

طرفین متعهد میشوند که از هر گونه اقدامی که ممکن است بالنتیجه اسباب مزاحمت اجرای تصمیم قضائی وحکمیت وترتیب پیشنهادی کمیسیون اصلاح ذات البین یا شورای جامعه ملل وافراهم سازد خودداری نمایند وبطور کلی مبادرت بهراقدامی که اختلافات موجوده را سخت تر ساخته ویا آنرا توسعه دهد ننمایند .

ماده ۲۰

۱ ـ مقررات این عهدنامه بین طرفین متعاهدین درصورتی هم که دولت ثالثی دراختلاف موجوده بین طرفین ذینفع باشد مجری ومرعی خواهد بود .

۲ـ طرفین میتوانند باموافقت یکدیگر دولت ثالث فوق الذکر رادعوت نمایند که دراصلاح ذات البین یا حکمیت دخالت نماید .

ماده ۲۱

اختلافات راجع به تفسیر یا اعمال این عهدنامه هم چنین اختلافات راجع به تعریف اختلاف و یا مفهوم و توسعه مستثنیات بدیوان دائمی داوری بین‌المللی ارجاع خواهد شد.

ماده ۲۲

هیچیك از مقررات این عهدنامه را نمیتوان طوری توجیه نمود که لطمهٔ بحقوق طرفین متعاهدین دراستمداد ازشورای جامعه ملل در حدود میثاق جامعه و یا این عهدنامه وارد سازد.

ماده ۲۳

۱ ـ این عهدنامه به تصویب خواهد رسید واسناد مصدق آن هرچه زودتردر بغداد مبادله خواهد شد.

۲ ـ این عهدنامه بفوریت بعداز مبادله اسناد مصدق مجری خواهد گردید.

۳ ـ این عهدنامه در جامعه ملل بتوسط رئیس دارالانشاء ثبت و از مشارالیه تقاضا خواهد شد که این موضوع را به اطلاع کلیه ممالك عضو جامعه ملل و ممالك دیگر برساند.

ماده ۲۴

۱ ـ این عهدنامه برای مدت پنجسال ازتاریخ اجرای آن منعقد میشود.

۲ ـ هرگاه لااقل شش ماه قبل ازانقضاء مدت مزبور فسخ آن اعلام نگردید برای مدت پنجسال دیگر نیز بقوت خود باقی خواهد ماند وقس علیهذا.

۳ ـ در صورتی هم که یکی از طرفین متعاهدین باعلام فسخ این عهدنامه مبادرت نماید هرگونه مراسمی که برای تسویه اختلاف درموقع انقضاء این‌عهدنامه شروع شده باشد تا اختتام طبیعی خود ادامه خواهد نمود.

درطهران در دونسخه بزبان فرانسه نوشته شد .

بتاریخ ۲۲ ژویه ۱۹۳۷

صورت مجلس امضاء

درموقع انعقاد عهدنامه تصفیه مسالمت آمیز اختلافات بین کشور شاهنشاهی ایران و کشور پادشاهی عراق نمایندگان مختار طرفین موافقت نمودند که همان‌متن عهدنامه مذکور را که درتاریخ ۲۲ ژویه ۱۹۳۷ پاراف شده است امضاء نمایند .

طهران ٢٤ ژویه ۱۹۳۷

امضاء ــ سمیعی وزیر امورخارجه ایران .

امضاء ــ وزیر امورخارجه عراق .

عهدنامه تسویه مسالمت‌آمیز اختلافات بین دولت شاهنشاهی ایـران و دولت پادشاهی عراق بشرح بالا درجلسه ۲۵ اسفندماه ۱۳۱٦تصویب شده است .

رئیس مجلس شورای ملی ــ حسن اسفندیاری

قانون

تصویب عهدنامه مودت وحکمیت بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی مجارستان

مصوب ۲۵ اسفند ماه ۱۳۱٦

ماده‌واحده ــ مجلس شورای ملی عهد نامــه مودت و حکمیت بیــن دولت شاهنشاهی ایرای ودولت پادشاهی مجارستان راکه مشتمل بر پنج ماده ویك پرتکل اختتامیه است و در تاریخ ۱۸ دسامبر ۱۹۳۷ مطابق ۲۷ آذرمــاه ۱۳۱٦ در طهران

بامضاء رسیده تصویب مینماید .

این قانون که مشتمل بریك ماده ومتن عهدنامه ضمیمه و پروتکل اختتامیه آن است درجلسه بیست وپنجم اسفندماه یکهزار و سیصد وشانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

***

عهدنامه مودت وحکمیت

بین

دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی مجارستان

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

و

والا حضرت نایب السلطنه مجارستان

نظر باینکه مایلند روابط مودت قدیمی‌را بین دو کشور تحکیم نمایندتصمیم بانعقاد عهدنامه مودت وحکمیت نموده وبرای‌این مقصود اختیارداران خودرا بقرار ذیل تعیین نمودند :

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران .

جناب آقای عنایت‌الله سمیعی وزیر امورخارجه ایران .

والاحضرت نایب‌السلطنه مجارستان

جناب آقای‌زلتان دوماریباچی دومار کوس وباتیز فالوا نماینده فوق‌العاده و وزیرمختار دولت پادشاهی مجارستان مشارالیهما بعدازمبادله اختیار نامه‌های خودکه در کمال صحت واعتبار بود درمقررات ذیل موافقت حاصل نمودند :

ماده۱ ـ بین دولتین ایران و مجارستان و اتباع آنها صلح خلل ناپذیر و دوستی صمیمانه و دائم برقرار خواهد بود.

ماده۲ ـ دولتین متعاهدتین موافقت دارند که روابط سیاسی و قونسولی خودرا بر طبق اصول عمومی بین‌المللی ادامه دهند ونیز موافقت دارند که نمایندگان سیاسی و قونسولی هریك از طرفین متعاهدین در خاك طرف متعاهد دیگر بشرط معامله متقابله از معاملهٔ که بموجب حقوق عمومی بین‌المللی مقرروبهیچوجه مادون رفتار معموله نسبت به نمایندگان سیاسی و قونسولی دولت کاملةالوداد نخواهد بود بهره‌مند شوند.

ماده۳ ـ دولتین متعاهدتین موافقت دارند روابط قونسولی و تجارتی و گمرکی وبحرپیمائی بین‌دو کشور ونیز شرایط اقامت وتوقف اتباع خودرا درخاك یکدیگر بموجب قراردادهائی بر طبق اصول و معمول حقوق بین‌المللی و بر روی اساس مساوات و معامله متقابله کامل تنظیم نمایند.

ماده۴ ـ دولتین متعاهدتین موافقت دارند کلیه اختلافاتی را که بین آنها درموضوع اجراء یا تفسیر مقررات کلیه عهود و قراردادهائیکه منعقد شده یادرآتیه منعقد گردد و منجمله راجع بهمین‌عهدنامه بظهور میرسدوبطریق دوستانه ازمجرای عادی سیاسی در مدت متناسبی تسویه نشود به‌حکمیت رجوع نمایند این‌ترتیب در صورت لزوم برای تشخیص اینکه‌آیا اختلاف مربوط‌به تفسیر یا راجع باجرای‌عهود و قراردادهای نامبرده میباشد نیز عمل خواهد گردید ـ حکم محکمه حکمیت‌الزام آوراست برای هر قضیه متنازع فیها محکمه حکمیت بنا بتقاضای یکی از دولتین متعاهدتین و بترتیب ذیل تشکیل خواهد یافت. هر یك از دولتین متعاهدتین در ظرف سه ماه از تاریخ تسلیم تقاضانامه حکم خود را که ممکن است از اتباع کشور ثالثی هم انتخاب گردد تعیین خواهد نمود.

چنانچه دولتین در ظرف مدت سه‌ماه از تاریخ تسلیم تقاضا نامه راجع بمدتی که در ظرف آن حکمین میبایستی حکم خودرا صادر کنند موافقت‌حاصل ننمایند ویا نتوانند بتسویه اختلاف در ظرف مدتی که برای آنها معین گردیده نایل شوند دولتین یکنفر از اتباع دولت ثالثی را بعنوان حکم ثالث انتخاب خواهند نمود .

چنانچه دولتین در ظرف مدت دو ماه ازتاریخ تقاضای تعیین‌حکم ثالث راجع بانتخاب او موافقت حاصل ننمایند دولتین نامبرده مشترکا یا درصورتیکه درظرف مدت دو ماه بعد از آن هم تقاضای مشترکی از طرف آنها به عمل نیاید هر یك از آنها که زودتراقدام کند ازرئیس دیوان دائمی داوری بین‌المللی لاهه تقاضا خواهد نمود حکم ثالث را ازبین اتباع دولت ثالثی انتخاب‌نماید با موافقت طرفین ممکن‌است صورتی از ممالك ثالثی که رئیس دیوان دائمی داوری بین المللی باید حکم ثالث را منحصراً ازآنها انتخاب نماید بمشارالیه تسلیم گردد .

طرفین میتوانند راجع بشخص حکم ثالث قبلا برای مدت معینی قراری بین خود بدهند طرزعملی که حکمین باید اتخاذ‌نمایند اگر بوسیله قرار مخصوصی بین دولتین معین نشده و درمدتی که از موقع تعیین حکم‌ها تجاوز نکند منعقد نشده باشد بوسیله خود حکمین تعیین خواهد گردید .

هر گاه تعیین یك نفر حکم ثالث لازم گردد و بین دولتین متعاهدتین راجع به‌طرزعملی که بعدازتعیین حکم مزبورباید تعقیب شود قراری داده نشده‌باشدحکم ثالث با دوحکم اولی‌تشکیل‌محکمه حکمیت‌داده وطرز عمل خودشان را معین‌نموده اختلاف را تسویه خواهند کرد کلیه تصمیمات محکمه باکثریت آراء اتخاذ خواهد گردید .

ماده ۵ ـ این‌عهدنامه به‌تصویب رسیده ومبادله نسخ‌مصوبه‌آن دراسرع‌اوقات

ممکنه بعمل خواهد آمد عهدنامه مزبور بعد از مبادله نسخ مصوبه بموقع اجراء گذارده خواهد شد.

بنابراین نمایندگان مختار طرفین این عهدنامه را امضاء و بمهر خود رسانیده‌اند در دو نسخه درطهران نوشته شد ۱۸ دسامبر ۱۹۳۷

پروتکل اختتامیه

درموقع امضای عهدنامه مودت وحکمیت منعقده امروز بین ایران ومجارستان اختیار داران امضاء کننده اظهار ذیل را که جزء لایتجزای عهدنامه میباشد نمودند.

دولتین متعاهدتین این حق را برای خود محفوظ میدارند که مقررات ماده ۴ عهدنامه مودت و حکمیت را تا ده سال بعد از تاریخ مبادله نسخ مصوبه آن مورد تجدید نظر قرار بدهند. طهران ۱۸ دسامبر ۱۹۳۷

عهدنامه مودت وحکمیت بین دولت شاهنشاهی ایران ودولت پادشاهی مجارستان بشرح بالا درجلسه ۲۵ اسفند ماه ۱۳۱۶ تصویب شده است.

رئیس مجلس شورای ملی – حسن اسفندیاری

قانون

اجازه الحاق دولت شاهنشاهی بمقررات مربوط به عملیات زیردریائی ها درموقع جنگ

مصوب ۱۱ دیماه ۱۳۱۷

ماده واحده – مجلس شورای ملی الحاق دولت شاهنشاهی را بمقررات مربوط بعملیات زیردریائی ها درباره کشتی های بازرگانی درموقع جنگ مندرجه در

صورت مجلسی که در ۱۵ آبان ۱۳۱۵ (٦ نوامبر ۱۹۳٦) درلندن امضاء شده تصویب مینماید .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه یازدهم دیماه یکهزاروسیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

تصویب عهدنامه بین دولت شاهنشاهی ایران ودولت جمهوری متحده مکزیك

مصوب ۱۱ دیماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی عهدنامه دوستی بین دولت شاهنشاهی ایران، ودولت جمهوری متحده مکزیك را که مشتمل برپنج ماده ودرتاریخ چهارم فروردین ۱۳۱٦ شمسی هجری مطابق ۲٤ مارس ۱۹۳۷ میلادی بامضاءِ رسیده تصویب مینماید.

این قانون که مشتمل بریك ماده ومتن عهدنامه پیوست است درجلسه یازدهم دیماه یکهزارو سیصد وهفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

عهدنامه مودت

بین

دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوري متحده مکزیك

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

و

حضرت رئیس جمهوری کشور متحده مکزیك

نظر بمیلی که بحفظ روابط مودت موجوده بین دو کشور دارند تصمیم به تشیید روابط نامبرده بوسیله انعقاد عهد نامه مودت نموده واختیارداران خود را برای این مقصود بقرار زیر تعیین نمودند :

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

جناب نادر آراسته

مأمورفوق‌العاده ووزیر مختارخودشانرا درکشور آمریکای جنوبی مقیم آرژانتین

و

حضرت رئیس جمهوری کشور متحده مکزیك

جناب الفونسورژس

سفیر کبیر فوق‌العاده ومختار کشور متحده مکزیك در آرژانتین

مشارالیهما بعد ازمبادله اختیارنامه های خود که در کمال صحت و اعتباربود درمقررات زیرموافقت حاصل نمودند :

ماده۱ ـ صلح خلل ناپذیرودوستی‌صمیمانه دائمی بین‌کشورشاهنشاهی ایران وجمهوری متحده مکزیك همچنین بین اتباع دو کشور برقرارخواهد بود .

ماده۲ ـ دولتین متعاهدتین موافقت دارند که روابط سیاسی و کنسولی‌خودرا برطبق اصول ومعمول حقوق عمومی بین‌المللی مستقرسازند ونیزموافقت دارند که نمایندگان سیاسی و کنسولی هریك از دو کشور درخاك کشور دیگر ازمعاملهٔ که نسبت بنمایندگان سیاسی و کنسولی دولت کاملة‌الوداد بعمل میآید بهره مند شوند .

ماده۳ ـ دولتین متعاهدتین موافقت دارند که روابط کنسولی و بازرگانی و

گمرکی و دریانوردی بین دو کشور همچنین شرایط اقامت و توقف اتباع خود را درخاك یکدیگر بوسیله قراردادهای مخصوصی تنظیم نمایند .

ماده۴ ـ دولتین متعاهدتین موافقت دارند که برای تسویه هر گونه اختلافی که بین آنها بظهوررسد وبطور دوستانه درمدت مناسبی ازطریق سیاسی عادی حل نگردد متوسل بوسایل مسالمت آمیز شوند .

دولتین این حق را برای خود محفوظ میدارند کـه در هرمورد بوسیله یك موافقت‌نامه مخصوصی طرز عملی راکه به نظرآنها مناسب میرسد تعیین نمایند .

ماده۵ ـ این عهدنامه به سه زبان فارسی فرانسه اسپانیولی تنظیم یافته است . عهدنامه نامبرده به تصویب رسیده ومبادله اسناد مصوبه دراسرع اوقات ممکنه بعمل خواهدآمد وبمحض مبادله اسناد مصوبه عهدنامه بموقع اجراء گذارده خواهد شد و هرگاه اختلاف نظری در تعبیر و تفسیر عهدنامه مزبور پیدا شود متن فرانسه معتبر خواهد بود .

بناء علیهذا اختیارداران مجاز طرفین این عهدنامه را امضاء و با مهرخودممهور نمودند .

بوئنس آیرس ـ بتاریخ ٤ فروردین ۱۳۱٦ شمسی هجری مطابق ٢٤ مارس ۱۹۳۷ میلادی

امضاء ـ نادرآراسته

امضاء ـ آلفونسور ژس

اجازه مبادله عهدنامه دوستی بین دولت شاهنشاهی ایران ودولت جمهوری متحده مکزیك بشرح بالا درجلسه یازدهم دیماه ۱۳۱۷ داده شده است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

تصویب عهدنامه دوستی منعقده بین دولت شاهنشاهي ایران و دولت جمهوري آرژانتین

مصوب ۱۱ دیماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی عهدنامه دوستی بین‌دولت شاهنشاهی‌ایران ودولت جمهوری آرژانتین را که مشتمل برپنج ماده و درتاریخ ۲۷ اسفند ماه ۱۳۱۵ شمسی هجری مطابق ۱۷ مارس ۱۹۳۷ میلادی بامضاء رسیده تصویب مینماید .

این قانون که مشتمل بریك ماده ومتن عهدنامه پیوست است درجلسه‌یازدهم دیماه یکهزار وسیصد وهفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس‌شورای ملی ـ حسن‌اسفندیاری

عهدنامه دوستی

بین

دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری آرژانتین

أعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران

و

حضرت رئیس جمهوری آرژانتین

نظربمیلی که بحفظ روابط دوستی‌موجوده بین دو کشوردارندتصمیم به‌تشیید روابط نامبرده بوسیله انعقاد عهدنامه دوستی نموده واختیارداران خودرا برای این مقصود بقرار زیر تعیین نمودند :

اعلیحضرت همایون شاهنشاه ایران .
جناب نادر آراسته .
مأمور فوق‌العاده و وزیر مختار خودشان‌را در ممالك امریکای جنوبی مقیم‌ارژانتین

و

حضرت رئیس جمهور ارژانتین
جناب دکتر کارلوس ساودرالاماس وزیر امور خارجه و مذهب .
مشارالیهما بعد ازمبادله اختیارنامه های خود که در کمال صحت واعتبار بود در مقررات زیر موافقت حاصل نمودند :

ماده ۱

صلح خلل ناپذیر و دوستی صمیمانه دائمی بین کشور شاهنشاهی ایران و جمهوری ارژانتین همچنین بین اتباع دو کشور برقرار خواهد نمود .

ماده ۲

دولتین متعاهدتین موافقت دارند که روابط سیاسی و کنسولی خودرا برطبق اصول ومعمول حقوق‌عمومی بین‌المللی مستقرسازند ونیز موافقت‌دارند که نمایندگان سیاسی و کنسولی هریك از دو کشور در خاك کشور دیگر از معاملـۀ که نسبت به نمایندگان سیاسی و کنسولی دولت کاملةالوداد بعمل میآید بهره‌مند شوند .

ماده ۳

دولتین متعاهدتین موافقت دارند که روابط کنسولی وبازرگانی و گمرکی و دریانوردی بین‌دو کشور همچنین شرایط اقامت‌و توقف اتباع خودرا درخاك یکدیگر بوسیله قراردادهای مخصوصی تنظیم نمایند .

ماده ۴

دولتین متعاهدتین موافقت دارند که برای تسویه هرگونه اختلافی که‌بین آنها

بظهور رسد و بطور دوستانه درمدت مناسبی ازطریق سیاسی عادی حل نگردد متوسل بوسائل مسالمت آمیز شوند دولتین این حق را برای خود محفوظ میدارند که درهر مورد بوسیله یك موافقت‌نامه مخصوصی طرز عملی را کـه بنظر آنها مناسب میرسد تعیین نمایند .

ماده۵

این عهدنامه به سه زبان فارسی وفرانسه واسپانیولی تنظیم یافته است .

عهدنامه نامبرده بتصویب رسیده و مبادله اسناد مصوبه دراسرع اوقات ممکنه بعمل خواهد آمد وبمحض مبادله اسنادمصوبه عهدنامه بموقع اجرا گذارده خواهد شد و هرگاه اختلاف نظری در تعبیر وتفسیر عهدنامه نامبرده پیدا شود متن فرانسه معتبر خواهد بود .

بناء علیهذا اختیارداران مجازطرفین این عهدنامه را امضاء وبا مهر خود ممهور نمودند .

بوئنس آیرس - بتاریخ ۲۷ اسفند ماه ۱۳۱۵ شمسی هجری مطابق ۱۸ مارس ۱۹۳۷ میلادی ، محل امضاء نادر آراسته . محل امضاء دکتر کارلوس ساودرالاماس .

اجازه مبادلـه عهدنامه دوستی بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت جمهوری آرژانتین بشرح بالا در جلسه یازدهم دی‌ماه یکهزاروسیصدوهفده داده‌شده است .

رئیس مجلس‌شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

تصویب موافقت نامه راجع به ایجاد روابط پستی مستقیم بین کشور شاهنشاهي ایران و کشورپادشاهی افغانستان

مصوب ۹ اردیبهشت ۱۳۱۸

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی موافقت‌نامه راجع بایجادروابط‌پستی‌مستقیم بین کشور شاهنشاهی ایران و کشور پادشاهی افغانستان را که مشتمل برنوزده ماده ودرتاریخ ۲۹ تیرماه ۱۳۱۷ درکابل بامضاء رسیده است تصویب مینماید.

این قانون که مشتمل بریك ماده ومتن موافقتنامه پیوست است درجلسه نهم اردیبهشت ماه یکهزار وسیصد وهیجده بتصویب مجلس شورای‌ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

موافقت نامه

دولت شاهنشاهی ایران ازیکطرف و دولت پادشاهی افغانستان ازطرف دیگر نظر باینکه مایلند روابط پستی مستقیم بین دو کشور منظماً دائر و مستقر گردد و نظر باینکه هردو کشور ایران و افغانستان داخل در اتحاد پستی عمومی میباشند لازم دیدند برای مبادله کیسه‌های سر بمهر پستی (خریطه) در حدود مقررات قرارداد پستی بین‌المللی و پرتکل و نظامنامه اجرا منضم بآن و با رعایت قوانین و مقررات داخلی دو کشور ترتیبات مقتضی بدهند و برای این مقصود نمایندگان خود را بشرح ذیل معین نمودند:

ازطرف دولت شاهنشاهی ایران:

جناب آقای بهمن سفیر کبیر شاهنشاهی درکابل. از طرف دولت پادشاهی افغانستان: جناب آقای رحیم‌الله خان وزیر پست وتلگراف. نمایندگان مزبور پس

ازمبادله اختیارنامه‌های‌خود که واجد شرایط صحت واعتبار بود درمواد ذیل موافقت حاصل نمودند :

ماده اول

بین ایران وافغانستان مبادله مستقیم ومنظم کیسه های (خریطه) سربمهر که مبدأ آنها یکی‌ازدو کشور باشد وهمچنین مبادله کیسه های (خریطه) پستی سربمهر که مبدأ یا مقصد آنها کشورهای خارجه باشد وایران وافغانستان وسیله ارتباط بین کشورهای مزبور واقع شوند برقرارمیگردد .

ماده دوم

مبادله کیسه های سربمهر (خریطه) باید توسط نزدیکترین دفاترسرحدی دو کشور ایران و افغانستان بعمل آید .

ماده سوم

کیسه های (خریطه) سر بمهر معینه در ماده یك فوق عجالتاً توسط دفاتر مبادله ذیل انجام می‌یابد :

اولا ـ درایران دفترپست وتلگراف طیبات ودرافغانستان دفترپست وتلگراف اسلام قلعه .

ثانیاً ـ درایران دفترپست وتلگراف زابل و درافغانستان دفترپست وتلگراف ناد علی .

ماده چهارم

اشیائیکه بین دفاتر پستی معینه درماده سوم جوف کیسه های (خریطه) سر بمهر باید مبادله شوند عبارتست از پاکتهای پستی و جراید ومطبوعات و اوراق کار ومستوره جات مال‌التجاره اعم از اینکه این مرسولات سفارشی یا غیرسفارشی باشند وکلیه این اشیاء دراصطلاح پستی مراسلات نامیده میشوند .

ماده پنجم

ادارات پست طرفین متعاهدین صورت دفاتری را که برای آنهـا ممکن است کیسه (خریطه) سربمهر ارسال نمود تهیه وبیکدیگر ابلاغ خواهند کرد .

ماده ششم

ادارات پست طرفین متعاهدین مسئولیت مخاطراتی را که ممکن است بواسطه مواقع اضطراری (فرس ماژور) حادث گردد بعهده نمیگیرند .

ماده هفتم

مراسلات مربوطه بامور پستی که بین ادارات مرکزی یا دفاترپستی دوکشور مبادله میشود ازتأدیه نرخهای پستی معاف خواهند بود روی اینگونه مراسلات مهر سرویس زده میشود .

ماده هشتم

حمل ونقل کیسه های سربمهر (خریطه) پستی بین نقاط نامبرده درماده سوم این موافقت نامه بطریق ذیل صورت میگیرد :

از طیبات الی اسلام قلعه و از زابل الی نادعلی با وسائل و مصارف دولت شاهنشاهی ایران و ازاسلام قلعه الی طیبات و از نادعلی الی زابل با وسائل ومصارف دولت پادشاهی افغانستان .

تبصره ـ درهرنوبت‌حاملین پست یکطرف پس‌ازتسلیم کیسه های سر بمهر (خریطه) پستی خودکیسه‌های سربمهر (خریطه) پستی‌طرف دیگررا تحویل‌گرفته مراجعت مینمایند واین عمل برطبق‌ماده (۹) این موافقت نامه بنوبت انجام میگیرد.

ماده نهم

فعلا درهرخطی هفته دو پست ازطرفین ارسال میگردد و درآتیه چنانچه در نتیجه توسعه روابط مقتضی شد باموافقت طرفین بعده پستها درهردوخط یا دریکی از آنها افزوده خواهد گردید .

ماده دهم

ادارت پست طرفین متعاهدین متقبل میشوند کیسه های سربمهر (خریطه) پستی و مراسلات مکشوفه را که بین آنها مبادله میشود و یا از طرف کشور ثالثی بطور ترانزیت برای ارسال بیکی‌ازطرفین متعاهدین فرستاده میشود باسرع وسائل ارسال دارند .

ماده یازدهم

کلیه مخارج حمل و نقل کیسه های (خریطه) سر بمهر و مراسلاتیکه بطور ترانزیت از کشورهای متعاهدین عبور مینماید باید برطبق مقررات قرارداد پستی بین‌المللی و پروتکل نهائی ونظامنامه اجراءِ منضم بآن تأدیه شود عملیات احصائیه راجع بمخارج ترانزیت وتسویه مخارج مذکوره نیزبرطبق قرارداد مزبور ومنضمات آن انجام خواهد شد .

ماده دوازدهم

ادارات طرفین‌متعاهدین متقبل میگردندکیسه های پستی (خریطه) مذکور را پس‌ازوصول بدفاترمقصد خالی وفوراً مطابق مقررات قرارداد بین‌المللی ومنضمات آن بدفاتر مبدأ اعاده دهند .

ماده سیزدهم

ادارات طرفین متعاهدین حق ارسال اشیائی راکه ورودآنها بموجب مقررات قرارداد پستی‌عمومی بین‌المللی وپروتکل نهائی ونظامنامه اجراءِ منضم بآن وقوانین و مقررات داخلی دو کشور ممنوع است ندارند .

ماده چهاردهم

ادارات پست طرفین متعاهدین‌درهرموقع میتوانند درصورتیکه مقتضی‌بدانند راجع بسایر سرویس های معینه در قرارداد پستی عمومی بین‌المللی کـه موضوع مقاوله نامه های جداگانه میباشد موافقت حاصل کرده مستقیماً قرارداد مخصوصی منعقد نمایند .

ماده پانزدهم

کلیه مکاتباتیکه بین ادارات پستی طرفین متعاهدین میشود بزبان فارسی خواهد بود .

ماده شانزدهم

ادارات پستی طرفین متعاهدین صورت دفاتری را که میتوانند مستقیماً بین خود مکاتبه نمایند تهیه و بیکدیگر کتباً ابلاغ خواهند نمود .

ماده هفدهم

این موافقتنامه سه ماه پس از مبادله اسناد تصویب آن بموقع اجرا گذاشته میشود و مدت اعتبار آن سه سال است چنانچه سه ماه قبل از انقضای مدت مزبور هیچیك ازطرفین متعاهدین قصد خود را در باب فسخ آن بطرف دیگراعلام نکنند تا مدت سه سال دیگر بقوت خود باقی خواهد بود و بعد همینطور سه سال بسه سال تجدید میشود بعلاوه‌هر یك ازطرفین‌متعاهدین‌میتوانند سه ماه‌قبل‌ازانقضای هردوره سه ساله باموافقت یکدیگرتجدید نظردریك یاچند ماده این موافقت نامه بنمایند .

ماده هیجدهم

این موافقت نامه بتصویب خواهد رسید و مبادله اسناد تصویب آن هرچه زودتر در کابل بعمل خواهد آمد .

ماده نوزدهم

این موافقت نامه در دونسخه بزبان فارسی تحریرشد وهردونسخه آن معتبر است نظر بمراتب فوق نمایندگان مختار طرفین این موافقتنامه را امضاء و بمهرخود ممهور نمودند .

کابل ۲۹ تیرماه یکهزار وسیصد وهفده شمسی

موافقت نامه ایجاد روابط پستی مستقیم بین کشور شاهنشاهی ایران و کشور پادشاهی افغانستان بشرح بالا درجلسه ۹ اردی بهشت ماه ۱۳۱۸ تصویب شده است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

تصویب قرارداد آب رودهیرمند منعقده بین دولت شاهنشاهي ایران ودولت پادشاهي افغانستان

مصوب ۱۸ اردی‌بهشت ماه ۱۳۱۸

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی قرارداد تقسیم آب رود هیرمند بین‌دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی افغانستان را که مشتمل بر شانزده ماده و یك اعلامیه است ودرتاریخ ششم بهمن ماه ۱۳۱۷ در کابل بامضاء رسیده است‌تصویب مینماید.

این **قانون** که مشتمل بر یك ماده و متن قرارداد و اعلامیه پیوست است درجلسه هیجدهم اردی بهشت ماه یکهزار وسیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.　　رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قرارداد تقسیم آب هیرمند بین دولت شاهنشاهي ایران ودولت پادشاهي افغانستان

چون دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی افغانستان هر دوبالسویه‌مایل بودند که راجع به تقسیم آب هیرمند بین دو مملکت قرار عادلانهٔ داده شود و برای انجام این مقصود قرارداد مخصوصی منعقد و امضاءِ نمایند لهذا نمایندگان مختارخود را بشرح ذیل انتخاب نمودند:

ازطرف دولت شاهنشاهی ایران.

جناب آقای باقر کاظمی سفیر کبیر دولت شاهنشاهی در کابل.

ازطرف دولت پادشاهی افغانستان .

عالیقدر جلالتمآب علیمحمد خان وزیر امورخارجه دولت پادشاهی .

ونمایندگان مزبور پس از تبادل اختیارنامه های خود که واجدشرایطصحت واعتبار بودند درمواد ذیل موافقت نمودند :

ماده۱ ـ دولتین ایران وافغانستان موافقت مینمایند که همه ساله هر مقدار آب رودخانه هیرمند که به بند کمال خان میرسد بین ایران وافغانستان از بند کمال خان ببعد بالمناصفه تقسیم شود .

ماده۲ ـ برای آنکه ازده چهار برجك الی بند کمال خان زائدبر مقدار آبیکه فعلا برده میشود مصرف نگردد دولت افغانستان تعهد میکند که درفاصله مزبور علاوه برانهاریکه جاری بوده وهست نهردیگری احداث وحتی تعمیر ننماید .

ماده۳ ـ مأمورین و میراب های مجاز طرفین متفقاً همه ساله در فصل پائیز مقدار آبی را که دربند کمال خان میرسد تعیین میکنند وازبند کمال خان تاسیخسر مقدار آبیکه هر یك ازطرفین بوسیله انهارمنشعبه ازهیرمند میبرند معلوم مینمایند ودرسهم طرفین محسوب میدارند بقسمیکه این دوسهم متساوی باشد .

صورت تقسیمات واسامی انهار و مقدار آب هر یك از انهار طرفین را پس از تشخیص بیکدیگر ابلاغ خواهند نمود اگر بعد ازاین تغییری در صورتهای مزبور لازم شود که بخواهند دریکجا اضافه و در عوض جای دیگر کسر کنند بیکدیگر اطلاع خواهند داد .

ماده۴ ـ دستگاهها و ادوات لازمه برای تعیین مقدار آب رودخانه و انهار طرفین را مأمورین فنی ایران و افغانستان بخرج دولتین بالمناصفه تهیه کرده ودر محلهای مناسب ازبند کمال خان ببعد نصب نموده ودرصورت لزوم مجرای رودخانه را

نیز از بند کوهك الی سیخ سر تنظیم مینمایند .

ماده ۵ ــ برای اینکه تقسیم و تنظیم آب رودخانه هیرمند از بند کمال‌خان بوجه عادلانه که منظور این قرار داد است صورت گیرد مأمورین فنی طرفین در نقاطیکه مناسب بدانند درخاکهای خود مقسمهای دائمی خواهندساخت و مخارج ساختن این مقسمها را طرفین متعاهدین بعدازحصول توافق نظر یکدیگر در طرح آن به‌تناسب مقدار آبیکه میبرند عهده‌دار خواهند بود .

ماده ۶ ــ تا ساختن سد و بندهای دائمی بندهای گزی بقرار سابق ساخته خواهد شد و اگر طرفین برای بستن بند ها چوب گز ضرورت داشته باشند بتأدیه قیمت بیکدیگر خواهند داد .

ماده ۷ ــ چون دهنه نهرهائیکه مستقیماً از رودخانه هیرمند از بند کمال‌خان منشعب شده و بخاك طرفین جاری میشود خاکی میباشد برای اینکه زیاده و نقصانی در حصه هریك از طرفین پیدا نشود دولتین متعهد میشوند که از تاریخ امضای این قرار داد منتهی تا چهار سال بمرور آن دهنه را با آجر و آهك هریك بخرج خود بترتیب صحیحی بسازند .

ماده ۸ ــ دولتین متعهدمیشوند که هیچگونه اقدامات وعملیات از بند کمال خان تا بده دوست محمدخان وسیخ‌سر که مقسم آخرین است نخواهند کرد که موجب نقصان یا نکث میزان سهم هریك از طرفین بشود .

ماده ۹ ــ دولتین ایران وافغانستان متقابلا موافقت مینمایند که مأمورین فنی ومیرابهائی که مأمور اجرای عملیات مندرجه دراینقرارداد هستند و همچنین عمله‌جات مامور بستن وساختن وپاك کردن وتنظیم بندها وانهار بین بند کوهك الی‌سیخ‌سر که

اقدام به آن بموجب این قرارداد درخاك طرف مقابل مجاز شمرده شده باشد بدون اسلحه میتوانند با جواز بخاك یکدیگر بروند .

تبصره ـ مصالح و ادوات و اشیائیکه مأمورین و عمله‌ها برای انجام وظائف مندرجه دراین قرارداد لازم‌دارند یا برای رفع حوائج زندگی خود درموقع خروج از سرحد همراه خود میبرند از حقوق گمرکی معاف خواهند بود .

ماده ۱۰ ـ درصورتیکه رودخانه هیرمندبالای بند کمال‌خان به‌بستر جدیدی منتقل‌شود مدلول ماده اول درمحل‌دیگر که بمنزله بند کمال‌خان درعلاقه‌چخانسور فعلی باشد با موافقت دولتین اجراء وتعیین مقسم خواهد شدچنانچه پائین تراز بند کمال‌خان به‌بستر جدید منتقل ویا بستر فعلی طوری عمیق شود کــه برای اراضی سیستان‌آبیاری ممکن‌نشود دولتین موافقت‌میکنند دراینصورت برای استفاده اراضی سیستان از سهمیه آبیکه در ماده اول معین شده است برضایت طرفین تحت شرایط جداگانه قراردادی بدهند .

ماده ۱۱ ـ هرگونه اختلافی در اجرای مقررات این قرار داد رخ دهد کــه میرابها و متصدیان امر از حل آن عاجز و یا از حدود اختیارات آنها خارج بــاشد بمرجعیت‌حاکم‌ورئیس‌مالیه‌سیستان ازطرف‌دولت ایران‌وحاکم‌ورئیس‌مالیه‌چخانسور ازطرف دولت افغانستان یا نمایندگان آنها تصفیه خواهد شد و رأییکه این هیئت باتفاق اتخاذ نمایند قاطع خواهدبود چنانچه موضوع مختلف فیه باین طرق تا دو ماه ازتاریخ بروز اختلاف حل‌نگردد بین‌مراکز طرفین به اسرع اوقات بطورقطع‌حل‌و تسویه خواهد گردید .

ماده ۱۲ ـ طرفین متعاهدین تعهد مینمایند که هر گاه اتباع یکی از آنها طریقه استفاده از آب رودخانه هیرمندرا ازبند کمال خان که دراین قرارداد مندرج است بهم بزنند یا از مقررات آن تخلف نمایند فوراً در خاك خود اقدامات لازمه را برای رفع آن بعمل آورده مقصرین را به مجازات قانونی برسانند .

ماده ۱۳ ـ طرفین متعاهدین درظرف دوماه ازروز امضای این قرارداد ترتیب استفاده از آب هیرمند ازبند کمال‌خان و سهم خودرا درخاك خود باطلاع مأمورین سرحدی و اهالی و ساکنین اطراف رودخانه خواهند رسانید .

ماده ۱۴ ـ هریك ازطرفین‌متعاهدین هرچه زودتر پس‌از امضای این‌قرارداد مأموری برای مراجعات و نظارت در اجرای مواد این قرارداد تعیین و کتباً بطرف مقابل معرفی خواهند نمود .

ماده ۱۵ ـ این قرارداد در ظرف سه‌ماه از تاریخ امضای‌آن به‌تصدیق‌مقامات مربوطه دولتین خواهد رسید و نسخ تصدیق‌شده در کابل مبادله خواهد شد .

ماده ۱۶ ـ اینقرارداد پس از مبادله اسناد صحه‌شده معتبر و مجراست .

این قرارداد در دو نسخه بزبان فارسی تحریرشد وهردونسخه‌آن معتبراست نظر بمراتب فوق نمایندگان مختار طرفین اینقرارداد را امضاء و به مهر خود ممهور نمودند

کابل بتاریخ ششم بهمن (دلو) ۱۳۱۷

سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران — وزیر امورخارجه دولت پادشاهی‌افغانستان

باقر کاظمی — علی محمد .

اعلامیه

نظر بروابط صمیمانه دوستی و برادری که خوشبختانه بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی افغانستان موجود میباشد در اینموقع که قرارداد راجع بتقسیم آب هیرمند بامضای نمایندگان مختار طرفین میرسد برای اینکه هیچ نوع نگرانی وسوءِظنی بین‌ساکنین‌سیستان وچخانسور وبالطبع بین‌حکومتهای دوطرف باقی نماند وساکنین طرفین‌مزبور بتوانند بانهایت‌یکرنگی واعتماد متقابل‌بدوستی وهمکاری همدیگر اطمینان نمایند اعلامیه مشتر که ذیل‌را امضاءِ وملحق بقرارداد تقسیم آب هیرمند مورخه امروز مینمایند .

اولا ــ دولت‌شاهنشاهی‌ایران اعلام‌میدارد که یگانه منظورآن ازاین‌قرارداد زراعت و آبیاری سیستان است که زارعین از این جهت در مضیقه و زحمت نباشند و هیچ مقصودی دربدست‌آوردن وسیله وبهانهٔ برای مداخله درداخله افغانستان ندارد و پیوسته ترقی و تعالی افغانستان را آرزومند است .

ثانیاً ــ دولت‌پادشاهی افغانستان‌اعلام میدارد که بهیچوجه مقصودی در تضییق و فشار و نرسیدن آب به سیستان ندارد و باین منظور اقداماتی را که موجب نکث آب سهمی ایران در بند کمال‌خان (قراریکه در ماده اول قرارداد توضیح یافته) و از این راه ضرر رساندن بزراعت و آبیاری سیستان شود اجازه نخواهد داد .

کابل بتاریخ ششم بهمن‌ماه (دلو) ۱۳۱۷

سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران	وزیر امور خارجه دولت پادشاهی افغانستان
باقر کاظمی	علیمحمد

قرارداد تقسیم آب رودهیرمند واعلامیه پیوست آن منعقده‌بین‌دولت‌شاهنشاهی ایران ودولت پادشاهی افغانستان بشرح بالا درجلسه هیجدهم اردیبهشت‌ماه یکهزار وسیصد وهیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس‌شورای ملی ــ حسن‌اسفندیاری

قانون

تصویب قرارداد تلگرافی با سیم و بی‌سیم بین دولت شاهنشاهی ایران و دولت پادشاهی افغانستان

مصوب ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۱۸

ماده واحده ــ مجلس شورای ملی قرارداد تلگرافی باسیم و بی سیم ما بین دولت شاهنشاهی ایران ودولت پادشاهی افغانستان را که مشتمل برچهارده ماده و در تاریخ ۲۷ دیماه ۱۳۱۷ در کابل بامضاء رسیده است تصویب مینماید .

این قانون که مشتمل بریك ماده ومتن قراردادپیوست است درجلسه‌هیجدهم اردیبهشت ماه یکهزار وسیصد وهیجده بتصویب مجلس‌شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ حسن‌اسفندیاری

متن قرارداد تلگرافي با سیم و بیسیم بین دولت شاهنشاهي ایران و دولت پادشاهي افغانستان

نظربا ینکه دولت شاهنشاهی ایران ازیکطرف و دولت پادشاهی افغانستان از طرف دیگرمایل میباشند که برطبق فصل سیزدهم قراردادبین‌المللی مرابطات‌بعیده

منعقده ۱۹۳۲ درمادرید روابط تلگرافی باسیم وبیسیم بین مملکتین را مرتب نموده وبرای انجام این مقصود قرارداد مخصوصی منعقد وامضاء نمایند لذا نمایندگان مختار خودرا بشرح ذیل انتخاب نمودند :

ازطرف دولت شاهنشاهی ایران

جناب آقای باقر کاظمی سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران در کابل .

ازطرف دولت پادشاهی افغانستان

عالیقدر جلالتمآب رحیم‌الله خان وزیر پست وتلگراف وتلفن .

نمایندگان مزبور پس از تبادل اختیارنامه هائی که ازطرف دول متبوعه‌خود داشتند وتصدیق صحت اختیارنامه های مذکور درمقررات ذیل موافقت نمودند :

ماده اول ـ مبادله مخابرات تلگرافی باسیم‌وبی‌سیم چه دولتی وچه غیردولتی بین مملکتین وبطور ترانزیت مرتباً مابین ایران وافغانستان برقرارخواهدشد وبرای انجام این منظور طرفین متعاهدین متقبل میشوند که سیم‌های تلگرافی‌را درامتداد خطوط ذیل دائر ودفاتر مبادله را درنقاط ذیل برقرار دارند :

ازطرف دولت شاهنشاهی ایران ـ طیبات

ازطرف دولت پادشاهی افغانستان ـ اسلام قلعه

تبصره ـ درصورت لزوم وبا موافقت نظر طرفین ممکن است سیم‌های ارتباطیه دیگر نیز بین مملکتین امتداد داده واستفاده شود .

برای مبادله تلگرافی بی‌سیم بین مملکتین

ازطرف دولت پادشاهی ایران عجالتاً استاسیون بیسیم تهران

ازطرف دولت پادشاهی افغانستان استاسیون کابل .

ماده‌دوم ـ هریك از دولتین متعاهدین صورتی ازاسامی کلیه استاسیون‌های باسیم وبی‌سیم واقع درمملکت خودرا که برای مخابره تلگرافی مفتوح است بدولت دیگر تسلیم خواهد نمود .

ماده‌سوم ـ تلگرافات با اعداد عربی (5 - 4 - 3 - 2 - 1) و حروف لاتین بکلیه زبانهائیکه بر طبق نظامنامه تلگرافی بین‌المللی استعمال آن مجاز است بین مملکتین مبادله میشود .

ماده چهارم ـ طرفین موافقت مینمایند که فعلا برای ازدیاد تعداد ومیزان مخابرات تلگرافی باسیم وبی‌سیم‌وتسهیل محاسبه ازاخذ حقوق ترمینال تلگرافی‌باسیم وبیسیم طرف دیگرصرف‌نظر نمایند وهیچگونه صورت حسابی فیمابین مبادله‌نشود بدین ترتیب که هریك ازطرفین درمملکت خود فقط‌حقوق ترمینال مربوط به‌خودرا اخذ واز دریافت حقوق ترمینال طرف دیگر خودداری نماید .

تبصره ـ نظربابنکه هریك از طرفین نرخهای مأخوذه در کشور متبوع را به نفع خود ضبط میکنند بنا براین مبادله تلگرافات با جواب قبول بین دو کشور پذیرفته نمیشود .

ماده‌پنجم ـ نظر بمقررات ماده چهارم نرخ مبادلات تلگرافی باسیم و بیسیم بین دو کشورچه دولتی وچه غیر دولتی بقرار ذیل مقرر میگردد :

۱ ـ برای مخابرات عادی از ایران بافغانستان کلمه شصت سانتیم فرانك طلای بین‌المللی .

۲ ـ برای مخابرات عادی از افغانستان بایران کلمه سی سانتیم فرانك طلای بین‌المللی .

۳ ـ برای مخابرات فوری دو برابر نرخ عادی .

٤ ـ برای تلگرافات مطبوعاتی نصف نرخ تلگرافات عادی .

ماده ششم ـ قیمت تلگرافات عبوری (ترانزیت) از مملکتین جهة سایر ممالك مطابق جداول منضمه بنظامنامه تلگرافی بین‌المللی اخذ و درحساب آورده‌خواهدشد

ماده هفتم ـ صورت حساب تلگرافات ترانزیتی طرفین سه ماه بسه ماه طبق ماده ۳۳ معاهده عمومی تلگرافی منعقده در مادرید و مواد ۸۵ الی ۸۸ نظامنامه ملحقه‌آن ترتیب وهریك ازطرفین آنرا در دونسخه برای طرف‌دیگر ارسال‌خواهد داشت که یك نسخه در دفتر طرف مقابل ضبط شده و نسخه دیگر پس از رسیدگی و تصدیق بدفتر مبداء اعاده خواهد شد .

ماده هشتم ـ مبالغ‌بدهی که درموازنه‌حساب ترانزیت‌بفرانك طلای‌بین‌المللی حاصل میشود و معادل آن به دولار امریکائی پرداخت خواهد گردید .

مبلغ بدهی‌منتهی الی یکماه پس ازتاریخ وصول نسخه مصدق باید تأدیه شود مصارف مربوطه بتأدیه و پرداخت بعهده اداره مدیون خواهد بود .

ماده نهم ـ طرفین قبول مینمایند که فعلا فقط تلگراف های عادی ـ فوری ومطبوعاتی‌را چه‌دولتی وچه غیردولتی بطور ترانزیت‌بپذیرند قیمت‌انواع تلگرافات مذکوره بقرار ذیل دریافت خواهد شد :

الف ـ تلگرافات عادی برطبق نرخهای معینه درجداول منتشره ازطرف دفتر اتحاد بین‌المللی مرابطات بعیده .

ب ـ تلگرافات فوری دو برابر قیمت تلگرافات عادی .

ج ـ تلگرافات مطبوعاتی نصف قیمت تلگرافات عادی .

تبصره ـ در موضوع تلگرافات ترانزیتی هر یك از دولتین مطابق معمول

تصمیمات خود را بوسیله دفتر اتحاد بین‌المللی مرابطات بعیده بکلیه ادارات تلگرافی اعلام خواهند داشت.

ماده دهم - طرفین متعاهدین قبول مینمایند که مخابره برمز حروفی وعددی را بشرحی که در ماده ۱۱ نظامنامه تلگرافی منضمه بقرارداد بین‌المللی مرابطات بعیده تصریح شده منحصراً درمورد تلگرافات دولتی که حدود آن درماده ۷۸ نظامنامه نامبرده مذکوراست مجازبدانند نسبت بتلگرافات رمز تجارتی Langage Convenu اعم ازتلگرافات بین‌دو کشور یاعبوری برطبق ماده ۱۰ نظامنامه تلگرافی فوق‌الذکر و بارعایت مقررات داخلی هر کشور وبا درنظر گرفتن شرایطی که از طرف دولتین متعاهدین بدفتر اتحاد بین‌المللی مرابطات بعیده در (برن) اعلام شده و در جدول مربوطه منتشره ازطرف دفتر مزبور قید گردیده است عمل خواهد شد.

ماده یازدهم - تلگرافات سرویس متبادله بین ادارات تلگرافی و تلگرافات جوی درصورتیکه ازمؤسسات رسمی دولتی‌صادر شوند بطورمجانی بین مملکتین‌مبادله خواهد شد.

ماده‌دوازدهم - در سایرمواردیکه درقرارداد حاضراشاره بآن نشده برطبق مقررات قراردادبین‌المللی‌مرابطات‌بعیده ونظامنامه‌تلگرافی بین‌المللی‌عمل‌خواهدشد

ماده‌سیزدهم - چون مناسبات تلگرافی بین دوکشور ازتاریخ ۷ بهمن (دلو) ماه ۱۳۱٤ افتتاح شده وحساب مخابرات این مدت تا کنون تصفیه نگردیده لذا دولتین موافقت مینمایند که محاسبه مخابرات تلگرافی دو کشور از تاریخ ۷ بهمن (دلو) ۱۳۱٤ تا موقع اجرای این قرارداد برطبق مقررات قرارداد حاضرعمل‌شود.

ماده‌چهاردهم - این قرارداد بتصویب خواهد رسید و اسناد تصویب هرچه زودتر در تهران مبادله خواهد شد و ازهمان تاریخ قرارداد بموقع اجراء درخواهد

آمد ، مدت اعتبار قرارداد سه سال است وچنانچه سه ماه قبل ازانقضای مدت بوسیله یکی ازطرفین متعاهدین فسخ نشود سه سال بسه سال بخودی خود تمدید خواهد گردید نظر بمراتب مسطوره نمایندگان مختار دولتین متعاهدین قرارداد حاضر را امضاءِ نمودند . در دونسخه بزبان فارسی نوشته شد .

کابل - بتاریخ ۲۷ دیماه (جدی) ۱۳۱۷

سفیر کبیر دولت شاهنشاهی ایران	وزیر پست وتلگراف وتلفون افغانستان
باقر کاظمی	رحیم‌اللّٰه‌خان

قرارداد تلگرافی با سیم و بی‌سیم منعقده بین دولت شاهنشاهی ایران ودولت پادشاهی افغانستان بشرح بالا درجلسه ۱۸ اردیبهست ماه ۱۳۱۸ تصویب شده است .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

فهرست

قسمت چهارم - کنتراتها

فهرست قسمت چهارم ـ کنتراتها

فهرست قسمت چهارم - کنتراتها

قسمت چهارم
کنتراتها

قانون

تجدید استخدام آقایان دکتر ویلهلم‌هاز و دکتر ادوارد بلر استادان دانشگاه

مصوب ۲۸ آذر ماه ۱۳۱۶

ماده‌واحده ــ الف ــ وزارت معارف و اوقاف مجاز است قرارداد استخدامی آقای دکتر ویلهلم هاز را برای مدت سه سال از تاریخ ۲۱ آبانماه /۱۳۱۶ وهمچنین قرارداد استخدامی آقای دکترادواردبلر را برای مدت یکسال از تاریخ دهم‌شهریورماه ۱۳۱۶ طبق قرارداد سال گذشته تجدید و استخدام نماید .

ب ــ حقوق سالیانه آقای دکترهازمبلغ پنجاه‌وچهارهزارریال(۵٤۰۰۰ ریال) بعلاوه پانصد وچهل پهلوی طلا یامعادل آن بارزخارجه وحقوق سالیانه آقای دکتر ادوارد بلرمبلغ سی‌هزارریال (۳۰۰۰۰ ریال) خواهد بود که باقساط ماهیانه دریافت خواهند داشت .

ج ــ چنانچه پس‌ازانقضاءِ مدتهای مزبورقرارداد هریك‌ازآقایان تجدید نشود وزارت معارف میتواند مبلغ شصت پهلوی بعنوان مخارج معاودت بپردازد .

د ـ هریك از آقایان مذکور سالی یکماه درموقع تعطیل تابستان حق مرخصی با استفاده از حقوق خواهند داشت لیکن ترتیب اعطاء آن با وزارت معارف بوده و آقای دکترهاز میتواند یکمرتبه ازجمع مرخصیهای قانونی خود فقط درموقع تعطیل تابستان استفاده نماید .

هـ ـ محل خدمت وساعات تدریس هریك از استادان از طرف وزارت معارف معین خواهد شد ولی آقای دکتر هاز علاوه بر تدریس در دانشگاه ریاست مؤسسه مردم‌شناسی ایران را نیز خواهد داشت .

و ـ وزارت معارف و یا هریك از آقایان مذکور در آخر هر سال تحصیلی میتوانند بااخطار قبلی سه ماه قرارداد را لغو نمایند و درصورتیکه وزارت معارف این عمل را بنماید خرج معاودت مذکور درقسمت (ج) پرداخته‌میشود .

ز ـ چنانچه مطابق فقره (و) این لایحه بنحوی از انحاء بخدمت هریك از آنان خاتمه داده شود وزارت معارف مجازاست که از محل اعتبار حقوق آنها معلمین ایرانی استخدام نماید .

ح ـ وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدامی آقایان دکتر ویلهلم هاز و دکتر ادواردبلر را طبق مقررات قانون مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و قرار دادآنهارا امضاء و مبادله نماید .

این قانون که مشتمل بریك ماده‌است درجلسه بیست‌وهشتم آذرماه یکهزارو سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای‌ملی رسیده است .

رئیس مجلس شورای‌ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه استخدام آقای بونی فاسیو برای تدریس در دانشگاه

مصوب ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱۶

ماده واحده ـ الف ـ وزارت معارف و اوقاف مجازاست آقای بونی فاسیو را برای مدت دوسال وهفت ماه وبیست وسه روز ازتاریخ هشتم بهمن ماه ۱۳۱۶ تاآخر شهریور ۱۳۱۹ شمسی برای تدریس در دانشگاه تهران استخدام نماید .

ب ـ حقوق سالیانه آقای بونی فاسیو مبلغ سی‌وسه هزارریال بعلاوه پانصد و چهل پهلوی طلا یامعاول آن به ارز خارجه خواهد بود که باقساط ماهیانه دریافت خواهد داشت .

ج ـ هزینه سفر آمدن آقای بونی فاسیو به تهران مبلغ شصت پهلوی طلا یا معادل آن به ارزخارجه خواهد بود که پرداخته میشود و چنانچه پس از انقضاء مدت مزبور قرارداد مشارالیه تجدید نشود مبلغ شصت پهلوی بعنوان هزینه سفر برگشتن باروپا پرداخته خواهد شد .

د ـ آقـای بونی فاسیو سالی یکماه در موقع تعطیل تابستان حق مرخصی بااستفاده ازحقوق خواهد داشت لیکن ترتیب اعطاءِ آن باوزارت معارف بوده ومیتواند یکمرتبه ازجمع مرخصیهای قانونی خود فقط درموقع تعطیل تابستان استفاده نماید.

هـ ـ محل خدمت وساعات تدریس استاد مذکورازطرف وزارت معارف معین خواهد شد .

و ـ وزارت معارف ویا استاد مذکورازسال دوم استخدام اومیتوانند بااخطار قبلی سه ماه قرارداد را لغو نمایند و در صورتیکه وزارت معارف این عمل را نماید

خرج بر گشتن مذکور درقسمت (ج) پرداخته میشود .

ز ـ چنانچه مطابق فقره (و) این لایحه بنحوی ازانحاء بخدمت استاد مذکور خاتمه داده شود وزارت معارف مجاز است که ازمحل اعتبار حقوق او معلمین ایرانی استخدام نماید .

ح ـ وزارت معارف مجاز است سایر شرایط استخدامی آقای بونی فاسیو را طبق مقررات قانون مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین وقرارداد آنرا امضاء ومبادله نماید.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه نوزدهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه تجدید استخدام آقای مهندس هلموت روش تابع آلمان هنرآموز دانشکده صنعتي

مصوب ۲۳ بهمن ماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ وزارت پیشه وهنر مجازاست آقای مهندس هلموت روش تابع آلمان را بسمت هنرآموز الکتروتکنیك دانشکده صنعتی با حقوق ماهیانه چهار هزار وچهار صدریال و ماهی چهارصد ریال کرایه خانه از تاریخ ۱۵ مرداد ۱۳۱۷ برای دوسال تجدید استخدام نماید ودرصورتیکه پس ازانقضاء مدت دوسال استخدام او تجدید نگردید مخارج معاودت او را بآلمان با نرخ درجه دوم تأدیه کند .

سایر شرایط طبق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ خواهد بود .

این قانون مشتمل بر یك ماده است درجلسه بیست و سوم بهمن ماه یکهزار وسیصد وهفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

تجدید استخدام آقای آندره گدار

مصوب ۲۱ اسفند ماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ وزارت فرهنگ مجاز است که آقای آندره گدار تبعه دولت جمهوری فرانسه را ازتاریخ اول فروردین ماه ۱۳۱۸ برای مدت پنجسال دیگر بسمت مدیر باستانشناسی و موزه و کتابخانه با شرائط پائین تجدید استخدام نماید :

الف ـ حقوق آقای آندره گدار درسال ۷۲۰۰۰ ریال بعلاوه یکهزار پهلوی خواهد بود که باقساط ماهیانه دریافت خواهد داشت .

ب ـ هنگام پایان قرارداد چنانچه قرارنامه آقای آندره گدار تجدید نشود مبلغ ۵۰۰۰ ریال بعنوان هزینه مسافرت برای معاودت بفرانسه باوپرداختهخواهدشد .

ج ـ چنانچه آقای گدارشخصاً قرارداد خودرا فسخ نماید حق دریافت هزینه معاودت مصرح دوقسمت (ب) را نخواهد داشت .

د ـ آقای آندره گدار سالی یکماه مرخصی بااستفاده ازحقوق خواهد داشت لیکن ترتیب اعطای آن با وزارت فرهنگ خواهد بود .

ه ـ وزارت فرهنگ مجازاست سایر شرایط استخدامی آقای آندره گداررا برطبق ماده ۲ قانون .مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین و قرارداد او را امضاء نماید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه بیست و یکم اسفندماه یکهزار وسیصد وهفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

نواب ریاست مجلس شورای ملی

مرتضی بیات ـ دکترطاهری

قانون

اجازه استخدام آقای دکتر کوخ تبعه آلمان استاد دانشگاه تهران

مصوب ۸ شهریورماه ۱۳۱۸

ماده واحده ـ وزارت فرهنگ مجازاست که آقای دکترلئوکوخ تبعه دولت آلمان را ازتاریخ پانزدهم شهریورماه ۱۳۱۸ برای مدت سه سال دیگر بسمت استادی دانشگاه تهران باشرایط پائین استخدام نماید :

الف ـ حقوق سالیانه آقای دکتر کوخ مبلغ چهل و دوهزار (۴۲۰۰۰) ریال بعلاوه سیصد وسی وشش پهلوی طلا یامعادل آن بهارزخارجه خواهد بود که باقساط ماهیانه دریافت خواهد داشت .

ب ـ چنانچه پس از انقضای مدت مزبور قرارداد آقای دکتر کوخ تجدید نشود مبلغ ۶۰ پهلوی بعنوان هزینه بر گشتن باروپا باو پرداخته خواهد شد .

ج ـ آقای دکتر کوخ سالی یکماه در موقع تعطیل تابستان حق مرخصی با استفاده از حقوق خواهد داشت لیکن ترتیب اعطاء آن با وزارت فرهنگ بوده و مشارالیه میتواند یکمرتبه ازجمیع مرخصیهای قانونی خود فقط درموقع تعطیل تابستان استفاده نماید .

د ـ محل خدمت و ساعات تدریس استاد مذکور از طرف وزارت فرهنگ معین خواهد شد .

هـ ـ وزارت فرهنگ و یا استاد مذکور درآخر هرسال تحصیلی میتوانند با اخطار قبلی سه ماه قرارداد را لغو نمایند درصورتیکه وزارت فرهنگ این عمل را بنماید هزینه برگشتن مذکور درقسمت (ب) پرداخته خواهد شد .

و ـ چنانچه مطابق فقره (هـ) این لایحه بنحوی از انحاء بخدمت این استاد خاتمه داده شود وزارت فرهنگ مجازاست که ازمحل اعتبارحقوق اومعلمین‌ایرانی استخدام نماید .

ز ـ وزارت فرهنگ مجازاست سایر شرایط استخدامی آقای دکتر کوخ را طبق مقررات قانون مصوب۲۳عقرب ۱۳۰۱ تعیین وقرارداد اورا امضاء ومبادله نماید.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه هشتم شهریور ماه یکهزار و سیصد وهیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه استخدام دوازده نفرهنرآموزاتباع آلمان برای آموزشگاه های پیشه وهنر

مصوب ۳ تیر ماه ۱۳۱۸

ماده۱ ـ وزارت پیشه وهنرمجازاست ۱۲ نفرهنرآموزبرای آموزشگاههای خود از بین هنرآموزان فعلی که مدت پیمان استخدامی آنها منقضی میشود یا اشخاصیکه جدیداً انتخاب خواهند شد برای مدت سه سال باحقوق وشرایط زیرین از تبعه آلمان استخدام نماید .

۱ ـ هنرآموزماشین‌سازی ومدیرفنی‌دانشکده صنعتی باحقوق ماهیانه ۵۶۰۰ ریال
۲ ـ هنرآموز فلزکاری با حقوق ماهیانه ۳۱۶۰ ریال
۳ ـ هنرآموزدرودگری ومتصدی کارخانه درودگری باحقوق ماهیانه ۳۶۸۰ ریال
٤ ـ هنرآموز آهنگری باحقوق ماهیانه ٤۲۵۰ ریال
۵ ـ هنرآموزآهنگری ومدیرفنی کارخانه آهنگری باحقوق ماهیانه ٤۲۵۰ ریال
٦ ـ هنرآموز ومدیرفنی هنرستان تبریز باحقوق ماهیانه ٤٤۸۰ ریال
۷ ـ هنرآموز ومدیرفنی هنرستان اصفهان باحقوق ماهیانه ٤٦۰۰ ریال
۸ ـ هنرآموز ومدیرفنی هنرستان شیراز باحقوق ماهیانه ٤۲۵۰ ریال
۹ ـ هنرآموز ومدیرفنی هنرستان مشهد باحقوق ماهیانه ۳۵۰۰ ریال
۱۰ ـ استادکاربخش آهنگری وچلنگری باحقوق ماهیانه ۳۰۰۰ ریال
۱۱ ـ استادکاربخش آهنگری وچلنگری باحقوق ماهیانه ۳۰۰۰ ریال
۱۲ ـ استادکاربخش آهنگری وچلنگری و ابزار سازی
وقطعه سازی باحقوق ماهیانه ۳۰۰۰ ریال

ماده۲ ـ هنرآموزان نامبرده میتوانند تا حدود نصف حقوق خود را بمارك دریافت نمایند .

ماده۳ ـ بهریك ازهنرآموزان ماهیانه معادل مبلغی که ازپانصد ریال تجاوز نکند کرایه منزل پرداخته خواهد شد و درصورتیکه در دانشکده یا در هنرستانها محل سکونت بآنها داده شود دیگر حقی بکرایه منزل نخواهند داشت .

ماده۴ ـ هزینه آمدن هریك ازهنرآموزان از آلمان بایران پنجاه پهلوی و هزینه بازگشت آنها نیز پنجاه پهلوی پرداخت میگردد و چنانچه عیال خود را

بهمراه بیاورند هزینه سفر عیال هریك نیز معادل مبلغی که بخود آنها داده میشود پرداخته خواهد شد لیکن پرداخت هزینه باز گشت درصورتی است که استخدام هنرآموزان تجدید نگردد .

تبصره ـ آقای هلموت روش هنرآموز الکتروتکنیك دانشکده صنعتی نیز ازلحاظ دریافت هزینه سفر باز گشت مشمول این ماده خواهد بود .

ماده۵ ـ بهریك ازهنرآموزان سالی یکماه مرخصی بااستفاده ازحقوق داده خواهد شد و درصورت بیماری تا سه ماه حقوق آنها قابل پرداخت خواهد بود .

ماده۶ ـ سایرشرایط طبق مقررات قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ استخدام خارجی ها خواهد بود .

این قانون که مشتمل برشش ماده است درجلسه سوم تیر ماه یکهزاروسیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه استخدام آقاي هانس‌ناتر تبعه سویس وآقای هاری ها کلین تبعه سوئد جهت امور فني در وزارت طرق

مصوب ۲۷ شهریور ماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ وزارت طرق مجاز است آقای هانس‌ناتر تبعه سویس و آقای هاری هاکلین تابع سوئد را باشرایط ذیل استخدام نماید :

الف ـ استخدام آقای هانس ناتر تابع سویس .

۱ ـ حقوق مشارالیه ازقرار ماهی هفده هزار (۱۷۰۰۰) ریال که نصف آن بریال و نصف دیگر آن که معادل صد و پنج (۱۰۵ لیره کاغذ) و یازده (۱۱ شلینك) انگلیسی میباشد و ازقرار هر لیره (۸۰/۵۰ ریال) درآخر هرماه پرداخته خواهد شد .

۲ ـ مدت استخدام یکسال از تاریخ شروع بکار خواهد بود .

۳ ـ یکصد (۱۰۰ لیره کاغذ) بابت هزینه مسافرت ازسویس بایران وهمچنین یکصد (۱۰۰ لیره کاغذ) برای معاودت درموقع مراجعت بمشارالیه تأدیه خواهدشد .

٤ ـ در مدت خدمت یکساله آقای هانس ناتر حق استفاده یك ماه مرخصی با استفاده ازحقوق خواهد داشت .

۵ ـ از حقوق مشارالیه طبق مقررات فعلی قانون مالیات بردرآمد مالیات گرفته خواهد شد .

٦ ـ هریك از طرفین قرارداد حق خواهند داشت با اعلام سه ماه قبل این قرارداد را فسخ نمایند .

۷ ـ درصورت توافق وزارت طرق و آقای هانس ناتر مدت استخدام مشارالیه با شرایط فوق برای یکسال دیگر قابل تمدید خواهد بود .

ب ـ استخدام آقای هاری هاکلین :

۱ ـ حقوق مشارالیه از قرار ماهی یکصد و هفتاد و پنج (۱۷۵ لیره کاغذ) میباشد که نصف بریال و نصف بارز بنرخ روز پرداخت تأدیه خواهد شد .

۲ ـ مدت استخدام مشارالیه دوسال است که ازتاریخ ۲٤ مرداد ۱۳۱۷ شروع میشود و درصورت توافق طرفین برای یکسال دیگر قابل تمدید خواهد بود .

۳ ـ برای هر یك سال خدمت حق یکماه مرخصی با استفاده حقوق خواهد داشت .

۴ ــ آقای هاری ها گلین میتواند از ایام مرخصی که بموجب قرارداد سابق استحقاق آنرا دارد و هنوز استفاده ننموده‌است نیز استفاده نماید .

۵ ــ هر یك از طرفین با اعلام دو ماه قبل حق فسخ این قرارداد را خواهند داشت .

۶ ــ درموقع مراجعت ازایران یکصد و نوزده (۱۱۹ لیره کاغذ) برای‌هزینه معاودت بمشارالیه پرداخته خواهد شد .

سایر شرایط استخدام آقایان هانس ناتر و هاری‌ها کلین را وزارت‌طرق طبق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ در ضمن عقد قرارداد رعایت خواهد نمود .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و هفتم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ــ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه استخدام نوزده‌نفر مهندس ومتخصص خارجی برای ساختمان راه‌آهن

مصوب ۱۰ خردادماه ۱۳۱۸

ماده واحده ــ وزارت راه مجاز است ۱۹ نفر مهندسین و متخصصینی را که اسامی تابعیت - سمت - میزان حقوق - هزینه سفر آمدن و معاودت آنها درصورت زیر ذکرشده برای‌مدت‌دوسال ازتاریخ اشتغال باشرایط ذیل استخدام نموده حقوق و هزینه سفر آنها را که در صورت ذکرشده پرداخت نماید :

۱ ــ اشخاص مذکور هریك حق استفاده ازیکماه مرخصی بااستفاده ازحقوق در مقابل یازده ماه خدمت خواهند داشت .

۲ ـ وزارت‌راه حق‌دارد با اخطار یکماه قبل بخدمت هر یك‌از آنها خاتمه‌دهد و اشخاص مذکور نیز با اخطار کتبی دو ماه قبل حق تقاضای فسخ قرارداد خود را خواهند داشت و در هر دو صورت حق استفاده از حقوق مدت مرخصی استحقاقی و هزینه سفر مراجعت برای آنها محفوظ است.

۳ ـ چنانچه برای اشخاص مذکوره کسالتی رخ دهد که معالجه آن بیش از یکماه بطول انجامد حقوق ایام کسالت آنها فقط برای یکماه تأدیه خواهد شد و وزارت راه در اینصورت میتواند قرارداد آنها را با پرداخت هزینه سفر مراجعت و حقوق مرخصی استحقاقی الغاء نماید.

٤ ـ در صورتیکه اشخاص مذکور در نتیجه بروز سانحه یا کسالت مزاج مجبور بترك خدمت و همچنین در صورت فوت هر یك از آنان هزینه سفر مراجعت آنها باحقوق مدت‌خدمت و مرخصی که تا آن تاریخ ذیحق‌هستند بآنها یا کسانشان تأدیه خواهد شد.

٥ ـ ازحقوق کلیه اشخاص نامبرده طبق‌مقررات فعلی مالیات بردرآمد گرفته خواهد شد.

٦ ـ سایر شرایط استخدامی این اشخاص طبق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین خواهد شد.

صورت کارمندان خارجی برای ساختمان راه آهن

شماره ترتیب	نام	تبعیت	سمت	میزان‌حقوق	میزان‌ارز	میزان‌هزینه‌سفر
۱	مهندس‌ماکس‌هیهمان	سویس	مهندس قطعه ۳ قم یزد	٤٥٠٠ ریال	٤٠/.	٤٥ لیره انگلیسی
۲	گرمیون مارك	«	مهندس برای محاسبه پلها دفتر مرکزی	۳۰۰۰ ریال	۳۰/.	۳٥ « «
۳	هرسرساموئل	«	معاونت رئیس قطعه ٤ قم یزد	۳۰۰۰ ریال	۳۰/.	۳٥ « «
٤	برنات امیل	«	معاونت رئیس قطعه ٥ قم یزد	۳٥۰۰ ریال	۳۰/.	۳٥ « «
٥	ناف هانس	«	معاونت رئیس قطعه ٦ شاهرود	۳۰۰۰ ریال	۳۰/.	۳٥ « «

شماره ترتیب	نام	تبعیت	سمت	میزان حقوق	میزان ارز	میزان هزینه سفر
۶	وگت هانس	سویس	نقشه کش دفتر مرکزی	۲۲۵۰ ریال	۳۰/.	۳۵ لیره انگلیسی
۷	ویکتورزانینی	«	نقشه کش دفتر مرکزی	۲۲۵۰ ریال	۳۰/.	۳۵ « «
۸	زوبلر فریتز	«	نقشه کش دفتر مرکزی	۲۲۵۰ ریال	۳۰/.	۳۵ « «
۹	هوك والتر	«	نقشه کش دفتر مرکزی	۲۲۵۰ ریال	۳۰/.	۳۵ « «
۱۰	مائر هانریش	«	نقشه کش دفتر مرکزی	۲۲۵۰ ریال	۳۰/.	۳۵ « «
۱۱	البرت وینتلر	فرانسه	مهندس قطعه ۵ خططهران آذربایجان	۵۰۰۰ ریال	۴۰/.	۴۰ « «
۱۲	کریستین	سویس	مهندس حوزه خط تهران آذربایجان	۶۰۰۰ ریال	۵۰/.	۴۰ « «
۱۳	براندستینی	ایتالیا	مهندس برای محاسبه پلها	۵۰۰۰ ریال	۴۰/.	ندارد
۱۴	وان بل	بلژیکی	رئیس شعبه قراردادها	۷۰۰۰ ریال	۴۰/.	ندارد
۱۵	بوکلر	هنگری	مهندس حوزه خط قم یزد	۷۵۰۰ ریال	۵۰/.	ندارد
۱۶	اینگر	آلمان	مهندس قطعه ۳ خط آذربایجان	۴۵۰۰ ریال	۴۰/.	ندارد
۱۷	یوروزویچ	«	مهندس قطعه ۵ خط مشهد	۲۵۰۰ ریال	۴۰/.	ندارد
۱۸	اشتاینر	«	مهندس حوزه خط مشهد	۶۵۰۰ ریال	۵۰/.	ندارد
۱۹	پطرسن	استونی	رئیس ریل گذاری خط گرمسار	۵۵۰۰ ریال	۵۰/.	۲۰۰۰ ریال

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه دهم خرداد ماه یکهزار وسیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .　　رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه استخدام هیجده نفر مهندسین ومتخصصین کارمندان خارجی ساختمان خطوط راه آهن

مصوب ۸ شهریور ۱۳۱۸

ماده واحده ـ وزارت راه مجازاست ۱۸ نفر مهندسین ومتخصصینی را که اسامی تابعیت ـ سمت ـ میزان حقوق ـ هزینه سفر آمدن و بر گشتن آنها درصورت ضمیمه ذکر شده برای مدت دوسال از تاریخ اشتغال با شرایط ذیل استخدام نموده وحقوق وهزینه سفر آنها را که درصورت ذکر شده پرداخت نماید .

۱ ـ اشخاص مذکوره هریك حق استفاده از یکماه مرخصی بااستفاده از حقوق درمقابل یازده ماه خدمت خواهند داشت .

۲ ـ وزارت راه حق دارد بااخطار کتبی یکماه قبل بخدمت هریك از آنها خاتمه دهد و اشخاص مذکور نیز بااخطار کتبی دو ماه قبل حق تقاضای فسخ قراداد خود را خواهند داشت و در هر صورت حق استفاده از حقوق مدت مرخصی استحقاقی و هزینه سفر مراجعت برای آنها محفوظ است .

۳ ـ چنانچه برای اشخاص مذکوره کسالتی رخ دهد که معالجه آن بیش از یکماه بطول انجامد حقوق ایام کسالت آنهافقط برای یکماه تأدیه خواهدشد وزارت راه میتواند قرارداد آنهارا باپرداخت هزینه سفرمراجعت وحقوق مرخصی استحقاقی الغاء نماید .

۴ ـ درصورتیکه اشخاص مذکور درنتیجه بروزسانحه یا کسالت مزاج مجبور بترك خدمت شوند وهمچنین درصورت فوت هریك از آنان هزینه سفر مراجعت آنها با حقوق مدت خدمت و مرخصی که تاآن تاریخ ذیحق هستند بمشارالیهم یا کسان آنها تأدیه خواهد شد .

۵ ـ ازحقوق کلیه اشخاص مذکوره درصورت ضمیمه طبق مقررات فعلی مالیات بردرآمد گرفته خواهد شد .

۶ ـ سایر شرایط استخدامی این اشخاص طبق قانون ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ تعیین خواهد شد .

این قانون که مشتمل بریك ماده وصورت پیوست است درجلسه هشتم شهریور ماه یکهزار وسیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

صورت هیجده تن کارمندان خارجی اداره کل ساختمان راه آهن

شماره ترتیب	نام	تابعیت	سمت	حقوق ماهیانه بریال	نسبت ارزی حقوق	میزان هزینه مسافرت در هر مرتبه
۱	ستوئلوف	بلغار	مهندس قطعه	پنج هزار	سی در صد	سی‌وپنج لیره
۲	ادك میشل	سوریه	معاون مهندس قطعه	دوهزارو پانصد	بیست درصد	بیست‌وپنج «
۳	ژوزف لازار	چك	مهندس قطعه	چهارهزارو پانصد	سی در صد	سی و پنج «
۴	راول برون	هنگری	مهندس معمار	سه هزارو پانصد	سی در صد	ندارد
۵	مارگولیس	لبنان	معاون مهندس قطعه	سه هزار	سی در صد	بیست‌وپنج لیره
۶	کارل هروات	هنگری	مهندس متصدی شعبه تأسیسات فنی	چهارهزاروپانصد	چهل درصد	ندارد
۷	ژرژ مولر	سویس	مهندس قطعه	سه‌هزارو دویست	سی در صد	سی‌وپنج لیره
۸	ژاروزلاو کلابیك	چك	متخصص حسابداری فنی	دوهزار وپانصد	سی در صد	ندارد
۹	آلفرد کالبانی	سویس	مهندس قطعه	پنجهزاروپانصد	سی در صد	سی‌وپنج لیره
۱۰	ژرژفارکاس	هنگری	مهندس معمار	سه هزارو پانصد	سی در صد	ندارد
۱۱	پیر رکاس	سویس	مهندس قطعه	سه‌هزاروهشتصد	سی در صد	سی‌وپنج لیره
۱۲	زرك‌ماکس	سویس	مهندس قطعه	چهارهزاروپانصد	سی در صد	چهل‌وپنج لیره
۱۳	زاگانلی	ایتالیا	مهندس قطعه	چهارهزار	سی در صد	ندارد
۱۴	لوسین‌سمونسن	بلژیك	معاون مهندس قطعه	سه هزاروسیصد	سی در صد	سی‌وپنج لیره
۱۵	پیرویل	سویس	مهندس متخصص تاسیسات آب و لوله کشی	چهارهزار	بیست‌وپنج‌درصد	ندارد
۱۶	فرانس‌رویس	بلژیك	مهندس قطعه	چهارهزار	سی در صد	چهل‌وپنج لیره
۱۷	ایلینسکی بازیل	مهاجرروسیه دارای گذرنامه نانسن	مهندس قطعه	چهارهزارودویست	سی در صد	چهل‌وپنج لیره
۱۸	ارنلد فریدمان	آلمان	معاون مهندس قطعه	دوهزاروهشتصد	بیست‌درصد	ندارد

صورت بالا پیوست قانون استخدام هیجده نفر کارمندان خارجی ساختمان راه آهن بوده وصحیح است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه استخدام آقای ویلهلم وبر تبعه آلمان برای چاپخانه مجلس

مصوب ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۱۷

ماده اول ـ کارپردازی مجلس شورای ملی مجازاست آقای ویلهلم وبر تبعه آلمان را از ۱۴ فروردین ۱۳۱۸ بمدت دوسال شمسی برای سرپرستی ماشین آلات جدید مربوط بچاپ سرب و اشتروتیپی و غیره و نصب ماشین آلات جدید چاپخانه مجلس استخدام نماید.

ماده دوم ـ حقوق دوساله او نود وشش هزار ریال خواهد بود که در آخر هر ماه شمسی مبلغ چهار هزار ریال که نصف آن بریال و معادل نصف دیگر بارز خارجی (از محل ارزی بودجه مجلس شورای ملی) پرداخته میشود.

ماده سوم ـ برای هزینه آمدن او بطهران مبلغ دو هزاروپانصد ریال وبرای باز گشتن نیز دو هزار وپانصد ریال منظور خواهد شد.

ماده چهارم ـ آقای ویلهلم وبر در هر سال یکماه مرخصی با استفاده از حقوق خواهد داشت.

ماده پنجم ـ کارپردازی مجلس مجاز است مطابق ماده دوم قانون کنترات مستخدمین خارجی مصوبه ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ سایر شرایط را تعیین و قرارداد آقای ویلهلم وبر را امضا نماید.

این قانون که مشتمل بر پنج ماده‌است درجلسه بیست و پنجم اردیبهشت ماه یکهزار وسیصدو هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه استخدام آقای آدالبرت اشترا کاتی تبعه آلمان برای چاپخانه مجلس

مصوب ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۷

ماده اول - کارپردازی مجلس شورای ملی مجازاست آقای آدالبرت اشترا کاتی تبعه آلمان را از دهم امرداد ۱۳۱۷ بمدت دو سال شمسی برای راه انداختن ماشین چاپ فوتورتو گراور و تیزآب زنی و چاپ و ترکیب رنگ وکلیه کارهای مربوطه به فوتورتو گراور چاپخانه مجلس و سایر امورچاپ که مشارالیه معلومات وتخصص دارد و از سوی کارپردازی مجلس بمشارالیه مراجعه شود استخدام نماید.

ماده دوم - حقوق دوساله او یکهزارودویست لیره انگلیسی خواهد بود که درآخر هرماه شمسی مبلغ پنجاه لیره نصف آن بریال و نصف دیگر بارز خارجی «از محل ارزی بودجه مجلس شورای ملی» پرداخته میشود.

ماده سوم - برای هزینه آمدن او به تهران مبلغ دو هزار و پانصد ریال و برای باز گشتن نیز دو هزار و پانصد ریال منظور خواهد شد.

***ماده چهارم** - آقای آدالبرت اشترا کاتی در هرسال چهارده روز مرخصی با استفاده از حقوق خواهد داشت.

ماده پنجم - کارپردازی مجلس شورای ملی مجاز است مطابق ماده دوم قانون کنترات مستخدمین خارجی مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ سایرشرایط را تعیین وقرارداد آقای آدالبرت اشترا کاتی را امضاء نماید.

این قانون که مشتمل برپنج ماده است در جلسه ۲۰ شهریور ماه یکهزار و سیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

* طبق قانون ۲۱ اسفندماه ۱۳۱۷ در هر سال یکماه مرخصی با استفاده از حقوق تصویب وماده چهارم حذف شده است.

قانون

اجازه تجدید استخدام آقاي اتوموزر تبعه آلمان مدیرفنی چاپخانه مجلس

مصوب ۱۰ تیرماه ۱۳۱۸

ماده اول - کارپردازی مجلس شورای ملی مجازاست آقای اتوموزر تبعه آلمان را از آغاز آبان ماه ۱۳۱۸ بمدت یکسال شمسی دیگر برای مدیریت فنی قسمتی ازامور چاپخانه مجلس (که درقرارداد مشارالیه تصریح خواهد شد) استخدام نماید

ماده دوم - حقوق یکساله او مبلغ پنجاه و چهار هزار (۵۴۰۰۰) ریال خواهدبود که درآخر هرماه شمسی نصف بریال ونصف بامارك آلمان پرداخته شود.

ماده سوم - برای هزینه بازگشت مشارالیه بآلمان مبلغ چهار هزار ریال منظور خواهد شد.

ماده چهارم - آقای اتوموزر در سال یکماه مرخصی با استفاده حقوق خواهد داشت.

ماده پنجم - کار پردازی مجلس اجازه دارد مطابق ماده دوم قانون کنترات مستخدمین خارجی مصوب ۲۳ عقرب ۱۳۰۱ سایرشرایط را تعیین و قرارداد آقای اتوموزر را امضاء نماید.

این قانون که مشتمل بر پنج ماده است درجلسه دهم تیرماه یکهزاروسیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اجازه استخدام آقاي ويليام هانری ربرتس تبعه انگليس حسابدارمتخصص

مصوب ۷ آذر ۱۳۱۶

ماده اول ـ وزارت ماليه مجازاست آقای ويليام هانری ربرتس تبعه انگليس را بعنوان حسابدار متخصص از تاريخ بيست و سوم مرداد ماه ۱۳۱٦ (هفت روز قبل از ورود به تهران) برای مدت سه سال استخدام نمايد.

ماده‌دوم ـ حقوق آقای ويليام هانری ربرتس ازقرار ماهی ۸ ـ ٦ ـ ۸۳ ليره (هشتاد وسه ليره وشش شلينك و هشت پنس) و ٤۳۱/۵۰ ريال روز پانزدهم هرماه شمسی ايرانی تأديه خواهد شد هرگاه موقع پرداخت حقوق ارزش ليره استرلينگ بپول رايج ايران كاهش حاصل نمايد وكمتراز پنجاه ريال درهرليره بشود نيم حقوق مزبور به اختيار آقای ربرتس بپول رايج ايران ازقرار نرخ ثابت (۵۰ ريال) درهر ليره پرداخت خواهد شد.

ماده‌سوم ـ پنجاه ليره نيز بعنوان فوق‌العاده اثاثيه دريك وهله به‌آقای ربرتس تأديه خواهد شد.

ماده چهارم ـ تهيه منزل واثاثيه ضروری و آب و روشنائی وهزينه آن در تمام مدت استخدام آقای ربرتس برعهده دولت خواهد بود.

ماده‌پنجم ـ هزينه مسافرت آقای ربرتس و خانمش اياباً و ذهاباً از لندن بتهران وبالعكس وهزينه مسافرت آقای ربرتس درايران درمدت مأموريت بنحوی كه درقرارداد استخدام او پيش بينی ميشود برعهده دولت خواهد بود.

ماده‌ششم ـ آقای ربرتس درمدت استخدامش به شش ماه مرخصی با حقوق

فهرست قسمت پنجم - تصویبات مالی

فهرست قسمت پنجم - تصویبات مالی

فهرست قسمت پنجم - تصویبات مالی

قسمت پنجم

تصویبات مالی

الف - بودجه ها

قانون

تفریغ محاسبه فاضل درآمد شش ساله چاپخانه مجلس

مصوب ۳۱ تیرماه ۱۳۱۸

ماده اول - فاضل درآمد شش‌ساله چاپخانه مجلس ازسال ۱۳۱۰ تاسال ۱۳۱٤ برطبق ماده ٤ قانون بودجه سال ۱۳۱۱ مجلس مصوب ۲۳ فروردین ۱۳۱۱ وسال ۱۳۱٥ برطبق ماده ۳ قانون بودجه سال ۱۳۱٥ مجلس مصوب ۲٦ اسفند ۱۳۱٤ که برای خرید ماشین آلات جدید وتکمیل اثاثیه وساختمان چاپخانه مجلس اختصاص یافته بودجعاً به مبلغ سه ملیون ویکصد وبیست وهشت هزار وهشتصد وپانزده ریال وهفتاد وپنج دینار برطبق ریز قسمت اول صورت پیوست تصویب میشود.

ماده دوم - مبلغ سه ملیون ویکصدوبیست وهفتهزار وهشتصدوسی وهفت ریال وپنجاه دینار ازبابت خرید اثاثیه وماشین آلات جدید وهزینه ساختمان چاپخانه مجلس ازمحل اعتبار ماده اول نامبرده بالا برطبق ریز قسمت دوم صورت پیوست تصویب میشود.

این قانون که مشتمل بر دو ماده و صورت پیوست است در جلسه ۳۱ تیر ماه ۱۳۱۸ بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

صورت پیوست قانون تفریغ محاسبه فاضل در آمد چاپخانه مجلس

قسمت اول ـ صورت ریز درآمد شش ساله چاپخانه مجلس برای خرید ماشین آلات وتکمیل اثاثیه وساختمان چاپخانه مجلس .

گزارش	مبلغ جزء - دینار	مبلغ جزء - ریال	مبلغ کل - دینار	مبلغ کل - ریال
برطبق قانون تفریغ بودجه سال ١٣١٠ مجلس مصوب ٢٠ دی ١٣١١ فاضل درآمد چاپخانه مجلس	٤٥	٣٤٧١٠٥		
برطبق قانون تفریغ بودجه سال ١٣١١ مجلس مصوب ٢٧ اسفند ١٣١٢ فاضل درآمد چاپخانه مجلس	٩٥	٢٨٧٦٢٩		
برطبق قانون تفریغ بودجه سال ١٣١٢ مجلس مصوب ٢١ اسفند ١٣١٣ فاضل درآمد چاپخانه مجلس	٣٠	٢٧٣٢٠٣		
برطبق قانون تفریغ بودجه سال ١٣١٣ مجلس مصوب ٢٦ بهمن ١٣١٤ فاضل درآمد چاپخانه مجلس	٩٠	٧٣٤٦٣٢		
برطبق قانون تفریغ بودجه سال ١٣١٤ مجلس مصوب دوم اسفند ١٣١٥ فاضل درآمد چاپخانه مجلس	١٥	١٠٨٦٢٤٤		
برطبق قانون تفریغ بودجه سال ١٣١٥ مجلس مصوب ١٥ اسفند ١٣١٦ فاضل درآمد چاپخانه مجلس		٤٠٠٠٠٠	٧٥	٣١٢٨٨١٥

قسمت دوم ـ صورت خرید اثاثیه و ماشین‌آلات جـدید و هزینه ساختمان چاپخانه مجلس ازمحل فاضل‌درآمد شش ساله چاپخانه مجلس

گزارش	مبلغ جزء		مبلغ کل	
	دینار	ریال	دینار	ریال
از بابت خرید اثاثیه و لوازم چاپخانه مجلس درسال ١٣١١ موجب اسناد هزینه	٣٠	٦٨٠١١		
از بابت خرید اثاثیه و لوازم چاپخانه مجلس درسال ١٣١٢ موجب اسناد هزینه	٩٥	٣٠٦٢٤٦		
از بابت خرید اثاثیه و لوازم چاپخانه مجلس درسال ١٣١٣ موجب اسناد هزینه	٧٠	١٧٨٤٦٣		
از بابت خرید اثاثیه و لوازم چاپخانه مجلس درسال ١٣١٤ موجب اسناد هزینه	٣٠	٢٩٤٧٩٨		
از بابت خرید اثاثیه و لوازم چاپخانه مجلس درسال ١٣١٥ موجب اسناد هزینه	٦٥	١٠٣٩٥٢		
از بابت خرید اثاثیه و لوازم چاپخانه مجلس درسال ١٣١٦و١٣١٧ موجب اسناد هزینه	٣٠	١٧٠٦٤٥٥	٢٠	٢٦٥٧٩٢٨

گزارش	مبلغ جزء		مبلغ کل	
	دینار	ریال	دینار	ریال
ازبابت هزینه ساختمان اطاق حروف‌ریزی چاپخانه مجلس در سال ۱۳۱۲ موجب اسناد هزینه	۲۰	۵۱۷۵۵		
از بابت هزینه ساختمان عمارت معروف به پست و تلگراف متصل به چاپخانـه مجلس در سال ۱۳۱۲ موجب اسناد هزینه	۳۵	۵۲۸۳۷		
از بابت هزینه ساختمان موتورخانه جدید چاپخانه متصل بـه اطاق آکومولاتر در سال ۱۳۱۲ موجب اسناد هزینه	۹۵	۲۴۲۶۰		
از بابت هزینه ساختمان عمارت جدید چاپخانه در وسط باغ درسال ۱۳۱۴ موجب اسناد هزینه	۰۵	۳۳۸۷۲۵		
از بابت هزینه ساختمان انبارجدید چاپخانه درسال ۱۳۱۵ موجب اسناد هزینه	۷۵	۲۳۳۰	۳۰	۴۶۹۹۰۹
جمع کل خرید اثاثیه‌وهزینه ساختمان‌چاپخانه‌مجلس			۵۰	۳۱۲۷۸۳۷

این‌صورت پیوست قانون تفریغ محاسبه فاضل‌درآمد شش‌ساله چاپخانه‌مجلس بوده وصحیح است.

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن‌اسفندیاری

قانون

تفریغ بودجه یکساله ۱۳۱۵ مجلس شورای ملی

مصوب ۱۵ اسفند ماه ۱۳۱٦

ماده اول ـ هزینه مجلس شورای ملی از بابت دوازده ماهه سال ۱۳۱۵ موافق قسمت ۱ و ۲ ضمیمه بر طبق بودجه مصوبه مبلغ هفت میلیون و چهارصد و شصت و یکهزار و یکصد وچهار ریال وهشتاد وپنج دینار تصویب میشود .

ماده‌دوم ـ درآمد چاپخانه مجلس وصورت مذاکرات مجلس وباغ بهارستان از بابت سال ۱۳۱۵ موافق قسمت۳ ضمیمه بمبلغ دومیلیون و پنجاه‌ونه هزاروپانصد و هشتاد وسه ریال و بیست و پنج دینار برطبق ماده سوم بودجه سال ۱۳۱۵ مجلس مصوب ۲٦ اسفند ۱۳۱٤ بطریق ذیل تصویب میشود .

برای رفع نواقص و تکمیل اثاثیه چاپخانه مجلس بمصرف رسیده‌است	٤۰۰۰۰۰ ریال
در وجه خزانه مملکتی کارسازی گردیده است	۱٦۵۹۵۸۳/۲۵ »
جمع	۲۰۵۹۵۸۳/۲۵ »

این قانون که مشتمل بر دوماده وصورت‌ضمیمه‌است درجلسه‌پانزدهم اسفندماه ۱۳۱٦ بتصویب‌مجلس شورای‌ملی‌رسید . رئیس‌مجلس شورای‌ملی ـ حسن‌اسفندیاری

فقرات	گزارش	مبلغ جزء — دینار	مبلغ جزء — ریال	مبلغ کل — دینار	مبلغ کل — ریال
	ماده اول				
	قسمت اول				
١	مقرری آقایان نمایندگان محترم و تفاوت مقرری ریاست معظم مجلس		٤٥٧٠٩٠٠		
٢	حقوق کارکنان اداره قانون گزاری و اعتبار خصوصی	٤٠	٥٣٠٧٠٤		
٣	حقوق کارکنان اداره کارپردازی	٧٠	٧١١٥٢٦		
٤	هزینه ماهانه و سالانه	٨٠	٨٨١١٩٦	٩٠	٦٦٩٤٣٢٧
	قسمت دوم				
١	حقوق کارکنان چاپخانه مجلس	٥٠	٥٥٩١٣١		
٢	هزینه چاپخانه مجلس	٤٥	٢٠٧٦٤٥	٩٥	٧٦٦٧٧٦
	جمع کل هزینه سال ۱۳۱۵ مجلس و چاپخانه			٨٥	٧٤٦١١٠٤
	ماده دوم ـ قسمت سوم				
	درآمد چاپخانه مجلس	٥٠	٢٠٣٣٠٨٩		
	درآمد باغ بهارستان	٧٠	٤٧٥٨		
	درآمد صورت مذاکرات مجلس	٠٥	٢١٧٣٥	٢٥	٢٠٥٩٥٨٣

صورت بالا ضمیمه قانون تفریغ بودجه سال ۱۳۱۵ مجلس شورای ملی بوده و صحیح است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

تفریغ بودجه یکساله یکهزار وسیصد وشانزده مجلس شوراي ملي

مصوب ۳۱ تیرماه ۱۳۱۸

ماده اول ـ هزینه مجلس شورای‌ملی ازبابت دوازده ماهه سال ۱۳۱۶ موافق قسمت ۱ و ۲ پیوست برطبق بودجه مصوبه مبلغ هفت میلیون وششصدو شانزده‌هزار وسیصدونود وهفت ریال و چهل وپنج دینار تصویب میشود .

ماده‌دوم ـ در آمد چاپخـانه مجلس از بابت سال ۱۳۱۶ موافق قسمت ۳ پیوست بمبلغ دو میلیون و هفتصد وسی و پنجهزار و چهار صد و سی و سه ریال و پنجاه دینار تصویب میشود .

این‌قانون که‌مشتمل بردوماده وصورت پیوست‌است درجلسه ۳۱ تیرماه ۱۳۱۸ بتصویب مجلس‌شورای‌ملی رسید .　　رئیس‌مجلس‌شورای‌ملی - حسن اسفندیاری

صورت پیوست قانون تفریغ بودجه یکساله ۱۳۱۶ مجلس شورای ملی

فقرات	گزارش	مبلغ جزء - ریال	مبلغ جزء - دینار	مبلغ کل - ریال	مبلغ کل - دینار
	ماده اول				
	قسمت اول				
۱	مقرری آقایان نمایندگان محترم و تفاوت مقرری ریاست معظم مجلس	۳۵۰۰۱۰۰			
۲	حقوق کارمندان اداره قانون گزاری و اعتبار خصوصی	٥٦٠٣٤٠			
۳	حقوق کارمندان و خدمت گزاران کارپردازی	۷۳۱٥٤۹	٤٥		
٤	هزینه ماهانه وسالانه	۹۰۸۰٤٥	۱۰	٥۷۰۰۰۳٤	٥٥
	قسمت دوم				
۱	حقوق کار کنان چاپخانه مجلس	٦۹۳٤٥۳	۷۰		
۲	خرید اثاثیه وهزینه چاپخانه مجلس	۱۲۲۲۹۰۹	۲۰	۱۹۱٦۳٦۲	۹۰
	جمع کل ماده اول هزینه سال ۱۳۱٦ مجلس و چاپخانه			۷٦۱٦۳۹۷	٤٥
	ماده دوم				
	قسمت سوم				
	درآمد چاپخانه			۲۷۳٥٤۳۳	٥۰

قانون

تصویب بودجه سال ۱۳۱۶ وزارت تجارت

مصوب ۳۰ آبان ماه ۱۳۱۶

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی بودجه سال **۱۳۱۶** وزارت تجارت را که مبلغ آن بالغ برچهار میلیون وهشتصد هزار و هشتصد وهفتاد و شش ریال میباشد بشرح صورت ضمیمه تصویب مینماید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده و صورت ضمیمه است درجلسه سی‌ام آبان یکهزاروسیصد وشانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

بودجه سال ۱۳۱۶ وزارت صناعت

مصوب ۳۰ آبانماه ۱۳۱۶

ماده واحده ـ مجلس‌شورای ملی بودجه تفصیلی سال **۱۳۱۶** وزارت صناعت راکه مبلغ آن بالغ برشش میلیون و هشتاد و نه هزار وهفتصد و ده ریال میباشد و درضمن بودجه کل کشور بتصویب مجلس شورای ملی رسیده است بشرح صورت ضمیمه تصویب مینماید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده وصورت ضمیمه است درجلسه سی‌ام آبان ماه یکهزار وسیصد وشانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

بودجه کل سال ۱۳۱۷ کشور

مصوب ۱۵ اسفند ماه ۱۳۱۶

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی بودجه سال ۱۳۱۷ کشور را (باستثنای درآمدی که بابت حق‌الامتیاز نفت وصول و به حساب اندوخته کشوری منظور میشود) مطابق صورت ضمیمه که ازحیث درآمد بمبلغ یکهزار و پانصد و بیست و نه میلیون وسیصد ونود و دوهزارششصد و چهل هشت ریال (۱۵۲۹۳۹۲۶۴۸ ریال) و ازحیث هزینه به یکهزار و پانصد و بیست وهفت میلیون و پانصد و هیجده هزار و پانصد و شصت و دوریال (۱۵۲۷۵۱۸۵۶۲ ریال) بالغ میباشد تصویب و بوزارت مالیه اجازه میدهد که هزینه عمومی کشور را اعم از حقوق و مصارف در سال ۱۳۱۷ در حدود اعتبارات مصوب درصورت ضمیمه مطابق بودجه‌های تفصیلی سال ۱۳۱۶ تا حدی‌که اعتبارات مصوبه در بودجه های مزبور ضمن بودجه های ۱۳۱۷ نیز منظور شده باشد بپردازد تاوقتی‌که بودجه‌های تفصیلی سال ۱۳۱۷ که باید تاآخراردیبهشت ماه ۱۳۱۷ بمجلس شورای ملی تقدیم گردد بکمیسیون بودجه مجلس ارجاع شود و مادام که بودجه های تفصیلی ازتصویب کمیسیون بودجه نگذشته هزینه مزبوررا مطابق بودجه های پیشنهادی و پس‌ازتصویب کمیسیون طبق آنچه که تصویب شده است بپردازد.

این قانون‌که مشتمل بریك ماده وصورت ضمیمه‌است درجلسه پانزدهم اسفند ماه یکهزار وسیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

باب اول .. درآمد

شماره ردیف	ماده درآمدها	پیش بینی سال ۱۳۱۷ بریال	ملاحظات
	وزارت دارائی		
	مالیات مستقیم		
۱	مالیات بردرآمد وحق تمبر و سایر اوراق انتقال وجه	۱۴۰۰۰۰۰۰۰	
۲	مالیات ارث	۱۳۰۰۰۰۰۰	
۳	بقایای مالیات املاك مزروعی	۳۸۰۰۰۰۰	
۴	بازخرید منال خالصجات انتقالی	۲۰۰۰۰۰	
	مالیات غیر مستقیم		
۵	مالیات صدی سه ومتفرقه	۵۵۰۰۰۰۰۰۰	
۶	مالیات نفت وبنزین	۷۰۰۰۰۰۰۰	
۷	مالیات رسومات و متفرقه وسود شرکتهای نوشابه سازی که دولت سهیم است	۴۲۰۰۰۰۰۰	
۸	مالیات ذبایح ومتفرقه	۱۰۰۰۰۰۰۰	
۹	حق الثبت وسایل نقلیه غیرموتوری وبقایا	۸۰۰۰۰۰	
۱۰	درآمد جنگلها ومتفرقه	۷۰۰۰۰۰	
۱۱	درآمد متفرقه غیر مستقیم بانضمام درآمد لاتار وحراج	۱۰۰۰۰۰۰	
	گمرك		
۱۲	حقوق گمرکی قندوچای وشکروسایر رسیده وفرستاده ها ودرآمد شانسلری وسرب وانبار ومتفرقه	۴۲۱۵۰۰۰۰۰	
	انحصارها		
۱۳	درآمد انحصار دخانیات	۱۸۰۰۰۰۰۰۰	
۱۴	درآمد انحصار تریاك وحق الصدور صادرات تریاك	۸۵۰۰۰۰۰۰	
۱۵	درآمد انحصار قماش	۸۲۰۰۰۰۰۰	
۱۶	درآمد انحصار کبریت	۵۰۰۰۰۰۰۰	
	امتیازات		
۱۷	حق الامتیاز تلفون وبقایای آن	۲۰۰۰۰۰	
۱۸	حق الامتیاز ودرآمد دولت ازشرکت شیلات وبقایای آن	۱۱۲۰۰۰۰۰	

شماره ردیف	ماده درآمدها	پیش بینی سال ۱۳۱۷ بریال	ملاحظات
۱۹	درآمد سایر امتیازات وبقایای آن	۳۲۰۰۰۰	
۲۰	حقوق نمایندگی دولت درنفت جنوب	۲۰۰۰۰۰	
	منافع سهام دولتی		
۲۱	سود سهام بانك ملی ایران	۸۵۰۰۰۰۰۰	
۲۲	سود سهام شرکت قماش	۵۰۰۰۰۰۰	
۲۳	سود سهام نفت جنوب	٤۰۰۰۰۰۰	
۲٤	سود سهام بانك صنعتی وفلاحتی	۲۰۰۰۰۰۰	
۲۵	سود سهام شرکت بیمه ایران	۸۰۰۰۰۰	
۲٦	سود سهام شرکت مرکزی	۱۰۰۰۰۰۰۰	
۲۷	صدی پانزده حق العمل دائره اتومبیل شرکت سهامی مرکزی	۱۵۰۰۰۰۰۰	
	خالصجات ، معادن ، شیلات داخلی		
۲۸	درآمد خالصجات	۱۵۰۰۰۰۰۰	
۲۹	درآمد معادن وخاك سرخ و عشریه معادن سطح الارضی وشیلات داخلی	۱۸۰۰۰۰۰۰	
	درآمد انتقالی از وجوه مخصوصه		
۳۰	صدی ۳ مالیات راه ودرآمد انحصار قندوچای برای مصارف وصول	۸۳۰۰۰۰۰۰	
۳۱	سهم معارف ازمالیات راه بموجب (بندب) ازماده ٦ قانون مالیات راه مصوب ۸ شهریور ۱۳۱۱	۲٦۰٦٦۰۷	
۳۲	سهم بهداری ازمالیات راه بموجب (بندج) از ماده فوق	۷۲٤۱۳۰	
۳۳	سهم بهداری از درآمد بندری طبق ماده٤ قانون اجازه اخذ عوارض بندری ازقرار هر سیصد کیلو بار ۵۰ دینار	٤٤۰۰۰۰	
۳٤	صدی چهار قیمت پوست بره صدوری موضوع ماده۲ قانون ۱٤ تیر ۱۳۰٤	۱۵۰۰۰۰۰	
	مطالبات دولت		
۳۵	مطالبات دولت ازاشخاص که بوسیله وزارت مالیه وصول میشود	۲۰۰۰۰۰۰	

شماره ردیف	ماده درآمدها	پیش بینی سال ۱۳۱۷ بریال	ملاحظات
	مجلس شورای ملی		
۲۶	درآمد چاپخانه وباغ بهارستان	۲۵۰۰۰۰۰	
	وزارت عدلیه		
۳۷	درآمد محاکم	۴۰۰۰۰۰۰	
۳۸	درآمد مأمورین صلح ونمایندگی پارکه‌ها موضوع قانون ۲۴ تیرماه ۱۳۰۹	۱۰۰۰۰۰۰	
۳۹	درآمد ثبت اسناد واملاك	۱۲۷۰۰۰۰۰	
۴۰	درآمد حق نسبی‌از حق‌الاجرای ثبت‌اسناد موضوع ماده ۱۳۱ قانون‌ثبت‌اسنادواملاك‌مصوب ۲۶ اسفندسال ۱۳۱۰	۶۰۰۰۰	
۴۱	صد بیست وپنج درآمد ثبت اسناد واملاك	۳۱۵۰۰۰۰	
۴۲	حق السهم صاحبان محاضر رسمی	۱۵۰۰۰۰۰	
۴۳	درآمد فروش اوراق ودفاتر	۸۳۰۰۰۰	
	وزارت کشور		
۴۴	درآمد شهربانی وگذرنامه واقامت اتباع خارجه	۱۷۵۰۰۰۰	
۴۵	درآمد بهداری از قبیل فروش تمبر و ادویه مخدره و انستیتو پاستور	۳۰۶۵۰۰۰	
۴۶	درآمد حاصله ازمعاینه بهداری ناوها وقرنطینه ها	۱۰۰۰۰۰	
۴۷	درآمد ثبت احوال	۵۵۰۰۰۰۰	
	وزارت امور خارجه		
۴۸	شانسلری	۱۰۰۰۰۰۰۰	
	وزارت پست وتلگراف		
۴۹	درآمد پست	۱۰۰۰۰۰۰۰۰	
۵۰	درآمد تلگراف بی‌سیم وباسیم	۱۸۰۰۰۰۰۰۰	
۵۱	وجوهیکه شرکت تلفن برای هزینه نظارت تلفن بوزارت پست میپردازد	۴۰۰۰۰	
۵۲	متفرقه	۱۵۰۰۰۰۰	

باب دوم – هزینه

شماره ردیف	ماده درآمدها	پیش بینی سال ۱۳۱۷ بریال	ملاحظات
	وزارت معارف		
۵۳	درآمد شهریه آموزشگاههای غیر ابتدائی	۸۵۰۰۰۰۰	
۵۴	درآمد تمبر جواز وتصدیقنامه وغیره	۸۱۰۰۰۰۰	
۵۵	درآمد فروش کتب سالیانه وبرنامه‌ها	۱۸۰۰۰۰	
۵۶	درآمد متفرقه	۳۰۰۰۰۰	
	وزارت تجارت		
۵۷	درآمد تمبر ازقبیل تمبر درخواست پروانه تجارت	۸۳۰۹	
۵۸	درآمد فروش اوزان وتتمه بهای اجناس ممنوعه	۵۰۰۰۰۰۰	
	وزارت صناعت ومعادن		
۵۹	درآمد هنرستانها	۴۵۰۰۰۰	
۶۰	درآمد زری وکاشی وغیره	۳۵۰۰۰۰	
۶۱	درآمد کارخانه سیمان	۶۲۰۰۰۰۰۰	
۶۲	درآمد کارخانه قیراندود واشباع تراورس	۱۷۰۰۰۰۰۰	
۶۳	درآمد کارخانجات قندسازی	۴۰۴۳۴۱۰۲	
	اداره کل فلاحت		
۶۴	درآمد مزارع امتحانیه	۲۰۰۰۰۰۰	
	سایر درآمدها		
۶۵	درآمد متفرقه وغیر مترقبه	۲۵۰۰۰۰۰۰	
۶۶	درآمد گذرنامه	۱۸۰۰۰۰۰	
۶۷	انتقالی بحساب ۱۳۱۷ بابت درآمد مربوطه بسال ۱۳۱۶	۲۷۰۰۰۰۰۰	
		۱۰۲۹۳۹۲۶۴۸	

ماده	شرح	بودجه ١٣١٧ بریال	ملاحظات
١	وزارت دربار ودفتر مخصوص شاهنشاهی	٥٢٠٧٤٨٠	
٢	مجلس شورای ملی	٩٨٦٠٠٠٠	
٣	ریاست وزراء	٩٤٢٠٠٠	
	وزارت جنگ		
٤	وزارت جنگ ـ هزینه سفر و هزینه تحصیل دانشجویان وزارت جنگ ونیروی دریائی ـ حقوق وهزینه مستخدمین خارجی ارتش ونیروی دریائی	٣٢٣٧٢٩٩٨٠	
٥	اداره امنیه	٣٠٦٧٨٤٠٠	
	وزارت داخله		
٦	وزارت داخله	١٣٧٠٠٠٠٠	
٧	اداره کل شهربانی	٣٥٦٧٩١٢٦	
٨	اداره راهنمای نامه‌نگاری	٤٦٢٧٠٠	
٩	اداره کل بهداری	٢٧٢٧٠٠٤٠	
١٠	بنگاه پاستور	١٧٢٢١١٠	
١١	اعتبار فوق‌العاده مأمورین صحی‌جهت بررسی بهداری در بنادر وقرنطینه‌ها	١٠٠٠٠	
١٢	بیمارستان جدید تهران	٥٠٠٠٠٠٠	
١٣	اداره کل آمار وثبت احوال	١٥٥٠٠٠٠٠	
١٤	هزینه طبع اوراق و سایر هزینه معینه در تبصره قانون مصوب ٢٣ اردیبهشت ١٣١٣	١٠٠٠٠٠	
١٥	هزینه مجالس سربازگیری در داخله کشور و در خارجه و سایر هزینه‌های مربوطه بنظام وظیفه و معاینه پزشکی و هزینه راه مشمولین بی‌بضاعت ایران در کشورهای خارجه درسال ١٣١٧ وتعهدات سالهای قبل	١١٥٠٠٠٠	

ماده	شرح	بودجه ۱۳۱۷ بریال	ملاحظات
	وزارت عدلیه		
۱۶	وزارت عدلیه	۲۷۷۷۰۰۰۰	
۱۷	ثبت اسناد واملاک	۱۴۶۰۰۰۰۰	
۱۸	حق مامورین صلح ونمایندگی پارکه ها	۱۰۰۰۰۰	
	وزارت امور خارجه		
۱۹	وزارت امور خارجه	۲۷۶۳۱۸۰۸	
۲۰	کلانتران مرز	۱۳۰۰۰۰۰	
	وزارت پست وتلگراف		
۲۱	وزارت پست وتلگراف	۴۲۹۵۶۱۱۰	
	وزارت معارف		
۲۲	وزارت معارف	۶۸۱۰۸۲۵۰	
۲۳	اعتبار هزینه مربوط بدانشجویان اعزامی بخارجه	۱۳۳۵۰۰۰۰	
	وزارت طرق		
۲۴	وزارت طرق	۱۰۵۰۰۰۰	
۲۵	کمک باعتبارراه‌سازی‌در۱۳۱۷بضمیمه کسراعتبار۱۳۱۶	۴۰۰۰۰۰۰۰	
۲۶	کمک باعتبار ۱۳۱۷ راه‌آهن	۱۰۰۵۶۴۵۸۵	
	وزارت تجارت		
۲۷	وزارت تجارت	۵۲۰۰۸۷۶	
	وزارت صناعت ومعادن		
۲۸	وزارت صناعت	۱۲۱۶۹۷۱۰	
۲۹	اعتبار برای خرید ـ تکمیل وبهره‌برداری کارخانه سیمان	۳۶۰۰۰۰۰۰	
۳۰	هزینه مربوط بکارخانه چیت‌سازی	۳۰۰۰۰۰۰۰	
۳۱	هزینه تکمیل و بهره برداری کارخانه اشباع و قیر اندود	۲۴۵۳۷۰۶۰	
۳۲	اداره معادن	۱۰۱۸۴۶۸۲۵	
۳۳	کمک بهزینه کارخانجات قندسازی بابت‌سال۱۳۱۷وتعهدات سنوات قبل وپرداخت ۷۳۰۰۰۰۰ ریال‌فرع وامها ببانک	۹۲۷۰۰۰۰۰	

ماده	شرح	بودجه ۱۳۱۷ بریال	ملاحظات
۳۴	هزینه‌تاسیس کارخانه گلسیرین‌وصابون بابت سال ۱۳۱۷ وتعهدات سنوات قبل	۱۸۱۱۲۰۰۰	
۳۵	تأسیس کارخانه ماسك‌ضدگاز بابت سال ۱۳۱۷ وتعهدات سنوات قبل	۱۴۰۱۶۰۰۰	
	اداره کل فلاحت		
۳۶	اداره کل فلاحت	۴۳۵۲۴۱۴۰	
۳۷	هزینه خشکانیدن باطلاقها وسالم سازی	۱۵۰۰۰۰۰	
۳۸	اعتبار دفع ملخ	۱۹۵۰۰۰۰	
۳۹	اعتبار دفع سن	۶۰۰۰۰۰	
	وزارت مالیه		
۴۰	وزارت مالیه ـ اداره کل گمرك ـ دیوان محاسبات وهزینه مربوط بامور اجرای قانون انحصار تجارت	۵۲۷۹۸۳۲۰	
۴۱	حقوق وهزینه مستخدمین خارجی وزارت مالیه	۸۶۹۹۷۸	
۴۲	انحصارتریاك	۴۶۵۰۰۰۰	
۴۳	انحصار دخانیات	۳۹۷۰۰۰۰	
۴۴	اعتبر هزینه تحصیل‌درآمد تجارتی قند و کبریت	۷۳۰۰۸۰	
۴۵	اعتبار اداری ضرابخانه	۳۰۰۰۰۰	
۴۶	شهریه ووظیفه‌هائیکه‌بموجب بند۳ قانون۲۶ اسفند ۱۳۱۰ برقرار میشود ـ هزینه بقاع متبرکه و عوض بهره	۳۵۰۰۰۰۰	
۴۷	حقوق انتظار خدمت	۳۰۰۰۰۰۰	
	سایر هزینه ها		
۴۸	هزینه ساختمان و نگاهداری کشتار گاه ها و هزینه‌مربوط به بازرسی بهداری روده	۳۰۰۰۰۰۰	
۴۹	فرع و حق‌العمل بانکها وهزینه انتقال وجوه دولتی	۱۵۰۰۰۰۰	
۵۰	سهم شیر وخورشید سرخ مشهد وتبریز	۵۱۹۰۵۰	

ماده	شرح	بودجه ۱۳۱۷ بریال	ملاحظات
۵۱	هزینه مربوط به محاکمات دولتی وکلیه اعتراضات ثبت و قضائی ومحکومیت‌های ناشیه از اعمال تصدی دولت وحق الحکمیه وتصفیه محکومیت‌هائیکه دولت دارد یا ممکن است پیش بیاید و سایر هزینه‌های مربوط باین قبیل امور	۶۶۰۰۰۰	
۵۲	اعتبار نگاهداری قرق وباغات سلطنتی	۱۷۹۰۰۰	
۵۳	حقوق بازرسی بانک ملی وهزینه بازرسی	۶۰۰۰۰	
۵۴	حقوق نمایندگی دولت شاهنشاهی درنفت جنوب	۲۰۰۰۰۰	
۵۵	هزینه انتفاعی کشور	۹۰۰۰۰۰۰	
۵۶	حقوق وهزینه پاسبانها ودربانها	۱۰۰۰۰۰۰	
۵۷	خرید وساختمان ابنیه گمرکی وادارات تابعه وزارت مالیه بابت سال ۱۳۱۷ وتعهدات سنوات قبل	۱۷۰۰۰۰۰۰	
۵۸	ساختمان و پرداخت اقساط بهای کارخانه سیگار پیچی و هزینه بهره برداری وسایر هزینه‌های مربوط بآن در سال ۱۳۱۷ وتعهدات سنوات قبل	۲۲۶۳۰۲۰۰	
۵۹	تاسیس صیدماهی در آبهای جنوب	۲۱۳۳۰۰۰	
۶۰	هزینه ساختمان هفت انبارغله (سیلو) وتعهدات سنوات قبل	۶۰۰۰۰۰۰۰	
۶۱	ازدیاد سهم دولت درسرمایه شرکت شیلات	۱۵۰۰۰۰۰	
۶۲	بقیه هزینه طبع وحمل اسکناس بابت تعهدات سنوات قبل	۲۸۴۸۵۸	
۶۳	**اعتبار دولت بابت سال ۱۳۱۷ و کسر اعتبار ۱۳۱۶** ۱ ـ اعتبارهزینه‌های مترقبه وغیر مترقبه ۱۹۰۰۰۰۰۰ ۲ ـ اعتبار انعام ۵۰۰۰۰۰۰ ۳ ـ اعتبار سری ۲۰۰۰۰۰۰	۲۶۰۰۰۰۰۰	
۶۴	دیون خارجی دولت	۶۸۷۵۰۰۰	

ماده	شرح	بودجه ۱۳۱۷ بریال	ملاحظات
٦٥	هیئت بازرسی کشور بابت سال ۱۳۱۷ وتعهدات سنوات قبل	٥٠٠٠٠٠٠	
٦٦	کمیسیونهای سرحدی وهزینه مربوط بآبهای سرحدی	١٥٠٠٠٠٠٠	
٦٧	اعتبار عمران واسکان	٣٠٠٠٠٠٠٠	
٦٨	دیون داخلی وتعهدات دولت	٦٠٠٠٠٠	
٦٩	تعمیرابنیه دولتی وخرید زمین برای دولت	٩٠٠٠٠٠	
٧٠	اعتبار تثبیت نرخ غله	٣٠٠٠٠٠٠٠	
٧١	اعتبار پذیرائیهای رسمی بابت سال ۱۳۱۷ وتعهدات سنوات قبل	١٠٠٠٠٠٠٠	
٧٢	هزینه مربوط باعزام مامورین و کمیسیونهای تقسیم اراضی وتعویض املاك واجرای قوانین مربوطه باین هزینه وسایر مصارف پیش بینی نشده کشور	٢٠٤٠٠٠٠	
٧٣	اعتبار عام المنفعه اقتصادی	٧٠٠٠٠٠٠	
٧٤	اعتبارخرید کشتی شن کش بابت سال ۱۳۱۷ وتعهدات سنوات قبل	١٠٤٦٤٨٠٠	
٧٥	کمك باعتبار شهرداری های شهرستانها بابت سال ۱۳۱۷ وتعهدات سنوات قبل	٤٦٤٠٠٠٠	
٧٦	اقساط سدسازی تبریز	٤٠٠٠٠٠	
٧٧	ازدیاد سرمایه بانك فلاحتی	١٥٠٠٠٠٠	
٧٨	انتقالی بحساب ۱۳۱۷ بابت اعتبارات مربوط بسال ۱۳۱٦ که درنه ماهه آخرسال ۱۳۱۷ تادیه خواهد شد	١٥٠٠٠٠٠٠	
٧٩	تفاوت خرید علیق ارتش وهزینه اداری بابت سال ۱۳۱۷ وتعهدات سنوات قبل	١٦٠٤٨٩٤٤	
٨٠	تفاوت خرید گندم ارتش بابت سال ۱۳۱۷ وتعهدات سنوات قبل	١٧٢٤٦١٣٢	
٨١	بقیه هزینه ریالی ساختمان سرسره بندر پهلوی در سال ۱۳۱۷ وتعهدات سنوات قبل	٣٢٢٠٠٠٠	

ماده	شرح	بودجه ۱۳۱۷ بریال	ملاحظات
۸۲	سرمایه شرکت تهیه مصالح وهزینه سال۱۳۱۷	۱۲۰۰۰۰۰۰	
۸۳	اعتبار جهت ساختمان کارخانجات بوجاری در سال ۱۳۱۷ وتعهدات سنوات قبل طبق پیمان بسته‌شده	۵۰۰۰۰۰۰	
۸۴	بنگاه باربری راه تبریز - بازرگان	۹۰۰۰۰۰	
	جمع کل	۱۵۲۷۵۱۸۵۶۲	

صورت فوق ضمیمه قانون بودجه کل سال ۱۳۱۷ کشور بوده و صحیح است .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

متمم بودجه سال ۱۳۱۷ کشور

مصوب ۲۹ اسفند ماه ۱۳۱۶

ماده۱ - دولت مجاز است ۶۸۳۵۹۹/۸۲ گرم طلائی را که از محل اندوخته کشور ودرآمد عمومی خریداری نموده وبنرخ‌روز ۱۲۱۲۰۰۲۴/۳۵ ریال تمام‌شده وبنرخ قانونی ۲۲ اسفند ۱۳۱۰ مبلغ ۹۳۳۵۷۵۷/۴۰ ریال میشود ازبابت بقیه‌سیصد ملیون ریال سرمایه بانك ملی‌ایران موضوع قانون ۱۷ تیرماه ۱۳۱۴ ببانك نامبرده واگذار نماید وهمچنین دولت میتواند معادل سیصد هزارلیره تدریجاً از محل عواید مختلف خود طلا خریداری نموده وبطریق فوق بابت بقیه سیصد میلیون‌ریال سرمایه بانك ملی ایران ببانك نامبرده واگذار نماید .

ماده۲ ـ عبارت « همچنین کسانیکه در آتیه پنجسال متوالی منتظر خدمت باشند بترتیب مذکور درفوق متقاعد خواهند شد » ازماده سوم قانون ۲۹ شهریور ۱۳۱۱ حذف میشود.

ماده۳ ـ وزارت مالیه مجاز است :

اولا ـ مبلغ دو میلیون لیره اعتبار برای احتیاجات ارتش از محل اندوخته کشور پرداخت نماید واستفاده ازاین اعتبار محدود به یکسال مالی نیست.

ثانیاً ـ مبلغ هشتصد هزار لیره که بموجب ماده ۳ قانون متمم بودجه ۱۳۱۴ وقانون ۱۲ مرداد ماه ۱۳۱۴ از اندوخته کشور برای هزینه های ضروری ساختمان راه آهن بعنوان وام پرداخته شده بهزینه قطعی منظور دارد.

ماده ۴ ـ دولت مجاز است وامهائی که طبق قوانین برای احتیاجات اداراتو بنگاههای دولتی از بانکهای‌ملی و فلاحتی گرفته شده و مدت‌آن منقضی شده‌است برای یکسال تمدید نماید.

ماده ۵ ـ وزارت مالیه مجاز است برای تأمین وصول جرائم قاچاق موضوع درآمد دولت یا مطابق مدلول ماده (۷) قانون قاچاق مصوب ۲۹ اسفند ماه ۱۳۱۲ اقدام یا مطابق نظامنامهٔ که بر اساس مقررات راجع باجرای اسناد ثبت شده تنظیم شده باشد رفتار نماید و این قانون نسبت بمتخلفین ازپرداخت جریمهٔ که درتوقیف بوده و هنوز مدت توقیف آنها منقضی نشده نیز قابل اجرا است.

ماده ۶ ـ اداره گمرك مجازاست از تاریخ اول فروردین ۱۳۱۷ کلیه کالاهای موجوده در دفاتر گمرکی را از روز ورود برای تمام مدت توقف آن در گمرك درمقابل‌آتش سوزی نزد شرکتهای بیمه داخلی بیمه نموده وحق بیمه‌را ازصاحبان کالا در موقع مرخص کردن جنس وصول نماید مگراینکه صاحب مال قبلا اسناد بیمه خودرا بگمرك ارائه داده باشد.

ماده ۷ ـ بانك فلاحتی و صنعتی ایران میتواند علاوه بروثیقه ملکی وثائق دیگری که بموجب تصویبنامه هیئت وزراء تعیین خواهد گردید برای دادن وام قبول نماید.

ماده ۸ ـ وزارت مالیه مجاز است باشخاص ذیل از خالصجات دولت:

الف ـ ابو قداره و کسان والی پشت کوه از خالصجات کرمانشاهان قسمتی که درآمد سالیانه ۲۵۶۶۰ ریال

ب ـ بغلامشاه علوی فیلی از خالصجات فارس قسمتی که درآمد سالیانه آن ۱۲۰۰۰ ریال

ج ـ بورثه امامقلی از خالصجات آذربایجان قسمتی که درآمد سالیانه آن ۱۵۰۰۰ ریال

باشد بلاعوض واگذار نماید اشخاص مذکور از سالیکه املاك واگذاری بآنها تحویل شده مالك شناخته میشوند.

ماده ۹ ـ وزارت مالیه مجاز است سرمایه بانك فلاحتی وصنعتی ایران را از سی میلیون ریال که بموجب قوانین سابق تعیین گردیده بیکصد میلیون ریال ترقی دهدمحل تأمین اضافه سرمایه مذکورحاصل فروش خالصجات خواهدبود وبتدریجی که لازم شود از طرف وزارت مالیه تأدیه خواهد گردید.

ماده ۱۰ ـ هر کس کالای انحصاری دولت را (بغیر از طریق قاچاق که تابع قوانین مخصوص است) تحصیل و احتکار نماید باین نحو که کالای انحصاری را زائد برمصرف خود و کسانش از تولید کنندگان ویا سایر اشخاص تحصیل نمایند و بدینوسیله از دسترس دولت و مصرف کنندگان خارج نماید بحبس تأدیبی از دو ماه تا یکسال و بتادیه غرامت از هزار تا ده هزار ریال و یا بیکی از این دو مجازات

محکوم و بعلاوه مال مورد احتکار بنفع شرکت یا بنگاه و اداره مربوط ضبط میشود بهمین مجازات محکوم میشود هرعامل فروش رسمی و فروشندگان مجاز که اجناس انحصار را زیاده برنرخ مقرر ازطرف شرکت یا اداره و بنگاهی که عمل انحصار آن مال را عهده‌دار است بفروش رساند .

ماده ۱۱ – میزان خسارت دیر کردنسبت بپرداخت مطالبات دولت که مطابق قوانین مربوطه بنرخهای مختلف تعیین شده از اول‌سال ۱۳۱۷ ببعد برای تمام موارد از قرار یك درصد خواهد بود .

ماده ۱۲ – قانون مصوب ۲۸ مهر ماه ۱۳۱۱ راجع بمعاوضه خالصجات از انقضای مدتی که درماده ۵ متمم بودجه ۱۳۱۶ مقرر بوده با تبصره ماده مذکور تا دو سال دیگر بقوت خود باقی خواهدبود .

ماده ۱۳ – مواد ذیل درسال ۱۳۱۷ بقوت خود باقی هستند :

الف – مواد ۱ – ۱۱ - ۱۲	قانون متمم بودجه ۱۳۱۶
ب – مواد ٤ - ۷	» » » ۱۳۱۵
ج – ماده ۲٤	» » » ۱۳۱٤
د – مواد ٦ - ۲۸	» » » ۱۳۱۳
ه – ماده ٤	» » » ۱۳۱۲

ماده ۱۴ – مواد ذیل مادامی که ملغی نشده است بقوت خود باقی هستند .

الف – مواد ۲ – ۵ – ٦ – ۷ – ۱۰ – ۱۱ – ۱۷ قانون متمم بودجه ۱۳۱۷

ب – مواد ۲ – ۳ – ۸ – ۹ – ۱۰ » » » ۱۳۱٦

ج – مواد ۸ – ۱۳ – ۱٤ قانون متمم بودجه ۱۳۱۵ با اصلاحی که در متمم بودجه ۱۳۱٦ از حیث مدت شده .

د ـ مواد ۲۱ ـ ۲۵ وجمله دوّم ماده ۲۷ قانون‌متمم بودجه ۱۳۱۴ که مربوط بمستخدمین فنی انحصار دولتی دخانیات است .

هـ ـ مواد ۲ ـ ۴ ـ ۲۴ ـ ۳۰ قانون متمم بودجه ۱۳۱۳ .

تبصره ـ ماده ۸ بودجه ۱۳۱۵ و مـاده ۲۱ بودجه ۱۳۱۴ مشمول عملیات بودجه ۱۳۱۶ نیز خواهد گردید .

ماده ۱۵ ـ ماده ۷۴ قانون‌تسریع محاکمات مصوب سوم تیرماه ۱۳۰۹ اصلاح شده بموجب قانون مصوب ۲۵ آبان‌ماه ۱۳۱۰ بطریق ذیل اصلاح و ازاول فروردین ماه ۱۳۱۷ بموقع اجرا گذارده شود . علاوه برحقوق معینی که بهریك از متصدیان اجراء داده میشود حق نسبی از حق الاجرا بطریق ذیل و بر طبق نظامنامه کـه از طرف وزارت عدلیه تنظیم خواهد شد دریافت میدارند :

۱ ـ تا پنج هزار ریال حق‌الاجرا صدی پنج (۰/۵)

۲ ـ از پنج هزار و یکریال تا پنجاه هزارریال حق‌الاجرا نسبت بمازاد صدی سه (۰/۳)

۳ ـ از مازاد بر پنجاه هزار ریال صدی دو (۰/۲)

درآمد حاصل از حـق‌الاجراء ثبت و محاکم پس از پرداخت سهم مأمورین اجرا به‌ترتیب فوق جزء درآمد عمومی محسوب و تسلیم خزانه خواهد شد .

ماده ۱۶ ـ وزارت صناعت و معادن مجاز است از اول سال ۱۳۱۷ بهریك از کارکنانی که با حقوق و رتبه پائین‌تر شاغل مقام بالاتری‌میباشند حق‌الکفاله‌ای که معادل نصف حقوق رتبه شخص متصدی و نصف حقوق رتبه مقامی که تصدی آنرا دارد کارسازی نماید .

تبصره ـ پرداخت حق‌الکفاله بهریك از اعضاء وزارت صناعت وهمچنین

سایر وزارتخانه‌هائی که بموجب قوانین مختلف استفاده از حق الکفاله یا حقوق مقام میکنند موکول بتصویب هیئت وزراء خواهد بود.

ماده ۱۷ ـ لزوم یا عدم لزوم انتشار آگهی مناقصه درخارجه موضوع قسمت اخیر تبصره ماده ۳۹ قانون محاسبات عمومی بتشخیص و صوابدید وزارتخانه‌های مربوطه با موافقت وزارت مالیه واگذار میشود.

این قانون که مشتمل بر هفده ماده است در جلسه بیست و نهم اسفند ماه یکهزار وسیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای‌ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

بودجه یکساله یکهزار و سیصد و هفده مجلس شورای ملی

مصوب ۲۵ اسفند ماه ۱۳۱۶

ماده اول ـ برای‌مقرری و هزینه دوازده ماهه سال هزاروسیصد وهفده مجلس شورای ملی مبلغ هفت میلیون و پانصد و هفتاد و هفت هزار و ششصد و چهل ریال (۷۵۷۷۶۴۰ ریال) موافق فقره ۱ تا ٤ پیوست اعتبار بکارپردازی مجلس داده میشود.

ماده‌دوم ـ برای حقوق وهزینه دوازده ماهه چاپخانه مجلس‌مبلغ دومیلیون و دویست وهشتاد و دوهزار وسیصد وشصت ریال (۲۲۸۲۳۶۰ ریال) موافق فقره (۱) و(۲) پیوست اعتبار بکارپردازی مجلس داده میشود.

ماده‌سوم ـ مجلس شورای ملی بکارپردازی مجلس اجازه میدهد درآمد چاپخانه مجلس و باغ بهارستان را جزو جمع محاسبات مجلس محسوب دارد.

این قانون که مشتمل برسه ماده وصورت پیوست است درجلسه بیست وپنجم اسفندماه یکهزارو سیصد وشانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

گزارش	تعداد	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
تفصیل ماده اول					
فقره ۱					
مقرری آقایان نمایندگان وتفاوت مقرری ریاست مجلس	۱۳۴		۴۸۶۰۰۰۰	۴۸۶۰۰۰۰	
فقره ۲					
قانونگزاری					
معاون اداری ریاست مجلس	۱	۹	۳۷۴۴۰		
منشی و مترجم	۱	۷	۱۹۶۸۰		
دبیرخانه					
رئیس	۱	۸	۲۵۴۴۰		
معاون فعلی (پایه قضائی)	۱	۷	۲۲۴۴۰		
عضو	۴	۶	۶۴۳۲۰		
عضو	۲	۵	۲۳۸۸۰		
بایگانی جاری و راکد					
رئیس	۱	۸	۲۵۴۴۰		
معاون	۱	۶	۱۷۲۸۰		
مدیر بایگانی راکد	۱	۶	۱۴۸۸۰		
عضو	۲	۵	۲۵۶۸۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
عضو	۱	٤	۸۱٦۰		
تند نویسی و تحریر صورتمجلس					
رئیس	۱	۸	۲۹٦٤۰		
معاون	۱	٦	۱۷۲۸۰		
عضو	۳	٦	٤٤٦٤۰		
عضو	٦	٥	۷۱٦٤۰		
عضو	۲	٤	۱٦۳۲۰		
عضو	۱	کنتراتی	۱۳۲۰۰		
قوانین ومطبوعات					
رئیس	۱	۸	۲٥٤٤۰		
معاون	۱	٦	۱۷۲۸۰		
عضو	۳	٦	٤۷۰٤۰		
عضو	۲	٤	۱٦۳۲۰		
عضو	۱	۳	٦۲٤۰		
دائره کمیسیونها					
مدیر	۱	۷	۱۹٦۸۰		
معاون	۱	٦	۱٤۸۸۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
دائره ارسال مراسلات					
مدیر	۱	۶	۱۷۲۸۰		
معاون	۱	۴	۸۱۶۰		
اعتبارخصوصی			۶۰۰۰		
فقره ۳					
کارپردازی					
معاونت اداری	۱	۹	۳۷۴۴۰		
منشی	۱	۶	۱۷۲۸۰		
اداره حسابداری کل					
رئیس	۱	۹	۳۷۴۴۰		
معاون	۱	۶	۱۷۲۸۰		
منشی	۱	۵	۱۲۸۴۰		
حسابدار	۴	۴	۳۵۲۸۰		
دائره صندوق					
مدیر	۱	۷	۱۹۶۸۰		
معاون و حسابدار	۱	۴	۸۱۶۰		
کتابخانه					
رئیس	۱	۸	۲۹۶۴۰		

گزارش	نفرات	رتبه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
معاون	۱	٤	۸۱٦۰		
عضو	۳	٤	۲٤٤۸۰		
عضو	۱	۱	۳۸٤۰		
دائرهٔ کارگزینی					
مدیر	۱	٦	۱۷۲۸۰		
عضو	۱	٤	۸۱٦۰		
عضو	۱	۳	٦۲٤۰		
دائره ملزومات					
مدیر	۱	٦	۱۷۲۸۰		
معاون	۱	٤	۹٤۸۰		
عضو	۱	۱	٤٤٤۰		
دائره مجله مذاکرات مجلس و توزیع لوایح					
مدیر	۱	۷	۱۹٦۸۰		
معاون و عضو	۲	٦	۳۲۱٦۰		
عضو	۱	٥	۱۲۸٤۰		
عضو	۲	٤	۱۷٦٤۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
بازرسی					
رئیس	۱	۸	۲۵۴۴۰		
عضو	۱	۴	۸۱۶۰		
عضو	۲	۱	۸۲۸۰		
خدمتگزاران جزء					
ناظر	۱		۸۱۶۰		
دربان باشی	۱		۶۷۲۰		
دربان	۴		۱۹۲۰۰		
مسئول امور برقی ومکانیکی	۱		۶۴۸۰		
کمك مکانیك	۱		۴۵۶۰		
تلفونچی	۲		۱۱۰۴۰		
پیشخدمت باشی	۱		۸۱۶۰		
پیشخدمت	۲۴		۱۰۷۴۶۰		
سرایدار باشی	۱		۸۱۶۰		
سرایدار	۲۰		۶۶۳۶۰		
فوق‌العاده نگهبانی شبانه سرایدارها			۴۸۰۰		
آبدار و سقا	۶		۲۳۸۸۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
فراش باشی	۱		۸۱۶۰		
فراش و موزع	۱۳		۴۰۳۲۰		
باغبان باشی	۱		۶۰۰۰		
گل کار و باغبان	۱۳		۳۸۸۸۰		سه نفر گل کار جدید
فوق‌العاده مامورین نگهبانی پست و تلگراف و نامه رسان	۳		۶۲۴۰		
فوق‌العاده و مدد معاش			۲۰۰۰۰		
شوفر اتومبیل	۱	کنتراتی	۸۷۰۰		
شهریه ورثه نعمت‌الله و عبدالله و تفاوت حقوق بازنشستگان ووظیفه وراث خدمت گزاران جزء			۲۵۰۰۰	۸۶۶۸۸۰	

فقره ۴

هزینه

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
روشنائی			۱۰۰۰۰		
آبدارخانه			۳۶۰۰۰		
تنظیف			۸۰۰۰		

گزارش	نفرات	ماه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
ملزومات دفتری			۲۰۰۰۰		
چاپ لوایح			۱۵۰۰۰		
مجله صورت مذاکرات مجلس			۱۷۰۰۰		
اعتبار کتابخانه برای خرید کتب و آبونه جرائد و مجلات			۱۵۰۰۰۰		مبلغ نهصد و پنجاه پهلوی ازاین اعتبار وزارت مالیه ارز خواهند داد و بهای آنرادریافت خواهند داشت
پست و تلگراف و تلفن			۱۲۰۰۰		
فوق‌العاده پاسبانان مجلس			۲۲۰۰۰		
ملبوس خدمت گزاران جزء سالی نفری دو دست ۱۸۸ دست	۹٤		۳۰۰۰۰		
سوخت زمستانی			۳۰۰۰۰		
هزینه جشن‌ها			۵۵۰۰۰		
هزینه باغ بهارستان			۱۳۰۰۰		
اعتبار هزینه پیش بینی نشده			٤۸۵۸۰		
ساختمان وتعمیرات ابنیه			۵۰۰۰۰۰		قرضه بنائی سال ۱۳۱٦ مجلس ازاین محل پرداخت و محسوب میشود
اثاثیه و خرید قالی			۱۰۰۰۰۰		
حق بیمه			۲۰۰۰		

گزارش	تعداد	رتبه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
سهمیه سالانه اتحاد بین المجالس			۸۵۰۰		یکهزار و پانصد و چهل و پنج فرانك سویس وزارت مالیه ارز خواهند داد و بهای آنرا دریافت خواهند داشت
عیدی نوروز خدمت گزاران مجلس			۱۰۰۰۰۰	۱۱۹۵۰۸۰	
جمع ماده اول بودجه مجلس				۷۵۷۷۶۴۰	
تفصیل ماده دوم					
چاپخانه مجلس					
فقره ۱					
مدیر	۱	۷	۱۹۶۸۰		
معاون	۱	۵	۱۱۰۴۰		
رئیس بازرسی	۱	۵	۱۲۸۴۰		
معاون بازرسی	۱	۴	۸۱۶۰		
عضو بازرسی	۱	۱	۳۸۴۰		
مسئول حسابداری	۱	۶	۱۴۸۸۰		
معاون حسابداری	۱	۴	۸۱۶۰		
حسابدار	۲	۲	۱۰۰۸۰		
حسابدار	۱	۱	۴۴۴۰		
مسئول ملزومات و صندوق	۱	۵	۱۲۸۴۰		
منشی و دفترنویس	۱	۳	۶۲۴۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
بایگان	۱	۱	۴۴۴۰		
مصحح	۱	۲	۵۰۴۰		
مدیر گراورسازی	۱	۶	۱۷۲۸۰		
معاون	۱	۵	۱۲۸۴۰		
نقاش و رتوشه گر	۱	۴	۸۱۶۰		
نقاش	۱	۱	۳۸۴۰		
ناظر	۱	۱	۴۴۴۰		
مترجم و ماشین نویس (کنتراتی)	۲		۱۷۴۰۰		
خدمتگزاران جزء					
تحصیلدار	۱		۶۰۰۰		
کمك انبار و کاغذ شمار	۲		۷۸۰۰		
پیشخدمت و آبدار و فراش	۱۰		۲۶۰۴۰		
قسمت فنی					
گراورساز	۹		۳۰۰۰۰		
مسئول اشترو تیپی و گالوانو پلاستیك	۱		۵۴۰۰		
معاون	۱		۳۶۰۰		

گزارش	نفرات	درجه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
عضو	۵		۱۲۶۰۰		
مسئول ماشینخانه	۱		۹۳۶۰		
معاون	۱		۶۰۰۰		
عضو	۲۹		۹۲۴۰۰		
مسئول افست	۱		۱۵۰۰۰		
معاون	۱		۶۰۰۰		
عضو	۶		۱۸۲۴۰		
مسئول موتورخانه و الکتریک	۱		۱۱۴۰۰		
عضو	۳		۸۶۴۰		
مسئول حروفچینی	۱		۸۱۶۰		
حروف چین	۱۶		۴۸۷۲۰		
مسئول فرم بندی	۱		۶۰۰۰		
عضو	۱۴		۴۱۱۶۰		
مسئول صحافی	۱		۷۴۴۰		
معاون	۱		۴۸۰۰		
عضو	۲۱		۵۶۴۰۰		

گزارش	عده	رتبه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
مسئول صحافی اوراق بهادار	۲		۸۵۲۰		
عضو	۳۵		۸۱۹۶۰		
مسئول حروفریزی وتیپو گراف	۱		۴۹۲۰		
عضو	۵		۱۲۸۴۰		
اعتبار اضافه کاری و فوق‌العاده			۸۵۱۶۰		
متخصص فنی (کنتراتی)	۱		۵۴۰۰۰		
متخصص ماشینخانه وتیزاب کاری فتورتو گراور	۲		۹۸۰۰۰		
اعتبار برای کارگران فنی جهة ماشینهای جدید که بقدر لزوم و احتیاج استخدام خواهند شد			۸۵۰۰۰	۱۰۴۷۰۰۰	از کلیه اعتبارات چاپخانه مبلغ یکصد وهفتاد و هفت هزار مارك و دو هزار و یکصد وهشتاد وپنج پهلوی وزارت مالیه ارز خواهند داد و بهای آنرا دریافت خواهند داشت
فقره ۲ هزینه					
اعتبار خرید ماشین آلات و لوازم مربوطه			۸۰۰۰۰۰		
« تکمیل اثاثیه و تعمیرات لازمه			۵۰۰۰۰		
هزینه چاپخانه از مرکب و روغن و ژلاتین و نفت و دواجات و غیره			۳۰۰۰۰۰		
سوخت زمستانی			۲۲۰۰۰		
اعتبار فوق‌العاده			۲۰۰۰۰		

گزارش	فقرات	ماده	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
ملبوس مستخدمین جزء سالی نفری ۲ دست	۱۳		٤۱٦۰		
عیدی نوروز خدمتگذاران چاپخانه مجلس			۳۹۰۰۰	۱۲۳٥۱٦۰	
جمع ماده دوم بودجهٔ چاپخانه			۲۲۸۲۳٦۰		
جمع کل ماده اول و دوم بودجه			۹۸٦۰۰۰۰		

صورت بالا پیوست قانون بودجه یکساله یکهزار وسیصد وهفده مجلس شورای ملی بوده و صحیح است .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

بودجه سال ۱۳۱۸ کشور

مصوب ۱٤ اسفند ماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی بودجه سال ۱۳۱۸ کشور را (باستثنای ـ در آمدیکه بابت حق الامتیاز نفت وصول وبحساب اندوخته کشور منظور میشود) مطابق صورت پیوست که از حیث هزینه بمبلغ دو هزارو ششصدو سیزده ملیون و چهار صدو هشتاد و یکهزارو نهصدو هشتادو هفت ریال (۲٦۱۳٤۸۱۹۸۷ ریال) واز حیث درآمد بمبلغ یکهزار و نهصدو سی میلیون ونودو شش هزارو هفتصد ریـال (۱۹۳۰۰۹٦۷۰۰ ریال) بالغ میباشدتصویب وبوزارت دارائی اجازه میدهد که هزینه عمومی کشور را اعم از حقوق ومصارف درسال ۱۳۱۸ در حدود اعتبارات مصوب در

صورت پیوست مطابق بودجه های تفصیلی سال ۱۳۱۷ تاحدیکه اعتبارات مصوب در بودجه های نامبرده ضمن بودجه های ۱۳۱۸ نیز منظور شده باشد بپردازد . تا وقتیکه بودجه های تفصیلی سال ۱۳۱۸ که باید تاآخر اردیبهشت ماه ۱۳۱۸ بمجلس شورای ملی تقدیم گردد بکمیسیون بودجه مجلس ارجاع شود ومادام که بودجه‌های تفصیلی از تصویب کمیسیون بودجه نگذشته هزینه مزبور را مطابق بودجه های پیشنهادی وپس از تصویب کمیسیون برطبق آنچه که تصویب شده‌است بپردازد .

۲ ـ وزارت دارائی مجاز است مبلغ دومیلیون لیره اعتبار برای احتیاجات ارتش ومبلغ یك میلیون لیره در مقابل اعتبار ریالی منظوره در بودجه هزینه‌برای احتیاجات راه آهن وبندر شاه وبندر شاهپور از اندوخته کشور پرداخت نماید و استفاده ازاین اعتبار محدود بیك سال مالی نیست .

۳ ـ وزارت دارائی مجاز است درصورت احتیاج کسر بودجه سال ۱۳۱۸ را از درآمدهای غیر مترقبه بازرگانی ویا ازطریق وام از بنگاههای بانکی داخلی یا ازهردومحل تأمین نماید .

٤ ـ مواد۹و۱۱ قانون اجازه انحصاردولتی قند وچای مصوب ۹ خرداد ۱۳۰٤ وماده٦قانون مالیات راه مصوب ۸ شهریور ۱۳۱۱ ازاول فروردین ماه ۱۳۱۸ نسخ میشود.

۵ ـ وزارت دارائی مجاز است درآمدیکه ازتفاوت بهای خرید وفروش گواهی نامه های صدور برای دولت حاصل میشود بانضمام موجودی آخر اسفندماه ۱۳۱۷ معاملات مذکور ازاول سال ۱۳۱۸ بجمع درآمدعمومی کشور نقل نماید

ماده ٤ قانون راجع بمعاملات گواهی نامه صدور مصوب تیرماه ۱۳۱۳ ازاول فروردین ماه ۱۳۱۸ نسخ میشود .

این قانون که مشتمل بریك ماده و صورت پیوست است در جلسه چهاردهم اسفندماه یکهزارو سیصدو هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

نواب ریاست مجلس شورای ملی مرتضی بیات ـ دکتر طاهری

قسمت اول هزینه

شماره ترتیب	شرح	پیش بینی سال ۱۳۱۸ بریال	ملاحظات
۱	وزارت دربار ودفتر مخصوص شاهنشاهی	۵۲۰۷۴۸۰	
۲	مجلس شورای ملی	۹۹۸۵۰۰۰	
۳	نخست وزیری	۹۱۰۰۰۰	
	وزارت جنگ		
٤	وزارت جنگ	۳٦۳۷۲۹۹۸۰	
۵	اداره امنیه	۳۵٦۷۸٤۰۰	
٦	تفاوت خرید علیق و گندم آرتش وهزینه ودستمزد تهیه آن	۱٦۰۰۰۰۰۰	
	وزارت کشور		
۷	وزارت کشور	۱۳۷۰۰۰۰۰	
۸	هزینه انتخابات	۱۲۰۰۰۰۰	
۹	اداره کل شهربانی	٤۰٦۸۰۰۰۰	
۱۰	اداره راهنمای نامه نگاری	۳٤٦۰۰۰	
۱۱	اداره کل بهداری	٤۱۰۸۰۰۰۰	
۱۲	بنگاه پاستور	۱٦۰۰۰۰۰	
۱۳	بیمارستان پانصد تختخوابی	٤٤۹۹٤٦٦٤	
۱٤	اداره کل آمار وثبت احوال	۱۵٦۰۱۰۰۰	
۱۵	اعتبار مجالس سرباز گیری در داخله کشور ودر خارجه وهزینه راه مشمولین بی بضاعت در کشور های خارجه وتعهدات سالهای پیش	۵۰۰۰۰۰	

شماره ترتیب	شرح	پیش بینی سال ١٣١٨ بریال	ملاحظات
	وزارت دادگستری		
١٦	وزارت دادگستری	٤٠٠٠٠٠٠٠	
١٧	اداره کل ثبت اسناد واملاك	١٦١٤٦٠٠٠	
	وزارت امور خارجه		
١٨	وزارت امور خارجه	٢٦١٠٠٠٠٠	
١٩	اعتبار جهت سازمان کلانتران مرز و ساختمان بنا های کلانتری وتعهدات سال ١٣١٧	١٣٠٠٠٠٠	
	وزارت پست و تلگراف		
٢٠	وزارت پست وتلگراف	٥٨٠٠٠٠٠٠	
	وزارت فرهنگ		
٢١	وزارت فرهنگ	٧٩٠٠٠٠٠٠	
٢٢	اعتبار هزینه مربوط بدانشجویان اعزامی بخارجه	٥٠٠٠٠٠٠	
	وزارت بازرگانی		
٢٣	وزارت بازرگانی	٥٢٠٠٠٠٠	
	اداره کل کشاورزی		
٢٤	اداره کل کشاورزی	٤٠٤٠٦٠٠٠	
٢٥	اعتبار هزینه خشکانیدن باطلاقها و سالمسازی و تعهدات سال ١٣١٧	٢٢٠٠٠٠٠	

شماره ترتیب	شرح	پیش بینی سال ۱۳۱۸ بریال	ملاحظات
۲۶	اعتبار دفع ملخ وتعهدات سال ۱۳۱۷	۱۹۵۰۰۰۰۰	
۲۷	اعتبار دفع سن وتعهدات سال ۱۳۱۷	۶۰۰۰۰۰۰	
	وزارت دارائی		
۲۸	وزارت دارائی ـ اداره کل گمرك ـ دیوان محاسبات	۶۱۶۹۸۳۷۸	
۲۹	بنگاه انحصار دولتی تریاك	۴۶۵۰۰۰۰۰	
۳۰	بنگاه انحصار دولتی دخانیات	۳۹۷۰۰۰۰۰	
	وزارت پیشه وهنر		
۳۱	وزارت پیشه وهنر	۱۲۰۰۰۰۰۰	
۳۲	ساختمان ابنیه وخرید زمین	۵۰۰۰۰۰۰	
۳۳	کارخانه چیت‌سازی وهنرستان نساجی وپرداخت وام سال گذشته	۱۵۵۸۰۰۰۰	
۳۴	کارخانه گلیسرین وصابون سازی	۲۳۰۰۰۰۰۰	
۳۵	کارخانه شماره (۵)	۲۲۲۵۰۰۰۰	
۳۶	کارخانه های اشباع تراورس وقطران و کرئوزوت	۳۶۰۰۰۰۰۰	
۳۷	کارخانه‌های قند	۹۲۷۰۰۰۰۰	
۳۸	هزینه مربوط به تغییر وتکمیل کارخانه قند ورامین	۵۰۰۰۰۰۰	
۳۹	کارخانه سیمان	۱۴۰۰۰۰۰۰	
۴۰	اداره کل معادن وکارخانه های ذوب آهن وذوب مس	۱۵۰۰۰۰۰۰۰	
۴۱	اقساط خرید کارخانه ذوب آهن در ۱۳۱۸	۴۱۰۰۰۰۰۰	
۴۲	کارخانه روغن کشی	۸۰۰۰۰۰۰	

شماره ترتیب	شرح	پیش بینی سال ۱۳۱۸ بریال	ملاحظات
۴۳	کارخانه کائوچو ولاستیك سازی	۶۰۰۰۰۰۰	
۴۴	کارخانه کاربنات دوسود (سودا وسود محترق)	۴۸۰۰۰۰۰	
۴۵	کارخانه جوهر نمك	۱۰۰۰۰۰۰	
۴۶	کارخانه تعمیر وساختن آسیابهای یدکی	۳۰۰۰۰۰۰	
۴۷	کارخانه کنسروسازی وتعهدات سالهای گذشته	۵۵۰۰۰۰۰	
۴۸	کارخانه کاغذ سازی	۱۰۰۰۰۰۰۰	
	وزارت راه		
۴۹	وزارت راه	۱۰۵۰۰۰۰	
۵۰	هزینه ساختمان و کمک هزینه بهره برداری راه آهن و هزینه عمومی راه‌آهن وبندر شاهپور و بندر شاه	۶۸۲۵۰۰۰۰۰	
۵۱	اداره کل راه شوسه	۱۷۰۰۰۰۰۰۰	
	سایر هزینه‌ها		
۵۲	شهریه ووظیفه هائیکه بموجب بند سه قانون ۲۶ اسفندماه ۱۳۱۰ برقرار شده ومیشود وهزینه بقاع متبرکه وعوض بهره وتعهدات سالهای گذشته	۳۵۰۰۰۰۰	
۵۳	حقوق انتظار خدمت	۳۰۰۰۰۰۰	
۵۴	هزینه ساختمان ونگاهداری کشتارگاهها و هزینه مربوط ببازرسی بهداری روده	۳۵۰۰۰۰۰	
۵۵	فرع وحق العمل بانکها وهزینه انتقال وجوه دولتی	۱۵۰۰۰۰۰	
۵۶	سهم شیروخورشید سرخ مشهد وتبریز	۵۱۹۰۵۰	

شماره ترتیب	شرح	پیش بینی سال ۱۳۱۸ بریال	ملاحظات
۵۷	هزینه مربوط بمحاکمات دولتی واعتراضات ثبتی و قضائی ومحکومیتهای ناشیه از اعمال تصدی دولت وحق الحکمیه تصفیه محکومیت هائیکه دولت دارد یا ممکن است پیش بیاید وسایر هزینه های مربوط باین قبیل امور وتعهدات سالهای پیش	۶۶۰۰۰۰	
۵۸	نگاهداری قرق وباغات سلطنتی	۱۷۹۰۰۰	
۵۹	حقوق نمایندگی دولت شاهنشاهی درنفت جنوب	۲۰۰۰۰۰	
۶۰	بازرسی بانک ملی وهزینه بازرس	۶۰۰۰۰	
۶۱	هزینه انتفاعی کشور وتعهدات سالهای پیش	۱۴۰۰۰۰۰۰	
۶۲	حقوق وهزینه پاسبان ها ودربانها و تعهدات سالهای پیش	۲۵۰۰۰۰۰	
۶۳	خرید و ساختمان ابنیه گمرکی و ادارات تابعه وزارت دارائی وتعهدات سالهای پیش	۲۰۰۰۰۰۰۰	
۶۴	بقیه اقساط بهای کارخانه سیگار پیچی	۱۰۰۵۲۰۰۰۰	
۶۵	ساختمان سیلوها وتعهدات سالهای پیش	۵۸۰۰۰۰۰۰	
۶۶	هزینه چاپ و حمل و نقل و سایر هزینه های مربوط بچاپ اسکناس بابت تعهدات سالهای پیش	۲۷۰۸۳۵۰	
۶۷	**اعتبار دولت :** مترقبه وغیرمترقبه ۱۹۰۰۰۰۰ انعام ۵۰۰۰۰۰ هزینه سری ۲۰۰۰۰۰	۲۶۰۰۰۰۰	

شماره ترتیب	شرح	پیش بینی سال ۱۳۱۸ بریال	ملاحظات
٦٨	دیون خارجی دولت	٦٨٧٥٠٠٠	
٦٩	هیئت بازرسی کشور	٣٥٠٠٠٠	
٧٠	کمیسیونهای مرزی وهزینه مربوط بابهای مرزی	١٨٦٢٨٧٠	
٧١	عمران واسکان عشایر وتعهدات سالهای پیش	٣٠٠٠٠٠٠	
٧٢	دیون داخلی وتعهدات دولت	٦٠٠٠٠٠	
٧٣	تعمیر ابنیه‌دولتی وخریدزمین برای‌دولت‌وتعهدات‌سالهای‌پیش	١٠٣٩١١٨	
٧٤	سرمایه تثبیت نرخ غله	١٨٨٠٠٠٠٠	
٧٥	هزینه‌های مربوط به پذیرائیها وجشنهای رسمی و تعهدات سالهای پیش	٦٢٠٠٠٠٠	
٧٦	هزینه های مربوط باعزام مامورین و کمیسیونهای تقسیم اراضی واملاك واجرای قوانین مربوط باین هزینه وسایر مصارف پیش بینی نشده کشور و تعهدات سالهای پیش	٣١٠٠٠٠٠	
٧٧	هزینه های عام‌المنفعه اقتصادی	٣٢٠٠٠٠٠٠	
٧٨	خرید کشتی شن کش وتعهدات سالهای پیش	١٠٦٤٨٠٠	
٧٩	کمك باعتبار شهرداریهای شهرستانها وتعهدات سالهای پیش و سهمی که سابقاً از محل مالیات راه داه میشد	٧٦٤٠٠٠٠	
٨٠	سهم بنگاههای خیریه که سابقاً از مالیات راه داده می‌شد	٨٧٨٨٠٠	
٨١	ازدیاد سرمایه بانك فلاحتی	٥٥٦٨٩٦٣	
٨٢	اعتبار انتقالی بحساب سال ۱۳۱۸ بابت اعتبارات مربوط بسال ۱۳۱۷ که‌درنه‌ماهه‌آخر سال ۱۳۱۸ تادیه خواهدشد	٢٧٠٠٠٠٠٠	
٨٣	ساختمان کارخانجات بوجاری‌درسال ۱۳۱۸ وتعهدات‌سالهای‌پیش	٩٦٥٣٤٠٠	

شماره ترتیبی	شرح	پیش‌بینی سال ۱۳۱۸ بریال	ملاحظات
۸۴	بنگاه باربری راه تبریز - بازرگان	۴۳۴۲۰۰	
۸۵	تفاوت بهای قانونی و واقعی زر هـای خریداری شده در سالهای پیش توسط بانکملی برای پشتوانه اسکناس	۱۷۷۶۱۸۸۹	
۸۶	بابت اقساط وهزینه کشتی‌های اقیانوس پیما	۱۰۰۰۰۰۰۰	
۸۷	مخابرات تلگرافی ومرسولات پستی وزارتخانه‌ها وادارات دولتی که سابقاً مجانی بوده	۲۵۰۰۰۰۰۰	
۸۸	سرمایه توتون صادراتی	۴۳۸۳۴۰۰۰	
۸۹	خرید چراغهای سواحل خلیج فارس وهزینه مربوط بآن	۹۰۴۸۴۵	
۹۰	خرید کشتی آب انبار وخدمت چراغهای دریائی	۷۷۳۵۰۰۰	
۹۱	جراثقال شناور	۱۷۰۰۰۰۰	
۹۲	کشتی یدك کش	۲۸۷۲۸۰۰	
۹۳	کشتی آتش‌نشانی	۴۳۷۰۰۰	
۹۴	اوقاف	۶۰۰۰۰۰۰	
۹۵	فوق‌العاده مأمورین بهداری جهة بررسی دربنادروقرنطینه‌ها	۱۰۰۰۰	
۹۶	حق مأمورین دادگاههای بخش ونمایندگی دادسراها	۱۰۰۰۰۰	
۹۷	حق‌السهم صاحبان دفاتر رسمی	۱۸۰۰۰۰۰	
	جمع	۲۶۱۳۴۸۱۹۸۷	

شماره ترتیب	شرح	پیش بینی سال ۱۳۱۸ بریال	ملاحظات
	وزارت دارائی		
	مالیات مستقیم		
۱	مالیات بر درآمد وحق تمبر	۱٤۰۰۰۰۰۰۰	
۲	مالیات ارث	۱۳۰۰۰۰۰۰	
۳	بقایای مالیات املاک مزروعی و بازخرید منال خالصجات انتقالی	٤۰۰۰۰۰۰	
	مالیات غیر مستقیم		
٤	مالیات صدی سه ومتفرقه	٦۰۰۰۰۰۰۰	
۵	مالیات نفت وبنزین	۸۰۰۰۰۰۰۰	
٦	مالیات رسومات و متفرقه و سود شرکتهای نوشابه سازی که دولت سهیم است	٤۲۰۰۰۰۰۰	
۷	مالیات ذبایح ومتفرقه	۱۰۰۰۰۰۰۰	
۸	حق الثبت وسایل نقلیه غیرموتوری وبقایای آن	۷۰۰۰۰۰	
۹	درآمد جنگلها ومتفرقه	۱۰۰۰۰۰۰	
۱۰	درآمد متفرقه غیر مستقیم بانضمام درآمد حراج و عشر اضافه وصولی عوارض قپان شهرداریها	۲۰۰۰۰۰۰	
	گمرك		
۱۱	حقوق گمرکی قند وشکر وچای وسایر کالاهای رسیده وفرستاده ودرآمد شانسلری ومتفرقه	٤۲۱۵۰۰۰۰۰	
۱۲	مالیات راه	۸۰۰۰۰۰۰۰	

شماره ترتیب	شرح	پیش بینی سال ۱۳۱۸ بریال	ملاحظات
	انحصارها		
۱۳	درآمد انحصار دخانیات	۱۸۰۰۰۰۰۰۰	
۱٤	درآمد انحصار تریاك وحق‌الصدور صادرات تریاك	۸۵۰۰۰۰۰۰	
۱۵	درآمد انحصار قماش	۸۲۰۰۰۰۰۰	
۱٦	درآمد انحصار قندوشکر وچای	۱٦۰۰۰۰۰۰۰	
۱۷	درآمد انحصار کبریت	۵۰۰۰۰۰۰	
۱۸	درآمد انحصار اتومبیل	۱۸۰۰۰۰۰۰	
	امتیازات		
۱۹	حق‌الامتیاز ودرآمد دولت ازشیلات وبقایا	۱۱۲۰۰۰۰۰	
۲۰	حق‌الامتیاز تلفن ودرآمد سایر امتیازات وبقایای آنها	۷۹۰۰۰۰	
۲۱	حقوق نمایندگی دولت درنفت جنوب	۲۰۰۰۰۰	
	سود سهام دولت		
۲۲	سود سهام بانك ملی‌ایران	۸۵۰۰۰۰۰۰	
۲۳	سود سهام شرکت قماش	۸۵۰۰۰۰۰	
۲٤	سود سهام نفت جنوب	٤۰۰۰۰۰۰	
۲۵	سود سهام بانك فلاحتی وصنعتی ایران	۵۰۰۰۰۰۰	
۲٦	سود سهام شرکت بیمه ایران	۹۰۰۰۰۰	
۲۷	سود سهام شرکت مرکزی	۱۰۰۰۰۰۰۰	
۲۸	سود معاملات بنگاه واردات چای	۱۳۰۰۰۰۰۰	

شماره ترتیب	شرح	پیش بینی سال ۱۳۱۸ بریال	ملاحظات
	خالصجات ، معادن ، شیلات		
۲۹	درآمد خالصجات	۱۴۰۰۰۰۰۰	
۳۰	درآمد معادن وخاك سرخ وحق دولت ازمعادن سطح الارضی وشیلات داخلی	۱۸۰۰۰۰۰۰	
	درآمد انتقالی از وجوه مخصوصه		
۳۱	صدی چهار پوست بره فرستاده موضوع ماده ۲ قانون ۱۴ تیرماه ۱۳۰۴	۲۰۰۰۰۰۰	
۳۲	سهم بهداری ازدرآمد بندری طبق ماده ٤ قانون ۵ بهمن ماه ۱۳۰۶	٤٤۰۰۰۰	
	مطالبات دولت		
۳۳	مطالبات متفرقه دولت ازاشخاص	۲۰۰۰۰۰۰	
	مجلس شورای ملی		
۳٤	درآمد چاپخانه وباغ بهارستان	۲۵۰۰۰۰۰	
	وزارت دادگستری		
۳۵	درآمد دادگاهها	٤٤۰۰۰۰۰	
۳۶	درآمد مأمورین دادگاههای بخش و نمایندگی دادسرا موضوع قانون ٢٤ تیرماه ۱۳۰۹	۱۰۰۰۰۰	
۳۷	درآمد ثبت اسناد واملاك	۱٤۱۰۰۰۰۰	
۳۸	صد بیست وپنج درآمد ثبت اسناد واملاك	۳۲۰۰۰۰۰	

شماره ترتیب	شرح	پیش بینی سال ۳۱۸ بریال	ملاحظات
۳۹	حق‌السهم صاحبان دفاتر رسمی ثبت اسناد	۱۸۰۰۰۰۰	
۴۰	درآمد فروش برگها ودفاتر	۸۳۰۰۰۰	
	وزارت کشور		
۴۱	درآمد شهربانی وگذرنامه واقامت اتباع خارجه	۴۰۰۰۰۰	
۴۲	درآمد بهداری از قبیل فروش تمبر و ادویه مخدره و انستیتو پاستور	۳۰۰۵۰۰	
۴۳	درآمد حاصله ازمعاینه بهداری ناوها وقرنطینه ها	۱۰۰۰۰	
۴۴	درآمد ثبت احوال	۶۰۰۰۰۰	
	وزارت امور خارجه		
۴۵	شانسلری گذرنامه وشناسنامه	۸۳۰۲۰۰	
	وزارت پست وتلگراف		
۴۶	درآمد پست	۱۵۵۰۰۰۰۰	
۴۷	درآمد تلگراف باسیم وبی‌سیم	۳۸۰۵۰۰۰	
۴۸	حق‌النظاره وزارت پست‌وتلگراف ازشرکت تلفون ومتفرقه	۱۹۰۰۰۰	
	وزارت فرهنگ		
۴۹	درآمد اوقاف بابت حق‌النظاره وحق‌التولیه وغیره	۶۰۰۰۰۰۰	
۵۰	درآمد شهریه آموزشگاههای غیر ابتدائی	۹۵۰۰۰۰	
۵۱	درآمد تمبر پروانه وگواهی نامه وغیره	۶۰۰۰۰۰	
۵۲	درآمد فروش کتب سالیانه وبرنامه‌ها	۸۰۰۰۰	
۵۳	درآمد متفرقه	۳۰۰۰۰	
	وزارت بازرگانی		
۵۴	درآمد تمبرازقبیل تعمیر درخواست پروانه بازرگانی	۲۵۰۰	

شماره ترتیب	شرح	پیش بینی سال ۱۳۱۸ بریال	ملاحظات
۵۵	درآمدفروش برگهاوبقیه بهای اجناس ممنوعه وسنگ وزنه وغیره	۵۸۳۵۰۰	
	وزارت پیشه و هنر		
۵۶	درآمد هنرستانها	۵۰۰۰۰	
۵۷	درآمد زری و کاشی وغیره	۶۰۰۰۰	
۵۸	درآمدکارخانه قیراندود واشباع تراورس	۳۷۰۰۰۰۰۰	
۵۹	درآمدکارخانه شماره ۵	۱۰۰۰۰۰۰۰	
۶۰	درآمدکارخانه گلسیرین وصابون سازی	۱۰۰۰۰۰۰۰	
۶۱	درآمدکارخانه سیمان	۶۰۰۰۰۰۰۰	
۶۲	درآمدکارخانه های قندسازی	۴۲۵۰۰۰۰۰	
۶۳	درآمد اداره کل معادن	۱۰۲۲۰۰۰۰	
	اداره کل کشاورزی		
۶۴	درآمد مزارع امتحانیه	۱۲۳۰۰۰۰	
	سایر درآمدها		
۶۵	درآمد متفرقه وغیر مترقبه	۵۱۰۰۰۰۰۰	
۶۶	درآمد گذرنامه شهرستانها (شهربانی)	۱۸۰۰۰۰۰	
۶۷	سود معامله گواهی نامه‌های صدور	۲۰۰۰۰۰۰۰	
۶۸	انتقالی بحساب ۱۳۱۸ بابت درآمد مربوطه بسال ۱۳۱۷	۲۷۰۰۰۰۰۰	
	جمع کل	۱۹۳۰۰۹۶۷۰۰	

صورت بالا پیوست قانون بودجه سال ۱۳۱۸ کل کشور بوده و صحیح است .

نواب ریاست مجلس شورای ملی   مرتضی بیات ـ دکتر طاهری

قانون

متمم بودجه سال ۱۳۱۸ کشور

مصوب ۲۱ اسفند ماه ۱۳۱۷

ماده اول ـ مبلغ دویست هزار ریال که ازدرآمد بندرپهلوی درسال ۱۳۱۷ برای هزینه ساختن راه ببودجه کل راه سازی انتقال داده شده و همچنین مبلغ پنج میلیون ریال که بموجب ماده ٦ قانون شهریور ماه ۱۳۱۱ مقرر بوده است ازدرآمد راه به شهرداری تهران انتقال داده شود و برای کسر بودجه راه سازی باختیاروزارت راه گذارده شده است تصویب میشود .

ماده دوم ـ دولت مجازاست مقدارقند وشکری که درسال ۱۳۱۷ ازکشورهای خارجه خریداری شده و بعد ها نیزخریداری خواهد شد ازتحصیل گواهینامه صدور معاف دارد .

ماده سوم ـ وزارت دارائی مجاز است املاك علی محمد بیك پسرجعفرسلطان اورامانی واقع درکردستان را با ملك خالصهٔ که درآمد سالیانه آن معادل سه هزار وششصد ریال باشد تعویض نماید .

ماده چهارم ـ وزارت دارائی مجاز است ماهیانه دوهزارریال هزینه تحصیل بآقایان پرویز و همایون فرزندان مرحوم داور تا بیست ویکسالگی از اعتبار شهریه و وظیفه که دربودجه منظور شده بپردازد .

ماده پنجم ـ وزارت دارائی مجاز است درمواقعی که مقتضیات ایجاب مینماید املاك ویا مستغلاتی‌را برای دولت خریداری نموده بهای آنرا ازمحل فروش خالصجات پرداخته و پس‌از آنکه ملك یا مستقل خریداری شده را فروخت وجوه حاصل از فروش را عیناً بحساب فروش خالصجات منظور دارد .

ماده‌ششم ـ گواهی‌نامه های صدوریکه بعلت تأخیردرانجام تشریفات مقرره در آئین نامه قانون ارز مدت اعتبار قانونی یکسال آنها منقضی شده در صورتیکه درموقع تسلیم به کمیسیون ارزمعتبربوده‌اند ازتاریخ انتشار این‌قانون درمجله رسمی تا چهارماه برای فروش به بانك ملی ایران معتبرخواهد بود .

ماده‌هفتم ـ وزارت دارائی مجاز است بقایای مالیات ارضی تا آخر ۱۳۱۳ بدهکارانیکه مالیات سالیانه املاك آنها درحوزه دارائی که ملك درآن واقع است از دویست ریال تجاوزننماید ازدفاترمالیاتی حذف وآنهارا ازپرداخت‌آن معاف نماید .

ماده هشتم ـ فارغ‌التحصیلهای دبیرستان دارائی مشمول قسمت آخرماده اول قانون مصوب ۳۰ مهر۱۳۱۲ نیستند و وزارت دارائی مجاز است تمام آنها را با پایه دو اداری بخدمت بپذیرد .

ترفیع آنها تابع مقررات قانون استخدام‌کشوری وترفیع پایه فارغ‌التحصیلهای کلاس عالی مالی سابق مشمول ماده ۲۴ قانون استخدام بوده و ماده دوم قانون ۳۰ مهر ۱۳۱۲ نسخ میشود .

ماده نهم ـ نسبت بفروش محصول کان و کشاورزی که جنبه صادراتی دارد ازقبیل خاك سرخ ـ نمك ـ تریاك ـ مواد دخانیه ـ پنبه و غیره وزارت دارائی مجاز است درمواردیکه رعایت مزایده را برخلاف مصلحت دانسته با رعایت صرفه دولت بفروش برساند و معاملاتیکه تا بحال شده مشمول این ماده خواهد بود .

ماده‌دهم ـ اداره کل کشاورزی مجاز است دامها را بکمك اعتبارات مربوطه تبدیل باحسن نماید .

ماده‌یازدهم ـ وزارت راه مجاز است برای کارهای ساختمان و نقشه برداری راه‌آهن کارمندان فنی جزء خارجه از قبیل تکنسین مباشر و غیره با تصویب هیئت

وزیران بطور کنترات استخدام نماید حقوق این قبیل کارمندان که نباید ازدوهزار ریال تجاوزنمایدومدت‌خدمت‌وسایرشرائط خدمت بتصویب هیئت وزیران خواهد بود .

ماده دوازدهم ـ وزارت دارائی مجازاست پولهائیرا که تا این تاریخ ازحاصل فروش گواهینامه های صدور کالای وارداتی جمع آوری وبمصرف خریدگواهینامه‌های صدورکالای صادراتی نرسیده است و همچنین پول هائی که درآتیه ازاین راه‌تحصیل و نزد دولت باقی میماند پس‌از وضع مابه‌التفاوتیکه بموجب بند ۵ از قانون بودجه سال ۱۳۱۸ کشور باید بجمع درآمد عمومی نقل شود درحساب مخصوصی در خزانه نگاهداری‌نموده ودرمواقع ضرورت ومصلحت بطوروام دراختیار بنگاههای بازرگانی دولتی گذارده و هر موقع که بعلت فزونی صادرات بوجوه مزبور احتیاج پیدا شود مبالغ مورد احتیاج‌را ازبنگاه‌های نامبرده دریافت وبمصرف مقرره درقانون‌برساند .

ماده سیزدهم ـ تبصره یك ازقانون ۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۳ راجع بفزونی درآمد حاصله از اسناد سجلی کـه برای چاپ برگها و تکمیل سازمان ثبت احوال تخصیص شده لغو میشود .

ماده چهاردهم ـ دولت مجاز است وامهائیکه برای احتیاجات ادارات و بنگاههای دولتی ازبانکهای ملی وکشاورزی گرفته شده ومدت آن منقضی شده‌است ویا درعرض سال ۱۳۱۸ منقضی گردد برای یکسال تمدید نماید .

ماده پانزدهم ـ اختیاریکه بموجب قانون ۱۶ فروردین ۱۳۱۴ بوزارت‌کشور برای استخدام فارغ‌التحصیلهای دبیرستانها با پایه ۲ اداری داده شده لغو میشود .

ماده شانزدهم ـ مواد زیر درسال ۱۳۱۸ بقوت خود باقی هستند :

الف ـ مواد ۱ الی ۱۱	قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۶
ب ـ ماده ۲٤	« « « ۱۳۱٤

ج ـ ماده ٦	قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۳
د ـ ماده ٤	« « « ۱۳۱۲

ماده هفدهم ـ مواد زیر مادامیکه ملغی نشده‌اند بقوت خود باقی هستند :

الف ـ مواد ٥/٨/٩/١٠/١١	قانون متمم بودجه سال ۱۳۱۸
ب ـ مواد ١٥/١٦	« « « ۱۳۱۷
ج ـ ماده ١٢	« « « ۱۳۱٦
د ـ مواد ٤/٧	« « « ۱۳۱٥
هـ ـ ماده ٢٨	« « « ۱۳۱۳
و ـ ماده ٢١	« « « ۱۳۱۰

این قانون که‌مشتمل بر هفده ماده‌است درجلسه بیست ویکم اسفند ماه یکهزار و سیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

نواب ریاست مجلس شورای ملی

مرتضی بیات ـ دکتر طاهری

قانون

بودجه یکساله یکهزاروسیصد وهیجده مجلس شورای ملی

مصوب ۲۱ اسفند ماه ۱۳۱۷

ماده اول ـ برای مقرری وهزینه دوازده ماهه سال یکهزارو سیصدوهیجده مجلس شورای ملی مبلغ هفت میلیون و هشتصد وهشتاد و یك هزار وهفتصد ریال (۷۸۸۱۷۰۰ ریال) موافق فقره ۱ تا ٤ پیوست اعتباربکارپردازی‌مجلس داده میشود .

ماده‌دوم ـ برای حقوق و هزینه دوازده ماهه چاپخانه‌مجلس مبلغ دومیلیون

ویکصدو سه هزارو سیصد ریال (۲۱۰۳۳۰۰ ریال) موافق فقره ۱ و ۲ پیوست اعتبار بکار پردازی مجلس داده میشود .

ماده‌سوم ـ مجلس شورای ملی بکار پردازی مجلس اجازه میدهد درآمد چاپخانه مجلس وباغ بهارستان را جزو جمع محاسبات مجلس محسوب‌دارد .

ماده چهارم ـ آقای آدالبرت اشتراکاتی کاردان چاپخانه مجلس تا انقضاء مدت استخدامش درهرسال یك ماه مرخصی بااستفاده حقوق خواهد داشت .

تبصره ـ ماده‌چهارم قانون استخدام‌مشارالیه راجع‌بمرخصی او مصوب بیستم شهریور ۱۳۱۷ لغواست .

این قانون که‌مشتمل برچهار ماده وصورت‌پیوست است در جلسه‌بیست‌ویکم اسفندماه یکهزارو سیصدو هفده بتصویب مجلس شورای ملی‌رسید .

نواب ریاست مجلس شورای‌ملی

مرتضی بیات ـ دکتر طاهری

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
تفصیل ماده اول **فقره ۱**					
مقرری آقایان نمایندگان و تفاوت					
مقرری ریاست مجلس	۱۳٤		٤۸٦۰۰۰۰	٤۸٦۰۰۰۰	
فقره ۲ **قانون گزاری**					
معاون اداری ریاست مجلس	۱	۹	۳۷٤٤۰		
منشی و مترجم	۱	۷	۱۹٦۸۰		
دبیرخانه					
رئیس	۱	۸	۲۵٤٤۰		
معاون فعلی (پایه قضائی)	۱	۷	۲۲٤٤۰		
کارمند	٤	٦	٦٤۳۲۰		
کارمند	۲	۵	۲۳۸۸۰		
بایگانی جاری و راکد					
رئیس	۱	۸	۲۵٤٤۰		
معاون	۱	٦	۱۷۲۸۰		
مدیر بایگانی راکد	۱	٦	۱٤۸۸۰		
کارمند	۲	۵	۲۵٦۸۰		
کارمند	۱	٤	۸۱٦۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
تند نویسی و تحریر صورت مجلس					
رئیس	۱	۸	۲۹۶۴۰		
معاون	۱	۶	۱۷۲۸۰		
کارمند	۳	۶	٤٤٦٤۰		
کارمند	۶	۵	۷۱۶٤۰		
کارمند	۲	٤	۱۶۳۲۰		
کارمند	۱	کنتراتی	۱۳۲۰۰		
قوانین و مطبوعات					
رئیس	۱	۸	۲۵٤٤۰		
معاون	۱	۶	۱۷۲۸۰		
کارمند	۳	۶	٤۷۰٤۰		
کارمند	۲	٤	۱۶۳۲۰		
کارمند	۱	۳	۶۲٤۰		
دائره کمیسیونها					
مدیر	۱	۷	۱۹۶۸		
معاون	۱	۶	۱٤۸۸۰		
کارمند	۱	۳	۶۲٤۰		

گزارش	تعداد	رتبه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
دائره ارسال مراسلات					
مدیر	۱	٦	۱۷۲۸۰		
معاون	۱	٤	۸۱٦۰		
اعتبار خصوصی			٦۰۰۰	٦٦۱۹۲۰	
فقره ۳					
کارپردازی					
معاون اداری	۱	۹	۳۷٤٤۰		
منشی	۱	٦	۱۷۲۸۰		
اداره حسابداری کل					
رئیس	۱	۹	۳۷٤٤۰		
معاون	۱	٦	۱۷۲۸۰		
منشی	۱	۵	۱۲۸٤۰		
حسابدار	٤	٤	۳۵۲۸۰		
دائره صندوق					
مدیر	۱	۷	۱۹٦۸۰		
معاون وحسابدار	۱	٤	۸۱٦۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
کتابخانه					
رئیس	۱	۸	۲۹۶۴۰		
معاون	۱	٤	۸۱۶۰		
کارمند	۳	٤	۲٤٤۸۰		
کارمند	۱	۱	۳۸٤۰		
دائره کارگزینی					
مدیر	۱	٦	۱۷۲۸۰		
کارمند	۱	٤	۸۱۶۰		
کارمند	۱	۳	٦۲٤۰		
دائره ملزومات					
مدیر	۱	٦	۱۷۲۸۰		
معاون	۱	٤	۹٤۸۰		
کارمند	۱	۱	٤٤٤۰		
دائره مجله مذاکرات مجلس					
مدیر	۱	۷	۱۹۶۸۰		
معاون وعضو	۱	٦	۱٤۸۸۰		
کارمند	۱	۵	۱۲۸٤۰		
کارمند	۱	٤	۸۱۶۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
بازرسی					
رئیس	۱	۸	۲۵۴۴۰		
معاون ومسئول بلیط وتوزیع لوایح	۱	٤	۹٤۸۰		
کارمند	۱	٤	۸۱۶۰		
کارمند	۲	۱	۸۲۸۰		
خدمتگزاران جزء					
ناظر	۱		۸٤۰۰		
سرمکانیك	۱		۱۲۱۲۰		
مکانیك	۱		۶۶۰۰		
تلفونچی	۲		۱۱۵۲۰		
دربان باشی	۱		۶۹۶۰		
دربان	٤		۲۰٤۰۰		
پیشخدمت باشی	۱		۸٤۰۰		
پیشخدمت	۲٤		۱۱۶۲۲۰		
سرایدار باشی	۱		۸٤۰۰		
سرایدار	۲۰		۷۸۷۸۰		
فوق‌العاده نگهبانی شبانه سرایدارها			٤۸۰۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
آبدار باشی	۱		۵۰۴۰		
آبدار و سقا	۶		۲۵۳۲۰		
فراش باشی	۱		۸۴۰۰		
فراش	۱۳		۳۸۶۴۰		
باغبان باشی	۱		۶۲۴۰		
گل کار	۶		۲۶۴۶۰		
باغبان	۷		۲۰۸۸۰		
فوق‌العاده مأمورین نگهبانی پست و تلگراف و دو نفر نامه رسان	۴		۶۷۲۰		
فوق‌العاده و مدد معاش و حقوق ایام مرخصی			۳۰۰۰۰		
شوفر اتومبیل	۱	کنترات	۹۹۰۰		
شهریه ورثه نعمت‌الله و عبدالله و تفاوت حقوق بازنشستگان و وظیفه وراث خدمت گزاران جزء			۳۰۰۰۰		
اعتبار اضافات و ترفیعات بتشخیص کمیسیون اضافات و ترفیعات			۵۳۷۶۰	۶۹۵۲۸۰	

گزارش	فقرات	ماده	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
فقره ۴۰ **هزینه**					
روشنائی			۱۰۰۰۰		
آبدارخانه			۳۶۰۰۰		
تنظیف			۸۰۰۰		
نوشت افزار			۲۰۰۰۰		
چاپ لوایح			۱۵۰۰۰		
چاپ صورت مذاکرات مجلس			۱۷۰۰۰		
اعتبار کتابخانه برای خرید کتب وآبونه جراید			۱۵۰۰۰۰		مبلغ نهصد وپنجاه لیره از این اعتبار وزارت دارائی ارز خواهند داد و بهای آنرا دریافت خواهند داشت
پست وتلگراف وتلفن			۱۳۰۰۰		
فوق العاده پاسبانان مجلس			۲۲۰۰۰		
ملبوس خدمت گزاران جزء سالی نفری دودست	۹۲		۳۰۰۰۰		
سوخت زمستانی			۳۰۰۰۰		
هزینه جشن ها			۱۷۰۰۰		
هزینه باغ بهارستان			۱۵۰۰۰		
اعتبار هزینه پیش بینی نشده			۷۰۰۰۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
ساختمان وتعمیرات ابنیه			۵۰۰۰۰۰		قرضه بنائی سال ۳۱۷ مجلس از این محل پرداخت و محسوب میشود
خرید اثاثیه وتعمیرات اثاثیه سابق			۱۵۰۰۰۰		
حق بیمه			۲۰۰۰۰		
سهمیه سالانه اتحاد بین المجالس			۸۵۰۰		درقسمت سهمیه سالانه اتحاد بین المجالس یکهزار و پانصد و چهل و پنج فرانك سویس وزارت دارائی ارزخواهند داد و بهای آنرا دریافت خواهند داشت
عیدی نوروز کارکنان مجلس			۱۱۰۰۰۰	۱۳۹۴۵۰۰	
جمع ماده اول بودجه مجلس				۷۸۸۱۷۰۰	
تفصیل ماده دوم					
چاپخانه مجلس					
فقره ۱					
مدیر	۱	۷	۱۹۶۸۰		
معاون	۱	۵	۱۱۰۴۰		
رئیس بازرسی	۱	۵	۱۲۸۴۰		
معاون بازرسی	۱	۴	۸۱۶۰		
عضو بازرسی	۱	۱	۳۸۴۰		
مسؤل حسابداری	۱	۶	۱۴۸۸۰		
معاون	۱	۴	۸۱۶۰		

گزارش	تعداد	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
حسابدار	۱	۲	۵۰۴۰		
حسابدار	۲	۱	۸۲۸۰		
مسئول ملزومات وصندوق	۱	۵	۱۲۸۴۰		
منشی ودفتر نویس	۱	۳	۶۲۴۵		
بایگان	۱	۱	۴۴۴۰		
مصحح	۱	۲	۵۰۴۰		
مدیر گراور سازی	۱	۶	۱۷۲۸۰		
مسئول فوتولیتو	۱	۵	۱۲۸۴۰		
نقاش ورتوشه گر	۱	۴	۸۱۶۰		
نقاش »	۱	۱	۳۸۴۰		
ناظر	۱	۱	۴۴۴۰		
مترجم وماشین نویس (کنتراتی)	۲		۱۹۲۰۰		
اعتبار اضافات وترفیعات برحسب تشخیص کمیسیون ترفیعات واضافات			۱۲۵۸۰		
خدمت گزاران جزء					
تحصیلدار	۱		۷۲۰۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
کمك انبار و کاغذ شمار	۲		۹۲٤۰		
پیشخدمت و آبدار وفراش	۱۰		۲۸۲۰۰		
قسمت فنی					
گراور ساز	۸		۳۱۵۰۰		
مسئول اشتروتیپی	۱		٦۰۰۰		
کارگر »	۷		۱۸٤۸۰		
مسئول ماشینخانه	۱		۱۸۰۰۰		
معاون »	۱		۷۲۰۰		
کارگر »	۳٦		۱۳٤۱٦۰		
مسئول افست	۱		۱۵۰۰۰		
معاون	۱		۸٤۰۰		
کارگر	۱۰		۳۳۳٦۰		
مسئول موتورخانه	۱		۱۲۰۰۰		
کارگر	۵		۲۱۰۰۰		
مسئول حروف چینی	۱		۸٦٤۰		
کارگر	۱٦		۵۵٦۸۰		
مسئول فرم بندی	۱		٦٦۰۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
کارگر فرم‌بندی	۱۴		۵۰۴۰۰		
مسئول صحافی	۱		۸۱۶۰		
معاون	۱		۵۶۴۰		
کارگر	۱۵		۴۳۳۲۰		
مسئول اوراق بهادار	۲		۹۵۴۰		
کارگر	۳۵		۹۴۹۸۰		
مسئول حروف ریزی	۱		۵۴۰۰		
کارگر	۵		۱۶۳۲۰		
کاردان فنی (کنتراتی)	۲		۱۰۲۰۰۰		از اعتبار صد و دو هزار ریال حقوق دو نفر کاردان فنی کنتراتی مبلغ هفت هزار و پانصد مارك وزارت دارائی ارز خواهند داد و بهای آنرا دریافت خواهند نمود

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
کاردان فوتورتو گراور (کنتراتی)	۱		۵۰۰۰۰		از اعتبار پنجاه هزار ریال حقوق کاردان فوتورتو گراور مبلغ ۳۰۰ لیره انگلیسی وزارت دارائی ارز خواهند داد و بهای آنرا دریافت خواهند داشت
ماشینچی	۱		۶۶۰۰		
کارمند	۶		۲۰۸۸۰		
کارمند فتولیتو	۲		۷۶۸۰		
اعتبار اضافه کاری وفوق العاده			۱۲۰۰۰۰	۱۱۶۰۴۰۰	
فقره ۲					
اعتبار برای تکمیل خرید ماشین آلات وتعمیرات اثاثیه			۳۸۰۰۰۰		مبلغ پنجاه وهشت هزار ونهصد مارك از محل اعتبارات فقره ۲ بودجه چاپخانه وزارت دارائی ارز خواهند داد و بهای آنرا دریافت خواهند داشت
اعتبار برای خرید کاغذ تمبر مالیاتی وپستی			۱۲۰۰۰۰		
هزینه چاپخانه ازمرکب وروغن و ژلاتین ونفت ودواجات وغیره			۳۴۰۰۰۰		
اعتبار هزینه پیش بینی نشده			۲۵۰۰۰		

گزارش	نفرات	پایه	مبلغ سالیانه ریال	مبلغ کل ریال	ملاحظات
سوخت زمستانی			۳۰۰۰۰		
ملبوس خدمت گزاران جزء سالی نفری دو دست	۱۳		۴۴۲۰		
عیدی نوروز کارکنان چاپخانه			۴۳۴۸۰	۹۴۲۹۰۰	
جمع ماده ۲ بودجه چاپخانه مجلس				۲۱۰۳۳۰۰	
جمع کل ماده اول و دوم				۹۹۸۵۰۰۰	

صورت بالاپیوست قانون بودجه یکساله یکهزار و سیصد و هیجده مجلس شورای ملی بوده و صحیح است

نواب ریاست مجلس شورای ملی

مرتضی بیات ـ دکتر طاهری

ب ـ اعتبارات

قانون سه فقره اعتبار براي خريد كارخانه ذوب آهن و لكوموتيو و ساختمان سر سره در بندر پهلوی

مصوب ۷ آذر ماه ۱۳۱٦

ماده واحده ـ وزارت ماليه مجاز است كه مبالغ ذيل را :

۱ ـ جهت خريد سوار كردن كارخانه ذوب آهن در ۱۳۱٦	٦۰۰۰۰ ليره
۲ ـ بابت خريد ده عدد لكوموتيو	۷۹۰٤٦ ليره
۳ ـ ساختمان سرسره دربندر پهلوی	۷۹۸۲۹ ليره

از محل اندوخته كشور برداشت نموده وباقساط معينه درقراردادهای مربوطه بمصرف هزينه‌های مزبور برساند .

اينقانون كه‌مشتمل‌بريك‌ماده‌است‌درجلسه هفتم آذرماه يكهزاروسيصدوشانزده بتصويب مجلس‌شورای ملی رسيد . رئيس مجلس‌شورای ملی ـ حسن اسفنديار ی

قانون

اجازه پرداخت يكصد و هفتاد ميليون ريال برای هزينه راه‌آهن در سال ۱۳۱۷

مصوب ٥ تير ماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ وزارت ماليه مجاز است در سال ۱۳۱۷ مبلغ يكصد و هفتاد

ملیون ریال ازمحل درآمد انحصار قند وچای وشکر اضافه بر یکصدو پنج ملیون پانصد و شصت و چهار هزار و پانصد وهشتاد وپنج ریال (۱۰۵۵۶۴۵۸۵ ریال) که از محل درآمد عمومی در بودجه کل کشور منظور است برای ساختمان راه آهن سرتاسر ایران وساختن راه‌آهن گرمسار به سمنان - ساختمان بندرشاهپور - هزینه اداره نظارت ساختمان راه‌آهن - کمك هزینه بنگاه بهره برداری راه آهن و سایر قسمت های مربوطه به راه آهن بوزارت طرق پرداخت نماید - تعیین میزان قطعی اعتبارات هریك از اقلام هزینه نامبرده بموجب تصویب هیئت وزراء خواهدبود .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه پنجم تیرماه یکهزار و سیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اجازه پرداخت پانصد هزار لیره از اندوخته کشور برای هزینه راه آهن و بندر شاهپور

مصوب ۱۰ مهر ماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ وزارت‌مالیه مجازاست مبلغ پانصدهزارلیره جهت هزینه‌های راه آهن و بندر شاهپور از اندوخته کشور برداشت و بمصرف برساند .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه دهم مهر ماه یکهزاروسیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

سیصدهزار لیره اعتبار اضافی براي هزینه‌های ارزي راه آهن وبندرشاهپور

مصوب ۹ بهمن ماه ۱۳۱۷

ماده واحده - وزارت‌دارائی‌مجازاست مبلغ سیصد هزارلیره (۳۰۰۰۰۰لیره) جهت هزینه های راه آهن و بندر شاهپور و غیره از اندوخته کشور برداشت و بمصرف برساند.

این‌قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه نهم بهمن‌ماه یکهزار وسیصدو هفده بتصویب مجلس شورای‌ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

قانون

اجازه پرداخت چهار صد و سی هزار لیره بابت هزینه ارزی بنگاههای صنعتي دولتي

مصوب ۱۱ دیماه ۱۳۱۷

ماده واحده - مجلس شورای ملی بوزارت دارائی اجازه میدهد مبلغ چهار

صد وسی هزارلیره بابت هزینه ارزی بنگاههای صنعتی دولتی ازمحل اندوخته کشور پرداخت نماید .

این‌قانون که مشتمل بریك ماده‌است درجلسه یازدهم‌دی‌ماه یکهزاروسیصدو هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی حسن - اسفندیاری

قانون

دویست و پانزده هزار ریال اعتبار اضافي به کار پردازی مجلس

مصوب ۱۵ شهریور ماه ۱۳۱۸

ماده واحده ـ کارپردازی مجلس شورای‌ملی مجازاست که ازمحل صرفه‌جوئی بودجه سال **۱۳۱۸** مجلس شورای ملی مبلغ یکصد و سی هزار ریال برای استخدام کارگران فنی جدیــد و هزینه ماشین آلات و مبلغ هشتاد و پنج هزار ریال کمك بهزینه جشن‌ها از وزارت دارائی دریافت نماید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه پانزدهم شهریورماه یکهزار وسیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس‌شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

پانصد هزار ریال اعتبار برای ساختمان جدید چاپخانه مجلس

مصوب ۱۰ تیرماه ۱۳۱۸

ماده واحده ـ مجلس شورای‌ملی بکارپردازی مجلس اجازه میدهد که ازمازاد

درآمد سال جاری **۱۳۱۸** چاپخانه مجلس که دربودجه کل کشور منظور و تصویب شده‌است مبلغ پانصد هزارریال (۵۰۰۰۰۰) بمصرف ساختمان جدید برای چاپخانه مجلس برساند ووزارت دارائی مبلغ مذکورر ابا کارپردازی مجلس احتساب خواهد نمود.

این قانون که مشتمل بر یك ماده است درجلسه دهم تیرماه یکهزار وسیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی - حسن اسفندیاری

ج ـ اجازه دریافت وام

قانون

اجازه گرفتن ده میلیون ریال وام ازبانك ملي براي بهره برداری نوغان

مصوب ۵ تیرماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ بوزارت صناعت و معادن اجازه داده میشود مبلغ ده میلیون ریال ازبانك ملی ایران بمدت یکسال وام گیرد اصل وسود آن ازدرآمد سال ۱۳۱۷ نوغان مستهلك گردد.

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه پنجم تیرماه یکهزاروسیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید.

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه دریافت هفت میلیون ریال وام از بانك ملی ایران برای تکمیل و اتمام ساختمان عمارت وزارت خارجه

مصوب ۳ مهر ماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ بوزارت امورخارجه اجازه داده میشود مبلغ هفت میلیون ریال برای تکمیل و اتمام ساختمان عمارت جدید آن وزارتخانه بعنوان وام ازبانك ملی

ایران بمدت سه سال دریافت دارد ـ اصل و سود آن را دربودجه سالهای ۱۳۱۸ تا ۱۳۲۰ آن وزارتخانه منظور و مستهلك نماید .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه سوم مهرماه یکهزار وسیصد و هفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه خرید لوازم ساختمانی و اثاثیه بنای جدید وزارت امورخارجه بدون رعایت مناقصه

مصوب **۱۱** دیماه ۱۳۱۷

ماده واحده ـ وزارت امورخارجه مجازاست بدون رعایت آئین مناقصه مصالح بنائی ولوازمی که برای اتمام ساختمان بنای جدید آنوزارتخانه لازم دارد وهمچنین اثاثیه آنرا بتشخیص کمیسیون ساختمان با عضویت نماینده مخصوص وزارت دارائی و تصویب وزیر امورخارجه خریداری نماید .

این قانون که مشتمل بریك ماده است درجلسه یازدهم دی ماه یکهزاروسیصد وهفده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه بیست میلیون ریال وام بوزارت کشور برای توسعه کارخانه وشبکه برق شهرداری تهران

مصوب ۲۵ شهریور ماه ۱۳۱۸

ماده واحده ـ مجلس شورای ملی بوزارت کشور اجازه میدهد که مبلغ بیست میلیون ریال برای کارخانه وشبکه برق شهرداری تهران باعتباردرآمد کارخانه از بانك ملی ایران وام گرفته و درمدت شش سال اصل و سود آنرا مستهلك نماید ـ

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و پنجم شهریور ماه یکهزارو سیصدو هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

قانون

اجازه دومیلیون ریال وام بوزارت کشور برای ساختمان گورستان جدید تهران

مصوب ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۸

ماده واحده ـ بوزارت کشور اجازه داده میشود برای ساختمان گورستان جدید وسایر متعلقات آن در تهران دو میلیون ریال از بانك ملی ایران وام گرفته در مدت چهارسال اصلاً وفرعاً ازمحل فروش اراضی مستهلك نماید .

این قانون که مشتمل بر یك ماده است در جلسه بیست و پنجم شهریور ماه یکهزار وسیصد و هیجده بتصویب مجلس شورای ملی رسید .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

فهرست

قسمت ششم - تصمیمات و مطالب متفرقه

فهرست قسمت ششم ـ تصمیمات ومطالب متفرقه

قسمت ششم

تصمیمات و مطالب متفرقه

تصمیم مجلس شورای ملی دائر بابراز رأی اعتماد بکابینه آقای جم

مجلس شورای ملی درجلسه اول مهرماه ۱۳۱۶ نسبت بکابینه آقای محمود جم

کابینه بشرح زیر درجلسه اول مهرماه ۱۳۱۶ معرفی شده است.
آقای محمود جم (نخست وزیر) - آقای مجید آهی (وزیر راه) - آقای علی اصغر حکمت (وزیر فرهنگ) - آقای عنایت‌الله سمیعی (وزیر امورخارجه) - آقای دکتر متین دفتری (وزیر دادگستری) آقای محمود بدر (وزیر دارائی) - آقای سرلشگر فضلی (کفیل وزارت جنگ) - آقای ابوالقاسم فروهر (کفیل وزارت کشور) - آقای مصطفی منصور عدل (کفیل وزارت امورخارجه در غیاب آقای سمیعی) - آقای فرخ (رئیس کل اداره پیشه وهنرومعادن) - آقای احمد حسین عدل (کفیل اداره کل کشاورزی) - آقای حسین علاء (رئیس کل بازرگانی).

درتاریخ هشتم مهر ماه آقایان زیر بسمت های نامبرده معرفی شدند.
آقای حسین علاء (وزیر بازرگانی) - آقای فرخ (وزیر پیشه وهنر ومعادن) - آقای ابوالقاسم فروهر (وزیر کشور).

در تاریخ ۱۵ اسفند ماه ۱۳۱۶ آقای مصطفی منصور عدل به کفالت وزارت امورخارجه و آقای حسین رخشانی به ریاست اداره کل کشاورزی معرفی شدند.

در تاریخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۷ آقای ابوالقاسم فروهر بوزارت پیشه وهنر و درتاریخ ۸ خرداد ماه ۱۳۱۷ آقای علی سهیلی بوزارت امورخارجه و درتاریخ ۲۲ مرداد ۱۳۱۷ آقای مظفر اعلم به وزارت امورخارجه و آقای اسمعیل مرات به کفالت وزارت فرهنگ و در تاریخ ۲۰ شهریور ماه ۱۳۱۷ آقای علی منصور بوزارت پیشه وهنروآقای ابوالقاسم فروهر بوزارت کشور و درتاریخ ۱۱ دیماه ۱۳۱۷ آقای دکتر محمد سجادی به کفالت وزارت راه و درتاریخ ۷ اسفند ماه ۱۳۱۷ آقای علی اصغر حکمت بوزارت کشور و آقای ابراهیم علم بوزارت پست و تلگراف و درتاریخ ۲۷ شهریور ماه ۱۳۱۸ آقای دکترمحمد سجادی بوزارت راه وآقای اسمعیل مرآت

رئیس الوزراء باتفاق آراء حاضره (۱۱۱ نفر) رأی اعتماد داده است .

تصمیم فوق در جلسه اول مهر ماه یکهزار و سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

تصمیم

قانونی دائر بسلب مصونیت از آقای اسمعیل عراقي

مصوب ۱۹ اسفند ماه ۱۳۱٦

مجلس شورای ملی از آقای اسمعیل عراقی نماینده مجلس سلب مصونیت نموده وبدولت اجازه میدهد اورا مورد تعقیب جزائی قرار دهد .

این تصمیم در جلسه نوزدهم اسفند ماه یکهزار و سیصد و شانزده بتصویب مجلس شورای ملی رسید . رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

تصمیم

قانوني دائر به سلب مصونیت آقای اعتصام زاده

مصوب ۱٦ مرداد ماه ۱۳۱۷

مجلس شورای ملی از آقای ابوالقاسم اعتصام‌زاده نماینده مجلس سلب مصونیت نموده و بدولت اجازه میدهد او را مورد تعقیب جزائی قرار دهد .

این تصمیم درجلسه شانزدهم مرداد ماه یکهزاروسیصدوهفده به تصویب مجلس شورای ملی رسید رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

بوزارت فرهنگ بمجلس شورای ملی معرفی شدند .

معاونین : ـ آقای محمدعلی مجد معاون وزارت پیشه وهنر (تاریخ معرفی ۲۵ مهرماه ۱۳۱٦) آقای صادق وثیقی معاون وزارت بازرگانی (تاریخ معرفی ۱٦ آذر ۱۳۱٦) ـ آقای الله‌یارصالح معاون وزارت دارائی (تاریخ معرفی ۲۲ مرداد ۱۳۱۷) ـ آقای دکترجواد عامری معاون وزارت امورخارجه (تاریخ معرفی ۲ بهمن‌ماه ۱۳۱۷) ـ آقای علی‌نصر معاون وزارت پیشه وهنر تاریخ‌معرفی (۹ بهمن ۱۳۱۷) ـ آقای محمد سروری معاون وزارت دادگستری (تاریخ‌معرفی ۲۳ بهمن ماه ۱۳۱۷)

فهرست

قسمت هفتم - آئین نامه ها

فهرست قسمت هفتم - آئین نامه ها

قسمت هفتم

آئین نامه

اصلاح قسمت اخیر ماده ۶ وماده ۷ آئین‌نامه طرز تقسیم کمك خرج به دانش جویان دانشسرای عالی

مصوب ۳ مهر ماه ۱۳۱۷ کمیسیون فرهنگ مجلس شورای ملی

قسمت اخیر ماده ششم وماده هفتم آئین نامه طرز تقسیم کمك‌خرج به دانشجویان دانش‌سرای عالی مورخ ۱۷ اسفند ۱۳۰۸ بشرح زیر اصلاح میشود :

۱ ـ درقسمت اخیر تعهدنامه مندرجه درمادهٔ ششم جمله « ودرصورتیکه مایل بخدمت معلمی نباشم باید معادل خرج تحصیل دریافتی و شهریه خود را بصندوق بپردازم » حذف و این جمله اضافه میشود :

« و الا ازعهده پرداخت کلیه هزینهٔ که دولت درباره من نموده‌است برآیم »

۲ ـ ماده هفتم بقرار زیر اصلاح میشود :

ماده هفتم ـ دانش جویانی که داوطلب دبیری نباشند و در موقع ورود تعهد نسپارند بایستی شهریه دانشسرای عالی را بپردازند .

دوفقره اصلاح بالادرجلسه‌سوم‌مهرماه یکهزاروسیصدوهفده‌بتصویب‌کمیسیون فرهنگ مجلس‌شورای ملی رسید وبموجب قانون ۲۱ آذرماه ۱۳۰۸ قابل اجراست .

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

آئین نامه

طرز وصول عوارض شهرداري وجرائم مستنکفین از پرداخت نامبرده

مصوب ۱۳ مهر ماه ۱۳۱۷ کمیسیونهای دادگستری و کشور

ماده۱ ـ هریك ازمؤدیان مالیات مستغلات که ازپرداخت بدهی خود درمدت معین در ماده ٤ این آئین‌نامه خودداری کند از انقضاء موعد مذکور در آن ماده تا تاریخ شروع بعملیات اجرائی ازطرف شهرداری برای هرششماه کامل تأخیرنیم عشر بدهی بعنوان جریمه بر کل بدهی مؤدی افزوده میشود .

درصورتیکه مؤدی اعتراض واردی داشته باشد جریمه مذکور از تاریخ رفع اختلاف و اخطارآن بمؤدی محسوب خواهد گردید .

ماده۲ ـ کوره پزها مکلفند قبل‌ازآتش نمودن هر کوره مبلغی برابرعوارض محصول آن بعنوان مساعده بصندوق شهرداری تأدیه نمایند ـ ازمتخلفین ازاین‌ماده دوبرابر عوارض دریافت خواهد شد .

ماده۳ ـ هریك از صاحبان گاراژ و یا اتوبوس و یا اتومبیل کرایه مکلفند همیشه‌بقدر کافی بلیط چاپی‌ممیزی‌شده درمقابل پرداخت عوارض‌ازشهرداری‌خریداری کرده درموقع اخذ کرایه بمسافرین بدهند .

متخلفین ازاین ماده درحکم مرتکبین قاچاق عوارض شهرداری بوده وبرطبق قانون قاچاق تعقیب میشوند .

تبصره ـ هرگاه اشخاص‌نامبرده بلیط بقدرکافی به بلیط فروش سپرده و بلیط فروش بدون دادن بلیط ازمسافرین کرایه اخذ کنند مجازات قاچاق درباره بلیط فروش اعمال میشود .

ماده۴ ـ کسانیکه از پرداخت عوارض شهرداری استنکاف نمایند (غیر از مشمولین مقررات قانون قاچاق عوارض شهرداری) ازطرف مأمورین وصول درآمد شهرداری مراتب کتباً بآنها اخطارمیشودکه بدهی خود را درصورتیکه مدیون متوقف در محل باشد در ظرف یکماه و در صورت توقف در سایرشهر ها درظرف دو ماه تأدیه نمایند.

این اخطار باید در دونسخه چاپی تنظیم وحاوی نام ونام خانوادگی وشهرت مؤدی ومبلغ بدهی او بوده باتعیین اینکه مطالبه‌آن از چه بابت و مربوط بچه سال وبرای چه مدت میباشد وبکجا باید تسلیم شود و ضمناً رفتاری که درصورت انقضاء موعد ونرسیدن اعتراض بامؤدی‌خواهد شد باید بطورخلاصه با اشاره بمواد مربوطه دراخطاریه قید شده باشد.

یك نسخه از اخطاریه بمؤدی تسلیم و نسخه دیگر باقید تاریخ رؤیت بامضاء اورسیده وتوسط مأمورابلاغ‌پس‌از تصدیق‌بدائره‌وصول‌درآمد شهرداری‌تسلیم میشود.

هرگاه مؤدی ازقبول اخطاریه امتناع نماید مأمورابلاغ باحضور دونفرشاهد استنکاف او را در زیر اخطاریه نوشته و امضاء مینماید و بامضاءِ شهود نیز میرساند و عیناً بدائره وصول درآمد شهرداری اعاده میدهد.

به متوقفین درخارج ازمحل اخطاریه بوسیله شهربانی محل‌اقامت مؤدی ابلاغ می‌شود.

ماده۵ ـ مدیونین مکلفند بدهی خود را در ظرف مهلت معینه در ماده قبل درمقابل رسید رسمی بصندوق‌درآمد شهرداری‌تأدیه نمایند وچنانچه اعتراضی‌داشته باشند درظرف همان مدت دلایل واسناد ومدارك اعتراض خود را بدفترشهرداری ویا دفتر دائره وصول درآمد شهرداری تسلیم و رسید دریافت مینمایند. باین اعتراض شهرداری رسیدگی نموده نتیجه را کتباً بمعترض اعلام میدارد.

ماده٦ ـ چنانچه مؤدیان مستنکف پس از انقضاء مدت اخطار ومؤدیانی که اعتراض نموده‌اند درظرف یکماه پس‌ازخاتمه رسیدگی اقدام به پرداخت بدهی خود ننمودند شهرداری مجاز است ازوجه نقد و درآمد مؤدی توقیف نموده طلب خود را دریافت نماید وادارات وبنگاه هائیکه وجوه نامبرده نزدآنها توقیف شده مکلفند از وجوهی که باید بمؤدی بدهند عوارض شهرداری را بدواً بپردازند .
درمورد مؤدی معیل ربع درآمد والا ثلث آن قابل توقیف است .

تبصره ـ نسبت به‌مالیات‌مستغلات مطابق‌ماده ١٤ قانون‌نامبرده عمل‌خواهدشد.

ماده٧ ـ چنانچه مشمولین ماده٦ ازهیچ محلی‌درآمدی نداشته‌باشند‌شهرداری مجاز است از اموال منقول مؤدی (بغیر ازمستثنیات دین) توقیف نموده مراتب را بمؤدی اخطار کند که هرگاه درظرف پانزده روز از تاریخ ابلاغ اخطار بدهی خود را نپردازد یا ترتیبی برای پرداخت آن ندهد مال‌توقیف شده از طریق حراج ومزایده بفروش خواهد رسید وپس‌ازانقضاء مدت نامبرده مطابق مواد زیرعمل نموده وطلب خود را ازبابت اصل وجریمه تأخیر وهزینه توقیف وفروش اموال برداشت نماید .

ماده٨ ـ توقیف اموال بتوسط مأمورین درآمد شهرداری باحضورمدیون یا نماینده اوبعمل میآید عدم حضورمدیون مانع ازتوقیف نخواهد بود ولی‌دراینصورت باید یکنفر نماینده پارکه محل حاضر باشد وهرگاه محلی که مال درآن است بسته یا مقفل باشدومدیون یا کسان اوازبازکردن‌آن امتناع نمایند باید باحضور یکنفر مأمورشهربانی یا گارد شهرداری باز واموال توقیف شود .

ماده٩ ـ توقیف مال منقولی‌که درتصرف غیراست ومتصرف نسبت بآن ادعای مالکیت میکند ممنوع است .

ماده ١٠ ـ اشیاءِ مفصله ازمستثنیات دین است وتوقیف نمیشود :

الف ـ لباس و اشیائی که برای ایفاءِ حوایج ضروریه مدیون و خانواده او لازم است .

ب ـ آذوقه‌موجوده بقدراحتیاج یکماهه مدیون و نفقه اشخاص واجب‌النفقه‌او.

ج ـ نوشتجات مدیون باستثناءِ اسناد مطالبات و کاغذ های قیمتی و سهام شرکتها وهرقسم اوراق بها دار دیگر .

د ـ لباس رسمی و نیم رسمی‌مدیون و همچنین اسلحه واسب نظامیان ومأمورین امنیه وشهربانی .

هـ ـ اسباب وآلات زراعتی وحرفتی وصنعتی که برای تأمین معیشت ضروری یومیه مدیون لازم است .

ماده ۱۱ ـ قبل ازتوقیف اموال باید صورتی‌مرتب شودکه درآن اسامی کلیه اشیاء توقیف‌شده نوشته‌شود ودرموقع لزوم کیل ووزن وعدد اشیاء معین‌شود درمورد طلا و نقره آلات هرگاه عیار آنها معین باشد در صورت مجلس قید میگردد ـ در جواهرات عدد و اندازه وصفات و اسامی آنها معین میشود ـ در کتب اسم کتاب و مصنف وتاریخ طبع درتصویر و پرده‌های‌نقاشی موضوع پرده وطول وعرض آنها ونام نقاش اگر معلوم باشد ـ در مال‌التجاره چه در انبار باشد و چه در جای دیگر نوع مال‌التجاره و عدد عـدل و شماره و رنگ آنها تصریح میشود ـ دراسهام و کاغذهای قیمتی عدد وقیمت ونوع آنها درصورت مجلس معین میشود وهمچنین درصورت ریز اشیاءِ نو یا مستعمل بودن آنها باید قید گردد .

تبصره ـ عدد و کـیل و وزن باید با تمام حروف نوشته شود ـ صورت باید قیطان کشیده شده و بمهرمأمورین وصول درآمد شهرداری رسیده باشد .

ماده ١٢ - اگر درصورت ریز اشیاءِ سهو واشتباهی بعمل آید درآخرصورت تصریح و بامضاءِ مأمورین وصول عوارض شهرداری میرسد - تراشیدن وپاك كردن و نوشتن بین‌سطور ممنوع است .

ماده ١٣ - مأمورین وصول درآمد شهرداری درموقع توقیف اموال مقومی همراه خواهند داشت و از اموال مدیون مقداری که برابر طلب اداره شهرداری ودو عشر اضافه لااقل بفروش برسد توقیف خواهند کرد .

ماده ١٤ - هرگاه نسبت‌باشیائی که باید توقیف شود اشخاص‌ثالث اظهارحقی نمایند مأمور وصول شهرداری نام مدعی وچگونگی اظهار او را قید میکنند .

تبصره - اشخاص ثالث میتوانند مطابق مقررات عمومی برای اثبات حق‌خود بدادگاه صلاحیت‌دار مراجعه نمایند .

ماده ١٥ - درمواردیکه مدیون یانماینده یارکه وشهود حاضرباشند صورت ریز اشیاءِ علاوه بر امضاء مأمور وصول درآمد شهرداری بامضاء آنها نیز میرسد و هرگاه امتناع از امضاء نمایند مراتب در صورت جلسه قید میگردد .

ماده ١٦ - اشخاص مذکور در ماده قبل میتوانند ایرادات خود را در باب صورت تنظیم شده بمأموروصول درآمد شهرداری اظهارنمایند هرگاه مأمورایرادات آنان را قبول نکرد درآخر صورت جهات آنرا قید میکنند .

ماده ١٧ - بدرخواست مدیون مأمور وصول‌درآمد شهرداری باید رونوشتی ازصورت تنظیم شده باو بدهد .

ماده ١٨ - هرگاه اموال منقوله درجای‌محفوظ معین باشد مأموروصول درآمد شهرداری مدخل آنجا را بسته ومهروموم مینماید وهرگاه اشیاء در جای محفوظ و معینی نباشد بهرکدام از اشیاء کاغذی الصاق کرده مهرمیکنند و مدیون نیزمیتواند مهرخود را پهلوی مهرمأموربزنند .

ماده ۱۹ ـ هر گاه طول توقیف باعث فساد بعضی اشیاءِ توقیف شده بشود از قبیل فرش و پارچه‌های پشمی و غیره اشیاءِ نامبرده را باید جدا کرده طوری توقیف نمایند که بتوان سر کشی ومراقبت نمود .

ماده ۲۰ ـ توقیف اموال ضایع شدنی ممنوع است و باید اموال نامبرده بفوریت یا بتدریج که بدست میآید فروخته شده وصورت برداشته شود .

ماده ۲۱ ـ هر گاه مالی کـه توقیف میشود بین مدیون و شخص یا اشخاص دیگر مشاع باشد شر کت بین آنان بنحو تساوی فرض میشود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود .

ماده ۲۲ ـ اموالی که باید توقیف شود درهمان جائیکه هست توقیف میشود و درصورت لزوم بجای محفوظی نقل میگردد ـ در هرحال باید اموال توقیف شده را با اخذ رسید بشخص مسئول سپرد .

ماده ۲۳ ـ مأمور وصول درآمدشهرداری باید حتی‌المقدور کسی‌را معین نماید که دارائی داشته وبدون نقل اشیاءِ بجای دیگر مسئول حفظ آن شود درهرصورت مأمور ازجهت حفاظت اموال ضامن کسی‌خواهد بود که خود او انتخاب مینماید .

ماده ۲۴ ـ هر گاه حافظ اموال توقیف شده نسبت باموال مذکوره تعدی یا تفریط نماید علاوه بر تأدیه خسارت باتهام خیانت در امانت تعقیب خواهد شد .

ماده ۲۵ ـ هر گاه اشیاءِ توقیف شده منافعی داشته باشد حافظ اشیاء مزبوره باید حساب آن را بدهد .

ماده ۲۶ ـ هر گاه تاانقضای ده روز ازتاریخ توقیف اموال مدیون طلب اداره شهرداری را ادا ننمود اموال نامبرده بفروش‌رسیده وطلب اداره شهرداری تأدیه میشود .

ماده ۲۷ ـ پس از انقضای مدت مقرره درماده فوق اداره شهرداری یامتصدیان وصول درآمد شهرداری باید فوراً آگهی حراج اموال توقیف شده‌را منتشر نمایند.

ماده ۲۸ ـ آگهی نامبرده باید حاوی نکات زیر باشد:

الف ـ نوع اموال توقیف شده.

ب ـ روز و ساعت ومحل فروش.

ماده ۲۹ ـ موعدفروش یکماه‌است وازروزانتشارآگهی‌حراج محسوب میشود.

ماده ۳۰ ـ اموال منقولی که قیمت مجموع آن بیش از پانصد ریال نباشد آگهی حراج لازم ندارد ونیزاموالی که دارای نرخ ثابت است محتاج بآگهی‌حراج نیست و بطورعادی بفروش میرسد.

ماده ۳۱ ـ آگهی حراج باید بمعابر عمده محل و مدخل اداره شهرداری و شهربانی و کلانتری الصاق ودریك روزنامه کثیرالانتشارمحلی اگرباشد نیزدرج شود مدیون میتواند علاوه بر آگهی‌های‌فوق بخرج خودآگهی‌های‌لازمه را بنماید.

ماده ۳۲ ـ درصورت تغییر روز فروش باید بارعایت مواد فوق آگهی مجدد بعمل‌آید.

ماده ۳۳ ـ تصنیفات وتألیفات وترجمه های خطی وهمچنین تصنیفات وتألیفات و ترجمه های چاپی که هنوز برای خرید وفروش منتشر نشده بدون رضایت مصنف یامؤلف یا مترجم یا قائم مقام یاوراث آنها بمعرض فروش گذارده نمیشود.

ماده ۳۴ ـ کارکنان شهرداری ومتصدیان حراج‌حق شرکت درخریدندارند.

ماده ۳۵ ـ مدیون میتواند با تأدیه قیمت از فروش تمام یا قسمتی از اموال جلوگیری کند ونیزمیتواند تقدم وتأخیرفروش را نسبت باموال‌توقیف شده درخواست کند دراینصورت درخواست او پذیرفته خواهد شد.

ماده ۳۶ - اگر کسیکه بالاترین بها را پیشنهاد کرده حاضر به تأدیه قیمت نشود مزایده بهمان طریق و با همان موعدی که برای مزایده اول مقرر است بخرج خریداری که قیمت را تأدیه ننموده است تجدید میشود. درمزایده ثانوی اگر مال توقیف‌شده بقیمت بیشتری فروخته شود بنفع مدیون خواهد بود و اگر بقیمت کمتر فروخته شود تفاوت را خریداری‌که قیمت را تأدیه نکرده وبدین‌جهت مزایده ثانوی بعمل آمده است باید بدهد.

ماده ۳۷ - در هر موقعیکه وجوه حاصله از فروش برای اداء طلب اداره شهرداری و سایر هزینه (هزینه توقیف و آگهی و حقوق دیوانی) کافی باشد از فروش بقیهٔ اموال توقیف شده خود داری خواهد شد.

ماده ۳۸ - درموارد زیر فروش ازدرجه اعتبار ساقط است.

الف - هرگاه خریدارازجمله اشخاصی باشدکه مطابق ماده۳٤ ممنوع ازشرکت درخرید بوده.

ب - هرگاه فروش درغیرروزوساعت ویا محلی که بموجب آگهی معین‌شده بعمل آید.

ج - هرگاه‌کسی را بدون جهت قانونی مانع ازخرید شوند یا بالاترین قیمت راکه پیشنهاد کرده است رد نمایند.

د - هرگاه مزایده بدون حضور نماینده پارکه بعمل آید.

ماده ۳۹ - فروش باید حتی‌المقدور درنقاطی بعمل آیدکه برای حراجهای عمومی معین شده است.

ماده ۴۰ - مؤدی معترضی‌که برسیدگی اداره شهرداری تسلیم‌نبوده ومؤدی

که بادعاءِ بدهکار نبودن خود توقیف وجه واموال را بیمورد میداند میتوانند بپارکه بدایت محلی که شهرداری در حوزه آن واقع شده شکایت نموده رسیدگی بآن و جلوگیری ازعملیات شهرداری را خواستارشوند مشروط براینکه برابر آنچه ازطرف شهرداری بدهی آنان تشخیص شده بطور ودیعه با شکایت نامه خود بپارکه بدایت تسلیم نمایند با دادن اختیار به پارکه نامبرده که در صورت صحیح نبودن تمام یا قسمتی از شکایت در حدود مبلغی کـه بدهی مسلم تشخیص میشود مستقیماً به شهرداری تأدیه نماید ـ پارکه دراینصورت شکایت نامه را قبول وبلافاصله بەشهرداری اطلاع میدهد که بعملیات اجرائی‌مبادرت نشود وچنانچه شروع بآن شده بحال وقفه گذارده‌شود.

پارکه پس از قبول شکایت نامه بفوریت رسیدگی اداری نموده و می‌تواند هرنوع توضیح ازشهرداری برای روشن‌شدن موضوع بخواهد ویا به پرونده مربوطه مراجعه کند ونسبت بمورد اختلاف اظهار عقیده ونظرمقتضی مینماید تا برطبق آن عمل شود.

در جاهائی که شهرداری در خارج از مقر پارکه واقع شده پارکه می‌تواند رسیدگی را رجوع بصلحیه محل‌شهرداری نماید تابعنوان قایم مقامی ازطرف پارکه رسیدگی نموده نتیجه راگزارش دهد وپارکه پس ازوصول آن تکلیف وجه ودیعه را معلوم می کند.

درهرمورد که پارکه شکایت شاکی را کلا و یا جزءً بی اساس تشخیص دهد جریمه تأخیر تأدیه نسبت بقسمتی که بی‌اساس تشخیص شده از تاریخ انقضاء مهلت معین درماده ٤ بشاکی تعلق خواهد گرفت و شهرداری آن را وصول مینماید و به شکایت از این قسمت پارکه رسیدگی نخواهد نمود.

ماده ۴۱ ـ نسبت بکیفیات عملیات اجرائی که اداره شهرداری بعد از توقیف اموال مؤدی مستنکف مینماید چنانچه شکایتی باشد پارکه مستقیماً و یا توسط صلحیه محل شهرداری رسیدگی مینماید ودرصورت احرازصحت شکایت دستورلازم برای رفع آن میدهد ـ این شکایت منافی با شکایت اداری که رسیدگی آن با مقام صلاحیت‌دار اداری است نخواهد بود.

ماده ۴۲ ـ شکایاتی که بعداز ختم عملیات اداری شهرداری برسد قابل قبول و رسیدگی درپارکه نخواهد بود.

آئین‌نامه طرزوصول عوارض‌شهرداری وجرائم مستنکفین ازپرداخت عوارض نامبرده که مشتمل بر چهل و دوماده است بشرح بالا درتاریخ سیزدهم مهرماه یکهزار وسیصد و هفده بتصویب کمیسیونهای دادگستری و کشور مجلس‌شورای ملی رسیده بموجب قانون ۱۱ مرداد ماه ۱۳۱۵ قابل اجرا است.

رئیس مجلس شورای ملی ـ حسن اسفندیاری

فهرست

قوانین موضوعه و مصوبات

دوره یازدهم قانون گذاری

فهرست تاریخی